

# ممتاز الفتاوى

مسائل فقہی و شرعی معاصر

شیخ فضل الله ممتاز

## مشخصات کتاب

نام کتاب: ممتاز الفتاوی

(مسائل فقهی و شرعی معاصر)

مؤلف: شیخ فضل الله ممتاز

سال چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش

نوبت چاپ: اول

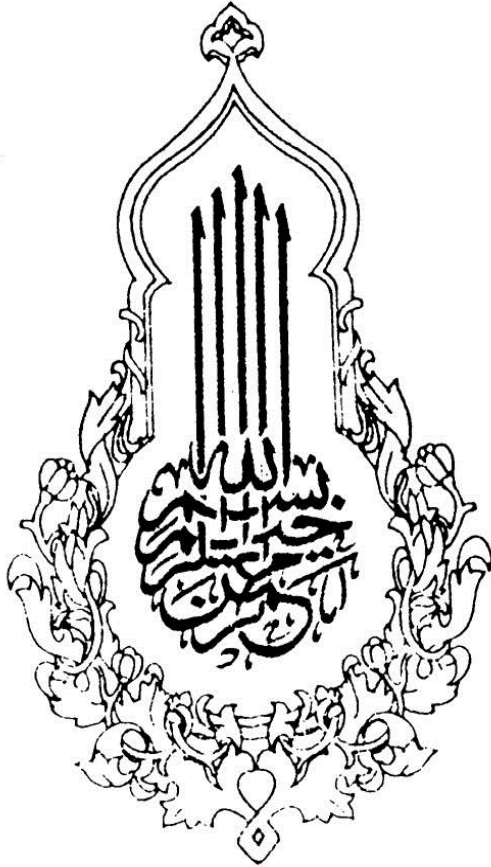
تعداد چاپ: ۱۰۰۰

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است

افغانستان - کابل

ممتاز الفتاوى

جلد پنجم





کتاب

اخلاق و آداب

عمومی

## چگونه غیبت را از مجالس خانمها منع کنیم و یا کاهش دهیم؟

یکی از خواهرانی که علاقمندی در امورات دعوتی دارد چنین سوال نموده است.

استاد خدواند برایتان اجر فروان دهد و سایه همچون شما علماء را از ما نگیرد و کم نکند من همیشه صفحه شما را تعقیب میکنم و یک سوال دارم!

بارها که من در مجالس خواهران و خانمان حضور میداشته باشم در حرج واقع میشوم ازاینکه اکثر وقت مجلس در غیبت میگذرد شما رهنمائی کنید که چگونه غیبت را از مجالس خانمها منع کنیم و یا کاهش دهیم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اولا: از این خواهر محترمه متشکرم که سوالی بسیار با اهمیت را مطرح نموده و احساس مسئولیت کرده زیرا که غیبت کردن گناه کبیره و حرام است و از آفات لسان و زبان میباشد، و از لابلای این جواب خواهران تشویق می شوند که از غیبت کردن دستبردار شوند، الله متعال بصراحت از این فعل قبیح و زشت منع نموده و فرموده است: "وَلَا يَغْتَاب بَعْضُكُم بَعْضًا"<sup>۱</sup> همدیگر غیبت نکنید یعنی به شیوه و الفاظ

<sup>۱</sup> - سورة الحجرات، آیت: ۱۲.

وکلمات یاد نکنید که سبب ناخوشنودی جانب مقابل که در مجلس حضور ندارد شود، شریعت غیبت را بزبان رسول الله صلی الله علیه وسلم چنین تعریف نموده: "ذکرک أخاک بما یکره"<sup>۱</sup> یاد کردن و نامبردن از برادر مسلمانان بشیوه و طریقه واسلوب والفاظ که سبب ناخرسندی و ناخوشنودی او گردد.

ثانیا: کسانی که در مجالس غیبت اشتراک می کنند و غیبت کننده را منع نمی کنند و از غیبت کردن اظهار نفرت نمی نمایند آنها نیز در گناه غیبت کننده مساویانه شریک بنداشته می شوند.

ثالثا: همه میدانیم که انسان چی مرد باشد و یا زن موجودی اجتماعی است، سرنوشت هر فرد با سرنوشت دیگران گره خورده است، به گونه ای که هر فردی در جامعه، هم از رفتار دیگران متأثر می شود و هم بر دیگران تأثیر می گذارد، ازینرو و بر علاوه از اصلاح نفس خود انسان، باید در اصلاح دیگران نیز سعی وتلاش نماید، چرا که بی توجهی به رفتار بد وزشت دیگران، نوعی بی اعتنایی به سرنوشت خویش است، اگر فساد و آلودگی فراگیر شود و جامعه را به ورطه ی تباهی سوق دهد، او نیز از این خطر مصئون نمانده و آتش فساد، دامن او را خواهد گرفت، لهذا

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، کتاب البر والصلوة والآداب، باب تحريم الغيبة، رقم الحدیث:

(۲۵۸۹)، (ج ۴، ص ۲۰۱).

از مهمترین واجبات مسلمان فریضه امر به معروف و نهی از منکر یعنی مردم را به نیکیها دعوت نمودن و از بدیها وزشتیها منع کردن است که این خواهر محترمه در این بخش رهنمائی خواسته.

### رابعاً: شیوه های منع کردن و کاهش دادن غیبت:

۱- متوجه ساختن غیبت کننده، باید او را به به اسلوب زیبا و خوب از غیبت کردن منع کنیم و تحذیر نماییم و حرام بودن غیبت را برایش بیان کنیم که بر علاوه از مرتکب شدن گناه اعمال نیکو و صالح انسان در نتیجه غیبت کردن محو میگردد و شخص که غیبتش شده این اعمال نیکو را به آسانی تصاحب میکند.

۲- گردانیدن سخن مجلس بطرف مسائل دیگری که به غیبت ارتباط نداشته باشد.



### صله رحم

یکی از خواهران علاقمند مسائل دینی سوال نموده :

استاد محترم یک سوال دارم صله رحم را در اصطلاح شریعت اسلامی تعریف کنید؟



الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

صله رحم در شریعت اسلامی معنایش نیکی و خوبی واحسان نمودن در عمل و زبان با اقارب و همکاری نمودن با آنها مثل احوال گیری و هر نوع همکاری با آنها و رسیدگی به مشکلات آنها، هر کس را نظر ضرورت مادی و معنوی اش، مثلاً یکی از اقارب فقیر و محتاج میباشد، دومی مریض بستری در شفاخانه است، سومی ضرورت مادی نیست لیکن در شمولیت مکتب اطفالش به همکاری ضرورت دارد، و دیگری در قسمت کاریابی نیاز به همکاری دارد.

واقاربی که شامل صله رحم میشوند ذوی الأرحام یعنی نزدیکان انسان از طرف والدین - پدر و مادر - میباشند مثل پدرکلان پدری و مادری، کاکا، عمه، ماما، خاله و اولاد های آنها.

نیکی با اقارب از علامات و نشانه های ایمان مسلمان میباشد رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح اهمیت صله را چنین بیان نموده است: "من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فليكرم ضيفه، ومن كان يؤمن بالله واليوم الآخر فليصل رحمه، ومن كان يؤمن بالله واليوم الآخر فليقل خيراً أو

ليصمت"۱، کسی که ایمان به الله متعال وروز آخرت دارد مهمان نواز باشد ومهمان خود را اکرام وعزت نماید، وكسی ایمان به او تعالی وروز آخرت دارد با اقارب خود نیکی کند، وكسی ایمان به الله متعال وروز آخرت دارد سخن نیکو بگوید ویا اینکه اصلا سکوت کند که شر از دهنش خارج نشود.



### حدود تعامل خواهران با مردان نا محرم در وسائل ارتباط جمعی

دوستی از کابل سوال می کند که آیا جواز دارد که دختران وزنان به مردان نا محرم خنده نوشته کنند؟ و دوست دانشمند وعزیز دیگری خواهان ضوابط وشروط شرعی صحبت کردن زن ومرد نا محرم شده البته هدف شان چت نمودن است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

چت کردن وصحبت کردن با نامحرم اگر بخاطر فراگرفتن علم ومعرفت احکام شرعی وسوال کردن ومشوره گرفتن باشد از اهل علم ودانش ویا داکتران طب در مسائل

۱ - صحیح البخاری، کتاب الأدب، باب: من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فلا يؤذ جاره،

رقم الحدیث: (۶۰۱۸)، (ج۸، ص ۱۱).

طبی، باکی ندارد زیرا اینترنت و صفحات فیسبوکی و توئیتر و واتساب و غیره مجال خوبی است برای فرا گرفتن علم و دانش و معرفت، و همچنان بهترین فرصت و چانس است برای علماء و دعوتگران که علم شرعی و سخن حق را برای مردم در خانه ها و دفاتر و هر جا و هر گوشه دنیا برسانند، لیکن صحبت خواهران با مردان نا محرم بخاطر رفع ضرورتها های دینی و شرعی و امور حیاتی و مشوره گرفتن بخاطر حل مشکلات باشند و این باکی ندارد بشرطی که مزاق و خنده مطرح نشود و از حدود اخلاق خارج نشود و خواهران جدا با حیاء و با عفت باشند و برای فاسقان و فاجران چراغ سبز ندهند با خنده کردن و نوشتن (hahaha) چون خنده های بیجا و قصه کردن سبب فتنه و به فحشاء کشانیدن می شود و گناه کبیره به شمار می رود.

خلاصه اینکه وسائل ارتباط جمعی سلاحی است که دو تیغ دارد هم در راه خیر استعمال می شود و هم در راهای شر، و خواهران حق مسلم شان است سوالات دینی شان را مطرح کنند و مشوره های لازم بدست بیاورند لیکن با رعایت حیاء و عفت.



## حکم گذاشتن کتابهای زبان انگلیسی بالای کتابهای دینی

سر میز کتابهای تفسیر، حدیث، فقه، عقائد و ثقافت اسلامی وجود دارد که مطالعه می‌کنم مگر کتابهای زبان انگلیسی و ادبیات و تاریخ و غیره هم نزد من است که یگان وقت بعد از مطالعه این کتابها را یکی را بالای دیگری می‌گذارم، آیا این کار از نظر شریعت جواز دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

فقههای اسلام به این نظر استند که هیچ ممانعت وجود ندارد که کتابهای دینی یاد شده در سوال بالای یک دیگر گذاشته شود، وهم کتابهای زبان و ادبیات بالای هم مانده شوند.

لیکن گذاشتن کتابهای ادبیات بالای کتابهای دینی مثل تفسیر و حدیث و فقه جواز ندارد چون کتابهای دینی شامل آیات قرآن کریم و احادیث نبوی و اسماء الله میباشد که باید احترام شوند، وهم باید بالای این کتابها اشیاء خورد و نوش و لباس و سامان و غیره گذاشته نشود و باید حرمت و احترام کتابهای دینی جدا مراعات شود و ترتیب این طور باشد:

قرآن کریم باید بالاتر از همه گذاشته شود و بالای آن هیچ نوع کتاب گذاشته نشود نی کتاب دینی و نه غیر دینی.

بعد از آن کتابهای دینی و شرعی و ثقافت اسلامی باهم ترتیب شود، و در مرتبه سوم کتابهای زبان و ادبیات و غیره مانده شود.

و مسلمان باید احترام کتابهای دینی را داشته باشد و اعضای فامیل و خانواده خود را هم بفهماند.

و مسؤولین کتابخانه های عمومی و خصوصی و کتابفروشی ها باید این ادب را مراعات کنند.



### خانه پری کردن فورمه برای دیگران ثواب دارد

اشخاص و افراد که از سواد لازم برخوردار نیستند و ساعتها را در دروازه های دفاتر، محاکم، وزارتخانه ها، سفارتها برای حصول ویزه و یا نکاح نامه و تجدید پاسپورت و معاملات دیگری شان انتظار میکشند برای این افراد نوشتن درخواستها و خانه پری فورمها در موقع ضرورت ثواب زیادی دارد و این هم یک کار خیر به شمار میرود، و مسلمان دانشمند و یا سواد باید صدقه علم و سواد و دانش خود را در موقع ضرورت بدهد و مفید واقع شود، خداوند متعال در قرآن کریم به مسلمانان امر نموده اند که: "و افعلوا الخیر"

لعلکم تفلحون"<sup>۱</sup> کار خیر را انجام دهید، ومفسرین در تفسیر این آیه مبارکه نوشته اند: این آیت شامل همه کارهای خیر و نیک و صالح می شود از جمله تعامل خوب و نیکو با مردم و همه محاسن اخلاقی و کمک کردن به دیگران و نفع رسانیدن.

ورسول الله صلی الله علیه وسلم هم فرموده اند که: "ولا تحقرن من المعروف شیئا"<sup>۲</sup> هیچ عمل نیک را کم نشمارید، و نفع رسانیدن و کمک کردن در مواقع ضرورت ثوابش بیشتر است، و در شریعت اسلامی ثواب هر کار خیر ده برابر است و ضرب ده می شود: "والحسنة بعشر أمثالها"<sup>۳</sup>.



### فضیلت عیادت مریض

عیادت و احوال پرسی از بیمار حقی از حقوق مسلمان بر برادر مسلمانش می باشد که در فضیلت آن و همچنان تشویق بر آن احادیث بسیاری وارد شده از جمله:

<sup>۱</sup> - سورة الحج، آیت: ۷۷.

<sup>۲</sup> - صحیح مسلم، کتاب البر والصلة والآداب، باب استحباب طلاقة الوجه عند اللقاء، رقم الحديث: (۲۶۲۶)، (ج ۴، ص ۲۰۲۶).

<sup>۳</sup> - صحیح البخاری، کتاب الإيمان، باب حسن إسلام المرء، رقم الحديث: (۴۱)، (ج ۱، ص ۱۷).

فرموده رسول خدا: (إن المسلم إذا عاد أخاه المسلم لم يزل في خرفة الجنة حتى يرجع)<sup>۱</sup>.

همانا مسلمان هرگاه از برادر مسلمانش عیادت نمود، پیوسته در خرفه بهشت است.

همچنان فرموده اند: (إن الله عز وجل يقول يوم القيامة: يا ابن آدم مرضت فلم تعدني، قال: يا رب كيف أعودك؟ وأنت رب العالمين، قال: أما علمت أن عبيد فلانا مرض فلم تعده، أما علمت أنك لو عدته لوجدتني عنده)<sup>۲</sup>.

خدای عزوجل در روز رستاخیز می گوید: ای فرزند آدم، بیمار شدم و تو به عیادتم نیامدی، می گوید: پروردگارا، چگونه تو را عیادت می کردم، در حالی که تو پروردگار جهانیانی؟ می فرماید: آیا ندانستی که بنده ام فلانی بیمار شد و تو از او عیادت بعمل نیاوردی، آیا ندانستی که هرگاه او را عیادت می کردی، همانا مرا نزدش می یافتی.

۱ - صحیح مسلم، کتاب البر والصلة والآداب، باب فضل عیادة المريض، رقم الحدیث: (۲۵۶۸)، (ج ۴، ص ۱۹۸۹).

۲ - صحیح مسلم، کتاب البر والصلة والآداب، باب فضل عیادة المريض، رقم الحدیث: (۲۵۶۹)، (ج ۴، ص ۱۹۹۰).

علماء بر مشروعیت عیادت مریض اجماع نموده اند و اینکه برای هر مسلمان حق است، نزدیک باشد یا دور، برای آنکه عیادتش میکند، شناخته باشد یا ناشناس.

امر به این کار و بیان مشروعیت آن در احادیث بسیاری آمده از جمله: حدیث ابوموسی: (فکوا العانی، و أجبوا الداعی، و عودوا المریض)<sup>۱</sup>، و حدیث ابوهریره: (حق المسلم علی المسلم خمس)<sup>۲</sup> که از آن جمله عیادت بیمار را ذکر نموده و در روایت مسلم آمده: (خمس تجب للمسلم علی أخیه)<sup>۳</sup> که از جمله باز هم عیادت بیمار را یادآور شده است.

همه مردم در معرض گرفتاری به بیماری و مرض قرار دارند، خواه بیماری اندک باشد یا شدید و سخت و مزمن.

از این رو، هرگاه شخص به بیماریای گرفتار شد، نیاز به کسی دارد که از او احوالپرسی نموده، او را تسلیت داد،

۱ - صحیح البخاری، کتاب النکاح، باب حق إجابة الولیمة والدعوة، ومن أولم سبعة أيام ونحوه، رقم الحدیث: (۵۱۷۴)، (ج ۷، ص ۲۴).

۲ - صحیح البخاری، کتاب الجنائز، باب الأمر باتباع الجنائز، رقم الحدیث: (۱۲۴۰)، (ج ۲، ص ۷۱).

۳ - صحیح مسلم، کتاب السلام، باب من حق المسلم للمسلم رد السلام، رقم الحدیث: (۲۱۶۲)، (ج ۴، ص ۱۷۰۴).



رنجش را تقلیل داده، با او در درد و بیماریش مشارکت ورزیده و آلام او را تخفیف دهد.

برای این و همچنان برای آنکه بیمار روح برادری و دوستی صادقانه را احساس نماید، اسلام به عیادت بیمار فرمان داده، و اینکه برایش دعای شفا شود و به سلامتی و صحت و عافیت زودرس مژده داده شود.

این کار و رابط میان او و برادرانش را استوار ساخته و محبت و مودت میانشان را میافزاید به گونه‌ای که گویا یک تن و پیکراند که هرگاه عضوی از آن به درد آید، اعضای دیگر در بیداری و خوابی و شب با آن همراهی مینمایند.



### مصافحه شرعی مطابق سنت با یک دست انجام میشود

برادر محترم ما سیف الرحمن انصاری از کابل چنین سوال نموده:

مدتی است صفحه شما را دنبال میکنم که دارای موضوعات بسیار مفید و پر محتوی میباشد. در مورد مصافحه (دست دادن) سوال دارم.

البته بعض اوقات دیده شده است که بعضی ها با خیلی عاجزی و انکساری و بعض با تکبر و غرور مصافحه میکنند و

بعض از بزرگان ما وقتی با آنها با یک دست مصافحه شود قهر میشوند و مصافحه با یک دست را برای خود توهین میدانند.

لطفا مصافحه مطابق سنت نبوی را واضح نمایید که مصافحه با یک دست جائز است یا نه؟ و یا باید هر دو دست خود را در مصافحه لازم است پیش کنیم لطف نموده این موضوع را واضح سازید تا همه مستفید شویم، بعید از لطف تان نخواهد بود.

باعث سوال این بود که در یک مجلس یک مرید با شخص بزرگی در حالت مصافحه بود و از بوسیدن دستش هم اجتناب کرد که بزرگ با لهجه بسیار خشن برایش گفت: اگر آینده با من همراه یک دست مصافحه کردی یک سلی در رویت میزنم که عقل در سرت بیایه، من دور نشسته بودم منظر را دیدم فکر کردم شاید مصافحه با یک دست حرام باشد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

مصافحه و قول دادن با دست از آداب اسلامی و اخلاق نیکو پنداشته می شود که عبارت از اظهار محبت، دوستی، برادری و اخوت میباشد و نشانه از اظهار همدلی بین مسلمانان است و این روش و اخلاق نیکو بغض، دشمنی

وعداوت را از بین میبرد، رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَلْتَقِيَانِ فَيَصَافِحَانِ إِلَّا غُفِرَ لَهُمَا قَبْلَ أَنْ يَفْتَرِقَا"<sup>۱</sup>، هنگامیکه دو مسلمان روبرو میشوند و با هم مصافحه می نمایند و قبل از اینکه از هم جدا شوند و هر یکی در راه خود برود الله متعال گناهان شانرا می بخشد.

از اینرو مصافحه و قول دادن از سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم است و از عملکرد مشهور صحابه کرام بوده و فقهاء آنرا مستحب میدانند.

فقهاء از نصوص و نقول شرعی احادیث و آثار استنباط نموده اند که مصافحه و قول دادن با یک دست محقق می شود، و عینا در مطابقت با سنت قرار دارد.

اما مصافحه کردن و قول دادن با هر دو دست عادت دائمی رسول الله صلی الله علیه وسلم و صحابه کرام نبوده لیکن اگر کسی می کند باکی ندارد، لیکن اولی و افضل و بهتر مصافحه با یک دست است، مصافحه با دو دست در بعض احادیث، آثار و نصوص ذکر شده بخاطر تعلیم امت

<sup>۱</sup> - سنن أبي داود، أبواب النوم، باب في المصافحة، رقم الحديث: (۵۲۱۲)، (ج ۴،

بوده، لیکن بازهم تأکید می شود که مصافحه کردن با دو دست باکی ندارد.

اما سجده کردن و انحناء نمودن بنیت تعظیم پیر تصوف و طریقت و صوفیهای سیفی و بابیه جانی گناه بزرگ پنداشته می شود و حرام است که انسان را بسرحد شرک میکشاند.

پیر طریقت سیفیها و بابیه جانیها در حقیقت انسانهای گمراه هستند که مردم و مریدان خود را بتعظیم و عبادت خود دعوت میدهند که هر دو طرف یعنی پیر و مرید در شرک الوهیت واقع می شوند.



### استعمال رنگ سیاه برای موی خانمها

یکی از خواهران علاقمند مسائل دینی از شهر کابل سوال نموده:

سوالی دارم در رابطه به رنگ خانمها موهای شانرا با رنگ سیاه؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

فقههای معاصر حرام بودن رنگ نمودن مردان موهای شانرا با رنگ سیاه اتفاق دارند زیرا رسول الله صلی الله علیه

وسلم در حدیث صحیح به صراحت از این کار منع کرده و فرموده است: "غیروا هذا بشئ، واجتسوا السواد"<sup>۱</sup> سفیدی موهای تانرا تغیر دهید با هر رنگ که می خواهید لیکن از رنگ سیاه خود داری کنید.

اما در مورد رنگ نمودن خانمان موهای شانرا با رنگ سیاه فقهای معاصر اختلاف نظر دارند که قرار ذیل:

بعض فقهاء رنگ موی را برای خانمها با رنگ سیاه مکروه دانسته اند و بعض شان آنرا حرام دانسته اند زیرا در حدیث به صراحت منع شده که شامل مرد وزن میشود.

لیکن قول سومی این است که برای شان جایز و مشروع است بخاطر آرایش برای شوهران، قول چهارمی این است که جایز است لیکن به اجازه شوهر.. لیکن به نظر قول دومی یعنی رنگ کردن موهای خانمها با رنگ سیاه حرام است و در حدیثی که منع شده زن و مرد را فرق ننموده و هر دو در این حکم داخل است.



<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، کتاب اللباس والزینة، باب فی صبغ الشعر وتغییر الشیب، رقم الحدیث: (۲۱۰۲)، (ج ۳، ص ۱۶۶۳).

## آداب شرعی قیچی کردن موهای خانمها

یکی از خواهران سوال نموده :

السلام علیکم ورحمت الله! یک سوال دارم ایما پیکی  
قیچی کردن گناه دارد یا خیر.. حکم کوتاه کردن موی زنان  
از نظر اسلام چیست ؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:

قیچی کردن موی خانمها در اصل مباح است و تنها در  
این حالات حرام شمرده می شود:

۱- قیچی کردن بخاطر اینکه خود را به مردهای  
نامحرم نشاندهی کند.

۲- در صورت که خود را مشابه به خانمهای غیر  
مسلمان بسازد.

۳- یا اینکه با این قیچی کردن خود را با مردان مشابه  
سازد.

۴- اگر موهایش را در سالونهاى مردانه توسط مرد  
نامحرم اصلاح کند.

۵- بدون اجازه شوهر و مطابق خواهش شوهر نباشد.

در غیر این حالات قیچی کردن و کوتاه کردن و اصلاح نمودن موهای خانمها مباح است خصوصاً اگر خانمهای شوهر دار برای زینت و آرایش بخاطر شوهر شان میکنند، و در حدیث صحیح که امام مسلم روایت کرده: "كَانَ أَزْوَاجُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَأْخُذْنَ مِنْ رُؤُوسِهِنَّ حَتَّى تَكُونَ كَالْوُفْرَةِ"<sup>۱</sup> امهات المؤمنین موهای شان را اصلاح می نمودند که بدست گرفته می شد تا به نرمی گوش میرسید.

این حدیث دلالت به جائز بودن قیچی کردن موهای خانمها می کند.



### ضوابط شرعی آرایش کردن خانمها

یکی از علاقمندان مسائل دینی سوال نموده :

زنی میگوید: من ابروی بسیار کم و نهایت ضعیف دارم، و مرا بد چهره نمایان میسازد، نزد شوهرم به این خاطر بد نمود میباشم، آیا این یک عذر شمرده میشود که به چیدن آن اقدام کنم؟

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، کتاب الحيض، باب القدر المستحب من الماء في غسل الجنابة، وغسل الرجل والمرأة في إناء واحد في حالة واحدة، وغسل أحدهما بفضله الآخر، رقم الحديث: (۳۲۰)، (ج ۱، ص ۲۵۶).

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

الله متعال زیباست و زیبائی را دوست دارد، لیکن آرایش نیز حد و حدود شرعی دارد که باید خانمان مسلمان به آن پابند باشند.

ابرو چینی حرام است در هر صورت، مگر اینکه از حالت عادی زیاد باشد و شکل انسان را خراب نشان دهد و یا اینکه اذیت کند انسان را، و بعضی علماء جائز دانستند بخاطر زینت به شوهر و به اجازه شوهر، علی کل حال راجح این است که اجازه شوهر ابروچینی را برای خانمها حلال ساخته نمی تواند.

ابروچینی حرام است به شکل مستقل و مقید به اجازه شوهر نیست و اجازه شوهر نمی تواند حرام را حلال بسازد، حرام بودن به هر دو کسی است که میکند و کسی می طلبد است، در حدیث صحیح چنین آمده (لعن الله الواشمات والمستوشمات، والنامصات والمتنصات، والمتفلجات للحسن المغيرات خلق الله)<sup>۱</sup>، هر دو مورد لعنت قرار گرفته، زیرا ابرو چینی تغییر آوردن در خلقت خداوند است، ازینرو لعنت شده، و لعنت به گناه بزرگ و کبیره گفته می شود که انسان

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، کتاب اللباس والزینة، باب تحريم فعل الواصلة والمستوصلة والواشمة والمستوشمة والنامصة والمتنصة والمتفلجات والمغيرات خلق الله، رقم الحديث: (۲۱۲۵)، (ج ۳، ص ۱۶۷۸).



را بطرف آتش دوزخ سوق میدهد، تنها در صورت جواز دارد که اینکه بسیار دراز باشد و در داخل چشم برود و سبب آزار و اذیت او شود و شکل و صورت زن را بد و خراب جلوه دهد و او را بد شکل نشان دهد.

### ضوابط شرعی آرایش کردن زنان :

۱- در آرایش کردن از مواد و سامان آرایش که حرام باشد استفاده نشود.

۲- خانمهای که آرایش می کنند خود را قسمی نسازند که به مردان مشابهت داشته باشند.

۳- قسمی آرایش نکنند که خلقت الله تعالی را در جان و جسم شان تغییر دهند.

۴- در آرایش زنان غیر مسلمان را تقلید نکنند به آنها مشابه نشوند.

۵- به اندازه آرایش نکنند که اسراف پنداشته شود.

۶- سامان آرایش را استعمال نکنند که طهارت و وضوء و رسیدن آب را منع کند مثل رنگ ناخن.

۷- به قسمی آرایش نکنند که به صحت شان ضرر برسد زیرا بعض از زنان بخاطر آرایش و زیبائی خود را از دست میدهند و هلاک می شوند.



### تبریکی دادن سال نو هجری مباح و مشروع است

یکی از علاقمندان مسائل دینی از ولایت بلخ چنین سوال نموده:

آیا تبریک گفتن سال نو گناه دارد یا خیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اگر کسی سال جدید را برای شما تبریک و تهنئت بگوید شما جواباً تبریکی بگویید، برای شما همچنان، در ضمن تبریکی دعای خیر نموده به درازی و برکت در عمر در طاعت الله متعال نیز برای اخوت و وحدت و محبت در بین مسلمانان و کامیابی آنها بر دشمنان دعاء نمایید.

تبریکی دادن سال جدید در بین مسلمانان که: اخوت، محبت و دوستی و همدلی را از دیاد می بخشد مانع شرعی ندارد یک عادت مباح است و هیچ نص و دلیل شرعی وجود ندارد که از تبریکی دادن سال نو منع کرده باشد، و علمای که تبریکی ندادن را بهتر دانسته اند اجتهاد و استنباط

شخصی شان است، وبه نظر بنده فقیر: "الأصل في الأشياء الإباحة" اصل در عادات مباح بودن است تا اینکه دلیلی برای حرام بودن آن وجود داشته باشد، این امر عادت است نی عبادت.

لیکن هدف اظهار خوشی، و خوش ساختن دوستان بوده باشد، و در تهنیئت و تبریکی باید الفاظ و کلمات و جملات زیبا و ایمانی انتخاب شود، مثلا: کل عام وأنتم بخیر.

بناء تبریک گفتن سال نو گناه ندارد و در عین حال سنت هم نیست، تنها یک عادت است.



### چکچک کردن و ایستادن در وقت سرودن سرود ملی

دوستی سوال نموده که :

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته! محترم استاد درئ پوختنی لرم. اول چکچکی د اسلام د نظره سنگه دی؟ دوهم. د استاد د احترام د پاره د شاگردانو ولاژیدل؟ او ملی سرود د احترام د پاره ولاژیدل؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، اما بعد:

به احترام معلم اگر به نیت تشبه به غیر مسلمانان نباشد باکی ندارد، به طرف این سه موضوع باید در دائره عادات نظر کنیم نه عبادات و عقائد.

۱. امور فوق الذکر اگر به نیت تعظیم نباشد تنها در دائره عادت بماند جواز دارد.

۲. اگر به نیت تشبه به غیر مسلمانان نباشد نیز مشکل شرعی ندارد.

۳. تنها از باب عادت باشد مانع شرعی ندارد.

لیکن اگر به نیت تعظیم، و تشبه به غیر مسلمانان باشد جواز ندارد، به طرف این سه موضوع باید در دائره عادات نظر کنیم نه عبادات و عقائد.



### شطرنج بازی کردن حرام است

سلام استاد محترم خدا کند که دارای صحت کامل بوده باشید کودتا که از طرف نظامیان در مقابل مردم و حکومت ترکیه صورت گرفته بود که در نتیجه به ناکامی کودتا انجام

شد تبریک گفته بعدا از تبریکی سوال دارم که قطعه بازی  
وبازی شطرنج مانع شرعی وجود دارد یاخیر؟

سلام استاد محترم! سوال دارم که قطعه بازی مانع  
شرعی وجود دارد یاخیر؟

البته علماء در مورد بازی شطرنج به سه قول و نظر  
تقسیم شدند و اختلاف دارند بعضی شان آنرا مباح دانستند  
بدون قمار، بعضی شان مکروه گفتند، وجمهور علماء ازان  
جمله مجموعه از صحابه کرام و ابوحنیفه رضی الله عنهم  
شطرنج را حرام شمردند، زیرا سبب ضیاع وقت و کینه و بغض  
وعداوت می شود در بین مسلمانان و اگر دران قمار شامل  
باشد حرام بودنش تأکید بیشتر می شود.

قطعه وپر بازی اگر سبب ضیاع فرائض وواجبات،  
وقضای نماز، عداوت و دشمنی، و نافرمانی پدر و مادر شود  
حرام شمرده می شود، و بهتر است که زیاد وقت را درین  
بازی ضایع نکنند که از خوارم مروت پنداشته می شود.

- اگر دران قمار شامل باشد نیز حرام شمرده می شود.

- بعضی علماء آنرا مکروه دانسته.



## آداب تعامل با اوراقی که مشتمل بر آیات قرآنی و احادیث نبوی است

یکی از دوستان محترم از شهر کابل نوشته :

استاد گرامی در وزارت داخله کار میکنم بعضی مکتوب و استعلام ها که غلط پرنسنت میشود باید که در کثافت دانی انداخته شود که در آنها اسم الله نوشته میباشد من تمام جای هایکه اسم الله جل جلاله نوشته میباشد چیر میکنم و در جیب خود نگهمیدارم تا جای مناسب پیدا کنم.

آیا اگر در مکتوب ها اسم الله و کلیمه که در نشان افغانستان است در کثافت دانی انداخته شود گناه دارد یا خیر؟ چیکار کنم که گنهگار نشویم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، اما بعد:

اولا: این هم بسیار جای خوشی وافتخار است که حتی برادران ما که در بخشهای عسکری ونظامی وظیفه دار هستند به فکر این هستند که باید دین ومقدسات خود را احترام داشته باشیم ودین وایمان ما مقدمتر از همه چیز است ودر مواردی که برای شان حکم شرعی معلوم نباشد از علماء ودانشمندان خود پرسان می کنند.

ثانیا: اخبار، جزائد، اوراق، مکتوبها وغیره کاغذاتی که دران اسماء الله، آیات قرآنی واحادیث نبوی درج است باید به شیوه های محترمانه تلف واز بین برده شود، یا توسط همان ماشین ذوب کننده کاغذ که اکثرا در دفاتر فعلا مروج است، ویا اینکه، سوختانده شود، ویا در دریا وآب انداخته شود، ویا دفن شود، تا اینکه مورد اهانت وبی احترامی قرار نگیرد ومسلمان درین مورد توجه جدی نماید.



### در حجاب خانمها رنگ سیاه شرط نیست

یکی از خواهران چنین سوال نموده :

استاد محترم آیا حجاب رنگه خوبتر است یا حجاب سیاه ؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

دین مبین اسلام زن مسلمان را به پوشیدن لباس معین امر نموده است، لباسهاییکه تمام بدن وی را بپوشاند، کرامتش را حفظ نموده و وی را از نظر مردان نامحرم مصئون نگهدارد، وشریعت اسلامی به کیفیت آن حجاب نیز رهنمائیها وشروط دارد که باید در نظرگرفته شود وهمین شروط شرعی را علماء قرار ذیل بیان نموده اند :

- ۱- تمام بدن زن را بیوشاند.
- ۲- حجاب به ذات خود فینشنی نباشد که توجه مردان نامحرم را جلب کند.
- ۳- ضخیم باشد و نازک نباشد.
- ۴- کلان و آزاد باشد، چسپ نباشد.
- ۵- معطر و آغشته به عطر نباشد.
- ۶- مشابه لباس زنان غیر مسلمان نباشد.
- ۷- مشابه لباس مردان نباشد.
- ۸- به هدف شهرت میان مردم نباشد.

برای خانمها وخواهران جواز دارد ومشروع است که حجابها را به رنگهای مختلف وگوناگون بپوشند و رنگ آن را مطابق موسم تابستان وزمستان انتخاب کنند مثلا رنگ سیاه در زمستان مناسب است، اما در تابستان وموسم گرما رنگیکه آفتاب را جذب نکند می توانند انتخاب کنند، تنها حجاب تنگ نباشد، وبه کالای مردان شباهت نداشته باشد، ونیزتیز رنگ نباشد که توجه مردان نامحرم را جلب کند، همچنان گلدار زیاد نباشد، ونیز این شرط نیست که حتما همان چادری مروج را بپوشند ، الله متعال در قرآن کریم



فرموده است: "وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ"<sup>۱</sup> در خارج از خانه در مقابل نا محرمان زینت شان را اظهار نکنند و این امر شامل حجاب و همه کالاهای زنانه می شود، الله متعال خانمان را امر کرده است که زینت و فیشن شانرا به مردان نا محرم ظاهر نکنند: "وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ"<sup>۲</sup>.

و در حدیث ابی هریره رضی الله عنه آمده به تصحیح شیخ البانی: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: "لَا تَمْنَعُوا إِمَاءَ اللَّهِ مَسَاجِدَ اللَّهِ ، وَلَكِنْ لِيُخْرِجَنَّ وَهِنَّ تَفَلَاتٌ"<sup>۳</sup> خانمها را از مسجد رفتن منع نکنید لیکن معطر شده خارج نشوند به این معنی که با لباسهای ساده مسجد بروند.



### حجاب لباس تقوا و پاکیزگی خواهران است

یکی از خواهران هموطن ما مقیم جرمنی چنین سوال

نموده:

۱ - سورة النور، آیت: ۳۱.

۲ - سورة النور، آیت: ۳۱.

۳ - سنن أبی داود، کتاب الصلاة، باب ما جاء فی خروج النساء إلى المسجد، رقم الحدیث: (۵۶۵)، (ج ۱، ص ۱۵۵).

استاد محترم شما شاید از طریق رسانه ها شنیده باشید که محکمه اروپایی حجاب را منع کرد علت این کارش چی باشد، آیا حجاب مانع کار و پیشرفت و وظیفه میشود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

بدون شک این فیصله ظالمانه محکمه اروپائی در حقیقت ناشی از دشمنی دیرینه و جدید با دین مبین اسلام و عبادات و شعائر این دین آسمانی میباشد که حجاب یکی از فضائل و زیباییها این دین است.

آنها از این بیم و ترس دارند که حجاب سبب نشر دین مبین اسلام و مشرف شدن هزارها زن به این دین می شود.

همین حجاب شرعی است که خانمهای مسلمان را معرفی میکند و نیز عزت و کرامت شان را حفظ می نماید و مورد آزار و اذیت فاسقان و فاجران قرار نمی گیرند: "ذلك أدنى أن يعرفن فلا يؤذین"<sup>۱</sup>.

حجاب نشانه از حیاء و عفت زن مسلمان میباشد، تقوا و ایمانداري اش از لابلاي گفتار، رفتار، عملکرد و نوعیت و روش پوشیدن لباسش معلوم می شود و از بی حجائی که روش و کردار خانمهای جاهلیت قبل اسلام بوده دوری می

<sup>۱</sup> - سورة الأحزاب، آیت: ۵۹.

جوید و امر و دستور الله متعال را بالای خود تطبیق می کند که فرموده است: "وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى" <sup>۱</sup>.

بی حجابی نکنید مثل بی حجابی زنهای عصر جاهلیت اولی قبل از اسلام، رسول الله صلی الله علیه در حدیث صحیح که امام مسلم روایت کرده فرموده است: "صنفان من أهل النار لم أرهما: قوم معهم سياط كأذناب البقر يضربون بها الناس، ونساء كاسيات عاريات مميلات مائلات، رؤوسهن كأسنمة البخت المائلة لا يدخلن الجنة ولا يجدن ريحها، وإن ريحها ليوجد من مسيرة كذا وكذا" <sup>۲</sup>.

دو طائفه وگروه از مردم را دیدم که در آتش دوزخ بشدت وسختی عذاب می شوند اولی کسانی بودند که مردم را در دنیا با عصا چوبها که درازی اش مثل دمب گاو شباهت داشت مورد زند لت و کوب و آزار واذیت قرار میدادند، ودومی خانمان وزنهای که بی حجاب که لباسهای نازک وتنگ به تن داشتند که بخش از جسم شان را به مردم نشان دهند و آنها را در فتنه واقع سازند، در حالیکه موهای سر شان را مثل قسمت بالای شتر ساخته اند، به اینجا بو وشمالهای جنت وبهشت هم نمی رسد حالانکه

<sup>۱</sup> - سورة الأحزاب، آیت: ۳۳.

<sup>۲</sup> - صحیح مسلم، کتاب اللباس والزینة، باب النساء الكاسيات العاريات المائلات المييلات، رقم الحديث: (۲۱۲۸)، (ج ۳، ص ۱۶۸۰).

شمالهای بشهت از مسافه های بسیار دور ملاحظه می شود. به این معنی که اینها با بی حجابی و مرتکب شدن اعمال زنان جاهلیت بین خود و جنت فاصله و مسافه بس برزگی را ایجاد کردند.

ما و شما میدانیم که دین مبین اسلام زن مسلمان را به پوشیدن لباس معین امر نموده است، لباسیکه تمام بدن وی را بپوشاند، کرامتش را حفظ نموده و وی را از نظر مردان مصئون نگهدارد، و شریعت اسلامی به کیفیت آن حجاب نیز رهنمائیها و شروط دارد که باید در نظر گرفته شود و همین شروط شرعی را علماء قرار ذیل بیان نموده اند:

۱- تمام بدن زن را بپوشاند. ۲- حجاب به ذات خود فینشنی نباشد که توجه مردان نامحرم را جلب کند. ۳- ضخیم باشد و نازک نباشد. ۴- کلان و آزاد باشد، چسپ نباشد. ۵- معطر و آغشته به عطر نباشد. ۶- مشابه لباس زنان غیر مسلمان نباشد. ۷- مشابه لباس مردان نباشد. ۸- به هدف شهرت میان مردم نباشد.

لباس چسپ با مقصد حجاب که ستر میباشد تناقض دارد، وقتی که لباس زن مسلمان آزاد و کلان نباشد، پس آن از لوازم زیب و زینت محسوب میگردد و عورت زن ظاهر گردیده و اندام وی نیز بطور بارز دیده میشود که تمام اینها باعث جلب توجه نظرات خبیث و قلب های مریض میگردد،

به همین خاطر از مواصفات لباس زن مسلمان این است که ضخیم باشد تا اندام وی از عقب آن ظاهر نگردد، چون هدف از حجاب ستر میباشد پس زمانیکه ستر واقع نشود حجاب نامیده نمی شود، چون مانع رویت و دید مردم نمی گردد.

قسمیکه حجاب جهت وقایه اجتماع از آزار و اذیت، امراض قلب های مریض مردان و زنان و قطع کننده اطماع حریص و نظرات خائین میباشد، رسیدن آسیب به مردان و زنان را دفع نموده و زنان را از مبتلا شدن به فحشا باز میدارد و جهت دور کردن افکار بد و زشت و دوری جستن از شک و شبهات و خاطرات شیطانی میباشد.

تمام اینها از فواید حجاب میباشد، خلاصه اینکه پوشیدن حجاب دلالت به حیاء، عفت، عزت و پاکی زن و مرد مسلمان میکند قسمیکه الله متعال در قرآن کریم فرموده است، "ذکم أظهر لقلوبکم وقلوبهن"<sup>۱</sup>.

همین حجاب شرعی است که خانمهای مسلمان را معرفی میکند و نیز عزت و کرامت شان را حفظ می نماید و مورد آزار و اذیت فاسقان و فاجران قرار نمی گیرند: "ذک أدنی أن یعرفن فلا يؤذین"<sup>۲</sup>.

۱ - سورة الحزاب، آیت: ۵۳.

۲ - سورة الأحزاب، آیت: ۵۹.

نیز حجاب بدون شک لباس تقوا و پاکیزگی است که به خیر خواهران تمام می شود نظر به نص آیت قرآن کریم: "ولباس التقوی ذلك خیر" <sup>۱</sup>، و دعاء میکنیم که اللهم استر عوارتنا وعورات نساء المؤمنین.



### حتی در تلاوت قرآن کریم باید مسلمان به مسلمان اذیت نرساند

یکی از دوستان سوال نموده که :

استاد السلام علیکم! بعض مردم عادت دارند که در وقت تلاوت و خواندن قرآن کریم به صدای بلند اذهان کسانی را که در نماز هستند مشوش میسازند این جی حکم دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

تلاوت قرآن کریم از خود آداب دارد و از جمله این آداب این است که به خشوع خوانده شود و تدبر شود در معانی، و نیز سبب آزار و اذیت دیگران نشود زیرا اذیت رسانیدن به دیگران حرام است و کسی که توسط تلاوت کردن اذهان

<sup>۱</sup> - سورة الأعراف، آیت: ۲۶.

دیگران را مشوش سازد و آنها را وادار کند که نماز شان غلط شود اجر و ثواب تلاوت را از دست میدهد.

در حدیث صحیح به روایت امام احمد از رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت است که فرموده اند: "إِنَّ الْمَصْلِيَّ يَنَاجِي رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَلْيَنْظُرْ أَحَدَكُمْ بِمَا يَنَاجِي رَبَّهُ، وَلَا يَجْهَرُ بِعَضْكُمْ عَلَى بَعْضٍ بِالْقِرَاءَةِ"<sup>۱</sup> نمازگزار در حالت مناجات الله متعال می باشد و هر یکی تان ببیند حالت خود را که به کدام وسیله و چطور الله متعال را ناجات میکند و عبادت میکند و یکی بالای دیگر جهر خوانی نکند و به صدای بلند نخواند در صورت که به عبادت و نماز دیگران ضرر برسد.

نیز در حدیث صحیح دیگری که ابوداود روایت کرده رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: "أَلَا إِنَّ كُلَّكُمْ مُنَاجٍ رَبَّهُ، فَلَا يُؤْذِينَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا، وَلَا يَرْفَعُ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الْقِرَاءَةِ، أَوْ قَالَ فِي الصَّلَاةِ"<sup>۲</sup> آگاه باشید که همه شما در حالت مناجات و عبادت الله متعال می باشین و یک به دیگری اذیت نرسانید و صدای تان را بلند نکنید در خواندن و یا در نماز.

۱ - مسند أحمد، مسند المكثرين من الصحابة، مسند عبد الله بن عمر رضي الله عنهما، رقم الحديث: (۵۳۴۹)، (ج ۹، ص ۲۵۱).

۲ - سنن أبي داود، كتاب الصلاة، أبواب قيام الليل، باب في رفع الصوت بالقراءة في صلاة الليل، رقم الحديث: (۱۳۳۲)، (ج ۲، ص ۳۸).

البته صدا دران صورت بلند نشود که به ديگران اذيت برسد اما اگر به کسی اذيت نرسد مشکل نيست که مسلمان به تنهای باشد، صداى خود را بلند کند.



### په اسلام کې د يتيم پالنې او روزنې ارزښت

په دې ليکنه کې غواړو د يتيمانو سرپرستۍ، د هغوي سره د غوره چلند او د هغوى مال ساتلو او داسې نورو ارزښتمنو موضوعاتو لنډه يادونه وکړو او په دې اړه يو څو په زړه پورې مطالب ستاسې مخې ته کيږدو. البته دا مقاله به له دې څخه را پيل کړو چې څه ډول کولى شو پخپله افغاني ټولنه کې د يتيم پالنې فرهنگ ته وده ورکړو؟

لومړۍ: د يتيم پالنې فرهنگ ته وده ورکول:

يتيم وروسته له دې چې خپل مور يا پلار او يا دواړه له لاسه ورکړي (او دا يتيم لا کوچنی وي)؛ نو پدې صورت کې د بل چا پالنې او روزنې ته خور اړتيا لري او له هغه سره مرسته کول نيکي گڼل کيږي چې له زيات اجر څخه به خالي نه وي. په عين وخت کې دا د اسلامي امت له افرادو سره يو لړ مرسته هم گڼل کيږي چې دخپلې ټولنې له بې وزلانو سره، بيا په ځانگړې توگه کله چې دوي



د نورو مرستو ته اړتيا ولري مرسته وشي او د  
تولني يو لړ شتمن او توانمن خلک د هغوی پالنه  
او روزنه وکړي.

په خپله ټولنه کې د یتیم پالنې فرهنگ ته وده  
ورکول او د یتیمانو په ستومانه ژوند کې  
خوشحالي او سوکالي راوستل په حقیقت کې یوه  
لویه نیکي تر سره کول دي، هغه نیکي د کوم په  
اړه چې مونږ ته د لوی پروردگار له لوري امر  
شویدی، په ځانگړې توگه هغه خلک باید د دې دود  
او فرهنگ په ترویجولو کې زیاته ونډه واخلي،  
پر چا باندې چې لوی څښتن تعالی د مال او د  
شتمني پېرزوینه کړېده او هم د یتیمانو د روزنې  
توان ولري. لوی څښتن تعالی په دې اړه مونږ ته  
داسې ارشاد فرمایي: "وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ  
الْمُحْسِنِينَ"<sup>۱</sup>.

ترجمه: او نیکي کوئ (له هر چا سره، په  
ځانگړې توگه له رښتینو مجاهدینو سره) خامخا الله  
تعالی له نیکي کوونکو سره دوستي کوي.

<sup>۱</sup> - سورة البقرة، الآية: ۱۹۵.

دويم: د يتيم تر څپرکتيا پورې د هغه د مال ساتنه کول:

کله چې مونږ قرآنکریم کریم لولو؛ نو مختلف داسې آيتونه مو مخې ته راځي چې مونږ ته د يتيمانو د پالنې په اړه سپارښتنه کوي، د خپل مال په يوې مناسبې اندازې سره د هغوی روزنه او پالنه وکړو، نوی جامې او بڼه لباس ورته واخلو او تر هغه پورې چې زمونږ د څارنې او لاس لاندې وي ورته خواړه ورکړو.

همدا راز له يتيم سره به زمونږ ښېگڼه اونیکي دا وي چې له بلوغ او د رشد تر مرحلې پورې د هغه د مال ساتنه وکړو او له دې مرحلې وروسته هغه ته د پلار څخه پاتې شوی مال ټول بېرته وروسپارو، پدې شرط چې دا يتيم بايد د څپرکتيا او دذکاوت داسې پېر او ته رسېدلی وي چې وکولی شي خپل مال په سمه توگه سره مصرف کړای شي. د يتيم مال بايد ونه خوړل شي، داسې ونشي چې د يتيمانو د مال څخه بڼه مال واخستل شي او په معاوضه کې خراب او بیکاره مال ورته بېرته ورکړل شي، بلکه تر خپلې وسې ښېگڼه ورسره وکړو او هيڅکله هم خپل مال د هغوي له مال سره گډ نکړو. پدې اړه لوی څښتن تعالی مونږ ته داسې لارښودنه کوي او ارشاد فرمايي چې: "وَأْتُوا

الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا<sup>۱</sup>.

ترجمه: او (ای د یتیمانو ساتندویانو! تاسې) یتیمانو ته د دوي مالونه ورکړئ (وروسته له دې چې دوي خپرکه شي) او تاسې ښه مال په بد مال سره مه بدلئ او تاسې ددوي مالونه د خپلو مالونو سره (گډ) مه خورئ، خامخا په دې کار کې لویه گناه ده.

همداراز که چیرې یو ولي (د یتیمانو سرپرست) نشي کولی چې په عادلانه توگه سره د یتیمانو حقوق په پوره توگه سره آداء کړي؛ نو بیا دې د دوي له حقوقو څخه ځان وساتي. په قرآنکریم کې په دې اړه داسې راغلي دي: "وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسُطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ"<sup>۲</sup>.

ترجمه: او که چیرې تاسې ویرېږئ چې د یتیمانو په (حق کې) به عدل ونکړای شئ؛ نو بیا چې خومره مو خوښې وی، یوه، دوه، درې او یا څلور (مېرمنې) په نکاح سره واخلي.

۱ - سورة النساء، الآية: ۲.

۲ - سورة النساء، الآية: ۳.

در بيم: د يتيم پالنه هيڅکله هم د هغه سره په مال او حقوقو کې د گډون معنا نلري:

دا پورتنۍ خبره شايد د ډېرو لوستونکو پر وړاندې غامضه (گونگه) وي او په بڼه توگه سره واضحه نه وي، د همدې لپاره غواړو دا موضوع لږه نوره هم روښانه او څرگنده کړو:

دا پورتنې مبارک آيتونه چې تاسې د سورة النساء په مبارک سورت کې ولوستل د ايتامو (يتيمانو) د سرپرستانو په اړه دي، قرآن کریم د يتيمانو روزونکو ته سپارښتنه کوي تر څو د يتيم مال هدر (ضايع) نشي او حق يې ونه خوړل شي، د يتيم د مال خوړلو لپاره بايد داسې پلمه او چل جوړنشي تر څو د هغه بڼه مال له خپل مال سره گډ شي او پدې توگه سره د هغه بې وزله انسان مال تلف شي، قرآن ددې ډول کار او ناروا جرأت لپاره د (حُوباً) کلیمه کارولی ده چې تاسې په مخکېني آيت کې ولوستله او دا کلیمه د يوې سترې گناه معنا افاده کوي.

که چېرې يو څوک د يوې يتيمې انجلۍ سرپرستي په غاړه ولري او بيا وغواړي چې له هغې سره واده وکړي؛ نو پدې صورت کې د دې يتيمې انجلۍ سرپرست او څارونکي ته پکار دي

چې د هغې په مهر او مال کې له ظلم څخه ځان وژغوري او د هغې سره دې هېڅکله هم ددې لپاره واده نه کوي تر څو د هغې بې وزلې مال تر خپلې ولکې لاندې راولي. (په دې اړه په تفسیر کابلي کې لیکل شوي دي چې: د یوې انجلۍ سره به د اسلام په آوایلو کې مخکې له دې چې دا مبارک آیت را نازل شي د دوو هدفونو لپاره واده تر سره کېده:

لومړی هدف: کله کله به داسې پېښېدل چې ددې یتیمې انجلۍ سرپرست اوساتونکي شخص به ددې یتیمې انجلۍ سره د هغې د بنائست له کبله او هم د هغې د ځمکې، زیاتو باغونو او د مال له کبله واده کاوه؛ (که څه هم چې هغه به پدې واده سره ناخوښه وه)، خو ستونزه به دا وه چې هغې به بل څوک نه درلوده تر څو شکایت ورته وکړي او د خپل خاوند څخه د حق مطالبه او غوښتنه وکړي.

دویم هدف: کله به داسې هم کیدل چې دا یتیمه انجلۍ به دومره بنائسته نه وه، خو له مړ شوي پلار څخه به ورته زیاته شتمني او مال پاتې و؛ نو دې شخص به یواځې د هغې د مال په خاطر ورسره نکاح تړل غوښتل، تر څو د هغې مال دده له لاس څخه ونه وځي او په مال کې ورسره بل څوک شریک نشي، خو له دې انجلۍ سره به بې دومره مینه نه ساتله؛ نو دا مبارک آیت را نازل شو او د

یتیمانو سرپرستان له دې کار څخه منع شول او ورته د حل لاره هم وروښودل شوله او هغه دا چې که چیری ویریزې چې عدل په پام کې نشي نیولی او حق تلفي رامنځ ته کېږي؛ نو په دې صورت کې دې له بل چا سره خپله نکاح وتړي).

څلورم: یتیم ته مه په قهر کېږئ:

د یتیم سره به زموږ بله ښېگڼه دا وي چې پر هغوی هر وخت غصه ونکړو، بلکه د خپل اولاد په څېر د هغوی روزنه او پالنه وکړو: لکه چې قرآنکریم په دې اړه مونږ ته داسې لارښودنه کوي: "فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ"<sup>١</sup>.

ترجمه: او یتیم ته مه په قهر کېږه (بلکه د هغه د پلار په شان اوسه).

په پورتنی مبارک آیت کې د یتیم سرپرست ته ددې ښودنه شوېده چې نوموړی باید د هر هغه عمل څخه ځان وژغوري چې په هغې سره د یتیم په حق کې ظلم رامنځ ته کېږي او یتیم زورونه پکې حس کېږي. (پدې اړه علامه سعدي رحمه الله پخپل تفسیر کې فرمایي: تاسې له یتیم سره ځیر (بد) چلن مه کوئ، خپله سینه د هغه په اړه مه

<sup>١</sup> - سورة الضحی، الآية: ٩.

تنگوئ او مه يې رتئ، بلکې ښېگڼه او نيکي ورسره وکړئ او چې څومره مومس وي ورته مال ورکړئ او داسې سلوک ورسره وکړئ، لکه تاسې چې يې د خپل زوی سره کوي. تفسير (تيسير الکریم الرحمن في تفسير کلام المنان) ٩٢٨/ صفحه.

په لنډه توگه سره ويلی شو چې: که چيری تاسې غواړئ یتيم وو هئ؛ نو پداسې ډول به يې وهی چې تر څو هغه ته کوم ضرر ونه رسيري او د خلکو پر وړاندی سپک او حقير نشي).

د نبوي احاديثو په رڼا کې د یتيم د حقوقو پالنه:

نبي کریم (صلی الله عليه وسلم) ډېر داسې ارشادات او ويناوې شته دي چې د یتيم سره په خواخوږی او همدردی باندی دلالت کوي چې د مشت نمونه يې خروار په توگه سره به د يو څو لنډه يادونه وکړو:

د یتيم پالونکي انسان لپاره يو زيری:

د امام بخاري او امام مسلم (رحمهما الله) (په يو متفق عليه) حديث کې راغلي دي چې نبي کریم (صلی الله عليه وسلم) فرمايلي دي: "أَنَا وَ"

كَأَفْلُ الْيَتِيمِ لَهُ أَوْ لِغَيْرِهِ أَنَا وَهُوَ كَهَاتَيْنِ فِي الْجَنَّةِ،  
وَأَشَارَ بِالسُّبَابَةِ وَالْوَسْطَىٰ<sup>١</sup>.

ترجمه: زه او دیتیم سرپرست (که چیری د خپلوانو یا دپرديو یتیمانو سرپرستي کوي) زه او هغه به ددې دواړو په څېر په جنت کې اوسو او په خپلې دشهادت په گوټې او منځنۍ (غټې گوټې) سره ېې اشاره وکړه.

د یتیم پالنې په اړه گڼ شمېر حدیثونه راغلي دي چې له دغې جملې څخه به د یو بل حدیث هم لنډه یادونه وکړو: د حضرت عبدالله بن ابی أوفی (رضي الله عنه) څخه روایت دی چې وې فرمایل: یوه وخت مونږ د نبي (عليه السلام) سره ناست ؤو چې یو ځوان هلک ورته راغی او وې ویل: (بأبي أنت وأمي يا رسول الله، غلام یتیم وأخت له یتیمه وأم له أرملة، أطعمنا أطعمك الله مما عندك حتى نرضى).

مور او پلار مې دې له تا څخه قربان شي ای د الله تعالی رسوله! زه یو یتیم هلک یم او یوه یتیمه خور او یوه کونډه مور لرم، مونږ ته له هغه خوراک څخه چې له تاسې سره دی لږ څه راکړه تر

<sup>١</sup> - صحيح مسلم، كتاب الزهد والرقائق، باب الإحسان إلى الأرملة والمسكين واليتيم، رقم

الحديث: (٢٩٨٣)، (ج٤، ص٢٢٨٧).



خو مونبر راضي شو، الله تعالى دې تاسې ته خواړه در په نصيب كړي؛ نو نبي(عليه السلام) ورته وفرمايل: اى هلكه! خومره بڼه خبره دې وكړه، زمونږ كورته ولاړ شه او هغه خواړه چې تاله دوي سره وموندل مونږ ته راوړه؛ نو دغه هلك هم راغى او ۲۱ خرماوې يې له ځان سره راوړلى او بيا يې رسول الله(صلى الله عليه وسلم) ته د هغه په لاس كې ورواچولى؛ نو رسول(عليه السلام) په خپلو دواړو لاسونو سره دې(خرماو) ته اشاره وكړه او مونږ لیده چې هغه به دعا كوله تر څو پكې الله تعالى (جلت جلاله) برکت واچوي. بيا يې وفرمايل: (يا غلام سبعا لك وسبعا لأمك وسبعا لأختك، فتعشى بتمرّة وتغدى بأخرى)<sup>۱</sup>.

اى هلكه! اووه(خرما) دې ستا وي او اووه ستا د والدې(مور) لپاره دي او اووه ستا د خور لپاره دي؛ نو يوه خرما د شپې وخوره او نورې د غرمې لپاره وخوره، بيا هر كله چې دا ځوان بېرته د رسول الله(صلى الله عليه وسلم) له خوا څخه ستون شو پدې وخت كې حضرت معاذ بن جبل(ددې يتيم ماشوم لپاره) را پاڅېد او خپل لاس پې د هغه په سر كېښود او بيا يې وفرمايل: الله تعالى دې

<sup>۱</sup> - شعب الإيمان، باب في رحم الصغير وتوقير الكبير، رقم الحديث: (۱۰۵۳۰)،

ستاسې دا دیتیموالي (ستونزه) حل کړي او تا دې  
الله تعالی د خپل پلار په څېر ستر کړي.

نو بیا مهربان نبي کریم صلی الله علیه وسلم  
و فرمایل: ای معاذه! آیا تا ولیدل چې ما له غلام سره  
څه ډول چلند وکړ؟

هغه ورته وویل: ای د الله تعالی (جلت عظمته)  
رسوله! تا پر دې ځوان رحم او ورسره دې  
خواخوږي وکړه، نو بیا نبي (علیه الصلاة والسلام)  
ورته پدې وخت کې و فرمایل: زما دې په لوی  
پروردگار باندې قسم وي چې د محمد روح (ساه) د  
هغه په لاس کې دی د مسلمانانو له ډلې څخه یو تن  
د یو چا سرپرستي نه کوي، مگر دا چې لوی  
څښتن تعالی هغه د هر وینننه په مقابل کې به ورته  
اجر ورکړي او د هر وینننه په مقابل کې به ورته  
یوه نیکي ورکړي او د هر وینننه په مقابل کې به  
ورڅخه یوه گناه لری کړي. “

په یو بل مبارک حدیث کې چې له حضرت  
أبو هريرة (رضي الله عنه) څخه روایت دی فرمایي  
چې: یو تن محبوب پیغمبر اکرم (صلی الله علیه  
وسلم) ته راغی او ورته یې د خپل زړه د قساوت  
(سختوالي) څخه گیله وکړه؛ نو لارښود پیغمبر  
اکرم (صلی الله علیه وسلم) ورته و فرمایل: (إن

أَرَدَتْ تَلِيْنَ قَلْبِكَ فَأَطْعِمِ الْمَسْكِيْنَ وَامْسَحْ رَأْسَ الْيَتِيْمِ).

ترجمه: که غواړی چې زړه دې نرم شي (خواخوږي او نرمي پکې را پیدا شي)؛ نو بې وزله ته ډوډۍ ورکړه او د یتیم سر په سر لاس را کش کړه.

له همدې کبله ویلای شو چې یتیم پالنه خورا یو نیک عمل دی او د هغه سره د مرسته کوونکي انسان لپاره ستر اجر و نه په پام کې نیول شويدي. په پای کې به دا مقاله په همدې سره راټوله کړو چې: لوی څښتن تعالی یو قدردان ذات دی او د خپل بنده یوه کوچنۍ نیکې هم ورته خورا ارزښت لري؛ نو څه فکر کوئ چې لوی خالق تعالی به خپلو هغو بندگانو ته چې د هغه د رضایتمندی لپاره یې په بې ساري اخلاص سره حسنات او زیاتې ښېگڼې تر سره کړي وي څومره بې شمېره اجر و نه ورکړي!



## د یتیم د ژوند په اړه خو مهم فقهي احکام

پدې لیکنه کې غواړو د یتیم په اړه یو لړ مهمو موضوعاتو ته اشاره وکړو او هڅه مو کړې ده چې د یتیم د ژوند مختلف حالات وڅېړو؛ او د هغې په رڼا کې لاندېنیو پوښتنو ته ځوابونه ووايو:

لومړی دا چې: که چیرې د یوې کورنۍ مشر د یتیم پالنه وکړي، خپل مال پرې مصرف کړي او د زانگو له وخت څخه یې د بلوغ تر مرحلې پورې کفالت او پالنه وکړي او ورسره گډ ژوند تېر کړي، دا تر دې پورې چې دا یتیم ماشوم پدې کورنۍ کې را ستر شي او د ځوانۍ تر مرحلې پورې ورسیري؛ نو اوس پوښتنه داده چې: پدې کورنۍ کې دداسې یو ماشوم گډ اوسېدل څه شرعي حکم لري؟ زموږ په فقهي مذاهبو کې د داسې یو پردي یتیم هلک څخه چې په اصل کې ددې کورنۍ څخه نه وي او که پخوا ماشوم ؤ اما اوس ځوان شوی وي د ستر او پردي کولو احکام څه دي؟

آیا د کور دننه د مېرمنو سره د هغه گډ ژوند به گناه ولري او کنه؟ او آیا دا کورنۍ کولی شي چې ددې ماشوم له مال څخه یو څه برخه واخلي او د هغه په روزنه یې مصرف کړي؟

او په پای کې به دې پوښتنې ته هم ځواب ووايو چې: آیا د یتیم پالنه د هغه سره په مال، میراث او حقوقو کې د اشتراک معنی لري او که نه په اصل کې دا یو ناسم تصور گڼل کېږي؟

هیله ده چې زموږ گران لوستونکي له ما سره دا مقاله تر پایه پورې ولولي:

مخکې له دې چې ددې مقالې نورو جزئیاتو ته ورشو، لومړی به خبره له دې څخه را پیل کړو چې: زموږ په افغاني ټولنه کې په هغو کورنیو کې چې یو یتیم ماشوم پکې روزل کېږي، یو غلط تصور د خلکو تر منځ خپور شوی دی او هغه داچې: اکثره خلک داسې تصور کوي کله چې یو پردې یتیم ماشوم په یوه کورنۍ کې راستر شي؛ نو دا ماشوم د دې نوی کورنۍ یو غړی گڼل کېږي، پداسې حال کې چې دا اجنبی یتیم د دې کورنۍ له غړو څخه نشي شمېرل کېدلی، بلکه د دې کورنۍ د مېرمنو لپاره یو بیگانه او پردې شخص گڼل کېږي؛ ولو که کلونه کلونه یې پدې کورنۍ کې تېر کړي وي — البته موږ هڅه کېږده تر څو دا تصور سم کړو — او گرانو لوستونکو ته دا څرگنده کړو چې: د پردې ماشوم څخه د پردې نه کول تر یو حده پورې ټاکلی وخت لري؛ او هرکله چې دا ماشومان د بلوغ تر

پراوه ورسیري؛ نو دا استثنايي حالت چې پخوا موجود ؤ اوس د دوي د ځوان کېدلو سره سم له منځه ځي؛ ځکه له بلوغ وروسته دا ځوان د پرديو سړيو په څېر گنجل کيږي او د دې ماشوم شرعي حکم هم ورسره توپير پيدا کوي چې وروسته به دا مسئله نوره هم بڼه واضحه کړو.

که وغواړو په دې مهمه او حياتي مسئله باندې مسئله باندې لا بڼه پوه شو چې: په ټولنيز ژوند کې به مېرمنې له چا څخه د خپلې پردې خيال ساتي؛ او له چا څخه به پرده نه کوي؛ نو ددې لپاره بنيادي چې زمونږ گران وروڼه او قدرمنې خویندې د سورة النور تفسير او ترجمه ولولي؛ او ځان پری پوه کړي، تردې پورې چې حضرت عمر بن الخطاب يو ځل د عراق د کوفي خلکو ته وليکل چې: ((عَلِّمُوا نِسَاءَكُمْ سُورَةَ النُّورِ)) تاسې خپلو مېرمنو ته سورة النور ورزده کړئ.

دا سورت مونږ ته ټولنيز آداب، کورونو ته د ننوتلو څخه مخکې د ننوتلو آداب، د پردې او حيا او د خپلو سترگو د نظر ساتلو مهم مسائل رازده کوي؛ لکه چې لوی څښتن تعالی فرمايي: "وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ اَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ اِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلٰى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ

زَيْنَتُهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ  
 أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي  
 إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخْوَاتِهِنَّ أَوْ نَسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ  
 أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ  
 الطُّفُلَ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا  
 يَضْرِبْنَ بَأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ  
 وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ  
 تُفْلِحُونَ<sup>١</sup>.

ترجمه: او ووايه (ای محمدہ! (صلى الله عليه  
 وسلم)) مؤمنو مبرمنو ته تر خو خپلې سترگې  
 بندى (پټې) وساتي (پرديو سړيو ته دې دوي نه  
 گوري او له هغوي سره دې سترگو په سترگو  
 کيږي نه) او پاک لمني دې غوره کړي او خپله  
 ښکلا او جمال (سينگار او آرایش) دې نه ښکاره  
 کوي، مگر هغه برخه چې (د کار او کسب په وقت  
 کې) ښکاره کيږي او ښايي چې خپل ټکرى (پرونى)  
 پر خپلو گريوانونو باندې راواچوي (تر خو ټټر  
 او سپنه يې ښکاره نشي) او خپل جمال او ښائست  
 دې (هيچ چا ته) نه ښکاره کوي مگر خپلو (محارمو  
 ته؛ لکه) خپلو مېرونو (خاوندانو ته) يا خپلو  
 پلرونو (او نيکونو ته)، د خپلو خاوندانو پلرونو  
 ته، يا خپلو زامنو (او يا هم خپلو لمسيو ته) او يا

<sup>١</sup> - سورة النور، الآية: ٣١.

هم د خاوند زامنو ته (چې د بلې مېرمنې څخه وي) يا خپلو وروڼو ته يا د خپلو ورېروڼو، يا خورئينو ته او يا خپلو ښځو ته چې (نيکې وي) او يا هغو خدمتکوونکو خلکو ته چې هيڅ مېرمنو ته اړتيا نلري يا هغه هلکانو ته چې دوي د مېرمنو په اسرارو (پټو رازونو باندې) هيڅ خبر نه وي (له دې پورته کسانو څخه پرته بل چاته خپل ډول او سنگار ښکاره کول جائز ندي) او دا مېرمنې دې خپلې پښې (پداسې ډول پر ځمکه) نه وهي تر څو هغه ښائست چې دوي يې پټول غواړي ښکاره شي او اى مؤمنانو! (تاسې) ټول لوى پروردگار ته توبه وباسئ تر څو بريالي شئ.

گرانو لوستونکو! [دلته د يو څو مهمو خبرو يادول مهم او گټور بولو چې ستاسې پام ورته را اړوو: که پورتنې مبارک آيت ته ښه څېر شو؛ نو د يوې مسلماني مېرمنې لپاره پدې مبارک آيت کې دا خبره په ښه ډول سره څرگنده شوېده چې له چا څخه دې په پوره ډول ستر او پرده وکړاي شي او له چا څخه دې زياته پرده ونه کړاي شي، دا پدې معنا چې: په پورتنې مبارک آيت کې د دولس (١٢) ډوله خلکو يادونه شوېده.

له بل لوري دې خبرې ته هم اشاره شوېده چې په کورني گډ ژوند کې د مېرمنو د زينت او ښکلا



نورو ته بنودل هم خو درجې لري، البته د زينت او بنكلا د بنكاره كولو څخه هيڅكله هم زمونږ مقصود او هدف داندې چې بنځې دې د پردې خيال ونه ساتي او ټول خلك دې سره يو شان وگڼي، بلكه نژدې خپلوان او لري خپلوان او بيا پردي خلك سره ډېر توپير لري، ځكه چې يو ډول داسې بنكلا وي چې له خپل خاوند پرته بې يوه مېرمن بل هيچ چاته نشي برېنډ او بنكاره كولى، له دې پرته بله درجه د بنكلا ځايونه بيا داسې وي چې نژدې خپلوانو ته يې يوه مېرمن د يو لړ خاصو ضرورتونو په خاطر كولى شي بنكاره كړي چې په پورته آيت شريف كې د دغو خلكو يادونه هم وشوه؛ لكه كه چيرى په گډ ژوند كې د پلار، ورور او كاك او ماما او داسې نور پر وړاندې د دې مېرمنو نكريځې، رانجه، د سر ويښتان، د غاړې لاکيټ او نور زيورات او په لاس گوتمې بنكاره شي؛ نو دا كومه پروا نلري تر څو دا مېرمنې په سختيو او مشقت كې پرې نه وځي.

خو بيا هم د مېرمنو لپاره د حياء او خپلې پردې خيال ساتل په هر حالت كې لازمي ده او په ځانگړې توگه پدې عصر كې چې د بې حياءۍ او بدحجابۍ فرهنگ ډېر ترويج موندلى دى، په بازارونو كې د بنځو راوتل له پخوا څخه خورا

زیات شویدی، د اختلاط او د فتنو پدې زمانه کې حیا او تقوی ته پاملرنه زمونږ د کامیابی راز گڼل کیږي او دا ځکه چې د بنځې او نارینه حقیقي بنکلا په حیا کې ده. په هر صورت! په لنډه توگه سره ویلی شو چې اسلامي شریعت یوې مېرمنې ته ددې اجازه ورکړېده چې د دوه ډوله خلکو پر وړاندې خپله بنکلا بنکاره کړي او د خپلې زیاتې پردې خیال ونه ساتي (یعنې دا دواړه ډلې د پردې کولو څخه مستثنی دي).

لومړی ډله: هغه ډله سړي (خادمان) چې هغوی مېرمنو ته هیڅ اړتیا نلري او د فتنې رامنځ ته کېدو وېره ترې نه کیږي.

دویمه ډله: هغو ډله ماشومان چې د خپل کوچنیوالي له کبله د بنائسته او نابنائسته مېرمنې تر منځ فرق نشي کولی او د مېرمنو پر ځانگړتیاو باندې لا تر اوسه پوری نه وي پوه شوي او بڼه له بدو څخه نشي جلا کولی.

همداراز بله هغه مهمه خبره چې ستاسې پام ورته را اړول غواړو، هغه داده چې:

پدې مبارک آیت کې مؤمنو مېرمنو ته ویل شوي دي چې د پردیو کمکیو ماشومانو څخه د پوره پردې کولو مسئله یو ټاکلی وخت لري او

هر کله چې دا اجنبی ماشومان د بلوغ تر پړاوه ورسیري؛ نو دا استثنائي حالت چې پخوا موجود ؤ (ورڅخه حجاب او پرده نه کېدله) اوس د دوي د بلوغ ته د رسېدلو سره سم له منځه ځي، ځکه له بلوغ وروسته دا نوي ځوانان د پرديو سړيو په څېر کيږي او د دوي شرعي حکم هم ورسره توپير پيدا کوي.

که چيرې پخوا ورڅخه د ستر او پردې خيال نه ساتل کېده، مگر اوس بايد په کور کې مېرمنې د دوي پر وړاندې د پوره حجاب او پردې کلک خيال وساتي؛ لکه چې په قرآن کریم کې همدې خبرې ته په اشارې سره داسې راغلي دي او لوی پروردگار (جلت عظمته) مونږ ته داسې لارښودنه کوي: "وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمْ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ"<sup>١</sup>.

ترجمه: او هر کله چې واړه هلکان د بلوغ پړاو ته ورسیري (عقلمند شي او د غټو سړيو په څېر شي)؛ نو بيا دې دوي داسې اجازه وغواړي؛ لکه له دوي څخه چې پخوا به (بالغو هلکانو) اجازه غوښتله، (يعنې د بالغ کېدلو وروسته ورته د

<sup>١</sup> - سورة النور، الآية: ٥٩.

اجازې غوښتلو مهم ادب ورته زده کړې چې په هر وقت کې دوي بايد اجازه وغواړي؛ لکه بالغه هلکان چې پردو کورونو او کوټو ته د ننوتلو اجازه غواړي) په همدې ډول سره لوی پروردگار (جلت عظمته) تاسې ته خپل آيتونه (چې د احکامو په اړه دي) بيانوي او لوی پروردگار خورا پوه او د ډېر حکمت څښتن دی.

په فقهي مذاهبو کې د يتيم څخه د ستر او پردې کولو احکام:

امام مالک (رحمه الله): د امام مالک (رحمه الله) په مذهب کې په هر مکلف (عاقل، بالغ، آزاد او مسلمان نارينه او ښځينه) باندې دا فرض دي چې خپلې سترگې له محرماتو او پرېوتو کارونو څخه خوندي وساتي، دا په دې معنی سره چې مؤمن مسلمان به هيڅکله هم پردېو مېرمنو ته د التذاذ (خوند اخستلو) په خاطر نه گوري، ځکه چې له خپلې مېرمنې څخه پرته نورو مېرمنو ته د شهوت په خاطر کتل ناروا دي.

امام شافعي (رحمه الله): که چيرې د امام شافعي (رحمه الله) مذهب ته که راوگرځو؛ نو دلته هم وينو چې پدې مذهب کې هر کله يو ځوان پينځل لس (۱۵) کلنۍ ته ورسيرې ځوان گڼل کيږي او له

دې وروسته به د بالغ انسان په سترگه ورته کتل کيږي. پدې صورت کې د کور مېرمنو ته بنايي چې د خپل احتجاج او پردې خيال وساتي، په خاصه توگه کله چې دا پردې هلک وي او دا ځکه چې لوی پروردگار په دې اړه مونږ ته داسې لارښودنه کوي او فرمايي چې: "أَوِ الطُّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ"<sup>١</sup>.

ترجمه: يا هغه هلکانو ته چې دوي د مېرمنو په اسرارو (پټو رازونو باندې) خبر نه وي (نوله دوي څخه زياته پرده کول لازمي نه دي او نه هم ددوي څخه د فتنې د پېښېدو وېره کيدلی شي).

د سورة النور ددې پورتنې مبارک آيت څخه دا معلومېږي چې: د بالغو او هغو ماشومانو څخه چې دوي د ښځو په رازونو باندې ښه خبر وي ورڅخه حجاب او پرده کول ډېر لازمي دي او له دې وروسته به دې هلک ته د يو ځوان په سترگه سره کتل کيږي ولې چې اوس شهوت پېژني او بنائسته مېرمن له نابنائسته مېرمنې سره تفکيک او بيلولی شي.

امام أحمد بن حنبل: د امام احمد بن حنبل (رحمه الله) په مذهب کې بيا داسې راغلي دي

<sup>١</sup> - سورة النور، الآية: ٣١.

چې: که چیری یو ماشوم غیر مُمیز وي (د بڼخو ترمنځ فرق نشي کولی)؛ نو د هغه څخه استتار (د پردې خیال ساتل) لازمي ندی. یو ځل أبو عبدالله امام أحمد بن حنبل (رحمه الله) څخه وپوښتل شول چې:

کله به یوه مېرمن له پردې هلک څخه خپل سر (د سر وینبتان) پټوي؟ هغه ورته وویل: چې کله لس (۱۰) کلن شي.

لدې وینا څخه داسې معلومېږي: هر کله یو پردی یتیم ماشوم ځوان شي؛ نو ددې کورنۍ د مېرمنو لپاره پکار دي چې نور به دې یتیم هلک ته د یواجنې او پردې هلک په سترگه گوري، ولو که دې مېرمنو ددې ماشوم په پالنه او روزنه کې کلونه کلونه ونډه اخستلی وي.

او دا خبره هیڅکله هم ددوي لپاره دلیل نشي کیدلی چې دا ماشوم له کوچنیوالي څخه زموږ په کورنۍ کې را ستر شویږي؛ نو ورڅخه پرده کول او گډ ژوند کول کوم ضروري نده، بلکه دا یو غلط تصور دی او دوي باید ستر او پرده ورڅخه وکړي، أما که چیری یوې مېرمنې خپل تی (شېدې) ورکړی وي؛ نو دا بیا جلا احکام لري.

د دې خبرې د ښه څرگندولو لپاره غواړو چې  
 د حضرت سهلة بنت سهيل يوه كيسه له تاسې سره  
 شريکه کړو چې کله يې نبي (عليه السلام) ته داسې  
 وويل: اى الله تعالى رسوله! مونږ حضرت  
 سالم (رضي الله عنه) ته د خپل زوی په سترگه سره  
 کتل، دا تردې پورې چې هغه به له ما سره گډ  
 اوسېده او زما له پلار حضرت حذيفه (رضي الله  
 عنه) سره به يو ځای کور ته تلو راتلو او زه به  
 يې هم ليدلم او دده په اړه لوی څښتن تعالى هم  
 خپله وينا را نازله کړيده چې په دې اړه تاسې هم  
 پوهيږي؛ نو پدې اړه ستاسې څه نظر دی؟ نبي  
 کریم (صلی الله عليه وسلم) ورته وفرمايل: - ((  
 أَرْضِعِيهِ)) ورته شيدی ورکړه؛ نو (حضرت سهلة  
 بنت سهيل همداسې وکړل او که څه هم حضرت  
 سالم غټ ؤ) هغې ورته پينځه ځلې شيدې ورکړې  
 چې (لدې وروسته) بيا به هغه ته د رضاعي زوی  
 په سترگه سره کتل کيدل.

د يتيم پالنه هيڅکله هم د هغه سره په مال کې د  
 شرکت معنا نلري:

دلته پدې مقاله کې اصلي مسئله د يتيم په اړه  
 ده او مخکې مو هم دا مسئله ښه څرگنده کړه چې  
 هر کله يو يتيم په يوې اجنبي کورنۍ کې ځوان او  
 بالغ شي؛ نو د هغه سره به بيا د يو اجنبي (پردي)

سړي په خېر تعامل او چلند کيږي او که چيرى يو  
 څوک د هغه پالنه او سرپرستي هم کوي؛ نو دا د  
 دې يتيم ماشوم سره يو ډول بڼېگنېه او نيکي گڼل  
 کيږي، ځکه د ماشوم دا پالنه هيڅکله هم ددې معنا  
 نلري چې سرپرست انسان دې ورسره په مال کې  
 هم شريک وگڼل شي او يا دې د هغه د حقوقو  
 اصلي مالک او حقيقي واکمن وگڼل شي او يا دې د  
 هغه په ميراث کې برخمن وگڼل شي، بلکه دا  
 سرپرست انسان هغه يواځينې کار چې کولى شي  
 هغه ددې يتيم ماشوم پالنه او د هغه د مال  
 سرپرستي کول دي؛ خو که چيرى د يتيم ماشوم  
 پلار مخکې له مړينې څخه دې سرپرست انسان ته  
 يوڅه مال هم د ډالۍ او تحفې په توگه سره ورکړي  
 وي؛ (خو پدې کار کې که چيرى ددې يتيم ماشوم د  
 کورنۍ د نورو غړو لپاره څه زيان نه وي)؛ او دا  
 وصيت هم پداسې حالت کې ترسره شوى وي چې  
 تصرف پکې صحت ولري او د نيکۍ او بڼېگنې په  
 خاطر او يا هم د ژوند په چارو کې د يو لړ مرستې  
 کولو په خاطر ترسره شوي وي؛ نو پدې صورت  
 کې بيا ان شاء الله سرپرست انسان ته ددې ډول مال  
 اخستل کومه ستونزه نلري. د دې مقالې په پاى کې  
 غواړو د يادې مسئلې لنډيز په لاندې ډول سره  
 بيان او خلاصه کړو:



لومړی: د یتیم کفالت (سرپرستي) او د هغه سره هر ډول مالي مرسته کول خورا نیک عمل دی چې یو انسان پری کولی شي لوی څښتن تعالی ته ډېر نژدې بنده وشمېرل شي، ځکه چې لوی پروردگار (جلت عظمته) له محسنینو (نیکی کوونکو) سره دوستي کوي.

دویم: نبي اکرم (صلی الله علیه وسلم) هر هغه چا ته چې په بې ساري اخلاص سره د یتیم پالنه او سرپرستي کوي د جنت زیږی ورکړیدی.

درېیم: کله چې یو یتیم په یوه اجنبي (پردي) کورنۍ کې رالوی شي، له بلوغ او ځوانۍ وروسته پدې کورنۍ کې ددې یتیم ماشوم شرعي احکام فرق پیدا کوي او له دې وروسته بیا ددې کور مېرمنو ته پکار دي چې د هغه پر وړاندې د پوره پردې خیال وساتي.

څلورم: دا مهمه نده او هیڅکله هم بهانه نشي گرځېدلې چې یو اجنبي او پردې ماشوم دې په یوه کورنۍ کې راسترشي او بیا له هغه سره دې گډ او مُختلط ژوند وشي، حتی که کلونه کلونه یې هم پکې تېر کړي وي ولی بیا دې هم ورڅخه ددې کورنۍ مېرمنې د حجاب او پردې خیال وساتي.

پنځم: که چیری یو یتیم ماشوم ته ټی (شیدې) ورکړل شي؛ نو بیا په دې صورت کې به ورسره د دې کورنۍ د یو نژدې غړي په څېر ورسره چلند کېږي او درضاغي ماشوم په څېر به گڼل کېږي.

شپږم: ددې یتیم ماشوم پلار که چیری له خپلې مړینې څخه وړاندې یو پالونکي او سرپرست انسان ته د لږ مال په اړه وصیت وکړي تر څو ددې ماشوم په بڼه توگه پالنه او روزنه کې مصرف کړای شي؛ نو پدې کار کې بیا کومه ستونزه نشته.



### کار کردن بانوان بوظیفه میزبانی هواپیما حرام است و معاش ودر آمد آن نیز حرام شمرده میشود

یکی از هموطنان عزیز ما از شهر کابل سوال نموده:

آیا کار کردن بانوان و خانمها من حیث میزبانان هواپیما جایز است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

کار کردن بانوان بوظیفه میزبانان هواپیما حرام است و معاش ودر آمد آن نیز حرام شمرده میشود، زیرا این کار ووظیفه به قیمت دین، ایمان، شرف و عفت آنها تمام میشود،

دین و ایمان سرمایه دینی و اخروی خواهران مسلمان هموطن ما است و محافظت آن بر آنها فرض است در هر جای که قرار داشته باشند، و اگر خواهران مسلمان دین و ایمان خود را به سبب کار و وظیفه و بی حیایی و بی حجابی از دست دهند، و ایمان و مسلمانی خود را بخاطر کار و وظیفه میزبانی هواپیما بفروشند و بدل کنند در آخرت یقیناً که در آتش دوزخ میسوزند، مثلاً از مخالفتها شرعی واضح کار شان این است که:

۱- سفر های داخلی و خارجی بدون محرم.

۲- اختلاط و آمیزش فاحش با مردان نامحرم.

۳- بود و باش در محیط سفر و سیاحت و هوتلها با مردان نامحرم.

۴- پوشیدن لباسهای مخالف شریعت و نیمه برهنه.

خواهران هموطن ما بیاد داشته باشند کار و وظیفه که سبب زیر سوال بردن حیا، عفت، آبرو، دین و ایمان خانمها گردد و با مردان نامحرم آمیزش داشته باشد و خلوت واقع شود و سبب مفساد اخلاقی و اجتماعی در جامعه گردد قطعاً حرام است و معاش و کسب آن نیز حرام شمرده میشود.

کار و وظیفه خانمها اگر از اصول خارج شود و تخطی نماید قسمی که در سوال سوال کننده از کابل ذکر شده در حقیقت پامال کردن حقوق زنان متدین افغان است و بخش از تهاجم فرهنگی و فکری بیگانگان و تقلید کور کورانه غیر مسلمانان پنداشته می شود به این معنی که در این حالت تلاشهای در جریان است که سبب گمراهی خواهران مسلمان ما شود و آنان نیز وسیله کشانیدن جامعه به بیراهه باشند زیرا که در طول تاریخ دشمنان تلاش نموده اند که جوامع اسلامی با حیاء را بوسیله تشویق نمودن بی حجابی فاسد سازند.

بی حیائی و بی حجابی و اختلاط زن و مرد نامحرم به شکلی که توضیح داده شد خطر و چالشی است که بعد از جنگ کشور ما را تهدید میکند و یکی از حربه های اساسی و محوری دشمن است که فعلا روی آن کار روان است و انسانهای فروخته شده و بی ضمیر و دون همت از خواهران مسلمان و متدین ما می خواهند که حجاب را دور کنند و بشکل برهنه شانه به شانه با آنها کار کنند و جامعه ما را بشوی فحاشی و جاهلیت سوق دهند.

همین سوال هموطن ما از شهر کابل منعکس کننده واقع ناگواری از ترویج بی حیایی و فحشاء و تهاجم فرهنگی خطرناک بر دین و عقیده و حیاء و عفت خواهران ما است که سکوت کردن در برابر آن نیز جرم و گناه پنداشته می شود

و باید یک حرکت قوی و منظم علماء، دانشمندان و جوانان و عامه مردم متدین اعم از برادران و خواهران در جهت تغییر این وضع براه انداخته شود تا اینکه حکومت افغانستان وسیله بی دینی و بی حیایی ملت ما نشود و در این راستا اقدامات جدی را روی دست گیرد.



### حکم رفتن خانمها به حمامهای گرم بخاطر غسل نمودن

یک تعداد از هموطنان عزیز ما از شهرهای مختلف کشور جویای حکم شرعی رفتن خانمها به حمامهای گرم بخاطر غسل نمودن شده اند که در روشنی نصوص شریعت جواب سوال شان را تحریر میدارم به توفیق الله متعال.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اولاً: شریعت اسلامی بخاطر اهتمام به حیا، عفت، حفظ کرامت، و با ستر بودن خانمها و اینکه در فتنه و فحشاء و منکر و بی حیایی واقع نشوند تأکید و اهتمام بیشتر نموده لهذا خانمها و دختران را امر نموده که بدون ضرورت درس و تعلیم، تداوی، کار، رفع ضرورتها و نیازمندی های روزانه و یا احوال گیری اقارب و خانوانده ها بی موجب و بی مورد و بدون این ضرورتها از خانه خارج نشوند تا اینکه از شر و فتنه و فساد مصئون بمانند، و هنگام خارج شدن از خانه روی رفع

همین ضروریات حتما حجاب شرعی کامل را مراعات نمایند.

ثانیا: رفتن خانمها در حمامهای مختلط مرد و زن و یا حمامهای زنانه که از طرف انسانساهی فاسق و فاجر اداره میشود جایز و روا نیست بلکه حرام است زیرا که حیاء و عفت و شرف و آبروی آنها زیر سوال میرود.

ثالثا: در صورتیکه داخل خانه حمام و آب و وسائل غسل کردن میسر باشد خانمها باید در خانه خود غسل نمایند و از رفتن به حمامها اجتناب و دروی جویند تا اینکه در بی ستری واقع نشوند.

رابعا: در شرائط کنونی رفتن خانمها به حمامهای زنانه بخاطر غسل نمودن و آب بازی نیز از بعض مشکلات و ملاحظات خالی نیست زیرا فسق و فجور و فتنه وجود دارد و وسائل عکس برداری توسط موبایلها و تیلوفونهای همراه و کامره های مخفی میسر است که انسانهای فاجر و فاسق به آسانی دست به عکس برداری و غیره زده می توانند که بارها این امور در واقع معاصر ما رخ داده است.

خامسا: در احادیث صحیح ثابت که رسول الله صلی الله علیه و سلم خانمها را از تبدیل نمودن لباسهای شان در غیر خانه شوهر و محارم منع نموده و این است نص این احادیث

نبوى: "عَنْ أَبِي الْمَلِيحِ الْهُذَلِيِّ أَنَّ نِسَاءً مِنْ أَهْلِ حِمَصَ أَوْ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ دَخَلْنَ عَلَى عَائِشَةَ فَقَالَتْ : أَنْتُنَّ اللَّاتِي يَدْخُلْنَ نِسَاؤُكُنَّ الْحَمَامَاتِ ؟ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ : مَا مِنْ امْرَأَةٍ تَضَعُ ثِيَابَهَا فِي غَيْرِ بَيْتِ زَوْجِهَا إِلَّا هَتَكَتِ السِّتْرَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ رَبِّهَا"<sup>١</sup> بعض خانمها از شهر حمص و سرزمین شام نزد ام المؤمنین عائشه رضی الله عنها آمدند وگفتند که آیا شما به خانمهای تان اجازه میدهید که به حمامها بروند در حالیکه ما از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیده ایم تحذیر کنان فرموده است: هر زنی که لباسش در غیر خانه شوهر بگذارد مگر اینکه رازی که در بین او و پروردگارش است آنرا پامال کرده باشد، یعنی با الله متعال عهد شکنی نموده باشد.

نیز امام ترمذی در حدیث صحیح از جَابِرِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ روایت نموده که رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: "مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَدْخُلُ حَلِيَّتَهُ الْحَمَامَ"<sup>٢</sup>.

<sup>١</sup> - سنن الترمذی، أبواب الأدب عن رسول الله صلى الله عليه وسلم، باب ما جاء في دخول الحمام، رقم الحديث: (٢٨٠٣)، (ج ٥، ص ١١٤).

<sup>٢</sup> - سنن الترمذی، أبواب الأدب عن رسول الله صلى الله عليه وسلم، باب ما جاء في دخول الحمام، رقم الحديث: (٢٨٠١)، (ج ٥، ص ١١٣).

کسی که ایمان به الله متعال و حساب روز آخرت دارد زنان محارم خود را یعنی دختر، خواهر، زن و غیره کسانی که تحت مسئولیت او است به حمام رفتن اجازه نمی دهد، سبب و علت منع نمودن هم این است عورت خانمها ظاهر نشود به انسانهای نامحرم، و نیز نظر اکثریت فقهای معاصر است.

خامسا: فقهاء تنها در بعض حالات برای خانمها اجازه رفتن و غسل نمودن در حمامهای زنانه داده اند بخاطر غسلی که عبادت بر آن متوقف باشد و در خانه و سائل و آب آن میسر نباشد مثل غسل جنابت، غسل بعد از پاکی عادت ماهوار حیض و نفاس و اینکه در سفر بسر ببرند بشرطیکه عورت، لباس شان با نامحرمان ظاهر نشود و ستر و عقت و حیای شان بجا بماند، نیز در موسم گرمی تابستان می توانند که در اماکن خاص و با ستر کامل و بدور از انظار نامحرمان آب بازی نمایند در صورتیکه همه تدابیر لازمی گرفته شده باشد که حیاء و ستر و عفت شانرا زیر سوال نبرد جایز است.





## گفتنی در مورد حلقه های قرآن خوانی اینترنتی و فیس بوکی

السلام علیکم و رحمت الله و برکاته، شیخ صاحب علمای معاصر درباره همین ختم های قرآن که در فیسبوک میشود چه گفته اند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:

حلقه های قرآن کریم و تجوید و ترتیل و حسن قراءت و تفسیر و شرح معانی آیات قرآن کریم و بیان احکام آن کار مستحب و مشروع و مرغوب است که مسلمان در آن اجر و ثواب نصیب می شود، اگر مردها باهم باشند در حلقه های خاص، و یا هم خانمها و خواهران باهم باشند در حلقه خاص به خود شان که صدای شان را نا محرم نشنود، چی در مسجد و خانه ها و مکاتب و یا در فورمها اینترنتی و فیسبوک، زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم و صحابه کرام بخاطر قرآن خوانی و تلاوت با هم جمع می شدند و ثابت است که ایشان با عبد الله ابن مسعود رضی الله بخاطر قرآن خوانی نشسته بود و در بخاری و مسلم ذکر شده، بلکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم تشویق هم کرده مسلمانان را بخاطر قرآن خوانی و تلاوت در حدیثی که ابوهیره - رضی الله عنه روایت کرده :- قال رسول الله - صلی الله علیه وسلم :- "وما اجتمع قوم في بيت من بيوت الله يتلون كتاب الله ويتدارسونه بينهم إلا نزلت عليهم السكينة وغشيتهم

الرحمة وحفتهم الملائكة وذكروهم الله فيمن عنده" <sup>۱</sup> هرگاه و هر وقت که یک مجموعه از مسلمانان در خانه خداوند یعنی مساجد باهم قرآن کریم را مدارس می کنند یعنی تلاوت و تجوید و ترتیل و تفسیر میکند خداوند بالای شان اطمینان و آرامش خاطر را نازل نموده و رحمت خود را نصیب حال شان میسازد و در احاطه ملائکه میباشند و همچنان خداوند ایشان را در یاد خود می داشته باشد، یعنی یاری و مدد می نماید، این حلقه های قرآنی در همه بخشهای از تاریخ جریان و ادامه داشته و تا به حال بین مسلمانان جهان مروج است و مشروع است بلکه همین بسیار ثواب و فضیلت دارد، و امام نووی رحمه الله در کتاب ریاض الصالحین بابی را بنام "باب استحباب الاجتماع على القراءة" مستحب بودن جمع شدن بخاطر تلاوت و خواندن قرآن کریم نوشته که در آن احادیث صحیح را ذکر کرده.

یکی تلاوت می کند و دیگران گوش میدهند و احکام تجوید را تطبیق میکنند و خواننده را متوجه غلطی و اشتباهش میسازند و نیز در آخر هم آیات تفسیر می شود، این است مدارس قرآن کریم و طریقه مسنون و مستحب و مشروع.

لیکن ختم های مروج که قاری صاحبان را مردم به کرایه می آورند و یا اینکه جمع می شوند که باید به هر صورت قرآن کریم ختم شود، اگر در خانه باشد و یا در فاتحه خوانی باشد و یا در

<sup>۱</sup> - أخرجه مسلم في صحيحه، شماره حدیث: (۲۶۹۹)، ج ۴، ص ۲۰۷۴.

فورمهای انترنیتی و فیسوگ باشد مشروعیت ندارد بلکه علمای معاصر آن را بدعت و نوآوری دانسته اند و هیچ دلیل برای برگزاری آن وجود ندارد فقط عادت بی‌بسی نبوده.

وصلی الله تعالی علی خیر خلقه محمد و علی آله و اصحابه اجمعین.



### شروط قبولی دعای مسلمان

من چی کنم که دعایم قبول شود؟ که من نیز نماز تهجد می خوانم باز هم قبول نمی شود؟ پس را حل چیست؟ راه حلش از تو پرسان میکنم من در مسافری به سر می برم.

الحمد لله والصلاة والسلام علی رسول الله، أما بعد:

دعاء سلاح مؤمن و مسلمان است.

دعاء در ذات خود عبادت مستقل است ، الله متعال فرموده است که: "ادعوني استجب لكم"!

شما دعا کنید ومن قبول می کنم دعای تان را، رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است که: "الدعاء هو العبادۃ"<sup>۱</sup> دعاء عبادت است.

مسلمان هرگز از دعاء کردن مأیوس و نا امید نشود، و مسلمان که بخاطر اهداف مشروع دعاء و مسألت می نماید و دران قطع کردن صلہ رحم و غیره اهداف نامشروع نباشد، در هر صورت این دعاء برایش نفع می رساند و او در حقیقت یک عبادت مهم را انجام داده:

۱- یا اینکه دعایش عاجلا قبول میشود.

۲- و اگر قبول نشود به شکل عاجل ثوابش در آخرت برایش ذخیره میگردد.

۳- یا اینکه اگر قبول هم نشود الله متعال توسط همین دعاء از کدام بلاء و مصیبت برزگ او را نجات میدهد، رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "ما من عبد يدعو الله بدعوة ليس فيها إثم ولا قطيعة رحم إلا أعطاه الله بها إحدى ثلاث: إما أن تعجل له دعوته في الدنيا، وإما أن تدخر له في الآخرة، وإما أن يصرف عنه من الشر مثل ذلك، قالوا يا رسول الله: إذا نكث قال: "الله أكثر"<sup>۲</sup>.

۱ - أخرجه الترمذي في سننه، شماره حدیث: (۲۹۶۹)، ج ۵، ص ۲۱۱.

۲ - أخرجه أحمد في مسنده، شماره حدیث: (۱۱۱۳۳)، ج ۱۷، ص ۲۱۳.

شروط قبولی دعاء این است که:

- ۱- اخلاص داشته باشد.
- ۲- به الله متعال گمان نیک و خوب داشته باشد.
- ۳- بدن ولباشس پاک باشد.
- ۴- غذایش پاک و حلال باشد.
- ۵- کدام هدف نامشروع مخالف شریعت نداشته باشد.
- ۶- به تواضع و نرمی و صدای پخش دعاء کند.
- ۷- بی صبر و مأیوس و نا امید نشود.
- ۸- در وقت دعاء اوقات استجابت دعاء را اختیار کند که عبارت است از: بعد از نمازهای فرض، در سوم حصه اخیر شب، در بین آذان و اقامت، در وقت افطاری روزه، در سفر، در ساعت اخیر روز جمعه، در بین هر دو خطبه جمعه.



## به پاکی یاد کردن الله متعال توسط تسبیح های مروجہ

یکی از دوستان محترم و عزیز از ولایت پروان سوال نموده:

آیا تسبیح در حدیث شریف ثابت است، البته تسبیح که بشکل دانه ۳۵ الی ۱۰۱ دانگی معروف است؟ و چی حکم دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

تسبیح گفتن مروجہ توسط دانه های مختلف در حدیث صحیح ثابت نیست لیکن در اثر صحابه ثابت است خصوصاً از جویریہ بنت الحارث أم المؤمنین روایت شده که ایشان با سنگ های خورد تسبیح گفته، و نیز از بعض علماء نقل شده که آنها با سنگچل ودانه ها تسبیح گفته اند، و رسول الله صلی الله علیه وسلم با انگشتان مبارک تسبیحات خود را حساب می کردند، و بعض علماء گفته اند که اولی و افضل و بهتر تسبیح گفتن با انگشتان دست است.



آیا د سهار او ماہنام مسنون اذکار د اجر او عبادت لپاره وپل  
کپړي يا د انسان د نفس د حفاظت په خاطر؟

دا پوښتنه د ديني مسائلو له علاقمندانو څخه يوه مطرح  
کړې ده:

آيا د سهار او ماښام مسنون اذکار د اجر او عبادت لپاره ويل کېږي يا د انسان د نفس د حفاظت په خاطر؟

د سهار او ماښام مسنون او ماثور اذکار چې اصلي مصدر يې قرآن او سنت دي په حقيقت کې د مسلمان پناهگاه ده؛ په ويلو سره يې علاوه پر دې چې د الله تعالى عبادت سرته رسوي او د رسول الله صلى الله عليه وسلم د سنتو متابعت او پيروي کوي؛ سعادت او ښکړغي يې هم په نصيب کېږي د زړه آرامي او اطمینان يې ترلاسه کېږي،، الله تعالى هغه له ځمکنيو او اسماني آفاتو او بلاؤ څخه ساتي او حفاظت يې کوي ځکه چې دا اذکار او دعاوې د مسلمان پناهگاه ده..ليکن بيا هم تاکيد کېږي چې مسلمان خپل نيت درست کړي او په کامل اخلاص سره دا عمل پر ځای کړي ځکه رسول الله صلى الله عليه وسلم په صحيح حديث کې فرمايلي دي چې د انسان د عبادت سرنوشت يې نيت تعيينوي او د عادت او عبادت تر منځ يې هم توپير کوي: "إنما الأعمال بالنيات"، او مسلمان سره ددې اذکارو په ويلو سره نظر په خپل نيت يې معامله کېږي.



## آیا براستی بیشتر اهل دوزخ را زنان تشکیل میدهد؟

یکی از خواهران هموطن مقیم ما از جرمنی چنین

نوشته :

خواهری در جرمنی از من سوال کرد که در حدیثی شنیده که رسول الله صلی الله علیه وسلم خطاب به زنان گفته که اکثریت اهل جهنم را زنان تشکیل میدهد ایشان فرمودند چرا با وجودیکه امروز مرد ها عیاشتر و گمراه تر از زنان هستند که اصلاً مقایسه نه میشود؟ من در مورد صحت حدیث معلومات کافی نداشتم و سوال خواهر هم مرا به فکر انداخت چون حقیقت جامعه اسلامی و غیر اسلامی چنین است که فرمودند. از استاد خواهشمندم این سوال را برایم جواب بدهند تا به این خواهر برسانم.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

برای اینکه موضوع را بدرستی شرح کنم نص این حدیث را ذکر میکنم، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ : خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي أَضْحَى أَوْ فِطْرٍ إِلَى الْمُصَلَّى فَمَرَّ عَلَى النِّسَاءِ فَقَالَ : ( يَا مَعْشَرَ النِّسَاءِ تَصَدَّقْنَ فَإِنِّي أُرِيْتُكُنَّ أَكْثَرَ أَهْلِ النَّارِ ) فَقُلْنَ : وَبِمَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ؟ قَالَ : ( تُكْثِرْنَ اللَّعْنَ وَتَكْفُرْنَ



العشیر...<sup>۱</sup>، رسول الله صلی الله علیه وسلم در یکی از اعیاد فطر یا اضحی به طرف عیدگاه روان بود و از نزد خانمان گذری داشت و برای شان فرمود ای جمعی خانمان صدقه دهید زیرا من میبینم که بیشترین اهل دوزخ را زنان تشکیل میدهد.. آنها سوال نمودند که چرا زنان بیشترین اهل دوزخ هستید، آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند که علت و سبب این امر بعض گناهان است که در بین خانمان بیشتر واقع می شود و از جمله آن لعنت کردن یعنی دشنام دادن، واحسان فراموشی عشرت و زندگی با شوهر، البته این نمونه از گناهان است که تنها اینها نیستند.

این حدیث درست و صحیح است، و در صحیحین بخاری و مسلم روایت شده، هدف از آن تنبیه خواهران مسلمان است که صدقه بدهند، و کار خیر و نیکو کنند، و در طاعت او تعالی باشند و معنایش معافیت مردان گنهگار از آتش دوزخ نیست بلکه تعداد زنان از مردان کرده در دنیا هم بیشتر است و در آنجا، در عین حال در احادیث و آثار ثابت است که بیشترین اهل جنت را نیز زنان صالح و نیکو کار تشکیل می دهد به این معنی که مسلمان گنهگار برای ابد در آتش دوزخ نمی ماند و در اول به اندازه گناه خود عذاب می بیند و بعد از آن از دوزخ خارج میشود، الله متعال نامش حق است

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب الحيض، باب ترك الحائض الصوم، رقم الحديث: (۳۰۴)،

و حق را به حقدار میرساند و بر هیچ کسی را به اندازه مثقال ذره ظلم را روا نمی دارد، تنها عمل انسان است که او را به جنت و یا دوزخ سوق میدهد مرد باشد یا زن، البته این حدیث نصحیت و تنبیه است که این گناهان از زنان بیشتر سرزد می شود که سبب به دوزخ رفتن است:

- کثرت و زیادت لعن و طعنن گویی به مردم.

- غیبت کردن بیش از حد.

- کفران نعمت و احسان فراموشی شوهران.

- بد رفتاری باشوهران (شوهر نیکو جنت و دوزخ زن است).

- رفتن به زیارتها بخاطر برآورده شدن حاجات که بغیر از الله متعال کسی بر آورده نمی تواند.

- رفت و آمد نزد جادوگران.

- رفت و آمد نزد تعویذ نویسان.

- سروکار داشتن با فالبینان و کفشناسان.

علت بیان کردن این همه تشویق خواهران به عمل صالح و نیکوکاری است از جمله صدقه دادن که سبب محو

فوری گناهان می شود زیرا دین مبین اسلام دین ترغیب و ترهیب است.

غلط فهمی نشود معنای این حدیث معافیت مردان گنهگار از آتش دوزخ نیست بلکه ترغیب خواهران به صدقه دادن است و در عین حال تحذیر و ترهیب آنها از لعنت کردن و طعن گفتن و غیبت و مرتکب شدن گناهان است، این از زیباییهای دین مبین اسلام است که رسول الله صلی الله علیه و سلم هر امر را در موقع و موسمش بیان میکرد زیرا جمعی بزرگی از زنان را مواجه شد و فرصت را مناسب دانست که این وعظ و نصیحت را بکند، و در همین سیاق در دهها مورد به مردان نصیحت کرده اند مطابق وقت و زمان و ضرورت و موسم، بر مرد وزن مسلمان فرض است که کار خیر را انجام دهند و از گناهان و معاصی بپرهیزند و سبب داخل شدن جنت و دوزخ را تنها در عمل، رویه و اخلاق خود، و در پابندی به اوامر الهی و اجتناب از نواهی بدانند نی به فهم بعض نصوص زیرا نصوص یعنی آیات قرآن کریم و احادیث نبوی یک بخش بخش دیگری را شرح و تفسیر میکند و باید مسلمان از دین مبین اسلام فهم شمولی داشته باشد نه فهم قاصر و کوتاه و جزئی.



## برای زن و شوهر جواز دارد که دستان همدیگر را ببوسند

یکی دوستان سوال نموده :

بوسه کردن دست شوهر جائز یا نه؟

الحمد لله وحده، والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

الله متعال زن و شوهر را لباس و ستر یکدیگر کردانیده، و فرموده است "هن لباس لكم وأنتم لباس لهن"<sup>۱</sup>.

و رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "احفظ عورتك إلا من زوجتك"<sup>۲</sup> عورت خود را ببوشان مکر از خانم خود، در صورت خانمها می توانند عورت شوهر را ببینند بس در این شکی نیست آنها می توانند دستان شوهران را ببوسند بخاطر احترام اگر شوهر عالم باشد و یا بخاطر دوست و شهوت در هر دو صورت جواز دارد و نیز برای شوهران هم جائز و مشروع است که دستان خانمان شان را ببوسند بخاطر محبت و دوستی و شوخی.

<sup>۱</sup> - سورة البقرة، آیت: ۱۸۷.

<sup>۲</sup> - سنن الترمذی، أبواب الأدب عن رسول الله صلی الله علیه وسلم، باب ما جاء في حفظ العورة، رقم الحدیث: (۲۷۶۹)، (ج ۵، ص ۹۷).

اما بوسیدن دستان زن وشوهر نه واجب است و نه هم سنت ومستحب تنها مباح است.



### در جواب تلفون هلو یا الو گفتن بهتر است یا السلام علیکم؟

این هم سؤالی است که یک برادر آنرا مطرح نموده وخواهان توضیحات بیشتر شده.

و باید در جواب این سؤال بنویسم که بهتر واولی وافضل این است که مسلمان مطابق سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم عمل بکند در تمام بخشهای زندگی اش از جمله گفتگو وجواب دادن تلفون.

و باید بجای (هلو) و (الو) بهتر است که السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته بگوید.

و جواب دهنده وعلیکم السلام ورحمت الله وبرکاته را بزبان بیاورد.



## ذکر نمودن در داخل تشنابها و حمامها مکروه است

یکی از خواهران سوال نموده که :

آیا تشناب های فعلی اسمنتی هم حکم تشنابهای قدیمی را دارد که دروازه اش را بسته کنیم در وقت که ضرورت نباشد؟

طریقه سنت این است که دروازه تشناب ها خانه بسته شود در شب و روز زیرا شیطان و جنیات از تشناب به خانه می آیند، و هنگام داخل شدن در تشناب باید دعای مأثور خوانده شود: "اللهم إني أعوذ بك من الخبث والخبائث" خداوند من به تو پناه میگیرم از شیطانهای نر و ماده و ناپاکیها که همانا در تشناب ها است.



## فضایل شجر کاري ونهال شاني

دین مقدس اسلام بر نهال شانی و کشت و زراعت و دهقانی جدا تشویق کرده و همین حالا موسم سبزیکاری شروع شده و دوستان متوجه باشند.

علماء فرموده اند که اجر و ثواب کشت و زراعت برای دهقان به شکل مستمر و مداوم میرسد و تا به روز قیامت ادامه دارد در صورتکه از همین کشت و زراعت انسانها

استفاده کنند از میوه و سبزیجات و تخم آن و در حدیث آنس رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت شده که فرمودند: "ما من مسلم یغرس غرسا أو یزرع زرعاً فیأکل منه إنسان أو بهیمة إلا کان له به صدقة"<sup>۱</sup> و تکه مسلمان سبزی بکارد و یا نهال غرس کند و ازان انسانها و حیوانات بخورند برای دقهان و غرس کننده اجر صدقه نوشته می شود، و از ابی ایوب الأنصاری رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت شده که فرمودند: "ما من رجل یغرس غرسا إلا کتب الله له من الأجر قدر ما یرج من ثمر ذلك الغراس"<sup>۲</sup> هر مؤمن و مسلمان که نهال بشانند و غرس کند و آن به ثمر برسد خداوند متعال برایش اجر و ثواب آن را می نویسد در صحیفه اعمالش.

وصحابی از أصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت میکنند که آنحضرت را شنیده اند به هر کوشش فرموده اند: "من نصب شجرة فصبر علی حفظها والقیام علیها

۱ - صحیح البخاری کتاب المزارعة، باب فضل الزرع والغرس إذا أكل منه، رقم الحدیث: (۲۳۲۰)، (ج ۳، ص ۱۰۳).

۲ - مسند أحمد، أحادیث رجال من أصحاب النبی صلی الله علیه وسلم، حدیث ابی ایوب الأنصاری، رقم الحدیث: (۲۳۵۲۰)، (ج ۳۸، ص ۵۰۳).

حتى تثمر كان له في كل شيء يصاب من ثمرها صدقة عند الله عز وجل" <sup>۱</sup>.

کسی که نهال ودرخت غرس کند و آنرا آبیاری کند و محافظت نماید و به ثمر برسد در هر قدم آنرا برایش اجر میرسد خصوصاً که از ثمر و میوه آن مردم استفاده کند.



### حکم دشنام دادن رهبران سیاسی

آنهای که با استفاده از تکنالوجی معلوماتی کاریکاتورهای اهانت آمیز رهبران سیاسی و جهادی و سران حکومت وحدت ملی و دشمنان فکری شان را رسم میکنند و آنرا با الفاظ بد و زشت و دشنام در صفحات فیسبوکی شان نشر میکنند، این عمل شان به هیچ وجه در شریعت جواز ندارد و حرام قطعی است و اگر هدف شان نصیحت و مشوره دهی و صلح آوردن باشد این هدف توسط دشنام و توهین کردن بر آورده نمی شود و تحقق نمی یابد و خطاً و غلطی و اشتباه به خطاً دیگر اصلاح نمی شود، و شریعت اسلامی و دین مبین اسلام از دشنام دادن جدا منع کرده حتی از دشنام دادن غیر مسلمانان و هم استهزاء و به القاب بد یاد کردن را حرام

<sup>۱</sup> - مسند أحمد، مسند المدینین، حدیث من شهد النبی صلی الله علیه وسلم، رقم

الحدیث: (۱۶۵۸۶)، (ج ۲۷، ص ۱۲۸).



دانسته، خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید "ولا تلمزوا أنفسکم ولا تنابزوا بالألقاب"<sup>۱</sup> یکدیگر را بد گویی نکنید و به القاب بد یاد نکنید و دشنام ندهید، و اگر هدف اینها خدمت به وطن و کشور عزیز ما افغانستان باشد ازین طریق خدمت به وطن نمی شود و وحدت ملی بدست نمی آید، بلکه نصحیت و مشوره دهی به شیوهای مناسب و خوب و دور از اهانت و توهین کردن می شود، و باید اینها زبانها و قلم های شان را در دشنام و رسمهای بیجا ملوث نسازند، و بسیار جای تأسف است که وقت و توان و طاقت و علم و هنر شان را در کار های بی فایده و دشنام دادن رهبران و شخصیتها ضایع می کنند، رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح متفق علیه فرموده اند: "سباب المسلم فسوق"<sup>۲</sup> دشنام دادن مسلمان گناه کبیره و فسق است، وأم المؤمنین عایشه رضی الله عنها فرموده اند که رسول الله صلی الله علیه وسلم دشنام دهنده نبود نی به زبان و نه به رفتار خود و نی به کسی اجازه دشنام را میداد، حتی اینکه شریعت از رفتار و سخنی منع کرده که به شکل غیر مستقیم هم ازان به دیگران ضرر برسد و احساس نا راحتی کنند و به نام (التعریض) یاد شده در کتابهای فقه، و اینها باید متوجه

<sup>۱</sup> - سورة الحجرات، آیت: ۱۱.

<sup>۲</sup> - صحیح البخاری، کتاب الإیمان، باب خوف المؤمن من أن یحبط عمله وهو لا یشعر، رقم الحدیث: (۴۸)، (ج ۱، ص ۱۹).

باشند که کاریکاتورهای شان و رسمهای شان در روز قیامت از آنها روح می خواهند.

این است موقف شرعی در باره رسم کاریکاتور رهبران احزاب و سران و شخصیت‌های جهادی و سیاسی، و جواب سوال دوست و وطن‌دار عزیز ما مقیم در یکی از کشورهای خارجی. وبخاطر که این جواب عام المنفعه است در صفحه نشر نمودم، البته انسان می تواند اظهار نظر سیاسی، و موقف گیری در قضا یا داشته باشد.

وصلی الله تعالی علی خیر خلقه محمد وعلی آله و صحبه أجمعین.



### نوشتن آیات قرآن کریم در ظرف آشپزخانه

فقه‌های اسلام نوشتن آیات قرآن کریم را در پیاله و بشقاب و ظرفهای آشپزخانه و لباس و پیسه و غیره اشیای خورد و نوش و مورد استعمال ناروا و حرام دانسته اند زیرا که آیات قرآن کریم مورد بی احترامی قرار می‌گیرد و همچنان وسیله تجارت می شود، و هر کسی که نزدش این پیاله ها و یا ظرفهای آشپزخانه وجود داشته باشد که مشتمل آیات قرآنی باشد باید آن را پاک نماید و نوشته اش را ازاله کند، و باید احتیاط نماییم زیرا ظرفهای که در آن آیات قرآنی

نوشته باشد بازیچه اطفال و یا وسیله خورد و نوش قرار نگیرد، همین بود جواب سوال دوستی که در یکی از صفحات فیسبوکی پیاله را مشاهده کرده که در آن سوره فاتحه نوشته شده است، آیا این کار جواز دارد؟



### حکم ثبت معلولین عمومی بخاطر بدست آوردن پول در دفتر معلولین جنگ

یکی از علاقمندان مسائل دینی از ولایت تخار سوال

نموده:

دو سال پیش پدرم زیر دیوار مانده بود و در نتیجه حرام مغز کمرشان قطع شده فلج شدند بنا به مشوره بعض دوستان و نیز اقتصاد ضعیف ما خواستیم او شامل دفتر معلولین کنیم اما وقتیکه به دفتر رفتیم جواب گفتند که ما برای کسی پول می‌دهیم که در جنگ معلول شده باشد بناء معاریضه نویشتیم که گویا پدرم در جنگ معلول شده باشد.

وقتیکه خانه آمدیم یک مولوی صاحب گفت که چنین پول حرام است چرا که از طریق دروغ بدست می‌آید لطفا شما وضاحت ببخشین که اخذ چنین پول حلال است یا حرام؟

### الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

برای معلولین عمومی جایز نیست که خود را شامل دفتر معلولین جنگ نمایند تا اینکه از پول و معاش تخصیص داده شده برای آنها استفاده نمایند زیرا که این غش و تزویر پنداشته میشود که در شریعت ناروا و نایز و حرام است، در عین حال حق تلفی در حق معلولین جنگ شمرده میشود، رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "من غشنا فلیس منا"<sup>۱</sup> کسی که امکانات و پول و پیسه را از طریق غش و تزویر بدست بیاورد از جمله ما نیست به این معنی که مطابق هدایات و دستور ما عمل نمی کند بلکه راه و روش حرام خوری را اختیار کرده است.

لهذا شما باید همه پول و پیسه و معاشاتی را که در طول این دو سال از طریق دفتر معلولین بدست آورده اید و جوابا و لزوما در خزانه همان ریاست تسلیم دهید، اما اگر اداره مذکور این مبلغ و پولها را برای شما ببخشد در این حالت برای شما حلال است.



<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، کتاب الإیمان، باب قول النبی صلی الله علیه وسلم: «من غشنا فلیس منا»، رقم الحدیث: (۱۰۱)، (ج ۱، ص ۹۹).

## وظیفه اجراء کردن و همکاری نمودن با رسانه های که در نشر فحشاء و منکرات نقش دارد

یکی از جوانان محترم و عزیز از شهر کابل نوشته:

نقش علما چرا بیرنگ است، زیرا رسانه های هستند که فحشاء و منکر را ترویج میدهند و بر ضد همه ارزشهای اسلامی فعالیت دارند و بخاطر گمراهی جوانان و نوجوانان از هیچ نوع سعی و تلاش دریغ نه نموده اند.

آیا علما و افراد مطرح کشور همچو دوکتور محمد ایاز نیازی، دوکتور فضل الهادی وزین، مولانا عبدالصبور، استاد عبدالسلام عابد، استاد عبدالله نور عباد، استاد عنایت الله بلیغ، استاد فضل الله ممتاز، استاد عبدالبصیر فرید، استاد عبدالظاهر داعی، مفتی شمس الرحمن فروتن، ابو عبیدالله متوکل، استاد نورالله کوثر، مولوی مظهرالدین فایز، استاد فخری رئیس جمعیت اصلاح افغانستان مولانا مجیب الرحمن انصاری و غیره علمای جید کشور این ارشاد رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فراموش کرده اند:

(هر کس از شما منکری را دید باید آن را با دست خود (عملاً) تغییر دهد و اگر عملاً نتوانست با زبان (به وسیله گفتار) آن را تغییر دهد و اگر با زبان نیز نتوانست پس با قلب آن را نپسندد و این مرحله ی آخر نشانه ی ضعف ایمان است).

### الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

اولاً: ازین جوان محترم ومخلص وبادرك بسیار تشكری میکنم كه سوال بسیار سرنوشت ساز را مطرح كردند، زیرا رسانه ها ومطبوعات در شرایط فعلی سلاح ووسيله بسیار مهم بوده كه در تغییر اذهان عامه رول ونقش حیاتی را دارد، و سلاحی است كه دو تیغ دارد هم بطرف خیر ونیکی ها سوق داده می شود، وهم از آن بر ضد ارزشهای اسلامی استفاده بعمل میاید، قسمی كه در سوال توضیح داده شد، ازینرو باید دعوتگران و مسلمانان هدفمند باید به رسانه، ومطبوعات توجه خاص داشته باشند وآنرا وسیله خوب برای نشر وپخش دعوت شان قرار دهند وهم تاجران مسلمان مسؤولیت ایمانی دارند كه مطبوعات اسلامی را كمك مالی كنند تا آنها بتوانند وجیبه شان را بشكل درست انجام دهند وجلو فسق وفجور وترویج منكرات وهجوم تغریبی وسكولریستی را بگیرند، وما وشما نمونه های خوبی هم داریم از مطبوعات اسلامی مثل: رادیوهای صدای اصلاح وسایت اصلاح اونلاین ومجلات ونشرات اصلاح میدیا گروب وهم بعضی كوشش های فردی دیگران مثل رادیو اسلام پیمان، كه همانا هدف آن نشر وبخش عقیده وارشهای اسلامی ودفاع از آداب واخلاق ودستآورد های اسلامی میباشد.

ثانیا: فتوای شرعی این است که کار کردن ووظیفه اجراء نمودن در این مطبوعات و رسانه ها و جینل های تلویزیونی و مجلات و جرائد و اخبار و مطبوعات که بر ضد اسلام کار میکنند یا بصورت کلی ویا جزئی ..کار کردن با آنها جواز ندارد و حرام قطعی است و معاش و پول بدست آمده ازین کار حرام شمرده می شود و گناه کبیره و بزرگ هم است و باید کارمند مسلمان این وظیفه را ترک کند و به جستجوی کار حلال دیگری باشد، در هیچ بخش از بخشهای نشر و پخش و تخنیکی حتی چوکی داری و آشپزی هم با آنها جواز ندارد، آنها موسیقی مبتذل را نشر می نمایند بروگرامهای غیر اسلامی را ترویج میدهند ارزشهای غیر اسلامی را مزین ساخته به مردم تقدیم میکنند.

هر کسی که درین چینل ها و رسانه های مطبوعاتی وظیفه دار است همکاری به طرف گمراهی و ضلالت میکند و وسیله نشر و پخش بی دینی می شود و دنیا و آخرتش تباه و برباد میگردد.

خداوند متعال می فرماید در آیت دوم سوره المائدة:  
 "وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ"<sup>۱</sup>، در کارهای خیر و نیک و شایسته همکار باشید و در اعمال بد

<sup>۱</sup> - سورة المائدة، آیت: ۲.

وزشت و نارا و تجاوز به مقدسات و ارزشهای اسلامی و سوق دادن به گمراهی همکاری نکنید.

ورسول الله صلى الله عليه وسلم در حدیث صحیح به روایت امام مسلم می فرماید: "من سن فی الإسلام سنة حسنة فله أجرها وأجر من عمل بها من بعده من غير أن ينقص من أجورهم شيء، ومن سن في الإسلام سنة سيئة فعليه وزرها ووزر من عمل بها من بعده من غير أن ينقص من أوزارهم شيء"<sup>۱</sup>، هر کسی که بنیاد کار های خیر و نیک و صالح را می ماند برایش اجر همین کارش و اجر و ثواب که دیگران به آن عمل میکنند و توسط این کار هدایت می شوند تا به روز قیامت نوشته می شود و حکم صدقه جاریه را دارد، و هر شخص و یا مؤسسه و یا شرکت که بنیاد کارهای و رسانه های مبتذل و ترویج دهنده فحشاء و منکر را گذاشته و می گذارد و در آن سهم میداشته باشد و همکاری میکند گناه عمل کرد خودش و گناه کسانی که توسط این کار شان به کمراهی و بیراهه کشانیده می شوند برایش نوشته می شود و به طرف دوزخ سوق داده می شود.

هر کسی که بنیاد و تهداب کار خیر و نیک را بگذارد و در آن قدم بماند و دست بکار شود اجر و پاداش آن تا به روز

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، کتاب الزکاة، باب الحث علی الصدقة ولو بشق تمره، أو كلمة طيبة وأنها حجاب من النار، رقم الحديث: (۱۰۱۷)، (ج ۲، ص ۷۰۴).



قیامت جاری بوده و برایش ثواب آن میرسد چون وسیله خیر شده، و هر کسی بنیانگذاری کارهای شر زشت و نادرست و ناروا را میکند و وسیله شر می شود تا به روز قیامت نه تنها گناه آن را متحمل می شود بلکه گناه کسانی که آنرا ترویج میدهند و به آن عمل میکنند و دیگران را تشویق میکنند هم متحمل میشود.

ثالثا: کار کردن، وظیفه اجراء کردن، خانه و املاک را به کرایه دادن، همکاری قلمی و زبانی کردن، با این رسانه ها و مطبوعات که در نشر فحشاء و منکر دست دارد حرام مطلق و قطعی است و گنااهش از سود خوری کرده هم بیشتر است، و نیز حمایت کننده مالی و سیاسی این نوع رسانه ها در گناه شامل هستند.

رابعا: الله متعال اشخاص، افراد، سرپرستان، همکاران و دست اندرکاران رسانه های را که در ترویج فحشاء و منکر و بی حیائی نقش دارند عذاب دردناک در دنیا و آخرت وعده نموده و تحذیر شدید کرده، زیرا اینها هستند فواحش و بی حیائی و منکرات را ترویج میدهند و با کمال خوشی مردم را نیز به گمراهی تشویق میکنند: "إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ

الْفَاحِشَةُ فِي الدِّينِ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ  
يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ" ۱.

وصلی الله تعالی علی خیر خلقه محمد وعلی آله  
وأصحابه أجمعین



### دعای دسته جمعی بعد از نماز فرض

این چندین بار است که دوستان در مورد مشروعیت  
دعای دسته جمعی خواهان بحث و معلومات می شوند  
وآخرین این پرسشها سوالی است که قبل از چند دقیقه از  
طرف دوست ارسال شده :

سلام علیکم استاد! بعد از نمازها دعای دسته جمعی  
چی حکم دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اهمیت دعاء به همه معلوم است که دعاء سلاح مسلمان  
ومؤمن است ودعاء خودش عبادت مستقل است ومسلمان  
مأمور است که دعاء بکند زیرا اگر دعاء نکند ومسألت ننماید  
خداوند متعال بالایش قهر می شود، و دعاء اوقات اجابت

۱ - سورة النور، آیت: ۱۹.

خاص دارد از جمله بعد از نمازهای فرض، در بین آذان و اقامت، ساعت اخیر روزه جمعه، در بین هردو خطبه جمعه، درسوم حصه آخر شب، دعای روزه دار، دعای مسافر، دعای مسلمان در حق برادر مسلمانش در غیاب، دعای مسلمان مظلوم.

اما در مورد دعای دسته جمعی بعد از نماز فرض مثل که مروج است در مساجد کشور عزیز ما افغانستان علماء اختلاف دارند.

کسانی طرف دار این دعاء هستند و مشروع میدانند استدلال شان این است که بعد از نماز فرض وقت قبولی دعاء است به شکل فردی و یا اجتماعی و هیچ دلیل وجود ندارد که از دعای دسته جمعی را منع کرده باشد.

و نیز خداوند متعال در قرآن کریم امر کرده که دعاء کنیم: "ادعونی أستجب لکم" <sup>۱</sup> شما دعاء کنید و من اجابت و قبول میکنم.

و کیفیت دعاء که فردی و یا اجتماعی باشد برای بنده گان واگذار شده.

---

<sup>۱</sup> - سورة غافر، آیت: ۶۰.

اما آن‌های که دعای دسته جمعی را مشروع نمی دانند و بدعت می شمارند استدلال شان این است که رسول الله صلی الله علیه وسلم و صحابه کرام و ائمه فقه چنین دعای دسته جمعی را نکردند و هیچ ثابت نیست و لهذا این یک عبادت است که بدون دلیل آنرا انجام ندهیم.

نظر و قول سومی این است که اگر بعض وقت دعاء اجتماعی شود که مردم اهمیت دعاء را بدانند و فراموش نکنند خصوصا در اوقات بحرانی بودن اوضاع مسلمانان، زیرا مردم عوام نمی فهمند که چطور دعاء کنند و امام مسجد دعاء کند آنها آمین بگویند دعای شان قبول می شود.

و در بعض اوقات ترک شود زیرا مداومت کردن بر آن لازم نیست.

اما درین شکی نیست که دعاهای که در عقب درسه‌های فهم القرآن و دروس دینی علماء و در وتر و قنوت و تهجد می شود بسیار اهمیت دارد.



## در بیت الخلا هنگام قضای حاجت صحبت کردن مکروه است

عرض سلام وادب خدمت استاد محترم! استاد سوالی داشتم که در بیت الخلا صحبت کردن در تلیفون یا کسی صدا میکند جوابش را پس دادن حکمش چی است؟

بیت الخلاء جای ناپاک است که باید در آنجا ذکر الله متعال نشود هنگام صحبت ممکن است که نام الله تعالی به زبان آید و یا اینکه که مجبور شود در تلفون بخاطر قناعت دادن جانب مقابل خود یا قسم بخورد و یا اینکه از آیات واحادیث استدلال کند که این همه در تشناب ها و بیت الخلا غیر مرغوب و مکروه است، و فقهاء فرموده اند که انسان کاملا سکوت باشد.



## حکم فروش کبوترها

دوستی سوال نموده که :

مولوی صاحب السلام علیکم! من از سالها که کبوتر دارم و کار و بارم همین است بعض گفته که حرام است، به زحمت می شوین روشنی بیندازید؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

کبوتر بازی نگهداری آن اگر سبب آزار واذیت رسانیدن به همسایه ها شود، کشت و زراعت شان تلف شود و مردار شود و یا اینکه در نتیجه بالاشدن در بام خانه بخاطر کبوتر بازی همسایه ها آزار ببینند و خانه های شان معلوم شود خانه های افغانستان قسمی طراحی شده که از بامهای همسایه داخل و حویلی همسایه ها معلوم میشود که این کار در شریعت حرام است و جواز ندارد و مسلمان باید سبب آزار دادن و ضرر رسانیدن به هیچ مسلمان نشود و حق همسایه بیشتر است، هر مسلمان که از بام خانه همسایه خود را به نظر بد ببیند در حقیقت بی مروت شمرده می شود و ایمانش ضعیف است، کبوتر بازی در طول تاریخ نام بد دارد که حتی در کتاب های فقه فقهاء نوشته که شاهدهی کبوتر باز قبول نمی شود چون عدالت را از دست داده در نتیجه کبوتر بازی.

اما اگر تنها کبوتر در داخل حویلی و خانه نگهداری و تربیه شود بخاطر خرید و فروش باکی ندارد بشرطی که شرائط پاکی و نظافت مراعات شود.

کبوتر بازی اگر سبب آزار واذیت دادن به همسایه و اهل قریه و تلف شدن کشت و زراعت آنها شود حرام شمرده می شود.

- اگر از کشت و زراعت همسایه ها تغذیه شود نگهداری آن مکروه و ناپسند است.

- اگر تنها در خانه نگهداری و تربیه شود جائز و مشروع است.



### دایره زدن خانمها

یکی از دوستان نوشته که :

اگر در مورد دایره زدن در عروسی ها معلومات بدهید اگر در حدیث شریف راجع به دایره زدن اطفال ذکر شده لطف کنید.

- در احادیث صحیح ثابت مشروعیت دایره زدن خانمها، نزد جمور فقهاء مشروع و مباح و در مذهب حنبلی دایره زدن خانمها در مجلس نکاح و عروسی مستحب است یعنی اجر و ثواب هم دارد.

- برای مردان خورد و کلان دایره زدن جائز و مشروع نیست.



## تلاوت کردن سوره کهف روز جمعه ثواب و فضیلت دارد

- وقت تلاوت سوره کهف از طلوع آفتاب روز جمعه تا به غروب آفتاب می شود.

- تلاوت کردن سوره کهف روز جمعه از صحابه کرام رضی الله عنهم ثابت است از جمله او سعید الخدری و عبد الله بن عمر رضی الله عنهم.

- تنها فضیلت که در حدیث ثابت روز جمعه بوده نه شب جمعه.



## آداب و احکام استخاره نمودن

یک خواهر محترمه نوشته که:

مولوی صاحب من یک مشکل داشتم میخواستم که نماز استخاره بخوانم دعای استخاره چی وقت خوانده می شود و آداب استخاره را چی است ؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، اما بعد:

دعای استخاره بعد از سلام دادن از نماز استخاره خوانده می شود :



اللهم إني أستخيرك بعلمك، وأستقدرك بقدرتك، وأسألك من فضلك العظيم، فإنك تقدر ولا أقدر، وتعلم ولا أعلم، وأنت علام الغيوب، اللهم إن كنت تعلم أن هذا الأمر خير لي في ديني ومعاشي وعاقبة أمري، أو قال: عاجل أمري وآجله، فاقدره لي ويسره لي ثم بارك لي فيه، وإن كنت تعلم أن هذا الأمر ( ... )، شر لي في ديني ومعاشي وعاقبة أمري، أو قال: عاجل أمري وآجله فاصرفه عني، واصرفني عنه، واقدر لي الخير حيث كان ثم رضني به. قال: ويسمى حاجته، أي يذكر حاجته عند قوله: اللهم إن كنت تعلم أن هذا الأمر ( ... )، فيقول مثلاً: اللهم إن كنت تعلم أن سفري أو زواجي من فلان أو من فلانة.

- نماز استخاره دو رکعت است ودعاى استخاره بعد از سلام خوانده می شود.

- نماز استخاره مشروع است در هر وقت تنها در اوقات مکروهه که بعد از نماز صبح إلى طلوع آفتاب، وبعد از نماز عصر تا به مغرب، ووقت استواء وبرابری آفتاب در روزه خوانده نمی شود، در غیر این اوقات در هر وقت از شب وروز خوانده می شود.

- دعاى استخاره بعد از سلام دادن از نماز خوانده می شود.

- استخاره در کارهای مباح می شود اما در کارها  
ومسائل که واجب بودن ویا حرام ومکروه بودنش معلوم باشد  
استخاره نیست.

- واگر هنگام خواب وبعد ازان احساس راحت نمود  
معنایش که نتیجه استخاره ایجابی است اما اگر چیزی  
معلوم نشد ویا احساس نا راحتی کرد باید منصرف شود،  
ومی تواند که استخاره را تکرار کند.

- طهارت وپاکی شرط نماز استخاره است.

- در ضمن استخاره مشوره علماء ودانشمندان وصاحب  
نظران نیز مهم است.



### ختنه کردن دختران

یکی از دوستان نوشته:

در شب جمعه گذشته وقت که مولوی صاحب، در  
مجلس عقیقه صحبت میکرد از سنت بودن ختنه ذکور  
واناث حرف زد، وشما دران مجلس ختنه کردن اناث را منکر  
شدین ورد کردین که مولوی صاحب نیز نظریه شما را قبول  
کرد، آیا درین مورد شما تحقیق علمی وفقهی دارید؟

بلى من درين مورد اقوال فقهاء معاصرین را تحقيق نموده و بحثی را تحت عنوان "ختان الإناث قضية للبحث" نشر کردم و دران ثابت ساختم که این یک عادت فرعونى است که در اسلام اساس ندارد و در دائره عادت می باشد چون ضررش از نگاه طب ثابت شده لهذا مشروع نیست.

- ختنه کردن تنها برای ذکور سنت است.

- از قول و فعل رسول الله صلى الله عليه وسلم ثابت نیست که اناث را ختنه کرده باشد.

- صحابه کرام و تابعین نکرده و از آنها ثابت نیست.

- احادیث که ذکره شده همه ضعیف و قابل استدلال نیست. سید سابق در کتاب فقه السنه نوشته که "أحاديث الأمر بختان المرأة ضعيفة ولم يصح منها شيء".

- در حجاز و بلاد حرمین که جای نازل شدن وحی است کسی نمی کند.

- دکتوران طب بارها نظر دادند که این کار ضرر های صحی دارد لهذا عادت که به ضرر اناث تمام می شود جائز و مشروع نیست.

- ختنه کردن اناث یک عادت فرعونی بوده که در مصر و کوه‌های نوبه سودان می شده و آن عادت در بین مردم باقی مانده و نیز احادیث ضعیف وجود داشته که برای موقف شان استدلال می کنند.

- مولوی صاحبان محترم وقت که درجه حدیث را نمی دانند خصوصا باید بر اساس احادیث ضعیف و موضوع فتوی صادر نکنند.

- در بعضی مناطق پاکستان و هند نیز این عادت مروج است که آنها نیز از احادیث ضعیف استدلال کرده اند.



### سالگره تولد اشخاص در اسلام اساس ندارد و بهتر است که نشود

السلام علیکم ورحمة الله! دروند استاد، د زان یا اولادونو کلیزه نمازل (سالگره) د اسلام د نظره سنگه ده.

- هیچ دلیل شرعی در احادیث صحیح و یا عمل صحابه و تابعین و فقهاء وجود ندارد، حتی برای مباح بودن و عادت بودن آن، تنها تقلید غیر مسلمانان است که باید نشود، تا اینکه تشبه به غیر مسلمانان نگردد.



## اتن ملي ورقص مردان باشمشير وتفنگ در روشني شريعت

دوستی دانشمند و محترم که خود مولانا است چنین سوال نموده و بنده فقیر در حرج قرار داده :

آیا شریعت رقص کردن جوانان و نوجوانان را در ملا عام و در انظار عمومی بنام اتن اجازه میدهد؟ و فرق بین اتن و رقص چیست؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اتن ورقص مردان اگر تنها در مناسبت های خوشی و روزهای عید بدون موسیقی و اختلاط زن و مرد باشد بشرط که گروهی از مردان اجرا کنند نی اطفال، دول و طبه و سرنی نداشته باشد، و عادت دائمی شان ساخته نشود مشروع است، در حدیث صحیح روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم ایستاد بود با ام المؤمنین عائشه رضی الله عنها و او میدید به طرف حبشیها که بازی می کردند ورقص می نمودند و رسول الله صلی الله علیه عائشه رضی الله عنها را پت و ستر میکرد از مردان، ایشان مردهای حبشی را از رقص منع نکرد چون کاری نمی کردند که مخالف شرع باشد (آن عائشه، قالت: لقد رأيت رسول الله صلی الله علیه وسلم یوما علی

باب حجرتي والحبشة يلعبون في المسجد، ورسول الله صلى الله عليه وسلم يسترني بردائه، أنظر إلى لعبهم<sup>۱</sup>.

نیز رقص مردان با تفنگ وشمشیر قبل از داخل شدن در جنگ باد شمن جواز دارد زیرا دران تشویق و اظهار دلیری و شجاعت است مثل که در روایت صحیح آمده: "کما فعل أبو دجانة الأنصاري رضي الله عنه يوم أحد عندما أخذ سيف النبي صلى الله عليه وسلم، وأخرج عصابته الحمراء، وعلم بها رأسه، وخرج يتبختر ويتمایل بين الصفوف" مثل که صحابی جلیل القدر ابو دجانه انصاری در جنگ احد شمشیر رسول الله صلى الله عليه وسلم را بدست گرفت و چادر سرخش را به سر بست شروع به بازی کرد در بین صف مسلمانان بخاطر تشویق و اظهار قوت و شجاعت و دلیری، این هم جائز است.

و جائز بودن به این شروط شرعی است :

۱- عادت و پیشه ساخته نشود تنها در خوشی ها باشد.

۲- مردان باشد نه اطفال.

۳- اختلاط زن و مرد نباشد.

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب الصلاة، باب أصحاب الحراب في المسجد، رقم الحدیث:

(۴۵۴)، (ج ۱، ص ۹۸).

۴- موسیقی و ساز و دهل و طبله و سرنی نداشته باشد.

۵- در وقت نماز های فرض نباشد یعنی مانع جماعت نشود.

۶- سبب آزار و اذیت مردم نشود.

۷- با شمشیر و تفنگ بی مرمی و کارتوس باشد بهتر است.



### استفاده از سامان وقفی مسجد در ضرورت‌های شخصی جایز نیست

دوستی محترمی نوشته :

استاد بزرگوار استفاده از اموال و بعضی اشیای مسجد چه حکم است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

شریعت استفاده از سامان و اشیای که برای نظافت مسجد تخصیص داده شده و یا وقف شده برای ضرورتها شخصی اشخاص اجازه نمی دهد و این عملکرد را خلاف امانتداری بلکه خیانت شمرده الا اینکه وقف کننده اجازه داده باشد و دران صورت باکی ندارد و مشروع است، در غیر

آن باید احتیاط شود که از امانت مسجد استفاده غلط  
ونادرست صورت نگیرد.



### از بین بردن حشرات مضر

- دوستی محترم سوال نموده که :

استاد السلام علیکم ورحمت الله! یک سوال داشتم،  
خانه ما در نزدیکی باغ وزمین است مورچه زیاد میاید وما را  
به تکلیف کرده، اگر از بین ببریم گناه ندارد؟

- از بین بردن ودور کردن حشرات مضر مثل زنبور،  
مادر کیکان وغیره مشروع ومباح است به شرطی که توسط  
آتش سوختانده نشود.

- بهتر است که مورچه به قتل نرسد تا اینکه ضررش  
ثابت شود به اهل خانه زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم از  
کشتن مورچه به ناحق منع کرده.

- بهتر است که حشرات مضر توسط دوا پاشی از بین  
برده شود.





## تراشیدن بعض جاهای موی سر و ترک کردن بعض آنها مکروه است

یکی از دوستان سوال نموده که :

جناب استاد، در مورد موضوع موهای بچه ها که به اشکال مختلف شکل میدهند، مثلاً بعضی قسمت ها را تراش یا ماشین میکنند ولی بعضی قسمت ها را به حال خود میگذارند، شریعت چی حکم میکند؟

الحمد لله والصلاة والسلام رسوله ومن والاه أما بعد:

دین مبین اسلام از کارهای غیر فطری و غیر طبیعی منع کرده است از جمله تراشیدن نصف و یا بعض جاهای موی سر و ترک کردن بعض جاهای آن، و این کار را (القرع) می نامد، معنایش: اینکه بعض جای موی سر تراشیده شود و بعض باقی ماند، (أن النبي صلى الله عليه وسلم نهى عن القرع)<sup>۱</sup>، رسول الله صلی الله علیه وسلم ازین کار منع ونهی کرده، وفقهاء آنرا مکروه گفته اند، اما اگر بخاطر تشبه وهمثلی و مشابیهت غیر مسلمانان باشد درین صورت حرام شمرده اند.

<sup>۱</sup> - سنن أبي داود، كتاب الترجل، باب في الذؤابة، رقم الحديث: (٤١٩٤)، (ج ٤،

## روش تعامل با مال یافتگی در راه

یکی از خواهران نوشته که :

مولوی صاحب محترم من و هر دو خواهرم از مکتب دخترانه به طرف خانه روان بودیم که در راه یک دستبند طلا افتیده بود وما او را برداشته با خود در خانه بردیم و برای مادرم تسلیم کردیم، حالا مادرم گفته که از استاد گرامی پرسان کنید که ما چطور کنیم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

درین شکی نیست که به وقوع پیوستن چنین حالات الله متعال امانت و دین و ایمان مسلمان را امتحان میکند و او را در ابتلاء قرار میدهد که آیا امانت کار است و یا خیر، آیا بین حلال و حرام فرق میکند یا خیر؟

البته در فقه اسلامی مال های گمشده و یافته شده از راه را بنام (اللقطة) می نامند که یک باب از صفحات کتاب های فقه اسلامی را تشکیل میدهد واحکام زیاد دارد، ومسلمانان را رهنمائی میکند که در حرام واقع نشوند و با یکدیگر درین مورد همکار باشند.

و در مورد سوال شما این طور رهنمائی شرعی شده که: دستبند نزد شما در خانه امانت باشد و شما در مکتب و ما

حول مکتب اعلان کنید که از راه یک عنصر از طلا را در یافت کردید بدون ذکر حجم خوردی و کلانی و یا اسم و نوعیت آن که اگر صاحبش پیدا شود برای شما معلومات دقیق ارایه کند و شما آنرا با کمال امانت برایش تسلیم کنید، و اگر پیدا نشود تا مدت یکسال نزد شما امانت می ماند و بعد از یکسال برای شما شرعا جواز دارد که آنرا خودتان بخود بگیرید و یا اینکه فروخته و قیمتش را صدقه کنید، و ازین تاریخ به بعد اگر صاحبش بیاید حق ندارد که از شما مطالبه کند در صورت که صدقه شده باشد و ثوابش برایش میرسد اما اگر نزد شما باشد شما مخیر هستید که برایش می دهید و یا نه، و بهتر که برایش تسلیم دهید.

لیکن قبل از تکمیل شدن سال برای شما شرعا جواز ندارد که از این دست بند استفاده کنید و یا به فروش برسانید و نیت شما همین باشد که کاش صاحبش معلوم شود که مال خود را تسلیم شود.



### حکم نگهداشتن پرندگان

یکی از دوستان سوال نموده :

نگهداشتن پرندگان مانند کنری، طوطی و امثال اینها در خانه از نگاه اسلام چه حکم دارد؟ با احترام

### الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در اسلام نگهداشتن پرندگان، مانند کنری، طوطی، بودنه، ماهی زینت و غیره حرج و ممانعت نیست بخاطر تفکر در خلقت الله متعال و نظر کردن در قدرت او تعالی که مخلوقات زیبائی را خلق می کند، و بخاطر مصروفیت و خوش ساختن اطفال و اهل خانه زیرا این مخلوقات همه برای خدمت انسانها و استفاده درست آنها خلق شده اند.

و در صحیحین بخاری و سلم ثابت شده که انس بن مالک رضی الله عنه فرمودند: "كان النبي صلى الله عليه وسلم أحسن الناس خلقاً وكان لي أخ يقال له: أبو عمير، فكان رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا جاء قال: يا أبا عمير ما فعل النغير؟"، رسول الله صلى الله عليه وسلم بهترین مردم در اخلاق بود و وقت که میامدند برای برادرم ابو عمیر میگفت که پرنده گک چی کرده و چطور است.

حافظ ابن حجر رحمه الله شارح بخاری در فتح الباری می نویسد: "إن في الحديث دلالة على جواز إمساك الطير في القفص ونحوه، ويجب على من حبس حيواناً من الحيوانات أن يحسن إليه ويطعمه ما يحتاجه لقول النبي صلى الله عليه وسلم الله

۱ - صحیح البخاری، کتاب الأدب، باب الكنية للصبي وقبل أن يولد للرجل، رقم

الحديث: (۶۲۰۳)، (ج ۸، ص ۴۵).

عليه وسلم الله عليه وسلم: "دخلت امرأة النار في هرة ربطتها، فلم تطعمها، ولم تدعها تأكل من خشاش الأرض".

این حدیث دلالت بر جواز و مشروعیت نگهداشتن پرندگان در قفس و غیره جاها میکند لیکن بر نگهدار واجب است که حیوانات را که حبس می کند دانه و علف و خوراکه بدهد زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده اند که یک زن بخاطر این در آتش دوزخ می سوزد که پشک را بسته بود و خوراک نمی داد و هم نگذاشته بود که از خوراکه که در زمین بود می خورد و تغذیه میشد.



### تشله بازی مباح است و تشله برد حرام است

تشله بازی عادی که دران برد و باخت نباشد یک سرگرمی است، حرام بودن در وسیله ساختن تشله بازی برای قمار است.

با اطفال قریه های دیار وقابضان در پل دیار غوربند تشله بازی کردم و ضمناً آنها را نصیحت کردم که تشله بازی یک سرگرمی باشد و قمار زدن و یا به پیسه بازی کردن حرام است که مورد استقبال شان قرار گرفت، نیز در اثنای این سرگرمی از دشنام دادن بپرهیزند، و هم نصیحت کردم که گروه بندی بنام قریه نباشد بلکه به شکل باشد که سبب

اخوت شود نه نفرت، اصلا که حالا تنها موسم سیب است  
 وزرد آلو به ندرت یافت می شود در باغها این از خوشحالی  
 اشتراک کردن من در بازی برایم زرد آلو هم آوردند  
 وخواهش کردند از مکتب شان هم دیدن کنم.



### استخدام آیات قرآنی بعوض زنگ موبایل و تلفون جواز ندارد

استاد درمورد زنگ تیلیفون پرسیدم که بسیاریها تلاوت  
 قرآنکریم رامیگزارند چه حکم دارد؟ تشکر

همچنان استخدام آذان نیز مشروع نیست بعوض زنگ  
 موبایل و تلفون ها.

قرآن کریم برای تعبد و تدبیر نازل شده نه برای  
 استخدامات دیگر، اگر کسی خواهش تقدیس واحترام قرآن  
 کریم را داشته باشد به این روش وطریقه نمی شود که  
 بعوض زنگ استعمال شود، تقدیس قرآن کریم به تلاوت  
 و تدبیر وحفظ وبه تجوید خواندن می شود.

اما ماندن ترانه های اسلامی جواز دارد وخوب است  
 وبهترین بدیل موسیقی است.



## تکس پرداختن مسلمان در اروپا

استاد نهایت عزیز امید است دارای صحت کامل باشید  
از شهر لندن انگلستان.

سوال: در لندن زندگی می‌کنم وظیفه دارم و به  
حکومت این کشور مالیه (تکس) می‌پردازم از نظر شریعت  
چی حکم دارد؟

این را هم می‌دانم که اکثر بودیجه این کشور در بخش  
سکتور نظامی مصرف میشود و فعالیت های نظامی اینها  
اکثرا در کشورهای اسلامی است لطفا جواب واضح تر بدهید  
استاد محترم.

مسلمان که در کشورهای غربی زندگی میکند  
وقوانینش را قبول کرده اگر مالیه و تکس را نمی‌پردازد  
مرتکب عهد شکنی می‌شود.

ونیز دین اسلام را به عهد شکنی و خیانت و دزدی  
معرفی میکند و به مسلمانان ضرر میرساند.

اگر این مالیه و تکس الزامی و اجباری باشد و مسلمان  
قانون آن کشورها را قبول کرده باشد باید بپردازد زیرا آنها  
این مالیه و تکس را بعد از جمع آوری در مصالح عمومی  
کشور شان مثل شفاخانه، مکتب، سرک و خدمات شاروالی

و غیره مصرف می کنند و مصرف کردن آن در عرصه های نظامی یک حرف احتمالی است، در صحیح بخاری آمده که رسول الله صلی الله علیه وسلم از صفات منافقین یکی هم عهد شکنی را شمرده: "إِذَا عَاهَدَ غَدَرَ" <sup>۱</sup>، حتی عهد شکنی در مقابل غیر مسلمان نیز مشمول دلالت این حدیث صحیح است.



### آیا معلمه تحفه شاگردان را قبول کند؟

یکی از خواهران سوال نموده که :

استاد محترم من معلمه حفظ قرآن کریم هستم و چندی بعد محفل فراغت شاگردان را داریم و فکر میکنم آنها و فامیل های شان برایم تحفه ها در نظر گرفته اند من شک دارم که قبول کنم یا خیر؟ باز گفتم از استاد برزگوار سوال کنم بهتر است شما رهنمائی کنید.

بلی درین صورت برایش جوائز و مشروع است که تحفه های شانرا قبول کند چون ارتباط شان قطع می شود و مصلحت شان باقی نمی ماند، و ازینکه شاگردان قدردانی از

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب الإيمان، باب علامة المنافق، رقم الحدیث: (۳۴)، (ج ۱)،



زحمات استاد خود میکنند کار خوب است، الله متعال برای شان اجر و پاداش نیک دهد.

اما اگر شاگردان که تا هنوز درس می خوانند بهتر است که تحفه شان را قبول نکنند زیرا بیم آن میرود که از بی توجهی شان در درس و یا از غیر حاضری شان صرف نظر کند و یا اینکه برای شان نمرات بالا بدهد، بعض فقهاء مکروه دانسته اند و بعض هم حرام شمرده اند.



### رهنمودهای شرعی در مورد تعبیر خواب

یکی از خواهران از شهر جلال آباد چنین سوال نموده :

استاد خواب دیدن تا چی حدی حقیقت دارد، مطلبیم این است که تا چی حدی به واقعیت تبدیل میشود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

چگونه مطابق رهنمودهای اسلامی و بدور از خرافات و انحرافات هنگام خواب دیدن و تعبیر آن عمل کنیم؟

این موضوع ازینرو اهمیت دارد که در زندگی روز مره مردم واقع می شود و اگر مطابق سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم و رهنمودهای علمای راستین عمل نشود بدون

شک مسلمان دچار سردرگمی می‌گردد، وهستند اشخاص ضعیف‌الایمان که از خواب و تعبیر آن استفاده غلط ونادرست می‌نمایند، وباید این مسأله هم در چوکات سنت وشریعت بررسی شود، تا غلط فهمی ها دور گردد.

و باید بنویسم که بر خواب دیدن هیچ حکم شرعی مرتب نمی‌شود، مکروه وحرام را مباح نمی‌گرداند، ومباح ومستحب را واجب نمی‌سازد، خواب اگر صحیح ودرست باشد کسی که خواب می‌بیند اگر به آداب خواب دیدن ملتزم باشد و مطابق سنت رسول الله علیه سلم خواب خود را تعبیر کند درین صورت خواب خوب عبارت است خوشخبری وبشارت، وخواب خراب عبارت است از اینکه انسان بر حذر باشد واعمال خود را درست کند، زیرا در حقیقت در امتحان وابتلاء قرار دارد، ودعاء کند زیرا قضاء وقدر را غیر از الله متعال هیچ ذاتی تغییر داده نمی‌تواند، لیکن دعاء فایده های زیادی دارد برای مسلمان در دنیا وآخرت.

یکی خواب درست وصحیح وصادق است که از طرف خداوند متعال است، ودوم حلم وتخیلات شیطانی است که از طرف شیطان است، وتخیلات شیطانی هیچ اثر ندارد.

رسول الله صلى الله عليه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "الرؤيا من الله، والحلم من الشيطان" <sup>۱</sup>.

اگر مسلمان خواب خوب می بیند باید الحمد لله بگوید و خداوند متعال را شکر گزار باشد و برای کسی که قابل اعتماد است برایش حکایت کند و اما اگر خواب خراب و بد و دلخراش می بیند معنایش اینکه خواب شیطانی است و به خداوند پناه بخواهد از شر شیطان و به کسی حکایت نکند و برایش درین صورت ضرر نمی رسد. زیرا صحابی جلیل القدر ابو سعید الخدری رضی الله عنه در حدیث صحیح از رسول الله صلى الله عليه وسلم روایت نموده که که ایشان می فرمودند: "إذا رأى أحدكم رؤيا يحبها فإنما هي من الله فليحمد الله عليها وليحدث بها وإذا رأى غير ذلك مما يكره فإنما هي من الشيطان فليستعد من شرها ولا يذكرها لأحد فإنها لا تضره" <sup>۲</sup>، یعنی در حالت دیدن خواب خوب خداوند متعال را به پاکی یاد کند و به مردمان قابل اعتماد خود حکایت کند و در صورت دیدن خواب دلخراش به خداوند پناه بخواهد از شر شیطان و به کسی حکایت نکند و هیچ ضرر ندارد.

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب الطب، باب النفث في الرقية، رقم الحدیث: (۵۷۴۷)، (ج ۷، ص ۱۳۳).

<sup>۲</sup> - صحیح البخاری، کتاب التعبير، باب الرؤيا من الله، رقم الحدیث: (۶۹۸۵)، (ج ۹، ص ۳۰).

و در حدیث صحیح جابر بن عبد الله رضی الله عنه روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده: "إذا رأى أحدكم الرؤيا يكرهها فليصق عن يساره ثلاثا وليستعذ بالله من الشيطان ثلاثا وليتحول عن جنبه الذي كان عليه"<sup>۱</sup>، هنگام که یکی از شما خوابی را می بیند که مکروه و ناپسند و دلخراش است به خداوند از شیطان پناه بخواهد سه بار، و سه بار به طرف چپ خود تف کند و جسم خود را به طرف دیگر تغییر حالت دهد.

و حافظ ابن حجر در کتاب فتح الباری شرح صحیح البخاری این رهنمودها را ذکر نموده که مسلمان هنگام خواب دلخراش به آن ملتزم باشد و درین صورت برایش ضرر نمی رسد:

۱- پناه خواستن از الله متعال از شر این خواب.

۲- پناه خواستن به خداوند از شیطان و از شر شیطان "أعوذ بالله من الشيطان الرجيم" سه بار.

۳- سه بار تف کردن به طرف چپ خود هنگام که بیدار می شود.

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، کتاب الرؤیا، رقم الحدیث: (۰۲۲۶۲)، (ج ۴، ص ۱۷۷۲).

۴- حکایت نکردن و نگفتن این خواب بد برای کسی دیگر باید قطعا به کسی حکایت نکند.

۵- تغییر دادن حالت خود که خود را به طرف دیگر بگرداند.

وهیچ وقت خواب خود را برای کسی حکایت نکند که اهل تعبیر خواب نیست و تقوا، ایمان داری و امانت ندارد، و نیز مسلمان زیاد وقت خود را در قصه خواب و خواب دیدن ضایع نکند زیرا بازهم تأکید می شود که بر آن حکم شرعی مرتب نمی شود تنها یک خوشخبری و بشارت بوده در صورت خواب خوب باشد، و یا عبارت است از یک نوع خبرداری در صورت که خواب خراب باشد، که مسلمان اعمال خود را مراجعه کند و به طرف نیکی ها و اعمال صالح رو بیاورد و به اذکار مسنونه التزام کند درین صورت اصلا در حفظ و امان الله رب العزت می باشد و همین التزام به فرائض و خواندن اذکار و ازدیاد از نوافل پناه گاه مسلمان است و توکلش به الله متعال قوی می شود و ایمانش متزلزل نمی گردد.



## خواب نا پسند وزشت دیده چي کند؟

السلام عليكم ورحمت الله وبركاته! استاد محترم یک سوال داشتم اگر انسان خواب بد ببیند و در خواب یک خیرات را به گردن خود بگیرد چه رقم میشود این مسئله آیا واجب میشود که بپردازد یا نه؟

کسی که خواب زشت و ناپسند و مکروه ببیند حالت خور را تغییر دهد و در پهلوی دیگر روگرداند و سه بار نفث کند یعنی کمی آب دهن خود را به طرف چپ خارج کند کمتر از تف کردن و به الله متعال پناه بیاورد از شر شیطان و به کسی خواب خود را حکایت نکند و نگوید هیچ ضرر متوجه اش نمی شود إن شاء الله.

در حدیث صحیح متفق علیه رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: "إذا رأى أحدكم شيئاً يكرهه، فلينفث عن يساره ثلاث مرات، وليتعوذ بالله من شرها، فإنها لن تضره"<sup>۱</sup> وقت که یکی از شما خوابی ببیند که مکروه و ناپسند باشد سه بار به طرف چپ نفث کند یعنی کمی آب دهن خود را خارج کند و به الله متعال پناه بیاورد از شر شیطان این خواب برایش هیچ ضرر نمی رساند.

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب الطب، باب النفث فی الرقیة، رقم الحدیث: (۵۷۴۷)،

اصلاً خواب دیدن یک اشاره و بشارت و یا تحذیر است برای انسان و کدام حکم شرعی بالایش مرتب نمی شود، و قضاء و قدر را تغییر نمی دهد.

و این برادر بالایش خیرات نه واجب و نه لازم و نه مستحب است.



### شروط قبول شدن دعای مسلمان

- دعاء سلاح مؤمن و مسلمان است.

- دعاء در ذات خود عبادت مستقل است ، الله متعال فرموده است که: "ادعوني استجب لكم" <sup>۱</sup> شما دعاء کند و من قبول می کنم دعای تان را، رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است که: "الدعاء هو العبادة" <sup>۲</sup> دعاء عبادت است.

- مسلمان هرگز از دعاء کردن مأیوس و نا امید نشود، و مسلمان که بخاطر اهداف مشروع دعاء و مسألت می نماید و دران قطع کردن صله رحم و غیره اهداف نامشروع نباشد،

<sup>۱</sup> - سورة غافر، آیت: ۶۰.

<sup>۲</sup> - سنن أبي داود، كتاب الصلاة، باب الدعاء، باب تفریح أبواب الوتر، رقم الحدیث:

(۱۴۷۹)، (ج ۲، ص ۷۶).

در هر صورت این دعاء برایش نفع می رساند و او در حقیقت یک عبادت مهم را انجام داده : ۱- یا اینکه دعایش عاجلا قبول میشود. ۲- و اگر قبول نشود به شکل عاجل ثوابش در آخرت برایش ذخیره میگردد. ۳- یا اینکه اگر قبول هم نشود الله متعال توسط همین دعاء از کدام بلاء و مصیبت برزگ او را نجات میدهد، رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "ما من عبد يدعو الله بدعوة ليس فيها إثم ولا قطيعة رحم إلا أعطاه الله بها إحدى ثلاث: إما أن تعجل له دعوته في الدنيا، وإما أن تدخر له في الآخرة، وإما أن يصرف عنه من الشر مثل ذلك، قالوا يا رسول الله: إذا نكث قال: الله أكثر!"<sup>۱</sup>.

- شروط قبولی دعاء این است که : ۱- اخلاص داشته باشد. ۲- به الله متعال کمان نیک و خوب داشته باشد. ۳- بدن و لباسش پاک باشد. ۴- غذایش پاک و حلال باشد. ۵- کدام هدف نامشروع مخالف شریعت نداشته باشد. ۶- به تواضع و نرمی و صدای پخش دعاء کند. ۷- بی صبر و مأیوس و نا امید نشود. ۸- در وقت دعاء اوقات استجابت دعاء را اختیار کند که عبارت است از: بعد از نمازهای فرض، در سوم حصه اخیر شب، در بین آذان و اقامت، در وقت افطاری

<sup>۱</sup> - مسند أبي يعلى الموصلي، من مسند أبي سعيد الخدري، رقم الحديث: (۱۰۱۹)،

(ج ۲، ص ۲۹۶).



روزه، در سفر، در ساعت اخیر روز جمعه، در بین هردو خطبه جمعه.



## از اخبار و روز نامه ها بحیث دسترخوان استفاده کردن جواز ندارد

یکی از دوستان نوشته که :

جناب استاد محترم سوال داشتم که بعضی مردم از روزنامه ها به حیث دسترخوان استفاده میکنند و در این روزنامه نام الله (ج) و نام محمد (ص) می باشند آیا از این روزنامهها به حیث دسترخوان استفاده کردن صحیح است و یا نه؟

مطبوعات و اخبار و جرائد و روز نامه های که مشتمل به آیات قرآن کریم و احادیث نبوی و اسماء الله متعال باشد بحیث دسترخوان و یا فایلها و غیره استفاده کردن حرام است و شرعا جواز ندارد زیرا به آیات و احادیث و اسماء الله اهانت و بی احترامی می شود و مسلمان باید به عوض بی احترامی و بی حرمتی آن را در جای درست نگهداری کند و استفاده غلط و نادرست نکند که در گناه واقع نشود: "ومن يعظم

شعائر الله فإنها من تقوى القلوب" <sup>۱</sup> هر کسی که شعائر و آداب اسلامی را مراعات کند و احکام آن را احترام کند او در حقیقت با تقوا است و قلبش در طاعت الله متعال قرار دارد و هر کسی بی حرمتی آنرا می کند در گناه واقع می شود، می شود که سوختانده شود و یا دفن شود و یا در آب انداخته شود، اگر قرار باشد که دو باره مورد استفاده قرار گیرد باید توسط ماشینها برگ برگ شود که اصلا خوانده نشود و اثر آیت و حدیث و اسماء الله باقی نماند.



### امتحان دادن بخاطر کاریابی به عوض رفیق

یکی از دوستان سوال نموده :

استاد محترم سوالی داشتم از شما، در امتحان کاریابی پروژه انکشافی در یکی از وزارت ها نام رفیق خود را ثبت کرده بودم و او بنا بر عذر از بغلان رسیده نتوانست و من بعوض او در امتحان شرکت کردم و نامش بر آمده، آیا برایش روا است که این وظیفه را اشغال کند؟

<sup>۱</sup> - سورة الحج، آیت: ۳۲.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

تنها برای شما روا و مشروع بوده که دوست تان را همکاری کردین که خبر دادین و ثبت نام کردین و این کار خیر و خوب و مستحب و مشروع است که برای یک مسلمان نفع و فایده برسانی و همکاری کنی.

اما در امتحان نشستن بعوض او گناه و غش و تزویر و تقلب شمرده می شود مخالف صداقت و امانت کاری است نی برای او و نه هم برای شما جواز دارد، کاملاً یک عملکرد نا مشروع است، شما درینجا چانس کاری یک مسلمان دیگر را نیز ضایع کردید، حالا برای دوست شما جواز ندارد که وظیفه را کار کند که به سبب غش و تزویر برایش میسر شده و خودش در امتحان شرکت نکرده، رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده است در حدیث صحیح: «من غشنا فلیس منا»<sup>۱</sup> هر که تزویر کند و توسط تزویر کارهای خود را به پیش ببرد از جمله ما نیست.

اما اگر برای رئیس همان پروژه گفته شود و یاد دهانی گردد که از قضیه باخبر شود و می شود دوباره امتحان اخذ کند و دوست شما کامیاب شود درین صورت جواز دارد.

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، کتاب الإیمان، باب قول النبی صلی الله علیه و سلم: «من غشنا فلیس منا»، رقم الحدیث: (۱۰۱)، (ج ۱، ص ۹۹).

## دست بالا کردن در دعاء اصل است

یکی از دوستان سوال نموده که :

استاد محترم آیا دست بالا کردن در دعاء بدعت است،  
یک نفر گفته که در دعاء دستها را بالا نکنیم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

دست بالا کردن اصل است در دعاء، وقت مسلمان از  
الله متعال چیزی می طلبد باید دست خود را بالا کرد  
واظهار خضوع نمود وهمه دلائل دال بر این امر است از  
جمله حدیث صحیح مسلم که ابو هریره رضی الله عنه  
روایت کرده: "...ثُمَّ ذَكَرَ الرَّجُلُ يُطِيلُ السَّفَرَ أَشْعَثَ أَغْبَرَ يُمُدُّ  
يَدِيهِ إِلَى السَّمَاءِ: يَا رَبِّ، يَا رَبِّ، يَا رَبِّ..."<sup>۱</sup>، رسول الله صلی الله علیه  
وسلم ذکر کرد که شخص غبار آلود با موهای بی نظم  
دستان خود را به طرف آسمان بالا نموده و در حالت دعاء  
میگوید یارب یارب.

از این نص عمومی در بالا کردن دستها در دعاء داخل  
نماز و نیز در بین هر دو خطبه و در حالت نماز استسقاء  
مستثنی است که دست بالا نمی شود، در غیر آن در هر

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، کتاب الزکاة، باب قبول الصدقة من الكسب الطيب وتريتها، رقم

الحديث: (۱۰۱۵)، (ج ۲، ص ۷۰۳).

دعای که در آن مسألت و طلب باشد از الله متعال دست بالا می شود و از آداب دعاء دست بالا کردن است.



### کبوتر بازی کردن

دوستی سوال نموده که :

من از سالها که کبوتر دارم و کار و بارم همین است بعض گفته که حرام است، به زحمت می شوین روشنی بیندازید؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

- اگر از کشت و زراعت همسایه ها تغذیه شود نگهداری آن مکروه و ناپسند است.

- اگر تنها در خانه نگهداری و تربیه شود جائز و مشروع است.

کبوتر بازی نگهداری آن اگر سبب آزار و اذیت رسانیدن به همسایه ها شود، کشت و زراعت شان تلف شود و مردار شود و یا اینکه در نتیجه بالاشدن در بام خانه بخاطر کبوتر بازی همسایه ها آزار ببینند و خانه های شان معلوم شود خانه های افغانستان قسمی طراحی شده که از بامهای

همسایه داخل و حویلی همسایه ها معلوم میشود که این کار در شریعت حرام است و جواز ندارد و مسلمان باید سبب آزار دادن و ضرر رسانیدن به هیچ مسلمان نشود و حق همسایه بیشتر است، هر مسلمان که از بام خانه همسایه خود را به نظر بد ببیند در حقیقت بی مروت شمرده می شود و ایمانش ضعیف است، کبوتربازی در طول تاریخ نام بد دارد که حتی در کتاب های فقه فقهاء نوشته که شاهدهی کبوتر باز قبول نمی شود چون عدالت را از دست داده در نتیجه کبوتر بازی.

اما اگر تنها کبوتر در داخل حویلی و خانه نگهداری و تربیه شود بخاطر خرید و فروش باکی ندارد بشرط که شرائط پاکی و نظافت مراعات شود.



### سیر و سیاحت در دین مبین اسلام مباح است

برادر محترم ما نجیب الله نظری از ولایت بغلان چینین  
سوال نموده:

استاد محترم یک سوال دارم اگر وقت داشته باشید  
جواب بدهید خوش می شوم.

اکثریت جوانان بعد از ماه حمل به کوه ها به میله  
میروند گوشت برنج گرفته پخته کرده میخورند آیا گناه می  
شود یا خیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

میله، تفریح، سیر و سیاحت در ذات خود مباح و مشروع  
است زیرا نفس انسان هم بالای انسان حق دارد که بخاطر  
شکستادن روتین زندگی به سیاحت و میله برود با دوستان،  
در صورتیکه ذکر و عبادت الله متعال را فراموش نکنند  
و مرتکب منکرات، شراب نوشی، قمار بازی، اختلاط زنان  
و مردان نامحرم، مزاقهای خارج حدود شریعت نشوند.

رفتن مجموعه های از جوانان و ترتیب نمودن سیر  
علمی، که شامل برنامه های فرهنگی، دینی، ورزشی  
و مسابقات باشد کار مطلوب، مرغوب و جالب است بلکه یک  
ضرورت تربیتی عصر ما بنداشته می شوند.



**هنگامیکه مسلمان در تنگنا قرار میگیرد کدام دعاها را  
بخواند؟**

یکی از خواهران علاقمند مسائل دینی از شهر کابل  
سوال نموده:

استاد فرهیخته در این روزها مشکلاتم زیاد شده آیا کدام دعای مستجاب است که برای رفع مشکلاتم بخوانم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در شریعت اسلامی دعای خاص نیست که دعای مستجاب نامیده شود، لیکن در صحیح بخاری و صحیح مسلم ثابت است که بعض دعاهای مستجاب خاص به هر پیامبر بوده، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: "لكلّ نبیّ دعوة مستجابة يدعو بها فيستجاب له فيؤتاها، وإنی اختبأت دعوتي شفاعة لأمتي يوم القيامة"<sup>۱</sup>.

هر پیامبر دعای مستجاب خاص داشت ووقتی که دعاء میکرد قبول میشد، ومن دعای مستجاب خود را مخفی نگهداشتم که برای امت خود در روز قیامت شفاعت کنم.

لیکن دعاء اوقات خاص برای قبولی دارد، نیز میشود که دعاهای انبیاء علیه السلام را بخواند هنگامیکه آنها در تنگنا قرار میگرفتند می خواندند مثلاً دعای ایوب علیه السلام این است: "رب إنني مسني الضر وأنت أرحم الراحمين"<sup>۲</sup>، پروردگارا

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، کتاب الإيمان، باب اختباء النبي صلی الله علیه وسلم دعوة الشفاعة لأمته، رقم الحديث: (۱۹۹)، (ج ۱، ص ۱۸۹).

<sup>۲</sup> - سورة الأنبياء، آیت: ۸۳.



من در سختی و تنگنا قرار دارم که ضرر متوجه من است مرا شامل رحمت خود بساز و بدون شک رحمت کننده تر از همه رحمت کنندگان استی.

و دعای یونس علیه السلام را بخواند که این است: "لا إله إلا أنت، سبحانك، إني كنت من الظالمين"<sup>۱</sup>، نیست معبود برحق مگر تو معبود و پرورگار ما استی و تو را به پاکی یاد میکنم، و من از جمله ظالمان بودم مرا عفو کن.

نیز الله متعال را به بزرگترین اسمش دعاء کند که عبارت از "الحي القيوم" است و در احادیث صحیح ثابت است که کسی هنگام دعای خود "یا حی یا قیوم" بگوید دعایش قبول میشود.

نیز از اسباب قبولی دعای رفع مشکلات استغفار گفتن زیاد، وصله رحم اقارب، و دوری واجتناب از گناهان است به اندازه که ممکن باشد.

بهترین دعاها دعاء در سوم حصه آخر شب یعنی قبل از آذان فجر است، و در بین آذان و اقامت، و در ساعت اخیر روز جمعه، و در وقت باریدن برف و باران، و در سفر، و دعای

<sup>۱</sup> - سورة الأنبياء، آیت: ۸۷.

والدین در حق اولادهايش، ودعاى مسلمان برارى برادر  
وخواهر مسلمان خود در غيابش.



### آيا دعاء كردن احتياج به واسطه بين انسان و خداوند دارد؟

اين سوالى است كه يكى از علاقمندان مسائل دينى  
مطرح كرده است؟

در جواب اين برادر بايد بنويسم كه نه دعاء كردن  
احتياج به واسطه مخلوق ندارد ، الله متعال مى فرمايد: "وإذا  
سألك عبادي عني فإني قريب أجيب دعوة الداع إذا دعان"<sup>۱</sup>.

و چون بندگان من از دور و نزديكى من از تو پرسند  
بدانند كه من به آنها نزديك هستم، و هر كه مرا بخواند  
دعاى او را اجابت كنم.

ورسول الله صلى الله عليه وسلم در حديث صحيح  
فرموده است: "إنكم تدعون سميعا قريبا وهو معكم"<sup>۲</sup>.

<sup>۱</sup> - سورة البقرة، آيت: ۱۸۶.

<sup>۲</sup> - صحيح البخاري، كتاب المغازي، باب غزوة خيبر، رقم الحديث: (۴۲۰۵)، (ج ۵،  
ص ۱۳۳).

شما شنونده نزدیکی را دعاء می کنید که با شما است و از شما می شنود.



### در جواب عطسه غیر مسلمان " یهدیکم الله " گفته شود

یکی از برادران محترم ما سوال نموده:

جناب استاد گرامی آیا جواز دارد که در جواب عطسه یک غیر مسلمان یرحمک الله بگوییم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

سنت این است که در جواب عطسه غیر مسلمان " یهدیکم الله " گفته شود، الله شمارا هدایت کند ونیکو سازد حال تراء، زیرا در حدیث صحیح ثابت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم که یهودیان نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم میزدند و آنحضرت صلی الله علیه وسلم در جواب شان می فرمود " یهدیکم الله " الله شما را هدایت کند.

اما در جواب عطسه مسلمان که الحمد لله بگوید برایش گفته شود: " یرحمک الله " الله متعال شما را بیخشد وشامل رحمت خود سازد.

وجوابش از طرف عکسه کننده چنین داده شود:  
 "یهدیکم الله ویصلح بالکم" الله متعال شما را به راه راست  
 هدایت کند ونیکو سازد حال تان را.



### بعد از مرگ آواز خوان گناه آهنگهایش باقی است

یکی از هموطنان عزیز ما از کابل چنین سوال نموده :

سوال داشتم که بعد از مرگ یک آواز خوان مردم  
 آهنگ های او را از طریق کسیت میشنوند از نگاه شرع چی  
 حکم دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اولا: شنیدن موسیقی حرام است، اما اگر موسیقی به  
 صدای زن بوده باشد حرام بودنش بیشتر و گناهش برزگتر  
 است.

موسیقی قلب را می میراند و دروازه ومدخل همه  
 گناهان کبیره شمرده می شود، از طریق موسیقی شیطان  
 بر قلبهای انسان تسلط پیدا می کند، واگر مشتمل الفاظ  
 وکلمات شرکی وناروا باشد حرام بودنش چند چند میشود.

موسیقی خواندن و آهنگ که در آن از آلات موسیقی استفاده شود به دلیل قرآن کریم، سنت پیامبر اسلام و اتفاق فقهاء و علمای اسلام حرام است.

الله متعال قرآن کریم فرموده است: "وَأَسْتَفْزِرُ مَنِ اسْتَطَعَتْ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجْلِكَ وَشَارِكِهِمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدْتُهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا"<sup>۱</sup>.

بترسان و خوار گردان با ندای دعوت به معصیت و وسوسه خود هر کسی از ایشان را که توانستی، و لشکر سواره و پیاده خود را بر سرشان بشوران و بتازان و همه تلاش خویش را برای شکست دادن و گول زدن ایشان به کار گیر و در اموال آنان با تشویق و تحریکشان برای کسب آن از حرام و صرف آن در حرام و در اولاد ایشان با گول زدن اولیاء و رهنمود فرزندانشان به کفر و فساد در پرتو تربیت نادرستشان شرکت جوی، و آنان را به نبودن حساب و کتاب و بهشت و دوزخ، یا به شفاعت خدایان و بتان و بزرگواری خاندان و غیره وعده بده، و وعده شیطان به مردمان جز نیرنگ نیست.

ترجمان القرآن حضرت عبد الله بن عباس رضی الله عنه این آیت را به موسیقی تفسیر کرده و زیرا که الله متعال در

<sup>۱</sup> - سورة الإسراء، آیت: ۶۴.

این آیت بیان فرموده که موسیقی یکی از شیوه های است که شیطان برای اغوا امت و تسلط بر اولاد آدم از آن استفاده میکند و آنها را گمراه میسازد.

نیز او تعالی از برگزاری محافل لهو و بیهوده تحذیر نموده و فرموده است: "وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا"<sup>۱</sup>.

و مؤمنان راستین کسانی هستند که بر باطل گواهی نمی دهند و در این محافل بیهوده حاضر نمی شوند، و هنگامی که کارهای یاوه و سخنان پوچی را ببینند و بشنوند، بزرگوارانه از شرکت در بیهوده کاری و یاوه سرائی کناره گیری می کنند و از آنها می گذرند، بلکه آنها منع میکنند و حکم الله متعال و رهنمودهای رسول او تعالی را نیز برای شان بیان میکنند.

فقهاء کلمه (الزور) را به مفهوم موسیقی معنی کرده اند زیرا که الله متعال از اوصاف مؤمنان عدم توجه و دخول به لغو و زور (مجالس موسیقی و منکرات) خوانده بیان میدارد که مشغول شدن به این همه از اوصاف مومنان نیست، واضح است عمل که باید شخص مؤمن و مسلمان از آن اجتناب کند حرام است و در نامشروع بودنش کسی شک

<sup>۱</sup> - سورة الفرقان، آیت: ۷۲.

کرده نمی تواند و آن هم در سرزمین اسلامی در کشور عزیز ما.

نیز الله متعال حرام بودن موسیقی را در این آیت تأکید نموده و فرموده است: "وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ".<sup>۱</sup>

در میان مردم کسانی هستند که خریدار سخنان پوچ و یاوه اند تا با چنین سخنانی بندگان او تعالی را جاهلانیه از راه حق منحرف و سرگشته سازند و آن را مسخره کنند، آنان عذاب خوار و رسوا کننده ای دارند.

جمهور مفسرین از (لهو الحدیث) در این آیه کریمه تعبیر به موسیقی کرده اند.

بدلیل اینکه الله متعال بیان نموده که بعضی از مردم (لهو الحدیث) یعنی موسیقی را برای گمراهی مردم میخرند، و اگر موسیقی سبب از اسباب گمراهی مردم باشد پس در حرام بودن آن هیچ شک نیست.

در حدیث صحیح رسول الله صلی الله علیه وسلم از شنیدن و ترویج و نشر موسیقی تحذیر نموده و فرموده است:

<sup>۱</sup> - سورة لقمان، آیت: ۶.

"ليكونن من امتي اقوام يستحلون الحر، و الحرير، و الخمر، و المعازف"<sup>۱</sup>.

در میان امت من افراد پیدا خواهند شد که زنا، ابریشم، شراب، و آلات موسیقی را حلال میدانند.

یعنی موسیقی حلال نبوده و مردم آنرا حلال میگردانند.

امام ابو حنیفه رحمه الله موسیقی را مکروه تحریمی دانسته که گناه کبیره است .

هنگامیکه از امام مالک رحمه الله در مورد موسیقی سوال نمودند فرمود: آیا عاقلی هم وجود دارد که موسیقی را حق بداند؟ این عمل را نزد ما فاسقان انجام میدهند.

امام شافعی رحمه الله به صراحت موسیقی را حرام دانسته.

امام احمد بن حنبل رحمه الله فرموده است که: موسیقی نفاق را در قلب میرویانند و من آنرا دوست ندارم.

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب الأشربة، باب ما جاء فیمن يستحل الخمر ویسمیه بغير اسمه، رقم الحدیث: (۵۵۹۰)، (ج ۷، ص ۱۰۶).



موسیقی قطعا بخش از دین و فرهنگ سرزمین اسلامی و ملت متدین ما را تشکیل نمی دهد بلکه یکی از وسائل مهم تهاجم فرهنگی بیگانه است که ضربه اخلاقی را در جهت ترویج و نشر بی حیایی بر مردم ما وارد میکند و تلاشی شیطانی است در جهت میان برداشتن حياء و عفت و کشانیدن جوانان به بیراهه و گمراهی.

ثانیا: در شریعت این قاعده است که: هر کسی که بنیاد کار نا روا و حرام و نا جائز را گذاشته و مردم را تشویق کرده در گناه همه شریک است و در حدیث صحیح که امام مسلم روایت کرده رسول صلی الله علیه وسلم فرموده اند: "من سن في الإسلام سنة حسنة كان له أجرها وأجر من عمل بها من بعده لا ينقص ذلك من أجورهم شيئا، ومن سن في الإسلام سنة سيئة كان عليه وزرها ووزر من عمل بها من بعده لا ينقص ذلك من أوزارهم شيئا"<sup>۱</sup>.

هر کسی که بنیاد کار های خیر را بگذارد تا به روز قیامت اجر ثوابش برایش میرسد و هر کسی که بنیاد کار های شر و بد و ناروا و نا جائز را بگذارد او در گناه همه شریک

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، کتاب الزکاة، باب الحث علی الصدقة ولو بشق تمره، أو كلمة طيبة وأنها حجاب من النار، رقم الحديث: (۱۰۱۷)، (ج ۲، ص ۷۰۴).

است و در پهلوی گناه خود گناه دیگران را هم متحمل میشود.

هر آواز خوانیکه مردم را به طرف گمراهی و ضلالت میکشاند و وسیله نشر و پخش گناه و بی دینی می شود دنیا و آخرتش تباہ و برباد میگردد.

الله متعال متعال می فرماید در آیت دوم سوره المائده: "وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ"، در کارهای خیر و نیک و شایسته همکار باشید و در اعمال بد و زشت و ناپسند و تجاوز به مقدسات و ارزشهای اسلامی و سوق دادن به گمراهی همکاری نکنید.

وهر شخص و یا مؤسسه و یا شرکت که بنیاد کارهای و رسانه های مبتذل و ترویج دهنده فحشاء و منکر را گذاشته و می گذارد و در آن سهم میداشته باشد و همکاری میکند گناه عمل کرد خودش و گناه کسانی که توسط این کار شان به گمراهی و بیراهه کشانیده می شوند برایش نوشته می شود و به طرف دوزخ سوق داده می شود.

وهر کسی بنیانگذاری کارهای شر زشت و نادرست و ناروا را میکند و وسیله شر می شود تا به روز قیامت نه تنها گناه آن را متحمل می شود بلکه گناه کسانی که آنرا ترویج

میدهند و به آن عمل میکنند و دیگران را تشویق میکنند هم  
متحمل میشود.



### خینه کردن دستان و پاها

یکی از دوستان از ولایت لوگر چنین سوال نموده :

آیا خینه کردن برای مردان جایز و روا است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

خینه کردن از خصائص و عادات زینت و آرایش خانمها  
است، نظر به قول راجح فقهاء برای مردان ناجایز و ناروا است  
که دست و پای خود را در مناسبتهای عروسی و محافل  
خوشی خینه کند زیرا که مشابهت با خانمها میشود، تنها  
بخاطر تداوی برای مردان نیز خینه کردن جایز و مشروع  
است زیرا در بعض موارد خینه بخاطر کاهش درد مفید واقع  
میشود.



## نسبت دادن خانمها به شوهرانشان جائز نیست

یکی از هموطنان عزیز ما از شهر کابل سوال نموده :

استاد گرامی میخواستم درباره این بدانم وقتی بعض مردم ازدواج میکنند باز تخلص خود را نیز به خانم خود میدهند آیا از نظر اسلام این جواز دارد که خانم تخلص شوهر خود را بگیرد و خود را بعوض پدر به شوهر نسبت دهد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

شریعت اسلامی از نسبت دادن انسان - زن باشد و یا مرد - به غیر پدرش منع کرده و آنرا حرام دانسته، الله متعال در قرآن کریم فرموده است: "ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ"<sup>۱</sup>.

آنها را به نامهای شان صدا کنید و به پدران شان نسبت دهید و اگر پدران شانرا را نمی دانید پس برادران دینی تان است.

نیز در حدیث صحیح متفق علیه بزبان رسول الله صلی الله علیه وسلم از این امر تحذیر نموده و این نص حدیث است: عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ

<sup>۱</sup> - سورة الأحزاب، آیت: ۵.

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: "مَنْ ادَّعَى إِلَى غَيْرِ أَبِيهِ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ غَيْرُ أَبِيهِ فَالْجَنَّةُ عَلَيْهِ حَرَامٌ"<sup>۱</sup>.

از سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه روایت است که: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: آنکه به غیر پدرش خود را نسبت دهد، یا اینکه می داند که آن پدرش نیست، جنت بر وی حرام است.



### د چاپېریال په پاک ساتلو کې د مسلمان مسؤلیتونه

د دیني مسائلو څېړونکی او د معاصرو فقهي مسائلو د مجلې لیکوال پلاوي او مدیر اُستاد فضل الله (ممتاز) څرگنده کړیده چې: په شرعي لحاظ مسلمان پر دې باندې مکلف ګرځول شوی دی تر څو د خپل چاپېریال ساتنه وکړي، د اسلامي ټولنو د چاوراكو مسؤلیت د خلکو په ژوند کې د مصؤنیت (خوندیتوب) راوستل او دوي ته د سوکاله ژوند برابرول دي.

همداراز د چاپېریال په اړه د خلکو د عامه پوهاوي په موخه بنایي چې زمونږ لیکوال وروڼه

<sup>۱</sup> - صحیح البخاري، کتاب الفرائض، باب من ادعی إلى غیر أبيه، رقم الحدیث:

ارزبښتمنې ليکنې وکړي تر څو زمونږ د ټولني خلک خپلو دندو او مسؤليتونو ته ځير شي، ځکه چې د چاپيريال پاک ساتل زمونږ د ښه تمدن او لوړ کلتور ښکارندوينه کوي؛ نو مونږ بايد هڅه وکړو تر څو د خپلې ټولني څخه ناوړه استفاده ونکړو. مونږ د يو مسلمان په صفت دخپل چاپيريال د خونديتوب لپاره بايد د ټولو هغو عناصرو پر ضد مبارزه وکړو کوم چې زمونږ ټولنه د بربادۍ، هلاکت، فساد او استبداد لوري ته بيايي.

له همدې کبله اسلامي شريعت پر مسلمان باندې دا لازمي گرځولي دي تر څو پخپله ټولنه کې د مېشتو خلکو سره غوره چلند وکړي، له هغوي سره د خپلې بشري وسې سره سم لازمي مرستې او د همغږۍ په فضاء کې ورسره گډ ژوند پر مخ بوځي.

د خپلې سيمې او هيواد د پرمختگ په اړه بايد فکر وکړي او هيڅکله هم د فساد لپاره کار ونکړي ، ترڅو پدې توگه سره مونږ ټول د لوی څښتن تعالی (جلت عظمته) له لوري د عذاب وړ ونه گرځو. کله چې مونږ قرآن ته راوگرځو؛ نو جوتيري چې قرآنکريم له مونږ څخه په ځمکه کې د فساد مخه نيول او د ځمکې د ودانۍ لپاره هلې

خُلِي كُولِ غَوَارِي، لَكِه چي فرمايي: "وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ".<sup>۱</sup>

ترجمه: (أَيُّ انْسَانَانُو!) په ځمکه کې فساد مه کوئ وروسته د دې له اصلاح څخه (چې د انبیاؤ عليهم السلام په رالیرلو سره ځمکه اصلاح شوله) او تاسې د الله تعالی عبادت په وېرې او امید سره تر سره کوئ (مه مایوسه کیږئ او مه هم ځان د هغه له غذاب څخه مأمون او بې فکره گڼئ) بېشکه چې الهي رحمت (او مهرباني) نیکي کوونکو ته نژدی ده.

نوموړي استاذ د خپلو څرگندونو په لړ کې دا هم زیاته کړه چې: د اسلامي شریعت د رالیرلو مقاصد هم همدا دي چې تر څو په چاپیریال کې فساد ختم او تر څو ټولنه له اتلاف او استنزاف (زوال)، بې لاریو او له هر ډول فکري او مادي انحرافاتو څخه خوندي او مصؤنه وساتل شي.

اسلامي فقهاو یواځې پر دې بسیاینه نده کړی، بلکه دوي د اسلامي نصوصو په رڼا کې د ټولنې د خونديتوب او هوساینې لپاره یو لړ مسائل خپلو پېروانو ته په ډاگه کړيدي تر څو خلک د پاکوالي

<sup>۱</sup> - سورة الأعراف، آیت: ۵۶.

خیال وساتي او پدې توگه سره د چتلیو او د چاپیریال د ککړتیا مخه ونیول شي.

سربېره پر دې فقهاو کرامو د چاپیریال ساتنې په اړه مستقلې لیکنې کړيدي او پدې اړه د خلکو د عامه پوهاوي په موخه بې ارزښتمنې لیکنې خلکو ته وړاندې کړيدي تر څو زمونږ د ټولني خلک خپلو دندو او مسؤلیتونو ته ځیر شي.

د الملتقى الفقهي علمي ويب پانې مسؤل مدير همداراز زیاته کړه چې: د چاپیریال ساتنې موضوع یو له هغو بنسټیزو موضوعاتو څخه گڼل کیږي چې تل بې د ټولنیوهانو توجه د ځان په لوري راجلب کړیده.

بېشکه چې یوه سالمه ټولنه د ستر څښتن تعالی د بې ساري نعمتونو څخه هغه ستر نعمت دی چې یو انسان ورڅخه برخمن کیږي او د یو سالم چاپیریال څخه د محرومېدو په صورت کې انسان خپله روغتیا، نېکمرغتیا، سوله، پرمختگ او رفاهیت حتی خپل ژوند له لاسه ورکولی شي.

د همدغو ارزښتونو په پام کې نیولو سره ویلی شو چې اسلام نه یواځې یو دین دی — بلکه هم دنیا ده او هم عقیده — هم ورورگلوې ده او هم ټولنیز خدمت، هم مثبت فکر او ښه گومان دی



او هم صميميت، هم د ټولني لپاره غوره نظام او تگلاره ده او هم د ژوند عملي بهير چې موخه يې په ټولنه کې د خلکو په ژوند کې داسې هوساينه او سوکالي رامنځ ته کول دي چې تر څو وکولى شو اخروي ثوابونه او بې شمېره برياليتوبونه پرې تر لاسه کړو .

د مثال په توگه : که چېرې يو څوک په ټولنه کې څارويو ، څښېدونکو حشراتو او يا هم الوتونکو مرغانو ته د گټې رسولو په خاطر يو نيالگې وکړي، تر څو د همدې ونې له سيوري او ميوي څخه هغوي ته گټه ورسېږي؛ نو دا کار د هغه يو ډول صدقه ده . همداراز که چېرې يو څوک د لارې سره نيکي کوي، (يعنې د خپلې لارې څخه زيانمن توکي لري کوي) تر څو د لارې لارويانو ته پرې څه زيان ونه رسېږي؛ نو دا کار يې په اسلام کې صدقه شمېرل کېږي .

تر دې هم جالبه دا ده چې د ټولني حيوانات، مرغان، څښېدونکي خزندی او حتی جمادات د همدغسې خیر خواه انسان لپاره د خیر دعا کوي [او که چېرې دا پورته مخلوقات تعذيب يايې وزوروي او يا ورته کوم ډول زيان ورسوي؛ نو بيا په دې صورت کې ورته بڼېرا هم کوي].

نبی کریم (صلی الله علیه وسلم) یو ځل په دوو جلا قبرونو باندی د خرما دوه لمدې لښتې خښې کړی، تر څو د دغو قبرونو له خاوندانو څخه عذاب کم شي. دا پورته ټول مثالونه د همدې ښکارندوینه کوي چې اسلامي شریعت څومره د ټولني خیال ساتلی دی او په دې اړه څومره زیاتې لارښودنې پکې شتون لري.

د خپل تېر تاریخ په لوستلو سره پوهیږو چې یوه مېرمن جهنم ته له همدې کبله ولاړه چې د یو حیوان په حق کې بې ظالمانه چلند کړی ؤ او یوې بلې مېرمن چې کله پر یو حیوان د خپل شفقت له کبله اوبه وڅښلې؛ نو جنت ته ولاړه.

له همدې کبله چاپېریال ساتنه د یو انسان په نزد په عامه توګه سره او د یو مسلمان پر وړاندې په ځانګړې توګه خورا ارزښت لري او ټول انسانان د چاپېریال په پاک ساتلو کې باید هلې ځلې وکړي، ځکه چې د چاپېریال ساتنې مسؤلیت د هر مذهب پالونکي ته متوجه دی (لکه څرنګه چې یو مرض فکر او عقیده نه پیژني او هر څوک پرې اخته کیدلی شي، په همدې ډول د ټولني د نظافت مسؤلیت هم د هر چا مسؤلیت دی).

مسلمان ته بنيائي چي تر نورو خلکو زيات د خپلي ټولني د رغوني او هوساينې لپاره تر نورو زيات زيار وباسي او د ټولني او چاپيريال له مېشتو خلکو سره غوره چلند وکړي او خپله ټولنه فاسده نه کړي، بلکه په ټولنه او چاپيريال کې د اوسېدلو پر مهال د اصلاح او سمون هڅې وکړي او دټولو نجاستونو او چټليو څخه يې بايد پاکه وساتي .

#### د ټولني تعريف:

د ټولني د تعريف په اړه پوهان وايي: ټولنه د ځمکې پر مخ او يا ځمکنېو زېرمو او ټولو هغو لمدو او يا وچو څيزونو ته ويل کيږي چې د ځمکې په وچه برخه کې د غرونو، پراخو ميدانونو، ځنگلونو او دشتو په شکل سره موندل کيږي او يا هم ټول هغه موجودات چې د ځمکې پر مخ د خوځېدونکو خزندو، څارويو، مارغانو په بڼه په ټولنه کې ميندل کيږي او يا هم ټول هغه نباتات، ونې او راز راز کبستونه چې د ځمکې پر مخ راتوکيږي د چاپيريال په نامه سره ياديږي .

دا ليکنه په حقيقت کې هغه پوښتنه وه کوم چې د الملتقى الفقهي وېب پاڼې د گرانو لوستونکو څخه يوه ورور له مونږ څخه پوښتلی وه او مونږ

هم ددې لپاره تر څو خپلو گرانو لوستونکو ته د اسلام په رڼا کې د چاپېريال ساتنې ارزښت بڼه څرگند کړو او خپلو گرانو لوستونکو ته په ټولنه کې د هغوي مسؤليتونه ورپه گوته کړو؛ نو دا څو کړنې مو وليکلې، هيله ده چې ستاسې د پام وړ گرځېدلی وي او ډېر څه مو پکې زده کړي وي.



### نقل کردن و نقل دادن در امتحان

دوستی سؤال دارد که آیا نقل کردن و یا نقل دادن در امتحانات کانکور و یا مسابقات و غیره حرام شمرده می شود، و دلیل حرام بودن آن را بیان کنید.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

درین شکی نیست که نقل کردن و نقل دادن در هر امتحانی که باشد حرام بوده و حق تلفی و در حق دیگران تجاوز شمرده می شود و هم ظلم است نیز این شخص امانتدار گفته نمی شود و امانت را هم خیانت کرده خصوصاً

نقل دهند. رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح می فرماید: «من غشنا فلیس منا»<sup>۱</sup>.

هر کسی که نقل کند از جمله امت من نیست، به این معنی که مؤمن کامل نیست بخاطر که حق تلفی کرده و گناه بزرگ و کبیره را مرتکب شده.

و باید مسلمان در نتیجه سعی و تلاش و جدو جهد و کوشش کامیاب شود نه در نتیجه ظلم و حق تلفی پامال کردن حق دیگران.



### گذاشتن آذان در موبایل دارای سه حالت میباشد

یکی از هموطنان عزیز ما مقیم شهر تورنتو از کانادا چنین سوال نموده:

استاد محترم آذان چطور است که در موبایل بگذاری؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

گذاشتن آذان در موبایل دارای سه حالت میباشد:

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، کتاب الإیمان، باب قول النبي صلی الله علیه وسلم: «من غشنا فلیس منا»، رقم الحدیث: (۱۰۱)، (ج ۱، ص ۹۹).

الف - گذاشتن بعوض زنک موبایل و جواب دادن مردم.

این حالت مشروع و جائز نیست زیرا الفاظ و کلمات آذان شامل ذکر الله متعال، توحید و وحدانیت او تعالی است و استفاده کردن از آن بخاطر جواب دادن و کار دنیایی جائز و مشروع نیست و بی احترامی شمرده می شود.

ب - گذاشتن آذان در موبایل بخاطر معرفت داخل شدن اوقات نماز .. این حالت جائز و مشروع است و باکی ندارد و برنامه های زیبای وجود دارد.

ج - گذاشتن آذان بخاطر تنبیه و بیداری از خواب و معرفت تایم و وقت کار و وظیفه و موعد داشتن با دوستان، این حالت نیز جائز و مشروع نیست زیرا آذان تنها بخاطر فهمیدن و معرفت اوقات نماز مشروع گردانیده شده نه برای استفاده از آن در کارهای دنیایی.



**ذکر الله متعال توسط تسبیح های مروج جائز و مشروع است**

برادر محترم ما عبد الناصر واحدی از ولایت تخار سوال

نموده :

تسبیح های مروج که دردست مردم قرار دارد چگونه

است درباره توضیحات دهید؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

تسبیح گفتن مروج توسط دانه های مختلف در حدیث صحیح ثابت نیست لیکن در اثر صحابه ثابت است خصوصا از أم المؤمنین جویریة بنت الحارث رضی الله عنها روایت شده که ایشان با سنگ ریزه تسبیح گفته است، و نیز از بعض علماء نقل شده که آنها با سنگچل ودانه ها تسبیح گفته اند، و رسول الله صلی الله علیه وسلم با انگشتان تسبیحات خود را حساب می کردند، و بعض علماء گفته اند که اولی و افضل و بهتر تسبیح گفتن با انگشتان دست است.



**آیا برای مسلمان جازن است که کامند پولیس در کانادا شود؟**

یکی از هموطنان عزیز ما مقیم کانادا سوال نموده:

یک سلام بی نهایت گرم و دور از وطن بر شما اسطوره نفیس و پیر لطف و پیر مرحمت داشتیم و اما بعد یک سوال داشتیم او اینکه یکی دوستانم از من خواسته بود که از شما پرسان کنم در رابطه به اینکه او میخواهد منحیث یک افسر پولیس در یکی شهرهای کانادا ایفای وظیفه بکند پیش از اینکه وارد عمل شود از شما در این رابطه خواستار معلومات شده است یا اسلام در چنین کارها اجازه میدهد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اولا: این احساس هموطن مسلمان ما قابل تقدیر است قبل از تصمیم گیری و وارد شدن در کارهای مشبوه و مشکوک در جستجوی موقف دین مبین اسلام است زیرا برایش آخرت مهمتر از دنیا است و اینرو نمی خواهد که دین خود را بخاطر دنیا از دست دهد.

ثانیا: شریعت اسلامی در تعامل و رفتار با غیر مسلمان حد و حدود تعیین نموده که باید مسلمان آنرا مراعات کند پابند احکام شرعی آن باشد در غیر آن دین و ایمانش زیر سوال میرود و بالاخره با غیر مسلمان ذوب می شود و در روز قیامت نیز در زمره آنان حشر می شود و در آن وقت پشیمانی سودی ندارد.

ثالثا: در صورتی که کشوره غیر اسلامی که این برادر می خواهد در بخش پولیس آن وظیفه اجرا کند در حالت جنگ با مسلمانان باشد و یا اینکه در مشکلات کشورهای اسلامی به شکل مستقیم و یا غیر مستقیم نقش داشته باشد کار کردن در اردو و پولیس آن شرعا جواز ندارد زیرا سبب تقویت و غلبه آنها بر مسلمانان می گردد چی در دراز مدت و یا کوتاه مدت.



نیز اگر اداره پولیس آن کشور از این برادر بخواهند که باید دست خود را بر انجیل بماند و قسم کند که در هر صورت از آنها به دفاع میپردازد در این صورت نیز جواز ندارد و نامشروع است.

همچنان در صورت که مکلف به حراست و محافظت از قمار خانه، شراب خانه، قصابی های گوشت خوک و خنزیر، فاحشه خانه، کلیسا و غیره باشد در این صورت نیز برایش جواز ندارد که وظیفه انجام دهد من حیث کامند پولیس.

تنها در یک صورت جواز دارد که من حیث افسر پولیس وظیفه اجرا کند بخاطر حراست و امنیت عامه مردم، بازارها، سوپر مارکیتها، و اینکه در کارهای و وظائف که گناه است گماریده نمی شود از طرف آمرین خود، اما اگر بیم آن می رود که ممکن است که به حراست اعمال مخالف دین مبین اسلام گماشته شود در این صورت نیز برایش کار کردن در این وظیفه حرام است.



د سهار د لمانځه څخه وروسته خوب کول مکروه نه بلکه مباح دي.

له میدان وردگ ولایت څخه یوه گران هیوادوال مو پوښتنه کړې ده :

آیا د سهار له لمانځه څخه وروسته خوب کول گناه لري یا نه؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

د سهار له لمانځه وروسته خوب کول مباح دی، مکروه نه دی، او هیڅ شرعي دلیل شتون نه لري چې د سهار لمانځه څخه وروسته یا د مازدیگر د لمانځه څخه وروسته خوب کول یې مکروه گڼلي وي؛ په ځانگړي ډول هغه څوک چې د سهار یا مازدیگر له وختونو څخه پرته بل وخت د خوب کولو لپاره نه لري.. اما سنت دادي چې مسلمان د فجر لمانځه له اداکولو وروسته په خپل ځای کې پاتې شي (تر څو چې لمر را پورته شي)؛ ضحی او اشراق لمونځ هم ادا کړي او بیا د دنیوي چارو لپاره ولاړ شي.

یوازې ځینو تابعینو علماؤ د سهار لمانځه څخه وروسته خوب کول مکروه گڼلی دی ځکه چې د سهار وخت د کار او تازه گی وخت وي او د انسان

جسم د ورځینیو کارونو لپاره زیات تیاری او انرژي لري.

اما ځینې احادیث چې د سهار له لمانځه څخه وروسته خوب کول مکروه ثابتوي، باطل او موضوع دي او ثابت نه دي.



### خواب کردن بعد از نماز صبح و عصر مباح است و مکروه نیست

یکی از هموطنان عزیز ما از ولایت میدان وردک سوال نموده :

آیا بعد از نماز صبح خواب کردن گناه دارد یا خبر ؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

خواب کردن بعد از نماز صبح مباح است و مکروه نیست، و هیچ دلیل شرعی صحیح وجود ندارد که خواب بعد از نماز فجر و یا بعد از عصر را مکروه شمرده باشد، خصوصاً کسانی بغیر از فجر و عصر وقتی دیگری برای خوابیدن ندارند، اما سنت این است که بعد اداى نماز فجر مسلمان در جایش بماند و مکث کند تا اینکه آفتاب طلوع کند و نماز

ضحی و اشراق را ادا نموده و برای کار دنیائی اش در حرکت شود.

تنها بعض از علمای تابعین خواب بعد از نماز فجر را مکروه دانسته اند زیرا وقت صبح برای کان و نشاط میباشد و جسم انسان بیشتر آمادگی برای فعالیت‌های روز مره را دارد میباشد.

اما بعض احادیث که مکروه بودن خواب بعد از فجر و عصر را ثابت می کند باطل و موضوع است و ثابت نیست.



### آیا ماندن موهای دراز برای مردان سنت عادت است یا مستحب؟

یکی از هموطنان عزیز ما سوال نموده :

آیا ماندن موهای دراز که بعض مردان می مانند و میگویند که سنت است و بعض میگویند که جواز ندارد و مشابهت به زنها است، منتظر جواب شما استم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

جمهور فقهاء به این نظر هستند که آن افعال و اعمال رسول الله صلی الله علیه وسلم که آنرا از روی عادت انجام

داده و به کردنش امت خود را امر و تشویق نکرده سنت عادت است و مستحب نیست به این معنی که تنها مباح است نه واجب است و نه هم سنت و مستحب مثل دراز ماندن موی سر مبارک و بسر کردن دستار.

و اگر دراز ماندن موی را مباح بدانیم از سنتهای عادت بوده و مباح است بشرطیکه به نیت شهرت طلبی و مشابهت به زنان نباشد و اگر کسی موی خود را به نیت تشبه به زنان و یا بخاطر شهرت دراز می ماند در این صورت عملکردش جواز ندارد و مکروه تحریمی است، اما در حالت عادی کار مباح است مثل لنگی و دستار.



### از حقوق همسایه ها این است که سامان مورد نیاز منع نشود

یکی از هموطنان عزیز ما از شهر کابل سوال نموده:

اکثرا همسایه مان از مایان طلب آرد، روغن، نمک و بعض اشیای دیگر میکنند و میگویند وقتی خریدیم دوباره برایتان قرض تانرا میدهیم مگر اندازه معلوم نمیباشد آیا در این صورت سود واقع میشود چون جنس به جنس می باشد و اندازه هم معلوم نمی باشد و اگر کسی همین سامان مورد نیاز همسایه های نیازمند را نمی دهد و از آنها منع می کند آیا گنهگار میشود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

الله متعال در قرآن کریم یکی از صفات بد و زشت انسانهای قاسی القلب و منافق را یاد نموده که عبارت است از منع کردن و ندادن سامان و چیزهای مورد نیاز نیازمندان و فرموده است: "وَيَمْنَعُونَ الْمَانُونَ"<sup>۱</sup>.

وسامان مورد نیاز و ضرورت نیازمندان را منع می نمایند اشیای جزئی و ما یحتاج ضروری همسایه ها مثل نمک، آب، کوکرد، تبر، داس، تیشه، دیگ، تار، سوزن غربال و غیره را به مردم هنگام ضرورت نمی دهند.

آنها همان منافقانی اند که وقتی به نماز حاضر میشوند ریاء کاری میکنند و در خفیه نماز را ترک می نمایند، و چیزهای عاریت را از بخل که دارند از مردم منع می نمایند.

اگر نماز و عبادت این نمازگزان خالی از ریاء و به هدف تقرب به الله متعال می بود در ایشان اثر مثبت میکرد و می کوشیدند تا منابع زندگی و وسائل عمومی را بدسترس همگان قرار میدادند و حقوق مشروع مردم را ادا میکردند.

<sup>۱</sup> - سورة الماعون، آیت: ۷.

یکی از نیکوکاری های مهم در دین مبین اسلام دستگیری محتاجان و بینوایان، و رسانیدن مواد مورد نیاز نیازمندان است که شاید بسیار ناچیز هم باشد لیکن در گشایش مشکلات شان اثر خوب دارد و این صفت شایسته مؤمنان راستین است که به رهنمودهای قرآنی عمل میکنند و دیگران را تشویق نمایند.

اما اگر به همسایه های ضرورت همین چیزها داده میشود، و آنها دوباره به همان مقدار و کمتر و بیشتر دوباره برمیگردانند و اندازه دقیق آن معلوم نمی باشد گنهگار نمی شوند.



### خانم خود را از صله رحم اقاربش منع میکند آیا گنهگار میشود؟

یکی از خواهران هموطن ما از شهر مزار ولایت بلخ سوال نموده:

شوهر مرا از صله رحم اقاربم منع میکند و نمی گذارد که در خانه پدر و مادر و برادران خود رفت و آمد کنم، آیا شوهرم گنهگار میشود؟

### الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

پیوسته داشتن رحم یعنی روابط فامیلی، نیکی، همدردی، همکاری کردن با نزدیکان شخص از سوی پدر و مادرش خواه محرم باشند یا غیر محرم، وارث باشد یا غیر وارث، از جانب پدر باشند یا از سوی مادر، این را شریعت صله رحم می نامد، رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "من أحب أن یسط له فی رزقه، و ینسأله فی أثره، فلیصل رحمه"<sup>۱</sup>.

آنکه دوست دارد که در روزی او برایش گشایش آورده شود و در اجلش تأخیر کرده شود، باید رحم و صله قرابت خویش را پیوسته بدارد.

همچنان در حدیث صحیح دومی می فرماید: "صلة الأرحام و حسن الجوار، و حسن الخلق، تعمر بها الدیار و تزاد بها الأعمار"<sup>۲</sup>.

۱ - صحیح البخاری، کتاب الأدب، باب من بسط له فی الرزق بصلة الرحم، رقم الحدیث: (۵۹۸۶)، (ج ۸، ص ۵).

۲ - مسند أحمد مخرجا، مسند الصدیقة عائشة بنت الصدیق رضی الله عنها، رقم الحدیث: (۲۵۲۵۹)، (ج ۴۲، ص ۱۵۳).



با صلۀ ارحام (پیوسته داشتن روابط فامیلی) و همسایگی نیک و اخلاق نیک، سرزمین آباد می شود و بوسیله آن عمرها فزونی می یابد.

همچنان از ابوهریره در روایت صحیح آمده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: "تعلّموا من أنسابکم ما تصلون به أرحامکم، فإن صلة الرحم محبة فی الأهل، مثرة فی المال، منسأة فی الأثر".

از نسب های خویش بدانید آنچه بدون رابطه های قرابت و صلۀ ارحام خویش را پیوسته بدارید؛ زیرا صلۀ رحم، محبت و دوستی در خانواده و سبب ثروت اندوزی و تأخیر افکنده شدن اجل می باشد.

فرموده اش: (ینسأله فی أثره) معنایش این است که برای او در اجلس تأخیر داده می شود و اجل را اثر گفته برای آنکه خود به دنبال عمر می رود.

خداوند در عمر پیوسته دارنده صلۀ رحم برکت نهاده، او را یاری می کند و توفیق می دهد و هدایت نموده، بر راه حق استوار می دارد، از این رو خیر و پاداش و عزت و کرامتی را در دنیا و آخرت بدست می آورد که قاطع پیوند رحم و نافرمانی در برابر والدین آن را کسب کرده نمی تواند هر چند عمرش چندین برابر عمر و اصل رحم باشد.

به همان اندازه که صله رحم ثواب و فضیلت دارد و سبب داخل شدن در بهشت و جنت میشود به همان اندازه قطع صله رحم گناه بزرگ شمرده میشود رسول الله صلی الله علیه و سلم در حدیث صحیح فرموده است: "لا يدخل الجنة قاطع رحم"<sup>۱</sup>.

کسی صله رحم ندارد و با اقارب خود بدون سبب شرعی روابط رفت و آمد و دوستی را قطع می کند از داخل شدن جنت محروم میشود.

بسیاری از خانمها شکایت می نمایند که شوهران شان بعد از عروسی از رفت و آمد و نیکی کردن واحوال گیری خانواده والدین و اقارب نزدیکش مانند برادر، خواهر، ماما، کاکا، خاله، عمه آنها را منع میکنند تنها در حالات استثنایی اجازه میدهند مثلا اگر کسی مریض باشد، وفات کند، یا عروسی داشته باشند، در حالیکه مسئولیت شوهر در این ختم نمی شود که تنها برای خانم خوردن و نوشیدن و مواد غذایی و لباس را آماده سازد بلکه در رعایت جوانب معنوی وی نیز توجه داشته باشد.

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، کتاب البر والصلة والآداب، باب صلة الرحم وتحريم قطيعتها، رقم

الحدیث: (۲۵۵۶)، (ج ۴، ص ۱۹۸۱).

آیا ممکن که خانمها کسانی را فرموش کنند که سبب بوجود آمدن آنها بدنیا بوده، و در سایه آنها تربیه شده و تا به جوانی و عروسی با آنها زندگی میکرده؟

اگر شوهر به خانم خود اجازه صله رحم و رفت آمد با خانواده والدین و برادرانش ندهد اطفال آنها نیز در قطع صله رحم و روابط خانوادگی تربیه می شوند.

این برزگترین ظلم است که شوهر در پیوسته داشتن رحم یعنی روابط فامیلی خود توجه داشته باشد و خانم خود را منع کند زیرا نتایج ناگوار روانی و اجتماعی میداشته باشد.

شوهر این را فراموش نکند که از اهداف اساسی ازدواج عبودیت و بندگی الله متعال است که اوامرش بجا آورده شود و از نواهی اش اجتناب و دوری گردد زن و شوهر هر دو همدیگر در تحقق این هدف مهم یاری نمایند که صله رحم و ارتباطات اجتماعی و همدردی با اقارب بخش از این عبودیت را تشکیل میدهد، در غیر آن شوهران یک بخش مهم از ثواب و اجر و فضیلت را در زندگی شان از دست میدهند و نه تنها از آن محروم میشوند بلکه از داخل شدن جنت و بهشت محروم میشوند که بهشت برین هدف هر مسلمان است.



## نمونه از اموري که همسايه ها از آن آزار و اذيت مي بينند

يکي از هموطنان عزيز ما از ولايت بلخ سوال نموده :

کدام مسائل واموراتي است که همسايه در حق همسايه خود نکند زيرا ما از بعض همسايه هاي خود بتکليف استيم شما لطف نموده همين مسأله را در صفحه خود همگاني سازيد که ملا امام مسجد ما به مردم بخواند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

همسايۀ نيك از اسباب نيکبختي انسان به شمار مي رود و براي همين از زمرة اسباب نيکبختي بنده اين است که از نعمت همسايۀ صالحی برخوردار باشد که حرمت او را نگه داشته، حقش را شناخته و در مورد او خداوند را مراقب و ناظر حالات خویش داند. پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح می فرماید: "من سعادة المرء: الجار الصالح، والمركب الهينئى والسكن الواسع"<sup>۱</sup>.

سه صفت از زمرة نيکبختی شخص بشمار مي رود: همسايۀ نيك، مرکبي و اسب، موتر و غيره وسائل راحت و خوش و خانه وسيع و گسترده.

<sup>۱</sup> - مسند أحمد، مسند المکيين، نافع بن عبد الحارث، رقم الحديث: (۱۵۷۲)،

(ج ۲۴، ص ۸۶).

از سخنان خلیفه راشد علی بن ابی طالب رضی الله عنه  
این است که: "الجار قبل الدار، والرفیق قبل الطريق".

همسایه را پیش از خانه و رفیق و همراه سفر را پیش از  
تعیین مسیر سفر گزینش کنید.

پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم در دعای خویش می  
فرمود: "اللهم إني أعوذ بك من جار السوء في دار المقامة، في إن  
جار البادية يتحول"<sup>۱</sup>.

خدایا! من به تو از همسایه بد در سرای اقامت  
(شهروده) پناه می‌برم که همانا همسایه صحرا و بادیه از  
جایی به جایی دیگر تغییر موضع می‌دهد.

همچنان دستور داده که از شر و بدی او به خداوند پناه  
برده شود آنجا که می‌فرماید: "تعوذوا بالله من شر جار المقام،  
فإن جار المسافر إذا شاء أن يزایل زایل"<sup>۲</sup>.

<sup>۱</sup> - صحیح ابن حبان، کتاب الرقائق، باب الاستعاذة، ذکر ما يستحب للمرء أن يتعوذ  
بالله جل وعلا من سوء الجوار في العقبى به يتعوذ منه، رقم الحديث: (۱۰۳۳)، (ج ۳،  
ص ۳۰۷).

<sup>۲</sup> - مسند أحمد، مسند المكثرين من الصحابة، مسند أبي هريرة رضي الله عنه، رقم  
الحديث: (۸۵۵۳)، (ج ۱، ص ۲۲۷).

به خداوند از شر همسایه ثابت پناه جوئید، زیرا همسایه مسافر هرگاه بخواهد کوچ کند، کوچ می کند و می رود.

این است نمونه از اموری که همسایه ها از آن آزار واذیت می بینند که مسلمان راستین نباید در آن واقع شود که بخش از دین وایمان خود را از دست بدهد واز اسباب عذاب قبر و آتش دوزخ برایش گردد:

۱- تلاش برای دیدن محارم شان.

۲- نگاه کردن به سوی زنان شان.

۳- جستجوی عیوب شان.

۴- گوش دادن به آنان و جاسوسی در مورد حالات شان.

۵- کشف و پخش رازهای شان، پخش سخن زشت و منسوب کردن آن به آنان.

۶- دست اندازی به آبروهای شان به هر طریق و شیوه ممکن.

۷- تلاش برای فساد اندازی در میان شان. پخش عیوب شان، محو و زدودن خوبی هایشان.

۸- آزار دادن شان با بلند کردن صدای آلات لهو و موسیقی و سرایندهی حرام و بلند کردن آوازه‌های گوش خراش و بویژه در فرصت خواب و استراحت شان.

۹- نگهداری ونه‌ادن حیوانات و پرندگان که آنان را با بویش آزار داده و با صدای شان ناراحت می‌کند.

۱۰- نه‌ادن آشغال خانه و زباله و کثافات بر دروازه‌های شان.

ناگفته نماند که بدترین همسایگان کسی است که همسایه‌ها از بیم شر و بدی اش او را ترک نمایند و برای پرهیز از زیانش از او دوری جویند و برای حفظ خویش از نیرنگ و تجاوزش خود را از او باز دارند، پلیدتر از او کسی است که محارم همسایه اش را پایمال نموده، یا مالش را می‌دزد، زیرا این از بدترین پیش‌آمدها و زشت‌ترین اشکال خیانت و سخت‌ترین انواع آزار همسایه می‌باشد.



### چاپلوسی یکی از امراض اجتماعی و آفات زبانی است

یکی از خواهران هموطن ما از شهر کابل سوال نموده :

چاپلوسی از نگاه دین مبین اسلام چه حکم دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، اما بعد:

چاپلوسی یکی از امراض اجتماعی و آفتهای زبانی است که شریعت آنرا بزبان رسول الله صلی الله علیه وسلم حرام گردانیده است.

معنای تملق و چاپلوسی اضافه روی مبالغه آمیز در مداحی انسان روبرویش میباشد که انسان را به تکبر و بیراهه میکشاند.

ازینکه دین مبین اسلام دین وسطی است در همه بخشهای اخلاقی به اعتدال و میانه روی امر نموده و افراط و تفریط و زیاده روی حتی در بخش مجاملات و دوستی روا نمی دارد ازینرو رسول الله صلی الله علیه وسلم از این صفت بد زشت تحذیر نموده و در حدیث صحیح فرموده است: "إِذَا رَأَيْتُمُ الْمَدَّاحِينَ فَأَخْثُوا فِي وُجُوهِهِمُ التُّرَابَ"<sup>۱</sup>.

اگر کسی را در حال مدح کردن بیجا می بینید خاک را بروی شان بیندازید، یعنی آنها را تنبیه و نصیحت کنید تا اینکه از این صفت زشت و ناروا دست بردار شود زیرا یک

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، کتاب الزهد والرقائق، باب النهي عن المدح، إذا كان فيه إفراط وخيف منه فتنة على المدوح، رقم الحديث: (۳۰۰۲)، (ج ۴، ص ۲۲۹۷).



انسان خوب و عادی را توسط همین مدح بیجا به بسوی تکبر و هلاکت سوق میدهد.

همین مداحی و تملق و چاپلوسی در و شهرت انسانهای فاسق و بی بندوبار نقش میداشته باشد.



### شنیدن آواز پرندگان مباح است و به موسیقی قیاس نمی شود

یکی از هموطنان عزیز از کابل سوال نموده :

استاد محترم واضح است که موسیقی از نظر اسلام حرام است اما در باره شنیدن آواز پرندگان خوش خوان چی؟ آیا حرام است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

موسیقی بدلائل قاطع قرآن، حدیث، آثار صحابه کرام، و اتفاق فقهای امت حرام است.. اما شنیده صدا و آواز پرندگان حلال و مباح است و به موسیقی قیاس نمی شود کدام دلیل شرعی بر حرام بودن آن وجود ندارد، حلال بودن و حرام بودن هر یک در شریعت بدلائل واضح ثابت است.



## گذاشتن پول در بین قرآن کریم از ترس دزد

یکی از هموطنان عزیز ما از شهر کابل سوال نموده:

سوال من این است که اگر مادرم درخانه پول وپیسسه خود را در بین قرآن کریم میگذارد میگوید که دزد نبرد آیا این گناه دارد یا خیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

ما وشما میدانیم که قرآن کریم کتاب الله متعال است و برای هدایت و رهنمایی بشریت نازل شده تا اینکه آنرا تلاوت نمایند و به احکام آن عمل کنند، و برای این نازل نشده که منحیث بکس و صندوق و الماری استفاده شود، و بر مسلمان فرض است که مقام و منزلت و جایگاه قرآن کریم را بداند، ازینرو فتوای فقهای معاصر این است که گذاشتن پول و پیسه و زیورات در بین قرآن کریم جایز نیست زیرا:

۱- قرآن کریم عبارت از الماری و بکس و صندوق نگهداری مال و دارایی و پول و پیسه و زیورات نیست و به این هدف نازل نشده است.

۲- گذاشتن پول و پیسه در بین قرآن کریم در حقیقت یک نوع بی احترامی به کتاب الله متعال است.

۳- پول وپيسه عكسه‌های انسانها وزنده جان هارا میداشته باشد که ماندن آن در بین قرآن کریم روا نیست.

۴- ماندن پول وپيسه در بین قرآن کریم تربیه خانواده را فاسد میسازد و برای شان این نوع جلوه میدهد که گویا قرآن کریم برای این است که منحیث صندوق و بکس والماری استفاده شود که این خود اهانت و بی احترامی کتاب الله متعال است.



آیا د غل له و پړې، پیسې د قرآن کریم په منځ کې  
ایبندل جائز دي؟

له کابل ښار څخه مو یوه گران هیوادوال  
پوښتنه کړې ده:

په کور کې مې مور خپلې پیسې د قرآن کریم  
په منځ کې ږدي چې څوک یې غلا نکړي، زما  
پوښتنه دا ده چې آیا دا کار گناه لري یا خیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

مور او تاسو پوهېږو چې قرآن کریم د الله  
تعالی کتاب دی او د بشریت د هدایت او لارښوونې  
لپاره نازل شوی دی ترڅو هغه تلاوت کړي او په

احكامو پي عمل وکړي، او ددې لپاره نه دی نازل شوی چې د بکس، صندوق او يا الماری په حيث استفاده شي، او پر مسلمان فرض دي چې د قرآن کریم مقام، منزلت او ځای و پېژني. ددې له مخې د معاصرو فقهاؤ فتوا دا ده چې د قرآن کریم په منځ کې د پیسو او زیوراتو کېښودل جایز نه دي ځکه:

۱- قرآن کریم له الماری، بکس او صندوق څخه عبارت نه دی. د مال، دارایی، پیسو او زیوراتو د ساتلو لپاره نه دی او ددې موخې لپاره نازل شوی نه دی.

۲- د پیسو کېښودل د قرآن کریم په منځ کې په حقیقت کې د الله تعالی کتاب ته یو ډول بې احترامی ده.

۳- پیسې د انسانانو او نورو سالرونکو عکسونه لري، چې د هغو کېښودل د قرآن کریم په منځ کې روانه دي.

۴- د قرآن کریم په منځ کې د پیسو کېښودل کورنۍ تربیه فاسدوي او داسې ورته ښودل کېږي چې گوندې قرآن کریم ددې لپاره دی چې د صندوق، بکس او الماری په حيث استفاده شي چې دا پخپله د الله تعالی کتاب ته اهانت او بې احترامی ده.

## د نېک کار په کولو سره د معاش اخستل څه حکم لري؟

په اصل کې پوښتنه داده چې: زمونږ په سیمه کې یو تن د جومات امام دی؛ خو په عین وخت کې نوموړې شخص خورا شتمن هم دی، بل لوري ته په همدې کلي کې یو بل شخص هم شتون لري چې له همدې امامتې سره بې کچې مینه او لیوالتیا لري؛ او د لومړي شخص په نسبت ډېر بې وزله او مسکین هم دی؛ نو پدې دواړو تنو کې کوم یو زیات د امامتې وړ گڼل کېدلی شي؟ او آیا د امامتې او آذان په ترسره کولو سره یو څوک معاش هم اخستلی شي او کنه؟

د ټولنیزو مسائلو په لړ کې پورتنۍ پوښتنه یو له پوښتنو څخه ده چې زیاته د خلکو تر منځ پوښتل کېږي، مونږ پدې لیکنه کې غواړو د ټولني همدې ژوندۍ مسئلې په اړه یو څو گټور مطالب له تاسو درنو لوستونکو سره شریک کړو:

په اسلامي شریعت کې اصلي مسئله خو داده چې: د یو لږ نیکیو په ترسره کولو سره؛ لکه: د امامتې او یا آذان ورکولو په مقابل کې پیسې او معاش اخستل جواز نلري؛ ځکه له دې کار څخه زمونږ لارښود پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) منع

راوربده؛ خو دلته دې خبرې ته هم بايد زمونږ پام وي چې په اوسني عصر کې (دپخوا په نسبت) د ژوند تگلاره، د خلکو ضروريتونه او غوښتنې ډېرې زياتې شويدي او خورا بدلون پکې راغلی دی. که تاسې متوجه شوي ياست، شايد تاسې ته هم جوته شوي وي چې: که له يو خوا اوسني (کلي او) بناړونه د پخوا په نسبت ډېر پراخه شويدي؛ نو ورسره په ورته وخت کې؛ په ژوند کې ستونزې او مشکلات هم زيات شوي دي؛ تر دې پورې چې (په اوسنيو حالاتو کې که چېرې يو تن معاش ونلري؛ نو) نشي کولی خپلې کورنۍ اړتياوې پوره کړي او سوکاله ژوند پر مخ يوسي.

نو له همدې کبله د دې ستونزې د حل لپاره معقوله لاره خو دا ده چې: د امام او مؤذن لپاره بايد يو لږ ټاکلې معاش په پام کې ونیول شي او بڼه داده چې: دا مال او مناسب معاش د بيت المال يا د دولتي بوديچې څخه وټاکل شي. (تر څو پدې کار سره له يو لوري خلک د لمانځه په څېر د يو ستر عبادت له خیر څخه بې برخې؛ او دسيمي خلک بې امامه پاتې نشي او هم له بل لوري زمونږ امام په ټولنه کې عزتمن او باوقاره ژوند ولري)

اوس بله خبره داده چې: که چېرې دا امام يو داسې شخص وي چې خورا بډای او شتمن وي؛ نو

پدې صورت کې غوره داده چې ديو لږ نیکو کارونو په ترسره کولو سره (لکه د امامت او آذان او داسې نورو په سر) له چا څخه باید پیسې وانخلي او چاته د ضرورت لاس ور اوږد نکړي؛ ځکه په اصل کې مال او دولت د ضرورت لپاره غوښتل کیږي؛ نو کله چې ضرورت نه وي، غوښتل یې هم صحیح نه گڼل کیږي.

دلته یوې بلې خبرې ته هم غواړو ستاسې پام راوړو او هغه دا چې: که چیرې دا امام او مؤذن یو داسې څوک وي چې چیرته په یو ځای کې ټاکلې دنده ولري؛ او معاش یې هم دومره حده پوری وي چې ورځینی اړتیاوې پرې پوره کولای شي؛ نو پدې حالت کې ددې امام لپاره غوره داده چې: دامامت او آذان په ترسره کولو سره له هېڅ چا څخه معاش وانخلي.

البته مونږ مخکې هم یادونه وکړه چې د یو کار په مقابل کې مزد او معاش اخستل د انسان د اړتیاو پورې تړلی خبره ده؛ نو هر کله که اړتیا له منځه ولاړه شي، خبره بېرته اصل ته راگرځي چې هغه خبره د عبادت په سره د معاش نه اخستل دي.

دا هغه لنډې څرگندونې وې چې د معاصرو فقهي مسائلو په ترڅ کې د مجلة البحوث رئیس له

مونږ سره شريکي کړي وي، هيله ده چې ستاسې د پام وړ گرځېدلی وي او يو څه گټه مو ورڅخه پورته کړي وي.



آيا د قرآن کریم د ختم دعاء په قولې او فعلي سنتو کې ثابتې ده، يا تنها د يو صحابي عمل ؤ؟

يو قاري صاحب له کابل ښار څخه پوښتنه کړې ده:

آيا د قرآن کریم د ختم دعاء سنت ده يا خیر، لطفا وضاحت راکړئ؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

د قرآن کریم د ختم دعاء او په موجوده شکل د خلکو جمع کول د رسول الله صلی الله علیه وسلم په سنتو کې ثابت نه دي، لیکن د أنس بن مالک رضي الله عنه له فعل څخه چې لس کاله د رسول الله صلی الله علیه خادم ؤ، همدارنگه نیز از فقهاؤ صحابه ؤ څخه ؤ ثابت دي او هغه چې به کله قرآن کریم ختموو خپلوان او دوستان به یې راټولول او د القرآن د ختم دعاء به یې کوله، نو ددې له مخې علماء دا دعاء مستحبه گڼي.



## دراز ماندن ناخنها مخالف فطرت است

یکی از خواهران از ولایت بلخ چنین سوال نموده:

شما در باره گذاشتن ناخن ساختگی نوشتید آیا گذاشتن ناخن اصلی هم چنین حکم دارد، استاد منظور من دراز ماندن ناخن اصلی است بخاطر زینت و فیشن که خانم ها میگذارند؟

و نیز یکی از برادران از ولایت غزنی چنین سوال نموده:

استاد در مورد اینکه خانم ها ناخن هایشانرا (البته منظورم ناخن طبع است نه مصنوعی) میمانند و زیاد طولی میشود شریعت چی حکم میکند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح کم کردن پروتها، گرفتن ناخنها، تراشیدن موی زیر بغل، و موی شرمگاه را از سنتهای فطرت مسلمانان دانسته و مدت زیاد آنرا چهل روز تعیین نموده که باید از این مدت بیشتر نشود: يقول أنس رضي الله عنه: وَقَّتْ لَنَا فِي قِصِّ الشَّارِبِ وَقَلَمِ الظَّفْرِ وَتَفِيفِ الإِبْطِ، وَحَلْقِ العَانَةِ، أَلَّا نَتْرُكَ ذَلِكَ أَكْثَرَ مِنْ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً.

بر مرد وزن واجب است که ناخنهای شانرا از این بیشتر دراز نمانند، و کسانی که از این بیشتر دراز میکنند موی

مانند در حقیقت در مخالفت سنت قرار میگیرند، و حکمت از این سنت این است که نظافت و پاکی مراعات می شود و چرک و نا پاکی در زیر ناخنها جای نمی گیرد که به صحت ضرر دارد در صورت جا گرفتن، و نیز مسلمان از تشبه به غیر مسلمان و حیوانات چنکالدار در امان می ماند.



د آرایش او زینت په خاطر د ساختگی بنو ایبنودل  
حرام دي، اما د تداوي د ضرورت او سوخت د جبران  
لپاره جائز دي

یوې خور له کابل څخه دارنگه پوښتنه کړې  
ده:

د ساختگی بنو ایبنودل په شریعت کې څرنگه  
دي؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

د آرایش او زینت په خاطر د ساختگی بنو  
ایبنودل حرام دي، ځکه په هغه کې د الله تعالی د  
خلقت تغیر دی چې لعنت پرې شوی؛ شریعت منع  
کړي دي او له کبیره گناهونو څخه یې شمیرلي  
دي.

اما تداوي د ضرورت او سوخت د جبران لپاره  
جائز دي ځکه چې د نه درلودو په حالت کې يې د  
انسان شکل بدرنگ بنکاري.



### دخلمالي شوهرش از کار حرام است

يکي از خواهران از شهر کابل سوال نموده:

شوهر است که دخل مالي اش از کار حرام است و آن را  
بالای خانم و اولاد خود مصرف می کند خانم ازین موضوع  
بسیار جگرخون است، با وجود منع کردن خانم شوهر کار  
حلال را جستجو نمی کند و خانمش هیچ چاره دیگر ندارد  
غیر صبر نظر شما چیست؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در این شکی نیست که در شرائط کنونی مادی مردم  
دچار مشکلات گوناگون هستند از جمله کثرت و ازدیاد راه  
های کسب و کار حرام که در بعض اوقات حتی کار و کسب  
حلال را زیر سوال می برد، و متأسفانه بعض مردم زندگی  
و معیشت حلال را ترک نموده و به جمع آوری مال حرام رو  
آورده اند که برای خود و خانواده خود مشکلات زیاد را خلق  
کرده اند، در چنین موارد که کسب و دخل و مفاد شوهر

حرام باشد اعضای فامیلش چی موقف داشته باشند خصوصا خانم او که شریک زندگی اش است، آیا تا به آخر عمر با شخص حرام خور زندگی کند وهمنوائی نماید ویا اینکه طلاق خود را بخواهد، حالا می پردازیم به رهنمائی این خواهر محترمه ما:

۱- خانم اگر مال و نفقه حلال داشته باشد از پول وپیسه وکسب حرام شوهر نخورد و مصرف نکند زیرا خوردن مال حرام با وجود دانستن حلال جواز ندارد.

۲- در صورتی که چاره بجز خوردن نفقه حرام شوهر ندارد برایش جواز دارد که از آن به اندازه ضرورت بخورد واستفاده کند در این صورت شوهر گنهگار می شود و خانم معذور شمرده می شود.

۳- در هر صورت به نصیحت خود ادامه دهد و مأیوس و نا امید نشود.

۴- برای این خانم جواز دارد که از شوهرش طلاق بخواهد زیرا که نصیحت را هم قبول نمی کند و علت ودلیل طلاق خواستن خود همین حرام خوری و کار وکسب حرام او را نوشته کند تا اینکه بعد از طلاق ثواب واجر در نامه اعمالش نوشته شود که حتی بخاطر طاعت وفرمانبرداری الله متعال شوهر خود را هم ترک کرده.

## تبريکی دادن سال نو در شریعت مباح و مشروع است

برادر عزیز و محترم ما نقیب الله از ولایت بلخ چنین سوال نموده:

آیا تبریک گفتن سال نو گناه دارد یا خیر؟ اگر دارد چرا؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اگر کسی سال جدید را برای شما تبریک و تهنئت بگوید شما جواباً برایشان دعاء کنید.

ضمن تبریکی دعای خیر نموده به درازی و برکت در عمر در طاعت الله متعال و نیز برای اخوت و وحدت و محبت در بین مسلمانان، و تبریکی دادن سال جدید در بین مسلمانان که اخوت، محبت و دوستی و همدلی را ازدیاد می بخشد مانع شرعی ندارد یک عادت مباح است و هیچ نص و دلیل شرعی وجود ندارد که منع کرده باشد، و علمای که تبریکی ندادن را بهتر دانسته اند اجتهاد و استنباط شخصی شان است، و به نظر بنده فقیر: "الأصل في الأشياء الإباحة"، اصل در عادات مباح بودن اسن تا اینکه دلیلی برای حرام بودن آن بوده باشد و هیچ دلیل وجود ندارد که از تبریکی منع کند، این امر عادت است نه عبادت.

لیکن هدف اظهار خوشی، و خوش ساختن دوستان بوده باشد، و در تهنیئت و تبریکی باید الفاظ و کلمات و جملات زیبا و ایمانی انتخاب شود، مثلاً: کل عام و أنتم بخیر.

البته تجلیل گرفتن نوروز در شریعت اصل و دلیل ندارد باید بین تبریکی دادن و تجلیل گرفتن فرق شود.



**بہتر است کہ بعد از نماز عید تبریکی دادہ شود نہ قبل از آن**

یکی از داکتران صاحبان علاقمند مسائل شرعی سوال نموده:

استاد پیش از نماز عید مبارکی دادن چه حکم دارد؟ و دلیل به آن؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

بہتر و اولی و افضل این است کہ بعد از نماز عید تبریکی دادہ شود

زیرا صحابہ کرام و تابعین و فقہاء ہمہ بعد از نماز عید تبریکی میدادند و ثابت نیست کہ قبل از نماز عید تبریکی دادہ باشند زیرا کہ عید رسمی بعد از نماز واقع می شود

اما کسانی قبل از نماز عید تبریکی می‌دهند مباح است  
و دلیل بر منع بودن آن نیست، یکی از مسائل مربوط به  
عادات مردم است.



### کسی که آرزوی کار خیر را دارد باید بخاطر تحقق آن دست بکار شود

یکی از جوانان عزیز چنین سوال نموده :

من بسیار آرزوها دارم مگر نمی دانم که از کجا شروع  
کنم چون در ماحولی زندگی ما کنم که مشکلات زیاد دارد  
شما مرا راهنمایی کنید؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

تنها آرزو داشتن در کارهای خیر انسان را به هدف نمی  
رساند تا اینکه اسباب آنرا برابر نسازد و بخاطر تحقق آن  
سعی و تلاش ننماید و عملاً دست بکار نشود.. الله متعال  
کسانی را توفیق نصیب میکند که در ضمن آرزو داشتن  
برای تحقق یافتن آن نیز کار کند، اما اگر تنها به آرزوها  
تکیه بزند در مخالفت شریعت قرار میداشته باشد زیرا  
شریعت مسلمان را از آرزوی بیجا بدون عمل منع کرده  
چون از تقاضای ایمان به قضاء و قدر این است که انسان

بخاطر رسیدن به اهداف خود روی اسباب ووسائل آن کار کند در غیر آن در راه غلط و نادرست روان است، الله متعال این شیوه نا پسند را از اخلاق و روش یهود دانسته که بعضی شان توسط خواندن و نوشتن و علم و دانش حقائق را درک نمی کردند بلکه اعتماد شان بر آرزوهای کاذب و دروغین و قصه انحرافی بود، " ومنهم أمیون لا یعلمون الكتاب إلا أمانی" <sup>۱</sup>.

رسول الله صلی الله علیه وسلم نیز در حدیث صحیح بیان داشته که مسلمان عاقل نفس خود را محاسبه می کند و بخاطر در امان ماندن از عذاب آخرت عمل می نماید، اما انسان غیر عاقل و عاجز مشغول هوا و هوس پرستی می باشد و تنها از الله متعال آرزوهای بیجا میداشته باشد، "الکیس من دان نفسه وعمل لما بعد الموت والعاجز من اتبع نفسه هواها وتمنی علی الله الأمانی" <sup>۲</sup>.

غرق گناه و معصیت و شهوت پرستی است و در عین حال توقع دارد که باید گناهانش بخشیده شود که این خود غفلت و جهالت است که فرصتهای خوب و زیبا را ضایع نموده.. اگر کسی می خواهد که در آب دریا و بحر غرق نشود باید آب بازی را یاد داشته باشد و یا اینکه بر کشتی سوار شود.

<sup>۱</sup> - سوره بقره، آیت: ۷۸.

<sup>۲</sup> - سنن الترمذی، أبواب صفة القيامة والرقائق والورع عن رسول الله صلی الله علیه وسلم، رقم الحدیث: (۲۴۵۹)، (ج ۴، ص ۶۳۸).



## قرعه اندازی بخاطر تعیین نمودن حق مشروع و مباح است

برادر محترم ما دوست محمد از ولایت بلخ نوشته:

سوالی داشتم در مورد حجاج که قرعه کشی می نماید  
آیا قرعه شرعا جواز دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

قرعه کشی شرعا جائز و مشروع است زیرا که بخاطر تعیین نمودن حق راه اندازی میشود، قرعه حلال را حرام نمی سازد، و حرام را حلال. و از زمانه های قدیم رواج داشته مثلا بخاطر کفالت کردن مریم مادر عیسی علیه السلام قرعه اندازی شده بود قسمیکه در قرآن کریم ذکر شده: "ما كنت لديهم إذ يلقون أقلامهم أيهم يكفل مريم"<sup>۱</sup>.

و در حدیث صحیح از رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت است وقتی اراده سفر را میداشت در بین ازواج خود یعنی أمهات المؤمنین قرعه مینداخت که کدام یک را در سفر با خود ببرد و انتخاب نماید و هر یکی که نامش در قرعه اختیار میشد همان ام المؤمنین در سفر رسول الله صلی الله علیه وسلم را همراهی میکرد.

۱- آل عمران : ۴۴.

## آیا اذکار مسنون صبح و شام برای اجر خوانده می شود و یا بخاطر حفاظت نفس انسان؟

این سوالی است که یکی از علاقمندان مسائل دینی مطرح نموده است:

آیا اذکار مسنون صبح و شام برای اجر و عبادت خوانده می شود و یا بخاطر حفاظت نفس انسان؟

اذکار مسنون و مأثور صبح و شام که مصدر اصلی اش قرآن و سنت است در حقیقت پناهگاه مسلمان است در خواندنش بر علاوه از اینکه عبادت الله متعال را انجام میدهد و متابعت و پیروی سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم را میکند سعادت و خوشبختی نیز نصیبش میگردد و آرامش قلبی و اطمینان خاطر شامل حالش می شود، الله متعال او را از آفات و بلاهای زمینی و آسمانی نگهداری و حفاظت میکند زیرا این اذکار و ادعیه پناهگاه مسلمان است.. لیکن باز هم تأکید میشود که مسلمان نیت خود را درست کند و به اخلاص کامل این عمل را بجا بیاورد زیرا رسول الله صلی الله علیه و سلم در حدیث صحیح فرموده است که سرنوشت عبادت انسان را نیت تعیین میکند و در بین عادت و عبادت

نیز فرق مینماید: "إنما الأعمال بالنیات"<sup>۱</sup> و مسلمان نظر به نیت خود در خواندن این اذکار معامله می شود.



### اهمیت انتخاب و گزینش نام نیک برای نوزادان

انتخاب و گزینش نام واسم نیک و زیبا برای نوزادان از جمله سنتهای مؤکد رسول الله صلی الله علیه وسلم است و از حقوق اطفال بر والدینش میباشد که نامهای نیکو دارای معانی درست و صحیح را انتخاب کنند و از انتخاب و گزینش نامهای بی معنی و بی مفهوم و دلخراش خود داری نمایند، رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: شما در روز قیامت به نام های تان و نام های پدران تان فرا خوانده می شوید، پس نام نیکو را برای فرزندان تان انتخاب کنید.

بهترین نامها نزد او تعالی عبد الله و عبدالرحمن است طبق هدایت رسول الله صلی الله علیه وسلم.

ما و شما میدانیم که اسم عنوان مسمی و دلیل بر آن و نشانه ای است که انسان را از غیرش تمیز میدهد و راهی است برای تفاهم با آن و هم آرایش و کمال و رمزی است

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، باب بدء الوحي، کیف كان بدء الوحي إلى رسول الله صلی الله علیه وسلم؟، رقم الحدیث: (۱)، (ج ۱، ص ۶).

که از هویتش نمایندگی میکند و شعاری است که در دنیا و آخرت بدان فراخوانده میشود و برای آن اعتبارها و دلالت های است پس آن نزدشان چون جامه است که اگر کوتاه باشد زشت است و اگر دراز باشد نیز زشت نمایان می شود.

هرگاه کتاب از عنوانش خوانده میشود، مولود و نوزاد به گونه ای است که از نامش عقیده و دیدگاه او شناخته شده و حال پدر و امتش از آن ارزیابی میگردد.

میان اسم و مسمی "صاحب اسم" علاقه و پیوند شگفت و ارتباط محکمی وجود دارد و بسیار اندک است که لقبی یافته شود مگر آنکه تناسب و نزدیکی ای همراه کسی که لقب بدان است، دیده می شود.

این خود موضوعی است که الله متعال آن را به بندگانش الهام نموده و با قدرت خویش آن را اندازه گیری کرده است.

در سخن مردم این نکته شهرت دارد که: لقب ها از آسمان فرومی آید و چه بسا نام زشتی را بر مسمای مناسب با آن می یابی که بر عکس آن نیز مصداق دارد.

ابن القیم رحمه الله می نویسد: «ابوالفتح ابن جنی میگوید: مدتی بر من گذشته نامی را شنیده و معنایش را ندانسته ام و من معنایش را از لفظ آن گرفته پس کشف

کرده ام و دیده ام که آن همان مطلب و یا نزدیک به آن است.

من این مطلب را به شیخ الإسلام ابن تیمیه یاد کردم و گفت: برای من نیز این موضوع بسیار اتفاق می افتد.

در جای دیگری میگوید: «آنکه در سنت بیندیشد معانی ای در نام ها میبیند که بدان ارتباط دارد چنان که گویا معانی آن از خودش برگرفته شده است و گویا نام ها از معانی خود خارج کرده شده است. شما به این فرموده رسول الله صلی الله علیه وسلم تأمل فرمایید که می فرماید: "أسلم سلمها الله، و غفار غفرالله له، و عصیه عصت الله".

قبیله اسلم را خداوند سلامت دارد و غفار را مورد آمرزشش قراردهد و عصیه خداوند را نافرمانی کرده است که نام زشت برای پیامبر صلی الله علیه وسلم بسیار گران می آمد و از آن بسیار بد میبرد، خواه نام کسی میبود یا جایی یا قبیله ای یا غیر آن و ایشان نام های زشت بسیاری را به نام های نیکی عوض کردند که ضد آن بود یا در لفظ به آن نزدیک بود ولی معنایش نیک بود.

ابوداود میگوید: پیامبر صلی الله علیه وسلم نام عاص و عزیز و عتله و شیطان و حکم و غراب و حباب را عوض نمود و شهاب را هشام و حرب (جنگ) را سلم (صلح) و مضطجح

(به پهلو خوابیده) را منبعث (برانگیزنده) نامید و زمینی را که عفره (خشک و بی حاصل) را خضره (سرسبز) و شعب الضالاه (دره گمراهی) را شعب الهدایه (دره هدایت) و بنوالزنیه (فرزندان زنا و حرام) را بنی الرّشده (فرزندان هدایت) نامید.

با توجه به اینکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم تغییر نام زشت را به نام نیک شیوه قانونی داد. از اینرو، بازگشت و انصراف و خود داری از گذاشتن نام زشت در آغاز شایسته تر است.

پس لازم است از نامی که عقل آن را زشت شمرده و روان آدمی از آن نفرت میکند به نامی که آن بهتر و روانها بدان متمایل تر و در نزد مردم کامل تر و زیباتر است بازگشت صورت گیرد از اینرو، از زمره حقوق فرزند بر پدرش این است که برای او نامی که در لفظ و معنایش نیک است انتخاب نماید که در چارچوب شریعت و چهارچوبهای زبان فصیح جای داشته باشد. پس تلاش ورزد که نام آسان و روشن بوده و بر زبان سبک و بر گوش ها شیرین و در معنی نیکو و در محتوا زیبا و با حالت مسمی هم آهنگی داشته و در ضمن نام های مردم شهر و دینش بوده و از آنچه شریعت بر تحریم و کراهیت آن دلالت میکند، بدور باشد.

ماوردی رحمه الله می نویسد: هرگاه کودک زاده شد، از نخستین بزرگواری ها و احسان او بر وی این است که او را به نامی زیبا و نیکو و کینیه لطیف و شریف بیاد آورد؛ زیرا نام نیکو با نخستین شنیدنش، جایگاه خاصی در نفوس و روانها دارد.

همچنان مروزی رحمه الله از عبد الله بن المبارک روایت نموده که فرمود: سفیان ثوری می گفت: حق فرزند بر پدر این است که: نامش را نیکو گذارد و چون بالغ شد برایش همسر گیرد و اینکه ادبش را نیکو نماید.

در انتخاب و گزینش نامها موارد ذیل مراعات شود:

۱- نام طفل بنامهای که بندگی غیر الله متعال را افاده کند گذاشته نشود حتی بنده پیامبر و یا ملائکه نباشد مثلا عبدالنبی، عبد الرسول، عبدالمحمد، عبدالأمیر.. اگر این چنین نامها باشد باید فوراً تغییر داده شود و بنامهای شرعی و درست مبدل گردد.

۲- به نامهای خاص الله متعال بدون اضافه کردن کلمه عبد نیز نامگذاری نشود مثل رازق، خالق، رب، رحمن، ونیز ملک الملوک، قاهر.. لیکن عبد الرحمن، عبدالقاهر، عبد الرازق، عبد الخالق، عبد الرب، درست است.

۳- به نامهای غیر مسلمانان نیز نام گذاری نشود مثل عبدالمسیح، بطرس، دیفید، جرجس.

۴- به نامهای بودا ویا شیطانها هم نامگذاری حرام است.

۵- نیز نام گذاری به نامهای رقاصه ها وخوانندگان موسیقار مکروه است.

۶- بنامهای که معانی واوصاف بد را افاده کند نیز نام گذاری جواز ندارد مثل : دزد، ظالم، فرعون، قارون، هامان.

۷- نام گذاری به نامهای حیوانات نیز جواز ندارد.

۸- نیز نام گذاری که به دین اسلام اضافه شود مکروه است مثل : نور الدین، شمس الدین، نورالإسلام، شمس الإسلام.

۹- نام گذاری به نامهای سوره های قرآن کریم نیز مکروه است مثل طه، یس . زیرا حروف مقطعات است ومعنایش معلوم نیست.

۱۰- نام گذاری به نامهای ملائکه نیز مکروه است.



درجات نامهای زیبا ومشروع :

الف: عبد الله، عبد الرحمن، این نامها بهترین ومحبوب ترین نامها نزد الله متعال است ودر حدیث صحیح ثابت است.

ب- نامهای که افاده بندگی وعبودیت الله متعال را کند مثل: عبدالعزیز، عبد الرحیم، عبدالملک، عبدالإله، عبدالسلام، عبد الکبیر.

ج - نامهای پیامبران مثل محمد، یعقوب، ابراهیم، عیسی، موسی، نوح نامهای زیبا وخوب است.

د - نامهای بندگان صالح الله متعال وصحابه کرام که بعد از مشرف شدن به اسلام نام گذاری شده اند ویا اینکه قبلا نام داشتند ومعانی زیبا وخوب داشته مثل عمر، زید، خالد، ابوبکر، عباس.

ه- هر نامی که معنای خوب داشته باشد ودر مخالفت با رهنمودهای دین مبین اسلام قرار نداشته باشد.



## آیا تلاوت قرآن کریم از موبایل در مقایسه تلاوت از مصحف ثواب کمتر دارد

یکی از خواهران دینی ما چنین سوال را مطرح نموده:

من مشغول تلاوت قرآن کریم از موبایل بودم که یکی از همکارانم به من گفت که یک ملا گفته که تلاوت از موبایل از تلاوت مصحف اجر و ثواب کمتر دارد.. بهتر است که قرآن کریم در موبایل ثبت نشود... آیا این گفته آنها درست است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

نظریه همکار شما و آن ملا صاحب که در این مورد نظر داده درست نیست.. اصلاً قرآن کریم در زمانه رسول الله صلی الله علیه وسلم و یارانش صحابه کرام در لوحات از استخوان و پوستهای درخت و غیره و سائل آن زمان و بدون ترتیب نوشته شده بود و همه صحابه رضی الله عنهم آنرا به همان شکل و شیوه تلاوت میکردند و رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "مَنْ قَرَأَ حَرْفًا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ، فَلَهُ بِهِ حَسَنَةٌ، وَالْحَسَنَةُ بِعَشْرِ أَمْثَالِهَا، لَا أَقُولُ الْم حَرْفٌ، وَلَكِنْ أَلِفٌ حَرْفٌ، وَلَا مٌ حَرْفٌ، وَمِيمٌ حَرْفٌ"، هر مسلمانی که قرآن کریم را تلاوت کند الله متعال در خواندن هر حرف برایش اجر و پاداش نوشته میکند، و نیکی به ده برابر حساب

می شود برایش ومن نمی گویم که الم یک حرف است بلکه الف یک حرف است لام حرف دیگری ومیم حرف دیگری.. واین اجر شامل کسانی بود که قرآن کریم را از همان وسائل زمانه خود تلاوت میکردند وحالا شامل کسانی میشود که از روی وسائل عصر وزمان ووقت خود تلاوت میکنند چی از روی مصحف ویا از موبایل ها وکمپیوترها.

تلاوت قرآن کریم از روی موبایل جائز است مثلیکه در زمانه رسول الله صلی الله علیه وسلم وصحابه از روی وسائل دست داشته شان تلاوت میکردند وجایز بود..بلکه در بعض شرائط واوقات تلاوت از موبایل آسانتر است خصوصا در سفر ودر راه وموتر ودفتر ودر جاهای که انسان در انتظار اجرای کار خود میباشد، زیرا که مصحف در هر جا برده نمی شود وبارها انسان با وضوء هم نمی باشد در حالیکه در تلاوت موبایل وضوء داشتن شرط نیست.

لیکن باید این را در نظر داشته باشیم که تلاوت وخواندن قرآن کریم را از روی مصحف کاملا ترک نکنیم وباید برایش اهمیت خاص قائل باشیم وآنرا نیز یک عبادت اساسی بدانیم وبعض اوقات در خانه ومسجد به آن رجوع کنیم خصوصا در حضور خانواده وفامیل واطفال تا اینکه با قرآن کریم آشنایی کامل داشته باشند وبدانند که قرآن کریم کتاب الله متعال است که بر مسلمانان نازل شده .

## حکم آغاز کنفرانسها و مجالس با تلاوت چند آیه از قرآن کریم

یکی از علاقمندان مسائل دینی سوالی را مطرح کرده که اکثرا کنفرانسها و مجالس و محافل رسمی و غیر رسمی با تلاوت چند آیت از قرآن کریم آغاز می شود آیا این کار اصل و دلیل شرعی دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

تلاوت قرآن کریم مطلقا مستحب است و مقید به زمان و مکان نیست مسلمان می تواند که آنرا در بخشهای از شب و هنگام روز تلاوت کند، الله متعال فرموده است: "فاقرأوا ما تيسر من القرآن"<sup>۱</sup> بخوانید به اندازه که می توانید و شامل اجر و ثواب می شوین.. واگر آغاز مجالس و محافل با تلاوت آیاتی چند از کلام الله مجید در همین سیاق و از باب تبرک باشد که محفل با ذکر او تعالی آغاز و افتتاح گردد باکی ندارد و در آن مانع و حرج شرعی نیست.. لیکن این تلاوت بخاطر تبرک باشد و به این اعتقاد نباشد که این کار سنت است زیرا که از رسول الله صلی الله علیه وسلم و صحابه کرام ثابت نیست...میشود بعض وقت با تلاوت آغاز شود و بعض اوقات ترک گردد که مردم فکر نکنند که این کار سنت است و عادت دایمی شان نگردد.

<sup>۱</sup> - سورة المزمل: ۲۰.

## کار و وظیفه خانمها اگر به قیمت دین تمام شود حرام است

یکی از خواهران از شهر کابل نوشته:

برای من در یک دفتر وظیفه پیدا شده در آن دفتر  
برایم گفته که باید حجاب نکنم لباس شیک پوشیده و سر  
وضع مناسب من حالا حیران مانده ام که به این وظیفه بروم  
یا نه مجبور بروم نمی فهمم که گناه دارد یا خیر..؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

خانمها حق دارند که طبیعت کاری شان را انتخاب  
کنند لیکن بدور از اختلاط و آمیزش با نامحرمان و حق کار  
و وظیفه را دارند لیکن با حجاب و در محیط بدور از  
نظر مردان نامحرم و تحت شرایط خاص که با تکوین جسمی  
و وضعیت اجتماعی آنها سازگار باشد، بدون شک آنها نصف  
جامعه را تشکیل میدهند.. و کمترین حق خانمها این است  
که در بخشهای کار کنند که خدمت خواهران و خانمان شود  
و آنها را از اختلاط با محرمان نجات دهند خصوصا در  
بخشهای تعلیم و طبابت و صحت عامه و از مصلحتهای دینی  
و دنیائی خواهران دفاع کنند .

فراموش نکنیم که در طول تاریخ از زمانه رسول الله  
صلی الله علیه وسلم و سلم زنها در پیشرفت دینی و دنیائی  
جامعه نقش فعال و سازنده داشتند حتی زخمی های جنگها

وغزوات مسلمانان را تداوی و معالجه می نمودند و برای مجاهدین آب و نان میرسانیدند و در در بیعت و رأی دهی، تعلیم و تربیه، طبابت و تجارت شریک بودند.. الله متعال برای شان حق تکسب و کار و تجارت و ملکیت مال نیز داده و فرموده است: " للرجال نصيب مما اكتسبوا و للنساء نصيب مما اكتسبن " <sup>۱</sup> برای مردها نصیب شان است از آنچه که کسب کردند و برای زنان نیز نصیب شان است از آنچه که کسب کردند و در نتیجه سعی و تلاش حلال بدست آوردند. این نص قرآنی واضح و صریح و آشکار است که کار زنها و خانمان مساحت بسیار بزرگ را در برمیگیرد تا اینکه در اصل کار مشکل شرعی نباشد و خود همین کار حرام نباشد. در حدیث صحیح که امام بخاری روایت کرده صحابیه الربیع بنت معوذ فرموده: " کنا نغزو مع النبي صلى الله عليه و سلم فنسقي القوم و نخدمهم، و نردّ القتلى و الجرحى إلى المدينة " <sup>۲</sup> ما خانمان در زمانه رسول الله صلى الله عليه و سلم در جنگ و غزوات میرفتیم و اشتراک میکردیم و برای صحابه آب میدادیم و خدمت شان را میکردیم و شهیدان و زخمیها را به طرف مدینه نقل میدادیم.

<sup>۱</sup> - سورة النساء: ۳۲.

<sup>۲</sup> - صحیح البخاری، کتاب الطب، باب: هل یداوي الرجل المرأة أو المرأة الرجل، رقم الحدیث: (۵۶۷۹)، (ج ۷، ص ۱۲۲).

وأم عطية الأنصارية می فرماید در حدیث صحیح امام مسلم: "غزوت مع رسول الله صلى الله عليه و سلم سبع غزوات أخلفهم في رحالهم ، فأصنع لهم الطعام ، وأداوي الجرحى، وأقوم على المرضى"<sup>۱</sup> در هفت غزوه با رسول الله صلى الله عليه وسلم همراه بودم ودر آخر قافله میبودم وبرایشان نان آماده می ساختم وزخمیها را تداوی میکردم ومریضان را خبر گیری می نمودم.

آیا این کارها آسان بوده، برداشتن زخمیها، تداوی مریضان، نان توزیع کردن در سنگرها ..البته خلوت واقع نمی شد..در شریعت خلوت مرد وزن نامحرم حرام است .. اما تعاملات عادی جواز داشت در صورت با حجاب بودن زن والتزام داشتن به حجاب شرعی.

حتی خانمها در دهقانی وکشت وزراعت وچوبانی سهیم بودند از سعید بن معاذ رضی الله عنه روایت کرده: " أن جاریة لكعب بن مالك كانت ترعى غنماً بسلع - جبل بالمدينة - فأصيبت شاة منها ، فأدرکتها فذبحتها بحجر ، فسئل النبي صلى الله عليه وسلم ، فقال: "كلوها"<sup>۲</sup> خانمی از خانه کعب بن

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، کتاب الجهاد والسير، باب النساء الغازیات یرضخ لهن ولا یسهمن، والنهی عن قتل صبیان أهل الحرب، رقم الحدیث: (۱۸۱۲)، (ج ۳، ص ۱۴۴۷).

<sup>۲</sup> - صحیح البخاری، کتاب الذبائح والصيد، باب ذبیحة المرأة والأمة، رقم الحدیث: (۵۵۰۵)، (ج ۷، ص ۹۲).

مالک در مدینه گوسفندان را به چراگاهها کوه مدینه میبرد وگوسفندی آسیب دید واین خانم آنرا باسنگ ذبح کرد واز رسول الله صلی الله علیه وسلم سوال نمودند ایشان فرمودند که بخورید .

از صحابی جلیل القدر جابر بن عبد الله رضی الله عنه روایت شده که فرمود " طلقت خالتي فأرادت أن تجدّ نخلها - أي تقطف ثمارها - ، و هي في العدة ، فزجرها رجل أن تخرج ، فأنت النبي صلى الله عليه وسلم ، فقال : بلى جدّي نخلك فإنك عسى أن تصدقي أو تفعلي معروفاً " <sup>۱</sup> خاله من طلاق شده بود می خواست که درختان باغ خرماى خود را شاخبرى کند وکسانی او را منع کردند که باید در عدت طلاق از خانه خارج نشود ..به نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و سوال نمود ایشان فرمودند که دهقانی و شاخبرى درختان خرما را ادامه بده و شاید در این کار عمل خیرى بدست شما انجام شود که صدقه بدهی و یا کار نیک و خوب کنی.

خوب زنان، درس می خواندند، تعلیم میدادند، تألیف داشتند، تجارت می نمودند، در میدانهای جنگ میرفتند وکشت و رزاعت بخش از زندگی شانرا تشکیل میداد..وهمه

---

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، کتاب الطلاق، باب جواز خروج المعتدة البائن، والمتوفى عنها زوجها في النهار لحاجتها، رقم الحديث: (۱۴۸۳)، (ج ۲، ص ۱۱۲۱).



کارهای که با فطرت شان مخالف نمی بود در آن نقش داشتند.

این همه این کارها به شرط جائز و مشروع است که دور از اختلاط و آمیزش با مردها نا محرم باشد.. و حجاب شرعی و لباس با ستر مراعات شود.

ضرورت کاری خانمان اکثرا در این بخشها بیشتر دیده می شود:

۱- نشر تعلیمات دینی در بین خانمها که من حیث مبلغ و داعیه وارد میدان کار و وظیفه شوند.

۲- معلمی و تعلیم و تربیه خواهران در همه مراحل درسی رسمی و خصوصی.

۳- طبابت و تداوی و علاج و معالجه خواهران و زنان و طبقه اناث.

لیکن بشرطیکه زندگی خانوادگی شان در نتیجه کار و وظیفه از هم باشیده نشود به این معنی که شوهر و اطفال خود را ضایع نکنند بخاطر کار و وظیفه.

و اجازه شوهر و بزرگ خانواده خود را داشته باشد.

و بیاد داشته باشند که کار و وظیفه که سبب زیر سوال بردن حیاء، عفت، آبرو، دین و ایمان خانمها گردد و با مردان نامحرم آمیزش داشته باشد و خلوت واقع شود و سبب مفاسد اخلاقی و اجتماعی در جامعه گردد قطعاً حرام است و معاش و کسب آن نیز حرام شمرده میشود.

نیز در وقت بر آمدن از خانه حجاب شرعی را مراعات نموده و از آرایش و به تن کردن لباسهای که جلب توجه کند خود داری نماید.

اما کار و وظیفه خانمها اگر از اصول خارج شود و تخطی نماید قسمی که در سوال خواهر سوال کننده از کابل ذکر شده در حقیقت پامال کردن حقوق زنان متدین افغان است و بخش از تهاجم فرهنگی و فکری بیگانگان و تقلید کور کورانه غیر مسلمانان پنداشته می شود به این معنی که در این حالت تلاشهای در جریان است که سبب گمراهی خواهران مسلمان ما شود و آنان نیز وسیله کشانیدن جامعه به بیراهه باشند زیرا که در طول تاریخ دشمنان تلاش نموده اند که جوامع اسلامی با حیاء را بوسیله تشویق نمودن بی حجابی فاسد سازند.

بی حیائی و بی حیایی و اختلاط زن و مرد نامحرم در دفاتر دولتی و خصوصی از ارگ ریاست جمهوری شروع تا به دفاتر کوچک برزگترین خطر و چالشی است که بعد از جنگ کشور ما را تهدید میکند و یکی از حربه های اساسی و محوری دشمن است که فعلا روی آن کار روان است و انسانهای فروخته شده و بی ضمیر و دون همت از خواهران مسلمان و متدین ما می خواهند که حجاب را دور کنند و بشکل برهنه شانه به شانه با آنها کار کنند و جامعه ما را بشوی فحاشی و جاهلیت سوق دهند.

همین سوال خواهر ما از شهر کابل منعکس کننده واقع ناگواری از ترویج بی حیایی و فحشاء و تهاجم فرهنگی خطرناک بر دین و عقیده و حیاء و عفت خواهران ما است که سکوت کردن در برابر آن نیز جرم و گناه پنداشته می شود و باید یک حرکت قوی و منظم علماء، دانشمندان و جوانان و عامه مردم متدین اعم از برادران و خواهران در جهت تغییر این وضع براه انداخته شود تا اینکه حکومت افغانستان وسیله بی دینی و بی حیایی ملت ما نشود و در این راستا اقدامات جدی را روی دست گیرد.

افراد و اشخاص بدبخت و دون همت که در صدد براه انداختن بی حیایی و فحشاء در جامعه متدین ما است باید بدانند.

که هیچ گاه نمی توانند به اهداف پلید و شیطانی خود برسند زیرا سبیل و موج بیداری اسلامی جوانان ما به اندازه کافی است که این مکروبها توانایی رویارویی با آنها را ندارند و خوار و ذلیل و روسیا و سرافکنده زیر پای ملت می شوند.



### شروط شرعی نگهداری و فارم داری زنبور عسل

برادر محترم ما محمد ابراهیم باور از دره غوربند ولایت پروان چنین سوال نموده:

جناب استاد مهربان اشخاصیکه زنبور عسل نگهداری میکنند واز نباتات سرزمین دیگران تغذیه میشود بعدا عسل را میفروشند ویا خود از آن میخورند شرعا چه حکم خواهد داشت ؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

هر کار و کسب اگر سبب آزار و اذیت رسانیدن به همسایه ها و اهل قریه و تلف شدن کشت و زراعت آنها شود حرام شمرده می شود کسب و مفاد آن نیز در این حالت حرام بنداشته می شود.. شریعت اسلامی ضرر رسانیدن را به مردم بزبان رسول الله صلی الله علیه سلم حرام گردانیده و فرموده است: " لا ضرر ولا ضرار " شریعت نه به کسی اجازه

میدهد که ضرر را متقبل شود و نه هم به کسی دیگری ضرر برساند، کسی که زنبول عسل نگهداری میکند باید مصلحت همه را در نظر داشته باشد.

مسلمان کاری نکند که در نتیجه آن اشخاص و افراد دیگر متضرر شوند بلکه کار و کسب خود را طوری عیار و آماده سازد که سبب خساره مند شدن دیگران نشود.

نگهداری زنبور اگر سبب آزار و اذیت رسانیدن به همسایه ها شود، کشت و زراعت شان تلف شود و یا اینکه در نتیجه بالاشدن در بام خانه بخاطر زنبور همسایه ها آزار ببینند و خانه های شان معلوم شود خانه های افغانستان قسمی طراحی شده که از بامهای همسایه داخل و حویلی همسایه ها معلوم میشود که این کار در شریعت حرام است و جواز ندارد و مسلمان باید سبب آزار دادن و ضرر رسانیدن به هیچ مسلمان نشود و حق همسایه بیشتر است. هر مسلمان که از بام خانه همسایه خود را به نظر بد ببیند در حقیقت بی مروت شمرده می شود و ایمانش ضعیف است.

اما اگر تنها زنبور عسل را در فارم، و داخل حویلی واحاطه باغ، خانه و کشت زارهای خود نگهداری و تربیه کند یا در محل آزاد مثل کوهها و دره های عمومی باکی ندارد و کار و تجارت حلال و مباح میباشد.

## شکنجه نمودن اطفال و افراد خانواده بخش از تربیه اسلامی نیست

یکی از خواهران از شهر کابل نوشته که پدرش برادرش را که فعلا چهارده ساله است روزانه لت و کوب می نماید که حالا بزدن بلد شده و حرف کسی را نمیشنود.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

زدن و شکنجه، ضرب و شتم و آزار و اذیت رسانیدن به افراد خانواده روش غیر اسلامی و غیر اخلاقی و غیر انسانی است که در شریعت اسلامی حرام پنداشته می شود زیرا دین مبین اسلام دین رحمت است که به روش نیکو امر نموده است.



### حقوق والدین و فرزندان

یکی از خواهران از شهر کابل در مورد حقوق پدر و مادر سوال نموده:

حقوق آنها در چهار موضوع خلاصه می شود:

۱- احسان و نیکی به والدین (پدر و مادر)

۲- انفاق و مصرف بر والدین

۳- فرمانبرداری از والدین

۴- دعا برای والدین

از جمله حقوق فرزندان عبارتند از:

حقوق فرزندان بشکل مختصر در شش مورد خلاصه می شود:

۱- برگزیدن زن صالح و شایسته

۲- انتخاب نام نیک

۳- عقیقه

۴- نفقه و خرج بر فرزندان

۵- تربیت فرزندان

۶- عدالت میان فرزندان



## برگزاری محافل موسیقی بخش از ثقافت ملت ما نیست

برادر محترم ما سید امیر حماس از ولایت پروان سوال

نموده:

آیا این درست است که موسیقی و محافل آن کار خوب و حلال است و بخش از فرهنگ مردم است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

موسیقی حرام است، واگر بصدای زن باشد و بخاطر آن محافل مختلط زن و مرد برگزار گردد حرام بودنش بیشتر است. واگر مشتمل الفاظ و کلمات شرکی و ناروا باشد حرام بودنش چند چند میشود مثلکيه در محفل موسیقی بامیان انجام شد.

موسیقی بیت خواندن و آهنگ که در آن از آلات موسیقی استفاده شود به دلیل قرآن کریم، سنت پیامبر اسلام و اتفاق فقهاء و علمای اسلام حرام است.

الله متعال قرآن کریم فرموده است: "وَأَسْتَفْزِرُ مَنِ اسْتَطَعَتْ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبُ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِدَّتِهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا"<sup>۱</sup>.

<sup>۱</sup> - سورة الإسراء: ۶۴.



بترسان و خوار گردان با ندای - دعوت به معصیت و وسوسه - خود هرکسی از ایشان را که توانستی ، و لشکر سواره و پیاده خود را بر سرشان بشوران و بتازان - و همه تلاش خویش را برای شکست دادن و گول زدن ایشان به کار گیر - و در اموال آنان - با تشویق و تحریکشان برای کسب آن از حرام و صرف آن در حرام - و در اولاد ایشان - با گول زدن اولیاء و رهنمود فرزندانشان به کفر و فساد در پرتو تربیت نادرستشان - شرکت جوی ، و آنان را - به نبودن حساب و کتاب و بهشت و دوزخ ، یا به شفاعت خدایان و بتان و بزرگواری خاندان و غیره - وعده بده ، و وعده شیطان به مردمان جز نیرنگ نیست.

ترجمان القرآن حضرت عبد الله بن عباس رضی الله عنه این آیت را به موسیقی تفسیر کرده و زیرا که الله متعال در این آیت بیان فرموده که موسیقی یکی از شیوه های است که شیطان برای اغوا امت و تسلط بر اولاد آدم از آن استفاده میکند و آنها را گمراه میسازد.

نیز او تعالی از برگزاری محافل لهو و بیهوده تحذیر نموده و فرموده است: "وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا"<sup>۱</sup>.

<sup>۱</sup> - سورة الفرقان: ۷۲.

و مؤمنان راستین کسانی هستند که بر باطل گواهی نمی دهند و در این محافل بیهوده حاضر نمی شوند، و هنگامی که کارهای یاوه و سخنان پوچی را ببینند و بشنوند، بزرگوارانه از شرکت در بیهوده کاری و یاوه سرائی کناره گیری می کنند و از آنها می گذرند، بلکه آنها منع میکنند و حکم الله متعال و رهنمودهای رسول او تعالی را نیز برای شان بیان میکنند.

فقهاء کلمه " الزور " را به مفهوم موسیقی معنی کرده اند زیرا که الله متعال از اوصاف مؤمنان عدم توجه و دخول به لغو و زور (مجالس موسیقی و منکرات) خوانده بیان میدارد که مشغول شدن به این همه از اوصاف مومنان نیست. واضح است عمل که باید شخص مؤمن و مسلمان از آن اجتناب کند حرام است و در نامشروع بودنش کسی شک کرده نمی تواند و آن هم در سرزمین اسلامی در کشور عزیز ما.

نیز الله متعال حرام بودن موسیقی را در این آیت تأکید نموده و فرموده است: *وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ*<sup>۱</sup>.

در میان مردم کسانی هستند که خریدار سخنان پوچ و یاوه اند تا با چنین سخنانی بندگان او تعالی را جاهلانیه از

۱- سورة لقمان: ۶.

راه حق منحرف و سرگشته سازند و آن را مسخره کنند .  
آنان عذاب خوار و رسوا کننده ای دارند.

جمهور مفسرین از " لهو الحدیث " در این آیه کریمه  
تعبیر به موسیقی کرده اند.

بدلیل اینکه الله متعال بیان نموده که بعضی از مردم  
"لهو الحدیث" یعنی موسیقی را برای گمراهی مردم  
میخرند، و اگر موسیقی سبب از اسباب گمراهی مردم باشد  
پس در حرام بودن آن هیچ شک نیست.

در حدیث صحیح رسول الله صلی الله علیه وسلم از  
شنیدن و ترویج و نشر موسیقی تحذیر نموده و فرموده است:  
"لیکونن من امتی اقوام یستحلون الحر، و الحریر، و الخمر، و  
المعازف"<sup>۱</sup>.

در میان امت من افراد پیدا خواهند شد که زنا، ابریشم،  
شراب، و آلات موسیقی را حلال میدانند.

یعنی موسیقی حلال نبوده و مردم آنرا حلال  
میگردانند.

---

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب الأشربة، باب ما جاء فیمن یستحل الخمر ویسمیه بغیر  
اسمه، رقم الحدیث: (۵۵۹۰)، (ج ۷، ص ۱۰۶).

امام ابو حنیفه رحمه الله موسیقی را مکروه تحریمی دانسته که گناه کبیره است.

هنگامیکه از امام مالک رحمه الله در مورد موسیقی سوال نمودند فرمود: "آیا عاقلی هم وجود دارد که موسیقی را حق بدانند؟ این عمل را نزد ما فاسقان انجام میدهند."

امام شافعی رحمه الله به صراحت موسیقی را حرام دانسته.

امام احمد بن حنبل رحمه الله فرموده است که: "موسیقی نفاق را در قلب میرویانند و من آنرا دوست ندارم".

موسیقی قطعاً بخش از دین و فرهنگ سرزمین اسلامی و ملت متدین ما را تشکیل نمی دهد بلکه یکی از وسائل مهم تهاجم فرهنگی بیگانه است که ضربه اخلاقی را در جهت ترویج و نشر بی حیایی بر مردم ما وارد میکند و تلاش شیطانی است در جهت از میان برداشتن حیا و عفت و کشانیدن جوانان به بیراهه و گمراهی .



## تلف کردن حق خانمها بخاطر والدین و توجه نکردن به والدین بخاطر زن نیز گناه است

یک خواهر محترمه ما از علاقمندان مسائل دینی چنین

نوشته:

استاد محترم بازهم خواهرتان مزاحم شما شد.

خوشو و خسرهم همیشه با ما جنگ و دعوا میکنند بی علت اگر کار میکنم میگویند نمیکنی اصلا مرا خوش ندارند میگویند تورا خیال سگ هم نمیکنیم اما شوهرم از من راضی است میترسم که او را از من جدا نکنند.

بنظر شما چی کارکنم اگر بخوام یک چیزی پخته کنم قلف است همه چیز من به شوهر خود میگویم خرچ ماجدا کن که بی منت نان بخورم شوهرم میگوید معاشم چهارهزار است نمیشود رایش میگویم من گذاره میکنم اما به نظر شما چی کارکنم جدا کنم خرچ خود را؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

تلف کردن حق خانمها بخاطر پدر و مادر هم گناه است و توجه نکردن به والدین بخاطر زن نیز گناه است، شریعت اسلامی حقوق خانمها را نشاندهی نموده در عین حال حقوق والدین را نیز تعیین کرده و شوهر باید که به هر کسی

حق مشروعش را برساند رسول الله صلى الله عليه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "أعط كل ذي حق حقه"<sup>۱</sup> حق کسی از حقداران را بده ، و مسأله را به این نرساند کدام یکی بر حقوق دیگران تجاوز کند.

در این حالت که ذکر شد بر شوهر فرض است که به خانمش زندگی جداگانه مهیا سازد و خرج و مصارفش را بدهد این فرض است و حق مسلم خانمش است ، رزق و روزی خانم را بدست دیگران ندهد که حتی در زندگی عادی روز مره محتاج کسی باشد که همه اشیای مورد ضرورت او را قفل کند این یکی از شیوه های جاهلی است.



### محافظت، استفاده مثبت، حسن اداره و تنظیم آبهای کشور فریضه ملی همه افغانها است

ما و شما میدانیم که الله متعال اهمیت آب را در بسیاری از آیات قرآن کریم بیان نموده و آنرا از مهمترین منابع زندگی و بقای انسانها در روی زمین دانسته و فرموده است: " وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ"<sup>۲</sup>،

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب الصوم، باب من أقسم على أخيه ليفطر في التطوع، ولم ير عليه قضاء إذا كان أوفق له، رقم الحديث: (۱۹۸۶)، (ج ۳، ص ۳۸).

<sup>۲</sup> - سورة البقرة: ۲۲.

او تعالی از آسمان آبرا نازل نموده و توسط آن از درختان و سبزه گیاه و میوه جات و کشت و خوراک مورد نیاز بشریت و حیوانات که در خدمت آنها قرار دارد رویانیده و خلق نموده..واین آب را سبب زندگی، بقاء و حیات همه مخلوقات گردانیده و فرموده است: "وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ" <sup>۱</sup>.

واگر همین نعمت برزگ الهی که عبارت از آب است در روی زمین نباشد زنده جانها بشمول انسانها که زندگی شان متوقف بر نوشیدن آب است نیز محو و نابود می گردد و اصلا وجود نمی داشته باشند حتی تنفس آکسیجن که یک نیاز اساسی زنده جان ها و انسان است نیز مربوط به آب می شود که اساسا از آب تولید میگردد ، الله متعال این مطلب را در قرآن کریم تأکید نموده و فرموده است: "قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ" <sup>۲</sup>.

ای محمد بگو به مشرکین که نعمات الهی را کفران میکنند اگر آب تان خشک شود و در دست رس قرار نداشته باشد پس کی برای شما آب آشامیدنی و مورد استفاده را می آورد..هرگز کسی نمی تواند به غیر از الله متعال خالق همه مخلوقات.

<sup>۱</sup> - سورة الأنبياء: ۳۰.

<sup>۲</sup> - سورة الملك: ۳۰.

رسول الله صلى الله عليه در احاديث صحيح اهميت آب را بيان نموده و آنرا نعمت الهی دانسته و بر محافظت از آن و استفاده بجا تأکید نموده و از اسراف در آب تحذير کرده و نيز تشويق نموده که کسی حاجتمند به آب را از اين نعمت محروم نسازد و فرموده است: " ثلاثة لا يكلمهم الله يوم القيامة: رجل منع ابن السبيل فضل ماء عنده <sup>۱</sup> با سه نفر الله متعال در روز قيامت حرف نمی زند و از بهشتی بودن محروم هساند و از جمله آنان کسی است که مسافر را از استفاده و نوشیدن آب منع کرده.

از اينکه آب اهميت ویژه و حیاتی در زندگی انسان دارد سلف اين امت نيز بر نگهداری و محافظت و استفاده مشروع و ایجابی که در آن اسراف نباشد تأکید نموده اند و در کتابهای فقه اسلامی آداب و احکام آب را به قيد تحریر در آورده اند و تأکید بیشتر شان بر نگهداری و محافظت منابع آبی بوده، و نوشته اند که مردم در آب های عمومی باهم شریک هستند که در حدیث صحيح ثابت است: "الناس شركاء في ثلاث في الماء والكلأ والنار" <sup>۲</sup> مردم در سه چیز باهم شریک هستند در آب، علف و چراگاهها، و آتش.. شریعت

<sup>۱</sup> - صحيح البخاري، كتاب الأحكام، باب من بايع رجلا لا يبايعه إلا للدنيا، رقم الحديث: (۷۲۱۲)، (ج ۹، ص ۷۹).

<sup>۲</sup> - مسند الحارث = بغية الباحث عن زوائد مسند الحارث، كتاب البيوع، باب: الناس شركاء في ثلاث، رقم الحديث: (۴۴۹)، (ج ۱، ص ۵۰۸).



تشویق نموده که این شراکت سبب همکاری آنها باشد نه سبب جنگ وجدال و نزاع و باید در این مورد از ایشار و قربانی کار بگیرند.

اما آبهای که در زمین و سرزمین شخصی انسانها باشد در ملیت آنها قرار دارد در این حالت برای آنها مباح و مشروع است که تحت تصرف کامل آنها باشد و از آن استفاده نمایند و بفروش برسانند و کسانی دیگری حق استفاده و تصرف را بدون اجازه مالکین اصلی ندارند و در این حالت آب از دیدگاه شریعت حیثیت معادن را بخود میگیرد همان قسمیکه بعض کشورها چاههای بتروول دارد و به کشورهای همسایه اش بفروش میرساند کشور ما نیز حق دارد که به آنها آب را بفروش برساند، همچنان کشورهای همسایه ای که حق استفاده از راه های ترانزیتی را در مقابل امتیاز طلبی ها سیاسی و اقتصادی بر کشور ما روا میدارند حکومت و ملت ما نیز حق دارد که حق استفاده مجانی از آبهای ما را به آنها روا ندارد .

به این معنی که آب کشور عزیز ما حیثیت ملکیت خاص ملت ما را دارد و استثنا نیست، حق مردم و ملت ما است که آنرا تنظیم و اداره درست نمایند، اسراف نکنند و از آن محافظت کنند و منحیث یک منبع اقتصادی مهم برای کشورهای همسایه بفروش برسانند.

وحسن اداره واستفاده بجا وایجابی از منابع آبی در اعمار، کشت، زراعت، ساختن بندهای بزرگ بخاطر ترقی وپیشرفت کشور ومحافظت از آن یکی از اولویاتهای حکومت شمرده می شود وهر نوع سهل انگاری وتفریط در استفاده نکردن از این منابع آبی در پیشرفت وترقی کشور، ویا سپردن آن به کشورهای همسایه بلا عوض وبصورت مجانی گناه بزرگ تلقی میگردد ومسئولیت بزرگ متوجه حکومت می شود که این عمل سبب ذلت وبربادی وفق مردم می گردد وقابل قبول نیست.

قوانین بین المللی نیز در این موارد وضاحت دارد که خود کشورهای دارنده منابع آبی حق اولیت استفاده را از آبهای خود دارند وآب های اضافه از ضرورتندی خود را می توانند که در بدل امتیازات دیگر به کشورهای همسایه خود بدهند مثلیکه فعلا مشکل بند آبی بزرگ " سد النهضة" ایتوپیا با مصر جریان دارد وکشور مصر حاضر است در مقابل استفاده از آبهای که از کشور های افریقایی در آن سرازیرمیشود خصوصا ایتوپیا امتیازات قابل ملاحظه ای قائل شود، واین فرصت خوب است برای کشور ما نیز که در بدل استفاده کشورهای همسایه از آبهای ما که به این کشورها سرازیر میشود امتیازات اقتصادی وسیاسی فراوان بطلبد..وآب از پترول ونفط اهمیت کمتر ندارد اگر ما بدانیم.



## خوابیدن بر روی شکم مکروه است

یکی از خواهران علاقمند مسائل دینی از شهر کابل سوال نموده که آیا درست است که خوابیدن بر روی شکم مکروه و یا حرام است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

بدون شک خوابیدن بر روی شکم مکروه است و بعضی علماء آنرا حرام دانسته اند زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم از خوابیدن بروی شکم منع کرده و آنرا بخوابیدن جهنمیان تشبیه نموده است.. در احادیث صحیح ثابت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم بعضی صحابه کرام در حالت خوابیدن بروی شکم دید و پای مبارک خود حرکت داد و فرمودند که این خوابیدن جهنمیان و اهل دوزخ است و این نوع خوابیدن نزد الله متعال ناپسند است.. قد جاء عن النبي - صلی الله علیه وسلم - أنه رأى بعض أصحابه قد نام على بطنه فحركه في رجله وقال له: "إن هذه ضجعة يبغضها الله" <sup>۱</sup> وفي رواية: "إنها ضجعة أهل النار" <sup>۲</sup>.

<sup>۱</sup> - سنن أبي داود، كتاب الأدب، باب في الرجل ينطح على بطنه، رقم الحديث: (۵۰۴۰)، (ج ۴، ص ۳۰۹).

<sup>۲</sup> - المعجم الكبير للطبراني، باب الطاء: طهفة بن قيس الغفاري، ويقال طخفة، كان ينزل المدينة، رقم الحديث: (۸۲۲۶)، (ج ۸، ص ۳۲۷).

پس بر مسلمان لازم است که بروی شکم نخواستد زیرا  
ضررهای طبی نیز متوجه او می شود و هر حکم و امر  
ورهنمائی شریعت از حکمت و خوبیها خالی نیست.



### دیدگاههای فقهای معاصر در مورد نشر عکسها

یک تعداد از دوستان بارها وبشکل مکرر سوال نموده  
اند که دیدگاههای فقهای معاصر ومذاهب آنها را در مورد نشر  
عکسها مفصلا شرح کنیم وحالا به توضیح موارد اتفاقی که  
تحت باب ضرورات داخل است وموارد اختلافی که شامل  
عکس برداری عادی روز مره ونشر آن می شود میپردازیم..

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اولا: در عکس گرفتن ونشر کردن عکسها مواردیکه  
فقهای معاصر بر جائز بودن آن اتفاق دارند زیرا مصلحت  
عمومی تقاضای آنها دارد واین موارد عبارت است از:

۱- عکسهای پاسپورت، تذکره وکار هویت، لیسنس موتر  
رانی، شهادتنامه، بخاطر کار ووظیفه، دریافت ویزه کشورهای  
خارجی، ثبت وراجستر در مؤسسات تعلیمی .

۲- ضرورت‌های تعلیمی و طبّی.

۳- نشر عکس‌های فعالیت‌های دعوتی و مؤسسات خیریه، حوادث و کوارث و زلزله بخاطر ارزیابی و کمک رسانی و اطلاع رسانی و جلب تعاطف مردم.

۴- معرفی علمای دعوت و برنامه های دعوتی آنها .

۵- عکس برداری اشخاص در محاکم قضائی و دوائر عدلی و قضائی و متابعت و مراقبت مجرمین بخاطر گرفتاری و تحقیق و تعقیب امنیتی و عدلی و شناسائی آنان.

ثانیاً: رسامی، نقاشی و میناتورهای دستی اشخاص و افراد و زندگانها و مخلوقات ذی روح حرام است به اتفاق علماء و در زیر این حدیث صحیح که عبد الله بن مسعود رضی الله عنه روایت کرده رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: "إن أشد الناس عذاباً يوم القيامة المصرون"<sup>۱</sup> بدرستی در روز قیامت بیشترین و سخت ترین عذاب را در آتش دوزخ کسانی می بینند که تصویر میسازند.

ثالثاً: مسأله عکاسی و عکس برداری و نشر آن بدون ضرورت و در حالات عادی یک مسأله اختلافی است و علمای

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، کتاب اللباس والزینة، باب لا تدخل الملائكة بیتا فيه کلب ولا صورة،

رقم الحدیث: (۲۱۰۹)، (ج ۳، ص ۱۶۷۰).

که جواز دادند و مشروع دانستند دلیل شان این است که این احادیث که از عکس برداری منع و نهی کرده در این موارد تطبیق نمی شود زیرا این نوع عکسها در زمانه رسول الله صلی الله علیه وسلم وجود نداشت و مقصودش همانا رسم و کارهای دستی بود که باید عکسهای ذی روح و انسان رسم نشود .. و این نظر بعضی علمای بزرگ جهان اسلام از جمله الشیخ محمد بن صالح العثیمین، و عالم فقه حنفی مشهور دکتور وهبه الزحیلی و محمد السایس، و رئیس دپارتمنت سابق فقه اسلامی جامعه امام محمد بن سعود شیخ دکتور حسین العبیدی است که بنام " حکم التصوير واستخدام الصور " تألیف کرده، و قبلاً شیخ محمد رشید رضا، محمد علی البخیطی، شیخ حسین مخلوف، شیخ محمد الشعراوی هم به این نظر بودند مشروط بر اینکه این عکسها در ذات خود حرام نباشد مثلاً عکس خانمان بی حجاب و برهنه، عکسهای که عورت انسان را نشاندهی کند نباشد.

دلیل این قول آیه کریمه است که الله سبحانه و تعالی در قرآن کریم فرموده است: " هو الذي خلق لكم ما في الأرض جميعاً"<sup>۱</sup> این آیه کریمه دلالت بر مباح بودن همه چیزهای است که الله متعال خلق کرده در روی زمین .. و عکسهای

۱ - سورة البقرة: ۲۹.

فتوگرافی هم در معنای مباح بودن داخل است و هیچ نص و دلیل وجود ندارد که آنرا حرام گردانیده باشد.

واین عکسها مشابهت دارد به عکس انسان که در آینه دیده می شود و یا سایه اش را که در آب میبیند، واین ظاهر شدن شکل خود انسان است که در حقیقت همینطور است.

در عین حال در نشر و پخش این عکسها مصلحتهای حکومت، افراد و اشخاص، مؤسسات نهفته است که در بخشهای اجتماعی، اقتصادی، امنیتی و دفاعی، سیاسی و فرهنگی و اداری ضرورت دارند و کمک می کند بخاطر ترقی و پیشرفت و زندگی روز مره مردم .

قول دوم فقهاء حرام بودن عکس و عکس برداری در حالات عادی میباشد که بدون ضرورت انجام میدهند واین نظر شیخ محمد بن ابراهیم، شیخ عبدالعزیز بن باز مفتیان سابقه عربستان سعودی و شیخ محمد ناصرالدین الألبانی محدث عصر حاضر میباشد.

دلیل شان این است که این عکسها عکس و تصویر نامیده میشود که در احادیث نهی و منع گردیده و از رسامی و نقاشی ذی روح و زندگانها کدام فرق جوهری ندارد و همه اوصاف آنها بر این عکسها نیز تطبیق می شود و مطابقت

دارد و در حرام بودن یکسان هستند و کسانی که عکس برداری میکنند بدون گنهگار می شوند نظر به این قول.

دوستان که سوال نمودند بعد از مطالعه دلائل هر دو قول می توانند یکی از آنها را ترجیح دهند و به آن عمل کنند.<sup>۱</sup>



### در شریعت ختمهای قرآنی شریکی وجود ندارد

یکی از خواهران چنین سوال نموده:

استاد جان یک سوال داشتم مه ختم قرآن پاک را شروع کرده بودم در همین ماه مبارک تا سپاره ۲۰ خواندیم حالا معذرت که خانم ها میداشته باشند برایم آمد.

مه میخاستم که تا شب ۲۷ ختم را خلاص کنم اما حالا خودم خوانده نمیتوانم و روزها هم کم مانده آیا میشه که یگان دوستانم را بگویم که یک یک سپاره برایم بخوانند تا که شب ۲۷ ختم قرآن پاک ام را تکمیل نمایم؟

<sup>۱</sup> - الموسوعة المیسرة فی فقه القضايا المعاصرة (قسم الأطفمة واللباس والزينة والأداب) مرکز التميز البحثي فی فقه القضايا المعاصرة بجماعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية. صفحات ۲۳۱ - ۲۳۶.



الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در شریعت ختمهای شریکی وجود ندارد، مسلمان به اندازه ای که تلاوت میکند ثواب و اجر تلاوت برایش نوشته می شود و در میزان حسنات و ترازوی اعمال نیک و صالح او اضافه میشود، لیکن در صورتیکه عذر شرعی مانع تکمیل کردن ختمش شود اجر و ثواب نیت خوبی که داشته نیز برایش نوشته می شود، اما ثواب تقسیم کردن و شریک ساختن دیگران در این عبادت برایش نمی رسد زیرا که اساس و دلیل از قرآن و سنت صحیح ندارد. لیکن میشود که اوقات خود را در دعاء و مطالعه و شنیدن تلاوت قرآن کریم و یا تلاوت از موبایل سپری نماید و در عین حال خدمت روزه داران خالی از اجر و ثواب نیست.



### خال کوبی یا تاتو ( Tatto ) در شریعت حرام است

یکی از خواهران از کابل چنین سوال نموده :

میخواستم بفهمم حکم تاتو یا خال کوبی در شریعت چیست آیا حرام است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، اما بعد:

شریعت اسلامی تغییر دادن خلقت انسان را به هر نام و مسمای که باشد حرام دانسته و از گناهان کبیره و بزرگ شمرده خصوصاً خال زدن یا تاتو "Tatto" را و به زبان پیامبر اسلام محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم اعلان نموده: "لعن الله الواشمات والمستوشمات" <sup>۱</sup> الله متعال لعنت کرده و از رحمت خود دور دانسته و طرد نموده کسانی را که خال زدن را برای خود می طلبند و آنانی که این عمل را برای دیگران انجام میدهند... خالی کوبی گناه کبیره شمرده می شود که صاحب خود را بطرف آتش دوزخ سوق میدهد.

و این یک عادت مخالف شریعت است که مسلمان باید جدا ازین کار خود داری کنند که لعنت او تعالی شامل حال شان نشود و از رحمت الله متعال که همانا داخل شدن در جنت است محروم نشوند به خاطر این انحرافات و تقلید کور کوارنه بیگانگان و غیر مسلمانان.



<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب اللباس، باب المتفلجات للحسن، رقم الحدیث: (۵۹۳۱)،

## نگهداری پرنده ها در قفس مباح و مشروع است

یکی از دوستان چنین سوال نموده :

نگهداری پرنده ها در قفس مانند آدم چهره کنری  
کبک و غیره در خانه البته بدون جنگ انداختن و آزار و  
أذیت چی حکم دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

نگهداری پرنده ها در قفس مباح و مشروع است  
بشرطیکه آب ودانه داده شود و در عین حال سبب آزار  
و اذیت اهل خانواده و همسایه ها نگردد.

در صحیحین بخاری و مسلم ثابت است که برادر صحابی  
انس بن مالک رضی الله عنه که از مادر یکی بودند بنام ابو  
عمیر پرنده ای داشت و نگهداری میکرد بنام " النغیر "  
هنگامیکه این پرنده مرد واو غمگین بود رسول الله صلی الله  
علیه وسلم تبسم نموده فرمودند که ای ابو عمیر چی واقع  
شده با پرنده شما " النغیر. " أنه كان لأخي أنس بن مالك لأمه  
يقال له " أبو عمير " كان له طائر وكان اسمه " النغیر " فمات

الطائر وحزن عليه الصبي ، فمأزحه النبي صلى الله عليه وسلم بقوله " يا أبا عُمَيْرٍ مَا فَعَلَ التُّغَيْرُ"<sup>۱</sup>.

الغیر پرندہ است کہ بہ بلبل شباهت دارد.

وفقهاء از این حدیث استدلال نموده اند کہ رسول الله صلی الله از نگهداری پرندہ منع نکرد و اگر مشروع و مباح نمی بود حتما منع می کرد. و دلیل بر حرام بودن نگهداری پرندہ های زیب و زینت وجود ندارد ، الله متعال در قرآن فرموده است: "هو الذي خلق لكم ما في الأرض جميعا"<sup>۲</sup> او تعالی خلق کرده و آفریده برای شما همه اشیاء را در روی زمین بخاطر استفاده شما و راحت و آسایش در زندگی شما کہ از آنها استفاده مشروع و حلال نمایید.

نگهداری پرندہ های زیب و زینت در یک حالت حرام پنداشته می شود کہ بہ آب ودانه دادن آنها رسیدگی نشود مورد ظلم، آزار و اذیت قرار گیرند.



<sup>۱</sup> - صحيح البخاري، كتاب الأدب، باب الكنية للصبي وقبل أن يولد للرجل، رقم الحديث: (۶۲۰۳)، (ج ۸، ص ۴۵).

<sup>۲</sup> - سورة البقرة: ۲۹.

## عجله کردن در کارهای خیر

یکی از دوستان چنین نوشته:

من در یکی از مجالس کار خیر حضور داشتم و در آنجا وعده همکاری کردم لیکن انجام ندادم اما وقتیکه بخانه آمدم پشیمان شدم آیا این وسوسه شیطان بوده؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اصل در کارهای که مربوط زندگی دنیایی انسان میشود غور، فکر و سنجش است و عجله در کار نیست، الله متعال در سیاق اینکه عجله در این بخش نشود و ناپسند است ذکر نموده: "خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأُرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ" <sup>۱</sup> انسانها از عجله خلق شدند و سرعت و تیزی و عجله را دوست دارند و من برای شما نشانه های خود را نشان میدهم پس عجله نکنید.

لیکن این قاعده عمومی نیست و استثناءات وجود دارد که در موارد زیاد عجله ترجیح داده میشود بلکه ثواب دارد و شریعت در آن ترغیب و تشویق نموده، مثلاً بر مسلمان واجب است که در توبه کردن از گناهان عجله کند و سرعت ببخشد بدون تأخیر، الله متعال در قرآن کریم فرموده است:

<sup>۱</sup> - سورة النبياء، ۳۷.

" وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ " <sup>۱</sup> بخاطر مغفرت و بخشایش گناهان تان از جانب او تعالی .. بشتابید و برای داخل شدن باغهای جنت که عرض آن مانند آسمانها و زمین است و برای متقیان و پرهیزگاران آماده شده.

همچنان اگر کسی نیت صدقه دادن، کفالت یتیمان، آبادی مساجد و غیره کارهای خیر را داشته باشد باید در آن تأخیر نکند و از عجله کار گیرد زیرا در صورت بتعویق انداختن این کارهای خیر ممکن است که وسوسه های شیطانی او را مانع شود از این کارهای خیر و بالاخره از اجر و ثواب اخروی محروم بماند.

تجربه ثابت نموده که اگر کسی در کارهای خیری که مربوط عبادات می شود و ثواب اخروی دارد عجله نکند و ساوس شیطان در اطرافش بیشتر می شود و در ذهنش مسائل گوناگون گردش می کند که او را مانع اقدام در این کارها می شود.

مثلا کسانی هستند که مال و امکانات رفتن بحج فرضی را دارند لیکن باز هم تأخیر می کنند در حالیکه حج یک

<sup>۱</sup> - سورة آل عمران: ۱۳۳.

رکن از ارکان اسلام است و تأخیر در آن جواز ندارد و کسی ضمانت زنده ماندن را کرده نمی تواند.

لهذا بهتر، اولی و افضل این است که مسلمان در کار خیر بشتابد و تأخیر نکند.. ضرب المثل عربی که " خیر البر عاجله " بهترین کارهای خیر این است که بر وقت انجام شود.



### اهمیت استقامت و پایداری در زندگی مسلمان

الله جل جلاله میفرماید: "وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ"<sup>۱</sup>.

ترجمه: و [بدانید] این است راه راست من پس از آن پیروی کنید و از راه‌های دیگر [که شما را از راه وی پراکنده می‌سازد پیروی مکنید اینهاست که [خدا] شما را به آن سفارش کرده است باشد که به تقوا گرایید.

اگر در آیت فوق تأمل نمائیم خواهیم دانست که الله جل جلاله ما را به مطابعت از راه مستقیم که در آن هیچ کجی دیده نمیشود، دعوت میکند که با رفتن در مسیر

<sup>۱</sup> - سوره انعام، آیت: ۱۵۳.

گمراهی و انحراف خود را منحرف نسازیم، پس هر گاه انسان مسلمان در راه کسب استقامت و هدایت قدم بنهد الله جل جلاله خامخا او را به هدفش نائل میگرداند به شرط آن که از وسائلی استفاده نماید که او در راه ثبات بر استقامت کمک مینماید؛ در ذیل بعضی از این وسائل نامبرده میشود:

۱- داشتن اخلاص برای الله و متابعت پیامبر صلی الله علیه وسلم:

الله جل جلاله میفرماید: وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ<sup>۱</sup>.

ترجمه: و فرمان نیافته بودند جز اینکه خدا را بپرستند و در حالی که به توحید گراییده‌اند دین [خود] را برای او خالص گردانند.

و این هم گفته دیگر او تعالی: قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ<sup>۲</sup>.

۱- سوره بینه، آیت: ۵.

۲- سوره انعام، آیات: ۱۶۲-۱۶۳.



ترجمه: بگو در حقیقت نماز من و [سایر] عبادات من و زندگی و مرگ من برای خدا پروردگار جهانیان است [که] او را شریکی نیست.

و او تعالی در جایی دیگر مهربانی میکند: وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ<sup>۱</sup>.

ترجمه: خدا و رسول را فرمان برید باشد که مشمول رحمت قرار گیرید.

و این هم حدیث رسول الله صلی الله علیه: مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرًا فَهُوَ رَدٌّ<sup>۲</sup>.

ترجمه: هر کس کاری کن که برابر دستور ما نباشد، آن کار مردود است. (به روایت مسلم)

۲- پابندی بر نماز جماعت:

نماز جماعت مهمترین عامل است که انسان را در راه استقامت و پایداری بر دین خداوند کمک میکند، الله جل

<sup>۱</sup> - سوره آل عمران، آیت: ۱۳۲.

<sup>۲</sup> - صحیح مسلم، کتاب الأقضية، باب نقض الأحكام الباطلة، ورد محدثات الأمور، رقم الحدیث: (۱۷۱۸)، (ج ۳، ص ۱۳۴۳).

جلاله میفرماید: وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفَا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ<sup>۱</sup>.

ترجمه: و در دو طرف روز [اول و آخر آن] و نخستین ساعات شب نماز را برپا دار زیرا خوبیها بدیها را از میان می برد این برای پندگیرندگان پندی است.

و او تعالی در جایی دیگری مهربانی میکند: إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ<sup>۲</sup>.

ترجمه: نماز از کار زشت و ناپسند باز می دارد.

و رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در باره اهمیت نماز میفرماید: مَا مِنْ أَمْرٍ مُّسْلِمٍ تَحَضَّرُهُ صَلَاةٌ مَّكْتُوبَةٌ فَيُحْسِنُ وُضُوءَهَا وَخُشُوعَهَا وَرُكُوعَهَا إِلَّا كَانَتْ كَفَّارَةً لِّمَا قَبْلَهَا مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَمْ يَأْتِ كَبِيرَةً وَذَلِكَ الدَّهْرُ كُلُّهُ<sup>۳</sup>.

ترجمه: هر مسلمانی که به هنگام آمدن وقت نماز مرتب وضو بگیرد و رکوع و سجود را نیکو بجا آورد و خاشع و خاضع باشد. بشرطیکه بسوی گناهان کبیره نرود

۱- سوره هود، آیت: ۱۱۴.

۲- سوره عنکبوت، آیت: ۴۵.

۳- صحیح مسلم، کتاب الطهارة، باب فضل الوضوء والصلاة عقبه، رقم الحدیث:

(۲۲۸)، (ج ۱، ص ۲۰۶).

نمازهایش برای همیشه کفاره گناهان گذشته او خواهد بود.  
( به روایت مسلم)

و جناب رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در جایی  
دیگری مهربانی میکند: الصَّلَاةُ الْخَمْسُ وَالْجُمُعَةُ إِلَى الْجُمُعَةِ  
كُفَّارَةٌ لِمَا بَيْنَهُنَّ مَا لَمْ تَغْشِ الْكَبَائِرُ<sup>۱</sup>.

ترجمه: ادای نمازهای پنجگانه و نماز جمعه تا جمعه  
بعد، کفاره گناهان (صغیره) فاصله بین خود می باشند  
بشرطیکه از گناهان کبیره پرهیز شود. ( به روایت مسلم)

۳- امر کردن به خوبی ها و بازداشتن از بدی ها:

الله متعال در مورد امر کردن به خوبی ها و بازداشتن از  
بدی ها چنین میفرماید: وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ  
وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ<sup>۲</sup>.

ترجمه: و باید از میان شما گروهی [مردم را] به نیکی  
دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و  
آنان همان رستگارانند.

<sup>۱</sup> - سنن الترمذی، أبواب الصلاة عن رسول الله صلی الله علیه وسلم، باب فی فضل  
الصلوات الخمس، رقم الحدیث: (۲۱۴)، (ج ۱، ص ۴۱۸).

<sup>۲</sup> - سوره آل عمران، آیت: ۱۰۴.

و او تعالی در جایی دیگری چنین ارشاد میفرماید: الَّذِينَ  
 إِن مَكَتْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ  
 وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ<sup>۱</sup>.

ترجمه: همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی  
 دهیم نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای  
 پسندیده و امی‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و  
 فرجام همه کارها از آن خداست.

و این هم حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم که در  
 آن امتیان خود را طریقه امر به معروف و نهی از منکر را  
 تعلیم می‌دهد: مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ  
 فَبِلِسَانِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ، وَذَلِكَ أَضْعَفُ الْإِيمَانِ<sup>۲</sup>.

ترجمه: کسیکه از شما کار زشت و منکری را دید باید  
 آن را با دست خود تغییر دهد، اگر نتوانست با دست تغییر  
 دهد، با زبان و گفتار خود تغییر دهد، و اگر نتوانست با زبان  
 تغییر دهد، با دل خود آن را انکار کند و این مرحله یعنی

<sup>۱</sup> - سوره حج، آیت: ۴۱.

<sup>۲</sup> - صحیح مسلم، کتاب الإیمان، باب بیان کون النهی عن المنکر من الإیمان، وأن الإیمان  
 یزید وینقص، وأن الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر واجب، رقم الحدیث: (۴۹)، (ج ۱)،  
 ص ۶۹).

انکار به وسیله دل ضعیف ترین ایمان است. (به روایت مسلم)

پس هر کی به صفت امر به معروف و نهی از منکر مزین گردد، شب و روز تلاش مینماید تا در راه مستقیم استقامت نصیبش شود.

#### ۴- فراگیری علم:

هر کسی علم کسب کرد در حقیقت چیزی بزرگی را کمائی نمود و هدف از علم همانا فراگیری قرآن و سنت و هر آنچه میباشد که امت اسلامی را نفع میرساند، الله جل جلاله میفرماید: **قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ**<sup>۱</sup>.

ترجمه: بگو آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

و این هم گفته دیگری او تعالی: **يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ**<sup>۲</sup>.

<sup>۱</sup> - سوره زمر، آیت: ۹.

<sup>۲</sup> - سوره مجادله، آیت: ۱۱.

ترجمه: خدا [رتبه] کسانی از شما را که گرویده و کسانی را که دانشمندند [بر حسب] درجات بلند گرداند.

و رسول الله صلى الله عليه وسلم در فضیلت علماء میفرماید: مَنْ يُرِدُ اللَّهَ بِهِ خَيْرًا يُفَقِّهُهُ فِي الدِّينِ<sup>۱</sup>.

ترجمه: آن که خداوند به او اراده‌ی خیر کند، در دین دانشمندش سازد. (به روایت بخاری و مسلم)

و این هم حدیث دیگری رسول الله صلى الله عليه وسلم: مَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَطْلُبُ فِيهِ عِلْمًا سَلَكَ اللَّهُ بِهِ طَرِيقًا مِنْ طُرُقِ الْجَنَّةِ، وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَضَعُ أَجْحَتَهَا لِطَالِبِ الْعِلْمِ رِضَاءً بِمَا يَصْنَعُ، وَإِنَّ فَضْلَ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ عَلَى سَائِرِ الْكَوَاكِبِ، وَإِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ، وَإِنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُورَثُوا دِينَارًا وَلَا دِرْهَمًا، وَرَثُوا الْعِلْمَ فَمَنْ أَخَذَهُ فَقَدْ أَخَذَ بِحِطِّ وَافِرٍ<sup>۲</sup>.

ترجمه: آنکه در راهی رود که در آن طلب علم کند، خداوند برایش راهی را به سوی بهشت آسان می‌کند. و همانا فرشتگان بواسطه‌ی رضایتی که از کارش دارند، بال‌های خود را برای طالب علم می‌گسترانند و همه‌ی

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب العلم، باب: من یرد الله به خیرا یفقهه فی الدین، رقم الحدیث: (۷۱)، (ج ۱، ص ۲۵).

<sup>۲</sup> - سنن ابی داود، کتاب العلم، باب الحث علی طلب العلم، رقم الحدیث: (۳۶۴۱)، (ج ۳، ص ۳۱۷).

کسانی که در زمین و آسمان‌اند، و فضیلت عالم بر عابد مانند فضیلت ماه شب چهارده بر دیگر ستاره هاست و این که علما میراث بر پیامبران‌اند و پیامبران درهم و دیناری به میراث نگذاشتند، بلکه علم را به ارث گذاشتند، کسی که آن را گرفت، بهره‌ی وافر گرفته است. ( به روایت ابو داوود و ترمذی)

#### ۵- بیم داشتن از الله جل جلاله:

کسانی که بیم الله جل جلاله در دل‌های شان خانه کرده باشد هیچگاه به گناه دست نمی‌آلاید و هیچ وقت در به طرف محرمات و امور منع کرده شده الهی قدم نمی‌نهد، الله جل جلاله میفرماید: **وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ**<sup>۱</sup>.

ترجمه: و هر کس را که از مقام پروردگارش بترسد دو باغ است.

و این هم گفته دیگر او تعالی: **إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ**<sup>۲</sup>.

ترجمه: آری عقاب پروردگارت سخت‌سنگین است.

و رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیثی هفت دسته مردمانی را معرفی مینماید که در روز رستاخیز زیر سایه

<sup>۱</sup> - سوره رحمن: ۴۱.

<sup>۲</sup> - سوره بروج، آیت: ۱۲.

عرش الهی قرار می‌گیرند، که یکی از آن هفت دسته کسی است که از الله جل جلاله می‌ترسد: **وَرَجُلٌ دَعَتْهُ امْرَأَةٌ ذَاتُ مَنْصِبٍ وَجَمَالٍ فَقَالَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ**<sup>۱</sup>.

ترجمه: و خداوند شخصی را تحت سایه عرش خود جا میدهد که زن صاحب مقام و زیبایی از او کام خواهد و گوید از خدا بیم دارم. (به روایت بخاری و مسلم)

#### ۶- انتخاب دوستان نیک:

یکی از موثرترین وسائل که سبب ثبات و استقامت انسان در راه دینداری می‌گردد، انتخاب دوستان صالح و مصلح میباشد، الله میفرماید: **الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ يَا عِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ**<sup>۲</sup>.

ترجمه: در آن روز یاران جز پرهیزگاران بعضی‌شان دشمن بعضی دیگرند ای بندگان من امروز بر شما بیمی نیست و غمگین نخواهید شد.

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب الزکاة، باب الصدقة باليمين، رقم الحديث: (۱۴۲۳)،

(ج ۲، ص ۱۱۱).

<sup>۲</sup> - سوره زخرف، آیات: ۶۷-۶۸.



و این هم گفته دیگر او تعالی: وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيًّا لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا<sup>۱</sup>.

ترجمه: و روزی است که ستمکار دستهای خود را می‌گزد [و] می‌گوید ای کاش با پیامبر راهی برمی‌گرفتم ای وای کاش فلانی را دوست [خود] نگرفته بودم او [بود که] مرا به گمراهی کشانید پس از آنکه قرآن به من رسیده بود و شیطان همواره فروگذارنده انسان است.

و رسول الله صلی الله علیه وسلم دوستان نیک و بد را چنین مثال میزند: إِنَّمَا مَثَلُ الْجَلِيسِ الصَّالِحِ وَالْجَلِيسِ السَّوِّءِ كَحَامِلِ الْمَسْكِ وَنَافِخِ الْكَبِيرِ فَحَامِلُ الْمَسْكِ إِمَّا أَنْ يُحْذِيكَ وَإِمَّا أَنْ تَبْتَاعَ مِنْهُ وَإِمَّا أَنْ تَجِدَ مِنْهُ رِيحًا طَيِّبَةً وَنَافِخُ الْكَبِيرِ إِمَّا أَنْ يُحْرِقَ ثِيَابَكَ وَإِمَّا أَنْ تَجِدَ رِيحًا مُنْتِنَةً<sup>۲</sup>.

ترجمه: مثال همنشین خوب و بد، مانند حامل مشک و دمنده دم آهنگر است. حامل مشک یا به تو مشک می‌دهد یا از او می‌خری و یا اینکه بوی خوش آن، به مشامت می

<sup>۱</sup> - سوره فرقان، آیات: ۲۷-۲۹.

<sup>۲</sup> - صحیح مسلم، کتاب البر والصلة والآداب، باب استحباب مجالسة الصالحين، ومجانبة قرناء السوء، رقم الحديث: (۲۶۲۸)، (ج ۴، ص ۲۰۲۶).

رسد. و دمنده ی دم آهنگر یا لباسه‌ایت را می سوزاند و یا بوی بد آن، به مشامت می رسد. (به روایت بخاری و مسلم)

۷- نگهبانی زبان و چشم‌ها از چیزهای نامحرم:

الله جل جلاله ارشاد میفرماید: مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ<sup>۱</sup>.

ترجمه: [آدمی] هیچ سخنی را به لفظ در نمی‌آورد مگر اینکه مراقبی آماده نزد او [آن را ضبط می‌کند].

و این هم گفته دیگری او تعالی: وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا<sup>۲</sup>.

ترجمه: و چیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن زیرا گوش و چشم و قلب همه مورد پرسش واقع خواهند شد.

و او تعالی در جایی دیگری مهربانی میکند: قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ<sup>۳</sup>.

<sup>۱</sup> - سوره ق، آیت: ۱۸.

<sup>۲</sup> - سوره اسراء، آیت: ۳۶.

<sup>۳</sup> - سوره نور، آیات: ۳۰-۳۱.

ترجمه: به مردان با ایمان بگو دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند که این برای آنان پاکیزه‌تر است زیرا خدا به آنچه می‌کنند آگاه است و به زنان با ایمان بگو دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند.

و رسول الله صلی الله علیه وسلم در باره حفاظت زبان چنین مهربانی میکند: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا أَوْ لِيَصْمُتْ.<sup>۱</sup>

ترجمه: هر که بخدا و آخرت ایمان دارد یا خبری گوید و یا خاموش ماند. (به روایت بخاری و مسلم)

و این هم حدیث دیگری که میرساند انسان باید متوجه گفته هایش باشد: مَنْ يَضْمَنُ لِي مَا بَيْنَ لِحْيَيْهِ وَمَا بَيْنَ رِجْلَيْهِ، أَضْمَنَ لَهُ الْجَنَّةَ.<sup>۲</sup>

ترجمه: هرکس بین دو لب خود؛ یعنی زبان، و بین دو پای خود؛ یعنی شرمگاهش را ضامن شود، من بهشت را برای او ضمانت می‌کنم. (به روایت بخاری و مسلم)

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب الأدب، باب: من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فلا يؤذ جاره، رقم الحديث: (۶۰۱۸)، (ج ۸، ص ۱۱).

<sup>۲</sup> - صحیح البخاری، کتاب الرقاق، باب حفظ اللسان، رقم الحديث: (۶۴۷۴)، (ج ۸، ص ۱۰۰).

۸- شناختن فریب های شیطان به خاطر دوری از آنها:

شیطان برای فریب دادن انسانها حيله ها و راه و روش های دارد که توسط آنها انسانان را در دام خود اسیر میکند،  
 الله جل جلاله میفرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُواتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ<sup>۱</sup>.

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید پای از پی گامهای شیطان منهدید و هر کس پای بر جای گامهای شیطان نهد [بداند که] او به زشتکاری و ناپسند وامی‌دارد.

و امام ابن قیم رحمه الله از هفت نوع فریب شیطان نام برده است که توسط آنها انسانان را شکار میکند:

۱- واداشتن به تفکر در ذات الله جل جلاله.

۲- بدعت و نوآوری در دین. ( برابر است که بدعت گفتاری باشد یا کرداری)

۳- ارتکاب گناهان کبیره و غرق ساختن انسان در این لجن زار با گذشت زمان.

<sup>۱</sup> - سوره نور، آیت: ۲۱.

۴- ارتکاب گناهان صغیره و در راه ارتکاب این گناهان یاری کردن. ( با زینت دادن آنها)

۵- مصروف شدن بیش از حد در امور مباح و غافل شدن از عبادات.

۶- پسندیدن و اختیار کردن اعمال خوب و ترک کردن اعمال خوبتر و مقبولتر.

۷- ازیت کردن گوناگون انسانها توسط لشکریان خود و آزاردان زبانی و جسمی آنها که از شر از این نوع فریبکاری شیاطین احدی در امان نبوده است حتی فرستادگان الهی.



### خواب بعد از فجر و عصر مباح است

برادر محترم ما نظر ولی از کابل چنین سوال نموده:

محترم استاد یو پوښتنه لرم: د قران او حدیث په رڼا کې د سهار له لمانځه وروسته خوب کول څنګه دی زمور عادت جوړشوی دی خو بعض خلک مو سخت ویره وی؟ ایا د رښتیا هم په دی خوب سره د انسان رزق کمیږی او یا د خدای قهر پری ورپیری.

### الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

خواب کردن بعد از نماز های صبح و عصر مباح است و مکروه نیست، و هیچ دلیل شرعی صحیح وجود ندارد که خواب بعد از نماز فجر و یا بعد از عصر را مکروه شمرده باشد، خصوصاً کسانی بغیر از فجر و عصر وقتی دیگری برای خوابیدن ندارند.. اما مستحب این است که بعد ادای نماز فجر مسلمان در جایش بماند و مکث کند تا اینکه آفتاب طلوع کند و نماز ضحی و اشراق را ادا نموده و برای کار دنیائی اش در حرکت شود ..

تنها بعض از علمای تابعین خواب بعد از نماز فجر را مکروه دانسته اند زیرا وقت صبح برای کار و نشاط میباشد و جسم انسان بیشتر آمادگی برای فعالیت های روز مره را دارا میباشد.

اما بعض احادیث که مکروه بودن خواب بعد از فجر و عصر را ثابت می کند باطل و موضوع است و ثابت نیست، و خواب بعد از فجر و یا بعد از عصر سبب کمی رزق و روزی هم نمی شود و نیز سبب قهر الله متعال هم نمی گردد.. این برداشتهای نادرست از احادیث موضوع و دروغین استدلال شده اساس و مستند صحیح ندارد.



## زعفران گیاه حلال و مفید است

دوست محترم ما مولوی صاحب سلیمان مرادی از ولایت هرات نوشته است که یکی از ملاها فتوای کتبی بر حرام بودن زعفران نوشته..و باید بطلان فتوای این ملا را بهموطنان عزیز ما در ولایت هرات بیان کنم که این ملای فتوا فروش ممکن است به اشاره تجار مخدرات این فتوا را نوشته باشد.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

دین مبین اسلام بخاطر آسانی زندگی مردم باب مباحات را بسیار وسیع گردانیده تا اینکه مردم در تنگنا و مضیقه قرار نگیرند از این لحاظ بسیاری از مسائل زندگی روز مره را به خود مردم واگذار نموده که از مباحات استفاده نمایند، قاعده شرعی است که: "الأصل في الأشياء الإباحة حتى يدل الدليل على التحريم" در اصل همه چیزها و وسائل که زندگی را آسان میسازد مباح است تا اینکه دلیلی بر حرام بودن آن نباشد، و علمای مذهب حنفی نوشته اند که: "الأصل في الأشياء الحل" یعنی در اصل مسائل که به عادات و خوردن و نوش و کارهای زندگی تعلق میگیرد حلال است، تا اینکه دلیل بر حرام بودنش وجود داشته باشد..و دلیل اساسی این قاعده شرعی آیه کریمه است که الله متعال در قرآن کریم فرموده است: "قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ

الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ" <sup>۱</sup> بگو ای محمد که کی حرام گردانیده زینت، زیبائیهای را که الله متعال برای بندگانش خلق نموده و رزق روزی پاک و خوب را که با این زینت و زیبائی است.. هرگز کسی و مخلوقی آنرا حرام شمرده نمی تواند.

لهذا زعفران حلال و مباح و مفید است و بهترین بدیل تجارت مخدرات که حرام قطعی است شده می تواند.

تنها در حالت احرام حج و عمره باید از زعفران استفاده نشود زیرا که خوشبوی زعفران به عطر قیاس می شود.



### تعامل با اوراق غیر قابل استفاده قرآن کریم

یکی از مولوی صاحبان به نمایندگی از بعض علمای کرام ولایت بغلان چنین سوال نموده و خواهان فتوای شرعی شده:

فقاہتمآب ممتاز صاحب بعد از عرض سلام ما مجلس کوچکی از علماء و مولوی صاحبان داشتیم و روی دفن کردن یا در دادن قرآن کریمه‌هایکه خورده شده و صفحاتش پاره و کنده شده و قابل استفاده نیست و مردم از خانه ها هم به

<sup>۱</sup> - سورة الأعراف، آیت: ۳۲.



مساجد می آورند خواستیم نظر شما را داشته باشیم و برای ما فتوای معتمد تحریر بدارید آیا دفن کردن بهتر است و یا در دادن واگر در داده شود خاکستر آنرا را کجا کنیم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

یلی این سوال بسیار با اهمیت است زیرا چندین بار به شکل فردی دوستان خواهش رهنمائی را نموده بودند زیرا قرآن کریم ها ومصاحفی که فعلا قابل استفاده نیست صفحاتش خورده شده ونوشته اش خواندن نمی شود واگر کسی تلاوت کند در غلطی واقع می شود چون قابل اصلاح هم نیست زیرا کاغذش از بین رفته لهذا باید به شیوه احترامانه که احترام کتاب الله متعال ودستور العمل مسلمانان بجا آورده شود واز اهانت وبی حرمتی بدور تعامل شود واز تحریف کردن ودست خوردن هم در امان بماند ودر جاهای ناپاک ونا مناسب هم انداخته نشود، فقهای معاصر چنین رهنمائی کرده اند :

چونکه قرآن کریم که رب العالمین برای هدایت بشریت نازل شده ودستور العمل مسلمانان است وآنها متعبد به تلاوت آن میباشند ومکلف هستند که معانی وتفسیر آن را بفهمند وبه اوامر آن عمل کنند واز نواهی آن اجتناب ورزند، واینکه به اندازه قرآن کریم هیچ کتابی قابل احترام وواجب الاحترام نیست، در مورد تعامل کردن ویا جا بجا نمودن

قرآن کریم های کهنه واز بین رفته و ترتیبات این برنامه باید مولوی صاحبان و دانشمندان و دعوتگران تصمیم بگیرند و سرپرستی این برنامه را بدوش داشته باشند تا اینکه کدام بی احترامی صورت نگیرد:

۱- اولاً باید قیچی شود و کوچک کوچک گردد که هیچ آثار از کلمات و آیات و حروف ان باقی نماند و در جای پاک در داده شود و خاکستر آن در بوجیها گذاشه شود و در بحر و آب دریا انداخته شود که ذوب گردد و بهتر است که در بین بوجی خاکستر سنگها هم مانده شود که خاکستر این مصاحف زیر آب بماند ، و تلاش صورت گیرد که باد و شمال خاکستر آن را نبرد زیرا حتی خاکستر آن واجب الاحترام است.

۲- یا اینکه قیچی شود که هیچ اثری از آیات و نوشته و کلمات و حروف آن باقی نماند و در جای پاک سوختانده شود و خاکستر آن در جای بدور از آبادی که کاملاً محیط پاک بوده باشد دفن شود.

در هر دو حالت باید حروف و کلمات آن تلف شود که قابل خواندن نباشد، و شیوه اولی در که خاکستر آن در آب دریا غرق شود بهتر اولی و افضل است زیرا خاکستر ذوب می شود و با نجاست و نا باکی آلوده و آمیخته نمی شود.

## وقت تلاوت سوره كهف بعد از فجر روز جمعه تا غروب آفتاب است

استاد محترم آیا درست است که تلاوت سوره كهف در روز جمعه ثواب دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

سوره كهف یکی از سوره های قرآن کریم است تلاوت این سوره در ثواب و فضیلت قرآن کریم در وقت داخل است.

در روایات بعضی احادیث آمده که تلاوتش در روز جمعه مسلمان را از فتنه دجال نجات میدهد.. و فتنه دجال امتحان بس بزرگ است که رسول الله صلی الله علیه وسلم در هر نماز از این فتنه از الله متعال پناه می خواست. و در آثار هم ثابت است که صحابه رضی الله عنهم نیز سوره كهف را تلاوت کرده اند خصوصاً عبد الله بن عمر رضی الله عنهما. وقت تلاوت کردنش بعد از فجر روز جمعه تا به غروب آفتاب میباشد.



## حکم طلا پوش کردن دندان در شریعت

یکی از دوستان سوال نموده:

استاد محترم طلا پوش کردن دندان در شریعت روا است یا نه؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اولا: برای خانمها جواز دارد و مشروع است که دندانهای شان را پوش طلا کنند.

ثانیا: برای مردها در حالت عادی جواز ندارد و مشروع نیست که دندانهای شان را پوش طلا کنند.. زیرا استعمال طلا برای مردان جواز ندارد و حرام است.

ثالثا: در صورتی که ضرورت به تداوی دندان باشد و مواد خوب دندان سازی بغیر از طلا نباشد و بدیل خوب یافت نشود و ضرورت به طلا باشد و داکتر طب ماهر نظر بدهد که طلا بهتر و خوبتر است در این صورت جواز دارد... زیرا این حالت ضرورت و تداوی است نی برای زیب و زینت.. و دندان جایش هم مخفی است معلوم نمی شود.



## دراز کردن پا طرف قبله باکی ندارد و مباح است

یکی از خواهران از کابل چنین سوال نموده:

جناب استاد بزرگوار! دراز کردن پا طرف قبله چی حکم دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در دراز کردن پا طرف قبله حرج و مانع شرعی نیست حتی اگر مسلمان در مسجد الحرام هم باشد، زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم در مسجد الحرام نشسته بود و پشت خود را به طرف کعبه نموده بود.. و هیچ دلیل بر ممانعت وجود ندارد، و کدام دلیل و مستند نیست که از دراز کردن پا طرف به قبله منع کرده باشد، و باید به اصل عمل شود که مباح است.



## تجلیل از روز زن از مسائل عقائدي نیست

یکی از دوستان چنین سوال نموده:

استاد محترم کسیکه روز زن را تجلیل میکند از نگاه اسلام چی حکم دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

روز ۸ مارچ را بنام روز زن هر سال تجلیل می نمایند تا اینکه از اهمیت وجود خانمها ودست آوردهای آنان حرف بزنند..

در حالیکه مسلمان از آسمان مأمور است که در دوازده ماه سال ودر بیست وچهار ساعت با خانمها رفتار نیکو، تعامل خوب داشته باشند و حقوق شان را بشناسند ومراعات نمایند، الله متعال امر کرده است که با آنها تعامل ورفتار نیکو کنید: "وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ"<sup>۱</sup> ورسلو الله صلى الله عليه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "خیرکم خیرکم لأهله، وأنا خیرکم لأهلی"<sup>۲</sup> بهترین شما کسی است که با اهل و خانواده خود رفتار نیکو کند و خوب باشد، ومن بهترین شما استم با خانواده ام.

به هر صورت تجلیل کردن از این روز از مسائل اصول دین وعقائد نیست بلکه از فروعات وعادات است که در کشورهای غیر اسلامی رواج دارد تا اینکه حقوق خانمها به

<sup>۱</sup> - سورة النساء: ۱۹.

<sup>۲</sup> - سنن ابن ماجه، كتاب النكاح، باب حسن معاشره النساء، رقم الحديث: (۱۹۷۷)، (ج ۱، ص ۶۳۶).

فراموشی نرود، و در کشورهای اسلامی نیز سرایت نموده در نتیجه همنوایی و تقلید آنان..

علماء و انشمندان می توانند با استفاده از وقت از اهمیت حقوق خانما و جایگاه آنان در دین مبین اسلام حرف بزنند.



### دعاء سلاح مؤمن است

یکی از دوستان چنین سوال نموده:

ما در کشور اروپایی هستیم و داخل کمپ ها مشکلات زیاد هست و میخواهم بدانم چی دعای کنیم که از این مشکلات خلاص شویم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:

دعاء عبارت از طلب حاجت مسلمان از الله متعال است، و از مهمترین عبادات مسلمان بشمار میرود، عبادتی است که مسلمان خضوع، تذلل و بندگی خود را توسط آن به الله متعال ثابت می سازد و او تعالی را به وحدانیت می شناسد، و فضیلت و ثواب اخروی نیز دارد، از اینرو دین مبین اسلام مسلمان را تشویق نموده به دعاء کردن و آنرا سلاح مؤمن و مسلمان قرار داده و بهترین وسیله رسیدن به اهداف بزرگ گردانیده، الله متعال در قرآن کریم فرموده است: " وقال

ربکم ادعونی أستجب لکم" <sup>۱</sup>، پروردگار تان فرموده است که شما دعاء کنید و من قبول می کنم و اهداف و حاجات مشروع تانرا متحقق و برآورده میسازم.. همچنان در آیت دیگری فرموده است: " وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ" <sup>۲</sup> ای محمد وقتیکه بندگانم از شما سوال کنند از من پس برای شان بگو که من نزدیک استم دعای دعاء کنندگان را قبول میکنم و آنها نیز به اوامر من عمل کنند و از نواهی من اجتناب ورزند و به من ایمان بیاورند و من را به وحدانیت بشناسند به من شریک نیاورند بدون شک که راه خیر و فلاح و رستگاری را می یابند و به اهداف شان می رسند..رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است : " الدعاء هو العبادة" <sup>۳</sup> دعاء عبادت است که مسلمان را به الله متعال نزدیک میسازد و راه جنت را برایش هموار می کند... با این اهمیت که دعاء در زندگی مسلمانان دارد دارای شروط، آداب و احکام ذیل میباشد:

<sup>۱</sup> - سورة غافر: ۶۰.

<sup>۲</sup> - سورة البقرة: ۱۸۶.

<sup>۳</sup> - سنن أبي داود، باب تفریح أبواب الوتر، باب الدعاء، رقم الحديث: (۱۴۷۹)، (ج ۲،



اولاً: شروط قبولی دعای مسلمان:

- ۱- به اخلاص دعاء کردن.
- ۲- شروع کردن دعاء به حمد و ثنای الله متعال و درود گفتن به پیامبر او تعالی رسول الله صلی الله علیه وسلم.
- ۳- جدیت در دعاء یعنی باور داشتن که دعاء یک عبادت اساسی است و یقین داشتن که الله متعال قادر است به قبولی دعای وی.
- ۴- کوشش کردن در دعاء و عجله نکردن.
- ۵- به حضور قلب دعاء کردن.
- ۶- در حالت سختی و آسانی دعاء کردن.
- ۷- حاجت خود را تنها از الله متعال بخواهد یعنی در دعاء موحد بودن خود را ثابت کند.
- ۸- اعتراف کردن به گناه خود و مغفرت خواستن از او تعالی و بجا آوردن شکر او که توفیق توبه و دعاء را داده.
- ۹- دعاء کردن در اوقات استجابت دعاء و غنیمت شمردن این اوقات و اماکن که در آن دعاء قبول می شود.

۱۰- بهتر است که مسلمان هنگام دعاء با وضوء و باطهارت بوده باشد.

۱۱- اگر حق کسی را به ظلم گرفته باشد قبل از دعاء آنرا برایش برگرداند زیرا ظلم مانع قبولی دعاء می شود.

۱۲- خوردن و نوشیدن و لباس مسلمان از حرام پاک باشد، زیرا مال حرام مانع قبولی دعاء می شود.

۱۳- دعاء کردن سه بار.

۱۴- رو به قبله بودن هنگام دعاء.

۱۵- بالا کردن دستان در دعاء.

۱۶- ناله و فریاد نکردن در دعاء.

۱۷- اولاً برای خود دعاء کند بعد از آن برای دیگران.

۱۸- در دعای خود توسط اسماء الله متعال وصفات او تعالی به او تعالی متوسل شود.

ثانیا: اوقات و اماکن قبولی دعاء مسلمان قرار ذیل است:

۱- در سوم حصه اخیر شب که الله متعال به آسمان دنیا پایین می شود و دعای مسلمان را قبول میکند.

- ۲- بعد از نمازهای فرض.
- ۳- در بین آذان و اقامت نماز.
- ۴- در بین هر دو خطبه جمعه.
- ۵- در ساعت اخیر روز جمعه.
- ۶- در وقت افطاری روزه.
- ۷- در شب لیلة القدر.
- ۸- در وقت باریدن باران و برف.
- ۹- هنگام که مسلمان در صف اول جنگ قرار میداشته باشد بر ضد دشمنان.
- ۱۰- هنگام نوشیدن آب زمزم.
- ۱۱- در حج و عمره.
- ۱۲- در روز عرفه در عرفات.
- ۱۳- در طواف کعبه مشرفه.
- ۱۴- در صفا و مروه هنگام سعی کردن.
- ۱۵- در سجده نماز.

۱۶- دعای مسافر.

۱۷- دعای مسلمان به برادر و خواهر مسلمانش در غیاب آنها.

۱۸- دعای والدین در حق اولادش.

۱۹- دعای اولاد در حق والدینش.

۲۰- دعای انسان مظلوم بالای انسان ظالم که مورد ظلمش قرار گرفته.

۲۱- دعاء کردن هنگام سختی و مصیبت.

۲۲- دعای مسلمان بعد از مجالس علم و ذکر .

ثالثا: دعاهای که رد می شود و مورد قبول الله متعال نمی گردد:

۱- مرگ خواستن مسلمان.

۲- دعاء کردن به اینکه در مصیبت واقع شود.

۳- هنگام دعاء متوسل شدن به اعمال و شیوهای شرکی و بدعتی مثلا : در زیارت رفتن و دعاء خواستن در آنجا.

۴- دعاء بخاطر قطع صله رحم انسان.

۵- دعای بد کردن در مورد اقارب خود.

۶- طلب کردن امور ومسائل که شرعا وعقلا متحقق شدن آن ممکن نباشد.

۷- طلب کردن مسائل که اصلا بر آورده شده .

۸- دعاء کردن بخاطر انجام گناه ومعصیت ونا فرمانی الله متعال.

رابعا: نتیجه دعاء چنین میباشد:

الف: دعای مشروع مسلمان بر آورده می شود ومتحقق میگردد.

ب: اگر قبول نشود معنایش این است که کدام مصیبت برزگ را الله متعال توسط این دعاء از وی دفع کرده.

ج: اگر این هم نشود معنایش این است که اجر، ثواب وپاداش این دعاء در آخرت برایش ذخیره می شود وترازوی اعمال نیک وصالح او در روز رستاخیر وزین میگردد با این دعاها.



## حکم تلاوت قرآن کریم چیست؟

برادر محترم ما محمد خالد.. از کابل چنین سوال

نموده:

یک سوال داشتم همینکه حکم خواندن قرآن کریم چیست سنت است واجب است و یا مستحب؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

تلاوت، خواندن و شنیدن قرآن کریم مستحب است و مسلمان در این عبادت شامل اجر و ثواب می شود.

بعض علماء شنیدن و گوش دادن به تلاوت قرآن کریم را واجب دانسته اند لیکن به درجه فرضیت و وجوب نماز و روزه نمی رسد.

مسلمان باید قرآن کریم را بشکل دائم تلاوت، و تدبیر نماید و بخشش از وقت خود را برای تلاوت قرآن کریم و آموختن تجوید و فهم تفسیر آن تخصیص دهد، الله متعال امر نموده رسول الله صلی الله علیه وسلم را بخواندن و تلاوت قرآن کریم که در حقیقت امر برای امت او هم است، و فرموده

است: " اَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ " <sup>۱</sup> تلاوت کن قرآن و کتاب برورگارت را که توسط وحی بالایت نازل شده .

رسول الله صلى الله عليه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: " اقرءوا القرآن، فإنه يأتي شفيعا لأصحابه يوم القيامة " <sup>۲</sup>.

قرآن را بخوانید و تلاوت کنید که در روز قیامت برای شما شفاعت کنان میاید.

رسول الله صلى الله عليه نزد الله متعال از کسانی شکایت می کند که قرآن کریم را ترک کردند، نه تلاوت میکنند و نی هم گوش میدهند و نی هم به احکام و اوامر آن عمل می کنند و از نواهی آن اجتناب نمی کنند و قرآن کریم را دستور العمل زندگی خود قرار نمی دهند : " يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا " <sup>۳</sup> ای برورگارم قوم من این قرآن را هجر و ترک کردند .

از صفات مشرکین و غیر مسلمانان دشمنی با قرآن کریم است که میگویند به قرآن گوش ندهید و هر آنچه که

<sup>۱</sup> - سورة العنكبوت: ۴۵ .

<sup>۲</sup> - صحیح مسلم، کتاب صلاة المسافرين و قصرها، باب فضل قراءة القرآن، و سورة البقرة، رقم الحدیث: (۸۰۴)، (ج ۱، ص ۵۵۳) .

<sup>۳</sup> - سورة الفرقان: ۳۰ .

در این قرآن است آنرا لغو و بی‌هوده بشمارید: " وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ " ۱.

ایمان نیاوردن به قرآن کریم، تلاوت نکردن، تدبیر نمودن و به احکام آن عمل نکردن، همه هجران و ترک کردن قرآن کریم است.

مسلمان که قرآن کریم را تلاوت نمی کند، به آن گوش نمی دهد، به تدبیر و فهم و تفسیر و تجوید آن اهتمام ندارد و آنرا دستور العمل در زندگی خود قرار نمی دهد فوراً نفس خود را مراجعه کند که به مرحله خطرناکی رسیده.

در عین حال فراموش نکنیم که بهترین مسلمانان کسانی هستند که قرآن کریم را می آموزند و به دیگران تعلیم می دهند رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "خیرکم من تعلم القرآن وعلمه" ۲.

و حالاً که وسایل تکنالوجی جدید علم را آسان ساخته و سهولت‌های وجود دارد که قرآن کریم از موبایلها هم تلاوت می شود و نیز تلاوت و قراءات قاری های مشهور جهان اسلام در انتر نت میسر است و شنیدن آن هر لحظه ممکن است

۱- سورة فصلت: ۲۶.

۲- صحیح البخاری، کتاب فضائل القرآن، باب: خیرکم من تعلم القرآن وعلمه، رقم الحدیث: (۵۰۲۷)، (ج ۶، ص ۱۹۲).



باید مجالس مسلمان از تلاوت و شنیدن قرآن کریم خالی نباشد در بخش از شب و روز آناء اللیل و أثناء النهار.



### استفاده نامشروع از برق دولت

یکی از دوستان از کابل چنین سوال نموده:

از برق دولت استفاده نامشروع کردن به این عنوان که دولت دست نشانده کفار است درست است و یا خیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

برق مال و سرمایه و ضرورت حیاتی عامه مردم شمرده می شود و مصارف آن ملکیت مردم افغانستان است شرکت برشنا تنها تنظیم کننده این خدمت است و پرداختن مصارف برق به این شرکت واجب است و هر نوع استفاده غلط و نامشروع و ندادن بل و مصارف برق اختلاس و دزدی مال عامه مردم شمرده می شود که گناه بزرگ هم می باشد. رسول الله صلی الله علیه وسلم از تزویر و خیانت مسلمان را منع کرده و آن را نشانه بی ایمانی دانسته در حدیث صحیح فرموده است: " من غشنا فلیس منا" <sup>۱</sup> هر کسی

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، کتاب الإیمان، باب قول النبی صلی الله علیه وسلم: «من غشنا فلیس منا».

رقم الحدیث: (۱۰۱)، (ج ۱، ص ۹۹).

که تزویر و خیانت کند از جمله امت من نیست به این معنی  
که راه دوزخ را اختیار کرده است.



### استفاده از تابلیتهای جلوگیری از حامله شدن

یکی از دوستان از ولایت هرات چنین سوال نموده:

آیا خوردن قرص (تابلیت) جلوگیری از حامله شدن برای  
زنهای گناه محسوب میشه جناب استاد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

استعمال واستفاده از تابلیت های جلوگیری از حمل  
و منع آن جائز است برای خانمها بخاطر فاصله یک سال و یا  
دو سال بین اطفال و تربیه کردن آنها و صحت و اهتمام به  
مادر، و بخاطر ادای بعض عبادات مثل روزه و حج و جلوگیری  
از عادت ماهوار در موسم رمضان و حج، بشرطیکه به صحت  
مادر ضرر نرساند و به مشوره داکتران طب عمل شود.

اما بخاطر بند کردن و منع دائمی حمل و تحدید نسل  
استعمال این تابلیتها و هر وسیله دیگر غیر مشروع و ناجائز  
و گناه است در صورت که به خانمها خطر هلاکت  
نیباشد... زیرا نسل امت کم می شود و سبب ضعیف شدن امت  
اسلامی میگردد.

## کشت کردن موی سر در حالت ضرورت جواز دارد

یکی از هموطنان عزیز ما که در امریکا مقیم است چنین سوال کرده است:

کشت کردن موی سر از نگاه اسلام چی حکم دارد . اگر روا است به چی دلیل !

اگر ناروا است به چی دلیل ! چون حالی یک تعداد زیاد از برادران ما در اروپا و امریکا چنین کار را کرده اند و میگویند ، که از نگاه اسلام کدام ممانعت نمیباشد ، چون اسلام دین علم و تحقیق و ترقی و پیشرفت میباشد . و امروز دنیا از برکت علم به این مرحله رسیده و الله جلاله همه برای انسان در قران گفته که شما علم و تحقیق کنید و آیا این خودش یک علم نیست .

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

کشت کردن موی سر اگر تداوی باشد و یا اینکه بسبب موی رفتگی سر باشد و خطر کل شدن انسان باشد جواز دارد و مشروع است که از یک بخش از سر مو گرفته شود و در جای که کل شده کشت شود.. در این حالت در خلقت الله متعال تغییر بمیان نمی آید زیرا این بخاطر از بین بردن عیب ناشی از مو رفتن است و نیز در تداوی مشروع شامل است.

امام بخاری در کتاب صحیح خود حدیثی را ذکر کرده که در آن سه نفر بودند و یکی از آنها به رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت که من خوش دارم که الله متعال موهای رفتگی من را بازگرداند، وملائکه بسرش دست کشید، والله متعال موهای زیبا و خوبتر از موی قبلی نصیبش فرمود.

اما کشت مو بخاطر مشابهت با غیر مسلمان و تقلید آنان و تغیر آوردن در خلقت الهی حرام و ناجائز است.



### مسلمانی که ریش مسلمان را می تراشد گنهگار است

یکی از برادران سوال نموده:

استاد قند من در کوتل خیرخانه کابل دوکان سلمانی دارم و کار وغریبی میکنم ونیز در وقت بی کاری صفحه شما را می خوانم سوال مه این است که مردم بخاطر جور کردن واصلاح موی میایند و بعض وقت از مه می خواهند که ریش شان را هم بتراشم آیا گنهگار میشوم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

کسی که دوکان اصلاح موی دارد ونیز خواهران که آرایشگاه دارند باید خواستههای نامشروع متقاضیان خود را

قبول نکنند که گنهگار می شوند و نیز پول کسب و کار شان حرام شمرده می شود.

برای این برادر عزیز باید بنویسم که در کار کردن وسیعی تلاش بخاطر بدست آوردن رزق و روزی حلال عیب نیست و کار شما در مجموع حلال و مباح است در اصلاح موی اما تراشیدن ریش مردم گناه است و پول و پیسه را که از تراشیدن ریش مردم بدست میاورید حرام شمرده می شود.. شما باید تنها موی مردم را اصلاح کنید و بتراشید اما اگر از شما خواسته می شود که ریش را بتراشید قطعا قبول نکنید و برای شان بگویید که ریش ماندن سنت است و من نمی توانم که مخالف سنت را کنم ..الله متعال در کار و رزق و روزی حلال تان برکت میندازد.

اما مطالعه مسائل دینی و شرعی و اسلامی کار خوب است و به بینش و ثقافت شرعی تان میفزاید و باید از این فرصتهای خوب استفاده کنید و به دیگران نیز برسانید.



## تلاوت کردن قرآن کریم بدون فهم معانی آن

یکی از دوستان سوال نموده که:

سلام علیکم جناب استاد ، بعد از عرض سلام میخواستم در مورد تلاوت قرآن سوالی بپرسم یکی از جمله دوستان ما ادعا دارد که خواندن قرآن بدون ندانستن ترجمه هیچ کدام معنی و اجر به تلاوت کننده نمیرساند بجای آن اخبار را بخواند بهتر است حالا سوال در اینجا است که اکثریت مسلمانان جهان بشمول اعراب که بیسواند اند به معنی قرآن نمیدانند اما به نیت ثواب و اجر آنرا تلاوت میکنند همه آنها کار بیهوده میکنند. تشکر استاد

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

قرآن کریم کتاب مبارک است قسمی که الله متعال فرموده است: " کتاب أنزلناه إليك مبارك ليدبروا آياته وليتذكر أولو الألباب"<sup>۱</sup> کتابی نازل شده مبارک است بخاطر تدبیر و فهمیدن و عمل کردن به آیات و احکامش و نیز اینکه به اصحاب بصیرت و عاقلان پند و نصیحت و تذکیر باشد و تشویق به کارهای نیک و خیر. و همچنان کتابی است: "موعظة من ربكم وشفاء لما في الصدور وهدى ورحمة للمؤمنين"<sup>۲</sup> موعظه

<sup>۱</sup> - سورة ص: ۲۹.

<sup>۲</sup> - سورة يونس: ۵۷.

آسمانی و شفاء و دواى قلبها وسينه ها و هدايت و رحمت  
برای مؤمنان است.

در زمانه رسول الله صلى الله عليه وسلم وقت که ده  
آیت نازل می شد صحابه کرام رضی الله عنهم تلاوت همان  
ده آیت را می آموختند و تفسیر و معنایش را فراگرفته تدبیر  
و عمل می کردند.

اما مسلمان که آنرا تلاوت می کند و معنایش را نمی  
داند حتما اجر تلاوت را میگیرد و برایش ثواب تلاوت نوشته  
می شود، و به اندازه تلاوت و خواندنش اجر دارد اگر معنایش  
را بداند و یا نداند در هر دو صورت خالی از اجر و ثواب نیست.

لیکن باید هر مسلمان کوشش کند که معنای قرآن  
کریم را و اهداف که بخاطر آن نازل شده بداند و بیاموزد به  
اندازه توان و استطاعت خود و از علماء بشنود و اهتمام داشته  
باشد و در شرایط کنونی درسهای فهم القرآن را که مولوی  
صاحبان عبد الصبور و مظهرین فایز و غیره در کابل  
و بخشهای از افغانستان دایر میکنند به همین خاطر است که  
مردم با معانی و احکام و تفسیر قرآن کریم آشنائی پیدا کنند  
بدانند و اقلا بشنوند و درین راستا جمعیت اصلاح افغانستان  
از سالها سعی و تلاش داشته .. و آخرین این درسهها فقط قبل  
از بیست روز در اوائل ماه ذی الحجه بود که شهر هرات  
شاهد برزگترین درس فهم القرآن بود که به هزارها هموطن

مسلمان ما مستفید شدند درانجا البته این درس را نیز انجمن اخلاق و معرفت که دفتر ساحوی جمعیت اصلاح در هرات است راه اندازی کرده بود .. الله متعال سعی و تلاش شان را قبول کند.

و نیز حلقه های قرآنی در همه ولایات افغانستان وجود دارد که قرآن کریم مدارس و خوانده می شود و همه درسها خالی از تلاوت و تفسیر و شرح معانی آن نیست.



### در محافل عروسی بخش زنانه فیلمبرداری کردن جواز ندارد

یکی از دوستان سوال نموده که آیا می توانیم خانمها و خواهران خود را در محافل عروسی ببریم که فیلمبرداری می شود؟

زیرا این فیلمبرداری ها سبب فتنه و فساد و بی حیایی در بین مردم میشود .. باید مسؤلین خانواده ها محتاط باشند و به فامیل های شان اجازه ندهند که در چنین عروسی ها و محافل مشبوه شکنند .. زیرا سبب بربادی خانواده ها می شود.





## مسأله انتخابات یک امر اجتهادی است

یکی از دوستان از کابل چنین سوال نموده:

استاد محترم آیا انتخابات حرام است مثلیکه ملاحا  
میگویند که حرام است و باید که شرکت نکنیم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

شرکت کردن ، کاندید شدن در انتخابات به سیاست  
شرعی واجتهاد علماء وفقهای هر کشور تعلق دارد و یک امر  
اجتهادی است که باید روی آن اختلاف نشود، نظر به  
مصلحت اسلام و مسلمانان تصمیم اتخاذ گردد، زیرا نص  
شرعی قطعی وجود ندارد که انتخابات را منع کرده باشد،  
واگر واقع زمانه تقاضا این را داشته باشد که از طریق  
پارلمان به اسلام و به نفع مسلمانان خدمت کرده می شود  
باید شرکت کرد، و نیز جهت رسانیدن افراد متخصص و صالح  
کوشان بود، زیرا این هم یک وسیله است برای خدمت به  
اسلام ، شرکت نکردن و دور بودن مسلمان را از خدماتیکه از  
طریق منابر سیاسی انجام دادنش ممکن است محروم  
میسازد.

ملاحای که بعوض سیاست شرعی علم منطق را  
آموخته اند واقع فعلی را درک نمی کنند و در اظهار نظر  
شان انتخابات را تحریم میکنند و در مواقع ضرورت

ومشکلات به دروازه‌ها و دفاتر وکلای پارلمان می‌روند ولو که بعضی این وکلاء افراد غیر ملتزم هم باشند، در حالیکه سیاست شرعی و عرف فعلی تقاضای اینرا دارد که بعوض محتاج بودن به اشخاص دیگر شخصتیهای نیک و صالح نیز در منابر سیاسی وجود داشته باشند تا اینکه مصدر خدمت شوند.

اصل حقیقت این است که مجلس حل و عقد صاحب تعیین سرنوشت سیاسی مردم میباشد اما در شرائط کنونی کشور ما تعامل بالواقع تقاضای شرکت در انتخابات را دارد که ائتلاف وسیعی از دوستان داران دین مبین اسلام احزاب سیاسی و ملی باهم توافق نمایند و در انتخابات به شکل قوی و گسترده شرکت کنند و این به نفع کشور و هموطنان ما است در غیر آن میدان سیاست را ترک کرده اند که جای شان خالی میماند.



### بهتر است که اطفال قبل از هفت سالگی ختنه شوند

یکی از دوستان از ولایت ننگرهار چنین سوال نموده:

ختنه سنت است میشود که برایم بگویید که در چی وقت باید ختنه شود یعنی قبل از چند سالگی؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله اما بعد:

بر ولی امر اطفال ووالدینش واجب است که اطفال را قبل از هفت سالگی ختنه نمایند زیرا در هفت سالگی باید نماز خواند را شروع کند و باید قبل از این وقت ختنه شود. این راجح است. در حالیکه بعض علماء گفته اند که در روز هفتم بعد از تولد ختنه شود، وقول دیگری است که در جوانی ختنه شود، لیکن فقهای معاصر این این قول را ترجیح داده اند که باید قبل از هفت سالگی ختنه شوند.



### تعلیم قرآن در مقابل پول جواز دارد

یکی از دوستان چنین سوال نموده:

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته یک سؤال داشتم پول را که مدارس اسلامی در مقابل تعلیم قرآن از شاگردان مدرسه میگیرند درست است یا خیر؟ آیا تعلیم قرآن در مقابل پول اجر و پاداش دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

قرآن کریم کتاب الله متعال است که شامل اوامر و نواهی او تعالی برای هدایت بشریت است، وبر مسلمانان واجب و لازم است که به این کتاب آسمانی که ناسخ همه

کتابهای آسمانی است اهتمام نمایند وبخاطر تعلیم و تدریس ، تلاوت، تفسیرش همه تلاشها را بخرج دهند واین امر را یک موضوع ثانوی نیندارند.

در اصل معلمین و استادان قرآن کریم باید از بیت المال حکومت معاش داشته باشند واکر در مواردی بیت المال از برداختن معاشات آنها عاجز بماند مردم در این مورد سهم بگیرند تا اینکه تعلیم قرآن الکریم صفت استمراریت را بخود بگیرد.

البته معلمان و محفظین و استادان بی بضاعت قرآن کریم، علوم شرعی، ملا امامان مساجد، مؤذنین که هیچ مدرکی ندارند و خود را وقف تدریس و تعلیم قرآن کریم و علوم شرعی کرده اند برای شان جواز دارد که بخاطر زندگی خود پول معقول از تعلیم و تدریس خود بدست بیاورند لیکن از تعلیم و تدریس قرآن کریم تجارت و بزنس نسازند.

البته معلمین که ضرورتمند نباشند بهتر است که بشکل مجانی تدریس کنند تا اینکه اجر و ثواب بآدمی آن شامل حال شان شود.. رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: " خیرکم من تعلم القرآن

وعلمه<sup>۱</sup> بهترین شما کسی است که قرآن را بیاموزد  
وبیاموزاند و تعلیم بدهد.

کرفتن معاش اجوره تعلیم تعلیم قرآن و فیس دادن  
شاکردان را علماء از این حدیث صحیح که امام بخاری  
روایت کرده است رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده  
است: "إن أحق ما أخذتم عليه أجرًا كتاب الله"<sup>۲</sup> کرفتن اجوره از  
کارهای مشروع جواز دارد و تعلیم قرآن کریم در اولویت آن  
است.



### بالا کردن دستان از اسباب قبولی واستجابت دعاء است

یکی از دوستان محترم ما از تاجکستان چنین سوال  
نموده:

آیا بالا کردن دستان در دعای بعد از نماز فرض اصل  
دارد؟

---

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب فضائل القرآن، باب: خیرکم من تعلم القرآن و علمه، رقم  
الحدیث: (۵۰۲۷)، (ج ۶، ص ۱۹۲).

<sup>۲</sup> - صحیح البخاری، کتاب الطب، باب الشرط فی الرقیة بقطع من الغنم، رقم الحدیث:  
(۵۷۳۷)، (ج ۷، ص ۱۳۱).

### الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

بالا کردن دستان به شکل عام از اسباب استجابات و قبولی دعای مسلمان است و در سنت عملی و قولی ثابت است رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "إن ربکم حیي کریم یستحي من عبده إذا رفع یدیه إلیه یردهما صفراً"<sup>۱</sup> بروردگار شما بسیار با حياء و مهربان است و از بنده خود حياء میکند هنگامیکه دست خود را در دعاء بالا کند و آنرا رد کند بی نتیجه یعنی صفر، بلکه مهربان است و دعایش را قبول میکند.

اما اگر بدون بالا کردن دستان هم دعاء میکند باکی ندارد زیرا در بالا کردن دستان در دعای بعد از نماز فرض کدام حدیث خاص وارد نیست و به خود مسلمان دعاء کننده تعلق دارد که به کدام شیوه دعاء میکند، می شود که بعض وقت دستان خود را بالا کند و بعض وقت نکند.



<sup>۱</sup> - سنن أبي داود، كتاب الصلاة، باب الدعاء، باب تفریع أبواب الوتر، رقم الحدیث:

(۱۴۸۸)، (ج ۲، ص ۷۸).

## آیا بوسیدن دست علماء و پدر و مادر و ماما و کاکا جواز دارد

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در مورد سوال دوست محترم ما باید بنویسم که بوسیدن دست پدر و مادر و نیز بوسیدن دستان علمای راستین و دعوتگران برزگ جواز دارد و هیچ ممانعت شرعی وجود ندارد و دلیلی بر منع آن نیست زیرا این کار یک نوع احترام و تقدیر کردن است و از عادات خوب است و اصل در عادات این است مباح است.. لیکن بهتر است که درین کار هم توسع و زیاده روی نشود و دستان مردم را حق و ناحق انسان نبوسد.

اما خم کردن و انحناء جواز ندارد و حرام است زیرا تقدیس و تعظیم شمرده می شود.

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وآله وصحبه أجمعین



## سفر کردن بخاطر تجلیل نوروزی به شهر مزار

یکی از دوستان چنین سوال نموده:

استاد محترم آیا تجلیل هر ساله نوروز و رفتن در روضه سخی مزار شریف چی حکم دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

این نوع تجلیل از نوروز در زیارت وهمی خرافاتی بنام روضه گناه کبیره شمرده می شود و در دین مبین اسلام اساس و مستند شرعی ندارد بلکه مخالف صریح رهنمودهای پیامبر اسلام محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم است که در حدیث صحیح بخاری و مسلم فرموده است: "لا تشد الرجال إلا إلى ثلاثة مساجد: المسجد الحرام، ومسجد الرسول صلی الله علیه وسلم، ومسجد الأقصى"<sup>۱</sup>، برای مسلمان جواز ندارد که برای عبادت سفر کند و مسافه ها را طی نماید مگر در سه مسجد بزرگ که عبارت است از المسجد الحرام در مکه مکرمه قبله فعلی مسلمانان، و مسجد رسول الله صلی الله علیه وسلم در مدینه نبوی که باساس تقوا پایگذاری شده، و مسجد اقصی قبله اولی مسلمانان البته بعد از آزادی از قید یهود و صهیونیسم.

کسانی که در برگزاری این محفل و آمادگی آن سهم دارند و یا آنانیکه سر برستی میکنند جی از ادارات رسمی و غیر رسمی و یا عامه مردم همه گنهگار می شوند و مردمان

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب فضل الصلاة في مسجد مكة والمدينة، باب فضل الصلاة في مسجد مكة والمدينة، رقم الحديث: (۱۱۸۹)، (ج ۲، ص ۶۰).



که در شرک آوردن به الله متعال واقع می شوند در این محافل اینها نیز در گناه همه شریک هستند.



## اعمار مساجد از پول پروگرام همبستگی ملی وزارت انشکاف دهات

یکی از مسئولین محترم وزارت انشکاف دهات جنین سوال نموده:

آبا پول پروگرام همبستگی ملی که توسط کشور های غیر اسلامی از طریق بانک جهانی تمویل میگردد اعمار مساجد جواز دارد یاخیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

در اصل مساجد که خانه های الله متعال و عبادتگاه مسلمانان است باید از پول و پیسه حلال ساخته و اعمار شود و از پول و پیسه سود، حرام و حتی مشبوه ساخته نشود زیرا مسلمان باید عزت، احترام و جایگاه مسجد را بداند.. کسانی مساجد را اعمار میکنند که به الله متعال، و به روز آخرت ایمان دارند نیز نماز خوان می باشند، و زکات میدهند، و غیر از الله متعال از کسی ترس و هراس ندارند، و آنها یقینا که از بندگان هدایت شده او تعالی هستند: "إِنَّمَا

يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى  
 الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ<sup>۱</sup>  
 او تعالی ذات پاک است و بغير از مال پاک و حلال چیزی را  
 نمی پذیرد چنانچه به زبان رسول لله صلی الله علیه و سلم  
 در حدیث صحیح بیان شده "إِنَّ اللَّهَ طِيبٌ لَا يَقْبَلُ إِلَّا طَيِّبًا"<sup>۲</sup>.

باید بدانیم که هر پول و پیسه که برای فقیران ،  
 مسکینان داده می شود مصرف کردن آن در ساخت، اعمار  
 و خرید فرش مساجد، خریدن و چاپ کردن مصاحف، تجهیز  
 و تمویل مراکز تحفیظ قرآن کریم جواز ندارد تا اینکه مصدر  
 و تمویل کننده آن معلوم نباشد و مسلمان متأكد شود که  
 مال حرام، سود و یا پول و پیسه غیر شرعی نباشد.. زیرا  
 ساختن و اعمار مساجد از خود احکام خاص دارد.

اما اگر پول و پیسه پروگرام همبستگی ملی از طرف  
 بانک جهانی بدولت افغانستان تسلیم داده شود و بدسترس  
 وزارت انشکاف دهات قرار گیرد و بدون قید و شرط بتواند به  
 مصرف برساند اعمار مساجد توسط این پول جواز دارد، و در  
 آن هیچ مانع و حرج شرعی وجود ندارد زیرا حالا وزارت  
 انشکاف دهات از خزانة دولت به مصرف میرساند و ملکیت

<sup>۱</sup> - سورة التوبة: ۱۸ .

<sup>۲</sup> - صحیح مسلم، کتاب الزکاة، باب قبول الصدقة من الکسب الطیب و تربيتها، رقم  
 الحدیث: (۱۰۱۵)، (ج ۲، ص ۷۰۳).

دولت و مردم افغانستان است.. و مسئولین بانک جهانی و کشورهای کمک دهنده غیر مسلمان در سرپرستی، ساختن، و اداره تأثیر ندارند.

اما اگر مشروط و مقید باشد مصرف کردن این پولها که خود آنها یعنی غیر مسلمانان در ساختن و اعمار مساجد سهیم باشند و اداره مسجد را بدست داشته باشند در این صورت استفاده از این پول و پیسه جواز ندارد و حرام است.

و نیز اگر از طرف تمویل کننده گان قید و شرط وجود داشته باشد که از این پولها نباید در اعمار مساجد استفاده شود در این صورت نیز استفاده از این پولها در اعمال و ساخت و ترمیم مساجد جواز ندارد زیرا مسلمان باید پابند عهد و پیمان خود باشد ولو با غیر مسلمان..

اما به هر حال پولهای که از پروگرام همبستگی ملی که توسط کشور های غیر اسلامی از طریق بانک جهانی تمویل میگردد اضافه می ماند در موارد ذیل مصرف شود:

۱- کمک رسانی ها در حالات سیلاب و قحطی و یا زلزله.

۲- در بخشهای پیشرفت و ترقی ساینس و تکنالوجی.

۳- در آب و برق رسانی در جاها و مناطق دور دست.

۴- کمک به مهاجرین برگشت کننده از کشورهای همسایه و یا مهاجرین بیجا شده از جنگهای داخلی مثل مهاجرین کندز و هلمند.

۵- کمک و خریدن البسه به زندانیان در محابس.

۶- کمک به یتیمان و بیوه زنان و فامیلهای بی بضاعت و محتاج.

۷- ساخت و ترمیم شفاخانه ها و مراکز طبی و صحتی.

۸- ساخت و اعمار سرکها و راه های مواصلاتی.



### قرآن خواندن با چشمان فقط بدون حرکت زبان

یکی از هموطنان عزیز ما سوال نموده :

آیا کسی که قرآن کریم را تنها با چشمان خود بخواند و زبان خود را حرکت ندهد شامل اجر و ثواب میشود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

مذاهب فقهی چهارگانه اتفاق دارند که خواندن و تلاوت قرآن کریم با حرکت دادن زبان بجا آورده میشود و ثواب دارد، و خواندنی که در آن زبان حرکت داده نشود تلاوت

شمرده نمی شود و نماز نیز با این نوع خواندن قبول نمی شود.



## رهنمایی شرعی برای هموطنان عزیز ما هنگام واقع شدن زلزله

یکی از محصلین فاکولته شرعیات دانشگاه کابل چنین سوال نموده:

دروقت زلزله هفت قدم راه رفتن کدام دلیل شرعی دارد  
و مسلمان در وقت وقوع زلزله چگونه عمل نماید؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اولاً: مسلمان باید ایمان و باور داشته باشد که وقوع زلزله یکی از نشانه های برزگی الله متعال در کون وهستی و دنیا است، بندگان او تعالی توسط آن در ابتلاء و امتحان قرار میگیرند و حکمت وقوع آن تذکیر و ترس نشان دادن میباشد، نیز نازل شدن عذاب بر گنهگاران و انسانهای غافل از عبادت او تعالی میباشد.

ثانیا: هنگامیکه مسلمان می بیند که زلزله واقع میشود فوراً بطرف الله متعال رجوع کند و نزد او تعالی اظهار عاجزی وضعف نماید و بیچارگی خود را نمایان سازد توبه نموده

ودست بدعاء شود که الله متعال این بلاء ومصیبت را را دفع و رفع نماید، زیرا سنت الهی این است که هنگام وقوع مصیبتها و آفات توسط ذکر و دعاء اظهار عاجزی نماید، الله متعال در قرآن کریم فرموده است: "فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا"!

در امتهای سابقه هنگامیکه شدت وسختی ما بر آنها میرسید به الله رجوع میکردند، ازینرو علماء مستحب دانسته اند که در این موارد مسلمان دعاء نماید و استغفار و توبه کند.

ثالثاً: صدقه و خیرات دادن را فراموش نکنیم زیرا که در موارد مصیب و بلاء مستحب است که مسلمان خیرات کند و صدقه بدهد و قلب و دل فقیران و مساکین را کسب کند تا اینکه در نتیجه دعای آنها رحمت نازل شود، رسول الله در حدیث صحیح فرموده است: "الراحمون یرحمهم الرحمن، ارحموا من فی الأرض یرحمکم من فی السماء"<sup>۲</sup>.

کسانیکه که بر مردم شفقت و مهربانی دارند الله متعال آنها را شامل رحمت و مهربانی خود می نماید، ای بندگان الله شما بر کسانیکه در روی زمین است مهربانی کنید تا اینکه او تعالی از آسمان به شما مهربانی کند.

<sup>۱</sup> - سوره الأنعام، آیت: ۴۲.

<sup>۲</sup> - سنن أبي داود، كتاب الأدب، باب في الرحمة، رقم الحديث: (۴۹۴۱)، (ج ۴، ص ۲۸۵).

نیز آنحضرت صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "من لا یرحم لا یرحم"<sup>۱</sup>.

کسی بر مخلوقات و انسانها مهربانی نداشته باشد شامل مهربانی و رحمت او تعالی نمی شود، طبیعی است که کسی از رحمت و مهربانی او تعالی دور باشد حتما در مصائب و مشکلات گیر میماند و می افتد.

وهمین صدقه دادن بهترین شیوه و طریقه مهربانی بر مردم است، زیرا امام بخاری در صحیح خود روایت نموده است که خلیفه مسلمانان عمر بن عبد العزیز به والیان خود دستور میداد که هنگام وقوع زلزله صدقه بدهند.

رابعاً: مستحب است که هنگام وزیدن باد و شمالهای شدید و طوفان و سیلاب و زلزله و آفتاب و مهتاب گرفتگی این دعای مسنون را مسلمان بخواند زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم هنگام وزیدن باد شدید آنرا می خواند: "اللهم إني أسألك خیرها وخیر ما فیها وخیر ما أرسلت به، وأعوذ بك من شرها وشر ما فیها وشر ما أرسلت به"<sup>۲</sup>.

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب الأدب، باب رحمة الولد وتقيله ومعانقته، رقم الحدیث: (۵۹۹۷)، (ج ۸، ص ۷).

<sup>۲</sup> - صحیح مسلم، کتاب صلاة الاستسقاء، باب التعوذ عند رؤية الريح والغيم، والفرح بالمطر، رقم الحدیث: (۸۹۹)، (ج ۲، ص ۶۱۶).

بارِ إلهها از ذات تو خیر وزیدن این باده‌ها وهر آنچه را که با خود می‌آورد می‌خواهد و به تو پناه می‌برم از شر آن و شر ومصیبت‌های که همراه این وزش باد می‌آید و فرستاده شده.

خامسا: از اسباب وقوع زلزله و طوفان و نازل شدن مصیبت‌ها گناهان و معاصی و ظلم در روی زمین می‌باشد که اگر که مردمان صالح و نیکوکار مردم را نصیحت نکنند و امر بالمعروف و نهی عن المنکر نماید و ظالم را از ظلم منع نکند و با مظلومین همدردی نکند همه به مصیبت گرفتار میشوند و مستحب این است که مسلمان تلاش نماید هنگام زلزله و مصائب ظالم را تذکیر کند که حق مظلوم را بدهد.

سادسا: مسلمان در وقت زلزله یک سلسله تدابیر و قایه وی هم داشته باشد بعد از توکل به الله متعال و بر او لازم است که در وقت واقع شدن زلزله خود و اعضای فامیل و وزیر دستان خود را بجای محل نسبتا امن برساند مثلا خود را از نزدیکی کلکین و شیشه و دیوارها دور نگهدارد و این کار مسلمان منافی ایمان به قضاء و قدر نیست بلکه گرفتن اسباب مشروع است و عمل به شریعت است و به درجه فرضیت و واجب بودن نیز میرسد در صورتیکه بقاء و ماندن در خانه و در جاهای خطر سبب هلاکت انسان شود.

اما در وقت زلزله تنها هفت قدم راه رفتن کدام سند و اساس و دلیل شرعی ندارد تنها یک برداشت مردم است



ليکن تلاش کردن بخاطر نجات نفس خود انسان و خانواده وزير دستانش يک امر شرعى است نه تنها هفت قدم بلکه هر حرکت و تلاش کار خوب و مطابق شريعت است.



## گرانو هېوادوالو ته د زلزلي د واقع کېدو پر وخت شرعي لارښوونې

د کابل پوهنتون د شرعياتو پوهنځي يو  
محصل دارنگه پوښتنه کړې ده:

د زلزلي پر وخت اوه قدمه تلل کوم شرعي  
دليل لري، او مسلمان د زلزلي د واقع کېدو پر  
وخت څرنگه عمل وکړي ؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اولاً: مسلمان بايد ايمان او باور ولري چې د  
زلزلي واقع کېدل په کائناتو او دنيا کې د الله تعالى  
د لويوالي يوه نښانه ده ، د هغه تعالى بنده گان د  
هغې پواسطه په ابتلاء او ازموينه کې قرار نيسي او  
د واقع کېدو حکمت يې تذکیر او وپره ښودل وي ،  
همدارنگه د عذاب نازلېدل دي پر گنهگارانو او د  
هغه تعالى له عبادته په غافلو انسانانو .

ثانيا: کله چې مسلمان ويني چې زلزله واقع کېږي فوراً دې د الله تعالى لوري ته رجوع وکړي او د هغه تعالى په وړاندې دې د خپلې عاجزۍ، کمزورۍ او بې وسۍ اظهار وښيي، توبه دې وکړي او لاس په دعاء دې شي چې الله تعالى دا بلاء او مصيبت لره دفع او رفع کړي... ځکه چې الهي سنت دا دي چې د مصيبتونو او آفاتو د وقوع پر وخت د ذکر او دعاء پواسطه عاجزي اظهار کړای شي، الله تعالى په قرآن کریم کې فرمايلي دي:

"فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا"

په مخکنو امتونو کې کله به چې زموږ شدت او سختي پر هغو راتله، الله ته به يې رجوع کوله (که چېرته داسې وای).. ددې له مخې علماؤ مستحب گڼلې ده چې په دې مواردو کې مسلمان دعاء وکړي او استغفار او توبه وکړي.

ثالثاً: صدقه او خيرات ورکول هم هېر نکر و ځکه چې د مصيب او بلاؤ په مواردو کې مستحب دي چې مسلمان خيرات وکړي او صدقه ورکړي او د فقيرانو او مساکينو زړونه لاسته راوړي تر څو د هغوئ د دعاء په پايله کې رحمت را نازل شي، رسول الله په صحيح حديث کې فرمايلي دي:

۱ - سورة الأنعام، آيت: ۴۲.

"الراحمون يرحمهم الرحمن ، ارحموا من في الأرض يرحكم من في السماء".<sup>۱</sup>

هغه کسان چي پر خلکو شفقت او مهرباني لري  
الله تعالى هغوي په خپل رحمت او مهرباني کي  
داخلي ، اي د الله بند گانو تاسو په هغو مهرباني  
وکړي چي د ځمکي پر مخ دي ترڅو چي هغه تعالى  
له آسمانه په تاسو مهرباني وکړي .

همدارنگه آنحضرت صلی الله عليه وسلم په  
صحيح حديث کي فرمايلي دي: "من لا يرحم لا  
يرحم"<sup>۲</sup>.

څوک چي پر مخلوقاتو او انسانانو مهرباني و  
نه لري د هغه تعالى په مهرباني او رحمت کي نه  
داخليږي ، طبيعي ده چي څوک د هغه تعالى له  
رحمت او مهرباني څخه لېري وي حتما په مصائبو  
او ستونزو کي اخته او غورزېږي .

او هم دا صدقه ورکول په خلکو د مهرباني  
کولو بهترينه لاره او طريقه ده ، ځکه امام بخاري

<sup>۱</sup> - سنن أبي داود، كتاب الأدب، باب في الرحمة، رقم الحديث: (۴۹۴۱)، (ج ۴)، ص ۲۸۵.

<sup>۲</sup> - صحيح البخاري، كتاب الأدب، باب رحمة الولد وتقبيله ومعانقته، رقم الحديث: (۵۹۹۷)، (ج ۸، ص ۷).

په خپل صحیح کې روایت کړی دی چې د مسلمانانو خلیفه عمر بن عبد العزیز خپلو والیانو ته امر کوو چې د زلزلې د واقع کېدو پر وخت دې صدقه ورکړي.

رابعاً: مستحب ده چې د شدید باد او شمال، طوفان، سیلاب، زلزلې، لمر نیونې او سپوږمۍ نیونې پر وخت مسلمان دا مسنونه دعاء وکړي ځکه رسول الله صلی الله علیه وسلم د شدید باد لگېدو پر وخت دا دعاء کوله: "اللهم إني أسألك خیرها وخیر ما فیها وخیر ما أرسلت به، وأعوذ بك من شرها وشر ما فیها وشر ما أرسلت به".<sup>۱</sup>

یا إلهی ستا له ذات څخه ددې بادونو لگېدو خیر، هغه خیر چې پکې دی او هغه څه چې له ځان سره راوړي خیر غواړم، او له شر څخه یې پنا غواړم او هغه شر او مصیبتونه چې پکې دي، او هغه څه شر او مصیبتونه چې له ځان سره راوړي پنا غواړم.

خامساً: د زلزلې او طوفان د واقع کېدو او مصیبتونو د نازلېدو ځینې اسباب گناهونه، معصیت او د ځمکې پر مخ ظلمونه دي چې که

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، کتاب صلاة الاستسقاء، باب التعوذ عند رؤية الريح والغيم، والفرح

بالمطر، رقم الحديث: (۸۹۹)، (ج ۲، ص ۶۱۶).

چېرته صالحان او نيکان خلکو ته نصيحت ونکړي او امر بالمعروف و نهی عن المنکر ونکړي او ظالم له ظلم څخه منع نکړي او له مظلومانو سره همدردی ونکړي، نو ټول په مصيبت کې گرفتارېږي او مستحب دا دي چې مسلمان هڅه وکړي چې د زلزلې او مصائبو پر وخت ظالم ته تذکیر وکړي چې د مظلوم حق ورکړي .

سادسا: مسلمان بايد د زلزلې پر وخت يو لړ وقايع وي تدابير هم ولري او بيا وروسته په الله تعالى توکل. او پر هغه لازم دي چې د زلزلې د واقع کېدو پر وخت ځان، د کورنۍ غړي او لاس لاندې کسان يو نسبتا امن ځای ته ورسوي مثلا ځانونه له کرکۍ ته نژدې ځای، شيشو او ديوالونه څخه وړاندې کړي او د مسلمان دا کار په قضاء او قدر باندې د ايمان منافي نه دی بلکه د مشروع اسبابو څخه ګټه اخستل دي او په شريعت عمل دی او د فرضيت او واجبېدو درجې ته هم رسېږي په هغه صورت کې چې په کور او د خطر په ځايونو کې د پاتې کېدو په سبب د انسان هلاکت وشي .

اما د زلزلې پر وخت يوازې او ه قدمه تلل کوم شرعي سند، اساس او دليل نه لري تنها د خلکو يو برداشت دی ليکن د خپل نفس، کورنۍ او لاس

لاندې انسانانو د خلاصون په خاطر کوشش کول  
یو شرعي امر دی.



**شفاعت کردن و واسطه شدن در کارهای خیر، مشروع است**

یکی از دوستان سوال نموده:

استاد محترم السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته، یک  
سوال دارم .. آیا جواز دارد که واسطه کسی را قبول کنم  
..حالا قسمی مروج است که بیشتر کارها توسط واسطه به  
پیش میرود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

درین شکی نیست که شفاعت کردن و واسطه شدن در  
کارهای مباح، مشروع نه تنها جائز است بلکه سنت رسول  
الله صلی الله علیه وسلم است و عبادت الله متعال است، و از  
زیبائیها و خوبیها و فضائل دین مبین اسلام بشمار می رود،  
زیرا یأس و ناامیدی را به به خوشحالی و امیدواری مبدل  
میسازد و سبب پیاده شدن عدالت و رحمت در روی زمین  
میگردد.

در احادیث صحیح و در سنت عملی ثابت است که  
رسول الله صلی الله علیه وسلم در موارد زیاد به شفاعت

وواسطه شدن در کارهای خیر و مشروع پرداخته بخاطر آسانی کارهای مردم، بخاطر تحقق ازدواج بعض صحابه کرام و خواستگاری، بخاطر مهلت دادن به قرضداران.

و بعض وقت به درجه واجب بودن هم میرسد که اگر بخاطر بر طرف کردن ظلم باشد و یا حصول حق تلف شده یک انسان.. رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح بر شفاعت کردن در کارهای خیر و مباح تشویق نموده و فرموده است: "اشفعوا توجروا"<sup>۱</sup> شفاعت بکنید که در آن اجر دارید.. و نیز در حدیث صحیح دیگری فرموده است: "والله في عون العبد ما كان العبد في عون أخيه"<sup>۲</sup> الله متعال یاری کسانی را میکند که به کمک و همکاری برادران خود بشتابد.. و همچنان واسطه شدن همکاری در راه خیر است بخاطر آسان سازی زندگی برادران و خواهران مسلمان، الله متعال بر این همکاری امر نموده و فرموده است: "وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ"<sup>۳</sup> در کارهای خیر و نیکو همکاری کنید و در کارهای بد و زشت و ناروا که تجاوز بر حرمت الله باشد

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب الزکاة، باب التحریض علی الصدقة والشفاعة فیها، رقم الحدیث: (۱۴۳۲)، (ج ۲، ص ۱۱۳).

<sup>۲</sup> - صحیح مسلم، کتاب الذکر والدعاء والتوبة والاستغفار، باب فضل الاجتماع علی تلاوة القرآن وعلی الذکر، رقم الحدیث: (۲۶۹۹)، (ج ۴، ص ۲۰۷۴).

<sup>۳</sup> - سورة المائدة: ۲.

همکاری نکنید..واز الله متعال بترسید که عذابش دردناک است.

شفاعت کردن، و واسطه شدن، و پادرمیانی نه تنها در کارهای مادی و بر آورده ساختن حاجتمندی مردم ثواب دارد و سبب کسب رضای الله متعال می شود بلکه شامل جوانب معنوی هم می شود.

البته واسطه شدن حق دیگران تلف شود و یا بالای شان ظلم واقع شود نه تنها جواز ندارد بلکه حرام و گناه شمرده می شود..نیز شفاعت کردن در حدود ناروا میباشد بعد از رسمی شدن و صادر شدن حکم محکمه اما قبل از آن بخاطر تنازل کردن و صلح نمودن مشروع است که مسلمان برادر خود را عفو کند.

مسلمان باید در هر جا و هر ساحه و میدان کلید خیر و قفل شر باشد زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث که ابن ماجه روایت کرده و شیخ البانی بر آن صحت گذاشته فرموده اند: " إِنَّ هَذَا الْخَيْرِ خَزَائِنٌ ، وَلَتَلِكِ الْخَزَائِنِ مَفَاتِيحٌ ، فَطُوبَى لِعَبْدٍ جَعَلَهُ اللَّهُ مِفْتَاحاً لِلْخَيْرِ ، مَغْلَاقاً لِلشَّرِّ . وَوَيْلٌ لِعَبْدٍ جَعَلَهُ اللَّهُ مِفْتَاحاً لِلشَّرِّ ، مَغْلَاقاً لِلْخَيْرِ " <sup>۱</sup> این خیر و نیکی و وسائل آن که بدست ما قرار دارد عبارت است از خزانها که

<sup>۱</sup> - سنن ابن ماجه، باب من كان مفتاحاً للخير، رقم الحديث: (۲۳۸)، (ج ۱، ص ۸۷).



کلید دارد، و جنت برای کسانی وعده داده می شود که کلید خیر باشند برای نشر این خزائن نیکو و اعمال صالح، و دوزخ و بربادی و هلاکت برای کسانی داده می شود که ازین خیر و نعمتها استفاده سوء میکنند و کلید شر و دعوتگران بسوی نابسامینها و زشتیها می شوند.. پس باید کلید خیر و دعوتگران بسوی نیکوکاریها شویم و از وسائل دست داشته خود برای آسانی کارهای دیگران استفاده کنیم.



**برای زن و شوهر جواز دارد که دستان همدیگر را ببوسند**

یکی دوستان سوال نموده:

بوسه کردن دست شوهر جائز است یا نه ؟

الحمد لله وحده، والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

الله متعال زن و شوهر را لباس و ستر یکدیگر کردانیده، و فرموده است " هن لباس لكم وأنتم لباس لهن"<sup>۱</sup>.

<sup>۱</sup> - سورة البقرة: ۱۸۷.

ورسول الله صلى الله عليه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "احفظ عورتك إلا من زوجتك" <sup>۱</sup> عورت خود را بیوشان مکر از خانم خود.. در صورت خانمها می توانند عورت شوهر را ببینند بس در این شکی نیست آنها می توانند دستان شوهران را ببوسند بخاطر احترام اگر شوهر عالم باشد ویا بخاطر دوست و شهوت در هر دو صورت جواز دارد و نیز برای شوهران هم جائز و مشروع است که دستان خانمان شان را ببوسند بخاطر محبت و دوستی و شوخی.

اما بوسیدن دستان زن و شوهر نه واجب است و نی هم سنت و مستحب تنها مباح است.



### شیر دادن اطفال در حالت جنابت مانع شرعی ندارد

یکی از خواهران سوال نموده:

آیا خانمها می توانند اطفال شان را در حالت جنابت شیر بدهند.. یک مولوی گفته که باید شیر ندهند؟

<sup>۱</sup> - سنن أبي داود، كتاب الحمام، باب ما جاء في التعري، رقم الحديث: (۴۰۱۷)،

هیچ دلیل وجود ندارد که از شیر دادن اطفال در حال جنابت منع کرده باشد



### بالا کردن دستها در دعای بعد از خوردن غذا در سنت ثابت نیست

برادر عزیز ما حافظ صاحب محبوب حمیدی سوال نموده :

در صورت انفرادی و یا اجتماعی بعد از غذا دست بالا کرده دعاء کرده شود یا خیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

طریقه سنت این است که در اول و ابتدای غذا خوردن (بسم الله) گفته شود، و اگر فراموش گردد در اثنای خوردن بسم الله اوله و آخره بزبان آورده شود.

و در آخر غذا و طعام این دعاء را بخواند که در سنن أبو داود ثابت است: "الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ، غَيْرَ مَكْفِيٍّ وَلَا مُسْتَعْنِي عَنْهُ رَبَّنَا"<sup>۱</sup>.

<sup>۱</sup> - سنن أبي داود، كتاب الأَطعمة، باب ما يقول الرجل إذا طعم، رقم الحديث: (۳۸۴۹)، (ج ۳، ص ۳۶۶).

و یا این دعاء را بخوانش بگیرد: "الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنِي هَذَا، وَرَزَقَنِيهِ مِنْ غَيْرِ حَوْلٍ مِنِّي وَلَا قُوَّةٍ"<sup>۱</sup>.

و اگر مهمان کسی باشد در آخر غذا این دعاء بخواند: "اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ وَأَطْعِمْنَا خَيْرًا مِنْهُ"<sup>۲</sup>.



### منع استفاده عطر برای خانمها در بیرون از خانه

یکی از خواهران از شهر هرات سوال نموده:

آیا درست که خانمی که عطر زده از خانه بیرون میرود گنهگار میشود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اولاً: عطر زدن خانمها در خانه جایز و مشروع است و در شریعت ممانعت وجود ندارد نیز هنگامیکه خواهش میداشته باشند که در مجالس زنانه حضور یابند و در مسیر راه شان با مردان نامحرم روبرو نمی شوند عطر زده می توانند.

<sup>۱</sup> - سنن الترمذی، أبواب الدعوات عن رسول الله صلى الله عليه وسلم، باب ما يقول إذا فرغ من الطعام، رقم الحديث: (۳۴۵۸)، (ج ۵، ص ۵۰۸).

<sup>۲</sup> - سنن الترمذی، أبواب الدعوات عن رسول الله صلى الله عليه وسلم، باب ما يقول إذا أكل طعاماً، رقم الحديث: (۳۴۵۵)، (ج ۵، ص ۵۰۶).

ثانیا: خانمها ودخترانی که خود را معطر ساخته از خانه خارج میشوند و این کار شان باعث جلب توجه مردان نامحرم میگردند این شیوه وعمکرد شان ناجایز وحرام است.

رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح خانمها را از این عملکرد فتنه افزا تحذیر نموده وفرموده است: "أیما امرأة أصابت بخوراً فلا تشهد معنا العشاء"<sup>۱</sup>.

هر خانمی ودختری که عطر زده است پس با ما در نماز خفتن شرکت نکند، معنایش که سبب فتنه میشوند.

نیز در حدیث صحیح دیگری فرموده است: "أیما امرأة استعطرت ثم خرجت فمرت علی قوم لیجدوا ریحها فهی زانیة وکل عین زانیة"<sup>۲</sup>.

هر زن ودختری که عطر بزند، سپس از خانه ومنزل ودفتر ومکتب خارج شود و از کنار مجموعه از مردها بگذرد تا بوی عطر او را احساس کنند، پس او زنا کار است و هر چشمی که او را می بیند، زناکار است.

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، کتاب الصلاة، باب خروج النساء إلى المساجد إذا لم یترتب علیه فتنة، وأنها لا تخرج مطیبة، رقم الحدیث: (۴۴۴)، (ج ۱، ص ۳۲۸).

<sup>۲</sup> - سنن الدارمی، کتاب الاستئذان، باب: فی النهی عن الطیب إذا خرجت، رقم الحدیث: (۲۶۸۸)، (ج ۳، ص ۱۷۳۰).

## د قرآن کریم هغه مصاحفو سره چې قابل د استفادې نه وي د تعامل په هکله شرعي لارښوونې

د بغلان ولایت د ځینو علمای کرامو په استازیتوب یو مولوي صاحب دارنگه پوښتنه کړې ده او شرعي فتوا یې غوښتلې ده:

فقاہتمآب ممتاز صاحب د سلام له عرض وروسته، مور علماء او مولوي صاحبانو یو کوچنی مجلس درلود او د قرآن کریم د هغو مصاحفو چې پانې یې څیري شوي وي او د استفادې وړ نه وي او خلک یې هم له کورونو څخه مساجدو ته راوړي د ښخولو او یا سپزلو په اړه نو ومو غوښتل چې ستاسو نظر هم ولرو او زموږ لپاره معتمده فتوا تحریر کړئ/ولیکئ آیا دفن کول بهتره دي او یا یې سپزل؟ او که وسپزل شي ایرې یې چېرته یوسو؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

بلې دا ډېره مهمه پوښتنه ده ځکه چې خو ځله دوستانو په فردي ډول کړې او د لارښوونې غوښتنه یې کړې ده او ځکه چې هغه قرآن کریم او مصاحف چې فعلا قابل د استفادې نه دي او صفحې یې خوړل شوي، لیکل یې نه لوستل کیږي او که

خوک يې تلاوت کړي په غلطۍ کې واقع کېږي چون قابل د اصلاح هم نه دي ځکه چې کاغذي يې له منځه تللی لهذا بايد په احترامانه طريقه چې د کتاب الله تعالى احترام او د مسلمانانو دستور العمل پر ځای شي، له اهانت او بې حرمتۍ څخه پرته تعامل وشي، له تحريفولو او لاس وهلو څخه هم په امان کې پاتې شي او په ناپاکو او نا مناسبو ځايونو کې هم ونه غورزول شي، معاصرو فقهاؤ دارنگه لارښوونه کړې ده :

څرنگه چې د رب العالمين کلام (قرآن کریم) د بشریت د هدايت لپاره نازل شوی او د مسلمانانو دستور العمل دی او هغوی يې په تلاوت سره متعبد/بنده گي کوونکي دي او مکلف دي چې په معانيو او تفسير يې پوهه شي، په اوامرو يې عمل وکړي او له نواهيو يې اجتناب/ډډه وکړي، او دا چې په اندازه د قرآن کریم بل هيڅ کتاب د احترام وړ او واجب الاحترام نه دی، ورسره د تعامل کولو په اړه او يا د زړو او له منځه تلو قرآن کریمونو د ځای په ځای کولو په اړه او ددې برنامې د ترتيباتو په اړه بايد مولوي صاحبان، دانشمندان او دعوتگران تصميم ونيسي او سرپرستي يې په غاړه ولري ترڅو چې کومه بې احترامې صورت ونه نيسي:

۱- اولاً بايد قيچي شي او واره واره شي چې د  
 كلماتو او آياتونو او تورو هيڅ اثر يې باقي پاتې  
 نشي، په پاک ځای کې وسپزل شي، ايره يې په  
 بوجی کې واچول شي او په بحر او درياب په  
 اوبو کې واچول شي چې ذوب/ويلي شي او بهتره  
 دا ده چې د ايرې د بوجی په منځ کې تيرې هم  
 کېنودل شي چې ددې مصاحفو ايره د اوبو لاندې  
 پاتې شي، او هڅه دې وشي چې باد او شمال يې ايره  
 يونسي ځکه چې حتی ايره يې هم واجب الاحترام  
 ده.

۲- يا دا چې قيچي شي چې د هغه د آياتونو،  
 ليکلو، كلماتو او تورو هيڅ اثر باقي پاتې نشي او  
 په پاک ځای کې وسوزول شي او ايره يې له آباديو  
 څخه په يو لبرې ځای کې چې كاملاً پاک محيط وي،  
 دفن شي .

په هرو دو اړو حالاتو کې بايد حروف او  
 كلمات يې تلف شي چې قابل د لوستلو نه وي، او  
 لومړی شيوه/طريقه چې ايره د درياب په اوبو  
 کې ډوبې شي، بهتره، اولی او افضله ده ځکه ايره  
 ويلي کېږي او له نجاست او ناپاکۍ سره نه  
 گډېږي .





## بهتر است که شاگردان هنگام داخل شدن معلم در صنف ایستاد نشوند

یکی از دوستان سوال نموده:

آیا ایستاده شدن شاگردان هنگام داخل شدن مدیر و معلم و سر معلم جواز دارد؟

دوست دومی نیز سوال نموده اند:

ایستاده شدن و به پای خیزتن درمقابل دیگران و یابزرگان و یا ایستاده شدن شاگردان درمقابل استاد از نظر شرعی چی حکم دارد؟ و مفهوم حدیث پیامبر ص که میفرمایند: کسی که دوست داشته باشد که دیگران درمقابلش ایستاده شوند بوی بهشت به مشامش نمی رسد چیست؟ البته سننداین حدیث را دقیقاً نمی دانم. اگر این حدیث صحیح باشد پس برای استادان و یا بزرگانی که دوست دارند دیگران درمقابل شان به پاخیزند خطر بزرگ است. لطف نموده این موضوع را مدلل براریم واضح سازید؟ تشکر از شما.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

این موضوع زیاد تکرار می شود و در بسیاری از مدارس و مکاتب و پوهنتونها مروج است. بیم آن می رود که تعظیم

اشخاص صورت گیرد وهمه در گناه واقع شوند..چون نص صحیح وصریح وجود دارد که این عملکرد منع کرده به زبان رسول الله صلی الله علیه وسلم وصحابه کرام خصوصاً کاتب وحی معاویه رضی الله عنه " خرج معاوية على ابن الزبير وابن عامر، فقام ابن عامر، وجلس ابن الزبير، فقال معاوية لابن عامر: اجلس فياني سمعت رسول الله صلی الله علیه وسلم يقول: " من أحب أن يمثل له الرجال قياماً فليتبوأ مقعده من النار"<sup>۱</sup> معاویه ابن ابی سفیان رضی الله عنه در جای داخل شد که ابن الزبیر وابن عامر تشریف داشتند وابن عامر از جای خود برخاست وابن الزبیر نشست ومعاویه رضی الله عنه فرمود: که بنشین زیرا من از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیده ام که فرمودند: کسی که خوش دارد و پسند میکند که مردم برای تعظیمش برخیزند پس جایگاه خود را در آتش دوزخ انتخاب کند.

اما در مشروع بودن ایستاد شدن وبرخواستن بخاطر احترام علماء، دعوتگران، مهمانان وکسانیکه از سفر ومسافرت می رسند فقهاء اختلاف نظر دارند، بعض علماء مطلقاً جواز داده، وبخش دیگر شان ممنوع وناجائز دانسته برخی از آنها چنین تفصیل را ذکر کردند:

<sup>۱</sup> - سنن أبي داود، كتاب الأدب، أبواب النوم، باب في قيام الرجل للرجل، رقم الحديث:

(۵۲۲۹)، (ج ۴، ص ۳۵۸).

اما نووی در کتاب "الأذکار" نوشته: ایستادن بخاطر احترام و توقیر کسی که عالم و فاضل و دعوتگر باشد مستحب است.. به نیت توقیر و احترام نه به نیت تعظیم و ریاء.

وبدر الدین العینی در شرح بخاری از ابوالولید ابن رشد چهار حالت را در مورد ایستادن نقل نموده:

اول: ایستادن که گناه دارد و مشروع نیست اگر بخاطر تعظیم اشخاص متکبر باشد.

دوم: ایستادن برای بعض اشخاص مکروه که از آن سوء استفاده کند و یا اینکه بیم آن برود که در قلبش تکبر و عجب جا بگیرد و به ظالمان خود را تشبیه دهد.

سوم: ایستادن برای کسی مشروع و جائز است که اصلا خودش نخواهد لیکن مردم بخاطر احترامش ایستاد شوند و او نیز به ظالمان خود را تشبیه نکند و متواضع باشد.

چهارم: ایستادن بخاطر استقبال و سلام دادن کسانی که از سفر و مسافرت می رسند مستحب است که برایش خوش آمدید گفته شود.

خلاصه مطلب اینکه اگر بخاطر تعظیم باشد مکروه است، و اگر بخاطر احترام باشد مباح است.. و این را امام ابو حامد الغزالی و ابن حجر العسقلانی ترجیح دادند.

## رهنمودهای شرعی در مورد تعبیر خواب

یکی از خواهران از شهر جلال آباد چنین سوال نموده :

استاد خواب دیدن تا چپی حدی حقیقت دارد، مطلبیم این است که تا چپی حدی به واقعیت تبدیل میشود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

چگونه مطابق رهنمودهای اسلامی و بدور از خرافات و انحرافات هنگام خواب دیدن و تعبیر آن عمل کنیم؟

این موضوع ازینرو اهمیت دارد که در زندگی روز مره مردم واقع می شود و اگر مطابق سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم و رهنمودهای علمای راستین عمل نشود بدون شک مسلمان دچار سردرگمی میگردد. ..وهستند اشخاص ضعیف الإیمان که از خواب و تعبیر آن استفاده غلط و نادرست می نمایند ..و باید این مسأله هم در چوکات سنت و شریعت بررسی شود..تا غلط فهمی ها دور گردد.

و باید بنویسم که بر خواب دیدن هیچ حکم شرعی مرتب نمی شود، مکروه و حرام را مباح نمی گرداند، و مباح و مستحب را واجب نمی سازد، خواب اگر صحیح و درست باشد کسی که خواب می بیند اگر به آداب خواب دیدن ملتزم باشد و مطابق سنت رسول الله علیه سلم خواب خود

را تعبیر کند درین صورت خواب خوب عبارت است خوشخبری و بشارت، و خواب خراب عبارت است از اینکه انسان بر حذر باشد و اعمال خود را درست کند. زیرا در حقیقت در امتحان و ابتلاء قرار دارد. و دعاء کند زیرا قضاء و قدر را غیر از الله متعال هیچ ذاتی تغییر داده نمی تواند. لیکن دعاء فایده های زیادی دارد برای مسلمان در دنیا و آخرت.

یکی خواب درست و صحیح و صادق است که از طرف خداوند متعال است، و دوم حلم و تخیلات شیطانی است که از طرف شیطان است. و تخیلات شیطانی هیچ اثر ندارد.

رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "الرؤیا من الله، والحلم من الشیطان"<sup>۱</sup>.

اگر مسلمان خواب خوب می بیند باید الحمد لله بگوید و خداوند متعال را شکر گزار باشد و برای کسی که قابل اعتماد است برایش حکایت کند و اما اگر خواب خراب و بد و دلخراش می بیند معنایش اینکه خواب شیطانی است و به خداوند پناه بخواهد از شر شیطان و به کسی حکایت نکند و برایش درین صورت ضرر نمی رسد. زیرا صحابی جلیل القدر ابو سعید الخدری رضی الله عنه در حدیث صحیح از

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب الطب، باب النفث فی الرقیة، رقم الحدیث: (۵۷۴۷)،

رسول الله صلى الله عليه وسلم روایت نموده که که ایشان می فرمودند: إذا رأى أحدكم رؤيا يحبها فإنما هي من الله فليحمد الله عليها وليحدث بها وإذا رأى غير ذلك مما يكره فإنما هي من الشيطان فليستعذ من شرها ولا يذكرها لأحد فإنها لا تضره<sup>۱</sup> یعنی در حالت دیدن خواب خوب خداوند متعال را به پاکی یاد کند و به مردمان قابل اعتماد خود حکایت کند و در صورت دیدن خواب دلخراش به خداوند پناه بخواند از شر شیطان و به کسی حکایت نکند و هیچ ضرر ندارد.

و در حدیث صحیح جابر بن عبد الله رضی الله عنه روایت کرده که رسول الله صلى الله عليه وسلم فرموده: إذا رأى أحدكم الرؤيا يكرهها فليصق عن يساره ثلاثا وليستعذ بالله من الشيطان ثلاثا وليتحول عن جنبه الذي كان عليه<sup>۲</sup> هنگام که یکی از شما خوابی را می بیند که مکروه و ناپسند و دلخراش است به خداوند از شیطان پناه بخواند سه بار.. و سه بار به طرف چپ خود تف کند و جسم خود را به طرف دیگر تغییر حالت دهد.

وحافظ ابن حجر در کتاب فتح الباری شرح صحیح البخاری این رهنمودها را ذکر نموده که مسلمان هنگام

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب التعبير، باب الرؤيا من الله، رقم الحديث: (۶۹۸۵)، (ج ۹،

ص ۳۰).

<sup>۲</sup> - صحیح مسلم، کتاب الرؤيا، رقم الحديث: (۲۲۶۲)، (ج ۴، ص ۱۷۷۲).

خواب دلخراش به آن ملتزم باشد و درین صورت برایش ضرر نمی رسد:

۱- پناه خواستن از الله متعال از شر این خواب .

۲- پناه خواستن به خداوند از شیطان و از شر شیطان ”  
أعوذ بالله من الشيطان الرجيم” سه بار.

۳- سه بار تف کردن به طرف چپ خود هنگام که بیدار می شود.

۴- حکایت نکردن و نگفتن این خواب بد برای کسی دیگر باید قطعا به کسی حکایت نکند.

۵- تغییر دادن حالت خود که خود را به طرف دیگر بگرداند.

و هیچ وقت خواب خود را برای کسی حکایت نکنند که اهل تعبیر خواب نیست و تقوا، ایمان داری و امانت ندارد، و نیز مسلمان زیاد وقت خود را در قصه خواب و خواب دیدن ضایع نکند زیرا بازهم تأکید می شود که بر آن حکم شرعی مرتب نمی شود تنها یک خوشخبری و بشارت بوده در صورت خواب خوب باشد .. و یا عبارت است از یک نوع خبرداری در صورت که خواب خراب باشد... که مسلمان اعمال خود را مراجعه کند و به طرف نیکی ها و اعمال صالح

رو بیاورد و به اذکار مسنونه التزام کند درین صورت اصلا در حفظ و امان الله رب العزت می باشد و همین التزام به فرائض و خواندن اذکار و ازدیاد از نوافل پناه گاه مسلمان است و توکلش به الله متعال قوی می شود و ایمانش متزلزل نمی گردد.



### د خوب د تعبیر په اړه شرعي لارښوونې

د خوب لیدلو پر وخت څرنگه د اسلامي لارښوونو مطابق او له خرافاتو او انحرافاتو څخه جلا، عمل وکړو .

دا موضوع له دې خاطر اهمیت لري چې د خلکو په ورځني ژوند کې واقع کېږي او که د رسول الله صلی الله علیه وسلم د سنتو او ریښتیني علماؤ د لارښوونو مطابق عمل ونشي پرته له شکه چې مسلمان په سرگردانیو کې اخته کېږي، او شته داسې ضعیف الإیمانې اشخاص چې له خوب او تعبیر څخه یې غلطه او ناسمه استفاده کوي، او باید دا مسأله هم د سنت او شریعت په چوکاټ کې بررسی شي، ترڅو ناسم پوهاوی ختم کړي .

او باید ولیکو چې په خوب لیدلو هیڅ شرعي حکم نه مرتب کېږي، مکروه او حرام نه مباح



کوي، مباح او مستحب نه واجب کوي، خوب که صحیح او درست وي هغه څوک چې خوب ويني اگر که د خوب لیدلو په آدابو ملتزم وي او د رسول الله عليه سلم د سنتو مطابق خپل خوب تعبیر کړي نو په دې صورت کې ښه خوب عبارت دی له زیری او بشارت، او خراب خوب عبارت دی له دې څخه چې انسان پر حذر وي او خپل اعمال دې سم او درست .. ځکه چې په حقیقت کې په امتحان او ابتلاء کې قرار لري.. او دعاء دې وکړي ځکه قضاء او قدر ته غیر له الله تعالی څخه بل هېڅ ذات تغییر ورکولی نشي.. لیکن دعاء د مسلمان لپاره په دنیا او آخرت کې زیاتې فایدې لري.

یو درست، صحیح او صادق خوب دی چې د الله تعالی له طرفه دی، او دوهم حلم او شیطاني تخیلات دي چې د شیطان څخه دي .. او شیطاني تخیلات هېڅ اثر نلري.

رسول الله صلی الله علیه وسلم په صحیح حدیث کې فرمایلي دي: "الرؤیا من الله، والحلم من الشيطان" <sup>۱</sup>.

<sup>۱</sup> - صحیح البخاري، کتاب الطب، باب النفث في الرقية، رقم الحديث: (۵۷۴۷)،

(ج ۷، ص ۱۳۳).

اگر مسلمان بنه خوب ویني باید الحمد لله ووايي او خدای تعالی لره دې شکر گزاره وي او داسې چاته دې يې ووايي چې د اعتماد وړ وي اما که خراب، بد او زړه بورنونکی خوب وويني دا معنا چې شیطاني خوب دی او د شیطان له شر څخه دې خدای تعالی نه پناه وغواړي او چاته دې يې حکایت نکوي نو په دې صورت کې ورته ضرر نه رسوي. ځکه جلیل القدر صحابي ابو سعید الخدری رضي الله عنه په صحیح حدیث کې له رسول الله صلی الله علیه وسلم څخه روایت کړی دی چې فرمایل: "إِذَا رَأَى أَحَدَكُمْ رُؤْيَا يَحِبُّهَا فَإِنَّمَا هِيَ مِنْ اللَّهِ فَلِيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَيْهَا وَلِيَحْدِثَ بِهَا وَإِذَا رَأَى غَيْرَ ذَلِكَ مِمَّا يَذْكُرُهَا لِأَحَدٍ فَإِنَّهَا لَا تَضُرُّهُ"<sup>۱</sup>، یعنی د بنه خوب لیدلو په حالت کې خدای تعالی لره په پاکی یاد کړی او خپلو اعتماد وړ خلکو ته يې بیان کړي او د زړه بورنونکي خوب لیدلو په صورت کې له خدایه د شیطان له شر څخه پناه وغواړی او چاته دې يې حکایت نکوي او هیڅ ضرر نلري.

او په صحیح حدیث کې جابر بن عبد الله رضي الله عنه روایت کړی دی چې رسول الله صلی الله

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب التعبير، باب الرؤیا من الله، رقم الحدیث: (۶۹۸۵)، (ج ۹،

عليه وسلم فرمائي: "إذا رأى أحدكم الرؤيا يكرهها فليبصق عن يساره ثلاثا وليستعذ بالله من الشيطان ثلاثا وليتحول عن جنبه الذي كان عليه"،<sup>۱</sup> كله چي له تاسو څخه كوم يو خوب ويني چي مکروه، نا خوبنه او زړه بدوونکي دی په الله سره دې له شیطانه درې ځله پناه وغواړي.. او درې ځله دې خپل کين لوري ته تف وکړي او جسم دې بل اړخ ته تغيير د حالت ورکړي.

او حافظ ابن حجر د فتح الباري کتاب د صحيح البخاري شرحه کې دا لارښوونې ذکر کړي دي چي مسلمان دې د بد خوب ليدلو په وخت کې هغو ته ملتزم وي او په دې صورت کې ورته ضرر نه رسېږي:

۱- د دې خوب له شرڅخه له الله تعالى نه پناه غوښتل .

۲- پناه غوښتل په الله سره له شيطان او شيطان له سره، "أعوذ بالله من الشيطان الرجيم" درې ځله.

۳- درې ځله خپل کين لوري ته تف کول، هغه وخت چي بيدار شي .

<sup>۱</sup> - صحيح مسلم، کتاب الرؤيا، رقم الحديث: (۰۲۲۶۲)، (ج ۴، ص ۱۷۷۲).

۴- بل چاته دا بد خوب نه حکایت کول او نه ویل باید قطعاً یې چاته حکایت نکړي.

۵- خپل حالت ته تغیر ورکول چې ځان بل لوري ته وگرځوي.

او هیڅکله دې خپل خوب داسې چاته نه بیانوي چې د خوب د تعبیر اهل نه وي او تقوا، ایمان داري او امانتداری نه لري، همدارنگه مسلمان دې خپل زیات وخت په خوب او خوب لیدلو نه ضایع کوي ځکه چې بیا هم تأکید کېږي چې پر هغه شرعي حکم نه مرتب کېږي تنها یوه خوشخبري او بشارت وي په هغه صورت کې چې ښه خوب وي، او یا عبارت دی له یو ډول خبرداری څخه په هغه صورت کې چې خراب خوب وي، چې مسلمان خپلو اعمالو ته مراجعه وکړي او د نیکیو او صالحو اعمالو ته مخ را وړوي او مسنون اذکارو ته التزام وکړي په دې صورت کې اصلاً د الله رب العزت په حفظ او امان کې وي او هم دا التزام فرائضو ته، د اذکارو ویلو ته او د نوافلو زیاتول د مسلمان پناگاه ده، توکل یې په الله تعالی قوي کېږي او ایمان یې متزلزل نه گرځي.



نيالگي کينول، ونې او بوتې کرل، کښت او زراعت  
د اسلام په مبین دين کې پې ثواب د صدقه جاريه درجې  
ته رسېږي

محترم او گران ورور مو محمد ظاهر انوري  
له قندهار ولايت څخه دارنگه ليکلي دي:

يو حديث يا کومه مقاله يا وينا د نيالگيو  
داهميت اړوند را وليږه بڅښه غواړم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

د اسلام مبین دين پر نيالگيو کينولو، کښت او  
زراعت او دهقانی جلا تشويق کړی دی، همدا حالا  
د نيالگيو کينولو او سبزيو کرلو موسم پيل شوی  
دی او دوستان دې متوجه وي.

علماء فرمايلي دي چې د کښت او زراعت اجر  
او ثواب دهقان ته په مستمر او مداوم شکل  
رسېږي او د قيامت تر ورځې پورې ادامه لري په  
هغه صورت کې چې له همدې کښت او زراعت څخه  
انسانان استفاده وکړي له ميوو، سبزيجاتو او  
تخمونو څخه پې، او په صحيح حديث کې له جليل  
القدر صحابي أنس بن مالك رضي الله عنه له رسول  
الله صلى الله عليه وسلم څخه روايت کړی دی چې  
ويې فرمايل: "ما من مسلم يغرس غرسا أو يزرع

زرعا فيأكل منه إنسان أو بهيمة إلا كان له به صدقة<sup>۱</sup>.

کله چي يو مسلمان سبزي وکري او يانیا لگي کښوي او له هغه څخه انسان او حيوانات خوراک وکړي د دهقان او نیال کښوونکي لپاره يې د صدقې اجر ليکل کېږي.. او أبي أيوب الأنصاري رضي الله عنه له رسول الله صلى الله عليه وسلم څخه روايت کړی دی چې ويې فرمايل: "ما من رجل يغرس غرسا إلا كتب الله له من الأجر قدر ما يخرج من ثمر ذلك الغراس"<sup>۲</sup>.

هر مؤمن او مسلمان چې نیالگي کښوي او هغه مېوي ته ورسېږي الله تعالى يې د هغه لپاره د اعمالو په صحيفه کې اجر او ثواب ليکي .

د رسول الله صلى الله عليه وسلم يو له اصحابو څخه روايت کوي چې له آنحضرت صلى الله عليه وسلم څخه يې اورېدلي دي چې فرمايلي يې دي: "من نصب شجرة فصبر على حفظها والقيام عليها

۱ - صحيح البخاري كتاب المزارعة، باب فضل الزرع والغرس إذا أكل منه، رقم الحديث: (۲۳۲۰)، (ج ۳، ص ۱۰۳).

۲ - مسند أحمد، أحاديث رجال من أصحاب النبي صلى الله عليه وسلم، حديث أبي أيوب الأنصاري، رقم الحديث: (۲۳۵۲۰)، (ج ۳۸، ص ۵۰۳).

حتى تثمر كان له في كل شيء يصاب من ثمرها  
صدقة عند الله عز وجل<sup>۱</sup>.

خوك چي نیالگی او ونه کبنوی، هغه اوبه کړي  
او محافظت یې وکړي او ثمر ته یې ورسوي په هر  
قدم کې یې ورته اجر رسېږي په ځانگړي ډول چې  
له ثمر، میوې او سیوري یې خلک استفاده وکړي.



### فضیلت صلح بین مردم

یکی از هموطنان عزیز ما از شهر کابل سوال نموده:

آیا درست است که صلح کردن ثوابش مساوی به صدقه  
دادن میرسد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در حدیث صحیح ثابت است که صلح و اصلاح کردن  
بین دو شخص و یا دو گروه متخاصم بهتر است و ثواب بیشتر  
دارد از نماز، روزه و صدقه نفلی کرده، زیرا نفاق و شقاق

<sup>۱</sup> - مسند أحمد، مسند المدینین، حدیث من شهد النبی صلی الله علیه وسلم، رقم

الحدیث: (۱۶۵۸۶)، (ج ۲۷، ص ۱۲۸).

وفساد ذات البینی مسلمانان نه تنها خود شان را از بین می برد بلکه دین و ایمان شان را نیز به خطر میندازد.

عن أبي الدرداء رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: "أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَفْضَلِ مَنْ دَرَجَةِ الصَّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَالصَّدَقَةِ؟ قَالُوا: بَلَى. قَالَ: صَلاَحُ ذَاتِ الْبَيْنِ، فَإِنَّ فَسَادَ ذَاتِ الْبَيْنِ هِيَ الْحَالِقَةُ" قَالَ الترمذي: وَيُرْوَى عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: " هِيَ الْحَالِقَةُ، لَا أَقُولُ تَخْلِقُ الشَّعْرَ، وَلَكِنْ تَخْلِقُ الدِّينَ"<sup>۱</sup>.

بدون شک صلح درجه بالا ووالا دارد از عبادات نفلی زیرا که در نتیجه صلح دین، ایمان، عبادات و امنیت وزندگی مردم محفوظ میشود حتی شریعت برای اشخاص مصلحین بخاطر آوردن صلح متوسل شدن به دروغ را نیز جایز قرار داده در صورتیکه این دروغ حلال را حرام نگرداند و حرام را حلال.



<sup>۱</sup> - سنن الترمذی، أبواب صفة القيامة والرفائق والورع عن رسول الله صلى الله عليه وسلم، رقم الحديث: (۲۵۰۹)، (ج ۴، ص ۶۶۳).



## فضیلت توبه گنهگار

یکی از هموطنان عزیز ما سوال خود را چنین نوشته کرده :

سلام علیکم مفتی صاحب! وبعد:

یک سوال است که من بنده بد بخت خداوند هستم من مرتکب تمام گناهان شدم آیا با توبه من مورد عفو الله قرار میگیرم یاخیر؟ مفتی صاحب لطفا کمک کو تباه شدم برباد شدم راه حل چی است ؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:

درین شکی نیست که انسان در گناه و خطاً و غلطیها واقع می شود لیکن خوبی و زیبای درینجاست که بعد از گناه انسان به خداوند متعال رجوع کند و توبه صادقانه نماید ..و شریعت همیشه انسان را به توبه تشویق کرده و جوائز خوب در نظر گرفته است حتی مسلمان گنهگار اگر توبه صادقانه کند نه تنها که گناهانش بخشیده می شود بلکه همان گناهانش هم به حسنات و نیکیها مبدل میگردد، الله متعال می فرماید: "وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا، يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا، إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ

وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا<sup>۱</sup>، کسانی که به خداوند شرک نمی آورند، انسانهای بیگناه را قتل نمی کنند، زنا نمی کنند، و اگر کسی چنین اعمال را مرتکب شود برای شان جزا داده می شده و آن هم جزای مضاعف، مگر از عذاب و جزا خلاص می شود کسانی که توبه بکنند و بخدا رجوع کنند و درین صورت نه تنها که گناهانش بخشیده می شود بلکه گناهانش هم به حسنات و نیکی ها مبدل میگردد (الله اکبر) ازین بیشتر چقدر تشویق کند؟

سعید بن المسیب می فرماید: " ( فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ ) قال: تصیر سیئاتهم حسنات لهم يوم القيامة"، حتی بدی ها و گناهان شان در روز قیامت به حسنات و نیکی حساب می شود البته بعد از توبه صادقانه و ایمان صحیح و سالم و درست.

نیز خداوند متعال فرموده اند که: "إن الحسنات يذهبن السيئات"<sup>۲</sup>، بدرستی نیکی و اعمال خیر و صالح بدی ها را ذوب می کند و از بین میبرد و سبب مغفرت انسان می شود، و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند در حدیث

۱ - سورة الفرقان، آیت: ۶۸-۶۹.

۲ - سورة هود، آیت: ۱۱۴.

صحيح: "إن الله يقبل توبة العبد ما لم يغرغر"<sup>۱</sup> خداوند توبه بنده خود را تا به قبل از مرگ و بر آمدن روح قبول می کند، و در حدیث دیگری که امام احمد بن حنبل روایت کرده می فرماید: "إنما الأعمال بالخواتيم"<sup>۲</sup>، خداوند از روی آخرین اعمال انسان بالایش حساب می کند اعمال را که در آخر عمرش انجام میدهد.

بدترین و کلانترین گناهها شرک آوردن به خداوند یعنی عقیده داشتن به نفع و نقص رسانیدن زیارتها و قبرها و مردها و یا جادوگران و تعویذ نویسان و متولیان زیارت، و یا اینکه اشخاص و افراد زنده را پرستش کند مثلا پیری و مریدی کردن و یا رهبران را، خداوند متعال می فرماید: "إن الله لا يغفر أن يشرك به"<sup>۳</sup> او تعالی مغفرت نمی کند کسی شرک بیاورد، و همچنان قتل کردن انسانها به ناحق. نسأل الله حسن الخاتمة



<sup>۱</sup> - سنن الترمذي، أبواب الدعوات عن رسول الله صلى الله عليه وسلم، باب في فضل التوبة والاستغفار وما ذكر من رحمة الله بعباده،

<sup>۲</sup> - صحيح البخاري، كتاب القدر، باب: العمل بالخواتيم، رقم الحديث: (٦٦٠٧)، (ج ٨، ص ١٢٤).

<sup>۳</sup> - سورة النساء، آيت: ٤٨.

## پردن تحفه برای نامزادان در اول سال نو

یکی از خواهران چنین سوال نموده :

آیا تحفه و کالا و شیرینی باب را که برای نامزادان در نوروز بنام نوروزی میبرند در شریعت جائز است لطفا جواب عاجل را روان کنید که منتظر هستیم، این موضوع به یک مشکل و جنجال مبدل شده ؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

عقیده داشتن که شب و روز نوروز متبرک میباشد یک اندیشه خرافاتی است و از برداشتهای نادرست و مخالف شریعت بشمار میرود، أما تحفه های که برای نامزادان در نظر گرفته میشود در هر وقت از سال و ماه تقدیم کردنش مشروع و جائز است بشرطیکه با خرافات و برداشتهای نادرست همراه نباشد و در عین حال سبب مشقت و سختی نکردد و اسراف هم نشود.



## برتری دادن پسران بر دختران

یکی از خواهران هموطن ما از ولسوالی قره باغ ولایت کابل سوال نموده:

ما چهار خواهر و سه برادر استیم پدرم دختران خود را همیشه تحقیر میکند و پسران را برتری میدهد، آیا از دیدگاه دین اسلام چنین رویه روا است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

برتری دادن پسران بر دختران و تحقیر و تذلیل آنان از عادات و اخلاق جاهلیت قبل از اسلام است.

دین مبین اسلام از این عادت قبیح و زشت جاهلی تحذیر نموده و مسلمان را بعد از اینکه به دین مبین اسلام مشرف شده رهنمایی کرده که از همه اخلاق و عادات و تعاملات جاهلیت قبل از اسلام خود داری کند، الله متعال در قرآن کریم فرموده است: "وَإِذَا بَشَّرَ أَحَدَهُمْ بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهَهُ مَسْوُودًا وَهُوَ كَظِيمٌ"<sup>۱</sup> هنگامیکه یکی از آنها خوش خبری داده میشد که در خانه اش دختر تولد شد از شدت قهر و ناراض بودن رویش سیاه میشد ازینکه دختر تولد شده.

<sup>۱</sup> - سورة النحل، آیت: ۵۸.

متأسفانه هستند اشخاصی که تا بحال از عادات و موروثات جاهلیت قبل از اسلام متأثر میباشند و اینها باید ایمان شانرا مراجعه کنند که این نوع اعمال جاهلیت در نتیجه ضعف ایمان سرزد میشود زیرا اینها به قضا و قدر و رهنمود های دین مبین اسلام در مورد دختران که ذکر شده ایمان و باور درست ندارند، در حالیکه بر فضیلت تربیه دختران و خواهران در اسلام تأکید بیشتر شده که حتی سبب داخل شدن جنت می شود برای مسلمان.

در حدیث صحیح که از عقبه بن عامر رضی الله عنه روایت شده فرموده است: "سمعت رسول الله صلی الله علیه وسلم یقول: من كان له ثلاث بنات، فصبر علیهن وأطعمهن وسقاهن وكساهن من جدته، كن له حجابا من النار يوم القيامة"<sup>۱</sup>، کسی را که که الله تعالی سه دختر داده باشد و در تربیه سالم مادی و معنوی و علمی شان کوشان باشد، آنها در روز قیامت سبب نجات این شخص از آتش دوزخ می شوند.

و در حدیث صحیح دیگری انس بن مالک رضی الله عنه فرمود که: "قال رسول الله صلی الله علیه وسلم: من عال جاریتین

<sup>۱</sup> - سنن ابن ماجه، كتاب الأدب، باب بر الوالد، والإحسان إلى البنات، رقم الحدیث:

(۳۶۶۹)، (ج ۲، ص ۱۲۱۰).

حتى تبلغا جاء يوم القيامة أنا وهو وضم أصابعه"<sup>۱</sup>، کسی که دو دختر و یا خواهر را رعایت و سرپرستی کند و به سر برساند من با او در جنت میباشم هر دو انگشت خود را جمع کرد یعنی مثل انگشتان دست در جنت بامن نزدیک میباشد.

بلکه تربیه یک دختر نیز بسیار فضیلت و ثواب دارد در حدیث صحیح متفق علیه عائشة رضی الله عنها رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است که: "من ابتلي من هذه البنات بشيء كن له سترا من النار"<sup>۲</sup> هرکسی را که الله متعال مورد امتحان قرار دهد و دارای دختر و یا دختران باشد و یا خواهران باشد و به شکل درست و مطابق شریعت کفالت و سرپرستی و رعایت کند آنها این شخص را از آتش دوزخ دور میدارند و سبب نجات او می شوند.



<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، کتاب البر والصلوة والآداب، باب فضل الإحسان إلى البنات، رقم الحدیث: (۲۶۳۱)، (ج ۴، ص ۲۰۲۷).

<sup>۲</sup> - صحیح البخاری، کتاب الزکاة، باب: اتقوا النار ولو بشق تمره والقليل من الصدقة، رقم الحدیث: (۱۴۱۸)، (ج ۲، ص ۱۱۰).

## فلسفه رضی الله عنه گفتن

برادر محترم ما مولوی صاحب سید عبد الله نوری ضمن مناقشه این موضوع از بنده فقیر خواسته که در این مورد روشنی شنی بیندازم:

این فتوای جمهور اهل علم در باره ترضی و ترحم است میتوانید مطالعه کنید در این باره از مفتی معاصر جناب استاد فضل الله ممتاز بپرسید تا برایتان عالمانه جواب ارایه دهند.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

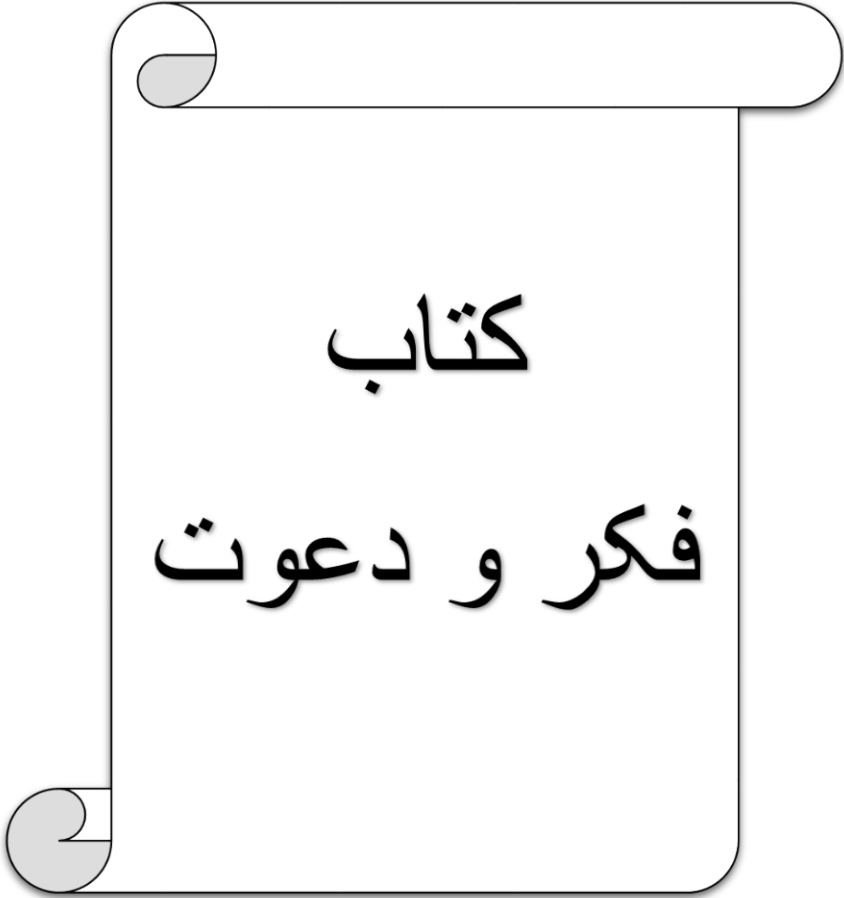
نظر به قول راجح که قول جمهور علمای اهل سنت وجماعت است رضی الله عنه گفتن به نیت دعاء برای صحابه، تابعین، اتباع تابعین، علماء ودعوتگران سلف این امت جواز دارد بر علاوه از صحابه رضی الله عنهم، به ائمه دین مبین اسلام و خلفای عادل این امت مثل عمر بن عبدالعزیز، ائمه فقه مثل ابوحنیفه، ابویوسف، محمد بن حسن شیبانی، مالک بن انس، امام اهل مدینه، محمد بن ادريس شافعی، احمد بن حنبل وغيره نیز رضی الله عنهم گفتن جواز دارد زیرا معنایش دعاء کردن است که الله متعال از آنها راضی باشد ورضایت او تعالی از کسی بمعنای داخل شدن در جنت است.



اما به نیت خبر دادن که الله از فلان راضی شده بغیر از صحابه به کسی گفتن جواز ندارد.. باید این نقطه را متوجه باشیم که رضی الله عنه گفتن به نیت دعاء و به نیت اخبار فرق میکند.. به نیت دعاء جائز است اما نیت اخبار تنها در حق صحابه کرام جائز است که به نص قرآن کریم ثابت است نی به حق دیگران.







## تأثیرات رفتار نیکو در کار دعوت اسلامی

دین مبین اسلام پیروان خود را به پیروی از انسانهای نیکو، بزرگوار و عاقل تشویق کرده است که در رأس این انسانهای ستوده شده فرستادگان الهی قرار دارند که الله جل جلاله در کتاب خود به آن چنین اشاره میکند: "أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمُ اقْتَدِهْ"<sup>۱</sup>.

ترجمه: اینان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده است پس به هدایت آنان اقتدا کن.

و او تعالی جل جلاله در جایی دیگری مهربانی میکند: "لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ"<sup>۲</sup>.

ترجمه: قطعاً برای شما در (پیروی از) آنان سرمشقی نیکوست (یعنی) برای کسی که به خدا و روز بازپسین امید می‌بندد.

۱ - سورة الأنعام، آیت: ۹۰.

۲ - سورة الممتحنة، آیت: ۶.

و این هم گفته ای دیگری اوتعالی میباشد: "لَقَدْ كَانَ  
لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ  
وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا"<sup>۱</sup>.

ترجمه: قطعاً برای شما در (اقتدا به) رسول خدا  
سرمشقی نیکوست برای آن کس که به خدا و روز بازپسین  
امید دارد و خدا را فراوان یاد می کند.

و پیامبر ما محمد صلی الله علیه وسلم رهبری است که  
الگوه و سرمشق بودن زندگی را به نمایش گذاشته است و  
کسی که به او صلی الله علیه وسلم اقتدا بکند بدون شک به  
اخلاق نیکو دست یافته و به راه هدایت روان شده است، و  
رسول الله صلی الله علیه وسلم در روش دعوت خویش به  
قرآن رجوع کرده و از آن کتاب آسمانی تأسی کرده است و  
همین صفت رسول علیه الصلاة و السلام سبب شده است  
که به اخلاق قرآنی آراسته شود و اوامر آن کتاب مقدس را  
عملی کند و از نواهی اش دوری نماید و همین سبب است  
که عایشه رضی الله عنها در جواب شخصی که از اخلاق  
پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسید، چنین گفت: كَانَ خُلُقَهُ  
الْقُرْآنَ.

<sup>۱</sup> - سورة الأحزاب، آیت: ۲۱.

ترجمه: اخلاق رسول کریم صلی الله علیه وسلم قرآن بود.

ابن کثیر رحمه الله میگوید: معنی این قول الله متعال جلت عظمته (كَانَ خُلِقَهُ الْقُرْآنَ) این است که عملی کردن اوامر و نواهی قرآن کریم صفت ذاتی رسول الله صلی الله علیه وسلم گشته و به حدی با کتاب الهی انس گرفته بود که خوی و عادت فطری خود را فراموش کرده بود، هرگاه قرآن به چیزی امر میکرد او صلی الله علیه وسلم آن را عملی مینمود و هرگاه از چیزی منع میکرد آن را ترک مینمود، و با این صفت رسول الله صلی الله علیه وسلم صفات ذاتی و پیدایشی اش همچو حیاء، دلیری، گذشت، نرمی و تمام اخلاق پسندیده دیگرش نیز آمیخته شده بود.

همچنین امام حسن بصری رحمه الله در شرح حدیث (كَانَ خُلِقَهُ الْقُرْآنَ) چنین میگوید: "الْوَاعِظُ مَنْ وَعَظَ النَّاسَ بِعَمَلِهِ لَا بِقَوْلِهِ، وَكَانَ ذَلِكَ شَأْنَهُ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَأْمُرَ بِشَيْءٍ بَدَأَ بِنَفْسِهِ فَفَعَلَهُ، وَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَنْهَىٰ عَنْ شَيْءٍ انْتَهَىٰ عَنْهُ فَمَنْ أَسْرَتْهُ نَفْسُهُ، وَ أَصْبَحَ عَبْدًا لِهَوَاهُ فَلَا يُمْكِنُ أَنْ يَنْكُرَ عَلَى الْآخِرِينَ".

پند دهنده اصلی کسی است که مردم را با عمل خود پند دهد نه با گفتار خود، و این صفت در رسول الله صلی الله علیه وسلم هویدا بود و هر گاه میخواست مردم را به چیزی امر کند، اول خودش آن را عملی میکرد و اگر

میخواست مردم را از چیزی باز دارد باز هم خودش اولین کسی بود که آن را ترک میکرد، و کسی که خود را فراموش کرده باشد و تسلیم هوا و هوس گردیده باشد هیچ امکان ندارد که در دیگران تغییر بیاورد.<sup>۱</sup>

هر گاه به قرآن و حدیث مراجعه شود و در آن تامل صورت بگیرد دیده میشود که این دو مصدر به تعامل نیکو تأکید میکنند، اگر صفت (تعامل نیکو) در این دین وجود نمیداشت محال بود که بر دلها تاثیر بگذارد و قلبها را به سوی خود متوجه نماید، پس این حسن تعامل موثرترین وسیله است که سبب شده است مردم به این دین رو بیاورند، چنانچه خواهر دعوتگر جوهره طریفی در نوشته خود (رفتار نیکو و اثر آن در زندگی دعوتی) به آن اشاره کرده است.

و رسول الله صلی الله علیه وسلم که با اخلاق قرآنی آراسته بودند، هرگاه قرآن کریم به سوی فضیلتی فرا میخواند او صلی الله علیه وسلم اولین کسی بودند که به آن چنگ میزدند و بعدش خانواده و خویشاوندان خود را به سوی آن دعوت میکردند، همچنان هر صفتی زشتی که قرآن دوری اش را طلب کرده است، رسول الله صلی الله

<sup>۱</sup> - (فقه الدعوة لحمد العمار، ص: ۱۱۶)

علیه وسلم نخستین شخصی میبودند که از آن دوری میجستند و سپس خانواده و خویشاوندان خود را به ترک آن دعوت میکردند.

و پیامبر صلی الله علیه وسلم با صحابه کرام از در رحمت و ملامفت (نرمی) که قرآن کریم به آن امر میکند، پیش می آمدند و متوجه ایشان بودند و در کارها با ایشان مشورت میکردند و با لطف با آنها تعامل می نمودند و او صلی الله علیه وسلم در معامله و برخورد از همه مردم نیکوتر بودند.

همین برخورد نیک رسول الله صلی الله علیه وسلم سبب شده بود که صحابه رضی الله عنهم با ایشان محبت بورزند و به او صلی الله علیه وسلم توجه داشته باشند و از وی دفاع کنند، و محبت صحابه کرام با رسول الله علیه الصلاة والسلام در حدی بود که کافران را بهت زده کرده و از این محبت و صمیمیت در حیرت افتیده بودند، کتب احادیث و سیرت از نمونه های برخورد نیک قولی و فعلی رسول علیه السلام مملوء می باشد که با صحابه خود انجام میدادند و همچنان خود صحابه کرام نیز به تعامل نیک رسول مقبول علیه الصلات و السلام گواهی میدهند، که در این مورد احادیث ذیل ذکر میگردند:



روایت است که عبدالله بن عمرو رضی الله عنه گفته است: "لَمْ يَكُنْ فَاحِشًا وَ لَا مُتَفَحِّشًا وَ كَانَ يَقُولُ: إِنَّ مِنْ خِيَارِكُمْ أَحْسَنُكُمْ أَخْلَاقًا"<sup>۱</sup>.

ترجمه: رسول الله علیه الصلاة و السلام نه دشنام می دادند و نه بد زبانی می کردند و او علیه الصلاة و السلام میفرمودند: بهترین شما کسانی هستند که اخلاق شان نیکو باشد.

أَمِ الْمُؤْمِنِينَ حَضْرَتِ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا مَيَّكُودِ: "مَا خَيْرَ رَسُولٍ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَيْنَ أَمْرَيْنِ أَحَدُهُمَا أَيْسَرُ مِنَ الْآخِرِ إِلَّا اخْتَارَ أَيْسَرَهُمَا مَا لَمْ يَكُنْ إِثْمًا، فَإِنْ كَانَ إِثْمًا كَانَ أَبْعَدَ النَّاسِ مِنْهُ"<sup>۲</sup>.

رسول الله صلى الله عليه وسلم هیچ گاه بین دو کار مُخیر نگردیده اند که یکی از آن دو آسان تر بوده مگر اینکه آسان آن را انتخاب کرده اند، مادامی که گناه نبوده است، و

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب المناقب، باب صفة النبي صلى الله عليه وسلم، رقم الحديث: (۳۵۵۹)، (ج ۴، ص ۱۸۹).

<sup>۲</sup> - صحیح مسلم، کتاب الفضائل، باب مباحثته صلى الله عليه وسلم للأثم واختياره من المباح، أسهله وانتقامه لله عند انتهاك حرماته، رقم الحديث: (۲۳۲۷)، (ج ۴، ص ۱۸۱۳).

هرگاه گناه می بود دورترین مردم از آن می بود. ( به روایت بخاری و مسلم)

و تعامل نیکو و حسن رفتار رسول الله علیه الصلاة والسلام در حدی بود که هیچ گاه با مردم رفتاری ناپسند انجام نمیداد.

داعیان باید بدانند که رفتار نیکو در پذیرش دعوت و روآوردن دیگران به این دین اثر بس سزایی داشته و سبب میشود که مردم با داعیان حق محبت بورزند و خود را به آنها نزدیک بدانند و از گفته های شان مایه بگیرند، چنانکه رفتار نیکو سبب میشود دشمنی ها و بدبینی ها به دوستی مبدل شوند، رفتار نیکو سبب میشود که افرادی جدیدی در راه دعوت قدم گذاشته و در حمل بار سنگین دعوت با کسانی همکار شوند که از آنها متأثر گردیده اند.

صفحات تاریخ شاهی میدهند که افرادی زیادی از کسانی متأثر گردیده اند و به دین الهی رو آورده اند که رفتار نیکو داشته و اخلاق اسلامی را در خود متبلور ساخته اند، و حسن رفتار مجاهدین و فاتحین اسلامی با اهل ذمه سرزمین های فتح شده شام بر گفته ما مهر صحه میگذارد، که امام ابویوسف رحمه الله در کتاب خود (الخِراج) از مصالحه مسلمین با اهل شام یادآور شده و آن را قصه میکند: زمانی که اهل ذمه وفا و سیرت نیک مسلمانان را

مشاهده کردند ( سخت به مسلمانان علاقمند شدند ) و با دشمنان ایشان دشمنی اختیار کردند و در این راه با مسلمانان کمک نمودند و باشندگان هر دیار برای آگاهی از فعالیت های امپراطور روم نمایندگان فرستادند تا مسلمانان را از فعالیت های ایشان آگاه سازند، زمانی که نمایندگان قوم برگشتند از آمادگی بی سابقه امپراطوری روم اطلاع دادند، سران هر دیار نزد آن امیران آمدند که ابوعبیده رضی الله عنه آنها را بعد از خود مقرر کرده و از آمادگی امپراطوری روم خبر داده بودند، در همچو حالات حساس نظامی جانشینان ابوعبیده برای وی نامه نوشتند و خواستند که او را آگاه سازند، این خبر نامیمون ابو عبیده رضی الله عنه و سائر مسلمانان را سخت متأثر ساختند و او رضی الله عنه به والیان و جانشینان خود نامه نوشت تا جزیه و خراج که از اهل ذمه گرفته اند دوباره به ایشان برگردانند و به آنها بگویند:

تعهد بسته بودیم در بدل اموال که از شما بدست میاوریم از شما حفاظت نمائیم، حالا که از عهده این تعهد بیرون آمده نمیتوانیم اموال تان را برایتان برمیگردانیم، و اگر الله متعال جلت عظمته ما را پیروز گردانید و نصرت نصیب ما شد، بر تعهدی که میان ما نوشته شده وفادار میمانیم و آن را دوباره عملی میکنیم.

زمانی که این حرف‌ها را شنیدند حتی اموال را برای مسلمانان آوردند که در خانه‌های خود ذخیره کرده بودند و گفتند: خداوند شما را دوباره برگرداند و نصرت خود را نصیب تان کند، اگر عوض شما آنها (لشکریان روم) میبودند نه تنها که اموال ما را نمیدادند بلکه تمام داشته‌های ما را نیز میگرفتند و برای ما چیزی نمیگذاشتند.

و این هم داستانی عدالت و حُسن تعامل مسلمانان که در کتاب (فتوح البُلدان) دانشمند عزیز (بلاذری) ذکر گردیده است: زمانی که حضرت عمر رضی الله عنه به منطقه (الجابیة) از مربوطات دمشق، سفری داشت در آنجا نصرانیانی را دید که به مرض جُذام مبتلا بودند، عمر رضی الله عنه امر کرد که از مال زکات به آنها بدهند و به ایشان معاش نیز مقرر نمایند.

بدون شک می‌توان گفت که یکی از اسباب انتشار دین مبین اسلام معامله نیکو بوده است که ممیزه آنعده از مسلمانان می‌باشد که در روشنی قرآن کریم و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم تربیت یافته‌اند، تاریخ نویسان در نوشته‌های شان درج کرده‌اند که به وسیله حسن رفتار تاجران مسلمان که در حقیقت داعیان حق بودند و تجارت را وسیله رفت و آمد قرار داده بودند، اسلام به سرزمین‌های شرق و غرب انتشار یافت.

## سخت ترین مردم از روی ابتلا و آزمون دعوتگران میباشند

اگر نصوص شرعی قرآن و سنت و حالات پیامبران الهی و پیروان شان را در امتداد تاریخ مطالعه کنیم می بینیم که بر این نکته دلالت دارد که ابتلا و امتحان الهی به اندازه ایمان انسان ارتباط دارد و سخت ترین مردم از روی ابتلا و آزمون دعوتگران میباشند، و کسانی هستند که ایمان شان محکمتر و جهاد شان فزونتر می است.

در حدیث صحیح از سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه روایت شده که گفت: گفتم: یا رسول الله، امتحان و آزمون کدامیک از مردم سخت تر می باشد؟ آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود: "الأنبياء ثم الأمثل فالأمثل، فیتلى الرجل على حسب دينه فإن كان دينه صلبا اشتد بلاؤه، و إن كان في دينه رقة ابتلى على حسب دينه، فما يبرح البلاء بالعبد حتى يتركه يمشى على الأرض ما عليه خطيئة"<sup>۱</sup>.

پیامبران و سپس نیکوتر و نیکوتر از اینرو، مرد مطابق دین خویش آزمایش می شود.

پس اگر دینش محکم باشد آزمون و ابتلا او سخت تر می باشد و اگر در دین او نرمشی بود، باز هم بر حسب دین

<sup>۱</sup> - سنن الترمذی، أبواب الزهد عن رسول الله صلی الله علیه وسلم، باب ما جاء في الصبر على البلاء، رقم الحديث: (۲۳۹۸)، (ج ۴، ص ۶۰۱).

خویش مورد امتحان قرار می گیرد و پیوسته آزمایش و امتحان با بنده همراه است تا آنکه او را به حال خویش می گذارد که بر روی زمین می رود در حالی که هیچ گناهی بر دوش او نیست و کاملاً مورد مغفرت الهی قرار گرفته .

اینکه الله متعال ابتلا و آزمون شان را چند برابر نموده با آنکه آنان دوستان و اولیای او تعالی بشمار می روند، به دلائل زیر است:

۱- اینکه حمل و برداشتن این دین و تبلیغ و رسانیدن آن به جهانیان مسئولیت بزرگی است و باری بس سنگین که نیاز به همت های بلند و اراده های ثابت و استوار و روان های نیرومند و شکیبا دارد که برای این مسئولیت بزرگ گردن فرازی نموده، و برگزشتن از موانع و حل مشکلات و مرور از عقبه ها و پیچ و خم های دلت و پاگیر و رهایی از جاذبه های زمین و پایمال شدن در برابر آرزوها و شهوات برکنار و توانمند باشد.

امتحان ها و آزمایشاتی که در این دنیا با آن روبرو می شود، خود همانی است که آن را صیقل داده، پاکیزه ساخته، آن را قوت بخشیده و گسترش می دهد و آن را آماده می کند و پلیدی ها و زنجیرها را از آن می زداید و نیروهای موجود نهفته در آن را به کمک طلبیده، نیروهای انبار شده در آن را تیز نموده، قدرت های خاموش در آن را

گشوده و تجارب لازم، برای کامیابی را به وی می نماید و او را بر به دوش کشیدن دشواری‌ها و چیره شدن بر دشواری‌ها و موانع یاری داده، او را بر صبر و پایداری و جهاد و سنگر نشینی در مرزهای حق تربیت می کند و بدینوسیله نعمت و پیروزی و عزت و سروری بدست می آید. زیرا نصرت و پیروزی مفت به سختی بدست می آید و اگر نیز بدست آید، به زودی از میان می رود.

او تعالی نیز می فرماید: "وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانْتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَكِنْ لِيَبْلُوَ بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ"<sup>۱</sup>.

از این رو، لازم است که ابتلا و امتحان صورت گیرد و مجاهده و مصابره نیز تحقق یابد تا نصرت و پیروزی و فرجام نیک بدست آید و کسانی که در راه الله متعال کشته می شوند یقیناً اعمال و شهادت آنها ضایع نمی شود.

از امام شافعی رحمه الله پرسیده شد: "ایما خیر للرجل أن یمكن أو یبتلی؟ فقال: لا یمكن حتی یبتلی"، کدامیک برای مرد بهتر است اینکه قدرت داده شود یا مورد آزمایش قرار گیرد؟ گفت: تا آزمایش نشود، قدرت به او داده نمی شود.

<sup>۱</sup> - سورة محمد: ۴.

او تعالی نیز پیامبران اولو العزم را آزموده و چون صبر کردند برای شان قدرت داد، و امامت و رهبری و قیادت در دین تنها و تنها با صبر و یقین بدست آورده می شود.

و فرموده است: "وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ"<sup>۱</sup>.

ابن القيم رحمه الله می گوید: هر گاه به حکمت او تعالی در آنچه بندگان و برگزیدگانش را بدان آزموده؛ به آنچه به وسیله آن آنان را به بزرگترین اهداف و فرجام های اکمل رسانیده که جز از پل امتحانات و آزمونها بدان رسیده نمی توانستند.

که این پل به دلیل کمانش، مانند پلی است که جز باگذشتن از آن به بهشت رسیده نمی توانند و این ابتلا و امتحان عین همان منهج و روشی در مورد ایشان بوده و همزمان کرامتی بر ایشان به حساب می آید.

که صورت آن آزمون و امتحان است و در نهان و درون آن رحمت و نعمت نهفته است.

که چه بسا نعمت های بزرگ و احسان های سترگ وجود دارد که از خوشه های ابتلا و آزمون برچیده می شود.

<sup>۱</sup> - سورة سجدة: ۲۴.



شما حالت پدرمان آدم علیه السلام را به خاطر آورید و نتیجه را که رنج و سختی و ابتلای او به دنبال داشت و آن هم برگزیده شدن او از سوی الله متعال و پذیرش توبه و رهنمونی و بلند رفتن مقام و جایگاه. که هر گاه همان آزمونی که بر او صورت نمی گرفت و آن هم بیرون کردن وی از بهشت و تبعاتی که به دنبال داشت، به این مقامی که رسید، نمی رسید و چه تفاوتی میان حالت نخستین او و حالت دومی که در فرجام به آن رسید، وجود دارد؟

باز حالت و اوضاع و احوال پدر دوم مان نوح علیه السلام را مورد اندیشه قرار دهید که چگونه شکیبایی او در این قرن های متوالی در برابر قومش و نتیجه را که محنت و آزمون او به دنبال داشت تا آنکه خداوند شادش ساخت و بادعای او مردم آن روزگار را غرق نمود و پس از آن جهان را در اختیار نسل او قرار داد و او را یکی از پنج پیامبر اولوالعزم که بهترین رسولان الهی اند، گردانید.

چنانکه رسول و پیامبر خویش حضرت محمد صلی الله علیه وسلم را دستور داد که چون او صبر کند و او را به شکرگزاری ستوده از این رو او را به کمال صبر و شکرگزاری مدح نمود.

پس از آن ابتلاءات و کراماتی را که برای ابراهیم و موسی و عیسی - علیهم السلام - است داده یاد آور شده و

در این مورد به تفصیل صحبت کرده تا آنکه گفت: هنگامی که خدمت پیامبر صلی الله علیه وسلم رسیده در سیرت و تعامل‌شان با قوم‌شان درنگ کردم و صبری را که در راه خدا تحمل نموده، تحمل و صبری که پیامبری پیش از او متحمل نشده و حالات رنگارنگی که در صلح و جنگ و امنیت و ترس و ثروت و فقر و اقامت در وطنش و اینکه برای خدا آن را ترک نموده و کشته شدن دوستان و یارانش در برابرش و آزاری را که کفار در موردشان مرتکب شدند از گفتار و کردار و سحر و دروغ و افتراء بر ایشان و بهتان.

که ایشان با همه این موارد بر فرمان خداوند صابر بوده و مردم را به سوی خداوند فرا می‌خواند.

از این رو، هیچ پیامبری مثل ایشان آزار داده نشده و صبری را که ایشان در راه خدا نمود، هیچیک چنان صبری ننمود، و به هیچ پیامبری چیزی که به ایشان داده شده، داده نشده بود.

بنابراین، خداوند نام‌شان را بلند آوازه گردانید و نام‌شان را با نام خویش همکنار ساخت و ایشان را سرور تمام مردم گردانید و نزدیکترین بندگان از نظر وسیله شدن قرار داد و جاه و مقام‌شان را در پیشگاه خویش برتر و شنواترشان در نظر خویش از روی شفاعت نمود. که همه این محنت‌ها و آزمون‌ها خود و کرامت حضرت او بود و

خداوند به وسیله این آزمون‌ها شرافت و فضیلت‌شان را فزون ساخته و ایشان را به این وسیله به بالاترین مقامات رسانید که همین حال و وضع میراث بردن پس از اوست، نیکوتر و نیکوتر. که هر کدام‌شان بهره‌ای از این آزمون دارند که خداوند به وسیله آن او را بر حسب متابعتش از آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدان به کمال می‌رساند.

اما آنکه نصیب و بهره‌ای از آن ندارد، بهره‌ او از دنیا بهره کسی است که او برای دنیا و دنیا برای او آفریده شده و خداوند بهره و نصیب او را در آن قرار داده است.

از این رو، او از آن به فراوانی می‌خورد از آن بهره برداری می‌نماید تا آنکه بهره و نصیب خویش را که برای او کتاب الهی نوشته شده دریابد.

دوستان خدا امتحان می‌شوند در حالی که او آرامش و خوشگذرانی می‌زیست و آنان می‌هراسند در حالی که او در امنیت بسر می‌برد. آنان اندوهگین می‌شوند در حالی که او در میان خانواده اش مسرور و شادان است.

او حالتی دارد و مردم حالتی دیگر. او در یک دره بسر می‌برد و آنان در وادی دیگر.

هدف او این است که با آنان مقامش را حفظ کرده، مالش را سلامت داشته، و سخنش شنیده شود هر چه در

این مورد بر او لازم شود، شود. هر که راضی می‌شود، راضی شود و آنکه خشمگین می‌شود، خشمگین شود.

اما اولیای الهی با هدف شان بر پایی دین خدا و اعلاء کلمه و دین اوست و اینکه دوستان خداوند عزیز شوند و هم اینکه دعوت تنها و تنها برای خدای یکتا باشد؛ زیرا تنها او معبودی حقیقی است و اطاعت تنها و تنها باید از پیامبرش صورت گیرد و بس.

خداوند در آزمونی که پیامبران و رسل و بندگان مؤمن و صالحش را می‌نماید، حکمت‌های دارد که خرده‌های جهانیان از درک آن ناتوان است و آیا کسی جز با عبور از پل امتحان و آزمایش به مقامات ستوده و فرجام‌های ارجمند رسیده است؟

شاعر می‌گوید:

كذا المعالی إذا مارمت تدرکها :: فاعبر إليها على جسر  
من التعب

بزرگی بدست آوردن چنین است که هر گاه خواستی  
بدان دست یابی، بر پلی از رنج‌ها و خستگی‌ها بسوی آن  
گذر کن.

۲- این برگزید گانی که خداوند آنان را برای حمل این دین و انجام رسالت تبلیغ و دعوت بسوی آن انتخاب نموده همچون مردمان غافل و خود خواه نیستند که جز به مصالح فردی و شخصی خویش نمی‌اندیشند و جز منفعت‌های زودگذر دنیوی را نمی‌بینند در حالی که خود پرستی بر آنان چیره بوده و آرزوهای نفسانی و شهوات بر آنان حکومت می‌کند.

بلکه اینان با مردم آمیزش نموده، بر آزار و اذیت‌شان صبر می‌نمایند در حالی که به هدایت و اصلاح‌شان سخت حریص بوده، در نصیحت و تعلیم‌شان تلاش کرده، برای نصرت و مواسات مسلمانان می‌کوشند و دوست دارند به آنان سود رسانیده شادی را وارد روزنه دل‌هایشان کرده، مشکلات‌شان را حل نموده، زیان و ضرر را از آنان دفع نمایند.

در حالی که در دوستی خویش با آنان صادق بوده، خیر خواه‌شان‌اند و همزمان از گناهان و معاصی بر آنان ترسیده، آنان را به کارهای پسندیده امر نموده و از کارهای زشت منع می‌نمایند.

آنان دست بیخردان را گرفته، آنان را به سوی حق می‌کشاند و با دشمنان دین؛ منافقان و غیر مسلمانان مبارزه می‌کنند.

از این رو، آنکه کارش چنین باشد که با بندگان آمیزش نموده، با آرزوهای گمراه کن و شهوات و اراده‌های فاسدشان مبارزه کند، خواهی نخواهی با آزار و ستم مردم و نادانی و حق تلفی و بی‌خردی و حماقت‌های‌شان روبرو می‌گردد و بر خلاف کسانی که از کار دعوت بازمانده، در خود فرو رفته، آرامش و سکون و راحت طلبی را بر جهاد و فداکاری ترجیح داده‌اند.

از این رو، به اندازه عنایت مسلمان به فریضه دعوت و تعلیم و جهاد و یاری دادن دین حق و امر به معروف و نهی از منکر و فروض کفائی و عمومی دیگری که صلاح امور دین، و دنیای امت جز بدان امکان پذیر نیست، ابتلاء و آزار مردم بر او اعمال می‌گردد.

بنابراین، به هر مقداری که تمسک مسلمان به دینش و صبر بر تکلیف‌های آن فزون باشد، به همان اندازه از سوی دشمنانش از کفار و منافقان و فاسقان، آزمونش افزایش می‌یابد.

آنکه حالات مردم را مورد بررسی قرار می‌دهد متوجه می‌شود که عقل و فهم مردم تا چه اندازه اختلاف داشته، اخلاق و خوی و خصلت‌های‌شان از هم متفاوت بوده و چرکی آرزوهای باطل و شهوات را بر بسیاری از آنها مشاهده می‌کند.

او می بیند که در برخی عدل و انصاف و امانت و اخلاص اندک بوده، دین‌شان سست و دانش‌شان اندک است و همزمان حسد و کبر و سنگدلی و حماقت و شتابزدگی و خشم و شک و گمان بد و ستم و نادانی در آنان دیده می‌شود.

که با مشاهده این امور، بزرگی ابتلاء با این مردم و دشواری رنج تعامل و آمیزش با آنان و صبر و جستجوی پاداش از خداوند و ایثار و قربانی و بردباری و گذشت از اشتباهات‌شان و جستن پاداش تنها و تنها از خداوند در نصیحت و تعلیم و یاری و همدردی و تحمل آزار و نادانی‌شان، نمودار می‌شود.

اینها خود کمال است و صفات والایی است که جز برای صاحبان روان‌های پاک و همت‌های بلند و اراده‌های استوار و مراتبی بلند میسر نمی‌گردد.

از این رو، خداوند وصیت و سفارش همدیگر به حق را با سفارش همدیگر به صبر و امر به معروف و نهی از منکر را با صبر در برابر آزار و اذیتی که به انجام دهنده امر به معروف و نهی از منکر می‌رسد، یکی ذکر نموده، می‌فرماید:

"وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ"<sup>۱</sup>.

<sup>۱</sup> - سورة العصر: ۲-۳.

همانا انسان در زیانکاری است. مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کردند و یکدیگر را به حق توصیه و همدیگر را شکیبایی سفارش نموده‌اند.

همچنان از لقمان یاد آور می‌شود آنگاه که پسرش را اندرز می‌دهد: "يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ"<sup>۱</sup>.

نماز بخوان ای فرزندم و به کار نیک فرمان بده و از کار زشت منع کن و بر آنچه به تو رسد، شکیبایی کن.

ابن القیم رحمه الله می‌گوید: اگر ابتلا و امتحان نبود، فضیلت صبر و رضا و توکل و جهاد و عفت و شجاعت و حلم و عفو و درگذشتن نمودار نمی‌شد. خداوند نیز می‌خواهد که دوستان خویش را با این کمالات عزیز بدارد، و می‌خواهد که این صفات در آنان دیده شود تا خود و نیز فرشتگانش بر صاحبان آن درود فرستند و با متصف شدن به این صفات به اوج کرامت و ولذت و شادمانی برسند؛ زیرا مبادی و ارزش‌ها گر در آغاز تلخ‌اند، فرجام آن‌ها بسیار شیرین است و وجود ملزم بدون آن ممتنع می‌باشد.

من سخنان زیبا از او را در مورد فرجام نیک آنکه اذیت و آزار را در راه خدا تحمل نموده و رضای او را بر رضای

<sup>۱</sup> - سورة لقمان: ۱۷.



خلق بر می‌گزیند، دیدم، چنانکه می‌گوید: روشن است که آنکه رضای خدا را بر می‌گزیند و در برابر دشمن و آزار مردم و تلاش آنان در هلاکت خویش مقاومت می‌نماید.

این قانون خدا در آفرینش اوست ورنه گناه پیامبران و رسولان الهی و مردمی که دیگران را به عدل فرمان داده، دین خدا را بر پای داشته و در برابرشان از کتاب خدا و سنت رسولش دفاع می‌نمایند.

از این رو، آنکه رضای خدا را برگزیند، خواهی نخواهی فرومایگان و نادانان و بدعتکاران و گنهکاران و زمامداران باطل جهان، و هر آنکه راهش از راه او جداست با او می‌ستیزد و جز آنکه خواهان بازگشت بسوی خداست و این خطاب الهی توجه اوست کسی تاب دشمنی با آنان را ندارد او تعالی می‌فرماید: "يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنِّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً"<sup>۱</sup>، ای نفس مطمئنه به سوی پروردگارت باز گرد.

بنابراین، آنکه ایمانش استوار و کامل است، از مردان نمی‌هراسد و کوهها او را نگران نمی‌سازد و آنکه اراده او محکم باشد، دشواری‌ها و سختی‌ها و بیم‌ها او را متزلزل نمی‌گرداند.

<sup>۱</sup> - سورة الفجر: ۲۷-۲۸.

اساس این کار دو مطلب است: پارسایی در زندگی و ستایش و مدح از این رو، ناتوان نشد آنکه ناتوان گردید و عقب نماند آنکه واپس ماند مگر آنکه به بخت خویش به زندگی و پایداری و ستایش مردم فریفته شد و اینکه از نکوهش مردم هراسید.

بنابراین، هرگاه از این در چیز بی نیازی ورزید، همه عوارض از او دور شده و در زمره سربازان بحساب می آید.

که اساس این دو چیز با دو چیز دیگر است: صحت یقین و نیروی محبت که بنیاد این دو نیز بر دو چیز دیگر است: پناه بردن و گلب صادقانه و عنایت به اسبابی که شخص را به آن دو می رساند.

که تا اینجا معرفت و شناخت خلق و توانائی شان پایان می یابد و سپس از آن توفیق در دست کسی است که زمام تمام کارها در دست اوست.

۳- اینکه مقام پیامبران و علما و مصلحان بلندتر و جایگاه شان برتر و رتبه و مرتبت شان در دنیا و آخرت والاتر می باشد و نعمت های الهی ای که به آنان داده شده، بسیار است. که بدون شک ابتلا و آزمون به اندازه نعمت است. از این رو، آنکه نعمتش بیشتر باشد، ابتلای او نیز بیشتر و فزونتر می باشد.

از سوی دیگر، آنان بزرگان و امامان مردم‌اند چنانکه الگوها و دعوتگران بسوی خدا و هدایتگران و دعوتگران‌اند و طبیعی است که تیره‌های عداوت و دشمنی و حسد و ... متوجه ایشان گردد و دشواری‌های‌شان فزونی یابد.

عرب‌ها از زمانه‌های کهن می‌گویند: سرور مباش که آفات سر بسیار و بی شمار است.

همچنان سختی و دشواری آزمون بر آنان، ابتلاءات را بر کسانی که فروتر از آنان‌اند، آسان ساخته، فشار آنان کاهش داده و آنان را وامی‌دارد که در میدان صبر و پایداری و جهاد و سنگرداری از آنان پیروی نموده، به آنان اقتدا کنند.

۴- اینکه آزاری که مسلمان در برابر ایمان و جهادش می‌بیند، فائده‌های بسیار و فرجام‌های نیکی به دنبال دارد که در نتیجه این رنج و محنت آزمون را به نعمت و بلا و مصیبت به عافیت و رحمت تبدیل می‌شود. چه ابتلا و آزمایش و امتحان، ایمان و یقین را افزوده، مقام شخص را بلند برده، نیکی‌هایش را چند برابر ساخته، گناهان را محو نموده، بنده را وامی‌دارد که به آفریننده آسمان‌ها و زمین پناه برده، احساس فقر و ناتوانی کنند و اینکه نخست به پروردگارش نیازمند است و این کار او را به تواضع و فروتنی در برابرش وادارد و دست‌های نیاز را به سوی او بلند کند تا

خداوند بدین وسیله دروازه‌های رحمت و شیرینی طاعت و لذت مناجات و نزدیکی و پناه بردن صادقانه به خویش بر رویش بگشاید، آنچه که از نعمت از دست رفته به مراتب بیشتر و پاینده تر است. آیات و احادیث و آثار گذشتگان در بیان تأثیر مصائب و ابتلاءات در محو گناهان و اینکه هر چه به مسلمان می‌رسد، کفاره و محو کننده است و نیز نقش آن در افزایش نیکی‌ها و بلند رفتن مقام و درجات و اینکه پاداش بزرگ در برابر آزمون بزرگ است و اثر آن در زیادت ایمان و تقویت یقین بیش از شمار و حساب است چنانکه عده از علماء در این مورد مؤلفات مستقل و جداگانه به رشته تحریر در آورده‌اند.



### دعوت وصبر دو کلمه لازم و ملزوم است، بدون صبر کردن دعوت نتیجه بخش نمی باشد

یکی از خواهران دعوتگر چنین نوشته :

استاد نهایت محترم از جواب سوال یک جهان ممنون،  
الله شما را عمر دراز نصیب کند، به من مشوره بدهید من  
خواهر مسلمان شماستم که برای رضای الله و آبادی آخرت  
خود همه خواهران را به راه راست یعنی راه سلف صالح  
دعوت میکنم همیشه سوال ها را از شما پرسان کرده به آنها  
میگویم ولی بدبختانه که همه در خرافات و بدعات غرق

استند و حرف مرا نمی شنوند و باور نمی کنند و می گویند ملای ما و یا حافظ ما و یا فلان و فلان ما چنین نگفته است و همیشه همراهم دلیل های بیجا میگویند متأسفانه من در بین شان تنها استم و من نمیدانم چه کار کنم چه مانده نمی توانم به خاطریکه کار خلاف اسلام مرا زیاد احساساتی میسازد و بسیار جدی میشوم همراه شان حتی بعض اوقات بعد از جر و بحث طولانی بدون نتیجه اعصاب خود را کنترل کرده نمی توانم، حال شما مشوره بدهید که چه کار کنم؟ البته دو یا سه نفر به سخنانم باور میکنند.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

خواهر محترمه ودعوتگر ما باید صبر توشه راه ما باشد زیرا دعوت وصبر دو کلمه لازم وملزوم است، وما شما وقتیکه مراحل دعوت انبياء عليهم الصلاة والسلام را مطالعه میکنیم میبینیم که آنها مورد استهزاء قرار میگرفتند وبه مشکلات گوناگون مواجه میشدند لیکن صبر، شکیبایی وتحمل سختیها شعار دعوتی شانرا تشکیل میداد. الله متعال رسول الله صلی الله علیه را امر نموده که در راه دعوت چنان صبر کند که پیامبران اولو العزم که دعوت وتبلیغ را بدوش

داشتند و مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتند صبر میکردند:  
 "واصبر كما صبر أولو العزم من الرسل"<sup>۱</sup>.

نه تنها مسلمان دعوتگر مأمور است که صبر کند بلکه  
 صبر را توشه راه خود قرار دهد، الله متعال فرموده است: "يَا  
 أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ  
 تُفْلِحُونَ"<sup>۲</sup>.

ای کسانی که ایمان آورده اید صبر کنید و در راه نصرت  
 و کامیابی دین مبین اسلام و سربلندی مسلمانان در حالت  
 آماده باش باشید، در عین حال تقوا و پرهیزگاری از صفات  
 دایمی تان باشد تا اینکه فلاح، کامیابی و رستگاری را از آن  
 خود بتوانید، نصرت و یاری الله متعال با شما باشد.

خواهر محترمه ما نتیجه صبر بسیار زیبا میباشد،  
 و منزلت صبر نزد الله متعال بس بزرگ است و کسانی که در  
 دعوت خود صبر میداشته باشند الله متعال اجر و پاداش  
 شانرا در دنیا و آخرت ضایع نمی سازد: "واصبر فإن الله لا  
 يضيع أجر المحسنين"<sup>۳</sup>.

۱ - سورة الأحقاف، آیت: ۳۵.

۲ - سورة آل عمران، ۲۰۰.

۳ - سورة هود، آیت: ۱۱۵.

دبین مبین اسلام بزبان رسول الله صلی الله علیه وسلم صبر را روشنی قرار داده که راه مسلمان دعوتگر را روشن میسازد، و در حدیث صحیح فرموده است: " الصبر ضیاء" <sup>۱</sup>، صبر روشنی است.



### در تربیه اطفال عادت دادن آنان بر مکارم اخلاقی و صفات شایسته مهم است

یکی از برادران علاقمند مسائل دینی از شهر کابل چنین سوال نموده:

من یک فرزند و یک دختر دارم که در مرحله طفولیت هستند و به مکتب می روند شما رهنمائی کنید که چه آداب و مسائل را در تربیه شان در نظر داشته باشیم زیرا محیط مکتب و قریه و کوچه ما حول چندان مناسب نیست ؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

برای پسر و دخترتان آداب سخن گفتن و شنیدن و همنشینی و اجازه خواستن و غذا و خواب و داخل شدن و بیرون آمدن و رفتن و قضای حاجت و دیگر آداب عمومی و

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، کتاب الطهارة، باب فضل الوضوء، رقم الحدیث: (۲۲۳)، (ج ۱)،

خصوصی را آموخته و آنان را بر اخلاق والا و عادات نیک عادت دهید. از آن جمله: بزرگداشت بزرگ و مهربانی بر کوچک و دوست داشتن مسکینان و کمک به نیازمندان و احترام صالحان و دوری از کارهای هرزه و زشتیهای اخلاقی چون ظلم و آزار رسانیدن و کار زشت و سخن زشت و عیبجویی و طعنه زدن و غیبت و سخن چینی و همدیگر را با نامهای زشت یاد کردن و دروغ و تهمت زدن و کینه و حسد و کبر و خویشتن بینی و بیکارگی و تنبلی. که همزمان زشتی های این صفات بد و زیبائیها و محاسن آن صفات شایسته را برای آنان بازگوئید و از عاقبت و فرجام هر کدام در دنیا و آخرت آنان را آگاه کنید. بدانید که این خود والاترین و ارزشمندترین تحفه و هدیه ای است که برای اطفال عرضه میکنید و بهترین میراثی است که برای آنان به ارث می‌گذارید.



### معنی و مفهوم سنت حسنه و نیک

یکی از علاقمندان مسائل دینی سوال نموده:

آیا در دین مبین اسلام سنت حسنه و نیک وجود دارد  
لطفا در این مورد معلومات دهید؟



### الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

سنت حسنه ونيكو عمل وكردار خوب ومطابق شريعت است كه انسان آنرا انجام دهد ونفع وفايده آن متعدی باشد وهمیشه ادامه وجريان داشته باشد وقطع نشود، اين يكي از محاسن وفضائل دين مبين اسلام است كه الله متعال بر انجام آن تشويق وترغيب نموده كه دعای مسلمان همين باشد وفرموده است: "واجعلنا للمتقين إماما"<sup>۱</sup>.

ما را پیشوایان اهل تقوا و نیکو کاران قرار بده.

ورسول الله صلى الله عليه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "من سن في الإسلام سنة حسنة فله أجرها وأجر من عمل بها من بعده"<sup>۲</sup>.

کسی که در دين اسلام سنت وروش خوب را بنیان نهد اجر وپاداش کسی که به آن عمل کند به او میرسد.



<sup>۱</sup> - سورة الفرقان، آیت: ۷۴.

<sup>۲</sup> - صحیح مسلم، کتاب الزکاة، باب الحث علی الصدقة ولو بشق تمره، أو كلمة طيبة وأنها حجاب من النار، رقم الحديث: (۱۰۱۷)، (ج ۲، ص ۷۰۴).

## مهربانی و نرمخوی از مهمترین صفات دعوتگر بشمار می‌رود

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

هر دعوتگر که در قافله دعوتی روان می‌شود و رشته سخن دعوت را در دست می‌گیرد بهتر است با مهربانی و نرمخویی صحبت کند و مردم را بسوی الله متعال و احکام والای دین مبین اسلام سوق دهد و به او حسن ظن داشته باشد. زیرا بهترین مسلمان کسی است که در دینش آسان گیر باشد به همین منظور رسول الله صلی الله علیه وسلم صلی الله علیه وسلم موقعی که یک نفر بیابان نشین در مسجد نبوی ادرار می‌نمود به اصحاب که در صدد بشدت رفتار کردن با او بودند دستور داد که او را رها کنید، شما باید امت آسان گیر باشید.

زیرا باید این امت در دعوت، رحمت باشد. و برهان و استدلال سالم داشته باشد و در نصیحت کردن اخلاص نیت داشته باشد و بهنگام موعظه و ارشاد نیکوکار و خیرخواه باشند، زیرا شریعت اسلامی تماماً بر آسانگیری و چشم‌پوشی تکیه می‌نماید، و راه‌های آسان‌گیری به هیچ وجه محدود نمی‌شود، همانطور که می‌بینیم در معاملات تجارتهی آسان‌گیری یکی از مهمترین موضوعات می‌باشد، پس باید در مطالبات خود آسان‌گیر باشیم، در تقاضای بازپرداخت قرض، و تنگدستان را یاری دهیم چون هر کسی

تنگدست و ناتوانی را یاری نماید خداوند در دنیا و آخرت بر او آسان می‌گیرد.

و کسی که در این دنیا از مسلمانی سختی و ناراحتی بر دارد یقیناً خداوند سختی‌های قیامت او را بر می‌دارد و کسی که مسلمانی را بپوشاند، خداوند در دنیا و آخرت وی را می‌پوشاند. و کوشش کنید نسبت به کارگران، مستأجرین، خدمه و موظفین آسانگیر باشید، آنان را به کارهای طاقت فرسا که در توانشان نیست مجبور نکنید و اگر مجبور به چنین کاری شدید آن‌ها را یاری دهید.

مدیران و مسؤولین و همچنین پدران و مادران و مردان باید مواظب زبردستان خود باشند و با مهربانی و محبت برخورد نمایند، و مؤاخذه فقط به خاطر حق باشد و سعی کنید عفو و بخشش را پیشه کنید همانطور که قرآن می‌فرماید: "أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ" <sup>۱</sup>.

یعنی: مگر دوست ندارید که خدا بر شما ببخشد.

کوشش کنید همیشه به شیوه‌های نرم کارتان را روان کنید و اگر خواستید فرمانروا باشید و به دستوراتت گوش دهند باید دستوراتی صادر نمائید که قابل انجام باشد، و به هیچ وجه سخت‌گیر و متشدد نباشید خداوند به خطاب به

<sup>۱</sup> - سورة النور، آیت: ۲۲.

رسول الله صلى الله عليه وسلم می فرماید: "وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا  
 أَلْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي  
 الْأَمْرِ"<sup>۱</sup>.

یعنی: و اگر در زشتخوی و سنگدل بودی از پیرامون تو  
 پراکنده می شدند. پس از آنان درگذر و برایشان طلب  
 آمرزش نما و در کارها با آنان مشورت و رایزنی کن.

پس از لغزش و اشتباه بپرهیزید، و معذرت را بپذیرید و  
 از اشتباهات چشم پوشی نمائید و مردم را به راه درست و  
 سالم راهنمایی کنید و در نهایت محکم کار باشید و مژده  
 دهنده و به هم نزدیک شوید.

یکی از مواردی که باعث تندروی و سختگیری در دین  
 می شود، نا آگاهی و نا فهمی و جهل به دین و عدم آگاهی به  
 مقاصد شریعت و در یک کلمه ضعف علم می باشد، و چه  
 بسا بعضی مواقع آرزوهای نفسانی باعث چنین برخوردهایی  
 می شود.

در حدیث صحیح رسول الله صلى الله عليه وسلم  
 فرموده اند: " إِنْ الدِّينَ يَسْرُ، وَلَنْ يَشَادَ الدِّينَ أَحَدٌ إِلَّا غَلَبَهُ،

<sup>۱</sup> - سورة آل عمران، آیت: ۱۵۹.

فسددوا وقاربوا، وأبشروا، واستعينوا بالغدوة والروحة وشيء من الدلجة" <sup>۱</sup>.

یعنی: هر کس در دین شدت و تندروی به خرج دهد شکست می خورد، پس با رفق و مهربانی در آن فرو روید.

این بود جواب سوال یکی از دوستان محترم که از ملا صاحب مسجد شان شکایت میکند که بسیار تند خوی و سختگیر است و اگر احکام دین را هم بیان میکند بشدت پیش میرود و قبل ازینکه مردم را بفهماند که این کار غلط و خطاء است آنرا بجاهلان و نادانان خطاب می کند.

وصلی الله تعالی علی خیر خلقه محمد وعلی آله  
و أصحابه أجمعین.



### ترانه های اسلامی یکی از مهمترین وسائل دعوت اسلامی بشمار میرود

ترانه های اسلامی که مضمونش مشتمل بر دعوت بسوی هدایت و نیکی و طاعت خداوند متعال، و متابعت سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم باشد و همت مردم را متحرک

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب الإيمان، باب: الدین یسر، رقم الحدیث: (۳۹)، (ج ۱)،

بسازد بسوی توحید و جهاد و وایشار و فدا کاری و دفاع از سرزمین های اسلامی و دسائس دشمنان اسلام را بیان کند، و مسلمان را به وحدت و اتحاد دعوت دهد و از تعصب و زبان برستی و قومکرای منع کند، شکی نیست که این ترانه جزء مهمی از وسائل متعدد دعوت اسلامی را تشکیل میدهد خصوصا در بین جوانان و نوجوانان در دانشکاهها و مکاتب و مدارس و رادیوها و تلویزیون اسلامی و از فضایل اعمال بشمار میرود، این نوع ترانه ها در حقیقت تفسیر و ترجمه شعری بعضی آیات قرآن کریم و احادیث نبوی میباشد.. و همین ترانه های حماسه آفرین بهترین بدیل موسیقی بوده.

لیکن مسلمان باید قرآن کریم را بشنود و هم لیکجر و تبلیغ علماء و دانشمندان را داشته باشد و در ضمن آن توجه به شنیدن ترانه های اسلامی کند، و هر کدام اینها بجا و وقتش شنیده شود.

و هم باید بین ترانه های اسلامی و موسیقی فرق کنیم، و هر کسی که ترانه های اسلامی را جمله و تفصیلا حرام گفته کار نادرست کرده و هیچ دلیلی ندارد و هیچ عالم و مولوی حق ندارد که مباحات را حرام بگوید بدون دلیل واضح.

لیکن شنیدن و سرودن ترانه های حرام است که موسیقی داشته باشد و یا شامل الفاظ و کلمات شرکی

و منحرف کننده باشد و یا به تعصب قومی و زبانی و سمتی دعوت دهد و یا به فساد اخلاقی دعوت دهد و زمینه کمراهی مردم را مساعد بسازد باز این نوع ترانه ها شنیدن و سرودن و توزیع کردن و فروختن آن همه حرام است.

این بود جواب سوال یک دانش آموز که خود را از ولایت قندز معرفی نموده و نوشته است: یکی از استادان مکتب ما میگوید که شنیدن ترانه مکروه و حرام است، اگر برایم توضیح دهید که او را قناعت دهم.



### مسلمان بخاطر مستحبات باید فرائض و واجبات را ترک نکند

شرکت کردن و رفتن با تبلیغیها مستحب است لیکن طاعت والدین یعنی پدر و مادر فرض و واجب است، و در صورت که پدر شما را از رفتن با جماعت تبلیغ و شرکت کردن در برنامه های چهل روزه آنها منع کند باید که از رفتن با آنها منصرف شوید، زیرا رفتن با تبلیغیها فرض و واجب نیست، البته اگر بخاطر آموختن دین و یا تبلیغ آن باشد می توان بگوییم که مستحب است و آن هم بشرط که پروگرامهای جالب و خوب داشته باشد و فقط برای معرفی جماعت تبلیغ نباشد و هم منحصر بر فضایل اعمال نباشد زیرا دین اسلام یک دین شامل و کامل است و هم اولویات ها

را در نظر گرفته، وهم کسی که برادران تبلیغی را همراهی میکند باید علم شرعی صحیح و درست داشته باشد تا اینکه از آنها در بعضی مسائل که بالای شان ملاحظات شرعی وجود دارد متأثر نشود وهم بیان کردن این ملاحظات به معنای دشمنی و بی احترامی به برادران تبلیغ نیست، از جمله ملاحظات:

۱- به این نظر و عقیده نباشد که جماعت تبلیغ مرجعیت دینی مسلمانان را دارا میباشد و یا اینکه حل مشکلات جهان اسلام فقط در خارج شدن با آنها است بلکه این دعوت یک دعوت جزئی است نه شمولی.

۲- فراگیری علم شرعی را بخاطر تبلیغ ترک نکند.

۳- پدر و مادر و فامیل و خانواده خود را بدون سرپرست ترک نکند بخاطر تبلیغ زیرا آنها تا بازگشت او از تبلیغ ضایع می شوند و اولادهایش منحرف می شوند.

۴ - خارج شدن و رفتن به تبلیغ را بنام (فی سبیل الله) ننماد، زیرا مراد از فی سبیل الله جهاد فی سبیل الله است و سرگرمی های برادران تبلیغی جهاد گفته نمی شود بمعنای دقیق.

۵- در بین دعوات و علمای جماعت تبلیغ احادیث ضعیف و موضوع انتشار زیاد دارد و از آن استدلال می کنند،



و در نتیجه آن انحرافات فکری و دینی را نشر میکنند و آن را به مذهب حنفی نسبت میدهند.

۶- از منکرات بزرگ و کلان سخن نمی زنند فقط از فضایل اعمال حرف بمیان می آورند.

۷- عالم بزرگ و فقیه مجتهد در بین شان وجود ندارد.

۸- برادران تبلیغی ما از مجددین جهان اسلام در عرصه های مختلف یاد نمی کنند مثلاً از روشهای دعوتی سید جمال افغانی و فداکاری ها و فتوحات سلطان محمود غزنوی و کوشش های اصلاحی امام حسن البناء و استاذ مودودی و نظریات عقیدوی شیخ الإسلام محمد بن عبد الوهاب نجدی یاد نمی کنند.

حالا برادر سوال کننده و دوست عزیز ما این ملاحظات را در نظر گرفته و می تواند که برای شرکت در تبلیغ برود اگر والدین خود را راضی بتواند، و از خوبی هایش شان استفاده کند و هم نقائص شان را بیان کند.



## ژورنالستان مسلمان باید صداقت و راستی و عدم مبالغه را شعار خود قرار دهند

ژورنالیستی و نویسندگی و خبر نگاری و فعال بودن در رسانه ها و کار کردن در مطبوعات فرصت خوبی است برای دعوتگران بخاطر توضیح دادن حقائق و روشن کردن اذهان و دفاع نمودن از ارشهای اسلامی و بیان کردن شمولیت اسلام و زدودن تعصبات قومی لسانی و منطقی.

و این مسؤولیت بیشتر می شود در شرائط فعلی چون جنگ فکری شدیداً ادامه دارد و هر طرف می کوشد اهداف خود از طریق مطبوعات پیاده کند، ازینرو فعالان رسانه ئی مسلمان باید صداقت و راستی را شعار خود قرار داده و به کمال امانت داری و موضوعیت و واقعینانه به پیش بروند و از رسانه مطبوعات منحیث یکی از وسائل مهم دعوت اسلامی استفاده کنند.



### اولاد امانت اند و باید در تربیه شان جدی باشیم

اگر لطف کنید در باره تربیه اطفال و مسؤولیت پدران روشنی بیندازید.

### الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:

همه میدانیم که تربیت پسران و دختران از بزرگترین فرائض بر پدران و مادران است و همانگونه که پدر مسئول تربیت اولاد و پاسداری از دیدگاه بدنی است همزمان مسئول تربیت و اصلاح شان از دیدگاه روحی و اخلاقی نیز میباشد و آن به اینکه به اندازه توانش بکوشد در پاکی و نفوس و اصلاح اخلاق و بنده سازی آنان برای پروردگار و خالق شان و غرس نهال ایمان در دل‌های شان از کودکی نقش خود را بدرستی ایفا کند، زیرا ایمان به خداوند تعالی نخستین وجیهه ای است که بر دوش شان میباشد بلکه همین خود هدف وجود و سبب سعادت و رستگاری شان در دنیا و آخرت آنان میباشد.

نویسندگان و خطیبان از احسان به پدر و مادر بسیار صحبت میکنند و باید هم چنین کنند، زیرا احسان به پدر و مادر از لازمت‌ترین فرائض است اما احسان به آنان جز با عنایت و توجه به فرزندان و پرداختن به تربیت نیک و آماده سازی شان تحقق نمییابد.

چه هر اندازه که فرزند صالح تر و بر راه راست استوار باشد، به همان اندازه به ادای حقوق خداوند و حقوق بندگانش که از مهمترین آن احسان به پدر و مادر است، اشتیاق و حرص بیشتری از خود نشان میدهد.

رابطه و پیوند میان پدران و فرزندان، رابطه ای است متبادل که از هر دو سوی با هم هماهنگ در حرکت است و به هر اندازه که فرزند احساس کند والدینش به او اشتیاق و لطف و مهربانی دارند و برایش زحمت میکشند، به همان اندازه به آنان احسان و اخلاص داشته و تلاش میورزند حقوق شان را ادا کنند.

اما هرگاه فرزند احساس کند که پدرش بر او ستم نموده از او رویگردان بوده و به او توجه و عنایت نمی ورزد یا آنکه با تجارت و اموال خود از تربیت و اصلاح حال او گرفتار است یا اینکه با سفرهای بسیار خویش آنان را خسته می کند یا به زن دیگر و فرزندان مشغول است، در تمام این موارد، علاقه و پیوند او با پدرش سست و سرد می شود، زیرا او از شفقت پدر و گرمی عشق و محبت و دوستی اش بهره مند نبوده است، حالت مادر نیز چنین است، زیرا هرگاه او فرزند خود را به حال خود گذاشته و وظیفه خود را در خدمت و رعایت حال او فروگذاشته کار او را به خادمه و پرستار گذاشته، بیشتر وقت خود را دور از خانه و فرزندان گذاشته، نباید از فرزندان امید نیکی و احسان داشته و از نافرمانی آنان و کوتاهی شان در مورد خویش تعجب نماید.

چه شخص آنچه را کشت کند می درود و انسان نمی تواند از خار انگور به دست آورد که پاداش از جنس عمل است و پشه خود بر خود ستم روا داشته است.

از اینرو، وظیفه پدر از دیدگاه شریعت و مصالح دنیوی و اخروی اش این است که به فرزندش عنایت ورزیده و تمام کوشش خود را در رعایت و پاسداری از آنان و پرورش نیک شان صرف نماید.

اولاد، کشت پدران و میوه دل‌های شان اند، از اینرو، هرگاه پدر در پاسداری و نگهداری از کشت خویش توجه و اهتمام نموده و آن را از آفاتی که فاسد یا نابودش میسازد، نگهدارد، این کشت به فرمان خداوند صالح و شایسته و ثمربخش و مفید به بار خواهد آمد.

پیامبر صلی الله علیه وسلم میفرماید: "و ما من مولود إلا یولد علی الفطره، فأبواه یهودانه أو ینصرانه، أو یمجسانه"<sup>۱</sup>.

هیچ کودک نتولدی نیست مگر آنکه بر فطرت (ایمان و هدایت) زاده می شود و سپس پدر و مادرش او را یهودی یا مسیحی یا آتش پرست می گردانند.

از این رو، کودک نوزاد بر توحید و فطرت سلیم قابل پذیرش خیر زاده می شود و او در برابر پدرش چون خمیر نرمی است که هرگونه خواسته باشد او را به همان صورت و

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب الجنائز، باب إذا أسلم الصبی فمات، هل یصلی علیه، وهل یرض علی الصبی الإسلام، رقم الحدیث: (۱۳۵۸)، (ج ۲، ص ۹۴).

مشکل درمی آورد و چونان آئینه بلور و صاف است که هر نقشی در آن رسم کرده می تواند.

بنابراین، هرگاه از کودکی با خیر سروکار پیدا کرد و بر آن پرورش یافت، بر آن خوی گرفته و نشو و نما می یابد، زیرا او با فطرتی که خداوند مردم را بر آن آفریده، هم آهنگ حرکت می کند بلکه همین فطرت به سبب اهمال و فروگذاشت و تربیت نادرست منحرف میشود.

چه نیکو سروده شاعر آنجا که می گوید:

و ینشأ ناشبیء الفتیان فینا، جوانان نوپا درمیان ما بر همان خوی.

علی ما کان عوّدہ أبوه و خصالی، که پدرش او را بدان عادت داده، نشو و نما و تربیت میشود.

و در عبادت و تربیه شان به اساس عقیده توحید توجه زیاد صورت گیرد:

و فرموده رسول خدا صلی الله علیه وسلم است: "مروا أولادکم بالصلاه و هم أبناء سبع سنین، و اضربوهم علیها و هم أبناء عشر، و فرقوا بینهم فی المضاجع"<sup>۱</sup>.

فرزندان خود را در هفت سالگی به نماز امر کنید و در ده سالگی آنان را بر ترک آن بزنید و خوابگاههای آنان را از هم جدا کنید.

از اینرو، مسئولیت تربیت فرزندان شان را بر ادای نماز و حرمت و تعظیم آن بر دوش پدران نهاده و اینکه آنان را از اسباب فساد اخلاقی بدور داشته.



### نقش دیدارهای عام خانوادگی در صله رحم

صله رحم از بزرگترین عبادات و اسباب نزول رحمت های الهی و رسیدن به بهشت برین و بالا رفتن مقام و دریافت برکت در عمر و وقت و فزونی روزی و نیکی ها، نام نیک در زندگی و پس از مرگ است به اضافه نصرت و عزت و محبت و دوستی و پرشدن دلها از هیبت و بزرگی اوست، خداوند عزوجل در وصف مؤمنان خردمند می فرماید: "الَّذِينَ يُؤْفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ"، "وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ

<sup>۱</sup> - سنن أبي داود، كتاب الصلاة، باب متى يؤمر الغلام بالصلاة، رقم الحديث: (۴۹۵)،

بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ"<sup>۱</sup>، آنان که به پیمان خدا وفا می‌کنند و پیمان را نمی‌شکنند، و آنان که آنچه را خدای فرموده است که بپیوندند، می‌پیوندند و از پروردگارشان می‌ترسند و از سختی حساب بیمناکنند.

واز پدیده‌های زیبایی که شایسته است از آن تأیید بعمل آید و بر اهمیت آن تأکید شود و افرادش مورد ستایش قرار گیرند، همین اجتماعات عمومی خانوادگی است که افراد یک خانواده را شامل می‌شود، هرچند سرزمین‌های شان از هم دور و پراکنده باشد که چه بسا تعدادشان به صدها و هزاران می‌رسد، آن هم برحسب کمی و بسیاری خانواده که در وقتی همین در هر سال با هم یکجا می‌شوند و بدینوسیله با هم شناخت حاصل نموده و به هم الفت می‌گیرند و پیوند برخی از آنان با برخی دیگر تقویت می‌شود و برخی از حالات برخی دیگر شناخت حاصل می‌کند و میان‌شان پلهای محبت و دوستی امتداد یافته و همکاری و همبستگی و همیاری و مهرورزی در میان‌شان حکمفرما می‌شود و بدینوسیله احساس عزت و قدرت می‌کنند که گویا چونان پیکری واحدند و برادران همبسته و دوستدار یکدیگر. برای هر خانواده شایسته است که بسیار تلاش کنند که صندوق خیریه‌ای برای فامیل خویش تأسیس نمایند به گونه‌ای که زکات‌های واجب و

<sup>۱</sup> - سورة الرعد، آیت: ۲۰-۲۱.



کمک‌های گهگاهی و اشتراک‌های ماهانه و سالیانه افراد خانواده در آن جمع می‌شود. تا بر مردان و زنان نیازمند آن به مصرف برسد و برای آنکه با اموال ثروتمندان شان از شوامگری مردم و دست دراز کردن به این و آن بی‌نیاز گردند، قابل یادآوری است که ایجاد همچون صندوقی و تقویت آن توسط ثروتمندان خانواده از بزرگترین اسبابی است که به آنان یاری می‌دهد که بر خویشاوندان و نزدیکان نیازمند خویش از آن انفاق نمایند، چنانکه همچو اجتماع‌ها فرصت خوبی برای پند و اندرزند و اصلاح دلها و پاکسازی روان‌هاست و خوشبختانه هیچ خانواده‌ای وجود ندارد که از علما و اعیان مخلص برخوردار نباشند که از این اجتماعات ما برک در رسانیدن خیر و هدایت نه اقارب و نزدیکان و خویشاوندان خویش بهره می‌گیرند، آنانی که سزاوارترین مردم به نصیحت و احسان‌شان‌اند. چنانکه پروردگارمان می‌فرماید: "وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ"<sup>۱</sup>.

و خویشاوندان نزدیک خود را بیم دهد.

آنکه همچو اندیشه‌های سودمند و مفید را اساس‌گزاری می‌کند باید به امور زیر عنایت ورزد:

<sup>۱</sup> - سورة الشعراء، آیت: ۲۱۴.

۱- استفاده از تجربه‌های خانواده‌هایی که فضیلت سبقت در این میدان را دارند و تلاش برای تلافی اشتباهاتی که آنان در آن افتاده و استدراک خلل‌ها و نواقصی که آن را دریافت نموده‌اند.

۲- انتخاب گروهی امین و توانمند از بزرگان خانواده تا بر صندوق خیریهٔ خانواده سرپرستی داشته باشند تا از اعتماد و کمک ثروتمندان بهره‌مند شده و بتوانند از فامیل دلجویی نموده، حالات افراد نیازمند را توأم با نیازهای‌شان بررسی کنند.

۳- کار برای ایجاد عمارت یا استراحتگاهی برای اجتماعات و جشن‌های خاص خانواده چنانکه از آن در جشن‌های ازدواج پسران و دختران فامیل کار گرفته شود که این کار سود و نفع زیادی با خود به‌مراه داشته، فرصت‌ها و تلاش‌ها و مال بسیاری را فراهم آورده و پیوند محبت و صلۀ رحم را میان افراد آن خانواده تحکیم می‌بخشد.



## په شخصیت جوړونه کې د قرآني زده کړو اغېزې

قرآن کریم د الله تعالی هغه سپېڅلی کتاب دی چې د یو رښتیني مؤمن په ژوند کې بنسټیز تحوّل (بدلون) رامنځ ته کوي او په عملي کولو سره یې د انسان په فکر او ورځنیو چارو کې جذري بدلون را منځ ته کيږي او هغه روزنیز سپېڅلی کتاب دی چې تر قیامته پوری یې اغېزې او حیرانوونکي معجزات پای ته نه رسيږي.

د قرآن کریم په لوستلو سره د انسان پر وړاندې د جهالت او ترورميو (تورتمونو) توری تیاری له منځه وړل کيږي او لوستونکی انسان خورا بې شمېره حقیقتونو ته متوجه کيږي، لکه: کولی شي د خدای پېژندنې تر څنګ د کوچني نړۍ (ځان پېژندنې) او سترې نړۍ (جهان پېژندنې) د حقیقت سره هم آشنا شي، یعنې که چیرې یو انسان په خپل دې کوچني وجود کې فکر وکړي؛ نو ورته جوتې به شي چې په دې کوچني جسم کې د الله تعالی څومره بې شمېره د قدرت نښې نښانې پرتې دي؛ نو ځکه ورته کوچنی نړۍ ویل کيږي.

قرآن کریم په اصل کې د حقائقو هغه شفافه هینداره ده چې هر څه پکې روڼ او ځلانده ښکارېږي او د الهي هداياتو هغه سرچینه ده چې په لوستلو سره یې انساني

فکرونه نه منحرف کيږي، بلکه بې لاری او کاره فکرونه پکې د حق غږې ته رالويږي او وراسته او پرېوتې فکرونه له منځه وړي، له همدې کبله ويلای شو چې: د قرآن تر سيوري لاندې ژوند کوونکي انسان د يو سپېڅلي زړه او فکر درلودونکي انسان وي. بنيادي چې مونږ مسلمانان هم د صحابه کرامو په څېر له قرآن سره بې کچې مينه وپالو او په خپله کورنۍ کې خپلو ماشومانو او خپلې مېرمنې ته ددې انسانسازه کتاب او د کورنۍ نورو غړو ته هم نبودنه وکړو، په همدې اړه امام حافظ السيوطي (رحمه الله) داسې وايي:

خپل ماشومان مو په قرآني لارښودنو سره وروزي او دا پر مونږ باندې د هغوی د بنسټيزو حقوقو څخه يو اساسي حق دی، تر څو زمونږ کمکي ماشومان په فطري ډول د قرآن کریم سره مؤنس (مينه پال) راستر شي او مخکې له دې چې د هوا او د هوس په شیطاني لومو کې بنکيل او د معصيت په ککر چاپېريال کې بې سپين زړونه تور شي، بنيادي د حکمت په پلوشو (ورانگو) سره بې زړونه روښانه وساتل شي.

حضرت عبدالله بن عباس (رضي الله عنه) چې په مفسر- القرآن سره بې شهرت موندلی ؤ د خپلو يو لړ تېرو

خاطراتو په اړه مونږ ته داسی وايي: (ثَوْبِي رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وسلم) و أنا ابن عشر سنين و قد قرأت المحكم)<sup>۱</sup>.

ترجمه: هر کله چې پیغمبر اکرم (صلى الله عليه وسلم) وفات شو؛ نوزه ۱۰ کلن ماشوم وم او ما په خپل همدې کوچني عمر کې قرآن کریم حفظ کړی و.

همدا راز په یو بل روایت کې د امیر المؤمنین حضرت عمر (رضي الله عنه) څخه راټول شويدي چې جناب رسول اکرم (صلى الله عليه وسلم) وفرمایيل: (إِنَّ اللَّهَ يَرْفَعُ بِهَذَا الْكِتَابِ أَقْوَامًا وَيَضَعُ بِهِ الْآخَرِينَ)<sup>۲</sup>.

ترجمه: په تحقیق سره لوی پروردگار په دې کتاب (قرآن کریم) سره یو لړ قومونو ته عزت ورپه برخه کوي او یو لړ نورو ته خواري او ذلت ورپه برخه کوي. همدا راز د امیر المؤمنین حضرت عثمان بن عفان (رضي الله عنه) څخه په یو روایت کې راغلي دي چې نبی کریم (صلى الله عليه وسلم) فرمایيل:

<sup>۱</sup> - صحيح البخاري، كتاب فضائل القرآن، باب تعليم الصبيان القرآن، رقم الحديث:

(۵۰۳۵)، (ج ۶، ص ۱۹۳).

<sup>۲</sup> - صحيح مسلم، كتاب صلاة المسافرين وقصرها، باب فضل من يقوم بالقرآن، ويعلمه،

وفضل من تعلم حكمة من فقه، أو غيره فعمل بها وعلمها، رقم الحديث: (۹۱۷)، (ج ۱،

ص ۵۵۹).

وسلم) وفرمايل: ( خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ )<sup>۱</sup>، ترجمه: په تاسې کې بهترين تن هغه څوک چې قرآن عظيم الشان ( پخپله ) زده کړي او ( بيا پې ) نورو ته وروښايي.

امام السيوطي پخپل کتاب طبقات الحفاظ کې د امام شافعي ( رحمه الله ) څخه دا خبره را نقل کړيده چې فرمايي: ( حَفِظْتُ الْقُرْآنَ وَ أَنَا ابْنُ سَبْعِ سِنِينَ وَ حَفِظْتُ الْمَوْطَأَ وَ أَنَا ابْنُ عَشْرٍ - ) . ترجمه: امام شافعي ( رحمه الله ) وايي چې: قرآن کریم مې په ۷ کلنۍ کې او د موطأ ( کتاب ) مې په ۱۰ کلنۍ کې حفظ کړ.

دا پورته مثالونه مو ددې لپاره ذکر کړل، تر څو مونږ هم خپلو ماشومانو ته د هغوي په کوچنيوالي کې گټور علم او اساسي ديني زده کړی وروښايو او په قرآني علم سره پې سالمه پالنه او روزنه وکړو.

د صلاح الدين ايوبي يوه لنډه خاطره:

ابن شداد د صلاح الدين ايوبي د خاطراتو څخه ديوې په زړه پورې خاطرې يادونه کوي او وايي چې: صلاح الدين ايوبي ( رحمه الله ) به چې هر کله کوچني ماشومان

<sup>۱</sup> - صحيح البخاري، كتاب فضائل القرآن، باب: خيركم من تعلم القرآن وعلمه، رقم

الحديث: (۵۰۲۷)، (ج ۶، ص ۱۹۲).

وليدل؛ نو د قرآن کریم لوستلو او حفظولو ته به پې هڅول،  
 ځکه تشويق او هڅونه د ماشوم پر ذهنيت خورا مثبتې  
 اغېزې شيندي، داتر دې پورې چې کله کله به پې خپلې  
 شخصي- ځمکې هم دوي ته د وقف په توگه سره ورکولې.  
 نوموړي يو ځل يو ماشوم راوغوښت تر څو په خپل ارگ  
 کې د راټولو شوو مشرانو پر وړاندې د قرآن کریم تلاوت  
 وکړي.

بيا څه موده وروسته پې دغه ماشوم خپل دربار ته نور  
 هم رانژدې کړ او هغه ته پې د خپل خوراک څخه يوه برخه  
 ځانگړې کړه او بيا له دې وروسته پې د خپلې ځمکې دوه  
 برخې (يوه ټوټه پې) هغه ته او (بله برخه پې) د هغه پلار  
 ته وقف کړه..

ابن جرير الطبري(رحمه الله) چې د تاريخ په زرینو پاڼو  
 کې په مفسر- او زيات سفر کوونکي شخص سره شهرت  
 لري، نوموړی په خپل کتاب (الرحلة عن مُشاهداته) کې  
 ليکي دي: ((په ختيځو هېوادونو کې د قرآن کریم زده کړه په  
 بڼه توگه ځکه تر سره کيږي چې دلته د دې سيمې مېشت  
 خلک بار بار خپل کوچني ماشومان د قرآن پاک زده کړې  
 ته هڅول کيږي، دوي خط په شعرونو کې زده کوي او پر

دې باندى وياړي چې د قرآن کریم په څېر د يو سپېڅلي کتاب زده کوي)).

او ابن خلدون وايي: ماشومانو ته د قرآن کریم زده کړه د اسلام د شعائرو (نبو) څخه يوه نښه ده چې د تاريخ په اوږدو کې د نړۍ مختلفو ملتونو د دې کتاب زده کړه کړېده او پخپلو ټولو ښارونو کې ېې د دې گټور علم خپور کړی دی او قرآن کریم ته د همدې ځانگړې توجه له کبله د ولسونو په فکرونو، رواجونو او عنعناتو کې بدلون راغلی دی. په پای کې ددې خبرې يادونه کوو چې: خوشحالي ده د هغه ملت لپاره چې هغوي ته د قرآن په څېر مبارک کتاب ورپه برخه شوېدى چې په اړه ېې په خبرو کولو سره هم انسان ته اجر ورکول کيږي، هغوي چې قرآن لومړی په خپله زده کوي او له درست فهم او ژورې پوهې وروسته قرآني علم بيا نوي نسلونو (new generations) ته رسوي.



**دشمني با علماء ودعوتگران راستين دشمنى با اسلام است**

یک شخص به یکی از علمای راستین چنین نوشته

است: مرگ ملا یک شکم نان است؟



شخص دومی نوشته: یک شکم نان مساویست به چند فتوا؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در جواب این اشخاص فسقه و فجره و اوباشان باید بنویسم که:

- دشنام دادن، غیبت کردن و به الفاظ زشت یاد کردن یک مسلمان عادی گناه کبیره است اگر به علماء برسد گناهش بس بزرگ است زیرا علماء ناقلین و حاملین این دین هستند و توسط آنها الله متعال دین مبین اسلام را نشر و حمایت میکند، و آنها امضاء کنندگان به عوض رب العالمین در روی زمین هستند، و احترام علمای راستین واجب است.

- دشمنی با دعوتگران راستین در حقیقت دشمنی با دین مبین اسلام است.

- دوستی و محبت با علماء در واقع دوستی با شریعت اسلامی است.

- بدبختترین اشخاص کسانی هستند که با علمای راستین و حق گو و معتدل و بی ضرر در دشمنی واقع شده اند.

- دشنام والفاظ زشت را که از طریق فیسبوک و غیره وسائل اینها به علماء روان میکنند از جانب ملائک مکلف به نوشتن اعمال انسانها نوشته می شود و در ترازوی فسق و فجور شان درج می شود.

- دشنام دادن مسلمان ولو که مخالف هم باشد فسق است و دشنام دادن علماء و فقهاء و طلاب علم و دعوتگران که زندگی شان وقف در دعوت إلی الله است گناه بسیار بزرگ است.. فقهاء دین را به مردم بیان میکنند و حلال و حرام را نشاندهی میکنند و به راه های خیر رهنمائی میکنند که آخرت مردم خراب نشود.. خصوصاً علمای راستین که مشکلات جامعه را درک کردند و در متن مردم هستند.. رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است که: "سباب المسلم فسوق وقتاله کفر"<sup>۱</sup> دشنام مسلمان فسق و گناه کبیره است و قتل و قتال مسلمان به ناحق کفر است.

- احترام علماء و دفاع از آنها در مقابل تبلیغات فساق و فجار و اوباشان واجب هر مسلمان است

درین شکی نیست که علمای کرام کسانی هستند که دین مقدس اسلام و احکامش را به مردم میرسانند و شب

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب الإیمان، باب خوف المؤمن من أن یحبط عمله وهو لا یشعر، رقم الحدیث: (۴۸)، (ج ۱، ص ۱۹).

وروز بخاطر دفاع از ارزشهای اسلامی و عقیده مسلمانان سعی و تلاش بخرج میدهند و زندگی شانرا بخاطر دعوت اسلامی وقف نموده و همیشه در متن جامعه و مردم قرار دارند و تلاشهای خستگی ناپذیری را براه میاندازند، و نظر به جایگاه برزگ علمای راستین باعمل دین مبین اسلام به اشخاص فاسق و فاجر و اوباش اجازه نمی دهد که فقهاء و علماء را توهین کنند..الله متعال در قرآن کریم می فرماید: "يا أيها الذين آمنوا أطيعوا الله وأطيعوا الرسول وأولو الأمر منكم.." <sup>۱</sup> ای مسلمانان طاعت خداوند و رسولش و زمام داران برحق تان را بکنید که علمای کرام و علمای باعمل هم درین امر شامل هستند...و در آیه دیگری می فرماید: "قل هل يستوي الذين يعلمون والذين لا يعلمون.." <sup>۲</sup> آیا عالم و فقیه با کسانی که نمی دانند یک برابر هستند..هرگز نی...و رسول الله صلی الله علیه در حدیث صحیح بروایت امام بخاری فرموده است: "من یرد الله به خیرًا یفقهه فی الدین" <sup>۳</sup> هر کسی را خداوند برایش اراده خیر بخواهد او را عالم و فقیه میگرداند.

و نظر به فضایل که دین اسلام به علماء در نظر گرفته باید همه مسلمانان علمای کرام را احترام کنند و آماده دفاع

<sup>۱</sup> - سورة النساء: ۵۹.

<sup>۲</sup> - سورة الزمر: ۹.

<sup>۳</sup> - صحیح البخاری، کتاب العلم، باب: من یرد الله به خیرًا یفقهه فی الدین، رقم

الحدیث: (۷۱)، (ج ۱، ص ۲۵).

از حقوق شان باشند... و فعلا ما در افغانستان نمونه از علمای دعوتگر کم سابقه داریم که در هر حالت از حق و حقیقت تنازل نمی کنند.



### وسطیت یگانه منهجی است که از آسمان تأیید شده

بغیر از وسطیت همه مناهج فکری مشکلات خود را دارد

- نسل جوان امروزی ما چاره بغیر از انتخاب وسطیت ندارند در غیر آن در افراط و تفریط واقع می شوند.

- وسطیت از مهمترین و بارزترین خصائص دین مبین اسلام است.. الله متعال فرموده است که منهج وسطیت را برای شما انتخاب کرده ام: "كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا"<sup>۱</sup> و همچنان شما را امت وسط گردانیدم تا اینکه شاهدان باشید بالای مردم و رسول الله صلی الله علیه وسلم شاهد باشد بر شما در روز رستاخیر..

- از اینکه وسطیت انتخاب آسمانی است و همه جوانب زندگی عبادی و روحی و اجتماعی مسلمان را در بردارد باید

<sup>۱</sup> - سورة البقرة: ۱۴۳.

جوانان این منهج را اختیار نمایند.. زیرا همین وسطیت است که جوابگوی همه مشکلات و نابسامانیها میباشد.

- همین وسطیت است که یسر و آسانی و خوبیها و زیباییهای دین مبین اسلام را به مردم بیان میکند و منعکس میسازد.

- ما بر اساس فهم مان از قرآن و سنت و تجارب و عملکرد ائمه و مصلحین و مجددین و سلف امت، و تجارب مثبت بشری در طول تاریخ انسانی در روی زمین به این باور هستیم که تا فکر و ذهن و روان انسان به شکل مثبت تبدیل نشود انتظار هر گونه تبدیلی مثبت در در جامعه و جهان کاملاً بی اساس بیهوده است و تبدیلی در قلوب و اذهان و تزکیه، فقط و فقط از راه دعوت و فکر و تربیت و تعلیم ممکن می باشد.

و این کاری است که انبیاء علیهم السلام و خصوصاً پیامبر اکرم حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم و پیروان ایشان به اساس نصوص صریح قرآن مجید بر آن مکلف می باشند: "لقد من الله على المؤمنين إذ بعث فيهم رسولا من أنفسهم يتلو عليهم آياته و يزكيهم ويعلمهم الكتاب والحكمة وإن كانوا من قبل لفي ضلال مبين"<sup>۱</sup> و تعلیم، و تزکیه اساس

۱- سورة آل عمران: ۱۶۴.

دعوت انبياء عليهم السلام را تشكيل مي دهد و امت اسلامي بر اساس تعليم و تزكيه بوجود آمده است.

ما بهمان راهي مي رويم كه انبياء عليهم السلام رفته اند، و كاري را انجام مي دهيم كه رسول الله صلى الله عليه وسلم انجام داده اند و در اين كارمان اتباع و پيروى ايشان و صحابه كرام رضوان الله تعالى عليهم اجمعين را مي كنيم و هيچ روش جديد و بدعت در دين را نمي پذيريم چنانچه رسول الله صلى الله عليه وسلم مي فرمايند: "كل محدثة بدعة و كل بدعة ضلالة و كل ضلالة في النار"<sup>۱</sup>.

- منهج وسطيت همه اعضا و هواخواهان خود را به كار و مبارزه طويل المدت، خستگي ناپذير، صابرا نه و مرحله وار فرامي خواند و اگر كساني خواهان رسيدن به نتايج زودرس، سير شتابزده و بي برنامه و فاقد منهج و مضطرب باشند، بايد براي خويشتن جاي ديگري غير از وسطيت جستجو نمايند.



<sup>۱</sup> - سنن النسائي، كتاب صلاة العيدين، كيف الخطبة، رقم الحديث: (۱۵۷۸)، (ج ۳،

## نقش عبادات در تثبیت اخوت و برادری اسلامی

همانگونه که شارع حکیم بر این اخوت تشویق فرموده و آنرا از مقاصد شریعت اسلامی دانسته، بر ما منت گذاشته و فضائل و فرجام نیک آن را در دنیا و آخرت بیان کرده، عبادت و معاملات و آداب و اخلاق را نیز وضع نموده که ضامن ایجاد و تثبیت و استوار سازی این اخوت در جان و روان مسلمانان می باشد.

به گونهٔ مثال از نماز فریضه آغاز کنیم که مسلمانان در هر شبانه روز پنج وقت در مساجد آن را ادا می نمایند و مصالح دینی و دنیوی‌ای را با خود دارد که جز الله متعال کسی آن را نمی داند. و از آن جمله تثبیت روابط برادرانه میان مسلمانان می باشد.

بنابراین، مسجدی که روزانه پنج نوبت مردم محل و قریه و منطقه در خود یکجا می کند؛ در آن بدن ها به هم می چسبد و چهره ها با هم آشنا می شوند و دست ها با هم مصافحه می کنند و زبان ها بسا به رازونیا می گشاید و دلها در آن با هم الفت می گیرد و بر وحدت هدف و وسیله با هم ملاقات می نمایند؛ و چه وحدتی رساتر و قویتر از وحدت نماز گزاران در جماعت می باشد: اینان پشت سر فردی بنام امام نماز می خوانند و ما پروردگار یگانه‌ای را که الله است راز و نیاز می کنند و یک کتاب را که قرآن کریم است

تلاوت نموده و بسوی یک قبله که همان خانه کعبه بیت الحرام شریف است، روی آورده و اعمال همسان و واحدی را که قیام و قعود و رکوع و سجود است به جای می‌آورند.

و مدتی که به پوست و ظاهر بسنده نکرده بلکه به مغز و درون اثر گذاشته است و مدتی در فکر و اندیشه و مدتی در سمت و سو و هدف و مدتی در گفتار و کردار، و مدتی در ظاهر و باطن، و مدتی که روح آیه کریمه: «إنما المؤمنون إخوة» را در آن لمس و احساس می‌نمایند که مؤمنان و مسلمان باهم برادر هستند.

در مسجد، تفاوت جایگاه و ثروت و نژاد و رنگ، می‌بازد و در گوشه و کنار آن فضای دلکشی از برادری و برابری و محبت چیره می‌شود و سوگند به حق که این خود نعمت بزرگی است که انسان بتواند روزانه پنج نوبت از فضایی از صلح و امنیت کامل در جهانی که جنگ و خصومت همه آن را فرا گرفته، برخوردار شود. در محیطی که مساوات و برادری در آن مشهور و محسوس است و آن هم در حالی که اختلاف و جدایی و دوری و نفرت از همدیگر نظام چیره بر جهان است. در فضایی از محبت آن هم در درون کینه توزی‌های حاکم و ساختگی و دشمنی‌های شدید که زندگی روزمره مملوء از آن است. بدون شک این خود در حقیقت از بزرگترین نعمت‌هاست...



چه انسان هایی ناگزیر است که در میان این دوگانگی و مبارزه و کشمکش زندگی کند و همزمان روزانه پنج نوبت خود را از آن کنار کشد تا حقیقت برادری و برابری و محبت را دریابد؛ زیرا این مواصفات مصادر حقیقی سعادت و نیکبختی انسانی بشمار می‌رود.

همین مطلب را در موضوع ماه رضانی که هر سال تکرار می‌شود و مسلمانان از تمام خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها و لذت‌ها از طلوع سپیده صبح تا غروب آفتاب باز می‌ایستند، نیز بگویید.

الله متعال روزه را در ماه معینی بر مسلمانان فرض نموده تا با هم یکجا و نه به گونه‌ای پراکنده روزه گرفته، وحدت و برادری را لمس کنند. چنانکه هنگامی که رمضان داخل می‌شود، تمام جامعه مسلمان در فضایی از پاکی و نظافت و ترس و ایمان در روی آوردن به امور خیر و اعمال نیک بسر می‌برد که فضائل و امور خیر گسترش یافته و بازار شر و معصیت از رونق افتاده و مرتکبان آن دچار خجالت شده از اعلان و آشکار کردن آن بخودی خود می‌ایستند و عاطفه بخشش و احسان در ثروتمندان افزایش یافته، به کمک برادران ناتوان و بینوای خویش می‌شتابند. همه این مسائل در آنان این احساس عمومی را پدید می‌آورد که آنان یک امت و یک پیکر و برادرانی‌اند که با هم همبستگی و همکاری دارند.

در مراسم حج اخوت و برادری میان مسلمانان در روشنترین اشکال و صورتهایش نمایان می‌گردد؛ این رکن بزرگی است که هر سال تکرار می‌شود و تعداد زیادی از مسلمانان از گوشه و کنار جهان به آن حضور می‌یابند و از امت اسلامی با اختلاف نژاد و کشور و رنگ و زبانهایش نمایندگی می‌نمایند. آنان در یک جا و یک زمان و لباسی همسایگی اجتماع نموده، در مشاعر یکجا ایستاده، توحید و یکتاپرستی‌شان را در برابر پروردگار جهانیان و فروتنی خویش را برای شریعت و قانونش و یکی شدن خود را زیر پرچمش اعلان می‌نمایند.

اما زکات؛ از بزرگترین اسباب ایجاد همبستگی مادی و معنوی میان مسلمانان بشمار می‌رود. اینکه همبستگی معنوی ایجاد می‌کند، از چندین جهت است که به مهمترین آنها اشاره می‌کنیم:

۱- اینکه دادن زکات برای مستحقانش سبب الفت گرفتن دلها و انس گرفتن جان‌ها و پخش و گسترش فضایی از مهربانی و پیوستگی میان مسلمانان و تأکید اخوت و محبت میان‌شان می‌شود. هیچ چیزی نمی‌تواند مانند احسان به مردم و دراز کردن دست کمک و یاری به ایشان و تلاش برای تأمین مصالح و تخفیف آلام و رنج‌های شان، محبت آنان را جلب نموده و دوستی شان را تأمین نماید. در

سخنان حکمیانه آمده: دلها بر محبت آنکه به آنان نیکی کند، و دشمنی آنکه با آنان بدی نماید، سرشته شده است.

۲- - اینکه این کار سبب گسترش روح اجتماعی میان افراد جامعه می‌شود؛ زیرا دهنده زکات، عضویت کامل خویش را در جماعت (و جامعه) و اثرپذیری خود را از آن و مشارکت خویش را در تأمین مصالح آن و حل مشکلاتش و پیشرفت آن، احساس می‌کند و بدینوسیله شخصیتش رشد نموده، روانش پاک گشته، دلش گشوده شده و شخصیت معنویش بلند می‌رود و همزمان با یاری و مواسات برادرانش و انجام وظیفه اش در برادر جامعه، احساس سعادت کامل به او دست می‌دهد.

همانگونه گیرنده زکات ارزش و جایگاه خود را احساس نموده و می‌داند که او موجودی پوچ و پایمال شده و بیهوده نیست بلکه او در جامعه بزرگوار و جوانمرد زندگی می‌کند که به او توجه داشته و رعایت حالش را نموده، دستش را گرفته و او را در برابر حوادث روزگار یاری می‌نماید. این کار سبب می‌شود او به جامعه‌اش محبت ورزیده در برابرش اثرپذیر باشد و با این عمل دلش پاک و خالی از کینه و حسد شده، از برادران ثروتمندش تقدیر بعمل آورده، به فضل و احسانشان اعتراف نموده و دور موردشان دعای برکت و موفقیت و گشایش روزی می‌نماید.

۳- زکات بینوایان را کشیده و روح و روان‌شان را از کینه و دشمنی و حسد نسبت به ثروتمندان پاک می‌سازد. چنانکه فقیر و بینوا را امر می‌دارد که برای‌شان دعای برکت و زیادت و افزایش و گسترش روزی‌شان را نماید که با این کار جامعه و کشور به یک خانواده‌ای تبدیل می‌شود که محبت و وفا بر آن پرتو افکنده و همکاری و اخوت بر آن چیره باشد.

۴- اینکه این کار سبب گسترش امنیت و آرامش می‌شود؛ زیرا زکات برای گیرنده و دهنده و جامعه، مایه امنیت و سلامتی و آرامش می‌باشد. در مورد گیرنده؛ زیرا او با گرفتن زکات غنی گردیده، در امن و امان بسر برده، شجاعت و عزت خویش را بدست آورده و با روحی راضی و اراده ثابت با آینده روبرو می‌شود. اما دهنده؛ او خود به آینده خویش مطمئن بوده به کمک خداوند به خویش اعتماد داشته و حفظ مال و حفاظت خود از آفات از او مقامی ... و اینکه هرگاه خداوند جز امین را مقدر نمود و حوادث زمان او را پس از ثروتمندی فقیر و تنگدس ساخت، در مال برادرانش برایش حقی وجود دارد که می‌تواند کمبودهای خود را جبران نموده، نیازش را برآورده سازد. بنابراین او احساس می‌کند که نیروی برادرانش در صورت ناتوانی، نیروی خود اوست و در هنگام تنگدستی ثروت و غنمندی‌شان مددکار او می‌باشد.

۵- اما جامعه، زکات مسبب همبستگی و الفت و محبت افراد آن بوده و وسیله حفاظت آن از تندبادهای بی‌ظلم و فروپاشی و از هم گسیختگی می‌گردد. اما اینکه همبستگی مادی را ایجاد می‌کند، این مطلب روشنتر از آن است که از آن یادآوری شود که هدف اصلی مشروعیت آن نیز همین است؛ زیرا خداوند زکات را برای یاری فقرا و تهیدستان و نیازمندان و برای تأمین مصالح مسلمانان مشروعیت بخشیده است.

بنابراین، زکات نخستین قانون منظمی است که برای ایجاد توازن و همبستگی مادی پدید آمده که امروز بنام بیمه اجتماعی زیاد می‌شود که بر کمک‌های فردی گهگه‌های افراد تکیه ننموده بلکه بر کمک‌های حکومتی منظم و سلسلی استوار است که هدف آن تأمین نیازهای هر محتاج به اندازه کفایت او در طعام و لباس و مسکن و سایر نیازهایی است که برای او و خانواده‌اش زندگی اقتصادی مناسبی را بدون اسراف و خست. تأمین نماید.

بنابراین، هرگاه همه ثروتمندان زکات مال خود را جمع نموده و به مستحقانش بدهند، در میان مسلمان فقیر و نیازمندی باقی نمی‌ماند و نیاز فقرا جز به سبب منع ثروتمندان نیست و هیچ فقیری نیازمند نشده مگر به آنچه ثروتمندی از دهش و بخشش خودداری کرده است.

محمدرشید رضا می گوید: هرگاه مسلمانان این رکن دین شان را برپا دارند و آن هم پس از آنکه الله متعال تعداد شان را فزون ساخته و روزی شان را وسعت داده، در میان شان فقیری تیره بخت و وامداری مصیبت زده باقی نمی ماند ولی بیشتر شان این فریضه را ترک نموده و بر دین خود جنایت روا داشتند. از این رو، در مصالح مالی و سیاسی شان در روزگار ما و در میان تمام ملت ها، نگونسارتر و خوارتر شده اند.



### احکام و آداب زندگی مسلمان در کشور های غیر اسلامی

مسلمانانیکه در کشور های غربی زندگی میکنند دو حالت دارند یکی: مقاوم و بدین خود محکم و استوار و ثابت قدم می ماند و بخاطر دعوت و نشر اسلام دست بکار هستند.

دومی: منحل می شوند و دین خود را از دست دهند .

در این مقاله شرعی این دو حالت را بررسی می کنیم و شرائط و ضوابط شرعی زندگی مسلمان در سرزمین های غیر اسلامی بیحث میگیریم.

در اصل مسلمانان باید در کشور اسلامی خود زندگی کنند و اگر در کشور غیر اسلامی زندگی می کنند، پس باید

نیت هجرت را داشته باشند، که هر زمان زمینه مساعد گردد، از سرزمین غیر اسلامی هجرت خواهد کرد. چون بدون کدام دلیل معقول و عذر شرعی برای مسلمان جایز نیست، که نیت اقامت دایمی در دیار کفر را نماید در حالیکه دینش و ایمانش هر لحظه در خطر است و عبادات الله متعال را بشکل مطلوب بجا آورده نمی تواند و در حرام واقع میشود.

مگر قضیه هجرت از دارالکفر به دارالاسلام رابطه مستقیم به قدرت و توانایی یک مسلمان را دارد، یعنی وقتی یک شخص بداند، که در روشنی احکام شرعی زندگی من در سرزمین غیر اسلامی چی حیثیت دارد؟ پس از خود بپرسد که: تا چی حد میتواند در این جامعه شعائر دینی و عبادات خود را انجام داده می تواند؟

به چی حد توانسته است، که در این جامعه که حلال و حرام فرق نمی شود و اباحت وجود دارد.. خود، اولاد و خانواده خود را از فتنه و فساد اجتماعی محافظت کند؟ اگر در کشور غیر اسلامی وضعیت یک مسلمان چنان باشد، که نتواند شعائر دینی خود را آشکار سازد و از سوی دیگر روز بروز در حال گرفتار شدن در تنگنای فتنه و فساد باشد و از دست ظلم و ستم نیروهای دشمنان اسلام در حال ترس و وحشت بسر میبرد و گاه گاهی زندگی و حالت دینی خود و خانواده خود را در خطر می بیند، پس در این صورت نظر

به اجماع علماء : هجرت از این سرزمین بالای این فرض می باشد.

در این مورد الله متعال چنین ارشاد می فرماید: "إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا (۹۷) إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا (۹۸) فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُوَ عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفُوًّا غَفُورًا"<sup>۱</sup>.

ترجمه : بیگمان کسانی که فرشتگان ( برای قبض روح در واپسین لحظات زندگی ) به سراغشان می روند و می بینند که به سبب ماندن با کفار در کفرستان ، و هجرت نکردن به سرزمین ایمان ( بر خود ستم کرده اند ، بدیشان می گویند : کجا بوده اید ( که اینک چنین بی دین و توشه مرده اید و بدبخت شده اید ؟ عذرخواهان ) گویند : ما بیچارگانی در سرزمین ( کفر ) بودیم ( و چنان که باید به انجام دستورات دین نرسیدیم ! فرشتگان بدیشان ) گویند : مگر زمین خدا وسیع نبود تا در آن ( بتوانید بار سفر بندید و به جای دیگری ) کوچ کنید ؟ جایگاه آنان دوزخ است ، و چه بد جایگاهی و چه بد سرانجامی !

<sup>۱</sup> - سورة النساء: ۹۷-۹۹.



مگر بیچارگانی از مردان و زنان و کودکانی که کاری از آنان ساخته نیست و راه چاره ای نمی‌دانند .

پس امید است که الله متعال از آنان درگذرد ( چون قدرت هجرت نداشته‌اند ) و خداوند بس عفوکننده و آمرزنده است .

در این آیه مبارکه الله متعال بالای آن اشخاصیکه در سر زمین کفار زندگی می‌کنند و توانائی اقامه دین را ندارند، هجرت را فرض گردانیده است و حکم این آیه مبارکه عام می‌باشد و هر مسلمان شامل حکم این آیه بوده می‌تواند، قسمیکه الله متعال در اینجا کلمه "ظالمی أنفسهم" را بکار برده است، یعنی با هجرت نکردن و ارتکاب یک کار حرام که با زندگی کردن در دیار مشرکین مرتکب گردیده اند؛ پس در این حال اینها بالای نفس های خود ظلم کننده هستند .

اینها در این سرزمین در چنین حالت بسر میبرند، که نمی‌توانند واجبات دینی خویش را انجام بدهند، پس معذور شمرده نمی‌شوند .

نبی کریم صلی الله علیه وسلم برای ما چنین رهنمائی کرده اند: "أَنَا بَرِيءٌ مِّنْ كُلِّ مُسْلِمٍ يُقِيمُ بَيْنَ أَظْهُرِ الْمُشْرِكِينَ، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! لِمَ؟ قَالَ: لَا تَرَاءَى نَارَهُمَا"<sup>١</sup>.

ترجمه: من از هر یک آن مسلمان بیزارم، که در میان مشرکین (همراه آنها مشترک) زندگی می کند، که آتش (جهنم) از هر دوی آنها برداشته نمی شود (دور کرده نمی شود) .. کلمه (تراءى) در حدیث فوق از رویت گرفته شده و هدف آن دوری میباشد، یعنی یک مسلمان از مشرک خیلی فاصله دارد و هیچگاهی برای یک مسلمان مناسب نیست، که همراه با مشرکین زندگی مشترک داشته باشد و در میان آنها معیشت نماید.

در یک حدیث دیگر از معاویه رضی الله عنه مرفوعاً روایت شده است، که فرموده اند: من از نبی الکریم (صلی الله علیه وسلم) شنیده، که چنین ارشاد فرمودند: "لَا تَنْقَطِعُ الْهَجْرَةُ حَتَّى تَنْقَطِعَ التَّوْبَةُ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا"<sup>٢</sup>.

ترجمه: هجرت (در اینجا هدف از هجرت برگشتن از کفر به اسلام و از گناه به توبه می باشد) دوامدار می باشد

<sup>١</sup> - سنن أبي داود، كتاب الجهاد، باب النهي عن قتل من اعتصم بالسجود، رقم الحديث: (٢٦٤٥)، (ج ٣، ص ٤٥).

<sup>٢</sup> - سنن أبي داود، كتاب الجهاد، باب في الهجرة هل انقطعت؟، رقم الحديث: (٢٤٧٩)، (ج ٣، ص ٣).

و قطع نمی گردد، تا اینکه توبه قطع نشود، یعنی تا اینکه روح انسان از بدنش خارج نشود و تا اینکه آفتاب از طرف غرب طلوع کند .

در روشنی هر دو حدیث فوق علماء به این نظر هستند : هر کسی که از فتنه و فساد نیروی های دشمنان اسلام می هراس دارد و تشویش این را با خود دارد، که از جانب آنها با برخورد نامناسب و استبدادی مواجه خواهد گردید، پس باید هجرت نماید .

امام قرطبی در تفسیر " الجامع الأحكام القرآن " نوشته است: این احادیث یاد شده نمایانگر این است، که مسلمانان باید به حضور پیامبر ( صلی الله علیه وسلم ) تشریف ببرند، تا اینکه با آنها باشند و از یکدیگر حمایت و پشتیبانی نمایند، چون بالای اینها امر به وحدت گردیده است و باید با گروه مسلمانان یکجا شوند، بخاطر حمایت از پیامبر ( صلی الله علیه وسلم ) متحد شوند ، باید از وی احکام دین را یاد بگیرند و آگاهی در آن حاصل کنند و بعداً این احکامات را به سطح بین المللی برسانند.

همین قسم هر آن مسلمانیکه در جامعه اسلامی سکونت داشته باشند، یک تعداد مسؤولیتها را بدوش دارند، مانند اینکه شیخ محمد بن صالح بن عثمان - رحمه الله علیه - در مورد این مسؤولیتها چنین مینویسد: "إِذَا كَانَ هُنَاكَ

ضَرُورَةٌ فَلَا بَأْسَ بِشَرِطٍ أَنْ يَكُونَ قَادِرًا عَلَى إِظْهَارِ دِينِهِ وَ أَمَا إِذَا لَمْ  
يَكُنْ هُنَاكَ ضَرُورَةٌ فَلَا يُقِيمُ فِي بِلَادِ الْكُفْرِ لِأَنَّ الْإِقَامَةَ فِي بِلَادِ  
الْكَفْرِ خَطَرٌ عَلَى الْإِنْسَانِ فِي عَقِيدَتِهِ وَ أَخْلَاقِهِ".

ترجمه: اگر گاهی از روی ضرورت در آنجا زندگی می  
کند؛ پس فرق نمی کند، اما به این شرط که این شخص  
بتواند، دین خود را اظهار کند- اما اگر ضرورت ندارد، پس  
باید در جامعه غیر اسلامی زندگی نکند، چون با سکونت در  
آنجا عقیده و اخلاق انسان هر دو با خطر مواجه شده می  
تواند و الله متعال در مورد آن اشخاصیکه از دیار کفر به دیار  
اسلامی هجرت نمی کنند، چنین میفرماید: "إِنَّ الَّذِينَ  
تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ"<sup>۱</sup> یعنی بدون شک آن  
کسانیکه ملائکه (مرگ) ایشان را قبض روح نموده باشد  
اینها) در چنین حالت می باشند.

پس بالای مسلمان فرض است، که در کشور غیر  
اسلامی زندگی نکند، خصوصاً زمانی که از اظهار دین خود  
عاجز باشد، اما اگر عاجز نباشد و بدون این کشور دیگر کدام  
سرپناه برای رفتن نداشته باشد، پس در این حالت ان شاء  
الله کدام مشکل وجود نخواهد داشت.

<sup>۱</sup> - سورة النساء: ۹۷.

حالت متأثر کننده فعلی کشور های اسلامی :

به طور یقینی گفته می توانیم، که یکی از آن ظرفی که هجرت با آن فرض می گردد، این است :

مسلمان باید آزادی داشته باشد، یعنی به کشوری که پناه میبرد آزادی رفتن را داشته باشد و اگر در عصر فعلی به کشور های اسلامی توجه کنیم ؛ پس آشکار می گردد، که این کشور ها هم بطور کامل از نعمت صلح و امن برخوردار نمی باشند، به همین دلیل می بینیم، که در این اواخر مسلمانان مظلوم و مجبور با بسیار بیچارگی به تمام جهان رفته و پناه جو میشوند و شب و روز خود را می گذرانند؛ پس اگر هر زمانی رژیم های فعلی برای این مهاجرین مسلمان خود زمینه برگشت دوباره را مساعد سازد و به اینها اجازه عودت به وطن را بدهند و زمینه سازی نمایند ؛ مشکلات ایشان را به آسانی حل کنند، پس در کشور های غیر اسلامی تعداد مهاجرین مسلمان کم خواهد گردید .

یک تعداد مسلمانانیکه در کشور های خود مورد آزار و اذیت قرار دارند و بخاطر عقیده خود اذیت می شوند و توان هجرت کردن را هم ندارند، از جمله این گروه شمرده نمی شوند و اینها ان شاء الله شامل گناه نمی شوند.

یعنی بطور خلاصه گفته می توانیم، که اگر مسلمانان مقیم در کشور های غیر اسلامی، چنان ضعیف باشند، که اسلام خود را اظهار کرده نتوانند و از اظهار یا آشکار ساختن اسلام خود هم منع کرده شوند و واجبات دینی خود را انجام داده نمی توانند؛ پس در این صورت هر گاهی زمینه مهاجرت برای شان فراهم گردید، هجرت بالای شان فرض است و اگر برای شان شرائط هجرت میسر نباشد؛ پس باید نیت هجرت را در قلب خود داشته باشند و مطابق توانائی بشری خود سعی و تلاش بخرج دهند، تا آنکه به این آروزی خود جامه عمل بپوشانند، قسمیکه الله متعال برای ما رهنمائی نموده است: "يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ"<sup>۱</sup>.

ترجمه: ای بندگان من که به من ایمان آورده اید، زمین من فراخ است، پس تنها مرا پرستید.

جمهور علماء به این نظر هستند، که بالای مسلمانان مستحب است، که از دیار کفر مفارقت (جدایی) گزینند، اگر چه این مسلمانان بتوانند در آنجا دین خود را ظاهر کنند، تا اینکه این مسلمانان تحت تاثیر آنها قرار نگیرند و به سیاهی گناه و معصیت آنها نیز آغشته نگردند و به تقلید از آنها نپردازند، اخلاق و سلوک آنها را سر مشق زندگی خود

<sup>۱</sup> - سورة العنكبوت: ۵۶.

قرار ندهند و در اثر نشست و برخاست ، تعامل و دوستی با آنها خود را مانند آنها نسازند، قسمیکه علماء در این مورد گفته اند: "ويتأكد هذا الاستحباب في العصر الحاضر لشيوع الفواحش و المنكرات في بلاد الكفر وضعف السُلطة الأبوية على الأولاد ذكوراً و إناثاً و مما ينبغي على المسلم أن يختار أقل العمل إثماً إن استطاع".

ترجمه : استحباب ( مشروعیت) هجرت در این عصر یک شکل لازمی را به خود گرفته است، چون امروز در جامعه غربی فحشاء ، منکرات و هر نوع رذایل بشری نسبت به هر عصر دیگر ترویج نموده است، حاکمیت و اقتدار پدران بالای پسران و دختران شان بسیار ضعیف گردیده و یک مسلمان عاقل تا حدی که می تواند ، باید در امور روزمره خود همان اعمال را برگزیند، که در آن گناه کمتر باشد .

از جانب دیگر شیخ الإسلام ابن تیمیه - رحمه الله علیه - فرموده اند: وضعیت ممالک مانند وضعیت انسان می باشد، یعنی گاهی یک شخص مسلمان و گاهی کافر می باشد و گاهی هم به منافقت آغشته می گردد و گاهی چنین هم واقع میشود، شخصیکه یک مسلمان با تقوی بوده ولی گاه گاهی از وی یک فاجر و بدبخت بزرگ ساخته میشود؛ پس ممالک و کشور های این جهان وسیع نیز چنین می باشند، هر قسمیکه ساکنین آن باشند، آن ممالک نیز همان

قسم خواهند بود؛ پس هجرت نمودن از آن ممالکی که در ان ممالک گناهان قسم قسم و نافرمانی الله متعال در آنجا صورت می گیرد، چنین باشند قسمیکه شخص به مراکز ایمان و اطاعت الهی هجرت نماید و یا مانند شخصی که از کفر و معصیت به سوی ایمان رخت سفر ببندد و این حالت تا روز قیامت همین قسم ادامه خواهد داشت.

مسلمانانی که که در سرزمین کفار اقامت گزیده می تواند قرار ذیل اند :

اگر در محیط زیست یک مسلمان بخاطر دعوت اسلام یک مصلحت بزرگ واقع باشد و در باقی ماندن وی امور خیر دیگر هم رشد کنند؛ پس می تواند به چنین کشورهای غیر اسلامی سفر کند، البته مشروط بع اینکه دین خود ونیز دعوت خود را در آنجا آشکار کرده بتواند .

مسلمانان می توانند که به حیث یک دعوتگر مسلمان که عمل کننده به علم خود نیز باشند به آنجا سفر کنند، همین قسم می توانند که تحت پوشش مؤسسات خیریه اسلامی در آنجا مصروفیت داشته باشند .

علاوه بر این می توانند، که به حیث یک محصل یا شاگرد در آن کشور مصروف تحصیل باشند و یک نوع علم را بیاموزند و یا به صفت یک کارگر و انجینر وظیفه صنعتی



داشته باشند و یا همین قسم در آنجا به دیگر کار های مهم مشغول باشند، که امروز امت رنجیده اسلامی به آن نیاز مبرم دارد، آن کار های که در کشور های اسلامی ما اصلاً وجود ندارد و یا هم این مسلمان مسافر در آنجا یک موقف اجتماعی داشته باشد، مانند: به حیث یک سفیر مملکت اسلامی در آنجا مصروف کار باشد و برای دعوت اسلامی سعی و تلاش بورزد ( پس تمام امور ذکر شده فوق خالی از مصلحت و خیر برای اسلام نمی باشد ).



### گفتنی در مورد بحث و مباحثه با ملحدین فیسبوکی

دوستان دعوتگر و جوانان دین دوست هنگامیکه در فورمها

وگروههای فیسبوکی با ملحدین وارد بحث، مباحثه و مناقشه میشوند باید در مورد نظریات الحادی و بی دینی مطالعه دقیق داشته باشند و با دلائل محکم عقلی و نقلی مسلح شده وارد بحث شوند.

وتلاش نمایند که موقف دین مبین اسلام را در مورد ملحدین بشکل صحیح و درست تقدیم نمایند.. در غیر آن از اشتراک کردن در این نوع بحث و مباحثه خود داری نمایند زیرا کسانیکه علمیت شرعی درست و صحیح ندارد موقف

دین مبین اسلام را بشکل ضعیف تقدیم می نمایند و در عین حال شبهات ملحدین را جواب داده نمی توانند و خود شان در شک واقع می شوند.

باید یاد آور شوم که دعوت کردن ملحدین و کسانیکه وجود الله متعال را انکار میکنند شیوه واسلوب و اصول خاص دارد دعوتگر با حکمت باید با ملحدین را مطابق عقل، منطق آن تعامل نماید

این هم نمونه از شکایت یکی از برادرانیکه در چنین بحثها شرکت کرده و نتوانسته است به نتیجه مطلوب برسد :

جناب شیخ من چند مدت زیادی در یک گروه با ملحدان مشاجره ، مباحثه می‌کدم که تمامی شان بیدینان بودند بعد از مدتی دیدم که نتوانستم هیچ یک اش را به اسلام داخل کنم آن گروه را ترک کردم و بعد از چند مدتی در شهر خودم با یک بیدین روبرو شدم که با من گفتگو کرد آن لحظه خو کدام اتفاقی برایم نه افتاده بود بعد از چندین روز به عقیده ام ضرر وارد کرده فکرم را مغشوش کرد حالی هر چند که کوشش کردم خودم را دوباره به عقیده ام استوار کنم اما نتوانستم حالی که هر وقت سر نماز می‌باشم یا سر ذکر یا دعا کنم همان گفته های ملحدان هیچ من را آرام نمی‌ماند نعوذ بالله از دل فکر می‌کنم بی اختیارانه اسلام ستیز شدم.

آیا کدام گناهی دارد یا که استغفرالله نعوذ بالله از دین  
خارج خو خارج نمیشوم؟

لطفاً برایم یک راه را نشان بدهید اگر کدام آیات کریمه  
باشد که با خواندن آن من میتوانم دو باره عقیده ام را  
استوار کنم برایم بگوئید اگر کدام راه حل داشته باشد حاضر  
هستم اگر به قیمت جانم تمام شود را بپذیرم.

قبلاً بالای خودم آنقدر باور داشتم که میگفتم هیچ  
ملحدی نمیتواند فکرم را مخشوش کند حالا که به این  
مشکل دچار شدم نمیفهمم چه کنم

از بازار یکدانه کتاب شفا قرآنی هم خریدم اما باز هم  
موفق نشدم.



### جزای اشخاصیکه سبب گمراهی خانواده شان می شوند

هموطن محترم ما هارون موحد مقیم امریکا چنین  
سوال نموده:

اشخاص که به کشورهای غیر اسلامی هجرت میکنند  
آیا آنها مسئولیت دارند و مؤاخذه میشوند بخاطر نسل بعدی  
که در آن کشور ها می مانند و گمراه می شوند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

بلى بدون شك أنها مسئوليت گمراهی و بی دینی نسل بعدی خود را دارند که آنها را با خود برده اند و تا بروز قیامت گناه همه بدوش اشخاصی میباشد که بخاطر گمراهی آنها زمینه سازی کرده، رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح به روایت امام مسلم می فرماید: "من سن فی الإسلام سنة حسنة فله أجرها وأجر من عمل بها من بعده من غیر أن ينقص من أجورهم شیء، ومن سن فی الإسلام سنة سيئة فعليه وزرها ووزر من عمل بها من بعده من غیر أن ينقص من أوزارهم شیء" <sup>١</sup>.

هر کسی بنیاد و تهداب کار خیر و نیک را بگذارد و در آن قدم بماند و دست بکار شود اجر و پاداش آن تا به روز قیامت جاری بوده و برایش ثواب آن میرسد چون وسیله خیر شده، و هر کسی بنیانگذاری کارهای شر زشت و نادرست و ناروا را میکند و وسیله شر و گمراهی انسانها می شود تا به روز قیامت نه تنها گناه آن را متحمل می شود بلکه گناه کسانی را که بسبب این کارش گمراه شده و راه حق را ترک کرده نیز متحمل میشود.

<sup>١</sup> - صحیح مسلم، کتاب الزکاة، باب الحث علی الصدقة ولو بشق تمره، أو كلمة طيبة وأنها حجاب من النار، رقم الحدیث: (١٠١٧)، (ج ٢، ص ٧٠٤).

## داخل شدن داماد با عروس در صالون عروسی زنانه از رواجهای مخالف شریعت است

یکی از خواهران چنین نوشته :

من دختر ۲۶ ساله داکتر دندان استم هفته آینده عروسی ما است لیکن هردو فامیل ما و خانوانده نامزادم بعنعنات رواجی مردم معتقد هستند از جمله اینکه نامزادم اصرار دارد که باید در روز عوسی با من یکجا وارد صالون عروسی زنانه شود که من مخالف این خواستش استم شما در روشنی قران و حدیث رهنمائی کنید و در صفحه تان نشر که من بتوانم برای نشان دهم

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در این شکی نیست که رسم و رواجهای مخالف شریعت که بعض آنها از زمانه جاهلیت قبل از اسلام سرچشمه دارد، و بخش دیگری آن تقلید غیر مسلمانان است دامنگیر مردم ما شده و یکی از منکرات عروسی و چالشهای است که نادیده گرفته می شود در حالیکه در مخالفت صریح با آداب عروسی اسلامی قرار دارد و عروسی که یک حکم مشروع است آنرا با منکرات و معصیت و گناه مخلوط و آمیخته میسازد که سبب بدبختی خانواده نو تشکیل میگردد.

از جمله داخل شدن داماد با عروس در سالون عروسی زنانه در وجود خانمان و زنان نامحرم با آرایش کامل که خود مخالف شریعت است و داماد را بگناه سوق میدهد و کسانیکه در این امر او را یاری میکنند همه در گناه شامل هستند.. الله متعال مؤمنان را امر نموده که چشمان شانرا از نظر کردن نامحرمان نگهداری کنند چى مردان باشند و یا زنان و فرموده است: "قل للمؤمنين يغضوا من أبصارهم... قل للمؤمنات يغضضن من أبصارهن"<sup>۱</sup>.

در حدیث صحیح نیز ثابت که رسول الله صلی الله علیه وسلم مردان نامحرم از داخل شدن در مجالس زنان نامحرم منع کرده و تحذیر نموده زیرا که سبب فتنه بر دین مسلمان میگردد و فرموده است: "إياكم والدخول على النساء"<sup>۲</sup>.

و این فرصت خوب است که خواهر محترمه ما به شوهر خود اجازه ندهد که وارد سالون عروسی زنانه شود و احکام شریعت اسلامی را پامال نماید.



<sup>۱</sup> - سورة النور: ۳۰-۳۱.

<sup>۲</sup> - صحیح البخاری، کتاب النکاح، باب لا یخلون رجل بامرأة إلا ذو محرم، والدخول على المغیبة، رقم الحدیث: (۵۲۳۲)، (ج ۷، ص ۳۷).

## د مسلمان په ژوند کې د صبر ارزښت، کټې او غوره پایلی

د مؤمن مسلمان د مهمو ځانگړنو څخه یوه داده چې په خپل ژوند کې به د صبر او زغم څخه کار اخلي او د ژوندنیزو ناکرارو، بې دردیو او سختیو پر وړاندې به د صلابت (ثبات) څخه کار اخلي او ټینګ به پاتې کېږي چې دا په مؤمن مسلمان کې یو ډېر غوره او حمیده صفت دی کوم چې اسلام هم ورباندې ټینګار کړیدی. د صبر د څرګندو معناو څخه یوه هم داده چې: پر الهي پرېکړو باندې قناعت درلودل او له نواهیو (منع شوو کارونو) څخه بې په کلکه توګه سره ځان ژغورل دي.

هر کله چې په اسلامي تاریخ کې د سترو شخصیتونو، مجاهدینو او نوم وتو اتلانو ژوند ته کتنه وکړو؛ نو د دوي له کارنامو څخه مونږ ته جوتیږي چې په ژوند کې له راز راز ستونزو، ناکرارو او ډول ډول شدائدو سرېږه بیا هم دوي خومره له خورا صبر څخه کار اخستلی او مخ پر وړاندې تللی دي او شاه تک بې ندی کړی، په ځانګړی توګه په دوي کې هغه کسانو په ژوند کې ډېری سختی کالي او ناکراری بې لیدلي دي چا چې تل د خیر د ټاکل شوو احکامو په لوري نورو ته بلنه ورکړېده او د انبیاؤ علیهم

الصلاة و السلام په خبر بې د حق منکرانو ته الهي پیغامونه رسولي دي. دا د همدوي د بې ساري سرښندنو او قربانیو نتیجه وه چې لوی څښتن تعالی د دوي د ژوند هلی خلی او مبارزې د راتلونکو نسلونو لپاره گټور درسونه وگرځول، تر څو د دوي څخه په تاسې ( پیروي ) سره دوي هم د ژوند د مصیبتونو او شدائدو ( ستونزو ) پر وړاندې له صبر څخه کارواخلي.

درنو لوستونکو!

کله کله په رښتیا سره ستاسې ژوند ډېر ستړی کوونکې او لالهانده وي، د سیمې خلک هم ځینې وخت تاسې دومره وکړوي او ستړي مو کړي چې په ژوند کې مو روحي ستړیا رامنځ ته کړي او دا تر دې پورې چې تاسې له خپلې ټولني څخه بېزاره کړي، خو د دې ټولو سره سره راځی واورو چې لوی څښتن تعالی مونږ ته څه ډول لارښودنه کوي: (فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ)¹.

¹ - سورة الأحقاف: ۳۵.



ترجمه: نو ته داسې صبر وکړه لکه چې اولوالعزم پيغمبرانو ( د ټينگ عزم خاوندانو ) صبر کړی ؤ او دوي ته (دعذاب په غوښتلو) استعجال ( تلوار مه غواړه).

زمونږ اسلامي امت د تاريخ په اوږدو کې په هر ميدان کې که هغه د جهاد او مبارزې ډگر وي او که يا د علم ، عبادت ، دعوت ، سربښندنې او بښنې ډگر وي، په دې ټولو ميدانونو کې هيڅکله هم له داسې سترو هستيو او لوړ همته شخصيتونو څخه خالي شوی ندی، بلکه تاريخ ليکونکو هم په بې ساري اخلاص سره د دوي مواقف (دریزونه) ليکلي او خوندي ساتلي دي، تر څو د صبر خاوندان د دوي تگلاره غوره کړي او په خپلو ژوندنيو چارو کې د دوي په څېر قوي عزائم او کوتلې ارادې ولري.

لوی پرورگار ( جلت عظمته) خپلو دغو صابرينو بندگانو ته په دنيا او آخرت کې د ستر اجر ژمنه کړيده او دا بې څرگنده کړيده چې د هغه مرستې تل له صبرکونکو سره وي. د همدې ارزښتونو په پام کې نيولو سره غواړو په بشپړه توگه د صبر پر ارزښت خبری وکړو او د هغه پر ډولونو او کومکي وساتلو چې له مونږ سره په دې لاره کې خورا مرسته کولی شي، البته په دې اړه په رساله الإسلام ويب پاڼې ([www.islammessage.com](http://www.islammessage.com)) کې په عربي

ژبه د (أهمية الصبر في حياة المسلم) تر نامه لاندی یوه مقاله  
نشر- ته سپارل شوېده چې دلته یې مونږ له پښتو ژباړې  
سره تاسې درنو لوستونکو مخې ته ږدو.

لومړۍ خبره: د صبر تعریف او ډولونه:

د لغت له مخې: د ځان حبس یا بند ساتلو ته وایي، لکه  
په عربي ژبه کې وایي: هو صَبَرَ عَلَى الأَمْرِ - یعنی فلاني  
شخص له خورا زغم څخه کار واخست او له ژړا او انګولا  
څخه یې ځان وژغوره.

په اصطلاح کې: د ژوند په درې ګونو ډګرونو کې له  
خورا زغم څخه کار اخستلو ته صبر وایي چې اوس به یې  
لنډه یادونه وکړو:

لومړۍ: د الله تعالی په طاعت او بندګۍ باندی صبر  
کول:

دوهم: له مُحرماتو او مُنہیاتو څخه په ځان ژغورلو کې  
صبر .

درېیم: د قضاء او قدر په دردونکو پېښو کې له صبر  
څخه کار اخستل .

دويمه خبره: د صبر ارزښت:

مؤمن مسلمان بايد د الهي وحى پيروي وكړي او حان پرى پوه كړي چې زما د ژوندنيزو ستونزو په اړه لوى څښتن تعالى ما ته په قرآن كريم څه ډول لارښودنې كړيدى، ځكه قرآن كريم د مؤمنانو د ژوند د پرېكړو يو داسې كتاب دى چې د ژوند د هرې ستونزې حل لاره يې دوي ته په ډاگه كړيده لكه چې په دې اړه مونږ ته داسې ارشاد فرمايي: (وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ)<sup>١</sup>.

ترجمه: او (اى محمده!) (صلى الله عليه وسلم) د هغه څه په اړه چې تا ته وحى كيږي پيروي وكړه او تر څو پورى چې لوى پروردگار (جلت عظمته) فيصله كوي له صبر څخه كار واخله او همدغه الله تعالى تر ټولو غوره پرېكړه كوونكى دى.

گرانه وروره: كله كله د يو مسلمان د مقاومت ستنې كاواكه شي، د شيطان په لمسه د شكونو نړۍ ته ورننوزي او له حان سره وايي چې: زما دا صبر او زغم به ما ته څه فايده راورسوي؟ آيا ما ته به په دغو غميزو او د ژوند د

<sup>١</sup> - سورة يونس: ١٠٩.

کریکچنو حالاتو پر وړاندی د صبر کولو په مقابل کې کوم اجر را کړل شي او کنه؟ دا او دپته ورته اندېښنې دي چې کله کله یو مسلمان د حق له سمسور باغ څخه د جهالت تر کنډوالو رسوی، خو کله چې همدا مؤمن مسلمان د قرآن نجات بڼونکي کتاب ته راوگرځي؛ نو دا حقیقت ورته څرکند شي چې قرآن انسان ته څومره قلبي اطمینان او ډاډینه ورکوي، د مقاومت انرژي پکې زیاتوي او په ډاگیزه توگه ورته دا اعلانوي چې د ژوند په ناکراريو او سختیو باندی ستا د صبر اجر به خوندي وي او هیڅ کله به هم ضایع نشي. لکه چې قرآن همدا زیری مؤمنانو ته ورکوي او فرمایي:

**(وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ)<sup>١</sup>.**

ترجمه: او (ای محمده) علیه الصلاة والسلامه) ته صبر وکړه، پشکه چې لوی پروردگار (جل جلاله) د مُحْسِنینو (نیکی کوونکو خلکو) بڼېگنې نه ضایع کوي.

١- په صبر باندی امر کول:

قرآن کریم چې د غوره پندونو او نېکو مواعظو یوه ژوندی بېلگه ده چې د صبر په اړه فرمایي: (وَاتَّبِعْ مَا نُوحِي إِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتَّىٰ يَخُذَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ)<sup>١</sup>.

ترجمه: او پیروي وکړه (ای محمده!) د هغه خیز چې تا ته (د هغې په اړه) وحی کیږي او ته صبر کوه (په الهي طاعت او مصیبت... تر څو پوری چې لوی الله تعالی) جلت عظمته) پرېکړه وکړي (ستاسې په غلبه او برلاسي توب) او هغه (الله تعالی) د ټولو فیصله کوونکو څخه غوره فیصله کوونکی دی.

عبد الرحمن سعدي (رحمه الله) په دې اړه یوه په زړه پوری وینالري او وایي چې: (يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ)<sup>٢</sup>.

ترجمه: ای زما زوی گوټیه! لمونځ سم تر سره کوه (له ټولو حقوقو سره بې آداء کوه) او خلقو ته په نیکی باندی امر کوه او له بدی څخه خلک ژغوره او په هغه سختی باندی

<sup>١</sup> - سورة یونس: ١٠٩

<sup>٢</sup> - سورة لقمان: ١٧

چې تا ته در رسيږي صبر كوه ، پشكه چې ( دغه ياد نصاب او پندونه ) له مهمو او مقصودي كارونو څخه دي.

هداراز عبدالرحمن سعدی دا خبره هم زياتوي چې: په رښتيا سره د ژوند ځينې كارونه داسې وي چې د زړورو او هوډمنو خلكو پرته بې بل څوك نشي تر سره كولى (تيسير الكريم الرحمن ص ٥٩٧). زمونږ لارښود پيغمبر (عليه الصلاة والسلام) مونږ د صبر كولو ته هڅوي او ارشاد فرمايي: **(الصَّبْرُ ضِيَاءٌ)** <sup>١</sup>. ترجمه: صبر روښنايي ده.

وروسته له دې چې الله تعالى ( جلت عظمته ) خپل وروستي پيغمبر حضرت محمد (عليه الصلاة والسلام) ته د نوح (عليه السلام) كيسه واوروله او دا بې هم ورته څرگنده كړه چې د هغه ( حضرت نوح ) له قوم او زوى سره څه وشول؛ نو دا بې هم ورته وفرمايل: **(تِلْكَ مِنْ أُنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ)** <sup>٢</sup>.

ترجمه: د ( حضرت نوح ) كيسه د غيبو له خبرونو څخه ده چې ( اى محمد ) صلى الله عليه وسلم

<sup>١</sup> - صحيح مسلم، كتاب الطهارة، باب فضل الوضوء، رقم الحديث: (٢٢٣)، (ج ١،

ص ٢٠٣).

<sup>٢</sup> - سورة هود: ٤٩.

مونڊر پي تاته وحى ڪوو، په داسي حال ڪي چي نه ته او نه ستا قوم پري تر دي وړاندي پوهيده؛ نو له صبر خخه ڪار واخله، بيشڪه چي بنه پايله (خاتمه) د پرهيزگارانو لپاره ده.

## ٢- صبر د مؤمن سلاح ده:

مؤمن مسلمان چي هر ڪله د سختيو سره مخامخ شي؛ نو بايد له صبر خخه ڪار واخلي او لمونځ تر سره ڪري، بيشڪه چي الله تعالى (جلت عظمته) د صبر ڪوونڪو مل او غوره دوست دي. لوى خبنتن تعالى همدا خبره په خپل سپيڅلي ڪتاب ڪي ذکر ڪريده چي ارشاد فرماي: **(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ)**<sup>١</sup>.

ترجمه: اى مؤمنانو! تاسي په صبر او لمانځه سره مرسته وغواري، بيشڪه چي الله تعالى د صابرينو (صبر ڪوونڪو) سره دي.

د حضرت ابو ابراهيم عبدالله بن ابي اوفى (رضي الله عنهما) خخه روايت دي چي نبي ڪريم (عليه الصلاة والسلام) به په ځينو وروځو ڪي چي له دنښمن سره به مخامخ ڪېده؛ نو تر لمر پرېوتو پوري به پي صبر ڪاوه او بيا به را پاڅېده او وبه پي فرمايل: **(يَا أَيُّهَا النَّاسُ لَا تَتَمَنَّوْا لِقَاءَ**

<sup>١</sup> - سورة بقره: ١٥٣.

الْعَدُوِّ وَاسْأَلُوا اللَّهَ الْعَافِيَةَ فَإِذَا لَقَيْتُمُوهُمْ فَاصْبِرُوا وَاعْلَمُوا أَنَّ  
الْجَنَّةَ تَحْتَ ظِلَالِ السَّيُوفِ، ثُمَّ قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
وَسَلَّمَ): (اللَّهُمَّ مُنْزِلَ الْكِتَابِ وَمَجْرِي السَّحَابِ وَهَازِمِ  
الْأَحْزَابِ اهْزِمْنَاهُمْ وَأَنْصُرْنَا عَلَيْهِمْ)<sup>١</sup>.

ترجمه: ای خلکو! تاسې د دښمن سره د مخامخ کېدلو  
هیله مه لرئ، بلکه تاسې له لوی پروردگار ( جلت عظمته)  
څخه د سلامتې غوښتونکي شئ؛ نو هر کله چې د هغوي  
دښمنانو) سره مخامخ شوی؛ نو صبر وکړئ او پر دې باندي  
پوه شئ چې جنت د تورو د سيورو لاندی دی.

پیا نبي ( علیه الصلاة و السلام) و فرمایل: ( دا دعاء  
بې وکړه): ای د کتاب نازل کوونکیه او د ورپخو په حرکت  
راوستونکیه او د ډلو او پرگنو ماتونکیه، دوي ته ماتې  
ورکړه او مونږ ته پر دوي باندي بری را په برخه کړه. د  
حضرت خباب بن الأرت ( رضي الله عنه) څخه روایت  
دی چې یو ځل نبي کریم ( صلی الله علیه وسلم) ته مونږ  
شکایت وکړ، په داسې حال کې چې هغه د کعبې تر  
سیوري لاندی ناست او یوې توره وړینه (د پشمو) ټوټه  
بې له ځان څخه راتاوه کړی وه؛ نو مونږ ورته وویل: ( أَلَا

<sup>١</sup> - صحيح مسلم، كتاب الجهاد والسير، باب كراهة تمني لقاء العدو، والأمر بالصبر عند

اللقاء، رقم الحديث: (١٧٤٢)، (ج٣، ص١٣٦٢).



تَسْتَنْصِرُ لَنَا)؟ آيا ته زمونږ لپاره د مرستې غوښتنه نه کوي؟ أَلَا تَدْعُو لَنَا؟

آيا زمونږ (د نجات لپاره) دعاء نه کوي؛ نو وې ويل: له تاسې څخه په پخوانيو امتونو کې (داسې خلک هم ول چې) يو سړى به ېې ونيوه او بيا به ېې ورته په ځمکه کې کنده ورته وکيندله — يوه اړه به ېې (ورته) راوړله او په سر به ېې ورته کېښودله تر دې پورې چې سر به ېې ورته دوه نيمه کړ او [کله به] په اوسپنيزو گومنځو سره دوي گومنځ کېدل تر دې چې د دوي غوښې به له هډوکو څخه جلا شولې، خو دې کار به دوي له خپل دين څخه نه گرځول (دوي به دين نه پرېښوده) او خامخا به لوى الله تعالى (جلت عظمته) خپل دا دين بشپړ کړي (هيڅ نقصان او بشپړتيا به پکې نه وي) تر دې پورې چې يو سپور به د يمن د صنعاء [کېدای شي چې دلته ترېنه مراد د يمن پلازمينه بنار صنعاء وي کوم چې د يمن د حَضْرَ - مَوْت له ولايت څخه تقريبا د ۵ ورځو يا د ۸۰۰ کيلو متره په اندازه فاصله لري] (۴) څخه تر حَضْرَ - مَوْت پورې به منزل کوي او په دې (دومره لرې فاصله او اوږده لاره کې به) له الله تعالى پرته له بل هيچ چا څخه نه وېرېږي او مېړه به د ليوه (د خطر څخه په امان کې وي) مگر تاسې له استعجال (بېرې) څخه کار اخلي. (رواه البخاري).

شيخ ابن عثيمين ( رحمه الله ) په دې اړه وايي: كله كله  
يو انسان په جسمي آزمېښت (مرض) كې واچول شي او  
كله په مالي او كله په اهلي ( كورني ) ابتلاء كې راگير شي،  
تر دې پورې چې په ټولنيز آزمېښت كې هم و آزمویل شي...  
لنډه دا چې د ابتلاءاتو دروازي خورا زياتې دي او ټولې د  
صبر كيلې گانو ته اړتيا لري. په دې راز راز آزمېښتونو كې د  
راگېر شوي مؤمن انسان ستره نښه به دا وي چې ډېر صبر  
به كوي ، دا تر دې پورې چې حتی پر خپله ژبه به هم نورو  
ته شكايتونو نه كوي، هر چا ته به د ژوند د ناخوالو كيسې  
او داستانونه نه اوروي او دا ټول ددې په خاطر چې مؤمن  
مسلمان ته جزع و فزع حرامه گرځول شويده. (شرح رياض  
الصالحين ص ١٢).

درېم: صبر عملي ډگر دی:

صبر د مؤمن مسلمان په ژوند كې يو عملي ډگر دی او  
يواخې پر ژبه باندې د خولې تشې دعوگانې نه دي. په  
حقيقت كې همدا دنوي آزمېښتونه انسان له خورا سترو  
گناهونو څخه پاكوي او د رېښتيني مؤمنانو صفونه د فاجرو  
او وړانكارو خلكو څخه جلا كوي، خو په پای كې بريالي  
خلک هماغه څوك دي چا چې د تقوى په ارزښتمنه گانه  
باندې ځان سمبال كړي وي، لكه چې مهربان الله تعالى په

دې اړه مونږ ته داسې ارشاد فرمايي: (مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِن رُّسُلِهِ مَن يَشَاءُ فَاٰمِنُوْا بِاللّٰهِ وَرُسُلِهِ وَاِنْ تُؤْمِنُوْا وَتَتَّقُوْا فَلَكُمْ اَجْرٌ عَظِيْمٌ)١.

ترجمه: نه دی الله تعالی (جلت عظمته) چې مؤمنان په هغه حالت پرېږدي کوم چې تاسې ېې (ای خلقو) ترڅو پوری چې پاک له ناپاک څخه جلا کړي او نه دی الله تعالی چې تاسې په غیو باندی خبر کاندې (ترڅو د منافقانو له حال څخه مو خبر کړي) مگر لوی څښتن تعالی د خپلو رسولانو څخه چې چاته ېې خوښه شي غوره کوي؛ نو تاسی په الله تعالی او د الله تعالی په رسولانو باندی (تینگ) یقین ولری او که په ایمان (یقین) قائم پاتی شی او د تقوی (نجات بښونکی) لار غوره کړی؛ نو ستاسې لپاره به ډېر لوی اجر وي (په جنت کې). قرآن کریم په رښتیا سره چې د بدلون او تحول کتاب دی، په لوستلو سره ېې د انسان په فکر، ویناو او ورځنیو کړنو کې خورا بدلون راځي، لکه څرنګه چې کله په آسمان کې وریځ وي، کله شین وي، کله ورځ وي کله شپه وي، کل د خزان سیلی راوالوزي او شینګي باغونه وچ کړي او کله د بهار اروا تازه

١- سورة آل عمران: ١٧٩.

کوونکي بادونه د چاپیریال سپیری دښتې سمسور باغونه کړي، همدا ډول انساني عمر هم دی چې کله د عمر ځنې ورځې ډېری خوندوری وي او کله ډېری بې خونده وي، خو همدا الهي سپېڅلی آياتونه دي چې په انسان کې د سختیو او ناکراريو پر وړاندې د مقاومت انرژي پیدا کوي او د نا امېديو په لمن کې د غورځېدلو څخه بې په امان کې ژغوري، لکه چې بښونکي او لورونکي الله تعالی (جلت عظمته) د سورة آل عمران په ۱۴۰ او ۱۴۱ آیت کې مونږ ته داسې لارښودنه کوي:

ويقول سبحانه: (إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ)<sup>۱</sup>.

ترجمه: (ای مؤمنو مجاهدو!) که چیرې تاسې په جگړه (جهاد) کې کوم زخم در رسيږي؛ نو ستاسې د زخم په څېر خو (د کفارو) قوم ته هم زخم رسېدلی دی او دا ورځې مونږ د خلکو تر منځ اړو را اړو او دا ددې لپاره چې الله تعالی ایمان لرونکي څېری (د دوه مخو څېرو څخه جلا او) معلومې کړي (او بل ددې لپاره چې) الله تعالی له تاسې څخه گواهان ونيسي— او الله تعالی ظالمان (کفران) نه

۱- سورة آل عمران: ۱۴۰-۱۴۱.

خونبوي. د حضرت أبو هريره (رضي الله عنه) خخه په يو روايت شوي حديث شريف كې راغلي دي چې فرمايي: (قدرمن) پيغمبر (صلى الله عليه وسلم) فرمايلي دي: "من يرد الله به خيراً يصب منه"<sup>۱</sup>.

ترجمه: الله تعالى چې چاته د خير اراده وكړي؛ نو پر هغه (مصيبتونو او سختيو بې) كې راگير كړي.

او په يو بل مبارك حديث كې راغلي دي چې نبي (عليه الصلاة والسلام) فرمايلي دي چې: (ان عظم الجزاء مع عظم البلاء وان الله تعالى إذا أحب قوماً ابتلاهم فمن رضي فله الرضا ومن سخط فله السخط)<sup>۲</sup>.

ترجمه: ستر اجر ونه له سترو سختيو (ناكارايو) سره مل وي او لوی خنبتن تعالى هر كله چې له يو قوم سره مينه وكړي؛ نو پر يوې سختۍ يې گرفتار كړي؛ نو پس هر شوک چې راضي شي (له الله تعالى خخه)؛ نو د هغه

<sup>۱</sup> - صحيح البخاري، كتاب المرضى، باب ما جاء في كفارة المرض، رقم الحديث: (۵۶۴۵)، (ج ۷، ص ۱۱۵).

<sup>۲</sup> - سنن ابن ماجه، كتاب الفتن، باب الصبر على البلاء، رقم الحديث: (۴۰۳۱)، (ج ۲، ص ۱۳۳۸).

خوښي په نصيب شي او هر څوك چې پرې ناراضه شي؛  
نو ناخوښي ېې ورپه برخه شي.

شيخ عبدالرحمن سعدي ( رحمه الله ) به ويل: (( هر  
كله چې يو مؤمن مسلمان په ( كړوونكي او سخت ) رنځ،  
لوړې او اقتصادي فقر، بيكاري او يا دپته ورته او يا پر  
ټولو كړاوونو باندې مبتلا شي؛ نو په دې سختو حالاتو كې  
دا مؤمن شخص پر خپل ايمان او د هغه داخلي قناعت پر  
اساس چې دى ېې د الله تعالى په پرېكړو باندې لري، ته  
به ېې ويني چې پر دې ټولو سربېره بيا هم خورا خوښ تا ته  
بنكاريږي او په زړه كې به نورى هيلى نه ساتي، د قناعت  
لرونكي مؤمن يوه نښه به ېې دا وي چې تل به خپل ټولنيز  
ژوند كې تر ځان ټيټو خلكو ته گوري او تر خپل ځان لوړو  
خلكو ته به نه گوري او ددې شخص خوشحالتيا هغه مهال  
نوره هم زياتيږي چې كله په خپله سيمه او چاپيريال كې  
داسې يو څوك ويني چې په دنيوي لحاظ د هر څه څخه  
برخمن وي او ټولې مالي غوښتنې ېې هم پوره شوي وي،  
خو بيا هم د قناعت د نه درلودلو له كبله به سرگردانه او  
لالهانده وي.

ايمان د مؤمن تر ټولو ارزښتمنه پانگه ده او له همدې كبله  
نېكمرغي هم ورسره مل وي او تاسې به په خپله ټولنه كې

داسې خلک هم ليدلى وي چې د ايمان په څېر له ارزښتمنې پانگې څخه بې برخي وي او يا هر کله چې په ژوند کې پرى کوم آزمېښت راشي، لکه: د لوړې، بيکارۍ سره لاس او گريوان شي يا پخپل تجارت او کاروبار کې له تاوان سره مخامخ شي؛ نو بيا به بې ته ويني چې په خورا ذلت او بدمرغۍ کې به ژوند تېروي، ولې چې ايمان پانگه او په ابتلاءاتو کې د قناعت ژبه به ورسره نه وي.<sup>۱</sup>

څلورم: د صبر کونکو خلکو لوړ مقام:

د صبر کونکو کسانو لپاره قرآن کریم بې شمېره زيرې لري او د الله تعالى پټې مرستې او ناليدلي ملاتړونه هم له همدوي سره وي، کله چې د سختيو پر مهال دوي پر لمانځه باندې ودريږي، د نړۍ تر ټولو ستر پادشاه ته خپلې ستونزې او کړاونې وار په وار وړاندې او ورڅخه د خلاصون کيلې گانې تری غواړي او تاسې يوه شپه فکر وکړئ چې تر دې لوړ شرف او فخر به چرته وي چې الله تعالى په خپله د سورت البقرې په ۱۵۳ آيت کې د دوي په اړه فرمايي چې زه له صبر کونکو سره مل يم، لکه چې

<sup>۱</sup> - (الوسائل المفيدة للحياة السعيدة ص ۱۴-۱۵).

ارشاد فرمايې: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ)<sup>١</sup>.

ترجمه: ای د ایمان څښتنانو! تاسې (د الله تعالیٰ لټ عظمته) څخه په صبر او لمانځه سره د مرستې غوښتونکي شئ، بېشکه چې لوی پروردگار د صبر کوونکو سره (مل) دی.

وقال: (وَلْتَجَزِينَ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ)<sup>٢</sup>.

ترجمه: او خامخا به مونږ هغو کسانو ته چې (په دنیا کې پې پر راز راز مصاعبو او تکلیفونو) له صبر (زغم) څخه کار واخیست (زیات) او د هغه نیکو پر وړاندې چې دوي به (په دنیا کې) تر سره کولی اجر ورکړو.

صبر کوونکو مؤمنانو ته زمونږ خواخوږې پیغمبر هم یو زېری وړاندې کوي او هغه دا چې هرکله چې دا مؤمن په دنیوي ژوند کې په یو سخته کې را ایسار شي، یا پې د کور د غړو څخه کوم زوی یا لور پرې مبتلا شي او صبر پری وکړي تر دې پورې چې ومري؛ نو داسې شخص به د الله

<sup>١</sup> - سورة البقرة: ١٥٣.

<sup>٢</sup> - سورة النحل: ٩٦.



تعالى سره په داسې حالت کې ليدل کاته کوي چې هيڅ ډول گناه به پرې نه وي (له سپړو گناهونو څخه به پاک وي). لکه په دې اړه د حضرت ابو هريرة (رضي الله عنه) څخه په يو روايت شوي حديث کې نبي (عليه الصلاة و السلام) فرمايي: **(ما يزال البلاء بالمؤمن والمؤمنة في نفسه وولده وماله حتى يلتقى الله تعالى وما عليه خطيئة)**<sup>١</sup>.

ترجمه: تر هغې پورې آزمېښت (مصيبت) د يو مؤمن شخص او يوې مؤمنې مېرمنې پر ځان، او (کله) زوی باندې وي تر دې پورې چې له الله تعالى سره وويني (وفات شي) په داسې حال کې چې پر هغه باندې به هيڅ خطا او گناه نه وي.

شيخ الاسلام ابن تيميه (رحمه الله) پخپل کتاب (في الأمر بالمعروف والنهي عن المنکر ص ٣٦) کې د صبر په اړه يوه په زړه پورې وینالري چې وايي: (( دا صبر دی چې د هغې په سبب به تا ته په دين کې امامت (مشرقي) درپه برخه شي او د خپلې دې خبرې د اثبات لپاره د سورة سجدي ٢٤ مبارک آيت د استدلال په توگه سره وړاندې

<sup>١</sup> - سنن الترمذي، أبواب الزهد عن رسول الله صلى الله عليه وسلم، باب ما جاء في الصبر على البلاء، رقم الحديث: (٢٣٩٩)، (ج ٤، ص ٦٠٢).

کوي لکه چې الله تعالى داسی ارشاد فرمايي: (وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ  
 أُمَّةً مُّهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ)<sup>١</sup>.

ترجمه: او ځينې له دوي څخه مونږ امامان (مخکښان)  
 گرځولي دي چې (خلکو ته به يې) زمونږ په امر سره لاره  
 بنودله (دين به ورزده کاوه) او دوي زمونږ په آيتونو باندی  
 (د کوټلي) باور درلودونکي ول.

شيخ ابن عثيمين (رحمه الله) به ويل چې: (( د اَم  
 المؤمنین حضرت عائشې (رضي الله عنها) په پورتي حديث  
 کې د دې خبرې يو څرگند دليل دی چې صبر بې شمېره  
 بنېکښې لري او انسان بايد په خپل همدې زغم سره د الله  
 تعالى څخه د اجر هيله من واوسي او بل دا چې هر کله يو  
 انسان دنيوي ژوند کې چې کله پری د طاعون په څېر  
 خطرناک مرض پر وړاندی له له صبر څخه کار واخلي تر  
 دې چې له کبله يې مړ شي؛ نو داسې شخص ته به هغه  
 اجر او ثواب وليکل شي کوم چې د يو شهيد لپاره ليکل  
 کيږي.<sup>٢</sup>



<sup>١</sup> - سورة السجدة: ٢٤.

<sup>٢</sup> - (شرح رياض الصالحين ١ جلد / ١٧٤ مخ).

## فوائد استقامت و ثابت قدمی در زندگی مسلمان

الله جل جلاله فوائد استقامت را چنین بیان میکند: "إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ نُزُلًا مِّنْ غُفُورٍ رَّحِيمٍ"<sup>۱</sup>.

ترجمه: در حقیقت کسانی که گفتند پروردگار ما خداست سپس ایستادگی کردند فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند [و می‌گویند] هان بیم مدارید و غمین مباشید و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید در زندگی دنیا و در آخرت دوستانتان ماییم و هر چه دلهایتان بخواهد در [بهشت] برای شماست و هر چه خواستار باشید در آنجا خواهید داشت روزی آماده‌ای از سوی آمرزنده مهربان است.

و او تعالی در جایی دیگری مهربانی میکند: "إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ"<sup>۲</sup>.

ترجمه: محققا کسانی که گفتند پروردگار ما خداست سپس ایستادگی کردند بیمی بر آنان نیست و غمگین

۱- سوره فصلت: ۳۰-۳۲.

۲- سوره احقاف: ۱۳-۱۴.

نخواهند شد ایشان اهل بهشتند که به پاداش آنچه انجام می‌دادند جاودانه در آن می‌مانند.

و الله جل جلاله در این آیت فرستاده خود را همراه با مومنان را چنین مورد خطاب قرار می‌دهد: "فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ"<sup>۱</sup>.

ترجمه: پس همان گونه که دستور یافته‌ای ایستادگی کن و هر که با تو توبه کرده [نیز چنین کند] و طغیان نکنید که او به آنچه انجام می‌دهید بیناست.

و این هم ارشاد دیگر الله جل جلاله می‌باشد: "فَاسْتَقِمْوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوا"<sup>۲</sup>.

ترجمه: پس مستقیماً به سوی او بشتابید و از او آمرزش بخواهید.

با استفاده از آیات فوق بعضی از فوائد استقامت در ذیل ذکر می‌گردند:

<sup>۱</sup> - سوره هود: ۱۱۲.

<sup>۲</sup> - سوره فصلت: ۶.

الف: استقامت سبب رابطه دوامدار بنده با آفریدگارش شده و اطمینان قلب و راحت حال برایش می آفریند.

ب: استقامت سبب میشود که الله از بنده اش توصیف نماید: **إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا**<sup>۱</sup>.

ترجمه: در حقیقت کسانی که گفتند پروردگار ما خداست سپس ایستادگی کردند.

یعنی: به اوامر الله جل جلاله سر تسلیم فرود آرید، اطاعتش کنید و در گفتار و کردار خود اخلاص داشته باشید.

ج: استقامت سبب فرود آمدن ملائک در هنگام مرگ میشود و زمانی که انسانها از قبرهایشان بیرون میشوند برایشان میگویند: **أَلَا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا**<sup>۲</sup>.

ترجمه: [او می گویند] هان بیم مدارید و غمین مباشید.

یعنی بیم نداشته باشید از آنچه برای آخرت تان تقدیم کردید و غمگین مباشید در باره مال، اولاد و خانواده خویش که در دنیا ترک نمودید.

<sup>۱</sup> - سوره فصلت: ۳۰.

<sup>۲</sup> - سوره فصلت: ۳۰.

د: استقامت بشارت ملائک را سبب میشود که انسان استقامت پیشه را توسط آن مژده میدهد: **وَأَبَشِّرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ**<sup>۱</sup>.

ترجمه: و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید.

ه: استقامت دوستی ملائکه را در زندگی دنیا سبب میشود و انسان استقامت پیشه را از گناهان حفظ میدارد و زمانی که از قبرهای شان بیرون شدند استقبال شان مینمایند و تا داخل شدن بهشت همراهی شان میکنند:—  
**نَحْنُ أَوْلِيَاكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ**<sup>۲</sup>.

ترجمه: در زندگی دنیا و در آخرت دوستانتان ماییم.

واو: برای استقامت کنندگان در بهشت هر آن چیزی داده میشود که دلهایشان آرزو میکند و زبانهای شان آن را طلب مینماید: **وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ**<sup>۳</sup>.

ترجمه: و هر چه دلهایتان بخواهد در [بهشت] برای شماست و هر چه خواستار باشید در آنجا خواهید داشت.

۱- سوره فصلت: ۳۰.

۲- سوره فصلت: ۳۱.

۳- سوره فصلت: ۳۱.

ح: استقامت احترام مردم را سبب میشود و مسلمانان به انسانهای استقامت پیشه‌ی که در عبادت حریض هستند و از سیرت نیکو بهرمنند هستند، به دیده قدر مینگرند.

ط: و از ثمرات مهم استقامت این است که بعد از الله جل جلاله حافظ و نگهبان صاحبش بوده و نمیگذارد که او در لجن گناه سقوط نماید و مرتکب امور تأسف آورد گردد و با مردم دون صفت در آمیزد و از طاعت و عبادت دور گردد.

در اخیر از الله جل جلاله مسألت داریم که استقامت و ثبات بر دینش را برای ما ارزانی فرماید.



**راجح این است که حاضر شدن در ولیمه عروسی واجب است بشرطیکه منکرات وجود نداشته باشد**

یکی از دوستان از ولایت هرات چنین نموده:

آیا رفتن در عروسی واجب است یا سنت و قتیکه به انسان کارت عروسی برسد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

راجح این است که حاضر شدن در ولیمه عروسی واجب است بشرطیکه منکرات وجود نداشته باشد، رسول الله صلی

الله عليه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "إذا دعاك فأجبه" <sup>۱</sup> حق برادر مسلمان شما بر شما این است هنگامیکه شما را دعوت دهد دعوت او را قبول کنید.. و بعض فقهاء این حضور را مستحب دانسته اند ..

..لیکن فقهای که واجب گفتند این شروط را ذکر نموده اند:

۱- شخص دعوت شده بنام دعوت شده باشد، و دعوت ضمن دعوت عمومی نباشد در غیر آن واجب شمرده نمی شود.

۲- در ولیمه و محفل عروسی منکرات مثل موسیقی، اختلاط مردان و زنان نامحرم نبوده باشد.

۳- در حاضر شدنش کسی اذیت نشود.

۴- خودش عذر نداشته باشد که مانع حضورش شود مثل مرض و دشمنی و غیره.

۵- محفل تنها برای ثروتمندان نباشد.

۶- شخص دعوت دهنده مسلمان باشد.

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، کتاب السلام، باب من حق المسلم للمسلم رد السلام، رقم الحدیث:

(۲۱۶۲)، (ج ۴، ص ۱۷۰۵).



۷- تنها در یک روز حاضر شدن شرط است و اگر دعوت تکرار شود حضور واجب نیست.

۸- اگر در دو عروسی و یا بیشتر از آن در یک وقت دعوت باشد دعوت اولی را قبول کنی و از دیگران معذرت بخواهد.



### تصحیح برداشت غلط و نادرست از ناقص العقل بودن زنان و خواهران

یکی از برادران سوال نموده که :

آیا ناقص العقل بودن زنان باعث کسر شخصیت آنان میشود توضیح دهید؟

در عین حال یکی از خواهران دعوتگر ما از وزارت امور زنان در کابل نیز سوال نموده :

برادر بزرگوارم در مورد اینکه پیغمبر خدا زن راناقص العقل گفته برایم اگر معلومات دهید خوب می شود. بخاطریکه در تخار کدام مولوی صاحب زنان راتوهین کرده ناقص العقل گفته.

هموطن عزیز ما حافظ ولی زاده مقیم در شهر بروکسل  
بلجیم نیز نوشته:

سپاس فراوان استاد محترم من مدیون شما هستم از  
وقتیکه صفحه شما را می خوانم الحمد لله بسیار مسایل را  
آموختم و قابل یاد آوری میدانم که نشریات شما در خارج از  
افغانستان بی حد اثرات دارد. چند وقت قبل دریکی از  
نشریه هایتان روی مسأله ناقص بودن عقل زنها صحبت  
کرده بودید اگر امکانش است همان مسأله را برای من  
بفرستید ضرورت شده است برای بنده.

برادر ما مول الدین معصومی از شهر ایبک ولایت  
سمنکان هم نوشته:

جواب مولوی صاحب لطفاً در مورد ناقص العقل بودن  
زنها معلومات دهید.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

معنای حدیث "النساء ناقصات عقل و دین"<sup>۱</sup> این نیست که  
خواهران توهین و تحقیر شوند و باعث کسر شخصیت آنان  
شود تنها در مورد خاص است .. برتری دینی تنها در تقوا

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب الحيض، باب ترك الحائض الصوم، رقم الحديث: (۳۰۴)،

است آنحضرت صلی الله علیه وسلم سوال شدند که معنای نقص عقل خانمها چیست: یا رسول الله ما نقصان عقلها؟ قال: "أليست شهادة المرأتين بشهادة رجل"؟ قيل: يا رسول الله ما نقصان دينها؟ قال: "أليست إذا حاضت لم تصل ولم تصم"<sup>۱</sup> ایشان فرمودند: نقصان عقل شان همان ضعف حفظ وذاکره است که شاهی دو خانم برابر شاهی یک مرد می شود، و نیز نقصان دین شان این است که هنگام عادت ماهوار از نماز و روزه معاف هستند و این شریعت الهی است بخاطر آسانی و شفقت بر خانمان و به هیچ وجه به معنایی توهین و حقارت و به نظر کم دیدن نیست.. زیرا خانمان برتری شان در عاطفی بودن و نرم دلی و سخاوت و صبر و تحمل شان بیشتر است لحاظ شریعت حمل و ولادت اطفال را برای شان موکول کرده که وظیفه آسان نیست و نیز خالی از اجر و ثواب هم نیست... اصلاً معیار نزدیکی همه به الله متعال زن باشد و یا مرد تقوا و ایماننداری است اگر خانمها اعمال نیک و صالح شان زیاد باشد درین شکی نیست از مردان گنہگار مقدم هستند و منزلت و جایگاه خوب دارند.. باید ازین حدیث شریف برداشت و تعبیر نادرست صورت نگیرد.. و خواهران مورد آزار و اذیت قرار داده نشوند بلکه برداشت و تعبیر خوب شود که همان دو مورد بود.. در شاهی دادن و معاف شدن

<sup>۱</sup> - صحيح البخاري، كتاب الحيض، باب ترك الحائض الصوم، رقم الحديث: (۳۰۴)،

نماز و روزه در وقت مریضی ماهوار... در غیر آن زنان مسلمان از زمانه رسول الله صلی الله علیه وسلم و صحابه کرام و تابعین و تا به حال در همه بخشهای مهم نقش مثبت و مهم دارند که دوشادوش مردان به اسلام خدمت کردند.



### مسلمان دعوتگر در هر جا که باشد باید مبارک و با برکت واقع شود

یکی از دوستان از کابل چنین سوال نموده :

آیا درست که مردم میگویند فلان کس مبارک است و از چی فهمیده می شود ؟

معنای برکت خیر و نفع و فایده دائمی و همیشگی میباشد، و کسی که مبارک میباشد الله متعال در روزها، و حرکات و سکناتش برکت میندازد تا اینکه سبب نشر خیر گردد، الله متعال از زبان یکی از پیامبران خود که خود عیسی بن مریم علیه السلام است در قرآن کریم حکایت میکند: "وجعلني مبارکاً اینما كنت"<sup>۱</sup> مرا مبارک و با برکت گردانید در هر جا که باشم، یعنی مرا رهنمای خیر گردانیده.

<sup>۱</sup> - سورة مریم: ۳۱.

مبارک بودن و برکت دعوتگر در این است که خیر و نفع و فائده را با خود ببرد، و با خود داشته باشد در هر جا که باشد در سفر و حضر، و نصیحت کردنش به مردم قطع نشود.

- علم مفید و نافع را نشر کند که مردم آنرا بفراوشی سپرده باشد.

- مردم را بطاعت الله متعال دعوت دهد خصوصا مسائلی که مردم متوجه آن نیستند و تبرک آن از خیر محروم میشوند.

- مردم را از گناه و معصیت تحذیر نماید.

مبارک پنداشتن به این معنی نزد مردم گفته می شود.

الله متعال ما و شما را نیز مبارک بگرداند در هر جا که باشیم، اگر خیر نصیب ما شود شکر گزار باشیم، اگر مورد ابتلاء قرار گیریم صبر کنیم، و اگر از ما سهو و اشتباه سرزد شود طلب مغفرت نماییم.



## اجر عبادت مسلمان کشورهاي غير اسلامي

يکي از خواهران هموطن ما مقیم جرمنی چنین سوال

نموده:

بعضیها فتاوی از خود ویا کتاب های قدیمی خرافاتی را مطالعه کرده اند گفتند که آنانیکه در خارج از کشور های اسلامی بسر می برند نماز های آنها قبول نیست و یا اگر قبول هم شود پنج وقت برابر یک وقت می شود آیا این نظریه شان درست است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در دین مبین اسلام برتری در تقوا و پرهیزگاری است و مسلمانیکه در کشور اسلامی زندگی میکند بر مسلمانانی که در خارج از کشورهای اسلامی بسر می برند برتری ندارند تنها معیار برتری و نزدیکی به الله متعال همانا تقوا، اخلاص در عبادت، ایمانداری، امانتداری، صداقت و راستی میباشد ..الله متعال در قرآن کریم فرموده است: "إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ"<sup>۱</sup> بدرستی مكرم ترین و معزز ترین شما نزد الله متعال با تقوا تر شما است، تنها تقوا و پرهیزگاری معیار نزدیکی به او تعالی است.

<sup>۱</sup> - سورة الحجرات: ۱۳.

لهذا مسلمانانیکه در کشورهای غیر اسلامی بسر میبرند اجر و ثواب عبادت شان با اجر و ثواب کشور های اسلامی برابر است و هر وقت نماز شان برابر نماز های که در کشور های اسلامی خوانده می شود برابر است.

تنها یک استثناء وجود دارد که نماز فرض در المسجد الحرام مکه مکرمه به اندازه صد هزار نماز، و در مسجد نبوی شریف در مدینه منوره معادل یک هزار نماز، و در مسجد الأقصی در فلسطین به اندازه پنجمصد نماز ثواب و برتری دارد که در حدیث صحیح ثابت است.

این نظریه که در سوال نقل شده کاملاً مخالف شریعت و مردود است، واجب علماء و دانشمندان و دعوتگران است که با هموطنان مسلمان ما که در کشورهای غیر اسلامی بسر می برند تماس داشته باشند و آنها را در مسائل دینی و شرعی رهنمائی نمایند تا اینکه بشکل درست و صحیح دین و ایمان خود را محافظت کرده بتوانند و در تقویت ایمان و دینداری شان مفید واقع شود این تماس ها نه اینکه آنها را در شک و تردید واقع کنند.

در این شکی نیست که مسلمانانی که در اروپا و کشورهای غربی و غیر اسلامی زندگی میکنند به مشکلات گوناگونی روبرو و مواجه می شوند و فقهاء فقه خاص را برای شان تدوین نموده اند تحت عنوان: " فقه المغتربین " و "

فقه الأقلیات" با در نظر داشت مسائل که آنها روبرو هستند مثلاً: مساجد کم وجود دارد، اوقات نماز را دقیقاً در بعض شهرها نمی فهمند، طعام و خوردنی حلال در بعض اوقات یافت نمی شود، و حجاب اسلامی در بعض کشورها ممنوع است، تعاملات بانکی همه سودی است، کار وظیفه حلال کم پیدا می شود، با غیر مسلمانان آمیزش دارند، اختلاط زن و مرد نامحرم در همه جا است، در دفن کردن اموات و مرده مشکلاتی وجود دارد، و دهها مشکلات خانوادگی و هم مشکلات سیاسی و قبول کردن تابعیت آن کشورها که شروط خود را دارد..

و در بسیار از امورات دینی شان در تنگنا قرار دارند که فقهاء در بعض موارد برای شان مسائل استثنائی را تدوین نموده... از همین رو فتاوی که برای آنها داده می شود باید حالت و طرز زندگی و اماکن بود و باش شان را مراعات کند زیرا قاعده فقهی است که فتاوی و احکام در بعض اوقات نظر به زمان و مکان تغییر میکند: "لا ینکر تغییر الأحکام بتغییر الأزمان" و "تغییر الفتوی بتغییر الأعراف" و "الحاجة الشرعية تنزل منزلة الضرورة" .. و حاجات شرعی مسلمان احکام ضرورت به خود میگیرد در بعض موارد..

در عین حال واجب مسلمانان مقیم کشورهای غیر اسلامی این است در راستای حفظ هویت اسلامی شان کوشان باشند و شخصیت اسلامی شانرا محافظت کنند،



وبابند شریعت باشند حلال را حلال بدانند و حرام را حرام در معاملات و تعاملات با غیر مسلمان، اخلاق نیکو داشته باشند، قدوه و الگوی نیکو کردند تا اینکه غیر مسلمانان از آنها متأثر شوند.. عهد و بیمانیکه که با غیر مسلمان دارند به آن وفاء نمایند اعتدال، تسامح، شعار شان بوده باشد.



### آثار و فوائد نشر علم شرعی از طریق رسانه ها و شبکات اجتماعی

نامه جواییه به ملا صاحب عزت الله سحری که از کابل برآیم چنین نوشته و نیز یک مقطع صوتی طرفداران پیر باده را روان کرده که آنها اسقاط را مشروع میدانند و به دین ربط میدهند و در عین حال با نشر علم شرعی از طریق وسائل تواصل اجتماعی مخالف نموده :

تو که میگی اسقاط حرام است بیا از نزدیک بسیاردراین مسعله فرار کرده.. اسقاط جایز است تو از نزدیک بیا کجا هستی.. اسقاط مستحب است.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در این شکی نیست که رسانه ها و وسائل ارتباط جمعی و شبکات تواصل اجتماعی همانطوریکه ارتباطات و پیام

رسانی را آسان ساخته، و در بخشهای سیاست، اجتماع، فرهنگ و تجارت و معاملات، سهولتهای را ایجاد نموده در رسانیدن علم شرعی و آگاهی دهی دینی نیز نقش فعال و سازنده دارد که ما فوائد و آثار ایجابی آنرا روزانه در زندگی دینی هموطنان ما مشاهده می کنیم البته از لابلای تماسهاییکه با هموطنان خود داریم و از اینکه صبح و شام از تجدید دانش دینشی شان حرف میزنند و از این نوع شیوه و روش آگاهی دهی استقبال گرم میکنند میشود که بعض موارد آنرا نشاندهی کنیم تا اینکه مخالفین این شیوه را در جریان قرار دهیم :

أولاً: رسانیدن احکام و مسائل شرعی که مردم آنرا در زندگی روز مره خود ضرورت دارند و در وقت معین بدون تأخیر برایشان میرسد و بشکل فوری حکم شرعی و جواب سوال خود را دریافت میکنند.. این یک امر ایجابی و خوب است.

ثانیاً: نشر ثقافت و دانش دینی از لابلای سوال و جواب که یک اسلوب و شیوه زیبا است و بدرستی و خوبی در اذهان مردم جا میگیرد، حتی کسانی که به این سوال و جواب بصورت فوری ضرورت ندارند لیکن آنرا منحیث علم و دانش شرعی می خوانند و در آینده اگر به مشکلی مشابه روبرو شوند جواب را میدانند که این خود یک بخش از تعلیم و تربیه دینی بشمار میرود.

ثالثاً: مسأله که بسیار با اهمیت میباشد در این راستا آن این است که مسائل شرعی نشر شده و فتاوا به خانمها و طبقه اناث در خانه های شان میرسد در داخل و خارج کشور، زیرا آنها قبلاً خواهش رسیدن به علمای باوری و قابل اعتماد را میداشتند لیکن وسیله رسیدن به آنها را نداشتند و حالا از طریق همین وسائل توصل اجتماعی بصورت فوری سوال خود را به علماء روان میکنند و جواب شانرا خلال چند دقیقه و یا چند ساعت دریافت می نمایند، دهها موارد و سوالاتی است که خانمها را حیای شان مانع میشود که روبرو سوال کرده بتوانند لیکن نوشتن آن و در یافت جواب از لا بلای این وسائل ممکن است .

رابعاً: تربیه جوانان و آشنا ساختن آنها با فرهنگ و فقه و دانش تعامل با اختلافات فقهی در مسائل فروعی، واز میان برداشتن تعصب و تنگ نظری زیرا ما میدانیم که وجود یک مذهب فقهی و انتشار آن در یک کشور سبب شده که مردم از مذاهب فقهی کشورهای دیگر بی خبر بمانند و بارها شاید اتفاق افتاده باشد که مثلاً کسی رفع الیدین کند در نماز، و یا نماز وتر را به شیوه دیگری ادا کند و دعای قنوت را بعد از رکوع بخواند مردم تعجب کنند که این شخص چی میکند در حالیکه این هم مذهب فقهی است و مستند صحیح دارد.. و از لا بلای همین تلاشها می توانیم که تعصب و تنگ نظری را کاهش دهیم و مردم را آگاهی دهیم که

مذاهب فقهی حیثیت چار دیواری و یا قالب را ندارد بلکه معنی و مفهومی استفاده کردن از علم و دانش و مناہج و مسالک فقہاء است در صورتیکه در مطابقت با مصادر تشریح که همانا قرآن و سنت صحیح و اجماع علمای امت، آثار صحابه کرام، و قیاس صحیح بوده باشد. زیرا در نتیجه تعصب و تنگ نظری و برداشتهای نادرست مردم در بعض موارد از عمل کردن به سنت رسول الله صلی الله محروم مانده اند و مجبور بودند که عبادت خود را به استناد احادیث موضوع و ضعیف انجام دهند و بعوض علم شرعی که در حرمین شریفین و مهبط وحی یعنی جاهایکه وحی نازل شده عمل کنند، به علم آورده شده از جاهایکه با خرافات و انحرافات فکری و عقیدوی آمیخته شده عمل کنند مثلاً حرف پیر باده و یا اشخاص خرافاتی که در نزدیکی زیارتگاهها، درگاهها و بارگاهها تربیه شده اند و علم خود را آموخته اند و عمر شان در بوسیدن دستان پیرهای منحرف سپری شده، حرف اینها را ترجیح دهند و آنرا به مذهب حنفی هم نسبت و بیوند دهند. که حالا از طریق همین وسائل این برداشتهای نادرست و مخالف شریعت و سنت از بین می‌رود.

خامساً: سهولت و آسانی معرفی علمای راستین و دعوتگران برحق کشور ما وزمینہ سازی همکاری لازم در بین آنها مثلاً حالا به آسانی با علمای که در کابل مرکز کشور هستند و یا در هرات و مزار، و ننگرهار و هر گوشه و کنار

کشور عزیز ما تشریف دارند تماس برقرار کرده می توانیم  
وودر مسائل مهم هماهنگی لازم میداشته باشیم که قبلان  
فرصت میسر نبود.



### نشر احکام دین مبین اسلام و دعوت اسلامی تنها در مساجد منحصر نیست

یکی از مولوی صاحبان اعتراض نموده که علماء،  
دعوتگران، ودانشمندان دین با اردوی ملی، پولیس ملی،  
ونظامیان ارتباط نداشته باشد و آنها را تحت پوشش دعوتی  
خود قرار ندهند ..

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، اما بعد:

کسانی علم ودانش شرعی، زبان وقلم دارند، والله متعال  
برای شان زبان وقلم واهلیت دعوتی را ارزانی فرموده بر اینها  
جواز ندارد که در عزله وبدور از مردم زندگی کنند و خود را  
تنها در عبادتگاه، خانه ودفتر و کتابخانه خود مصروف  
بسازند، وخود را مشغول ورق زنی کتابها نمایند..در این  
صورت از اصلاح مردم بدور می مانند که وظیفه اصلی شان  
پنداشته می شود.

بلکه واجب دعوتگران، علماء ودانشمندان دین است که باید مردم سروکار داشته باشند واز نزدیک مشکلات دینی شانرا درک کنند ومطابق همان واقع شان برای آنها دین را شرح نمایند..حتی ولو که به بعض مشکلات مواجه شوند در راه نشر علم شرعی ودعوت إلى الله، امام دعوتگران صلی الله علیه وسلم فرموده است: "الْمُسْلِمُ إِذَا كَانَ يُخَالِطُ النَّاسَ وَيَصْبِرُ عَلَى أَذَاهُمْ خَيْرٌ مِنَ الْمُسْلِمِ الَّذِي لَا يُخَالِطُ النَّاسَ وَلَا يَصْبِرُ عَلَى أَذَاهُمْ"<sup>۱</sup> مسلمان ودعوتگری که در بین مردم میباشد ودر مقابل آزار واذیت آنها صبر می کند واز خود شکیبائی نشان میدهد بهتر است از مسلمان که به مردم سروکار ندارد وصبر وتحمل آزار واذیت آنها را برداشت نمی کند .

این به این معنا نیست که ما دعوت ونشر علم شرعی در مساجد را غیر مؤثر ویا به نظر کم ببینیم بلکه مساجد مراکز اصلی نشر دین مبین اسلام است..لیکن در عین حال شیوه های مؤثر دیگری هم وجود دارد که بکار برده شود مثلا:

میدانهای ورزش، تجمعات دهقانان واهل قریه، مدارس ومکاتب، دانشگاهها، شفاخانه ها، مراکز وکندکهای امنیتی پولیس واردوی ملی وزندان ومحابس همه میدانهای دعوت اسلامی بشمار میرود..حتی چوپانها که با رمه های گوسفند

<sup>۱</sup> - سنن الترمذی، أبواب صفة القيامة والرفائق والورع عن رسول الله صلى الله عليه وسلم، رقم الحديث: (۲۵۰۷)، (ج ۴، ص ۶۶۲).

در کوها به سر می برند نیاز به معرفت احکام عبادت شانرا دارند.



**کارهای ناجائز و نامشروع را که تعداد زیادی از مردم انجام میدهند دلالت بر مشروعیت آن نمی کند**

کارهای ناروا و ناجائز که بخش از عادات و تقالید و عنعنات مردم گردیده معنایش این نیست که حلال باشد

حلال و حرام بودن تنها در نصوص قرآن کریم، سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم و عمل صحابه کرام و اجماع فقهای این امت ثابت می شود

یکی از دوستان نوشته که :

استاد محترم این کار نامشروع را... تمام شرکت ها در افغانستان می کند.



**بندگی و فرمانبرداری از الله متعال (جل جلاله)**

بندگی خداوند در قلبهای مومنان جایگاه ویژه خود را دارد و هدف آفرینش انسانها و جنیات همانا بندگی خداوند متعال میباشد، و او تعالی کائنات را با کمال محبت، جهت

پرستش خود آفریده است تا مخلوقات با فروتنی، عاجزی و انقیاد او را اطاعت کنند، و او تعالی عبادت خود را هدف آفرینش انسانها گردانیده است.

پس انسان نیکبخت آن است که پرودگارش را بیشتر اطاعت میکند و سر پرستش را به آستان او خم مینماید، به خاطری که سعادت، آرامی، کامگاری و قوت انسانها در گرو اخلاص و بندگی آنها نهفته است، و به خاطر همین صفت بندگی است که مومنان آرامی دوجهان را به کام خود دارند، با الهام از معانی و جایگاه بندگی، در سطور پائین با بسط و تفصیل در این باره میپردازیم:

۱: عالم هستی برای هدف والایی آفریده شده است:

الله ( جل جلاله ) در این باره چنین مهربانی میکند: "و خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ لِيُجْزِيَ كُلَّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ"<sup>۱</sup>.

تجمه: و خداوند آسمانها و زمین را به حق آفریده است و تا هر کسی به [موجب] آنچه به دست آورده پاداش یابد و آنان مورد ستم قرار نخواهند گرفت — و در جایی دیگری میفرماید: "وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ

<sup>۱</sup> - سوره جاثیه: ۲۲.



مَنْ رَزَقَ وَ مَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُونَ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ  
الْمَتِينُ<sup>۱</sup>.

ترجمه: و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا  
بپرستند از آنان هیچ روزی نمی خواهم و نمی خواهم که مرا  
خوراک دهند خداست که خود روزی بخش نیرومند استوار  
است. و این هم گفته الهی است: "أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا  
وَ أَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ  
الْعَرْشِ الْكَرِيمِ"<sup>۲</sup>.

ترجمه: آیا پنداشتید که شما را بیهوده آفریده‌ایم و  
اینکه شما به سوی ما بازگردانیده نمی‌شوید پس  
والاست خدا فرمانروای برحق خدایی جز او نیست [اوست]  
پروردگار عرش گرانمایه.

۲-: انسانهای هوشمند هدف آفرینش را درک میکنند:

کسی که دارای قلب سلیم باشد، بعد از اندکی تأمل  
هدف آفرینش را درک میکند، چنانکه الله متعال از زبان  
صاحبان دانش و ایمان حکایت میکند: "إِنَّ فِي خَلْقِ  
السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي  
الْأَبْصَارِ - الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا وَ عَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَ

<sup>۱</sup> - سوره ذاریات: ۵۶ - ۵۸.

<sup>۲</sup> - سوره مومنون آیات ۱۱۵-۱۱۶.

يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا  
سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ" ۱.

ترجمه: مسلماً در آفرینش آسمانها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز برای خردمندان نشانه‌هایی [قانع کننده] است همانان که خدا را [در همه احوال] ایستاده و نشسته و به پهلو آرمیده یاد می‌کنند و در آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند [که] پروردگارا اینها را بیهوده نیافریده‌ای منزهی تو پس ما را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار.

۳: انسانها و جنیان برای عبادت آفریده شده اند:

هدف اساسی آفرینش انسانها و جنیان همانا عبادت خداوند متعال میباشد، تا انسانها همه انواع عبادت را تنها به او تعالی انجام بدهند و بس، الله (جل جلاله) در این زمینه میفرماید: وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ" ۲.

ترجمه: و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا

بپرستند

۱- سوره آل عمران آیات ۱۹۰-۱۹۱.

۲- سوره ذاریات آیت ۵۶.

امام نووی ( رحمه الله ) در شرح آیت فوق چنین میگوید: این آیت به صراحت بیان میدارد که انسانها و جنیان برای عبادت آفریده شده اند، پس بر ایشان لازم است تا به هدف آفرینش شان توجه داشته و از لذایذ دنیا دوری نمایند، به خاطری که دنیا برای همیشه نبوده و نابود شدنی است، و این دنیا راه عبور است نه جای شادمانی و نه هم محل سرور.<sup>۱</sup>

و اهل ایمان از ته دل این را میپذیرند، شیخ الاسلام ابن تیمیه ( رحمه الله ) میگوید: الله ( جل جلاله ) کاینات را برای پرستش و شناسایی خود آفریده است، تا در سختی ها به او رجوع کرده شود و همرايش محبت داشته باشند و با او از در اخلاص پیش آیند.<sup>۲</sup>

و باید گفت که الله ( جل جلاله ) آسمانها و زمین را و آنچه در مابین آنها وجود دارند، عبث و بی فایده نیافریده است، دنیا به زبان حال اشاره میکند که بعد از زندگی دنیا، آخرتی وجود دارد و انسان هدر خلق نگردیده است.

<sup>۱</sup> - ( ریاض الصالحین صفحه ۲۹ ).

<sup>۲</sup> - ( العبودية صفحه ۸۰ ).

دوم: حقیقت بندگی و پرستش:

بندگی مفهوم شاملی است برای هر آن عمل نیک که توسط آن رضای الهی طلب می‌گردد، الله (جل جلاله) میفرماید: "قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ"<sup>۱</sup>.

ترجمه: بگو در حقیقت نماز من و [سایر] عبادات من و زندگی و مرگ من برای خدا پروردگار جهانیان است [که] او را شریکی نیست و بر این [کار] دستور یافته‌ام و من نخستین مسلمانم.

و ابن جریر (رحمه الله) در باره معنی و مفهوم عبادت چنین می‌گوید: (معنى العبادة الخضوع لله بالطاعة، والتذلل بالاستكانة).

عبادت این است که انسان با عاجزی پروردگار خود را اطاعت کرده و در برابر او تعالی خود را خوار بیندارد و به او (جل جلاله) فروتنی کند.

و ابن عباس (رضی الله عنهما) عبادت را به توحید و یگانگی خداوند (جل جلاله) تفسیر کرده است.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - سوره انعام آیات ۱۶۲-۱۶۳.

<sup>۲</sup> - (تفسیر طبری ۱/۱۶۰).

و شیخ الاسلام ابن تیمیہ ( رحمہ اللہ ) عبادت را این گونه تشریح میکند: عبادت نام جامعی است برای گفتار و کردار باطنی و ظاهری که الله (جل جلاله) از آن راضی میشود، مانند: نماز، زکوه، روزه، حج، راست گفتن، ادا کردن امانت، نیکی با پدر و مادر، به وعده وفا کردن، امر به کارهای پسندیده و بازداشتن از کارهای زشت، جهاد با کفار و منافقین، نیکی کردن با همسایه، یتیمان، مساکین، مسافران، زبردستان و حیوانات، دعا و خواستن، ذکر، تلاوت و امثال اینها.

و همچنان دوست داشتن الله و رسولش، ترس و خشیت از الله متعال و به او تعالی رجوع کردن، دین را به او (جل جلاله) خاص کردن، صبر کردن در سختی ها و شکرگزاری در برابر نعمت ها، رضای بودن به قضا و قدر الهی، توکل کردن بر او، به رحمتش امیدوار بودن و از عذابش در هراس بودن و به همین قسم تمام امور زندگی را به پیش بردن عبادت است.<sup>۱</sup>

و امام ابن قیم ( رحمہ اللہ ) میگوید: ” لفظ (ایاک نعبد) بر چهار قاعده استوار میباشد: به جا کردن اموری که الله و رسولش آن را میپسندد، و از روی زبان و از ته قلب به آن راضی بودن، عمل قلب و جوارح، پس بندگی نام جامعی

<sup>۱</sup> - ( العبودية صفحة ۱۱ ).

است برای این مراحل چهارگانه "الله (جل جلاله) میفرماید:  
(وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ).<sup>۱</sup>

و قاضی ابو یعلی در باره بندگی چنین میگوید: عبادت این است که انسان در نهایت عاجزی و فروتنی افعالی را انجام دهد که الله (جل جلاله) بر آن امر کرده است.

سوم: فرستادگان الهی به عبودیت دعوت میکردند:

انبیاء (علیهم السلام) از آدم تا خاتم امتیان خود را به سوی بندگی پروردگار عالمیان فراخوانده است، الله (جل جلاله) میفرماید: "لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ"<sup>۲</sup>.

ترجمه: همانا نوح را به سوی قومش فرستادیم پس گفت ای قوم من خدا را بپرستید که برای شما معبودی جز او نیست.

و در جایی دیگری مهربانی میکند: "وَ إِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اتَّقُوهُ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَ تَخْلُقُونَ إِفْكًا إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ

<sup>۱</sup> - (مدارج السالکین ۱/۱۰۰).

<sup>۲</sup> - سوره اعراف: ۵۹.

دُونَ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَ  
اشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ" <sup>۱</sup>.

ترجمه: و [یاد کن] ابراهیم را چون به قوم خویش  
گفت خدا را بپرستید و از او پروا بدارید اگر بدانید این [کار]  
برای شما بهتر است واقعا آنچه را که شما سوی خدا  
می پرستید جز بتانی [بیش] نیستند و دروغی برمی سازید  
در حقیقت کسانی را که جز خدا می پرستید اختیار روزی  
شما را در دست ندارند پس روزی را پیش خدا بجویید و او  
را بپرستید و وی را سپاس گویند که به سوی او بازگردانیده  
می شوید.

و در جایی دیگری چنین میگوید: "وَأِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا  
قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ" <sup>۲</sup>.

ترجمه: و به سوی عاد برادرشان هود را [فرستادیم]  
گفت ای قوم من خدا را بپرستید.

<sup>۱</sup> - سوره عنکبوت: ۱۶-۱۷.

<sup>۲</sup> - سوره اعراف: ۶۵.

و الله ( جل جلاله ) از زبان عیسی (علیه السلام) چنین حکایت میکند: "إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ"<sup>۱</sup>.

ترجمه: در حقیقت خداوند پروردگار من و پروردگار شماست پس او را بپرستید [که] راه راست این است.

چهارم: مقام بلند بندگی در دین:

۱: بندگی بلندترین مقام برای پیامبران:

عبودیت ( بندگی ) هدف نهایی بندگان متقی الله ( جل جلاله ) را تشکیل میدهد و خداوند متعال عبودیت را از ویژگیهای کاملترین و محبوبترین بندگان خویش قرار داده است و بندگی را در بلندترین جایگاه خود قرار داده است، چنانکه میفرماید: "سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ"<sup>۲</sup>.

ترجمه: منزله است آن [خدایی] که بنده اش را شبانگاهی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی که

<sup>۱</sup> - سوره آل عمران: ۵۱.

<sup>۲</sup> - سوره اسراء: ۱.



پیرامون آن را برکت داده‌ایم سیر داد تا از نشانه‌های خود به او بنمایانیم که او همان شنوای بیناست.

عبودیت مقامی است که عیسی (علیه السلام) در گهواره حرفش را به آن آغاز کرد، الله (جل جلاله) در این مورد میفرماید: "قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا"<sup>۱</sup>.

ترجمه: [کودک] گفت منم بنده خدا به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده است. شیخ الاسلام ابن تیمیه (رحمه الله) میگوید: "بلندترین جایگاه برای بندگان همانا بندگی الله تعالی است، هر اندازه که بندگی یک انسان افزون گردد به همان اندازه جایگاهش بلند شده و درجه های عالی را بدست می‌آورد. امام ابن قیم الله (رحمه الله) میگوید: الله (جل جلاله) خطاب به رسولش میفرماید: "وَ اعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ"<sup>۲</sup>.

ترجمه: و پروردگارت را پرستش کن تا اینکه مرگ تو فرا رسد. و دوزخیان در دوزخ میگویند: "وَ كُنَّا نُكذِّبُ يَوْمَ الدِّينِ حَتَّى أَتَانَا الْيَقِينُ"<sup>۳</sup>.

<sup>۱</sup> - سوره مریم آیت ۳۰.

<sup>۲</sup> - سوره حجر آیت ۹۹.

<sup>۳</sup> - سوره مدثر آیت ۴۶-۴۷.

ترجمه: و روز جزا را دروغ می‌شمردیم تا مرگ ما در رسید. و در حدیث صحیحی از عثمان بن مظعون (رضی الله عنه) روایت است که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: مگر عثمان! او را از جانب پروردگارش یقین فرارسیده بود. (یعنی مرگ و سختی جانکندن فرارسیده بود) انسان تا زمانی که در دنیا باشد از قید بندگی خارج نمیشود، اگر کسی بگوید که به چنان مرتبه رسیده است که از عبادت و بندگی بی‌نیاز می‌باشد، چنان شخصی زندیق بوده و بر الله و رسولش کافر گردیده است. این شخص از دین خارج شده است؛ هر گاه بنده ای جایگاهی را به سبب بندگی خود کسب نماید، عبادتش بیشتر می‌گردد و مسولیت هایش نسبت به دیگران زیاد میشود، به همین خاطر است که مسولیت های پیامبران (علیهم السلام) نسبت به امتیان شان بیشتر بوده است، به همین ترتیب مسولیت های پیامبران اولوالعزم نسبت به پیامبران که اولوالعزم نبوده اند، زیاده بوده است، و به همین ترتیب مسولیت هر انسان به اندازه مرتبه اش می‌باشد.<sup>۱</sup>

پنجم: انواع عبودیت و بندگی:

اعمال قلب: امام ابن رجب (رحمه الله) بعضی اقسام اعمال قلب را چنین واضح می‌سازد: هر گاه قلب معنی لاله

<sup>۱</sup> - (مدارج السالکین ۱/۱۰۳-۱۰۴).

الا الله را درک بکند و از روی اخلاص آن را تصدیق نماید، این جاست که خدایی پروردگار در او جا میگیرد و نهادش از بزرگی، هیبت، ترس، محبت، امید و توکل به خداوند مالمال شده و الهیت مخلوقات از دورنش رخت برمییند.

الف: دعا:

الله متعال در باره دعا میفرماید: "وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ"<sup>۱</sup>.

ترجمه: و پروردگارتان فرمود مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم و این گفته الهی نیز در باره دعا میباشد: "وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ"<sup>۲</sup>.

ترجمه: و هرگاه بندگان من از تو در باره من بپرسند [بگو] من نزدیکم و دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا بخواند اجابت می کنم. و او تعالی در جایی دیگری چنین مهربانی میکند: "أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ"<sup>۳</sup>.

<sup>۱</sup> - سوره غافر آیت ۶۰.

<sup>۲</sup> - سوره بقره آیت ۱۸۶.

<sup>۳</sup> - سوره نمل آیت ۶۲.

ترجمه: یا [کیست] آن کس که در مانده را چون وی را بخواند اجابت می کند و گرفتاری را بر طرف می گرداند.

و این هم گفته دیگری الله ( جل جلاله ): "ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ"<sup>۱</sup>.

ترجمه: پروردگار خود را به زاری و نهانی بخوانید که او از حدگذرندگان را دوست نمی دارد.

از نعمان بن بشیر ( رضی الله عنه ) روایت است که رسول الله ( صلی الله علیه وسلم ) فرمودند: "الدُّعَاءُ هُوَ الْعِبَادَةُ"<sup>۲</sup>، ترجمه: دعا همانا عبادت است.

و این هم حدیث ابوهریره ( رضی الله عنه ) که از رسول الله ( صلی الله علیه وسلم ) در باره دعا روایت میکند: "أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ رَبِّهِ وَ هُوَ سَاجِدٌ؛ فَأَكْثِرُوا مِنَ الدُّعَاءِ"<sup>۳</sup>.

ترجمه: نزدیکترین حالت بنده با پروردگارش زمانیست که او در سجده باشد، پس بیشتر دعا کنید.

<sup>۱</sup> - سوره اعراف آیت ۵۵.

<sup>۲</sup> - سنن أبي داود، كتاب الصلاة، باب الدعاء، رقم الحديث: (۱۴۷۹)، (ج ۲، ص ۷۶).

<sup>۳</sup> - صحيح مسلم، كتاب الصلاة، باب ما يقال في الركوع والسجود، رقم الحديث: (۴۸۲)، (ج ۱، ص ۳۵۰).

ب: محبت و دوستی: شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله میگوید: چیزی که سلف صالح، امامان دین، علما و اهل سنت و حدیث بر آن اتفاق دارند این است که: الله جل جلاله ذاتی دوستداشتنی است، بلکه محبت با الله (جل جلاله) کمال دوستی میباشد، چنانکه الله (جل جلاله) میفرماید: "وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ"<sup>۱</sup>، ترجمه: کسانی که ایمان آورده‌اند به خدا محبت بیشتری دارند.

ج: خوف و ترس:

بر انسان مسلمان لازم است تا عبادت ترس و خشیت خویش را به الله (جل جلاله) خاص گرداند، الله (جل جلاله) در زمینه میفرماید: "إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَ خَافُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ"<sup>۲</sup>.

ترجمه: در واقع این شیطان است که دوستانش را می‌ترساند پس اگر مؤمنید از آنان مترسید و از من بترسید.

و این هم گفته دیگری الهی: "الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَ يَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ"<sup>۳</sup>.

<sup>۱</sup> - سوره بقره: ۱۶۵.

<sup>۲</sup> - سوره آل عمران آیت ۱۷۵.

<sup>۳</sup> - سوره احزاب آیت ۳۹.

ترجمه: همان کسانی که پیامهای خدا را ابلاغ می‌کنند و از او می‌ترسند و از هیچ کس جز خدا بیم ندارند.

و الله (جل جلاله) در جایی دیگری مهربانی میکند:  
"وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ"<sup>۱</sup>.

ترجمه: و هر کس را که از مقام پروردگارش بترسد دو باغ است.

و انس رضی الله عنه میگوید: روزی رسول الله (صلی الله علیه وسلم) برای ما خطبه ای ایراد کردند که پیش از آن هرگز چنان خطبه ای از ایشان نشنیده بودم، او (صلی الله علیه وسلم) گفتند: (لو تعلمون ما أعلم لضحكتم قليلاً ولبكيتم كثيراً)<sup>۲</sup>، ترجمه: اگر آنچه که من میدانم میفهمدید کمتر میخندید و بیشتر گریه میکردید.

شاعری میگوید:

إن لله عبادا فطنا :: طلقوا الدنيا وخافوا الفتن

نظروا فيها فلما علموا :: أنها ليست لحي وطنا

<sup>۱</sup> - سوره رحمن آیت ۴۶.

<sup>۲</sup> - صحيح البخاري، كتاب تفسير القرآن، باب قوله: { لا تسألوا عن أشياء إن تبد لكم تسؤكم } [المائدة: ۱۰۱]، رقم الحديث: (۴۶۲۱)، (ج ۶، ص ۵۴).

جعلوها لجة و اتخذوا :: صالح الأعمال فيها سُفنا

ترجمه: الله بندگان هوشیاری دارد که دنیا را طلاق داده اند و از فتنه ها میهراسند زمانی که در دنیا خیره شدند دانستند.

که این دنیا جای بود و باش زنده جان نیست دنیا را موجی پنداشتند و در این موج اعمال نیک را سفینه نجات ساختند.

د: امید داشتن

الله متعال در این مورد چنین مهربانی میکند: "أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ"<sup>۱</sup>.

ترجمه: آن کسانی را که ایشان می خوانند [خود] به سوی پروردگارشان تقرب می جویند [تا بدانند] کدام یک از آنها [به او] نزدیکترند و به رحمت وی امیدوارند و از عذابش می ترسند.

<sup>۱</sup> - سوره اسراء آیت ۵۷.

و او تعالی در جایی دیگری مهربانی میکند: "قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ"<sup>۱</sup>.

ترجمه: بگو ای بندگان من که بر خویشتن زیاده‌روی روا داشته‌اید از رحمت خدا نومید مشوید در حقیقت خدا همه گناهان را می‌آمرزد که او خود آمرزنده مهربان است.

جابر بن عبدالله رضی الله عنهما میگوید که سه روز قبل از رحلت رسول الله صلی الله علیه وسلم از ایشان شنیدم که میگفتند: "لا يموتن أحدكم إلا وهو يحسن الظن بالله عزوجل"<sup>۲</sup>، ترجمه: هیچ یکی از شما نمیرد مگر اینکه گمانش را در حق پروردگارش نیکو ساخته باشد.

و انس (رضی الله عنه) میگوید که از رسول الله (صلی الله علیه وسلم) شنیدم که میگفتند: الله (جل جلاله) میگوید: ((یا ابن آدم إنك ما دعوتني ورجوتني غفرت لك على ما كان منك ولا أبالي)). ترجمه: ای فرزند آدم! به رغم گناهی که مرتکب شده ای مادامیکه مرا فراخوانی و به

<sup>۱</sup> - سوره زمر: ۵۳.

<sup>۲</sup> - صحیح مسلم، کتاب الجنة وصفة نعيمها وأهلها، باب الأمر بحسن الظن بالله تعالى عند الموت، رقم الحديث: (۲۸۷۷)، (ج ۴، ص ۲۲۰۶).



غفرانم امیدوار باشی ، گناهانت را می آمرزم و به آنها اهمیت نمی دهم (به روایت ترمذی).

ه: توکل کردن:

الله جل جلال در این زمینه میفرماید: "فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ" <sup>۱</sup>.

ترجمه: پس او را پرستش کن و بر او توکل نمای.

و در جایی دیگری مهربانی میکند: "وَ اذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ اِلَيْهِ تَبَتُّلًا رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيْلًا" <sup>۲</sup>.

ترجمه: و نام پروردگار خود را یاد کن و تنها به او بپرداز [اوست] پروردگار خاور و باختر خدایی جز او نیست پس او را کارساز خویش اختیار کن.

و این هم گفته دیگری الهی در این مورد: "وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهٗ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلٰى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ" <sup>۳</sup>.

<sup>۱</sup> - سوره هود: ۲۲۳.

<sup>۲</sup> - سوره مزمل: ۸-۹.

<sup>۳</sup> - سوره طلاق: ۲-۳.

ترجمه: هر کس از خدا پروا کند [خدا] برای او راه بیرون شدنی قرار می‌دهد و از جایی که حسابش را نمی‌کند به او روزی می‌رساند و هر کس بر خدا اعتماد کند او برای وی بس است.

و این نیز ارشاد الهی می‌باشد: "قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابٌ"<sup>۱</sup>.

ترجمه: بگو اوست پروردگار من معبودی بجز او نیست بر او توکل کرده‌ام و بازگشت من به سوی اوست.

و از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که می‌فرماید: { حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ } جمله ای است که ابراهیم علیه السلام آن را هنگامی خواند که در آتش انداخته می‌شد، و این جمله ای است که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) آن را هنگامی خواند که برایش گفتند: مردمان برای [جنگ با] شما گرد آمده‌اند پس از آن بترسید و [الی این سخن] بر ایمانشان افزود و گفتند خدا ما را بس است و نیکو حمایتگری است. (به روایت بخاری).

<sup>۱</sup> - سوره رعد: ۳۰.

واو: توجه و مراقبت:

مراقبت این است که بنده مومنِ الله این احساس و شعور را داشته باشد که الله جل جلاله او را در همه جاها میبیند، الله جل جلاله میفرماید: "الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ وَتَقْلَبُكَ فِي السَّاجِدِينَ"<sup>۱</sup>.

ترجمه: آن کس که چون [به نماز] برمی‌خیزی تو را می‌بیند و حرکت تو را در میان سجده‌کنندگان [می‌نگرد].

الله جل جلاله در جایی دیگری میفرماید: "وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ"<sup>۲</sup>.

ترجمه: و هر کجا باشید او با شماست

و این نیز ارشاد الهی می‌باشد: "إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ"<sup>۳</sup>، ترجمه: در حقیقت هیچ چیز [نه] در زمین و نه در آسمان بر خدا پوشیده نمی‌ماند.

و در حدیث طویل جبرئیل چنین آمده است که جبرئیل علیه السلام به رسول الله (صلی الله علیه وسلم) گفت: فَأَخْبَرَنِي عَنِ الْإِحْسَانِ قَالَ: أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ

<sup>۱</sup> - سوره شعراء: ۲۱۸-۲۱۹.

<sup>۲</sup> - سوره حدید آیت ۴.

<sup>۳</sup> - سوره آل عمران آیت ۵.

تکن تراه فإنه یراک" <sup>۱</sup>، ترجمه: مرا از احسان باخبر بساز ( که چه است؟) رسول الله ( صلی الله علیه وسلم ) گفتند که احسان این است که خدا را چنان پرستش نمایی گویا که او را میبینی، اگر تو او را نمیبینی هرآینه او تو را میبیند. ( به روایت مسلم).

امام ابن رجب ( رحمه الله ) حدیث فوق را چنین شرح میکند: این حدیث میرساند که بنده مومن، الله ( جل جلاله ) را چنان عبادت میکند که فکر میشود او ( جل جلاله ) در کنارش حاضر است، و او تعالی در مقابله ایستاده و همه حرکاتش را مشاهده مینماید، و خشیت، ترس و بزرگی الهی به همین شیوه در دل ها جا پیدا میکند، چنان که در روایت ابوهریره ( رضی الله عنه ) آمده است: "از الله چنان بترس گویا که او را میبینی.

و امام ابن قیم ( رحمه الله ) میگوید: کسی که به این درجه بندگی برسد ( که در حدیث فوق ذکر گردید)، پروردگار را چنان عبادت میکند که گویا او تعالی را در فراز عرشش در حالی مشاهده میکند که متوجه بندگانش بوده و به طرف شان نگاه میکند، حرفهای شان را میشنود و از حالات ظاهری و باطنی ایشان آگاه است.

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، کتاب الطهارة، رقم الحدیث: (۸)، (ج ۱، ص ۳۶).

ششم: اعمال جوارح و اندامها:

الف: نیکی با مخلوق:

الله ( جل جلاله ) در باره احسان و نیکی میفرماید:  
 "وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ"<sup>۱</sup>.

ترجمه: و بال خویش برای مؤمنان فرو گستر.

و در جایی دیگری مهربانی میکند: " فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ  
 وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ"<sup>۲</sup>.

ترجمه: و اما [تو نیز به پاس نعمت ما] یتیم را میازار و  
 گدا را مران.

و حدیثی که سهل بن سعد ( رضی الله عنه ) در این  
 مورد روایت میکند، چنین است:

سهل بن سعد ( رضی الله عنه ) روایت میکند که رسول  
 الله (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: (أنا وكافل الیتیم فی الجنة  
 هكذا و أشار بالسبابة و الوسطی و فرج بینهما)<sup>۳</sup>، ترجمه: من و

<sup>۱</sup> - سوره حجر ۸۸.

<sup>۲</sup> - سوره ضحی آیات ۹-۱۰.

<sup>۳</sup> - صحیح البخاری، کتاب الطلاق، باب اللعان، رقم الحدیث: (۵۳۰۴)، (ج ۷،

کفیل (عهده‌دار) یتیم، در بهشت، این چنین هستیم و به دو انگشت سبابه و میانه اشاره نمود و آنها را از هم جدا کرد.

ب: ادا کردن حق برادر مسلمان:

یکی دیگر از نشانه های کمال بندگی این است که انسان مومن به عیادت برادر مریضش برود، در این باره حدیثی وارد گردیده است که آن را براء بن عازب (رضی الله عنهما) از رسول الله (صلی الله علیه وسلم) روایت میکند و میگوید: "أمرنا رسول الله (صلی الله علیه وسلم) بعیادة المريض واتباع الجنابة و تشمیت العاطس"<sup>۱</sup>، ترجمه: رسول الله (صلی الله علیه وسلم) مرا مأمور ساختند تا مریضان را عیادت کنیم، جنازه را مشایعت نمائیم و جواب عطسه کننده را بدهیم.

و این هم حدیث که ابو موسی اشعری (رضی الله عنه) آن را روایت میکند و میگوید که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: "عودوا المريض و أطعموا الجائع"<sup>۲</sup>، ترجمه: مریض را عیادت کنید و گرسنه (غریبان) را طعام بدهید.

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب المظالم والغصب، باب نصر المظلوم، رقم الحدیث: (۲۴۴۵)، (ج ۳، ص ۱۲۹).

<sup>۲</sup> - صحیح البخاری، کتاب الجهاد والسير، باب فکاک الأسیر، رقم الحدیث: (۳۰۴۶۹)، (ج ۴، ص ۶۸).

و ابوهريره ( رضى الله عنه ) روايت ميكند كه رسول الله ( صلى الله عليه وسلم ) فرمودند: "إن الله عزوجل يقول يوم القيامة: "يا ابن آدم مرضت فلم تعدني قال: يا رب كيف أعودك وأنت رب العالمين؟ قال: أما علمت أن عبدي فلاناً مرض فلم تعده أما علمت أنك لو عدته لوجدتني عنده"<sup>۱</sup>، ترجمه: الله (جل جلاله) در روز رستاخيز ميگويد: اي فرزند آدم! مريض شدم و مرا عيادت نكردى! بنده ميگويد: پروردگارا! چگونه تو را عيادت ميكردم حال آنكه تو پروردگار عالميان هستى؟ الله (جل جلاله) ميگويد: آيا خبر نداشتى كه فلان بنده ام مريض بود و او را عيادت نكردى؟ آيا نميدانستى كه اگر او را عيادت ميكردى مرا نزدش ميافتى؟

ج: اخلاق نيكو:

الله (جل جلاله) در وصف رسول خود چنين ميفرمايد:  
**"وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ"**<sup>۲</sup>.

ترجمه: و راستى كه تو را خويى والاست.

<sup>۱</sup> - صحيح مسلم، كتاب البر والصلة والآداب، باب فضل عيادة المريض، رقم الحديث:

(۲۵۶۹)، (ج ۴، ص ۱۹۹۰).

<sup>۲</sup> - سورة قلم آيت ۴.

و همچنان مهربانی میکند: "وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا أَلْقَبُ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ"<sup>۱</sup>.

ترجمه: و اگر تندخو و سختدل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند.

د: پوره کردن غرایز و به جا آوردن شهوت عبادت است:

توجه و درست کردن نیت، خوردن، نوشیدن و همبستر شدن با همسر و کارهای دیگری از این قبیل را، داخل دائره عبادت ساخته و انسان را مستحق پاداش میگرداند، رسول الله (صلی الله علیه وسلم) به اصحابه کرام فرمود: "وفي بضع أحدكم صدقة قالوا: أيأتي أحدنا شهوته ويكون له فيها أجر؟ قال: أرأيتم لو وضعها في حرام أكان عليه وزر؟ قالوا: نعم قال: كذلك إذا وضعها في الحلال كان له أجر"<sup>۲</sup>، ترجمه: و در همبستر شدن تان با همسران تان برایتان صدقه است، صحابه کرام گفتند: آیا یکی از مایان که شهوت خود را رفع میکند برایش اجر نیز داده میشود؟ رسول الله (صلی الله علیه وسلم) جواب دادند: اگر کسی شهوت خود را در جایی حرام و ناروا رفع کند مستحق گناه و عذاب نمیگردد؟ صحابه کرام گفتند: بلی! (گناهگار میشود) رسول الله (صلی

<sup>۱</sup> - سوره آل عمران آیت ۱۵۹.

<sup>۲</sup> - صحیح مسلم، کتاب الزکاة، باب بیان أن اسم الصدقة يقع على كل نوع من المعروف، رقم الحديث: (۱۰۰۶)، (ج ۲، ص ۶۹۷).



الله علیه وسلم) فرمودند: به همین قسم اگر شهوت خود را در جایی حلالش رفع کند برایش اجر است.

واو: کار انسان برای پیشبرد زندگی عبادت است:

سعی و تلاش انسان برای به دست آوردن روزی حلال عبادت بوده و سبب نزدیک شدنش با الله می‌گردد، البته این شرط است که کسب و کار انسان از دیدگاه شریعت مشروع بوده و نیت نیکو او را همراهی کند، و کار به شیوه درست آن انجام داده شده و حدود و فرائض الهی زیر پا نگردند.

الله جل جلاله میفرماید: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ"<sup>۱</sup>.

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید [زنهار] اموال شما و فرزندان شما را از یاد خدا غافل نگرداند

و در جایی دیگری میفرماید: "رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ"<sup>۲</sup>.

<sup>۱</sup> - سوره منافقون آیت ۹.

<sup>۲</sup> - سوره نور آیت ۳۷.

ترجمه: مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات به خود مشغول نمی‌دارد.

و رسول الله (صلی الله علیه وسلم) مهربانی میکنند: "لا یغرس المسلم غرساً ولا یزرع زرعاً فیاکل منه إنسان ولا دابة ولا شیء إلا کانت له صدقة"<sup>۱</sup>، ترجمه: هر گاه مسلمانی نهالی را غرس میکند و یا چیزی را کشت میکند، و از آن انسان، حیوان و یا چیزی دیگری استفاده کند، برای او صدقه داده میشود. (به روایت مسلم).

هفتم: پرهیزگاری میوه بندگیست:

پرهیزگاری ثمره بندگی بوده و چیزی میباشد که بندگی جز با آن پوره نمیشود، الله (جل جلاله) در باره پرهیزگاری چنین میفرماید: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا"<sup>۲</sup>.

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا پروا دارید و سخنی استوار گوید.

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، کتاب المساقاة، باب فضل الغرس والزرع، رقم الحدیث: (۱۵۵۲)،

(ج ۳، ص ۱۱۸۸).

<sup>۲</sup> - سوره احزاب آیت ۷۰.

و در جایی دیگری میفرماید: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ"<sup>۱</sup>.

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر از خدا پروا دارید برای شما [نیروی] تشخیص [حق از باطل] قرار می‌دهد و گناهانتان را از شما می‌زداید و شما را می‌آمرزد و خدا دارای بخشش بزرگ است.

و این هم گفته دیگری الهی: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ"<sup>۲</sup>.

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا آن گونه که حق پروا کردن از اوست پروا کنید و زینهار جز مسلمان نمیرید.

هشتم: پایداری بر بندگی و محافظت بر اعمال نیکو:

الله (جل جلاله) در این مورد مهربانی میکند: "أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا

<sup>۱</sup> - سوره انفال آیت ۲۹.

<sup>۲</sup> - سوره آل عمران آیت ۱۰۲.

يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ<sup>۱</sup>.

ترجمه: آیا برای کسانی که ایمان آورده‌اند هنگام آن نرسیده که دل‌هایشان به یاد خدا و آن حقیقتی که نازل شده نرم [و فروتن] گردد و مانند کسانی نباشند که از پیش بدانها کتاب داده شد و [عمر و] انتظار بر آنان به درازا کشید و دل‌هایشان سخت گردید.

و او تعالی در جایی دیگری میفرماید: "وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ"<sup>۲</sup>.

ترجمه: و پروردگارت را پرستش کن تا اینکه مرگ تو فرا رسد.

و از عمر بن الخطاب (رضی الله عنه) روایت که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: "من نام عن حزبه من الليل أو عن شيء منه فقرأه ما بين صلاة الفجر و صلاة الظهر كتب له كأنما قرأه من الليل"<sup>۳</sup>، ترجمه: اگر از کسی همه وظیفه و ذکر شبش و یا حصه آن به سبب خواب ترک

<sup>۱</sup> - سوره حدید آیت ۱۶.

<sup>۲</sup> - سوره حجر آیت ۹۹.

<sup>۳</sup> - صحیح مسلم، کتاب صلاة المسافرين وقصرها، باب جامع صلاة الليل، ومن نام عنه أو مرض، رقم الحديث: (۷۴۷)، (ج ۱، ص ۵۱۵).

گردد، و سپس در بین نماز صبح و نماز پیشین قضایی آن را بجا آورد، ( این قضایی او ) چنان است که گویا آن (وظیفه و ذکر) را در جریان شب ادا کرده باشد.

و در حدیثی دیگری که عبدالله بن عمرو بن العاص ( رضی الله عنهما ) از رسول الله (صلی الله علیه وسلم) روایت میکند، چنین آمده است: "یا عبد الله لا تکن مثل فلان کان یقوم اللیل فترك قیام اللیل" <sup>۱</sup>، ترجمه: ای عبدالله! مثل فلان شخص مشو که نماز شب را برپا میداشت ولی او را ترک کرده است.

نهم: نیکبختی در گروه انجام دادن بندگیست:

انسان نیکبخت کسی است که پرودگارش را بیشتر اطاعت میکند و سعادت انسان در گروه اخلاص او بوده و به هر اندازه که اخلاص داشته باشد به همان اندازه سعادت، امنیت، کامگاری، قوت و نصرت را کسب خواهد کرد، و مومنان کسانی هستند که کامیابی دارین را در کام دارند، الله جل جلاله میفرماید: "الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ" <sup>۲</sup>.

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب التهجید، باب ما یکره من ترک قیام اللیل لمن کان یقومه، رقم

الحدیث: (۱۱۵۲)، (ج ۲، ص ۵۴).

<sup>۲</sup> - سوره انعام آیت ۸۲.

ترجمه: کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به شرک نیالوده‌اند آنان راست ایمنی و ایشان راه‌یافتگانند.

و او تعالی در جایی دیگر مهربانی میکند: "مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ"<sup>۱</sup>.

ترجمه: هر کس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای حیات [حقیقی] بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد.

و این هم گفته الهی میباشد: "يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعذِرَتُهُمْ وَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ"<sup>۲</sup>.

ترجمه: [همان] روزی که ستمگران را پوزش‌طلبی‌شان سود نمی‌دهد و برای آنان لعنت است و برایشان بدفرجامی آن سرای است.



<sup>۱</sup> - سوره نحل آیت ۹۷.

<sup>۲</sup> - سوره غافر آیت ۵۱.

چگونه يك جوان میتواند در راه دعوت مؤثر واقع شود؟

سلام عليكم ورحمت الله!

فارغ پوهنحی حقوق وعلوم سیاسی هستم.

استاد محترم سوال داشتم در مورد اینکه چگونه یک جوان میتواند در راه دعوت مؤثر واقع شود؟

و روش های که مؤثر است در دعوت اسلامی کدام ها اند؟

اولا: اینکه شما در فکر دعوت اسلامی هستین واحساس خوب دارین این اولین قدم است در راه دعوت.

ثانیا: مطالعه درست اسلامی و علم صاف وبدور از شائبه وانحرافات وخرافات.

ثالثا: بررسی مشکلات ونابسامانیهای جامعه وتشخیص آن.

رابعا: همراه شدن با همکاران نیک و صالح زیرا دعوت به شکل فردی نتایج آن کمتر می باشد ودعوت جماعی ثمره بس برزک دارد.

خامسا: حالا که در افغانستان دعوت های تجدیدی واصلاحی به شدت ادامه دارد والحمد لله نهاد جوانان مسلمان "نجم" در سی ولایت کشور عزیز فعالیت دارد همکار بودن وعضویت داشتن با نجم از اهمیت خاص برخوردار است.

سادسا: فراموش نکنیم که بهترین وقویترین نهاد دعوتی واجتماعی منظم که علمای راستین وستارهای دعوت اسلامی رهبری آن را به عهد دارد جمعیت اصلاح افغانستان است که در اکثر زونها وولایت کشور وشهر کابل واطراف واکناف افغانستان فعالیت دارد همراهی با آن وجیبه دینی وایمانی ما وشما جوانان است..الله متعال فرموده است که: "وتعاونوا علی البر والتقوی ولا تعانوا علی الاثم والعدوان"<sup>۱</sup> در کار های خیر ونیکی همکار شوید واز در راه های زشت وید وناسالم همکار نباشید ودوری جویند..ونیز از علم ودانش علمای راستین استفاده کردن کشتی نجات است.

سابعا: نهاد های دعوتی فعلی افغانستان معتقد است که تغییر واصلاح جامعه از طریق تعلیم وتربیه ممکن است ازین لحاظ هر فرد منسوب به این نهاد ها در محیط خود حیثیت یک مکتب را دارا میباشد..ومن خود شاهد هستم که حتی

<sup>۱</sup> - سوره مائده: ۲.



در همراهی افراد عادی دعوت مسلمان ایمانش قوی می باشد  
واز شر شیطان مصئون میماند.

ثامنا: اعضاء وافراد ومنسوبین دعوتی ما الحمد لله در  
فساد آغوشته نیستند در حالیکه فساد بلای عمومی  
وسرتاسری است در افغانستان عمومیت دارد حتی که مردم  
حلال ترک نموده ودنبال فساد هستند..واین جای افتخار  
است که منسوبین دعوت ما برای زدودن فساد وبی حیائی  
وبی حجابی فعالیت دارند.

تاسعا: همه شعبات ودفاتر ولایتی وساحوی وزون دعوت  
کتابخانه اسلامی وفکری دارد که افراد ومنسوبین  
ودوستان خود را تغذیه فکری میکنند واولویتهای دعوتی  
را برای شان نشاندهی می نماید.

عاشرا: محاسبه جدی تصرفات افراد دعوت در روشنی  
حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم که مسلمان آئینه  
مسلمان است انجام میابد ونیز وقتا فوقتا سوال می شود که  
دسآوردهای دعوتی واصلاحی داشته باشند.. زیرا مسلمان  
برای نوشیدن وخوردن وخوابیدن خلق نشده.



## حکم نشر اعمال خیر در صفحات اجتماعی

استاد این روزها هر کاری از صدقه خیرات حج و نماز کمک میشود در صفه اجتماعی گذاشته میشود نظر تان چیست؟

اصلا صدقات و خیرات مالی باید سری باشد حتی خیرات دهنده بدست راست بدهد که دست چپش احساس نکند، لیکن باز هم هر چیز به نیت وارده تعلق دارد.



## دعوت فردی در زندگی دعوتگران مؤثریت زیاد دارد

جوان هدفمند عبد الأحد محصل سال سوم پوهنتون تعلیم و تربیه شهید استاد ربانی می خواهد عضو نهاد جوانان (نجم) شود، و برادر محترم استاد محمد عمر موحد می خواهد همکار جمعیت اصلاح گردد. هر دو برادر استعداد و مهارت و احساسات خوب و نیک دارند، و ملاقات که درین مورد در ناحیه ده خدایداد کابل در منزل مبارک شان داشتیم ضمن دعوت فردی بسیار مفید بود، و برای بنده معلوم شد که جوانان عزیز ما تشنه شنیدن حرفها و فهمیدن مواقف و تجارب و شیوه های دعوتی امروزی میباشند.



## حکم حمل و نقل گوشت خوک

استادمحترم من در جرمنی هستم بعضی دوستان درمورد کارکردن دریک هوتل که گوشت خوک می پزد ویا یک شرکت که گوشت خوک می فروشد ودیوری کردن دریک شرکتی که مواد غذائی را بخانه ها ودوکاکن انتقال میدهد ودرجمع مواد خوراکه گوشت خوک هم است چه حکم دارد آیا کار کردن ازچنین جاها مشروع است یاخیر؟

اگر بادلائل برایم جوابش رابفرستید عین لطف تان خواهد بود.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:

همه میدانیم که گوش خوک وخنزیر حرام مطلق وقطعی است خوردن. پرورش دادن. نگهبانی حمل ونقل وتوزیع گوشتش همه حرام است، قاعده شرعی است که: "ما حرم أخذه حرم إعطاؤه" هر آنچه که گرفتن وخوردن حرام است دادن وبردن آن هم حرام است.

ونیز این وظیفه همکاری به کار حرام و آن هم بدترین کار حرام است زیرا شریعت ب حرام بودن خوک وخنزیر تأکید زیاد نموده، الله متعال فرموده است که: "وتعاونوا علی

البر والتقوى ولا تعاونوا على الإثم والعدوان<sup>١</sup> در کارهای خیر و نیک همکار باشید و از همکاری در کارهای بد و زشت و حرام و تجاوز به احکام اسلام و حریم مسلمانان خود داری کنید.



### راځئ چې رښتيا وپېژنو!

لومړۍ- د رښتيا تعريف: د رښتيا کلمه چې په عربي ژبه کې ورته صدق وايي د دروغو ضد کلمه ده او د حق خبرې ته ويل کېږي او يا هم هر هغه څه چې له حقيقت او واقعيت سره سمون ولري رښتيا گڼل کېږي. صادق (رښتيني) انسان هغه چا ته ويل کېږي چې د هغه وينا د هغه له باورونو سره بشپړ مطابقت ولري.

د رښتيا په اړه ابن منظور په خپل کتاب لسان العرب کې ليکلي دي چې: په عربي ژبه کې د صديق کلمه د مبالغې هغه صيغه ده چې د يو رښتین (زيات رښتيا وپوونکي) انسان لپاره کارول کېږي.

١- سوره مائده: ٢.

که قرآن کریم ته راوگرځو؛ نو جوته به شي چې لوی  
خښتن تعالی په دې اړه داسې ارشاد فرمائي: **(لَيْسَ  
الصَّادِقِينَ عَن صِدْقِهِمْ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا)**<sup>١</sup>.

ترجمه: دا ((ټينګ عهد او پیمان چې مونږ له تا (اې  
محمد) او له حضرت نوح، ابراهيم، موسى، عیسی- د مریم (عليهما السلام) د زوی او له ټولو انبياوو کرامو څخه  
واخيست)) د دې لپاره و تر څو (الله متعال) د دوی د  
رښتیا په اړه پوښتنه وکړي او (الله تعالی) د کفرانو لپاره  
دردناک عذاب تیار کړی دی.

صفوت محمود په خپل کتاب (الصدق وأثره في حياة الفرد  
والأمة) کې د پورتنی مبارک آیت په اړه داسې ليکلي دي:  
يعني د الهي پیغام رسوونکو پیغمبرانو څخه به دهغوی د  
دعوت په اړه وپوښتل شي چې څومره په دې لړ کې  
رښتني ول، که څه هم الله تعالی پر دې باندي بڼه پوهېږي  
چې دوی رښتيني دي، ولی دا ددې لپاره چې تر څو دا د  
حق منکرین خاموش پاتې شي.

دويم- په رښتيا سره امر كول:

لوى څښتن تعالى په خپل ازلي كتاب كې مونږ ته د تقوا د اخيتارولو او د رښتيني خلكو سره د پاتې كېدلو په اړه امر فرمايي، لكه چې وايي: **(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ)**<sup>١</sup>.

ترجمه: (ای هغو کسانو چې ایمان ېې راوړی دی! تاسې له الله تعالى څخه ووېرېږئ او له صادقانو سره (چې محمد -صلى الله عليه وسلم- او د هغه اصحاب دي) واوسئ).

شيخ عبد الرحمن السعدي د دې مبارك آيت په تفسير كې ليكلي دي چې: (رښتيني خلك هماغه دي، څوك چې په خپلو) ويناو، كړنو او راز راز حالتونو كې رښتین پاتې شوي دي او نه يواځې دا چې د دوی ويناوی، كړنې او حالتونه د سستی او كسالت له رنځ څخه خالي دي، بلكې په دې ټولو ياد شوو شيانو كې له بې ساري اخلاص څخه كار اخلي او په روغ نېت ېې تر سره كوي، ځكه چې رښتيا ويل انسان ته د نېكيو ښودنه كوي او نيكي انسان ته د جنت ښودنه كوي.

<sup>١</sup> - سورة توبه آيت ١١٩.

په اسلامي لرغوني تاريخ کې ابو سفیان د هرقل سره يوه مشهوره کيسه لري... او دا کيسه په خپله حضرت ابو سفیان رضي الله عنه- روايت کړيده، يعنې د حضرت سفیان رضي الله عنه- څخه په يو اوږد حديث کې چې (په روم کې يې) د هرقل سره خبرې اترې کړې وې او د هغه سيمې واکوال پادشاه (هرقل) د خپلو پوښتنيزو خبرو په ترڅ کې له ده څخه يو ځل داسې پوښتنه وکړه او وې ويل: **فَمَاذَا يَأْمُرُكَ؟** يعنې دا پيغمبر صلى الله عليه وسلم- تاسې ته په کوم شي بڼپارښتنه کوي؟

حضرت ابو سفیان [چې لا تر دې مهاله مسلمان نه و] ورته وويل: هغه مونږ ته وايي: **(أَعْبُدُوا اللَّهَ وَحْدَهُ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ اٰتٰزكوا ما يَشُوْلُ اَبَاؤُكُمْ، وَ يَأْمُرُنَا بِالصَّلَاةِ وَالصَّدَقِ وَالْعَقَابِ وَالصَّلَاةِ).**

يعنې وايي: يواځې او يواځې د لوی څښتن تعالی عبادت تر سره کړئ او له هغه سره هېڅ څوک شريک مه ساتئ او د خپلو پلرونو بې بنسټه ويناوی شاته وغورځوئ او همداراز مونږ ته په لمانځه او رښتيا ويلو سره امر کوي او وايي چې: تاسې پاک ژوند غوره کړئ او له خپلو خپلوانو سره بڼه راشه درشه ولرئ.

درېم: د رښتينولي فضيلت:

د اسلام په انسانسازه دين کې رښتينولي لوړ مقام او خورا فضيلت لري، لکه په دې هکله لوی څښتن تعالی مونږ ته داسې ارشاد فرمايي: "مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا، لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا رَّحِيمًا"<sup>١</sup>.

ترجمه: ځينې له مؤمنانو څخه (داسې) سړي دي چې هغوی خپل هغه عهد کوم چې له الله تعالی سره بې کړی و (چې د دين په لاره کې د الله تعالی سره د استقامت او د مبارزې کلکه ژمنه کړی وه) رښتيا کړی دی، پس ځينې له دوی څخه داسې دي چې هغوی خپل نذر تر سره کړ (يا خو شهيدان او يا هم په خپل مرگ وفات شول) او له دوی څخه ځينې نور داسې دي چې دوی انتظار کوي.

(چې يا مړه شي او يا د الله تعالی په لاره کې د شهادت له بې ساري نعمت څخه برخمن شي) او دوی هېڅکله هم خپل خبره (عهد) بدله نکړه. (يعني د طاغوت د پلويانو او منافقانو په څېر د جنګ له ډگر څخه و نه

<sup>١</sup> - سوره احزاب: ٢٣-٢٤.



تنبهدل، بلکې د ژوندنيزو سختيو سره سره پې خپلې مبارزې ته د ژوند تر وروستيو شپو پورې ادامه ورکړله). تر څو لوی څښتن تعالی رښتینو (بنډگانو) ته د دوی د رښتینولۍ له کبله نېکه بدله ورکړي او که چېرې پې خوبه شي منافقینو ته عذاب ورکړي او یا خو به د دوی توبه قبوله کړي (د توبې توفیق به ورپه برخه کړي) او بې شکه چې لوی څښتن تعالی خورا بښوونکی او ډېر رحم کوونکی دی.

رسول کریم (صل الله علیه وسلم) په خپله یوه وینا کې مهرباني کوي او مونږ ته دا سې لارښودنه کوي چې فرمایي:  
**(لَنْ الصِّدْقَ يَهْدِي إِلَى السِّرِّ وَإِنَّ السِّرَّ يَهْدِي إِلَى الْجَنَّةِ وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَصْدُقُ حَتَّى يَكْتَبَ صِدْقًا وَإِنَّ الْكِذْبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ وَإِنَّ الْفُجُورَ يَهْدِي إِلَى النَّارِ وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَكْتَبُ كَذَابًا).<sup>۱</sup>**

ترجمه: رښتینولي نېکی ته لارښودنه کوي او نېکي د جنت په لوري (انسان) ته ښودنه کوي او یو سړی همداسې (تل) رښتیا وایي تر دې پورې چې رښتینی ولیکل شي او دروغ (انسان ته) د رذالتونو (بدیو) په لوري ښودنه

<sup>۱</sup> - صحیح البخاري، کتاب الأدب، باب قول الله تعالی: ﴿لَمْ يَأْتِهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ [التوبة: ۱۱۹] وما ينهى عن الكذب، رقم الحديث: (۶۰۹۴)، (ج ۸، ص ۲۵).

کوي او همدا رذالتونه ( انسان ) ته د دوزخ په لوري بنودنه کوي او يو سړى ( تل ) دروغ وايي تر دې پورې چې دروغجن وليکل شي.

امام المراغي - رحمه الله - په خپل تفسير کې فرمايي: ((لوى پروردگار - جلت عظمته - خپلو مؤمنو بندگانو ته په دوو شيانو باندې امر کړى دى:

لومړى: په ويناو کې ريښتينولي.

دويم: د خير چارې تر سره کول.

دا ښکاره خبره ده چې په همدې دواړو شيانو سره به دوى د تقوى لاره غوره کړي او د هغه (جل جلاله) له عذاب څخه به يې په زړونو کې وپره رامنځ ته شي او ددې کار په نتيجه کې الله تعالى له دوى سره د دوو نورو کارونو په اړه ژمنه کوي:

لومړى: دا چې د خير کارونو د تر سره کولو په نتيجه کې به د دوى په اعمالو کې اصلاح او سمون راشي، ځکه چې په تقوى سره د انسان عمل سم کېږي او په ښکيو سره انسان ته تر ټولو لوړې مرتبې تر لاسه کېږي او په دې توگه سره به د جنت د تلپاتې او ارزښتمنو نعمتونو څخه برخمن شي چې بيا به تلپاتې او ابدي ژوند پکې ولري.

دويم: د گناهونو په اړه به دوى ته مغفرت (بښنه) وشي او الله تعالى -جلت عظمته- به په خپلې بې ساري لورينې سره د دوى پر تقصيراتو (نېمگړتياو) باندې پرده راوغوروي او د جهنم د تاوجن او لمبې وهونکي اور څخه به دوى ته نجات ور په برخه کړي.



په هغو ودونو کې گډون چې ناروا کارونه ولري څه حکم لري؟

کله کله ځيني ورونه او خوښدې يو لړ داسې کانفرانسونو، غونډو، او ودونو ته راغونډتل کيږي چې په هغې کې له يو لوري اختلاط وي او له بل لوري پکې د بې حيايي او شهوت پارونکي سندري ويل کيږي او له دې پرته يو لړ نور ناروا کارونه هم پکې تر سره کيږي، آيا په داسې محافلو او وليمو کې گډون کول د يو مسلمان لپاره روا دي که ناروا او په دې اړه زمونږ ديني علماء څه لارښودنى لري؟

غواړو په دې لنډه ليکنه همدا موضوع وڅېړو او د گرانو لوستونکو لپاره يو څو مهم ټکي ذکر کړو.

که چترته په يوه غونډه او مجلس کې غير مشروع او ناروا کړنې تر سره کيږي؛ نو ديني علماء په دې اړه وايي چې: په داسې غونډو او ودونو کې بيا گډون کول جواز نلري او هيڅ څوک ددې حق نلري تر څو په اسلامي ټولنو او په ځانگړې توگه د ځوانانو تر منځ رزالتونه، پرېوتی اخلاق خپ ور او د دوي پر وړاندې د فساد دروازې پرانيزي، ځکه په دې کار سره نورو ډېرو ټولنيزو فسادونو ته لارې هوارېږي.

راځئ په دې اړه د امام او علامه قدامة المقدسي (رحمه الله) چې په دمشق کې د خپل عصر- يو مجتهد امام او د قرآن کریم حافظ پاتې شويدي علمي نظر ته يوه کتنه وکړو چې وايي: که چيرته له تاسې څخه يو تن يوې داسې غونډې او ولېمې (د واده ډوډۍ) ته وبلل شي چې هلته پکې الهي معصيت تر سره کيږي، مست ساز او فکر خرابونکي سندرې پکې اورول کيږي، شراب (يا چرس و چيلم) او داسې نور پرېوتی او سپک کارونه پکې تر سترگو کيږي او دا بلل شوی شخص کولی شي چې په دې ډول غونډو کې تغير او مثبت بدلون راولي او ددې توان ولري چې خلک په خپل رسا غير او له حکمت څخه په خوره ژبه له بديو څخه وژغورلی شي، نو حتمي دې پکې گډون

وکړي، ځکه دا ځبرک او هوښیار انسان په دې کار سره په یو وخت کې دوه کارونه تر سره کوي.

لومړی: یو خو به په خپل گډون سره د خپل هغه ورور چې دی پې واده ته راغونښتلی دی حق آداء کړي او بلنه به پې ومنل شي.

دویم: اله بل لوري به دده په راتگ سره هغه ناروا کار هم منع شي چې خلک پکې د شیطان په لمسه د هغې په لمن کې لویدلي دي، خو دلته ددې خبرې یادول هم اړین بولو چې که چیرې نشي- کولی چې دا منکر منع کړي او یو مثبت بدلون پکې راوړي؛ نو بیا دې هیڅ گډون او مشارکت پکې نه کوي.

په دې غونډو کې د گډون بل حالت داسې دی چې: گډون کونکي او غوښتل شوي شخص ته هیڅ معلومه نه وي چې دلته به په دې ولیمه کې یو لړ منکرات او شیطاني کارونه هم شتون ولري او له گډون کولو وروسته ورته دا هر څه څرگند شي؛ نو بیا په دې صورت کې یا خو دې دا ابتدال او ناروا چاری منع کړي او یا دې دا شخص هم په چټکۍ سره له دې ډول محفل څخه چې نور خلک پکې د گناه لپاره راټول شويدي راووځي او گډون دې پکې نه کوي، البته دا بېرته ستندېدل د امام الشافعي (رحمه الله) نظر

دی چې په خپل کتاب المغني کې ېې ددې قول یادونه کړېده.

د اللجنة الدائمة له لوري په يوې خپرې شوې فتوا کې راغلي دي چې: (که چېرې د واده محافل او مراسم داسې وي چې له ناروا کارونو او د اختلاط (د نارينه او ښځينه سره يو ځای ناسته) او بې حياء سندرې پکې نه وي او (يا که چېرې دا شيان پکې وي خو) کولی شي چې په دې منکر کې په اغېزمنه توگه سره بدلون راولي؛ نو په دې صورت کې کولی شي چې د هغوي سره په دې خوشحالی کې د گډون لپاره ورشي، بلکه په دې صورت کې گډون ورته لازمي دی (البته چې وکولی شي بدلون پکې راولي).

اما که چېرې صورت حال داسې وي چې په دې ډول حفلاتو کې داسې ناروا کارونه وي چې دا شخص پکې تحول او بدلون نشي- راوستلی؛ نو بيا مشارکت ورته حرام دی، ځکه هغه څوک چې پر ديني حکمونو باندې ملنډې وهي او دين ورته لوبې او ساعت تيری ښايي او د دنيا په لنډ مهاله زينت او ښکلا باندې دوکه شوي وي؛ نو له داسې خلکو سره دې د هغوي په غونډو کې گډون نه کوي. په دې اړه لوی څښتن تعالی مونږ داسې لارښودنه کوي چې ارشاد فرمايي: **(وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَعَرَّتْهُمْ**

الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَذَكَرَ بِهِ أَنْ تُبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ<sup>۱</sup>.

ترجمه: او هغه کسان پرېرډه چې خپل دين لوبې او ساعت تيری (ملنډې) گڼي او په دنياوي ژوند هغوی دوکه شوي وي (او له خپرڅخه بې برخې شويدي) او ته په دې (قرآن) سره (خلکو) ته پند ورکوه، داسې نه چې يو څوک د هغه څه له کبله چې ده تر سره کړيدی رسوا شي، په داسې حال کې چې له الله (جل جلاله) پرته بل هيڅ څوک د هغې (نفس لپاره نژدې) دوست او شفاعت کوونکی نشته.

گرانو لوستونکو! دا يو واقعيت دی چې په نړۍ کې يو لړ خلک په عبثو څېزونو نور خلک بې لاری کوي او د حق د نېغې لارې څخه بې منحرفه گرځوي او په ډېرې خواشینی سره بايد ووايو چې ځينو خلکو خو دا کار خپله دنده گرځولي وي، خو په حقيقت کې دا ډول خلک ډېر تاوانيان دي — لکه چې لوی څښتن تعالی فرمايي: (وَمَنْ

<sup>۱</sup> - سورة الأنعام/۷۰.

النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ  
وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ<sup>۱</sup>.

ترجمه: او خيئي له خلکو خخه داسی دي چې دوي بي  
کتيې خبری (سندري اور بدل) پرته له کومې پوهې خوښې  
کني او دا کار د ملنډو په توگه سره تر سره کوي، همدا  
(هغه) خلک دي چې له دوي لپاره ډېر دردونکي عذاب  
دی.



### حکم همکاری نمودن و به کرایه دادن املاک به رسانه های فاسد

برادر محترم ما نوشته:

استاد جان یک کمی از رسانه های فاسد افغانستان و  
برنامه های گمراه کننده اش هم بنگارید!

فکر میکنم سخت ملت را به گمراهی کشاندن و  
میکشند!

کار کردن، وظیفه اجراء کردن، خانه واملاگ را به کرایه  
دادن، همکاری قلمی وزبانی کردن، با رسانه ها و مطبوعات

<sup>۱</sup> - سورة لقمان/۶.



که در نشر فحشاء و منکر دست دارد حرام مطلق و قطعی است و گنااهش از سود خوری کرده هم بیشتر است ، و نیز حمایت کنندگان مالی و سیاسی این نوع رسانه ها در گناه شامل هستند، آتش دوزخ در انتظار همه اینها است.

رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "من سن في الإسلام سنة حسنة فله أجرها وأجر من عمل بها من بعده من غير أن ينقص من أجزائها شيء، ومن سن في الإسلام سنة سيئة فعليه وزرها ووزر من عمل بها من بعده من غير أن ينقص من أوزارهم شيء"<sup>۱</sup>.

هر کسی که بنیاد کار های خیر و نیک و صالح را می ماند برایش اجر همین کارش و اجر و ثواب که دیگران به آن عمل میکنند و توسط این کار هدایت می شوند تا به روز قیامت نوشته می شود و حکم صدقه جاریه را دارد، و هر شخص و یا مؤسسه و یا شرکت که بنیاد کارهای و رسانه های مبتذل و ترویج دهنده فحشاء و منکرات را در افغانستان گذاشته و می گذارد و در آن سهم میداشته باشد و همکاری میکند گناه عملکرد خودش و گناه کسانی که توسط این کار

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، کتاب الزکاة، باب الحث علی الصدقة ولو بشق تمره، أو كلمة طيبة وأنها حجاب من النار، رقم الحديث: (۱۰۱۷)، (ج ۲، ص ۷۰۴).

شان به گمراهی و بیراهه کشانیده می شوند برایش نوشته می شود و به طرف دوزخ سوق داده می شود.



### گناهونه زره او فکر زروي او توبه پي ساتنه کوي

کله کله د يو انسان په ژوند کې ستونزی خورا زیاتی او د هر لوري څخه کړاوونه او ناکراری د ده په برخه شي، د ژوند آسانه کار ورباندې سخت او کله خو پي د گناهونو گراف دومره لوړ شي چې هره شپه به پرته له کوم ځنډه يوه نوې گناه تر سره کوي، له يوې څخه لا خلاص نه وي چې د بلې ايمان سوزونکي گناه په اړه به شيطان لمسه ورته کوي.

هره ورځ وینو چې د تيارو پسې وروسته رڼا څرک وهي، خو د داسې گناهکار انسان پر مخ کې لا اوس هم توري تيارې وي او لنډه دا چې له الله تعالی څخه دا غافله انسان نور د گناهونو او بداخلاقو په څر سيلاب کې لوېدلی وي، په همدې توگه سره پي ژوند پر مخ ځي، کېدوې او رواني مشکلات پي د ژوند برخه گرځېدلی وي، خو کله کله د گناه او د توبې په دې روان کشمکش کې يو ځلی همدا گناهکار انسان راپېداره شي، لږ له ځان سره فکر وکړي چې زه څه کوم؟ او د چا لپاره پي کوم؟ او پام پي

شي چي له خپل مهربان حق تعالى خخه خومره لری شويدي، زړه پي لږ را نرم او سترگي پي له اوبنکو خخه ملدي شي، په چينغو چينغو وژاري.

په دې وخت کې دا انسان غواړي چې يو ځل بيا د بشري رزالتونو پر ځای د پاک ژوند او د ترريميو پر ځای د روڼ سبا لار ونيسي، تر څو د لوی پروردگار جلت عظمته په بې ساري رحمت ورته بښنه وشي؛ نو دغسې انسان ته بڼايي چې ژر له خپلو گناهونو خخه راستون او خپل پروردگار تعالى سره پخلا شي، ځکه د الله تعالى سره رښتيني محبت همدې ته وايي چې: يو مسلمان له گناهونو او بشري رزالتونو خخه په آمان کې ساتي. الهي هدايت هغه بل مشال دی چې د یأس ( نا امیدی) په دې روانه جگره کې تا ته نوي اُمېدونه درکوي او هغه بېدونکي چينه ده چې د هر ډول بښکنيو او نېکمرغيو رڼې اوبه ستا په لور بھوي.

انساني شهوت د اتومي بتي په څير دی:

د الله تعالى له لوري خپل يو بنده ته هدايت د سولې او د امن د يوې ټينگې کلا په څېر دی او د هدايت کلیمه يوه شامله کلیمه ده چې ټول شريعت او ايماني حقيقتونه پکې شامل کيدلی شي. له بل لوري دا گناهونه د وژونکو زهرو په څېر دي او د معصيتونو لار نيول، په حقيقت کې د نورو

پر وړاندې د خپل ځان سپکول او د انسانیت له لوړو معیارونو څخه د خپل شخصیت را ټیټول دي. دا بشري گناهونه دي چې په دنیا او آخرت کې د انسان د بدمرغه کېدو موجب گرځي.

انسان یو شهواني مخلوق دی چې جنسي- غرائز لري . پوهان څه بڼه وایي چې: انساني شهوت د هغې اتومي بټۍ په څېر دی چې هر ه لحظه احتمال لري انفجار وکړي، ددې احتمالي خطر ترڅنګ له بل لوري څخه انسان یو بل داخلي دښمن هم لري چې تل ېې فجوړو او بدیو ته هڅوي او دا د انسان خپل سرکښه نفس دی.

دا نفس اماره بالسوء (تل پر بدیو امر کوونکی) دی، دا نفس گناه انسان ته بڼایسته ښکاره کوي او کله خو د همدې گناه له کبله په یو انسان کې د گناه حرارت دومره گرم شي چې د اخلاقي مفاسدو تل (بېخ) ته ېې رسوي او دا رښتیا خبره ده چې د انسان شهوت د اور په څېر لمبې لري او انساني وجود چې د غوښو او هډوکو څخه جوړ شوی دی کله چې د شهوت لمبې پکې بلی شي، بیا انسان په حیوان بدلوي او د څارویو په څېر ژوند ته ېې هڅوي.

الله تعالى ته د توبې دروازه هره لحظه خلاصه وي:

د اسلام په انسانسازه دين کې د توبې لاره هيڅکله هم د هغې بنوېدونکې لارې په څير نه ده چې له پرله پسې هلو ځلو وروسته د دې لارې غوښتونکي انسان ورته ورسيري، يا دا چې له خپلو گناهونو څخه توبه کول به انسان دپته مجبوري تر څو د بل چا پر وړاندې اعتراف وکړي، بلکه د توبې لاره ډېره آسانه، سمه او صافه لاره ده چې له تا څخه غواړي تر مرگه پورې په دې لاره مستقيم پاتې شي.

د توبې دروازه د هر گناهگار انسان پر وړاندې هره شپه خلاصه وي، د دې دروازې طارق (تکوونکې انسان) هر کله پې چې زړه پې وغواړي تر څو له رزالتونو څخه پاک او توبه گار شي؛ نو کولی شي په خورا راحت سره دا دروازه وټکوي.

دا يوه داسې دروازه ده چې هيڅکله هم ترې الله تعالى خپل يوه بنده آرماني او نامېده نه شري. اى د الله تعالى څخه مرور انسانه! پر دې باندې پوه شه چې که تا هرڅومره لوى لوى گناهونه تر سره کړي وي، بيا هم ته هيڅکله دپته مجبوره نه پې تر څو له خپل مهربانه او لورونکي خداى تعالى سره د آشتي کېدو لپاره يو څوک په

واسطه ورولى، بلکه دا لاره هيخ وسيط ( واسطه ) ته اړتيا نلري.

راشه په دې اړه له ما سره د لورونکي الله تعالى دا مبارکه وينا ولوله چې ارشاد فرمايي: (قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ - إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا - إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ)<sup>۱</sup>.

ترجمه: ووايه (أى محمد (صلى الله عليه وسلم) چې لوى څښتن تعالى داسې فرمايي) اى بندگانو! هغو کسانو چې د خپلو ځانونو په حق کې بې اسراف کړيدى، (ورته ووايه چې هيخ کله هم) د الهي رحمت څخه مه نا امېده کيږئ، (ځکه چې) بېشکه لوى پروردگار جلت عظمته (د گناهگار انسان) ټول گناهونه بښي (۱). بېشکه چې لوى پروردگار جلت عظمته بښه بښونکى (د گناهونو) او خورا مهربان دى.

د توبې لپاره همدا اوس مټې راوغاړه او هدايت موندونکى شه:

هر څوک چې له دې وروسته د توبې ويستلو اراده ولري او وغواړي چې په نوي ژوند کې د يوې نوى اراده

<sup>۱</sup> - سورة الزمر: آيت ۵۳.

سره د الله تعالى مستقيمي لاري ته رجوع وكړي؛ نو هغه ته  
 بنايي چې ژر تر ژره همدا اوس توبه وباسي او مخكې له دې  
 چې يوه داسې سخته ورځ پرې راشي چې بيا به د ده توبه  
 او زارۍ نه قبليري او د ټولو هغو تېروتنو په اړه چې له ده  
 څخه شويدي پښيانه او ژوند به يې تريخ وي؛ نو ژر تر  
 ژره دې خپلو تېرو گناهونو ته شاه كړي.

د نوي ژوند لپاره دې مټې راوڼغاري - په زړه كې كوتلي  
 عزم او پخپلې ژبې سره دې الله تعالى ته توبه وباسي،  
 صالح او ايمان تازه كوونكي اعمال دې پيل كړي، تر څو غفار  
 خداى تعالى ورته خطاگانې وښيي او توبه يې قبوله كړي.

اى انسانه! په ياد ولره! كه چيرى ته د هدايت وسائل  
 را پيدا، د صالحه خلكو ايماني ژوند خوښ او له نېكو كارونو  
 سره لېوالتيا پيدا كړي؛ نو پوه شه چې لوى پروردگار به  
 ستا دا گډ وډ ژوند سم كړي، د مټدينو (هدايت  
 موندونكو) په ډله كې به دې وشمېري او له ما سره د لوى  
 پروردگار دا وينا هم په خورا غور سره ولوله چې حق تعالى  
 ما او تاته داسې لارښودنه كوي: (وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَ  
 آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى)¹.

¹ - سورة طه آيت ۸۲.

ترجمه: او زه هرو مرو د هر هغه چا لپاره چې توبه يې وويسته (له شرک ځينې) او ايمان يې راوړ او صالحه عمل يې تر سره کړ او بيا په (سمه لاره) نيغ روان شو خورا بښونکى يم.

د توبې لغوي او اصطلاحى معنا:

د لغت له مخې توبه رجوع کولو او بېرته گرځېدلو ته ويل کيږي. په عربي ژبه کې وايي: تَابَ وَ اَنْابَ: اَيُّ اِذَا رَجَعَ عَنْ ذَنْبِهِ. يعنې له خپلې گناه څخه واوښت او په اصل کې توبه د لوى پروردگار (جل جلاله) لوري ته رجوع کولو او له خپل زړه څخه د گناه سره د مينې د پيوند خلاصولو ته ويل کيږي چې په دې لړ کې به يو مؤمن مسلمان د لوى شبنن تعالى ټول حقوق هم په پام کې نيسي.

او په اصطلاح کې توبه دېته ويل کيږي چې يو بنده د الهي خوف له کبله يوه گناه پريردي او پخپل ذهن کې د بدې د ناوړه اغېزو استشعار (احساس راپيدا کړي) او په خپله گناه باندې پښېمانتيا څرگنده او له حان سره کوټلى عزم وکړي چې که څه هم په راتلونکي کې پر دې گناه وتوانيږي بيا به نه ورته ورگرځي او د خپل بشري وس سره سم بېرته يو لړ ښک اعمال تر سره کړي تر څو تېره گناه پرې جبران شي.



له خرنګه چې مخکې مو هم لنډه يادونه وکړه توبه هغه وجداني سپېڅلي شعور ته ويل کيږي چې د تر سره شوو ناوړه اعمالو په اړه يو مسلمان له ځان سره خو شېبې محاسبې کولو ته اړ کوي، په داسې توګه چې له دې وروسته به په راتلونکي ژوند کې خپل پروردگار ته مخه او الهي طاعت به په پابندۍ سره تر سره کوي؛ نو که چيرې يو چا يواځې ګناه پرېښوده او بيا ېې هغه څه هيڅ تر سره نه کړل په کوم باندې چې د لوی پروردگار رضائتمندي تر لاسه کيدلی شي؛ نو داسې ده لکه ده چې هيڅ توبه نه وي ويستلي، مګر دا چې بېرته لوی پروردگار ته راوګرځي او پر ګناه باندې د اصرار او ټينګار اراده بدله کړي او پخپل زړه کې مخکې له دې چې په خپله ژبه باندې اقرار وکړي بدلون راوړي.

له ګناه څخه د زړه تورېدو يوه غوره لار:

د جنت په ساري نعمتونو کې فکر کول د انسان زړه له ګناه څخه توروړي او دا ځکه چې کله کله يوانسان د خپل سرکشه نفس سره د مبارزې کولو هوډ وکړي، خو پر دې باندې نه پوهيږي چې اوس به څه کوي؟ په دې اړه غوره داده چې د بېخايه فکرونو پر ځای انسان د الله تعالی په

نعمتونو او د جنت د بنکلا په اړه له حان سره فکر وکړي او خپل فکر په همدې باندې بوخت وساتي.

الله تعالى زمونږ لپاره د جنت يو لړ صفتونه په خپل سپېڅلي کتاب کې بيان کړيدي، عاقل انسان ته بنيابي چې د همدغو الهي نعمتونو د تر لاسه کولو لپاره هلی خلی وکړي او پخپل حان کې د جنتي خلکو ځانگړتياوی پيدا کړي. له بل لوري بنيابي چې مونږ هم کله کله د جهنم د تاوجن اور په هکله له حان سره فکر وکړو او دا چې ولی او څنگه يو انسان د دې تاوجن اور مستحق گرځي؟

ددې شيانو په اړه خپل فکر بوخت ساتلو څخه هدف دادی چې تر څو ددې په نتیجه کې په انسان کې د الهي حدودو پر وړاندې احترام او د لوی پروردگار وېره پيدا شي – يعنې خپل ژوند به د امېد او د وېرې تر منځ ساتي او هر څوک چې د توبې په سمه معنا پوهېدلی دي؛ نو تل له حان سره داسې تصور کوي او وايي: لکه څرنګه چې د مور له تي څخه راوتلی شېدې بېرته نه ورگرځي، په همدې ډول به تائب (توبه گار) مسلمان هم خپلو تېرو خطاء گانو او تېروتنو ته نه ورگرځي.

تائب انسان په هر کار کې الهی رضايتمندي په پام کې نیسي- او په خورا لېوالتيا سره هغه څه تر سره کوي چې

پروردگار تعالى يې پرې خوشحاله کېږي او له هغه کار څخه په کلکه سره ځان ساتي چې خالق تعالى پرې خفه کيږي. تقوى همدېته وايي چې په خپلې ژبې سره الهي ذکر ترسره او په خورا عاجزۍ سره د مغفرت غوښتنې لپاره د دعا لپې پورته شي، د خپل وجود اعضاء کېره گناه ته ورپرې نښودل شي، الهي آوامر په بشپړې پوهې سرته ورسوي، د ثواب لپاره به خپل امېدونه ژوندي ساتي او له الهي رنگارنگ عذابونوڅخه به په زړه کې وېره هم پالی.

سرېږه پر دې په عاجزۍ او زارۍ سره به په ځان کې د تقوى پيدا کولو لپاره دعا کوي او له پاک پروردگار څخه به د پاک او سليم زړه غوښتنه کوي او دا به وايي چې: اى پروردگاره! ما د سترگو د رپ په اندازه (يوه لحظه) خپل سرکښه نفس ته مه ورسپاره.

په قرآن کریم کې د توبې معنا:

په قرآن کریم کې د توبې له معناو څخه يوه معنا هم ندامت (پښېانتيا) ده، لکه په قرآن کریم کې په دې اړه راغلي دي: (فَتَوْبُوا إِلَىٰ بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ).<sup>۱</sup>

ترجمه: نو تاسې ( ټول ) توبه وباسئ خپل خالق ته او وورژنی ځانونه خپل. ( یعنی په تاسې کې دې بې گناه مجرم وورژني) او په بل مبارک آیت کې لوی څښتن تعالی داسې ارشاد فرمائي: **( وَ تُؤْبِئُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ )**<sup>۱</sup>.

ترجمه: او تاسې ټول الله تعالی ( جلت عظمته ) ته توبه وباسئ ای مؤمنانو! دا د دې لپاره تر څو ستر بری مو په برخه شي ( په دنیا او آخرت کې ). او په بل ځای کې داسې فرمائي: **( لقد تاب الله على النبي و المهاجرين و الأنصار )**<sup>۲</sup>.

ترجمه: يقینا چې لوی پروردگار د خپل نبي او د مهاجرینو ا انصارو توبه قبوله کړه – یعنی د هغوي د خطاگانو څخه تېر شو.

او په سورة أحزاب کې فرمائي: **( و يتوب الله على المؤمنين و المؤمنات )**<sup>۳</sup>.

۱- النور: ۳۱.

۲- التوبة: ۱۱۷.

۳- الأحزاب: ۷۳.

ترجمه: او الله تعالى د مؤمنو ( نارينه و ) او مؤمنو بنحو توبه قبوله كړه ( يعنې د دوي په تېروتنو بې پرده واچوله او دوي ته خپل سخت عذاب ورنكړ).

همداراز توبه د يو څه شي څخه بېرته راگرځېدلو ته هم وايي، لكه الله تعالى د موسى ( عليه الصلاة و السلام ) په ژبه دا وينا مونږ ته راغلوې او فرمايي: (سبحانك تبت إليك)<sup>١</sup>.

ترجمه: ( موسى عليه الصلاة و السلام وويل چې ) پاكې ده تا لره ( اى لويه خدايه ته له هر ډول عيونو څخه پاك يې ) تا ته مې توبه وويسته.

١- تفسير كابلې جلد دويم صفحه ٩٢٤ : ((لكه مشرك، ملحد، زنديق، مرتد يهودي، مسيحي، مجوسي، مُبتدع، فاسق، فاجر... او داسې نورو مأيوس العلاجه مريضانو ته چې چاته بې خوښه شي بخښنه كوي، البته د هغه جل جلاله مشيئت ( خوښه ) شرط ده)). مترجم.



## فوائد ونتائج دعوت در راه الله متعال

دعوت إلى الله عبارت است از تبلیغ رهنمودها و مفاهیم دین مبین اسلام به شیوه‌های مختلف و رسانیدن آن به مردم و آگاهی دهی دوامدار.. افراد، و نهاد های دعوتی هدف اصلی شان کسب رضای الله متعال، بجا آوردن اوامر او تعالی و هدایت مردم به نیکی میباشد و در این راستا قابلیت متحمل شدن هر نوع مشکلات و سختیها را میداشته باشند و در عین حال نتایج بسیار ارزشمند در انتظار شان میباشد و از جمله آن:

۱- برای دعوتگر اجر بی پایان نوشته می شود، و هرکسی که در نتیجه دعوت هدایت می شود دعوتگر در این اجر شریک است تا به روز قیامت: "من دل علی هدی کان له من الأجر مثل أجر من تبعه إلى يوم القيامة".

۲- در نتیجه تلاشهای دعوتی خود دعوتگر ثابت قدم میماند زیرا همان خیری را که بدیگران میرساند خودش هم تذکیر می شود.

۳- الله متعال برکات و خوبیهای زیادی را نصیب دعوتگر میگرداند و همیشه دعاهاى مردم شامل حالش می شود.

- ۴- در نتیجه دعوت به نیکیها و آگاهی دهی الله متعال حالت جامعه را بسوی خیر و خوبیها سوق میدهد و مردم احساس آرامش خاطر میکنند.
- ۵- در نتیجه دعوت های هدفمند منکرات و نابسامانیها در جامعه کم می شود.
- ۶- اشخاص و افراد روز به روز هدایت می شوند نیکیها و خوبیها جاگزین بدیها و زشتیها می شود.
- ۷- در نتیجه تلاشهای دعوتی افکار و نظریات گمراه کن، مفاهیم نادرست، و برداشتهای غلط و خرافاتی ناشدهی می شود و مردم دیگر فریب تاجران و دکانداران عقبماندگیهای دینی را نمی خورند.
- ۸- همین سعی و تلاش دعوتگران است در شرائط کنونی باوجود که وسائل کشانیدن مردم به طرف منکرات و بیراهه بیشتر شده لیکن بسیاری از مردم به طرف دین مبین اسلام و فهم درست آن رجوع میکنند و دعوتگران است که دین مردم را حفاظت و حراست می نمایند.
- ۹- دعوت إلى الله یکی از وسائل مهم عزت و سربلندی مسلمانان و نشر دین مبین اسلام است.

۱۰- الله متعال دعوتگران را در قلبهای مؤمنان ومردم محبوب ميگرداند.

همين كفايت مي كند كه مسلمان در راه خير روان باشد ودر قافله خير سهم داشته باشد ومردم را به طرف حق وصبر دعوت دهد، در غير آن در خسران وزيان بسر مي برد.. " والعصر إن الإنسان لفي خسر، إلا الذين آمنوا وعملوا الصالحات وتواصوا بالحق، وتواصوا بالصبر"<sup>۱</sup>.



## د اسلامي دعوت په خپرولو کې د ایمیل کارولو ارزښت

په دې عصري نړۍ کې د الله تعالی لوري ته په بللو کې د ایمیل (email) کارول خورا ارزښت لري او دا ځکه چې د انټرنټ په راتګ سره د ایمیل استعمال هم زیات شهرت تر لاسه کړ او زیاتې ښېګڼې (فواید) یې رامنځ ته کړلې چې له همدې کبله نن د ایمیل استعمال د نړۍ په مختلفو ټولنو کې زیات ترویج هم موندلی دی، په ځانګړې توګه کله چې ته د خپل شخصي-ایمیل په کارولو سره یو بل ته په لیکلې یا هم په اورېدونکي بڼه (audio message)



ته پیغامونه لیری او ځینې وخت خو لا دا پیغامونه د ویدیو په شکل هم استول کیري او لیدل کېدلی هم شي.

د ایمیل کارولو ارزښت او ټولنیزې فایدې هغه مهال نورې هم زیاتیري چې کله په حکمت او درایت (پوهې) سره وکارول شي، ځکه چې له یو لوري استعمال یې هم آسان او له بل لوري لږ مالي مصرف ته اړتیا لري. همداراز نورې بڼېګنې یې دا دي چې د پخوا په پرتله نن د ایمیل استول زیات وخت ته اړتیا نلري او د میاشتو انتظار نن شو ثانیو ته را نژدې شوی دی، بلکه ته کولی شی چې په خورا چټکۍ سره په یو وخت کې شو ایمیلونه خپلوګن شمېر دوستانو ته واستوی، چې له همدې هوساینو له کبله یې په ګرده نړۍ کې په خورا حیرانوونکي شکل سره انتشار موندلی دی.

جالبه خو لا دا ده چې د یو لږ احصایو له مخې په نړۍ کې د ورځیني ایمیل د لیرد متوسطه شمېره ۸ میلیاره پیغامونه اټکل شويدي چې دا لیردل شوي پیغامونه د مختلفو موخو او هدفونو لپاره یو بل ته لیردول کیري او دا هم ویل شويدي چې په راتلونکو کلونو کې به د ایمیلونو کچه تر دې هم زیاته شي.

ایمیل د بشر- د فکري نوبت په نتیجه کې رامنځ ته شویډی چې دا او دپته ورته نوری ډېرې بنسټګنې لري او د ډېروټولنیزو ستونزو په هواری کې ېې درانده خدمتونه تر سره کړيدي او مونږ ته نه بنایي چې د دې نعمت ناقدري وکړو.

پشکه چې یو ایمیل کولی شي چې په دومره پراخه کچه بشري نړۍ ته ستر خدمتونه او زیاتې فایده ورسوي ، په ځانګړې توګه په دې عصري نړۍ کې نن د دې زیاته اړتیا حس کيږي چې زمونږ دعوتګر او د خیر لوري ته بلونکي وروڼه مو د ژبني، سمیټيز او نژادي توپرونو سرپرته له دې عصري وسائلو څخه عظیمه استفاده پورته کړي او په ډېرې آسانی سره د خپلو دعوتګرو وروڼو سره رابطه وساتلی شي، یو له بل سر خپل دعوتي تجارب شریک او په دې اړه اړین پیغامونه ولیږي - تر څو له همدې لاری څخه وکولی شي چې یو د بل دیني استفساراتو (پوښتنو) ته پخپل وخت ځوابونه وویلی شي،

البته دا خبره ډېره ضروري ده چې د دعوتي رسالو او ایمیلونو د لېږد پر مهال باید لاندې ضروري نقاط په پام کې ونیول شي:

۱- دعوتی رسائل او پیغامونه باید متنوع ( رنگارنگ ) وي تر خو ستري کونکي او تکراري بڼه ونلري.

۲- د دعوتی رسائلو محتوی باید لنډه او خورا اوږده نه وي تر خو له یو لوري گران لوستونکي ستري او له بل لوري ېې په اړه ېې پر وایي ته اړنکړي.

۳- د دعوتی رسائلو موضوعات باید د روانو حالاتو، د عصري غوښتنو او د سمیزو متطلباتو ( غوښتنو ) سره سمون ولري تر خو لیکنې مو لوستونکو ته گټوری او پر هغوی رغنده اغېزې ولري.

دا خبره هم باید له پام څخه ونه غورځول شي چې ایمیلونه د پورته یادو نښکڼو سر بېره یو لړ نوری ځانگړنې هم لري، لکه: د خپل شخصي- ایمیل څخه بل چاته ایمیل کولو باندی هر څوک نه خبریږي او دا کار په دعوتی لړۍ کې خورا مهم او په دعوتی مسیر کې د خورا قناعت وړ خبره ده چې نه پکې یو څوک تشهیر او نه رسوا کیږي.

همداراز ایمیلونه د کتابت حکم لري، یعنی د الله تعالی لوري ته بلونکی شخص په خپله دعوتی رساله کې لومړی د یوې مهمې موضوع په اړه یوه لیکنه کوي، بیا لږه موده وروسته د انټرنټ پر مټ په یوه ټاکلي وقت کې ېې دا

ليکلی موضوع نشر- ته وسپارل شي او له دې وروسته هر کله چې يو لوستونکي ستاسې موضوع ته اړتيا ولري او وغواړي چې دا روان حالات پکې انځور کړي؛ نو ستاسې د خپرې شوې ليکنې څخه استفاده کوي او په دې توگه سره اسلامي او دعوتي فکر په ټولنه کې خپرېږي چې دا کار پر مدعو ( بلل شوي شخص ) باندې زياتی اغېزی پری باسي.

په پای کې د دې خبری یادونه اړینه بولو چې: د دعوتي پیغام په نشرولو کې د ایمیل رالیږونکي پېژندگلوي د پاموړ خبره نه ده - او دا مهمه نه ده چې دا ایمیل چا رالیږلی دی، دا ځکه چې د یو مسلمان څخه مطلوب دادي چې مونږ باید د خپل بل مسلمان ورور د خیر لوري ته بلنه ومنو، دا که د هرې سیمې او هر ځای وي. په دې اړه راځی چې د لوی څښتن تعالی دې مبارکې وینا ته پام وکړو چې ارشاد فرمائي: ( وَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى - قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيُقْتَلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ )<sup>۱</sup>.

ترجمه: او یو تن [ نابله ] د لری ښار څخه په منډه ( موسی علیه السلام ) ته راغی وې ویل: ای موسی ( علیه

۱- سورة القصص: ۲۰.

السلام) ! پشکه چې دا [ قومي ] مشران ستا په ترور او وژلو کې سره سلا مشورې کوي ( تر څو د هماغه قبلي په سر کې تا له منځه یوسي )؛ نو ته ووځه ( د مصر - د دې ښاره څخه ) پشکه چې زه ستا له څېرغوښتونکو څخه یم.

په پورته آیت کې یو مؤمن [ ناپېژندل شوی شخص ] موسی ( علیه الصلاة و السلام ) ته راځي چې الله تعالی بې مونږ ته په قرآن کریم کې د دې شخص نوم حتی هم نه دې ذکر کړی او موسی ( علیه الصلاة و السلام ) ته وايي:  
(فَاخْرُجْ)

یعنې ته ژر له دې سیمې څخه ولاړ شه او هغه بې هم سمدلاسه نصیحت قبلوي او له مصر - څخه په چټکۍ سره وځي؛ نو دلته هم مقصود ( هدف ) همدا دی چې د خیر لوري ته د بلونکي پیغام واخستل شي او ومنل شي، البته په دې اړه یوه بله خبره د یادولو وړ ده چې: د دعوتي پیغام په لیرلو کې مهمه دا ده چې دا دعوتي پیغام چا ته لیرل کيږي او د دې پیغام د قبلونکي شناخت مهم ځکه دی چې تر څو زمونږ پیغام بېځایه ونه کارول شي.



## برگزاری محافل دعوتی و دینی در مساجد جائز و مشروع است

یکی از دوستان سوال نموده:

در باره گپ های دنیای درمسجد که زده میشود  
معلومات دهید که آیا گناه دارد.. کدام مسائل درست و کدام  
درست نیست ؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

درین شکی نیست که مساجد برای عبادت ، ادای نماز  
جماعت ، تلاوت قرآن کریم، نمازی نفل، حلقه های درسی  
و علم شرعی و برگزاری محافل دعوتی تخصیص داده شده  
و هر آن عمل و کار که به عبادت الله متعال ارتباط مستقیم  
نداشته باشد برگزاری آن در مساجد مکروه است ..رسول الله  
صلی الله علیه وسلم از اعلان های مفقودی و تجارت و خرید  
و فروش در مسجد نهی کرده و منع نموده ..همچنان باید در  
مساجد مسائل دنیائی که به دین مسلمان ارتباط مستقیم  
و غیر مستقیم از اندازه معقول بیشتر بحث و مناقشه نشود  
..تنها حرفهای عادی و احوال بررسی و بعض مسائل مختصر  
مباح است..اما جنک، جدال، مناقشهای بیجا که سبب آزار  
و اذیت نماز گزاران و عبادت کنندگان شود حرام شمرده می  
شود. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: " یأتی علی  
الناس زمان یتحلّقون فی مساجدهم ولیس همّتهم إلا الدنیا ، لیس

لله فيهم حاجة فلا تجالسوهم" <sup>۱</sup> وقتی میرسد که مردم در مساجد دور و بر هم جمع می شوند هدف اصلی شان دنیا است و عبادت نیست الله متعال حاجت ندارد به این کار شان ، با ایشان ننشینید.



### سوره یس را به نیت تلاوت بخوانیم، نه به نیت عمل به احادیث ضعیف و موضوع

یکی از دوستان محترم و دانشمند از شهر کابل سوال نموده:

جناب استاد محترم! در باره فضیلت سوره یاسین در تفسیر انوارالقرآن از استاد هروی مخلص این احادیث را آورده آیا احادیث غیر صحیحه اند؟ ( به روایت ابن عباس رضی الله عنه آمده است که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: (لوددت انها في قلب كل انسان من امتي)، ومثل (من قرأ یس فی ليله ابتغا وجه الله عزوجل غفر له) و حدیث دیگری هم زیاد سر زبانهاست که گویا سوره یس قلب قرآن و سوره الرحمن عروس قرآن اند. آیا اینها هم ضعیف اند؟

<sup>۱</sup> - المستدرک علی الصحیحین للحاکم، کتاب الرقاق، رقم الحدیث: (۷۹۱۶)، (ج ۴،

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

خواندن سوره یس بالای مرده ویا مریض در حالت  
جانکندن در حدیث صحیح ثابت نیست

-حدیث "اَقْرَأُوا يَسَ عَلَي مَوْتَاكُمْ" یاسین را بالای مرده  
های تان بخوانید ضعیف است ثابت نیست.

-بالای مرده قرآن خواندن بدعت است در دین اصل  
ندارد

-باید متوجه باشیم که در مورد فضائل سوره یس  
احادیث موضوع و ضعیف زیاد است که صحت ندارد وثابت  
نیست و تنها فضیلت سوره یسن همین است که یکی از  
سوره های قرآن کریم است و در فضیلت قرآن کریم شامل  
است..وباید تلاوت شود و خوانده شود و تفسیر و ترجمه شود  
لیکن به نیت قرآن کریم نه به نیت عمل کردن به احادیث  
ضعیف و موضوع.

-در مورد سوره یس آنقدر مردم به غلط فهمی روان  
هستند که حتی سوره های دیگری قرآن کریم را فراموش  
نموده تنها یس شریف دارند که این مفهوم نادرست است  
و قرآن کریم را تنها به سوره یس خلاصه کرده اند.. در  
نتیجه این احادیث ضعیف و غلط فهمی مردم.



-بالای مریض خواندن قرآن کریم کار خوب است هر سوره که باشد خصوصا سوره بقره و آیه الكرسي، و سوره قل أیها الکافرون، و سوره اخلاص و سوره الفلق والناس.. و خواندن سوره یسین نیز جائز است به نیت خواندن قرآن کریم نه به نیت اینکه در حدیث ثابت است این کار.

و نیز در شروع هر کار نو و جدید و یا غیر جدید سوره یس خواندن در سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت نیست.. فقط بعد از بسم الله خواندن توکل به خداوند ضروری است و دعاء شود که الله متعال کار مسلمان را آسان سازد.. و نیز بیشتر کارهای و عادات زندگی انسان دعای مأثور دارد مثلا لباس جدید، سفر کردن، خوابیدن و غیره.



### حکمت، اخلاق نیکو، شیوه زیبا را باید دعوتگر مراعات کند

یکی از جوانان محترم سوال نموده که:

استاد در صنف ما بعض محصلین هستند که قناعت نمی کنند وقت که جر و بحث میکنند.. در آخر دشمنان می دهند.. با آنها چی باید کرد؟

### الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

باید هدف مسلمان در مناقشه و مباحثه توضیح دادن حقائق و رسیدن به اهداف و الای دعوتی باشد، نه کامیابی شخصی، و تحت تأثیر زشتگویی و دشنام دادن طرف ماقبل نرود و بی صبری نکند حکمت، اخلاق نیکو، و انتخاب شیوه زیبا و نرم را دعوتگر در هر حالت مراعات کند. و از مهمترین صفات مباحثه کننده دعوتگر و آداب بحث و مباحثه و قناعت دادن همین حکمت و اخلاق نیکو و انتخاب الفاظ شایسته است و بر این مطلب الله متعال در قرآن کریم تأکید کرده و فرموده است: "ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ"<sup>۱</sup> دعوت تان بسوی او تعالی همراه حکمت و نرمی و مباحثه به شیوه های زیبا باشد. و از غلظت، زشت خوی و بد رفتاری دوری جویند.

زیرا نرم خوی مؤثریت بیشتر میداشته باشد، و قلبهای غافل و مسدود را باز میکند. در حال که موقف گیری سختگیرانه و زشتخوی و تند روی و شدت آثار و نتایج بد و ناگوار در پی میداشته باشد، الله و متعال از صفات رسول الله صلی الله وسلم که دعوتگر اول بود ذکر میکند که نرم خوی بود و اخلاق نیکو داشت با دوستان و حتی با مخالفین خود: "فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ

<sup>۱</sup> - سوره نحل: ۱۲۵.

لَا نَفْضُوا مِنْ حَوْلِكَ" کلید کامیابی و پیروزی در دعوت، و جا گرفتن در قلبها همانا نرم رفتاری است.

زیرا هدف اساسی ما و شما هدایت و رهنمائی مردم به طرف خیر و فلاح و نیکی ها است نه انتقام جویی و آزار و اذیت آنها.



### اظهار خوشی و یا غمشریکی و همدردی با مسلمانان جهان

یکی از دیپلماتان ورزیده و محبوب و قابل احترام کشور عزیز ما نوشته است:

از هر نقطه نظر نخست اتباع خود کشور ما که توسط تروریستان وحشی طالب در آتش جنگ می سوزند قابل نشر و همه گانی ساختن است بعد فراتر از افغانستان برویم.

هدف این دوست محترم البته اظهار همدردی کردن ما مسلمانان مظلوم سوریه و علی الخصوص در بخش محاصره شده شهر حلب بوده... با وجود که با نظر افضل صاحب درین مورد موافق نیستم لیکن باید یاد آور شوم که افضل صاحب هنگام که در خارج کشور بحیث دیپلمات و قنصل بود بسیار دلسوزانه هموطنان ما را خدمت

میکرد.. جزاه الله خیرا ویادش بخیر...واقعا شخصیت ملی  
وطن دوست است وقابل قدر است.

اظهار مسرت وخوشی با مسلمانان جهان هنگام  
کامیابی شان همچنان غمشریکی وهمدردی با آنها در حال  
مشکلات مصائب، نوائب، نوازل، وسختیها بخش از دین  
وایمان عقیده قرآنی ما را تشکیل میدهد واین کار در ذات  
خود عبادت است که اگر به نیت خوب انجام شود بر آن اجر  
وثواب مرتب می شود... ونیز فراموش نکنیم که ما وشما  
وارثین سلطان محمود غزنوی هستیم، اتحاد شوری سابق در  
نتیجه جهاد وفدار کاری ما وشما شکستانده شد وکشورهای  
اسلامی آسیای میانه وبخشهای استعمار شده کشور های  
اروپائی شرقی در نتیجه قربانی های ما وشما آزادی شان را  
بدست آوردند.. ان شاء الله موفقگیریها، حرفها، ودعاهای ما  
وشما در نزد الله متعال ونیز در دنیائی امروزی وزن وجایگاه  
خود را دارد.

لیکن این به این معنی نیست که کشور ووطن عزیز  
خود را فراموش کردیم بلکه اولتر از همه کشور خود را در  
دعاء شامل کردیم وشب وروز در تلاش این هستیم که  
چگونه صلح وثبات را بیاوریم وهمه ملت خود را در فضای  
اخوت وبرادری یکبارچه ببینیم واین آرزوی ما است..وازیرو  
منحیث علماء صلح را فرض وواجب میدانیم وحل مشکلات

کشور ما بغیر از صلح و اخوت و اتحاد و برادری در چیزی  
دیگری نمی دانیم.



### فتاوی شرعی: وظیفه اجراء کردن و همکاری نمودن با رسانه های مفسد گناه متعددی است

یکی از جوانان محترم و عزیز از شهر کابل نوشته:

نقش علما چرا بیرنگ است.. زیرا رسانه های هستند که  
فحشاء و منکر را ترویج میدهند و بر ضد همه ارزشهای  
اسلامی فعالیت دارند و بخاطر گمراهی جوانان و نوجوانان از  
هیچ نوع سعی و تلاش دریغ نه نموده اند..

آیا علما و افراد مطرح کشور همچو داکتر محمد ایاز  
نیازی، دوکتور فضل الهادی وزین، مولانا عبدالصبور، استاد  
عبدالسلام عابد، استاد عبدالله نور عباد، استاد عنایت الله  
بلیغ، استاد فضل الله ممتاز، استاد عبدالبصیر فرید، استاد  
عبدالظاهر داعی، مفتی شمس الرحمن فروتن، ابو عبیدالله  
متوکل، استاد نورالله کوثر، مولوی مظہرالدين فاييز، استاد  
فخری ریس جمعیت اصلاح افغانستان مولانا مجیب الرحمن  
انصاری و..... علمای جید کشور این ارشاد رسول اکرم صلی  
الله علیه وسلم فراموش کرده اند:

( هر کس از شما منکری را دید باید آن را با دست خود (عملا) تغییر دهد و اگر عملا نتوانست با زبان (به وسیله گفتار) آن را تغییر دهد و اگر با زبان نیز نتوانست پس با قلب آن را نپسندد و این مرحله ی آخر نشانه ی ضعف ایمان است). صحیح مسلم.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

اولا: ازین جوان محترم ومخلص وبادرک بسیار تشکری میکنم که سوال بسیار سرنوشت ساز را مطرح کردند.. زیرا رسانه ها ومطبوعات در شرایط فعلی سلاح ووسیله بسیار مهم بوده که در تغییر اذهان عامه رول ونقش حیاتی را دارد.. و سلاحی است که دو تیغ دارد هم بطرف خیر ونیکی ها سوق داده می شود.. وهم از آن بر ضد ارزشهای اسلامی استفاده بعمل میاید، قسمی که در سوال توضیح داده شد...ازینرو باید دعوتگران و مسلمانان هدفمند باید به رسانه ، ومطبوعات توجه خاص داشته باشند وآنرا وسیله خوب برای نشر وپخش دعوت شان قرار دهند وهم تاجران مسلمان مسؤولیت ایمانی دارند که مطبوعات اسلامی را کمک مالی کنند تا آنها بتوانند وجیبه شان را بشکل درست انجام دهند وجلو فسق وفجور وترویج منکرات وهجوم تغریبی وسکولریستی را بگیرند...وما وشما نمونه های خوبی هم داریم از مطبوعات اسلامی مثل : رادیوهای صدای اصلاح وسایت اصلاح اونلاین ومجلات ونشرات اصلاح میدیا

گروب وهم بعضی کوشش های فردی دیگران مثل رادیو اسلام پیمان .. که همانا هدف آن نشر و بخش عقیده وارشهای اسلامی و دفاع از آداب و اخلاق و دستاورد های اسلامی میباشد.

ثانیا: فتوای شرعی این است که کار کردن و وظیفه اجراء نمودن در این مطبوعات و رسانه ها و جینل های تلویزیونی و مجلات و جرائد و اخبار و مطبوعات که بر ضد اسلام کار می کنند یا بصورت کلی و یا جزئی .. کار کردن با آنها جواز ندارد و حرام قطعی است و معاش و پول بدست آمده ازین کار حرام شمرده می شود و گناه کبیره و بزرگ هم است و باید کارمند مسلمان این وظیفه را ترک کند و به جستجوی کار حلال دیگری باشد... در هیچ بخش از بخشهای نشر و پخش و تخنیکی حتی چوکی داری و آشپزی هم با آنها جواز ندارد... آنها موسیقی مبتذل را نشر می نمایند بروگرامهای غیر اسلامی را ترویج میدهند ارزشهای غیر اسلامی را مزین ساخته به مردم تقدیم میکنند.

هر کسی که درین چینل ها و مطبوعات وظیفه دار است همکاری به طرف گمراهی و ضلالت میکند و وسیله نشر و بخش بی دینی می شود و دنیا و آخرتش تباه و برباد میگردد.

خداوند متعال می فرماید در آیت دوم سوره المائدة: {وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ} <sup>۱</sup>، در کارهای خیر و نیک و شایسته همکاری باشید و در اعمال بد و زشت و ناپسند و تجاوز به مقدسات و ارزشهای اسلامی و سوق دادن به گمراهی همکاری نکنید.

و رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح به روایت امام مسلم می فرماید: "من سن فی الإسلام سنة حسنة فله أجرها وأجر من عمل بها من بعده من غير أن ينقص من أجورهم شيء، ومن سن فی الإسلام سنة سيئة فعليه وزرها ووزر من عمل بها من بعده من غير أن ينقص من أوزارهم شيء" <sup>۲</sup>.

هر کسی که بنیاد کارهای خیر و نیک و صالح را می ماند برایش اجر همین کارش و اجر و ثواب که دیگران به آن عمل میکنند و توسط این کار هدایت می شوند تا به روز قیامت نوشته می شود و حکم صدقه جاریه را دارد، و هر شخص و یا مؤسسه و یا شرکت که بنیاد کارهای و رسانه های مبتذل و ترویج دهنده فحشاء و منکر را گذاشته و می گذارد و در آن سهم میداشته باشد و همکاری میکند گناه عمل کرد خودش و گناه کسانی که توسط این کارشان به کمراهی

<sup>۱</sup> - سوره مائده: ۲.

<sup>۲</sup> - صحیح مسلم، کتاب الزکاة، باب الحث علی الصدقة ولو بشق تمره، أو كلمة طيبة وأنها حجاب من النار، رقم الحديث: (۱۰۱۷)، (ج ۲، ص ۷۰۴).



و بیراهه کشانیده می شوند برایش نوشته می شود و به طرف دوزخ سوق داده می شود.

هر کسی که بنیاد و تهداب کار خیر و نیک را بگذارد و در آن قدم بماند و دست بکار شود اجر و پاداش آن تا به روز قیامت جاری بوده و برایش ثواب آن میرسد چون وسیله خیر شده، و هر کسی بنیانگذاری کارهای شر زشت و نادرست و ناروا را میکند و وسیله شر می شود تا به روز قیامت نه تنها گناه آن را متحمل می شود بلکه گناه کسانی که آنرا ترویج میدهند و به آن عمل میکنند و دیگران را تشویق میکنند هم متحمل میشود.

ثالثا: کار کردن، وظیفه اجراء کردن، خانه و املاک را به کرایه دادن، همکاری قلمی و زبانی کردن، با این رسانه ها و مطبوعات که در نشر فحشاء و منکر دست دارد حرام مطلق و قطعی است و گنااهش از سود خوری کرده هم بیشتر است، و نیز حمایت کننده مالی و سیاسی این نوع رسانه ها در گناه شامل هستند.

رابعاً: الله متعال اشخاص، افراد، سرپرستان، همکاران و دست اندرکاران رسانه های را که در ترویج فحشاء و منکر و بی حیائی نقش دارند عذاب دردناک در دنیا و آخرت وعده نموده و تحذیر شدید کرده، زیرا اینها هستند فواحش و بی حیائی و منکرات را ترویج میدهند و با کمال خوشی مردم را

نيز به گمراهی تشويق ميکنند: "إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ  
الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ  
يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ"<sup>١</sup>.

وصلی الله تعالى على خير خلقه محمد وعلى آله  
وأصحابه أجمعين



### د دعوتگر په ژوند کې د سستی مهم لاملونه

مسلمان دعوتگر او اسلامي امت اکثره وخت د  
دردونکو پېښو سره مخامخ کېدونکی دی او د دوي ژوند له  
هسکو او تیتو خالي نه وي او د دې کار اغېزې د فرد او  
اسلامي امت په فکري جوړښت او د دوي د طبيعت په  
پرتله سره ډېر تفاوت لري.

کله کله يوه ټولنه يا يو فرد پر يو جزئي رنج سره  
مبتلا شي او پرته له دې چې پر نوموړي شخص کې کوم  
منفي تاثيرات رامنځ ته کړي له ليرې مودې وروسته ترې  
نجات مومي؛ نو په دې حالت کې ددې بيمار تيا ناوړه  
تاثيرات تر هماغه فرد پورې منحصر- پاتي کيږي — او نورې

<sup>١</sup> - سوره نور: ١٩.

ټولنې ته هيڅ سرايت نه پيدا کوي، خو کله کله بيا داسې هم کيږي چې دا بيماري د يوې ساري رنځ په توگه له يوه فرد څخه پيل او ټولې ټولنې ته سرايت پيدا کړي او د يو مېلک او وژونکي بيمارۍ په توگه سره په ټولنه کې تبارز وکړي.

له همدې کبله ويلی شو چې د ټولنيزو فکري او جسمي بيماريو د خوږېدو له کبله يو دعوتگر انسان د دعوت په لاره کې قائم او دائم نشي پاتې کېدلی.

يو له هغو وژونکو فکري بيماريو څخه چې هم فرد او هم يوه ټولنه ورسره مخامخ کيږي د ضعف او سستی بيمارۍ ده او دا يو داسې رنځ دی چې له هلاکت او ويجاړتيا څخه پرته بل هيڅ څه ټولنې ته په ميراث کې نه پرېږدي.

د سستی پېژندنه:

سُستِي چې په عربي ژبو دود کې ورته د وَهْن کلمه کارول کيږي په چارو او هډوکو کې د کمزورتيا را منځ ته کېدلو په مفهوم سره کارول کيږي. او په عربي ژبه کې وايي: وَ رَجُلٌ وَاهِنٌ: أي ضعيف في الأمر و العمل.

يعنې بې وسه او بې کسه شخص ته واهن ويل کيږي.

په قرآنکريم کې هم د وهن د کليپې او د هغې د مُشتتاتو استعمال له لس څلو څخه زيات شوېدى چې د هغې کره او سمه معنا په ضعف او سستی سره کيږي او همداراز په کلک عزم او کوتلی ارادې سره د يو کار نه تر سره کولو ته هم وهن ويل کيږي.

لوی څښتن تعالی په خپل سپېڅلی کتاب کې د ځينو کسانو د بې وسۍ د حالت د ښه وضاحت لپاره يو روڼ مثال ته اشاره کړېده چې له دې جملې څخه په قرآن کریم کې د عنکبوت (جولاکي) د کور يادونه شوېده چې د کسالت، بې وسۍ او بې کسې ځلانده مثالبلل کيږي، لکه چې فرمائي: (مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بِئْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ)<sup>۱</sup>.

ترجمه: او د هغو کسانو مثال چې له لوی څښتن تعالی څخه پرته بې دوستان (معبودان) نيولي دي د غني (جولاکي) په څير دی

۱- العنكبوت: ۴۱.

چې (له خپلو تارونو) څخه يو کور جوړوي او په کورونو کې تر ټولو زيات ضعيف کور د جولاکي دى که چېرې دوي پوهيدلى.

له الله تعالى څخه پرته بل چا ته پناه وړل هم ورته بڼه لري چې هيڅ کومه سودمنتيا او گټي توب نه رامنځ ته کوي لکه د غني کور چې په حشراتو کې يوه ډېره کمزورى حشره ده او يوه داسې بې وسې او بې کسه حشره ده چې نه ځواک لري او نه هم کوم ملاتړ.

د جولاکي کمزورى کور پخپله د دې خبرې بڼه څرگندونه کوي چې پخپله جولاکي څومره بې وسه دى — او د هغه کور د نړۍ د تر ټولو کمزوري کور گڼل کيږي ، ولې چې د چاپيريال د سپرې او تودې هوا پر وړاندې د هغه هيڅ مرسته نه کوي او نه هم پدغه کور کې د جولاکي د کوم بيروني گواښ څخه ژغورنه کيدلى شي. قرآن کریم هم چې کله سستې او کسالت ته اشاره کړېده؛ نو مقصود يې ترېنه په معنوي اړخ کې سستې ده.

دعوتگر:

د اُحد په غزوه کې د ماتې او شکست څخه وروسته کومه معنوي سستيا او تنبلي چې د مسلمانانو په ذهنونو کې

حالی کړی وی او دا له دې کبله چې د شهادو پر مړینه دوي خواشینی شول او د یو لړ خوږو دوستانو له لاسه ورکولو له کبله دوی وځپل شول ، د غمونو د همدې خور شوي تفر د ټولولو او د معنوي ډاډمنتیا او روحي ځواک د رامنځ ته کولو په خاطر لوی څښتن تعالی د دوي لپاره آسماني زیري را واستول او وې فرمایل: (وَلَا تَهْتَبُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَ أَنتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ)<sup>۱</sup>.

ترجمه: او تاسې مه سستیرئ او مه خواشینی کیرئ او همدا تاسې بر لاسي کېدونکي یاست که چیرې تاسې باورمند یاست.

وختونه بدلون مومي او کړاوونه او هوساینې یو د بل پسې په پرله پسې توګه په بشري ژوند کې راتلونکي دي چې د هر انسان په برخه کیري او د حق تله ( د تقدیر پرېکړی ) هیڅکله هم تیری او پر چا ناروا نه کوي.

د ژوندنیزو ستونزو پر وړاندې ټینګ پاتې کیدل:

ډېر ځله ځینې انسانان د ترینګلو حالاتو پر وړاندې د خورا زغم څخه کار اخلي او ټینګ پاتې کیري، خو کله کله بیا داسې خلک هم وینو چې په ژوند کې پری هوساینې

۱- آل عمران: ۱۳۹.

راشي ؛ نو د خير په لارو چارو کې سست او بې وسه شي او هغه غوره حالت چې پخوا بې درلود له لاسه ورکوي. د بېلگې په توګه : پخوا به بې ژوندنيزې چارې په بې ساري اخلاص سره تر سره کولې اوس بې هغه حالت نه وي پاتې. دا يواځې د مؤمنانو او ريښتينو خلکو زړونه دي چې د ولبرې او سختې پر وړاندې تل صابراڼه تګلاره غوره کوي او ژوندنيزې سوکالې او هوساينې بې نه سستوي او همېشه په خورا لېوالتيا سره لوی پروردگار ( جلت عظمته ) ته مخ را اړوي او کوم خير يا شر چې د دوي په برخه شويدي دوي پر دې کوتلې باور ساتي چې دا کار په الهي امر سره رامنځ ته شويدي.

نبي کریم ( صلی الله علیه وسلم ) د نبي امت چې په وپرونو او اورونو کې ښکېل دی د سُستيا د لاملونو په اړه په يو حديث شريف کې داسې فرمايلي دي: (يُوشِكُ الْأُمَّمُ أَنْ تَدَاعَى عَلَيْكُمْ كَمَا تَدَاعَى الْأَكْلَةُ إِلَى قَضَعَتِهَا». فقال قائل: ومن قلة نحن يومئذ؟! قال: بَلْ أَنْتُمْ يَوْمئذٍ كَثِيرٌ، وَلَكِنَّكُمْ غُثَاءٌ كُفْتَاءِ السَّيْلِ، وَيُنزِعَنَّ اللَّهُ مِنْ صُدُورِ عَدُوِّكُمْ الْمَهَابَةَ مِنْكُمْ،

وَلَيَقْدِرَنَّ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمُ الْوَهْنَ. فقال قائل: يا رسول الله! وما  
الْوَهْنَ؟ قال: حُبُّ الدُّنْيَا وَكَرَاهِيَةُ الْمَوْتِ<sup>١</sup>.

ترجمه: ډېره نژدی ده چې د کفر او ضلالت ډلې به پر  
تاسې باندې داسې سره راغونډ شي لکه ډوډۍ خوړونکي  
چې پر کاسه باندې را ټول شي؛ نو یو ویونکي وویل: ای د  
الله حبیبه! آیا پر دې ورځ به مونږ کم یو؟ نو وی ویل:  
بلکه تاسې به پر دغه ورځ ډېر زیات

یاست خو ستاسې مثال به د سیلاب د زر په څېر  
وي او خامخا به لوی څښتن تعالی ستاسې وپره ستاسې دد  
دښمن د زړونو څخه راوباسي او ستاسې په زړونو کې به  
سستي وروغورځول شي. یو ویونکي بیا وپوښتل؟ ای د  
الله حبیبه! دا سستي به څه وي (اساسي لامل به ېې څه  
وي)؟ وی فرمایل: د دنیا سره ېې کچې مینه او د مرگ  
څخه ډار.

په تېر ذکر شوي حدیث مبارک کې د وهن تعریف )  
د دنیا سره خورا مینه او د مرگ څخه بیم او وپره ( ښودل  
شوېده.

<sup>١</sup> - سنن أبي داود، كتاب الملاحم، باب في تداعي الأمم على الإسلام، رقم الحديث:

(٤٢٩٧)، (ج٤، ص١١١).



حقيقت کي دلته د دوه ډوله عقوباتو او سزاگانو يادونه شوېده چې لومړۍ ډول عقوبت د دښمن په زړونو کي د مسلمان د وېرې ورکېدل او دويم د وهن يا سُستي او ضعف رامنځ ته کيدل دي چې دا دواړه ډول جزاگانې به د لوی څښتن تعالی له لوري وی.

نن په ويرونو او اورونو کي ښکېل او د دنيوي لالچ له کبله خوار مسلمانان په رښتيا سره هم د سېلاب د هماغه زړ په څېر دي چې له هر لحاظه پرېوتې دي چې هيڅ کوم ارزښت نه لري او مونږ او تاسې وينو چې د نژدې سيمې خلک او ټولني نن د دوي پر شاوخوا راڅرخيري او په خورا بې دردی سره بې وژني -

او دا دردونکی حالت له همدې کبله دی چې نن دوي خپل هغه اسلامي ارزښتونه له لاسه ورکړي دي کوم چې پخوا به بې دوي ته خورا ارزښت درلود. مسلمان ملت هغه ؤ چې پرون دښمن ددوي د برم او له شوکت څخه د وېرې احساس کاوه، خو اوسنې اسلامي امت د يو داسې بې وسه وجود سره مشاھت او مُثاللت لري چې ډېر خوار وي کوم چې د دښمن يواځې يو څو چيغې او لاسونه بې کولی شي مُنحل او له منځه يوسي.

دا اوس چي مسلمان د کومې خواری او د سختو بیاریو سره مخامخ دی، د دې بنسټیز لامل د دنیا سره بې کچې مینه او دنیوي غوښتنو ته لیک ویل دي او د هوا او د هوس په شیطاني لومو کې پرېوتل دي.

له دې څخه پرته د بنحو، مال او شتمنی، جاه و جلال، شهرت او داسې نور ډېر مغریات ( غولېدونکي شیان ) شته دي چې دوي ته بې لالهانده ژوند ور په برخه او دوي بې پر دې ناوره برخلیک اخته کړيدي. د مسلمان په ژوند کې همدغه ملهياتو او مشغولوونکو

ابزارو ته سوونه کاله وړاندې قرآن کریم داسې اشاره کړیده چې خالق تعالی داسې فرمایي: (زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبِّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَ الْبَنِينَ وَ الْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَ الْأَنْعَامِ وَ الْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ)<sup>۱</sup>.

ترجمه: خلکو ته ځینې مرغوب شیان ( خوندور شیان ) بنایسته کړای شوی دي چې پرمنې دی او ځامن دي او د سرو او سپینو زرو څخه را ټول شوي ډېر مالونه دي او په نښه کړای شوي ( نمبر پرې وهل شوی ) آسونه دي

<sup>۱</sup> - آل عمران: ۱۴.

او يو لړ نور څاروي دي ( لکه اوبنان، پسونه او غويان دي) او کروندی دي. دا ( شپږ ډول ذکر شوي ) شيان د دنيوي ژوند يو لړ هغه وسايل دي چې فايده ترې اخستل کيږي او د لوی خالق تعالی سره ښه ځای د ورتلو ( جنت ) دی.

دلته په دې پورته مبارک آيت کې د دنيوي لالچ او د دنيا د مشغولوونکو وسايلو څخه د مهمو لاملونو څخه د يو څو لنډه يادونه وشوه.



### صبر و شکیبائی برادران تبلیغی ما قابل تقدیر است

برادر محترم ما استاد محمد ناصر حلیمی از شهر جلال آباد نوشته:

جناب استاد! جماعت تبلیغ یکی از مهمترین مرجع برای نشر و پخش دین در دیار افغان می باشد، ما به همان اندازه که با این مردم از نزدیک گشتم و دیدم دوست دارم برادرانم با این دوستان خدا بگردند، اینها در دفاع از خود نوشته های فلسفی و تحلیلی ندارند اما کار شان از تخمین بالاتر است خداوند اینها را در کار شان ثابت قدم داشته باشد.

باور کنید که روحیه رحم اسلام همراه همین مؤمنان است شما یک شخصیت متدین و دین دوست وداعی باید ارتباط حسنه ودر اجتماعات ایشان اشتراک نمایید.

ونیز مولوی صاحب احمد بشیر لقمانی نوشته:

با در نظر داشت مصالح علیای مسلمانان در این حد مناسب نبود که در ملاً عام روی جماعت تبلیغ بحث شود، البته در یک نشست علمی میشد که چنین بحثی میکردید.

ای کاش علمایی را که شما نام بردید تبلیغی میبودند.

وبرادر دانشمند ودوست عزیزم عبدالبصیر فرید نوشته که: استاد محترم ...السلام علیکم والرحمه الله وبرکاته.

حرکت جماعت تبلیغ توانسته است مسیر دعوت اسلامی را در اروپا وامریکا رهبری نماید . وهمه روزه تعداد اکثریت اروپاییان وامریکاییان در اثر دعوت برادران تبلیغی به دین اسلام می پیوندند. در حالیکه توانمندی حرکت های دیگر معاصر اسلامی دیگر در امر دعوت اسلامی با کمی ها وکاستی ها روبرو گردیده است. بناء مناسب نخواهد بود که از حسن نظر در زمینه اجتناب ورزید.

جماعت تبلیغ مشروعیت دعوت خود را ازآیه مبارکه گرفته است: "ومن أحسن قولاً ممن دعا إلى الله وعمل صالحاً

وقال إنني من المسلمين<sup>۱</sup> بهترین بندگان الله متعال کسی است که سخن نیک بگوید و بسوی الله متعال دعوت دهد و اعمال صالح انجام دهد و خود را از جمله مسلمانان بداند، و نیز مجموعه های برادران تبلیغی ما که برای دعوت دادن و اصلاح مردم روان می شوند به این آیه مبارکه عمل میکنند: "ولتكن منكم أمة يدعون إلى الخير ويأمرون بالمعروف وينهون عن المنكر وأولئك هم المفلحون"<sup>۲</sup> از جمله کسانی باشد که بسوی خیر دعوت دهد و امر بالمعروف و نهی عن المنکر نماید و آنها رستگاران هستند... و نیز آنها شعار شان این حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم است که: "بلغوا عني ولو آية"<sup>۳</sup> برای ادای رسالت و رسانیدن هدایت و نیکی به مردم به اندازه توان و استطاعت تان تلاش کنید حتی ولو که یک آیت را به مردم برسانید ... و اینها همیشه تلاش دارند که علم و دانش که دارند به مردم برسانند که از یک طرف رابطه خود شان با الله متعال محکمتر شود و از جانب دیگر سبب هدایت دیگران شوند و در جاهای که منکرات وجود دارد همین دوستان تبلیغی ما هستند که مردم را قناعت میدهند که منکرات سبب بربادی جامعه و مجتمع می

۱ - سوره فصلت: ۳۳.

۲ - سوره آل عمران: ۱۰۴.

۳ - صحیح البخاری، کتاب أحادیث الأنبياء، باب ما ذکر عن بني إسرائيل، رقم الحدیث: (۳۴۶۱)، (ج ۴، ص ۱۷۰).

شود..واز برکات سعی وتلاش جماعت تبلیغ دست آوردهای خوبی دعوتی داریم که نمی توان از آن چشم پوشی کرد..واز محاسن وخوبیهای تبلیغ می توان یاد نمود:

- ۱- صبر وتحمل وشکیبائی در راه دعوت وتبلیغ.
- ۲- داشتن اخلاق نیکو وبرخورد خوب با مردم.
- ۳- قربانی دادن مال ووقت در راه رسانیدن رساله دعوتی.
- ۴- تقوا وزهد وپرهیزگاری برادران تبلیغی.
- ۵- نرم دلی وترحم وسهم داشتن در کارهای خیر.
- ۶- وسیله شدن هدایت هزارها نفر از غیر ملتزمین.
- ۷- دوستی واخوت ومحبت بسیار متین وقوی ومحکم بین اعضای جماعت.
- ۸- اطاعت وفرمانبرداری علماء ودانشمندان که آنها را همراهی میکند.
- ۹- تحمل کردن هر نوع سختی ومشکلات بخاطر تحقق اهداف تعیین شده از جمله ترغیب وترهیب دادن مردم تا به سوی آخرت.

۱۰- احتساب کردن از مال و متاع حرام در تعاملات دنیائی.

۱۱- خود کفائی و مصرف نمودن مال و دارائی شان را در سفرهای دعوتی.

و فتوای دینی این است که برادران تبلیغی که فکر و تصور و عقیده اسلامی خوب دارند و در راه تبلیغ مشغول دعوت هستند در طائفه منصوره و فرقه ناجیه داخل هستند - إن شاء الله - در بهلوی سائر دعوتگران .. البته نقد و نوشتن ملاحظات منهجی که قبلا من نوشته کرده بودم بمعنای چشم پوشی از خوبیها و دست آوردهای دوستان و برادران تبلیغی نبوده و نیست تنها نقد ذاتی بخاطر تصحیح مسار و منهج و توجه بیشتر به بعض مسائل عمده اصلی بوده.



**در جماعت تبلیغ توازن عقیده وی و فکری وجود ندارد، اکثرا مستحبات را بر فرائض ترجیح میدهند**

برادر عزیز ما از ولایت بلخ خواهان معلومات در مورد منهج و روش جماعت تبلیغ شده:

استاد در باره گروه جماعت تبلیغ معلومات بدهید آیا رفتن با آنها واجب و فرض است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

رفتن با تبلیغها فرض و واجب نیست..البته اگر بخاطر آموختن دین و یا تبلیغ آن باشد می توان بگوییم که مستحب است و آن هم بشرط که پروگرامهای جالب و خوب داشته باشد و فقط برای معرفی جماعت تبلیغ نباشد و هم منحصر بر فضایل اعمال نباشد زیرا دین اسلام یک دین شامل و کامل است و هم اولویات ها را در نظر گرفته..و نیز کسی که برادران تبلیغی را همراهی میکند باید علم شرعی صحیح و درست داشته باشد تا اینکه از آنها و سلبیات فکری و عقیدوی آنها در بعض مسائل که بالای شان ملاحظات شرعی وجود دارد متأثر نشود و هم بیان کردن این ملاحظات به معنای دشمنی و بی احترامی به برادران تبلیغ نیست.. از جمله ملاحظات:

۱- به این نظر و عقیده نباشد که جماعت تبلیغ مرجعیت دینی مسلمانان را دارا میباشد و یا اینکه حل مشکلات جهان اسلام فقط در خارج شدن با آنها است بلکه این دعوت یک دعوت جزئی است نه شمولی...تنها به فضائل اعمال ترکیز میکنند از توحید، عقیده، حرف نمی زنند، مشکلات جهان اسلام را مطرح نمی کنند، مردم را از شرک



و بدعت منع نمی کنند.. به فاصله چند متری زیارتگاهها اجتماع دارند و مردم را از بدعت و توسل شرکی بار نمی دارند.

۲- فراگیری علم شرعی را بخاطر تبلیغ ترک نکند.

۳- پدر و مادر و فامیل و خانواده خود را بدون سرپرست ترک نکند بخاطر تبلیغ زیرا آنها تا بازگشت او از تبلیغ ضایع می شوند و اولادهایش منحرف می شوند.

۴- خارج شدن و رفتن به تبلیغ را بنام " فی سبیل الله " نامند.. زیرا مراد از فی سبیل الله جهاد فی سبیل الله است و سرگرمی های برادران تبلیغی جهاد گفته نمی شود بمعنای دقیق.

۵- در بین دعاه و علمای جماعت تبلیغ احادیث ضعیف و موضوع انتشار زیاد دارد و ازان استدلال می کنند.. و در نتیجه آن انحرافات فکری و دینی را نشر میکنند و آن را به مذهب حنفی نسبت میدهند.

۶- از منکرات بزرگ و کلان سخن نمی زنند فقط از فضایل اعمال حرف بمیان می آورند.

۷- عالم بزرگ و فقیه مجتهد در بین شان وجود ندارد.

۸- برادران تبلیغی ما از مجددین جهان اسلام در عرصه های مختلف یاد نمی کنند مثلاً از روشهای دعوتی سید جمال افغانی و فداکاری ها و فتوحات سلطان محمود غزنوی و کوشش های اصلاحی امام حسن البناء و استاذ مودودی و نظریات عقیدوی شیخ الإسلام محمد بن عبد الوهاب نجدی یاد نمی کنند.

۹- برادران تبلیغی ما از شیوه و مسلک و روش و منهج بعض علمای متعصب شبه قاره هند متأثر هستند که بر علاوه از تعصب و تنگ نظری روحیه فدا کاری و قربانی ندارند و متأسفانه که در جنگهای داخلی افغانستان و قتل و قتال و خونریزی مردم ما دست داشتند از جمله رهبران آنها مولانا فضل الرحمن و مولانا سمیع الحق و شیخ حسن جان و راحت گل و غیره.. همه مدارس خود را برای کشتن مردم در افغانستان روان کردند در حال که در وقت تجاوز روسها آنها جهاد افغانستان را فرض نمی دانستند اما قتل عام مردم و سقوط دادن حکومت رئیس جمهور استاد برهان الدین ربانی - رحمه الله - و صدر اعظم حکمتیار - حفظه الله - را که یک حکومت قانونی و شرعی بود جهاد دانستند و حتی از حریق کردن و سوزانیدن زمین و خرمن و کاریز هم دریغ نکردند .. اینها فهم شان از اسلام جزئی است نه کلی.

۱۰- اینها دین را از سیاست جدا ساختند حتی در مسائل اجتماعی نقش ندارند.

حالا برادر سوال کننده ودوست عزیز ما این ملاحظات را در نظر گرفته ومی تواند که برای شرکت در تبلیغ برود اگر والدین خود را راضی بتوانند...واز خوبی هایش شان استفاده کند وهم نقائص شان را بیان کند.. به این معنی که باید از فضائل اعمال وسعی وتلاش شان استفاده شود وصبر واستقامت از آنها آموخته شود لیکن من حیث یک منهج قبول کردن وتمام عمر خود را با آنها ضایع کردن شیوه معقول نیست زیرا سلبیات شان اندک وکم نیست..بہتر است کہ شما با نهادهای اصلاحی وتجدیدی همراه شوید کہ اسلام را به شکل شمولی منعکس میسازند وبا حکمت ، استوار وثابت قدم پیش میروند وبخاطر سربلندی اسلام آماده هرنوع قربانی هستند.



### **فضیلت ، ثواب ومشروعیت وقف کردن وتجارت با الله سبحانه وتعالی**

وقف کردن در راه الله متعال از برزگترین اسباب ووسائل داخل شدن جنت است ..زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم به وقف کردن ترغیب وتشویق نموده است ودر حدیث صحیح ثابت است کہ بخاطر خریدن " بئر رومه " کہ چاه آب آشامیدنی بود وعده نمود کہ کسی این چاه را بخرد ووقف کند در جنت داخل می شود.

واین چاه را عثمان بن عفان رضی الله عنه خریداری نموده وقف کرد تا اینکه مسلمانان از آب آن استفاده کنند.

الله تبارک و تعالی در قرآن کریم فضیلت وقف را چنین بیان کرده است: "إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورًا" <sup>۱</sup> از صفات مؤمنان راستین آنانی هستند که کتاب الله متعال را تلاوت می نمایند، و نماز را ادا میکنند و در راه او تعالی پنهانی و آشکارا صدقه میدهند بر علاوه از زکات فرضی وقف میکنند و صدقه و خیرات میدهند.. اینها تجارتنی نصیب شان می شود که هرگز خساره نمی کنند.. این در حقیقت تجارت کردن با الله متعال است که سعادت دنیا و آخرت نصیب مسلمان میگردد.

ثواب وقف و صدقه جاریه قطع نمی شود و بعد از وفات انسان هم دوامدار می باشد رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "إذا مات ابن الإنسان انقطع عمله من ثلاث ، صدقة جاریة ، أو علم ينتفع به ، ولد صالح يدعو له" <sup>۲</sup> وقت که انسان وفات می کند همه اعمالش قطع می شود و برایش فایده و نفع نمی رساند مگر سه چیز :

<sup>۱</sup> - سوره فاطر: ۲۹.

<sup>۲</sup> - سنن الترمذی، أبواب الأحكام عن رسول الله صلی الله علیه وسلم، باب في الوقف، رقم الحديث: (۱۳۷۶)، (ج ۳، ص ۶۵۲).

صدقه جاریه که عبارت از وقف است، علم که نافع و مفید واقع شود، و فرزند نیکو و صالح که برایش دعاء کند.



### گفتنی در مورد دست بوسی علماء و بزرگان دعوت اسلامی

آیا بوسیدن دست علماء و پدر و مادر و ماما و کاکا جواز دارد.. این کار در ملک ما و شما رواج است شما چی نظر دارید؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در مورد سوال دوست محترم ما باید بنویسم که بوسیدن دست پدر و مادر و نیز بوسیدن دستان علمای راستین و دعوتگران بزرگ جواز دارد و هیچ ممانعت شرعی وجود ندارد و دلیلی بر منع آن نیست زیرا این کار یک نوع احترام و تقدیر کردن است و از عادات خوب است و اصل در عادات این است مباح است.. لیکن بهتر است که درین کار هم توسع و زیاده روی نشود و دستان مردم را حق و ناحق انسان نبوسد.

اما خم کردن و انحناء جواز ندارد و حرام است زیرا تقدیس و تعظیم شمرده می شود.



## خواهران در صدقه دادن از مردان پیشتاز شدند

در نصوص شریعت یعنی آیات قرآنی و احادیث صحیح نبوی و آثار صحابه رضی الله عنهم فضائل و برکات زیادی در مورد صدقه دادن ذکر شده از جمله آن:

۱- صدقه دادن یکی از بهترین اعمال نیک به شمار میرد که منزلت صدقه دهنده را در نزد خداوند متعال بلند میبرد.

۲- صدقه دادن مسلمان را از مشکلات و مصائب نگهداری میکند.

۳- به مسلمان صدقه دهنده چندین برابر صدقه اش اجر و پاداش نوشته می شود.

۴- در مال و رزق و روزی و زندگی روز مراه اش برکت انداخته می شود.

۵- گناهانش بخشیده و معاف می شود.

۶- صدقه دادن در حقیقت دلالت به ایمان صادق و راسخ مسلمان میکند.

۷- صدقه دروازه سائر اعمال نیک و صالح است.

صدقه در بین همه اعمال نیک و صالح افتخار می کند که من بهترین اعمال استم و از خلیفه راشد عمر بن الخطاب رضی الله عنه روایت شده که ایشان فرموده اند: "إن الأعمال تتباهى فتقول الصدقة أنا أفضلکم" <sup>۱</sup>.

این بود ذکر مختصر فضائل صدقه خصوصا صدقه جاریه و در کاری های خیر سهم گرفتن که خود صدقه جاریه است.

و من چندی قبل بخاطر سهم گرفتن در ساخت یک مرکز اسلامی و دعوتی در یکی از شهرهای کشور - که کار ساخت و آبادی آن جریان داشت - اعلانی را در صفحه فیسبوکی خود گذاشتم و دوستان را دعوت دادم و عده از برادران و خواهران سهم گرفتند - جزاهم الله خیرا - لیکن جالب اینکه سهم خواهران بیشتر و چندین برابر سهم برادران بود و یک خواهر ۴۶ گرام طلای خود را فروخته و به این مرکز صدقه نمود، و آنرا فرصت خوب برای صدقه جاریه دانست که تا به روز قیامت ثوابش ادامه داشته می باشد.



<sup>۱</sup> - صحیح ابن خزيمة، کتاب الزکاة، باب فضل الصدقة علی غيرها من الأعمال إن صح الخبر، فیابی لا أعرف أبا فروة بعدالة ولا جرح، رقم الحدیث: (۲۴۳۳)، (ج ۴، ص ۹۵).

## ارسال نمودن پیامهای دینی تشویقی به دوستان فیسبوکی عمل نیکو است

یکی از خواهران دعوتگر ما مقیم اروپا چنین سوال  
نموده :

استاد محترم قسمی که شما میدانید برای ما پیامهای  
دینی مختلف میرسد و ارسال کنندگان خواهش میداشته  
باشند که آنرا به ده نفر دیگر پیام رسانی کنیم، لطف نموده  
ما را راهنمایی کنید.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

روان کردن پیامهای دینی تشویقی به دوستان  
فیسبوکی عمل نیکو است بشرط اینکه عاری از بدعت  
و انحرافات و احادیث موضوع و ضعیف باشد، و نیز در این  
پیامها شرط گذاشته نشود که: در گردنت امانت است که  
این پیام را به ده نفر روان کنی در غیر آن در کدام مصیب  
گرفتار میشوی، این شرط گذاشتن لغو و باطل است و کسی  
به آن ملزم نیست و هیچ اثری بر آن مرتب نمی شود.

مثلا بعض دوستان پیامهای ارسال میکنند که شامل  
درود بر رسول الله صلی الله علیه وسلم است.



چونکه درود بر رسول الله صلی الله علیه وسلم کار خوب و نیک است و ثواب دارد لیکن دلیل ونصی شرعی وجود ندارد که صحابه کرام بدیگران روان کرده باشند، لیکن مسلمان مأمور است که کار خیر را انجام دهد الله متعال فرموده است: "وافعلوا الخیر لعلکم تفلحون"<sup>۱</sup> کار خیر کنید تا اینکه کامیابی دنیا و آخرت نصیب تان شود و نیز فرموده است "وذكر فإن الذکری تنفع المؤمنین"<sup>۲</sup> مسلمانان را به کارهای خیر تشویق کنید و ترغیب دهید و تذکیر کنید که این تذکیر برای مؤمنان مفید واقع می شود، ازینرو اگر ارسال درود به نیت خیر باشد باکی ندارد و از همین آیات متذکره و دلائل عمومی بر مشروعیت این نوع پیامها استدلال کرده می توانیم.

البته ارسال نمودن بعض پیامهای دینی در اولویت قرار میداشته باشد که بدرجه وجوب میرسد زیرا که شامل نشر علم شرعی و زدودن انحرافات میباشد، و بعض دیگری که شامل مسائل خیری عمومی میباشد بدرجه مستحب بودن میرسد.

و پیامهای که محتوایش شامل انحرافات عقیدوی، بدعتها و سعی و تلاش برای نشر برداشتهای غلط و نادرست

<sup>۱</sup> - سورة الحج، آیت: ۷۷.

<sup>۲</sup> - سورة الذاریات، آیت: ۵۵.

ومخالف سنت وشریعت مییاشد حرام شمرده میشود، نیز پیامهای که سبب آزار واذیت دیگران میشود در این حکم شامل است.

وارسال پیامهای غیر مفید وبی ارزش مکروه بوده زیرا که بجز از ضیاع وقت نفع وفایده ندارد.

لیکن ما وشما مسئولیت داریم که این پیامهای را بدقت بیشتر مطالعه نماییم واگر در محتوای آن مخالفت شرعی را ملاحظه نماییم دوستان را متوجه بسازیم ومفهوم وبرداشت غلط را که در ذهن آنها غرس شده تصحیح نماییم واگر شامل کارهای خیر ونیکو باشد برای شان بنویسیم "جزاکم الله خیرا والعدل علی الخیر کفاعله" زیرا این تماسها نیز وسیله مهم دعوتی شمرده میشود.



### اهمیت عبادات قلبی در زندگی مسلمان

بزرگترین هدف خلقت انسان عبادت الله متعال با توحید ویگانگی او تعالی است، قسمیکه پروردگار میفرماید: "وما خلقت الجن و الإنس إلا ليعبدون"<sup>۱</sup>، آن هدفیکه در آن رقابت کنندگان به رقابت پرداختند، بخاطر آن رسولان فرستاده شد و کتاب نازل گردید و شمشیر ها در راه خدا

<sup>۱</sup> - سورة الذاریات، آیت: ۵۶.

کشیده شد، و بخاطرش مردم به خوشبخت و بدبخت و بسوی مومن و کافر جدا گردیدند، پس باشند گروهی از ایشان در جنت و گروهی در دوزخ.

و عاقل کسی است که تلاش میورزد برای معرفت حاصل کردن آنچه که بخاطرش خلق گردیده است و بسوی دسیابی و دیانت ظاهری و باطنی.

چون عاقل با اراده حرکت میکند و محل اراده قلب است، پس قلب مانند فرمانده و اعضاء بدن عساکر آن میباشد، پس زمانیکه قلب استقامت کند، جوارح نیز استقامت میکنند.

وبرعکس آن هم چنین است، زمانیکه منشأ آن چنین باشد پس بالای مسلمان لازم است نظارت و مراقبت جدی بالای قلب و اعمال خود در تزکیه و مجاهده، اخلاص و اصلاح داشته باشد، چون با اصلاح آن تمام اعمال اصلاح میشود، چنانچه رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: "ألا وإن الجسد مضغة إذا صلحت صلح الجسد كله و إذا فسدت فسد الجسد كله ألا و هي القلب"<sup>1</sup>.

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب الإیمان، باب [ص: ۲۰۰] فضل من استبرأ لدينه، رقم الحدیث:

(۵۲)، (ج ۱، ص ۲۰).

ترجمه: آگاه باشید که در جسم لخته گوشت وجود دارد، زمانیکه آن اصلاح شد، تمام جسم اصلاح میشود، و زمانیکه فاسد شد، تمام جسم فاسد میگردد، آگاه باشید آن قلب است. به تحقیق که کار قلب و تزکیه آن عمل دشوار و منزلت بزرگی است که شخص نیاز به کوشش و مراقبت دایمی، و اخلاص به الله تعالی دارد.

احساس عزت، ذلت و نیازمندی به کمک خداوند متعال و توفیق وی میباشد نه توسط فریب و شگفتی، عبادت و علم و نه با قدرت و سلطه و نه با ستایش و توصیف مردم است، پس کسیکه تقوا دارد الله متعال از تقوا وی آگاه است، شخصی که اعتماد به نفس ندارد زمانیکه کتاب بالایش سبقت میگیرد حالش را دگرگون میگرداند، پس قلب دگرگون میگردد و نفس هم ضعیف، قسمیکه در حدیث از صحابی جلیل القدر النواس بن سمعان آمده است: سمعت رسول الله صلی الله علیه وسلم یقول: "ما من قلب إلا و هو بین أصبعین من أصابع رب العالمین إن شاء أن یقیمه أقامه و إن یزغه أزاغه، و کان یقول: یا مقلب القلوب ثبت قلوبنا علی دینک".

ترجمه: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که میگفت: "هیچ چیزی در قلب نیست مگر آنچه که میان انگشتان الله متعال است، اگر بخواهد، استقامت اش را،

استوارش میسازد و اگر انحرافش را بخواهر منحرفش میسازد، و بود که میگفت: ای گرداننده قلب ها قلب ما را به دین خود ثابت نگهدار.

الله متعال زمانیکه به بنده خود علم داد، توجه و اخلاص قلبش را صادق ساخت، فهم داد برایش و کمک اش کرد توسط آن و آسان ساخت برایش راه کامیابی و هدایت را قسمیکه الله سبحانه و تعالی میفرماید: "وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ"<sup>1</sup>.

کسانی که برای (رضایت) ما به تلاش ایستند و در راه (پیروزی دین) ما جهاد کنند، آنان را در راههای منتهی به خود رهنمود می گردانیم، و قطعاً خدا با نیکوکاران است.

مقصدیکه مسلمان برای آن کوشش میکند، اصلاح قلب و سلامتی آن از غبار شرک و معاصی و اراده های فاسد است، چون نجاتی در روز قیامت وجود ندارد مگر به سلامتی عمل این قلب، قسمیکه الله متعال میفرماید: "يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ (۸۸) إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ"<sup>2</sup>.

آن روزی که اموال و اولاد، سودی نمی رساند . بلکه تنها کسی که با دل سالم (از بیماری کفر و نفاق و ریاء) به

<sup>۱</sup> - سورة العنكبوت، آیت: ۶۹ .

<sup>۲</sup> - سورة الشعراء، آیت: ۸۸-۸۹.

پیشگاه خدا آمده باشد . و برایش لازم است، از الله متعال کمک بخواهد و به دربار پروردگار خود زیاد دعا کند که قلبش را هدایت کند و قلب سلیم برایش نصیب کند.

بالای بنده واجب است که عبادت الله متعال را با چنان خلوص قلب انجام بدهد تا آنکه معنی شهادت به لا اله الا الله تحقق پیدا کند، اعمال قلب از جمله اعمال باطنی در نظر گرفته میشود مانند محبت الله تعالی و اخلاص و توکل برای وی، و حوصل رضای او تعالی، که خاص و عام مردم مامور به آن هستند و آن از اصول ایمان و قواعد دین است.

مسلمانان در اعمال قلب در سه درجه هستند: ظالم بر نفس خویش، میانه رو و سبقت کننده در نیکی.

#### از اعمال قلب:

۱- ایمان: و آن تصدیق بوجود الله تعالی، ربوبیت وی، الوهیت وی است، از لوازم ایمان این است که تمام آنچه از جانب الله متعال است به آن ایمان داشته باشیم، الله متعال میفرماید: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا"<sup>۱</sup>.

<sup>۱</sup> - سورة النساء، آیت: ۱۳۶.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خدا و پیغمبرش (محمد) و کتابی که بر پیغمبر نازل کرده است (و قرآن نام دارد) و به کتابهائی که پیشتر (از قرآن) نازل نموده است ایمان بیاورید.

هرکس که به خدا و فرشتگان و کتابهای خداوندی و پیغمبرانش و روز رستاخیز کافر شود (و یکی از اینها را نپذیرد) واقعاً در گمراهی دور و درازی افتاده است.

۲- اخلاص و خشوع قلبی در نیت: اخلاص و خشوع قلبی در نیت و در تمام اعمال، اقوال، و در تمام حالات که مسلمان در عبادت میباشد، الله متعال میفرماید: "وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءً"<sup>۱</sup>.

در حال که جز این برای شان دستور داده نشده است مگر اینکه مخلصانه و حقگرایانه او تعالی را بپرستند و تنها شریعت او را آئین (خود) بدانند.

و همچنان میفرماید: "لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَائُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنْكُمْ"<sup>۲</sup>.

۱ - سورة البينه، آیت: ۵.

۲ - سورة الحج، آیت: ۳۷.

گوشتها و خونهای قربانیها هرگز به خدا نمی رسد و بلکه پرهیزگاری (و ورع و اخلاص) شما می رسد، فرموده الله سبحانه و تعالی است که "قُلْ إِنْ تَخْفَوْنَ مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْدُوهُ يُعَلِّمَهُ اللَّهُ" <sup>۱</sup>.

بگو: اگر آنچه را که در سینه هایتان دارید پنهان سازید یا آشکار کنید، خداوند آن را می داند.

عن عمر بن الخطاب رضی الله عنه قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم، "يقول إنما الأعمال بالنيات وإنما لكل امرئ ما نوى فمن كانت هجرته إلى الله ورسوله فهجرته إلى الله ورسوله ومن كانت هجرته لدنيا يصيبها أو إلى امرأة ينكحها فهجرته إلى ما هاجر إليه" <sup>۲</sup>.

ترجمه: از امیرالمؤمنین عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت است که گفت: شنیدم از رسول الله صلى الله عليه وسلم که میگفت: مدار اعتبار اعمال بر اساس نیت هاست و برای هر شخص همان چیزی است که نیت کرده است.

پس کسی که هجرتش بسوی الله و رسولش باشد پس هجرتش به سوی الله و رسولش است ( ثواب هجرت به

<sup>۱</sup> - سورة آل عمران، آیت: ۲۹.

<sup>۲</sup> - صحيح البخاري، باب بدء الوحي، كيف كان بدء الوحي إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم؟، رقم الحديث: (۱)، (ج ۱، ص ۶).



سوی الله و رسول برایش داده میشود ) و کسیکه هجرتش به سوی دنیا باشد که آنرا بدست آورد و یا بسوی زنی باشد که با او نکاح کند، پس هجرتش بسوی همان چیزی است که بخاطر آن هجرت کرده است.

و از عایشه رضی الله عنه روایت است: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود بعد از فتح دیگر هجرتی نیست و لکن جهاد و ایمان است، و زمانیکه خواست که به میدان مبارزه بیاید فوراً حرکت کنید، در حدیثی دیگر از آبی عبدالله جابر بن عبدالله الأنصاری روایت است که گفت: "إن بالمدينة لرجالا ما سرتم مسيرا ولا قطعتم واديا إلا كانوا معكم حبسهم المرض" <sup>۱</sup> و في رواية: إلا شركوكم في الأجر" <sup>۲</sup>.

همراه با نبی کریم صلی الله علیه وسلم در غزوه بودیم پس گفت: در مدینه کسانی هستند که قلبا با شما هستند و در گوشه از سفر تان آرزوی بودن را با شما دارند اما عذر مریضی مانع خروج و رفتن شان با شما شده، و در روایت دوم ذکر شده که: مگر در باش مادر اجر و پاداش شریک هستند.

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم کتاب الإمارة، باب ثواب من حبسه عن الغزو مرض أو عذر آخر، رقم الحدیث: (۱۹۱۱)، (ج ۳، ص ۱۵۱۸).

<sup>۲</sup> - سنن ابن ماجه، کتاب الجهاد، باب من حبسه العذر عن الجهاد، رقم الحدیث: (۲۷۶۵)، (ج ۲، ص ۹۲۳).

از ابو هريره عبدالرحمن بن صخر روايت است كه رسول الله صلى الله عليه وسلم گفت: "إن الله لا ينظر إلى أجسادكم، و لا إلى صوركم، و لكن ينظر إلى قلوبكم<sup>۱</sup>"، به تحقيق كه الله متعال به جسم های شما و صورت های شما نمی بیند ولیکن به قلب های شما می بیند.

۳- محبت: امریست كه علماء و سلف امت و علماء اهل سنت و حدیث نیز به آن تاکید کرده اند، و هر آینه الله تعالی به ذات خود محبوب واقعی است، بلکه این یک دوستی كامل است، الله متعال میفرماید: "وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ"<sup>۲</sup>.

و کسانی كه ایمان آورده اند خدا را سخت دوست میدارند، و بعض از علماء سلف گفته اند: کسی كه خداوند را از روی محبت تنها می پرستد پس زندق است، کسی كه با خوف تنها میپرستد پس حروری است - طائفه از خوارج - کسی كه خداوند را با امید تنها می پرستد پس مرجئی است و کسی كه خداوند را با محبت، خوف و امید می پرستد پس او مومن موحد است.

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، كتاب البر والصلة والآداب، باب تحريم ظلم المسلم، وخذله، واحتقاره ودمه، وعرضه، وماله، رقم الحدیث: (۲۵۶۴)، (ج ۴، ص ۱۹۸۶).

<sup>۲</sup> - سورة البقرة، آیت: ۱۶۵.

الله سبحانه و تعالی میفرماید: "قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ"<sup>۱</sup>.

بگو: اگر خدا را دوست می دارید، از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد، و خداوند آمرزنده مهربان است.

در حدیث صحیح آمده است که: "أوثق عرى الإيمان الحب في الله والبغض في الله"<sup>۲</sup>، بزرگترین رابطه ایمان محبت بخاطر الله متعال و کینه بخاطر الله متعال می باشد، در حدیث دیگری نیز آمده: "من أحب لله وأبغض لله وأعطى لله ومنع لله فقد استكمل الإيمان"<sup>۳</sup>، کسی که بخاطر الله دوست می دارد و بخاطر الله کینه می ورزد و برای الله صدقه می دهد و بخاطر الله منع می کند، به تحقیق که ایمان و ی کامل است.

۴- ترس و هراس: بالای شخص مومن واجب است که در عبودیت خوف و ترس از خداوند اخلاص کامل داشته باشد، قسمی که خداوند متعال می فرماید: "إِنَّمَا ذَلِكُمُ

<sup>۱</sup> - سورة آل عمران، آیت: ۳۱.

<sup>۲</sup> - مسند ابن أبي شيبة، ما رواه عبد الله بن مسعود، عن النبي صلى الله عليه وسلم، رقم الحديث: (۳۲۱)، (ج ۱، ص ۲۱۷).

<sup>۳</sup> - سنن أبي داود، كتاب السنة، باب الدليل على زيادة الإيمان ونقصانه، رقم الحديث: (۴۶۸۱)، (ج ۴، ص ۲۲۰).

الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ<sup>۱</sup>،  
این تنها شیطان است که شما را از دوستان خود ( با پخش  
شایعات و سخنان بیاساس ) میترساند، پس از آنان مترسید  
و از من بترسید اگر مؤمنان ( راستین ) هستید، فرموده الله  
متعال است که: "فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاخْشَوْنِ"<sup>۲</sup>.

از مردم نهراسید و بلکه از من بهراسید و همچنان: "لِئَلَّا  
يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ  
وَاخْشَوْنِي"<sup>۳</sup>، تا مردم بر شما حجّتی نداشته باشند مگر  
کسانی که از ایشان ستم نمایند، پس از آنان مترسید ( و به  
فرمان خدا به هنگام نماز رو به کعبه کنید ) و از من  
بترسید.

و زمانیکه شخص به الله متعال شرک بورزد، برای وی  
خوف و ترس پیدا میشود، طبق فرموده الله متعال: "سَنُلْقِي  
فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ  
سُلْطَانًا"<sup>۴</sup>، در دلهای کافران رُعب و هراس خواهیم انداخت، از  
آنرو که چیزهائی را انباز خدا ساخته‌اند که خداوند دلیل و  
برهانی ( بر حقانیت آنها ) فرو نفرستاده است، و جایگاه آنان

۱ - سورة آل عمران، آیت: ۱۷۵.

۲ - سورة المائدة، آیت: ۴۴.

۳ - سورة البقرة، آیت: ۱۵۰.

۴ - سورة آل عمران، آیت: ۱۵۱.

آتش (دوزخ) است، و جایگاه ستمکاران چه بد جایگاهی است، و فرموده دیگر ایشان: "الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ"<sup>۱</sup>.

کسانی که ایمان آورده باشند و ایمان خود را با شرک (پرستش چیزی با خدا) نیامیخته باشند، امن و امان ایشان را سزا است، و آنان راه‌یافتگان (راه حق و حقیقت) هستند.

رسول الله صلی الله علیه وسلم ظلم را شرک تفسیر کرده اند، در صحیح از ابن مسعود روایت است: زمانیکه این آیه بالای اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم نازل گردید، گفتند: هیچ یک ما بر نفس خود ظلم نکرده است، پس نبی صلی الله علیه وسلم گفت: اما این شرک، آیا این سخن بنده صالح را نشنیده اید: "إِنَّ الشَّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ"<sup>۲</sup>.

۵- امید و رغبت: باید بنده امید خویش را از الله قطع نکند و از الله که متعال هراس نداشته باشد که به او ظلم میکند، به تحقیق که خداوند به انسانها هیچ ظلمی نمی کند و لکن انسانها خود شان بر حق خود ظلم میکنند، بلکه بترسند از آنچه به سبب گناه کسب میکنند، طبق روایت از

۱ - سورة الأنعام، آیت: ۸۲.

۲ - سورة لقمان، آیت: ۱۳.

حضرت علی رضی الله عنه که گفت: (لا يخاف العبد إلا ذنبه، ولا يرجو إلا ربه)<sup>۱</sup>.

بنده امیدی ندارد مگر به پروردگار خویش، و نمی ترسد مگر از گناه خویش، و در حدیث مرفوع از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت است که ایشان بالای مریضی وارد شدند و گفتند: "کیف تجدك؟ فقال: أرجو الله وأخاف ذنوبي، فقال: ما اجتماعا في قلب عبد في مثل هذا الموطن إلا أعطاه الله ما يرجو وآمنه مما يخاف".

حالت را چگونه دریافتی؟ گفت: به الله امید دارم و از گناه خویش می ترسم، پس گفت: جمع نمی گردد در قلب بنده مثل این جایگاه مگر اینکه اعطاء کند و بر آورده سازد برایش آنچه را امید دارد و در امن بدارد از آنچه که هراس دارد.

برای این پروردگار میفرماید: "فَإِذَا فَرَّغْتَ فَانصَبْ (۷) وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ"<sup>۲</sup>، هرگاه (از کار مهمی) بپرداختی، به دنبال رنج ببر و یکسره به سوی پروردگارت روی آر.

<sup>۱</sup> - شعب الإيمان، باب في الصبر على المصائب، رقم الحديث: (۹۲۶۷)، (ج ۱۲)، ص ۱۹۵.

<sup>۲</sup> - سورة الشرح، آیت: ۷-۸.

و همچنان میفرماید: "وَعَلَى اللَّهِ فِتْوَاكُلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ"<sup>۱</sup>، اگر مؤمن هستید، بر خدا توکل کنید، و فرموده الله متعال است: "وَاتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا (۸۱) كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا"<sup>۲</sup>، (این گونه افراد) بجز خدا، معبودهائی برای خود برگزیده‌اند تا این که چنین معبودهائی مایه عزت و احترام (دنیوی و اخروی) ایشان گردند، نه چنین است (که می‌اندیشند، روز قیامت) معبودهائی را که می‌پرستند، عبادت ایشان را انکار خواهند کرد، و دشمن آنان خواهند شد.

۶- توحید اسماء و صفات: این از اثرات اعمال و عبادات قلبی است، اثبات آنچه را الله متعال در کتاب خویش ثابت کرده است برای خود، و یا به عنوان واقعی بر زبان رسول الله بدون تمثیل و تعطیل و بدون تحریف و تشبیه بیان کرده است، الله متعال میفرماید: "لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ"<sup>۳</sup>.

هیچ چیزی همانند الله متعال نیست و او تعالی شنوا و بینا است، و فرموده شان: "عالم الغیب فلا ینظر علی غیبه أحدا"

۱ - سورة المائدة، آیت: ۲۳.

۲ - سورة مریم، آیت: ۸۱-۸۲.

۳ - سورة الشوری، آیت: ۱۱.

إلا من ارتضى من رسول" <sup>۱</sup>، او دانای غیب است و خود غیب خود را بر هیچ کس آشکار نمی سازد، مگر بر آن پیامبری که از او خوشنود باشد .

۷- توکل و پناه خواستن: هر آینه خداوند متعال بالای بندگان فرض گردانیده که وی را پرستش نمایند و به وی توکل کنند، چنانچه الله متعال میفرماید: "فاعبده وتوکل علیه" <sup>۲</sup>.

پس او را پرستید و او را عبادت کنید و به وی توکل کنید، همچنان میفرماید: "واذکر اسم ربك وتبتل إلیه تبتیلا، رب المشرق والمغرب لا إله إلا هو فاتخذہ وکیلا" <sup>۳</sup>، و نام پروردگارت را یاد کن و از همه بپر و به او بییونند، پروردگار مشرق و مغرب هیچ خدایی جز او نیست او را کار ساز خویش گزین .

و میفرماید: "ومن یتق الله یجعل له مخرجا ویرزقه من حیث لا یحتسب ومن یتوکل علی الله فهو حسبه" <sup>۴</sup>، و هر که از خدا بترسد، برای او راهی برای بیرون شدن قرار خواهد داد، و از جایی که گمانش را ندارد روزی اش می دهد و هر که بر خدا

۱ - سورة الجن، آیت: ۲۶-۲۷.

۲ - سورة هود، آیت: ۱۲۳.

۳ - سورة المزمل، آیت: ۸-۹.

۴ - سورة الطلاق، آیت: ۲-۳.



توکل کند، خدا او را کافی است، و فرموده دیگر الله متعال:  
 "قل هو ربي لا إله إلا هو عليه توكلت وإليه متاب"<sup>۱</sup>.

بگو: او پروردگار من است خدایی جز او نیست بر او  
 توکل کرده ام و توبه من به درگاه اوست .

رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح  
 میفرماید: "ما منکم من أحد إلا وقد کتب مقعده من الجنة،  
 ومقعده من النار، فقالوا: یا رسول الله أفلا نتکل؟ فقال: اعملوا  
 فکل میسر"<sup>۲</sup>.

نیست از میان شما کسی مگر اینکه جایگاهش در  
 جنت است یا دروزخ، پس به او گفته شد: یا رسول الله پس  
 آیا اجازه کار و توکلبه کتاب را نمیدهید؟ پس گفت خیر  
 تمام آن کار را انجام دهید که برای شما میسر است و برای  
 آن خلق شده اید .

در صحیح مسلم اَبی هریره از رسول الله روایت میکنند  
 که گفت: المؤمن القوي خير وأحب إلى الله من المؤمن الضعيف  
 وفي كل خير، احرص على ما ينفعك واستعن بالله ولا تعجز، وإن

<sup>۱</sup> - سورة الرعد، آیت: ۳۰.

<sup>۲</sup> - صحیح البخاری، کتاب تفسیر القرآن، باب قوله: {فأما من أعطى واتقى} [اللیل:

۵]، رقم الحدیث: (۴۹۴۵)، (ج ۶، ص ۱۷۰).

أصابك شيء فلا تقل لو أني فعلت لكان كذا وكذا ولكن قل: قدر الله وما شاء فعل، فإن لو تفتح عمل الشيطان"<sup>۱</sup>.

مومن قوی نزد خداوند بهتر و دوستداشتنی تر نسبت به مومن ضعیف است، مراقب باش در آنچه شما را بهره حاصل میشود، و به دنبال کمک خداوند شکست نیست و اگر با چیزی مقابل شدی نگو اگر چنان میکردم چنین و چنان میشد، ولكن بگو: تقدیر الهی به آنچه باشد، اگر شما برای باز کردن کار شیطان نیستید.

تمام این اعمال بنابر اهمیت آن بالای تمام مردم واجب است، در اصل مورد اتفاق تمام علماء قرار دارد، سعادت انسان ها در اطاعت از الله متعال و عبادت وی میباشد و هر انسان بقدر اخلاص خویش سعادت و آرامش بدست می آورد، خلاصه کامیابی و نصرت الهی برای اهل توحید است که ایشان در دنیا و آخرت در امان هستند، قسمیکه الله متعال میفرماید: "الذین آمنوا ولم یلبسوا ایمانهم بظلم أولئک لهم الأمن وهم مهتدون"<sup>۲</sup>.

کسانی که ایمان آورده باشند و ایمان خود را با شرک (پرستش چیزی با خدا) نیامیخته باشند، امن و امان ایشان

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، کتاب القدر، باب فی الأمر بالقوة وترك العجز والاستعانة بالله وتفویض المقادیر لله، رقم الحدیث: (۲۶۶۴)، (ج ۴، ص ۲۰۵۲).

<sup>۲</sup> - سورة الأنعام، آیت: ۸۲.

را سزا است، و آنان راه یافتگان ( راه حق و حقیقت ) هستند.

نسأل الله سبحانه أن يرزقنا الإخلاص في القول والعمل،  
وصلى الله على خير خلقه محمد وعلى آله وصحبه أجمعين.



### چگونه می توانیم رهبري تمدن علمي را دوباره به مسلمانان برگردانيم؟

در عصر حاضر بسیاری از اکتشافات علمی و اختراعات بزرگ توسط غیر مسلمانان انجام می شود، چونکه آنها در تحقیقات خویش از اسلوب درست استفاده کرده و پابند به قوانین و اصول تحقیقات جدی علمی هستند، و حکومت های شان زمینه پیشرفتهای علمی مناسب را برای آنها فراهم می سازند و تمام امکانات مادی و وسائلی که راه را برای آسانی کار و انکشافات علمی شان هموار سازد فراهم می نمایند، لهذا ایشان در زمینه های مختلف و رشته های علمی و تخصصات مختلف النوع بسوی رهبریت ارتقاء می کنند ، در حالیکه مسلمانان در این راستا عقب مانده اند ، که این نتیجه طبیعی سنت الهی در جهان می باشد به قاعده "ولکل مجتهد نصيب - وتلك عدالة الله بين خلقه" بر می گردد برای هر جوینده سهمی است - و این است عدالت الله متعال میان مردم - که ثمره کوشش و اخلاص شان را در

علوم تجربی برای شان داده است، و مستحق آنچه در پیشرفت و نبوغ در زندگی دنیا بودند برای شان رسیده .

زمانیکه مسلمانان اراده نمایند که به خط مقدم ساینس برگردند و جایگاه رهبریت علم و تمدن که از اجداد شان برای شان به میراث رسیده اشغال کنند، پس بالای آنها لازم است که به منهج و روش درست برگردند و نگاهی به علل عقب ماندگی و عدم تعادل خود نمایند، چون اولین راه معالجه تشخیص درست مرض است و هیچگاهی دواء مؤثر تمام نمیشود تا اینکه داکتر علل و نوع مرض را درست تشخیص نماید .

بنابراین، مطالعات نشان میدهد که تشخیص امراض شهروندان در ساختار علمای امت، پیشرفت و خارج شدن از عقب ماندگی علمی تاثیر فوق العاده دارد، ازینرو برای بدست آوردن جایگاه مناسب و معقول و نقش برجسته خود در رهبری تمدن و ترقی و در استاذی دائمی بشریت باید اسباب آنرا برابر نمود؛ ضعف و نانوای مناهج زمینی و مادی گرایبی را نشاندهی کرد زیرا مناهج که از زمین سرچشمه گرفته ناکامی و مفلس بودن خود را در این راستا اعلان نموده و اینکه بخاطر سعادت‌مندی بشریت کاری کرده نمی تواند یا حد اقل بخاطر کمی مشکلات آنها راه حل ندارد زیرا که منهج زمینی از منهج آسمانی تفاوت کلی دارد.

و در آن روزیکه مستحق نصرت و پشتیبانی الله متعال می گردند ، نه تنها در زمینه های علمی و تمدن انسانی، بلکه در رهبری ملت ها و مردم بسوی رستگاری ، موفقیت و نجات هم یاری ومدد الهی نصیب شان میگردد، اما خطری هم نهفته است در رفتار دانشمندان غیر مسلمان(سیکولار ها ) بسیاری از آنها نه به اخلاق ادیان، و نه به تعالیم آسمانی پابند اند ، و نه به اهداف شریفیکه برای تسخیر علم به نفع مردم می باشد ، بلکه آنها با سلاح علم باعث انحراف مردم بسوی برنامه های انحرافی میشوند و برای شهرت طلبی وغلبه فرد بالای فرد و تمدن بالای تمدن دیگر و بخاطر سیطره سیاسی و سلطه اقتصادی بالای ملتهای ضعیف و اشغال کشور های شان و تحمیل ارزش ها و فرهنگ اختصاص یافته به آنها، کار می کنند ، قسمیکه در گوشه های مختلف نقاط جهان اسلام ملاحظه می کنیم .آیا می بینید ، چگونه دست مسلمانان در تمام امور بند و قفل شده اگر در میدان رهبری علم وساینس وتمدن است و یا امور دیگر ، اینها باید از الله متعال و روز آخرت بترسند و باید برای تسخیر علوم کار کنند نه برای انهدام آن .

یکی از مهمترین و وبالترین اصول اسلام در پیوند نزدیک بین مجموعه ای از علوم و کاربردهای آن تقوا و طاعت الله متعال والتزام دقیق به حلال و حرام می باشد و بر این اساس، علم وتمدن و استفاده از آن و تمام سرمایه

گذاری در این راستا برای بهره مندی وبر آورده ساختن نیازهای انسان میباشد.

دین مبین اسلام تشویق نموده که علم، ساینس و تمدن برای خدمت انسانها تسخیر شود نه اینکه از علم و تمدن سوء استفاده گردد وبخاطر ظلم و غلبه وافساد اخلاق ملتها ومحیط زیست آنها استعال شود قسمیکه فعلا از غیر مسلمانان سرزد می شود ودر سرزمینها اسلامی بمبها واسلحه مهلک خود را تجربه میکنند.

دین مبین اسلام استفاده از علم را به ضرر انسانها تمام شود ممنوع قرار داده ، مانند ضرر رساندن به محیط زیست و زندگی حیوانات و گیاهان، طبیعت ، تحریک جنگ برای رسیدن به تمایلات پلید استبدادی، بی عدالتی و استکبار در زمین و اشغال سرزمینها .

اگر بتاریخ مراجعه کنیم می بینیم که دانشمندان مسلمان در اوائل رهبریت علم، ساینس و تمدن را بدست داشتند ونوشته ها و خزانه های علمی شان تا بحال اساس علوم تجربوی را در غرب تشکیل میدهد واساس ترقی و پیشرفت دراین میدانها شمرده می شود وبه این امر دانشمندان منصف کشورهای غربی هم اعتراف میکنند.

وقتی چنین باشد، که جهان اسلام ما دارای ثروت اقتصادی و اذهان علمی باشد، پس بر دانشمندان آن لازم است که در ساختار تمدن انسانی کوشش کنند و برای عبور از مشکلات و از بین بردن موانع و غلبه بر آن دست بکار شوند، و برای ساخت قواعد مراکز علمی و تمدنی، که اهداف تمدنی مسلمانان را خدمت کند و جهان اسلام را از دایره تحقیر و ذلت و شکست های پی در پی خارج سازد.

در عین حال بر حکومت های اسلامی وزمامداران لازم است که بخاطر حمایت از استعداد ها دست بکار شوند و برای رشد افکار علمی، ساینسی و تمدنی عمل نمایند و با فراهم نمودن محیط مناسب برای فعالیت های علمی آنها و با ارائه حمایت مادی و معنوی مانع فرار آنها بکشورهای غربی شوند و آنها را تشویق نمایند که در کشورهای اسلامی بمانند تا اینکه انرژی علمی خود را برای دیگران تسخیر نمایند

زمانی می توانیم که این همه را عملی کنیم و از مرحله ناتوانی به مرحله توانایی انتقال نماییم، که از منهج درست استفاده کنیم، طبق فرموده الله سبحانه و تعالی که می فرماید: "وعد الله الذین آمنوا منکم وعلموا الصالحات

ليستخلفنهم في الأرض كما استخلف الذين من قبلهم وليمكن لهم دينهم الذي ارتضى لهم وليبدلنهم من بعد خوفهم أمناً...<sup>۱</sup>.

ترجمه : الله به کسانی از شما که ایمان آورده اند و کار های نیک انجام داده اند وعده میدهد که آنها را در روی زمین جانشین دیگران می کند، همچنان که مردمان را که پیش از آنها بودند جانشین دیگران کرد و دینشان را که خود برای شان پسندیده است، استوار سازد و وحشت شان را به ایمنی بدل کند .

واگر در این راستا توجه شود آسایش، ترقی نصیب مسلمانان میگردد و این سنت آسمانی است هر ملتی که سعی و تلاش داشته باشد بخاطر آبادی سرزمین خود از تمدن و ترقی علمی که انکشافات ساینسی مهم را با خود دارد بهره مند می شوند.



### حلقه های درسی و تربیتی جوانان و نوجوانان درجه و ثواب مجلس ذکر را دارد

حلقه های درسی و تربیتی جوانان و نوجوانان درجه و ثواب  
مجلس ذکر را دارد که به زبان رسول الله صلی الله علیه

<sup>۱</sup> - سورة النور، آیت: ۵۵ .



وسلم باغ از جنت نامیده شده، و مشمول نزول رحمت از طرف ملائکه بوده، و ایشان کسانی هستند هر که با آنها همنشینی کند بدخت شمرده نمی شود: "هم الجلساء لایشقی بهم جلیسه"<sup>۱</sup>.

آنها کسانی هستند که :

- ۱- شیطان از آنها میگریزد .
- ۲- الله متعال از آنها راضی می باشد.
- ۳- غم و درد ورنج زندگی را فراموش شان می کنند.
- ۴- خوشی و مسرت و نیکبختی و سعادت در قلبهای شان جاگراین می شود.
- ۵- پیوند قلبهای شان با دین تقویت می یابد.
- ۶- روی و قلب شان با نور ایمان و محبت و اخوت اسلامی روشن می شود.
- ۷- گناهان شان بخشیده می شود.

---

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب الدعوات، باب فضل ذکر الله عز وجل، رقم الحدیث: (۶۴۰۸)، (ج ۸، ص ۸۶).

۸- احساس راحت نفسی و اطمینان قلبی می کنند.

۹- الله متعال در رزق و روزی شان برکت میندازد.

۱۰- اینها باغبانان جنت می شوند.

جوانان و نو جوانان کشور عزیز ما به عوض اینکه شکار مجالس بیهوده و لغو و لهب شوند با نهاد ها و قوافل دعوتی و همقطاران صالح و نیکو کار همکار شوند .



### ترانه های حماسه آفرین اسلامی بهترین بدیل موسیقی مبتذل

ترانه های اسلامی که مضمونش مشتمل بر دعوت بسوی هدایت و نیکی و طاعت خداوند متعال ، و متابعت سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم باشد و همت مردم را متحرک بسازد بسوی توحید و جهاد و وایثار و فدا کاری و دفاع از سرزمین های اسلامی و دسائس دشمنان اسلام را بیان کند ، و مسلمان را به وحدت و اتحاد دعوت دهد و از تعصب و زبان پرستی و قومگرایی منع کند، شکی نیست که این ترانه جزء مهمی از وسائل متعدد دعوت اسلامی را تشکیل میدهد خصوصا در بین جوانان و نوجوانان در دانشگاهها و مکاتب و مدارس و رادیوها و تلویزیون اسلامی و از فضایل اعمال بشمار میرود، این نوع ترانه ها در حقیقت تفسیر و ترجمه شعری

بعضی آیات قرآن کریم واحادیث نبوی میباشند، وهمین ترانه های حماسه آفرین بهترین بدیل موسیقی بوده.

لیکن مسلمان باید قرآن کریم را بشنود وهم لیکجر وتبلیغ علماء ودانشمندان را داشته باشد ودر ضمن آن توجه به شنیدن ترانه های اسلامی کند، وهر کدام اینها بجا ووقتش شنیده شود.

وهم باید بین ترانه های اسلامی وموسیقی فرق کنیم، وهر کسی که ترانه های اسلامی را جملهً وتفصیلاً حرام گفته کار نادرست کرده وهیچ دلیلی ندارد وهیچ عالم ومولوی حق ندارد که مباحات را حرام بگوید بدون دلیل واضح.

لیکن شنیدن وسرودن ترانه های حرام است که موسیقی داشته باشد ویا شامل الفاظ وکلمات شرکی ومنحرف کننده باشد ویا به تعصب قومی وزبانی وسمتی دعوت دهد ویا به فساد اخلاقی دعوت دهد وزمینه کمراهی مردم را مساعد بسازد باز این نوع ترانه ها شنیدن وسرودن وتوزیع کردن وفروختن آن همه حرام است.

این بود جواب سوال یک دانش آموز که خود را از ولایت قندز معرفی نموده ونوشته است : یکی از استادان

مکتب ما میگوید که شنیدن ترانه مکروه و حرام است، اگر  
برایم توضیح دهید که او را قناعت دهم.



### در خانه اش دختر تولد شده، خانم خود مورد آزار واذیت قرار داده

یک خواهر محترمه که خودش سواد ندارد توسط  
همسایه اش نوشته :

مولوی صاحب السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته! در  
خانه ما ده روز میشه که دختر تولد شده، شوهرم ناراض  
است و مرا تهدید میکند که چرا دختر آوردم، این کار بدست  
من نیست چطور کنیم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

این شخص تا بحال از عادات و مورثات جاهلیت قبل از  
اسلام متأثر بوده و باید ایمانش را مراجعه کند که ضعیف  
است و به قضاء و قدر و رهنمود های اسلامی در مورد دختران  
که ذکر شده ایمان و باور درست ندارد، در حال که بر  
فضیلت تربیه دختران و خواهران در اسلام تأکید بیشتر شده  
که حتی سبب داخل شدن جنت می شود برای مسلمان.

عقبه بن عامر رضی الله عنه روایت نموده فرمودند در حدیث صحیح: "سمعت رسول الله صلی الله علیه وسلم یقول: من کان له ثلاث بنات، فصبر علیهن وأطعمهن وسقاهن وكساهن من جدته، کن له حجاباً من النار یوم القيامة"<sup>۱</sup> کسی را که الله تعالی سه دختر داده باشد و در تربیه سالم مادی و معنوی و علمی شان کوشان باشد، آنها در روز قیامت سبب نجات این شخص از آتش دورخ می شوند.

و در حدیث صحیح دیگری أنس بن مالک رضی الله عنه فرمود که: "قال رسول الله صلی الله علیه وسلم: من عال جاربتین حتی تبلغا جاء یوم القيامة أنا وهو وضم أصابعه"<sup>۲</sup> کسی که دو دختر و یا خواهر را رعایت و سرپرستی کند و به سر برساند من با او در جنت میباشم هر دو انگشت خود را جمع کرد یعنی مثل انگشتان دست در جنت بامن نزدیک میباشد.

بلکه تربیه یک دختر نیز بسیار فضیلت و ثواب دارد در حدیث صحیح متفق علیه عائشة رضی الله عنها رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است که: "من ابتلي من هذه

<sup>۱</sup> - سنن ابن ماجه، كتاب الأدب، باب بر الوالد، والإحسان إلى البنات، رقم الحدیث: (۳۶۶۹)، (ج ۲، ص ۱۲۱۰).

<sup>۲</sup> - صحیح مسلم، كتاب البر والصلة والآداب، باب فضل الإحسان إلى البنات، رقم الحدیث: (۲۶۳۱)، (ج ۴، ص ۲۰۲۷).

البنات بشيء كن له سترا من النار" <sup>۱</sup> هرکسی را که الله متعال مورد امتحان قرار دهد و دارای دختر و یا دختران باشد و یا خواهران باشد و به شکل درست و مطابق شریعت رعایت کند آنها این شخص را از آتش دوزخ دور میدارند و سبب نجات او می شوند.



### عالم و دعوتگر باید بعض قیود و حدود اخلاقی را در انتخاب کار و وظیفه خود مراعات کند

یکی از دوستان محترم که خودش فارغ تحصیل وفاق المدارس است مشوره خواسته که :

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته! شیخ صاحب من درسهای دینی را به اتمام رساندم واز وفاق المدارس السلفیة سند دارم مثل شما دعوت را دوست دارم، وفعلا در کابل به جای مقرر شدم که ماحول بی اطمینانی است، مشوره دهید.

- درین شکی نیست که هر کار ووظیفه برای اهل علم و اشخاص منسوب به دعوت مناسب نمی باشد ودر بین وظیفه رسمی و علمیت شرعی اش زمین و آسمان فرق می

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب الزکاة، باب: اتقوا النار ولو بشق تمره و القلیل من الصدقة، رقم الحدیث: (۱۴۱۸)، (ج ۲، ص ۱۱۰).

باشد مثلاً با قیافه عالمی و شهرت دعوتی اش مناسب نیست که در اماکن و ادارات مختلط زن و مرد و یا ماحول بی بندوباری که بعضی مشاهده می شود کار کند و وظیفه انجام دهد.

- اگر مجبوریست اقتصادی نداشته باشد در وظیفه کار نکند که مانع نشر علم و دعوت می شود.

- در بخشهای کار نکند مانع حق گفتنش می شود و مردم حرفش را قبول نمی کنند و مورد استهزاء قرار میگیرد.

- اگر امتیازات مادی و معنوی رسمی و دولتی سبب پوشانیدن حق می شود باید عالم و دعوتگر ازین کار و وظیفه صرف نظر کند و عزت و آبرومندی و مقام و منزلت را که الله متعال برایش عنایت فرموده که همانا علم شرعی و دعوت بسوی حق است به آن اکتفاء کند .

- اگر در وظیفه رسمی احساس حرج می کند و علمیت و شهرت دعوتی اش زیرا سوال می رود بخاطر شهرت بد این وظیفه و ماحول کاری اش باید ازین کار تنازل نموده و در مقام کار کند که دین و ایمانش متزلزل نشود.

- بهتر است که عالم و دعوتگر در ماحول کاری اش هم مؤثر واقع شود و در بخشهای کار کند که مناسب حالش باشد ولو که امتیازاتی مادی اش کمتر باشد.



### ورزش در صورتی جایز است که از واجبات و فرائض دور نسازد

سلام علیکم جناب اگر درباره فوتبال بگویم مثلاً یک نفر شوق یک تیم یا یک بازی کن شود در اسلام ممانعت شده است که اگر بازیکن مسلمان نباشد.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

دین اسلام بخاطر تقویت جسم و حفظ صحت جسمی مسلمان را به ورزش و سپورت تشویق نموده لیکن با در نظر داشت بعضی شروط شرعی از جمله:

۱- ورزش و سپورت درین صورت جایز و مشروع است که انسان را از واجبات و فرائض و مسؤولیات های خانوادگی و وظیفه دور نسازد مثلاً در وقت نماز جماعت انسان باید ورزش را ترک نموده به طرف مسجد روان شود و در صورتکه نماز جماعت را بخاطر ورزش ترک میکند درین صورت ورزش حرام شمرده می شود، و هر کار که انسان را به حرام



وترک واجبات بکشاند حرام شمرده می شود ولو که در اصل مباح هم باشد.

۲- هدف مسلمان از ورزش تقویت جسم و حفظ صحت وهم سرگرمی مباح باشد وسبب تقویت روابط برادری واخوت در بین ورزشکاران شود نه سبب دوری دلها وتفرقه اندازی، وبه نیت نیک می توانیم ورزش را به عبادت بدل کنیم، در حدیث شریف آمده که "إنما الأعمال بالنیات"، وقاعده فقهی است که "الأمر بمقاصدها" اسلام به نتایج اعمال وکردار نظر میندازد واز روی آن حساب می کند.

۳- ورزش کار مسلمان باید کالای به تن کند که عورتش ظاهر نشود واز پوشیدن کالای مبتذل ویا کالای که جسم انسان را ظاهر بسازد دوری جوید وهم از کالای که بالای آن شعار های غربی وغیر اسلامی نوشته شده باشد اجتناب ورزد.

۴- مسلمان ورزش را اختیار کند که دران خطر هلاک شدن ویا از بین رفتن ومعیوب شدن نباشد.

۱ - صحیح البخاری، باب بدء الوحي، كيف كان بدء الوحي إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم؟، رقم الحديث: (۱)، (ج ۱، ص ۶).

۵- ورزش باشد که دران قمار بازی نباشد و بورد و باخت آن بشرط دادن و گرفتن پیسه نباشد، و اگر باشد حرام شمرده می شود.

۶- در ورزش و بورد باخت مسلمان باید شکار تعصب و قوم پرستی نشود و ولاء و براء یعنی دوستی و دشمنی اش بناء به تعصب نباشد که سبب نزاع و تفرقه می شود.

۷- باید ورزشکاران از دو و دشنام و مزاقهای خارج چوکات دوری جویند.

۸- ورزشکاران سبب آزار همسایگان ورزشگاه نشوند که آزار و اذیت رسانیدن به مسلمان این ساپورت و ورزش را حرام می سازد.

ورزش فوتبال، والیبال، دوش و هر سرگرمی که سبب تقویه جسم شود مشروع مباح و مستحب است ، دران صورت حرام شمرده می شود که مانع ادای فرائض و واجبات شود، و یا دران قمار باشد، و یا سبب تفرقه و کینه و بغض و عداوت و دشمنی گردد.

تشویق کردن یک تیم هم و یا یک بازی کن نیز همین حکم را دارد. منطق و ولاء و براء و دوستی و دشمنی در تشویق کردن بازی تیم و یا بازی کن این است که باید مسلمان بازی کن مسلمان را تشویق کند و در کامیابی اش خوش

شود و برایش دعاء کند تا اینکه مسلمان در مقابل غیر مسلمان دلیل ظاهر نگردد.

مسلمان فوتبال و ورزش را به مرحله عبادت نرساند .



**هر که زمینه سازی بنیانگذاری کار خیر یا ناروا کند**

دوستی سوال نموده که:

اگر کسی زمینه غیبت را برای خود فراهم سازد.

تا دیگران غیبت کنند آیا باز هم گناه دارد و خود شخص گناه کار میشود؟

رسول الله صلى الله عليه وسلم فرموده است:  
 "من سن في الإسلام سنة حسنة فله أجرها وأجر من عمل بها من بعده من غير أن ينقص من أجورهم شيء، ومن سن في الإسلام سنة سيئة فعليه وزرها ووزر من عمل بها من بعده من غير أن ينقص من أوزارهم شيء" <sup>۱</sup>.

هر کسی که زمینه سازی کند و یا بنیاد کار خوب و خیر را بماند برایش اجر این کار و عاملینش تا به قیامت نوشته

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، کتاب الزکاة، باب الحث علی الصدقة ولو بشق تمره، أو كلمة طيبة وأنها حجاب من النار، رقم الحديث: (۱۰۱۷)، (ج ۲، ص ۷۰۴).

می شد، واگر کسی زمینه سازی ویا بنیانگذاری کار خراب و ناروا را کند در گناه مرتکبیش شریک میباشد.

هر که زمینه سازی غیبت مسلمان را کند در گناه غیبت کنندگان شریک است.



### چگونه می توانیم از وسائل جدید در نشر دعوت اسلامی استفاده کنیم؟

استاد محترم ازینکه زندگی مرا توسط پوستهای با ارزش دینی تان روشن ساختین خیلی خوشحال استم از دوستی تان، چونکه خودم محصل صنف دوم شرعیات استم بیکار هم استم چگونه از فیسبوک در راه خدمت به دین استفاده کنم، ممنون شما؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:

ازینکه فیسوک یک وسیله بسیار مهم در زندگی روز مره انسانها است وبسیاری از معاملات و تعاملات شان نیز توسط این وسیله اجرا میشود واز مجازی بودن به طرق حقیقی بودن در حرکت است می توان این وسیله را نیز یکی از نعمتهای الهی دانست برای نشر خیر وحق، وما اصلا در دین ما برای استعمال این وسائل رهنمود های داریم که

باید به آن التزام داشته باشیم و نیز او را به طرق خیر و نیکوکاری سوق دهیم.

وسیله خیر به ملت و وطن خود شویم، و باید مسائل ذیل را در نظر داشته باشیم :

۱- ایجابی بودن با این وسائل و شکر کردن الله جل جلاله که این نعمت را ارزانی فرموده.

۲- مسلمان نیت نیک و خوب داشته باشد که این وسائل را بخاطر طاعت خداوند متعال و کومک رسانی به بندگان صالح اش استعمال میکند و در نشر و پخش دین و شریعت سهم میگیرد.

۳- نشر کردن و نقل کردن و شیر کردن مسائل شرعی و دینی و رسانیدن به مردم.

۴- معرفی صفحات اسلامی و ارزش مند به مردم.

۵- معرفی نهادهای های اسلامی و دعوتی از طریق این وسیله مهم .

۶- دفاع نمودن از عقیده، اخلاق و ارزشهای اسلامی توسط این وسیله.

۷- معرفی علماء ودعوتگران نخبه برای جوانان ونوجوان تا اینکه از شفقت ودوستی پدران واستادان معنوی شان بهره مند شوند.

۸- نشر کردن موضوعات مهم وجالب سیاسی، اجتماعی، طبی وغیره برای آگاهی دهی.

۹- احساس مسئولیت بزرگ بخاطر اینکه سلاح دو تیغه را بدست دارد می شود او را بطرف خیر ویا شر سوق داد و کشانید..

۱۰- باید استعمال کننده قدوه، اسوه نیکو والگو باشد برای دیگران.

۱۱- تثبت از راست بودن اخبار ویا موضوعات که به نشر میرساند زیرا شائعات واخبار کاذب زیاد وجود دارد حتی که ساحه وجودش همین وسائل است.

۱۲- امانت داری ومراعت کردن اخلاق نیکو، والتزام به آداب گفتگو هنگام گفتگو با دیگران.

۱۳- استفاده ازین وسائل بخاطر دعوت بسوی نیکی ها وآگاهی دادن به مردم به راه خیر( امر بمعروف ونهی از منکر) .

۱۴- متوجه ساختن دوستان از هر آنچه که زشت و بد و مخالف احکام و آداب اسلامی میباشد.

۱۵- استفاده کردن ازین وسائل بخاطر دعوت دادن به وحدت و اتحاد و همدلی مسلمانان .

۱۶- استفاده کردن ازین وسائل برای رعایت کردن مصالح و دفع کردن مفسدات و نا بسامانیها.

۱۷- اخلاص، صبر و شکیبایی، تدرج، حکمت، را شعار خود قرار داده، و راه ندادن هیچ نوع یأس و نا امیدي حتی ولو که در معرض دشنام هم قرار گیرد.

۱۸- مسلمان باید در هر جا و هر ساحه و میدان کلید خیر و قفل شر باشد زیرا رسول الله صلی الله علیه و سلم در حدیث که ابن ماجه روایت کرده و شیخ البانی بر آن صحت گذاشته فرموده اند: "إِنَّ هَذَا الْخَيْرِ خَزَائِنٌ ، وَلَتَلِكُ الْخَزَائِنِ مَفَاتِيحٌ ، فَطُوبَى لِعَبْدٍ جَعَلَهُ اللَّهُ مَفْتَا حاً لِلْخَيْرِ ، مَغْلَقاً لِلشَّرِّ . وَوَيْلٌ لِعَبْدٍ جَعَلَهُ اللَّهُ مَفْتَا حاً لِلشَّرِّ ، مَغْلَقاً لِلْخَيْرِ " ۱ ، علم و وسائل جدید و قدیم عبارت از خزانه های خیر و نیکیها است که کلید دارد، و جنت برای کسانی وعده داده می شود که کلید خیر باشند برای نشر این خزائن نیکو و اعمال صالح، و دوزخ و بربادی و هلاکت برای کسانی داده می شود که ازین خیر و نعمتها

۱ - سنن ابن ماجه، باب من كان مفتاحاً للخير، رقم الحديث: (۲۳۸)، (ج ۱، ص ۸۷).

استفاده سوء میکنند و کلید شر و دعوتگران بسوی نابسامینها وزشتیها می شوند.. پس باید کلید خیر و دعوتگران بسوی نیکوکاریها شویم و ازین وسائل برای نشر و پخش کارهای خیر استفاده کنیم و برای زدودن انحرافات، عادات و تقالید مخالف دین ما استفاده اعظم نموده وساحه را برای دیگران نگذاریم.



### از رفتن در یک عروسی که آداب اسلامی دران مراعات نمی شد معذرت کردم

- از ایشان تشکری نمودم و دعای خیر و برکت مسنون را کردم و خواهان توضیحات شدم که من حیث یک مسلمان آیا ممکن است که عروسی تان اسلامی باشد که ما بیاییم آنها جواب نداشتند و حاضر نبودند که نصیحت را قبول کنند:

- اختلاط زنان و مردان نامحرم وجود داشت.

- موسیقی داشتند.

- گارسون هتل که مردان بودند در بین زنان نامحرم داخل می شد.



- اسراف در مینو و خورد نوش وجود داشت در حال که به صدها هموطن ما در سرکها سوال می کنند و گرسنه هستند.

- شاه نیز در بین زنان نامحرم بخاطر ایستادن با عروس که یک تقلید غیر اسلامی است در بین زنان حضور می یافت .

- در بخش زنان فیلمبرداری میشد که فامیل من حاضر نیست که جای حاضر شود فیلمبر داری صورت گیرد که عواقب ناگوارش به همه معلوم است.

حاضر شدن در چنین محافل بغیر از گناه و قبول کردن این نوع اعمال معنای دیگری ندارد.

- بعد ازینکه بسیار اصرار کردند برای شان وعده دادم که بعد از عروسی بخاطر تبریکی میرویم و تحفه خود را نیز تقدیم می کنیم وگله و شکایت از این کارهای شان هم می کنیم.



## حکم رفتن به بورسیه های تحصیلی که خطر گمراهی محصلین باشد

رفتن به بورسیه های تحصیلی در جا های که خطر گمراهی و یا انحراف محصلین عزیز و جوانان محترم ما باشد جواز ندارد و شرعا حرام است.

ادامه تحصیل اگر به قیمت دین و ایمان و عقیده مسلمان تمام شود بر مسلمان فرض است که بخاطر حفاظت از دین خود از این نوع تحصیل منصرف شود، و جای را انتخاب نکند که عقیده و فکر شان را زیر سوال ببرد.

در شرائط کنونی ما نمونه های را داریم که به مکروب های عقیدوی و فکری در جامعه ما مبدل شده اند و افکار و نظریات زهرآگین شان را در بین مردم نشر میکنند، عقیده و فکر و اندیشه اصیل اسلامی شان را از دست داده اند در نتیجه تحصیل کردن در جاهای که بجای علم شرعی انحرافات را تدریس و ترزیق میکنند و قناعت های درست شان را به مزخرفات و انحرافات مبدل میسازند، این ها نه تنها خود شان منحرف شده اند بلکه تلاش های شان را به بیراهه کشانیدن جامعه ادامه میدهند و بحث وجدال های بی مفهوم و بی فایده شعار شان است.

تحصیل کردن و فراگیری علم و دانش وسیله خدمت به دین مبین اسلام و وطن عزیز ما است.

این مطلب جواب سوال و مشوره یکی از محصلین محصلین محترم بود .



### دشنام دادن علمای راستین بزرگترین گناه در روی زمین است

دشنام دادن مسلمان ولو که مخالف هم باشد فسق است و دشنام دادن علماء و فقهاء و طلاب علم و دعوتگران که زندگی شان وقف در دعوت إلی الله است گناه بسیار بزرگ است، فقهاء دین را به مردم بیان میکنند و حلال و حرام را نشاندهی میکنند و به راه های خیر رهنمائی میکنند که آخرت مردم خراب نشود، خصوصاً علمای راستین که مشکلات جامعه را درک کردند و در متن مردم هستند، رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است که: "سباب المسلم فسوق وقتاله كفر" <sup>۱</sup> دشنام مسلمان فسق و گناه کبیره است و قتل و قتال مسلمان به ناحق كفر است.

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب الإیمان، باب خوف المؤمن من أن یحبط عمله وهو لا یشعر، رقم الحدیث: (۴۸)، (ج ۱، ص ۱۹).

دشمنی با دعوتگران راستین در حقیقت دشمنی با دین  
مبین اسلام است.

دوستی و محبت با علماء در واقع دوستی با شریعت  
اسلامی است.

بدبختترین اشخاص کسانی هستند که با علمای راستین  
و حق گو و معتدل و بی ضرر در دشمنی واقع شده اند.

دشنام و الفاظ زشت را که از طریق فیسبوک و غیره  
وسائل اینها به علماء روان میکنند از جانب ملائک مکلف به  
نوشتن اعمال انسانها نوشته می شود و در ترازوی فسق  
و فجور شان درج می شود.



**آموختن و تعلم علم تجوید بر علماء و ائمه مساجد و معلمین  
قرآن کریم فرض عین است**

یکی از خواهران نوشته که :

حکم علم تجوید فرض کفایی است یا عین؟

و بر عوام الناس و عامه مردم فرض کفائی است.

واگر آموختن تجوید را همه ترک کنند همه مردم گنهگار شمرده می شوند زیرا علم تجوید در دین مبین اسلام اهمیت بسیار زیاد دارد.

متأسفانه در سالهای اخیر رغبت مردم بخاطر تعلم و آموختن تجوید کم شده که باید علمای محترم متوجه این امر باشند و مردم تشویق کنند که علم تجوید را بیاموزند تا اینکه قرآن کریم را بدرستی تلاوت کرده بتوانند.



**الله متعال فرموده است که: ( لیبلوکم ایکم أحسن عملا ) و  
نگفته که ایکم أكثر عملا**

یکی از برادران در کار خود را مصروف ساخته و چندین سال از وقت و عمر و جوانی خود را دران صرف نموده که متأسفانه راه خیر نیست و بیشتر خدمت به یک روش و طریقه گمراه است، و خواهان همکاری از من شد و من برایش نصیحت نمودم که بیا دست به دست هم داده همین وقت را به راه دعوت به خیر و در خدمت علمای راستین صرف کنیم و دلایلش این بود که او زیاد کار میکند و بیشترین وقت خود را در همان صرف کرده و از من آزرده خاطر شد چون من نتوانستم که در کار که خدمت به اسلام و هموطنان ما نباشد او را یاری کنم.

یعنی که شما را امتحان کند که خوبتر کی عمل میکند  
یعنی به اخلاص به او تعالی و مطابق سنت پیامبر صلی الله  
علیه وسلم.

اما کثرت و زیاد بودن شرط نیست اگر موافق شریعت  
نباشد، فضیل ابن عیاض رحمه الله نوشته: أخلصه وأصوبه،  
یعنی با اخلاص و مطابق رهنمودهای رسول الله صلی الله  
علیه وسلم.

ابن القيم الجوزی رحمه الله نوشته :

ليبلو عباده أيهم أحسن عملا، لا أكثر عملا، ابتلاء  
وامتحان برای این است که خوبترین عمل را کی انجام  
میدهد و نه بیشترین.

در کار و عمل که به اخلاص و مطابق سنت رسول الله  
صلی الله علیه وسلم نباشد و هرچه انسان دران خسته شود  
و خود را مشغول بسازد نفع و فایده و ثواب ندارد.



### فرصتها دعوتی و چالشها و موانع سر راه آن

مهم این است که با استفاده از فرصتهای دعوتی  
موجوده در کشور عزیز ما برای سربلندی اسلام کار کنیم.

یکی از دوستان سوال نموده :

استاد محترم یک سوال دارم چگونه واز کجا دعوت خود را آغاز کنیم؟

دوست محترم دیگری نیز خواهان مشوره دعوتی شده و نوشته:

استاد توصیه شما چیست وقتی که در مقابل افراد قرار بگیریم که جاهل است و میخواهد به آنها حرف دین بزنیم اول از کجا شروع کنیم و چه بگوییم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در این شکی نیست که دعوت إلى الله از بهترین اعمال است که مسلمان را به الله متعال نزدیکتر میسازد، و دعوتگر از بهترین انسانها شمرده می شود، الله متعال این فضیلت را در قرآن کریم بیان می کند: "ومن أحسن قولا ممن دعا إلى الله وعمل صالحا وقال إنني من المسلمين"<sup>۱</sup>.

بهترین انسانها کسانی هستند که بخاطر هدایت دیگران کار می کنند و مردم را بسوی الله متعال دعوت می دهند و نیز اعمال نیک و صالح را انجام میدهند و از تزکیه نفسهای

<sup>۱</sup> - سورة فصلت، آیت: ۳۳.

خود بی خبر نیستند و در عین حال مسلمانان حقیقی میباشند اسلام را بمعنای شمولیت می شناسند.

لیکن دعوت کردن از خود احکام و آداب دارد باید آنرا مراعات کرد.. از جمله:

۱- باید بدانیم که ستون و پایه های دعوت اسلامی را حکمت، تدرج، صبر و شکیبایی، اخلاق نیکو و الگو بودن تشکیل میدهد.

۲- دعوت اسلامی باید منظم باشد زیرا در بعض اوقات کارهای غیر منظم ضررش از فایده اش کرده بیشتر میباشد، ازینرو الله متعال کارهای اسلامی منظم را که به خوبی و اتقان انجام می شود دوست میدارد و این مطلب را بزبان رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح تأکید کرده است: "إن الله يحب إذا عمل أحدكم عملاً أن يتقنه"<sup>۱</sup>.

۳- باید متذکر شوم که دعوت های اصلاحی که دین و ایمان مردم را تجدید میکند همیشه با بعض عنعنات، عادات و تقالید که در مخالفت با شریعت قرار دارد و مردم آنرا به نادانی بخش از دین میدانند در تعارض و تکر واقع می شود، هستند مردمان که با استفاده از نافرمانی مردم با تمسک به این عادات مخالف اسلام صاحب اثر و رسوخ شده

<sup>۱</sup> - مسند أبي يعلى الموصلي، مسند عائشة، رقم الحديث: (۴۳۸۶)، (ج ۷، ص ۳۴۹).



اند و به آسانی حاضر نیستند که امتیازات مادی و معنوی خود را از دست دهند لهذا آنها نه تنها مانع دعوت می شوند بلکه مردم را بر ضد دعوتگران تحریک میکنند و دعوتگران را به القاب گوناگون یاد میکنند، این در حقیقت یک چلنج است که باید نادیده گرفته نشود.

۴- دعوت کردن در هر بخش از مردم از خود شیوه خاص دارد، مثلا شیوه ای را که با اطفال و نونهالان بکار می بریم برای بزرگان مناسب نیست، و همچنان، برنامه های دعوتی که در اطراف قابل اجراء میباشد در داخل شهرها به شیوهها و اسالیب مختلف طرح ریزی می شود زیرا همه مردم در یک قالب جور نمی آیند.

۵- اولویتهای دعوتی باید بصورت جدی در نظر گرفته شود مثلا در مناطق و جاهای که مشکلات عقیدوی و خرافات وجود دارد باید برای ازاله آن دست بکار شد و مفاهیم نادرست و برداشتهای غلط و رسوم و عنعنات که با شریعت و سنت در تعارض است آنرا از قلبهای مردم دور ساخت و جاگزین آن اصول و عقائد درست و صحیح را نمود، اما در محیط پوهنتونها قضیه شکل دیگری را بخود میگیرد و باید بیشتر روی امنیت فکری و اخلاقی سعی و تلاش نمود.

۶- دعوت اجتماعی مؤثریت بیشتر دارد، حتی دعوتهای فردی نیز باید در چوکات دعوت اجتماعی انجام شود زیرا شرائط کنونی کشور ما قسمی است که افراد نمی توانند با چلنجهای گوناگون مقابله کنند و در اسرع وقت فکر دعوتی شان به یأس و ناامیدی مبدل می شود و از یک انسان ایجابی خوب به یک شخص ناامید و تکفیری مبدل می گردد که فعلا ما نمونه های آنرا داریم.

۷- در این شکی نیست که در کشور عزیز ما فرصتهای دعوتی طلایی وجود دارد که در هیچ کشور اسلامی میسر نیست، مثلا دعوتگران به آزادی کامل بدون هیچ نوع قیود در شهرها و اطراف کارهای دعوتی شان را انجام داده می توانند و موانع بزرگ سر راه شان وجود ندارد زیرا مردم ما متدین هستند، احزاب سیاسی و اسلامی و ملی به دعوتگران به نظر بسیار خوب و احترام می بینند و همکار هستند، منابر مساجد، مطبوعات، رسانه ها همه در خدمت دعوتگران قرار دارد، اگر کمی وکاستی وجود دارد در خود دعوتگران است نه در فرصتهای دعوتی، البته امکانات مادی و اقتصادی نهادهای دعوتی کم است لیکن فرصتهای خوبی هم دارند.

۸- همین وسائل نشر منکرات (رسانه ها و مطبوعات) که بدست دیگران قرار دارد اکثرا سلاحهای دو تیغه است که بدست ما و شما نیز قرار دارد می توانیم با استفاده از این

وسائل دعوت خود را در هر گوشه و کنار برسانیم البته با شیوه‌های خوب و زیباتر و مؤثریت بیشتر.

۹- باید ایجابی باشیم و از لا بلای شکایات زیاد، نقد بیجا و سلبی گرایمی نمی توانیم اسلام را خدمت کنیم و هر مشکل را بالای دیگران بیندازیم و آنها را ملامت کنیم، زیرا این امر نه تنها شیوه دعوتی نیست بلکه همت جوانان را پایین میندازد و یأس و ناامیدی را در اذهان شان غرس می کند، در جامعه ما شیوه بشارت و خوشخبری، تبسم، خوش اخلاقی، رفتار نیکو و با معنویات بالا مؤثریت بیشتر دارد زیرا بعض گروه‌های جنگی بنام دین از شدت وسختی و قساوت قلب کار گرفتند مباحات و مستحبات را بر مردم بنام فرض و واجب با متوسل شدن بزور تحمیل کردند و بعوض فهماندن مردم که یک اصل مهم دعوتی است آنها را مورد آزار و اذیت قرار دادند، حکمت و تدرج که از زمانه رسول الله صلی الله علیه و سلم تا به حال از مبادی مهم دعوت است آنها این دو رکن دعوت را زیر پا نمودند، که تا بحال آثار عملکردهای نامناسب و با شیوه های قرون وسطائی آنها یکی از موانع دعوت بشمار میرود.

۱۰- فراموش نکنیم که ما و شما به بشمولیت اسلام عقیده و ایمان و باور داریم و وظیفه پیاده کردن و تطبیق دین مبین اسلام را در میدانهای مختلف بدوش داریم مثلا در میدانهای: فکر و ثقافت، تعلیم و تربیه، اجتماع، اقتصاد

وتجارت، سیاست و حکومت داری خوب و مثالی، جوانان و خواهران و غیره، تنها دعوت ما و شما زبانی و قلمی نیست و مثل دیگران مسائل دینی را در مساجد و مدرسه خلاصه نمی کنیم بلکه تقاضای این دعوت شمولی این است که توجه ما در بخشهای کمک رسانی، آبادانی همه جانبه هم باشد ضرورتها و اولویتهای جامعه خود را در نظر داشته باشیم.

۱۱- دعوت اسلامی کار و وظیفه موسمی یک روز و یک هفته نیست بلکه کار دینی و ایمانی طویل المدت است که تا به قیامت ادامه دارد و مهم این است ما و شما رهروان این قافله باشیم و از اجر و ثواب و فضیلت آن بی بهره نمایم و زیرکانه عمل کنیم زیرا با وجود اینکه در قلبهای ملت و مردم متدین خود جا داریم دشمنان خط وسطی هم کم نیست، و از هر طرف مورد نشانه تیرهای گوناگون قرار داریم، گروهها و افراد به نامها و مسمیات مختلف که افکار و نظریات سیکولریستی دارند میدانند که دعوت وسطی اسلام را به شکل حقیقی تمثیل میکند و سبب نشر آن می شود آنها ناراحت هستند و در کمین بر ضد ما و شما نشسته اند، روشن فکران دینی- به اصطلاح خودشان- دشمنی شان آشکار است و درک کرده اند که ساحه را بالای شان تنگ کرده ایم، اشخاص، گروهها و نهادهای که نظریات تکفیری دارند از ما و شما توقع این را دارند که با آنها

همنوائى كنيم، نيز ما وشماخارج چشم قومگرايان وسمت  
 وزبان پرستان هستيم، متعصبين كه برداشتهاي نادرست  
 شان را به دين مبين اسلام وبه مذهب حنفي ما وشما  
 نسبت ميدهند وعقبماندگيهاي ديني وعملكردهاي خرافاتي  
 كه فكر وتصور شان را تشكيل ميدهد نيز از ما وشما ناراض  
 هستند، لهذا متوجه اين همه چلنجهها وچالشها وموانع هم  
 باشيم وبا هر يكي مطابق رهنمودهاي قرآني،سنت نبوي،  
 وشيوهاي را كه صحابه كرام رضى الله عنهم وتابعين، ومن  
 بعدهم از علماء وفقهاء ودعوتگران بكار برده اند مطابق آن  
 عمل كنيم.

ان شاء الله العظيم فهم درست وصحيح وشمولي از  
 اسلام، حكمت، تدرج،اخلاق نيكو، صبر وشكيبايي ضامن  
 كاميابي دعوت ما است.



### دحقپالونكو علماو سره دوستي او دهغوى درناوى

علماء ددين پوهان گنهل كيبري او دوي هغه  
 خوك دي چې د اسلامي شريعت په رنكاكې د ټولو  
 بشري بنديزونو سره بيا هم الهي حكمونه خلكو  
 ته په ډاگه سره بيانوي، د حلالو خپزونو ټاكلو  
 پولو، شرائطو او ځانگړتياو ته بر بل هر چا  
 زياته پاملرنه كوي او د حرامو خپزونو په اړه

دقيق او وثيق (باوري) معلومات لري. رښتيني علماء په حقيقت كې د اسلام هغه ستر امامان دي چې په خپل بې ساري صبر، استقامت او پرله پسې هلوځلو سره تل په هر عصر كې د كفر دسپسې شنډوي او د عزت لوړ مقامونه ترلاسه كوي او دوي د پيغمبرانو رښتيني وارثين گڼل كيري.

دوي هغه ستر شخصيتونه دي چې له پيغمبرانو (عليهم السلام) څخه دويته علم او پوهه په ميراث كې راپاتې ده، دوي هغه كسان دي چې د شك او شبهاتو له ځايونو څخه خپل ځانونه لري ساتي او په خپلې دقيقې پوهې سره د حق لارموندونكي دي. نن كه دوي پېژندل كيري، دا له دې كبله چې دوي د اسلام په لاره كې جهاد كړيدى، د دعوت او د حق نه ددفاع په لاره كې بې خپل ارزښتمن عمرونه قربان كړيدي او نه سترى كېدونكى هلى ځلى بې ترسره كړيدي او همدا حق پالونكي علماء هماغه رښتيني علماء دي چې مونږ ته پدې باندې امر شويدي تر څو ددوي سره دوستي وپالو او په زړه كې ورسره مينه وساتو. دحقيالونكو علماو سره دوستي او د هغوى درناوى.

دفتنو او آزمېښتونو (امتحانونو) په دې عصر كې چې د زياترو خلكو فكرونه منحرف او

د دنيوي لالچ له کبله ېې زړونه له حق څخه کاره شويدي، مگر په همداسې کرکيچنو حالاتو کې بيا هم يو لړ خلک داسې شته دي چې د رښتینو علماؤ سره په زړه کې ېې کچې مينه پالي او د هغوی په څېر ېې د حق نيغه لاره ټينگه نيولی وي.

که اوسنيو سختو شرايطو کې يوه شېبه فکر وکړو؛ نو جوته به شي چې ددې عصر له زړه رابښکونو فتنو څخه انسان يواځې او يواځې د الله تعالی (جلت عظمته) په ېې ساري فضل او لورينې سره خوندي پاتې کيدلی شي، او هغه کسان خوندي پاتې کيدلی شي چا ته چې لوی څښتن تعالی گټور علم، دقيقه پوهه، د بصارت تر څنگ د بصيرت رڼا ورپه برخه کړی وي او د رښتینو علماو لاره ېې نيولي وي.

رښتيني علماء د ټولني هغه بل څراغونه او هغه وياړلی او نوميايي کسان دي چې د الله تعالی په لاره کې د هر راز سرښندنې، جهاد او مبارزې ته چمتو دي او خپل ځانونه ېې د الله تعالی په لاره کې دعوت ته وقف کړي وي او د خلکو د خدمت لپاره ېې خپله ملا راتړلی وي، په رښتيا سره چې حقيالونکي علماء پر مونږ باندی د الله تعالی يو بې سياله نعمت دی؛ نو مونږ ته هم بنايي د داسې رښتینو علماؤ تقدير او درناوی وکړو او دوي

هيڅکله هم د سختيو او د حق پدې اوږده او اغزنه لاره کې د اسلام د بنمنانو ته يواځې پرې نږدو.

کله چې د نړۍ تاريخ خپل مخې ته کېږدو او د ولسونو د تاريخ پانې اړوو؛ نو په پايله کې به ډېر داسې کسان ومومو چې د حق څخه منحرف او بنوئېدلي دي، دوي د نړۍ مغرياتو (دوکه کوونکو خيزونو) په بې لارو کې بنکيل او د جهالت پر کنډوالو بې روان روان کړيدی، د ژوند په خطرناکو او حساسو شېبو کې ځيني کسان خو بيا داسې بنوئېدلي دي چې لا تر اوسه هم بېرته د حق نېغې لاری ته ندي راستانه شوي او لا اوس هم د فساد او کساد، اخلاقي، عقيدوي او فکري انحرافاتو په څر ډنډ کې راگير شويدي.

قدرمنو او خوږو لوستونکو!

دلته ددې مهمې خبرې يادونه هم بايد وکړو چې: په اوسنيو سختو شرايطو او سرنوشت سازه شېبو کې چې د اسلامي امت ورسره مخامخ دی، او په هر ځای کې رښتيني او حق پرسته علماء د طاغوت د پلويانو په لاس په خورا جرأت سره په څو کلن زندان محکومېږي، زمونږ دعوتگر وروڼه او خوبندې مو په يوه او بله بهانه په خورا بې دردی سره وژل کېږي، مونږ ته بنايي چې



چوپ او بيې تفاوته پاتې نشو، مونږ هم د رښتینو، متقي او حقپالونکو علماو لاره تعقيب کړو تر څو د الله تعالى په مرسته نه یواځې دا چې هر راز خبر او بريالیتوب مو په برخه شي، بلکه وکولى شو د انحرافاتو او بيې لار تیاؤ په دې طوفاني څپو کې مسلمان ولسونه له تورو تيارو څخه وژغورو، خپل ځانونه، او مسلمان ملتونه داسې وروزو چې د کفر د غرور ستنې ماتې کړي او د غربي مطبوعاتې او فکري جنگ څخه خپل ځوان او راتلونکي نسلونه د نجات ساحل ته یوسو .

که چیرې د رښتیني علماو البوم او د ژوند واقعیتونه راوسپړو، ددې سرښندنو نکو اتلانو کارنامې انځور کړو او ددوي په ژوند کې لږ فکر وکړو او بیا له لږ ځنډ وروسته له خپل ځان څخه وپوښتو چې: ولې دوي له مړینې وروسته بیا هم ژوندي دي؟ ددوي نومونه د تاریخ په زرینو پاڼو کې ولې ځلیدونکي ښکاري؟ دوي څنگه وکولى شول چې له مړینې وروسته نیک نامي تر لاسه کړي؟

په دې ټولو پوښتنو کې له لږ فکر وروسته به څرگنده شي چې دوي هغه کسان ول چې په رښتیني توگه سره به له خپل پرورگار څخه وپربدل،

تقوى پې د ژوند شعار گرځولى ؤ او د اسلام لپاره هر راز سرښندنې ته په فكري او مالي لحاظ چمتو ناست ول او د رښتینو علماو، پوهانو، څېرکه او هوښیارو خلکو سره پې دوستي پاللله او له دوي سره پې خپل عمر تیر کړى ؤ. له دې پرته په دې ډله کې ډېر خلک داسې اوس هم شته دي چې د ژوند د هر راز بوختیاو سرښېره بیا هم د داسې رښتینو علماء سره دوستي او ملگرتیا ته چمتو دي او ددوي د حقې لارې لارویان دي.

که بل لوري ته د هغه کسانو په ژوند کې هم لږ فکر وکړو چې ولې دوي نن د حق د لارې څخه منحرفه او بې لارې شويدي؛ نو د فکر وروسته به دا خبره هم مونږ ته جوتې شي چې په تېر او اوسني تاریخ کې دا ډول خلک د شیطان په لومو کې ښکېل شويدي، د خپل شر خوښونکي نفس او خواهشاتو پیروي ددوي سترگې ړندې کړيدي او د رڼل شوي شیطان او ابلیس په لمسه د حق د مستقیمې لارې څخه ښوېدلې دي او زیاتره له دوي څخه، ناپوهان، کم عقلان او هغه کسان دي چې نن د شیطان په اسارت (زندانه) کې راگیر شويدي، شیطانان د دوي معلم او ښوونکی دی او د همدې په نتیجه کې دوي په هر راز اخلاقي فقر، ظلم او رزالتونو کې لويدي دي.

په پای کې غواړو همدومره ووايو چې: نن اسلامي امت تر بل هر وخت له زياتو چيلنجونو او د دښمن له لوري له هر راز ننگونو سره مخامخ شويدي؛ نو پداسې حساسو شېبو کې زمونږه دنده او مسؤليت دادی چې له رښتینو علماو سره ټينگه رابطه وساتو، له دوي سره د زړه له کومي مينه او دوستي وپالو، د حق په نېغه لاره باندی د لا ټينگ پاتې کېدلو لپاره ورته دعاء وکړو تر څو نور په نړۍ کې د کفر، ظلمونو، استبداد، مسلمان زورونې دا تېر ټول شي، سوله رامنځ ته او خیر، خوشحالتيا او سوکالي هر پلو ته عامه شي، الله تعالی ددغسې رښتینو علماء په اړه په ډېرو ښکلو کلماتو کې داسې ستاينه کوي او فرمايي چې: "إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ"<sup>١</sup>.

ترجمه: بېشکه چې د الله تعالی څخه د هغه په بندگانو کې علماء وېريري (په طاعت او بندگۍ او د گناهونو څخه په ځان ساتلو سره ېې له عقاب او عذاب څخه وېره لري) او خامخا الله تعالی (جلت عظمته) ښه قوي او خورا ښوونکی دی.



<sup>١</sup> - سورة فاطر، آيت: ٢٨.

## فرق بين حلقه هاي قرآن خواني و ختم هاي مروجہ کرايي

یک سوال داشتم. در باره ختم قرآن کریم به صورت دسته جمعی که خانه ها میشود معلومات بدهید، مشروع است؟ به کدام دلیل مشروع شده؟ آیا همین قسم ختم ها بدعت است یا نه؟

و هم چنان در این روز ها در صفحات اجتماعی فیسبوک هم همین قسم ختم های قرآن کریم شروع شده.

این قسم ختم ها چگونه است از دیدگاه اسلام؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:

حلقه های قرآن کریم و تجوید و ترتیل و حسن قراءت و تفسیر و شرح معانی آیات قرآن کریم و بیان احکام آن کار مستحب و مشروع و مرغوب است که مسلمان در آن اجر و ثواب نصیب می شود، اگر مردها باهم باشند در حلقه های خاص، و یا هم خانمها و خواهران باهم باشند در حلقه خاص به خود شان که صدای شان را نا محرم نشنود، چی در مسجد و خانه ها و مکاتب و یا در فورمها انترنیتی و فیسبوک، زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم و صحابه کرام بخاطر قرآن خوانی و تلاوت با هم جمع می شدند و ثابت است که ایشان با عبد الله ابن مسعود رضی الله بخاطر قرآن خوانی نشسته بود و در بخاری و مسلم ذکر شده، بلکه آنحضرت

صلى الله عليه وسلم تشويق هم کرده مسلمانان را بخاطر قرآن خوانی و تلاوت در حدیث که ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم، "وما اجتمع قوم في بيت من بيوت الله يتلون كتاب الله ويتدارسونه بينهم إلا نزلت عليهم السكينة وغشيتهم الرحمة وحفتهم الملائكة وذكروهم الله فيمن عنده"<sup>١</sup> هرگاه و هر وقت که یک مجموعه از مسلمانان در خانه خداوند یعنی مساجد باهم قرآن کریم را مدارس می کنند یعنی تلاوت و تجوید و ترتیل و تفسیر میکنند خداوند بالای شان اطمینان و آرامی خاطر را نازل نموده و رحمت خود را نصیب حال شان میسازد و در احاطه ملائکه میباشند و همچنان خداوند ایشان را در یاد خود می داشته باشد، یعنی یاری و مدد می نماید، این حلقه های قرآنی در همه بخشهای از تاریخ جریان و ادامه داشته و تا به حال بین مسلمانان جهان مروج است و مشروع است بلکه همین بسیار ثواب و فضیلت دارد، و امام نووی رحمه الله در کتاب ریاض الصالحین بابی را بنام "باب استحباب الاجتماع على القراءة" مستحب بودن جمع شدن بخاطر تلاوت و خواندن قرآن کریم نوشته که در آن احادیث صحیح را ذکر کرده.

<sup>١</sup> - صحیح مسلم، کتاب الذکر والدعاء والتوبة والاستغفار، باب فضل الاجتماع على تلاوة القرآن وعلى الذکر، رقم الحدیث: (٢٦٩٩)، (ج٤، ص٢٠٧٤).

یکی تلاوت می کند و دیگران گوش میدهند و احکام تجوید را تطبیق میکنند و خواننده را متوجه غلطی اش میسازند و هم در آخر تفسیر هم می شود، این است مدارسه قرآن کریم و طریقه مسنون و مستحب و مشروع.

لیکن ختم های مروج که قاری صاحبان را مردم به کرایه می آورند و یا اینکه جمع می شوند که باید به هر صورت قرآن کریم ختم شود، اگر در خانه باشد و یا در فاتحه خوانی باشد و یا در فورمهای انترنیتی و فیسوک باشد مشروعیت ندارد بلکه علمای معاصر آن را بدعت و نوآوری دانسته اند و هیچ دلیل برای برگزاری آن وجود ندارد جزء عادتی بیش نبوده.



### علمای راستین چراغان با افتخار جامعه ما اند

علمای راستین دانشمندان دین شمرده میشوند و اینها کسانی هستند، که با وجود هزاران چالش باز هم در روشنی شریعت اسلامی احکام الهی را برای مردم با صراحت بیان می کنند در تشخیص، شرایط و ویژگی های حلال نسبت به هر کسی دیگر توجه می کند و در مورد اشیای حرام معلومات دقیق و قابل اعتماد دارند، این علمای واقعی در حقیقت آن امامان بزرگ شریعت هستند که با صبر،

استقامت و سعی و تلاش بیش از حد خود همیشه در هر عصر دسیسه های شوم دشمنان دین مبین اسلام را خنثی نموده و مقام و منزلت بزرگ عزت را بدست می آورند. و اینها وارثین حقیقی پیامبران شمرده می شوند.

ایشان آن شخصیت‌های بزرگی هستند، که علم و دانش به ایشان از پیامبران به میراث رسیده است، اینها کسانی هستند، که از مواقع شک و شبهه خود را دور نگه‌میدارند و با علم شرعی و دانش دقیق دینی خویش راه حق را دریافته اند.

امروز اگر اینها در بین مردم شهرت دارند دلیلش این است که بخاطر سربلندی اسلام عزیز جدوجهد نموده اند، و در راه دعوت حق و رسانیدن احکام دین مبین اسلام و آگاهی دهی و پیام رسانی دینی عمر با ارزش خویش را صرف نموده و سعی و تلاش خستگی ناپذیر را انجام داده اند و همین علمای حقیقو آن علمای واقعی هستند که ما امروز با دوستی و محبت داشتن با ایشان و احترام و عزت نمودن آنها مأمور شده ایم.

در این عصر آزمایشات و ابتلاءات و فتن که اگر افکار و اندیشه و قلبهای مردم افکار در اثر گرفتاری در لالچ های دنیا از راه حق منحرف گردیده، اما در همین حالات پر از چالش ها تعدادی هستند که در قلب های خویش محبت

بیش از حد علماء را جا داده و مانند آنها راه حق را در پیش گرفته اند و دنبال آنها میروند تا اینکه از علم و اخلاق و دعوت این علمای راستین بهره مند شوند و از فتنه های دنیا در امان بمانند.

اگر در شرایط دشوار فعلی نظر بیندازیم واضح خواهد گردید، که انسان از فتنه های دلخراش این عصر تنها با رهنمایی و عظمت الله متعال محفوظ مانده می تواند و کسانی از این فتنه ها در امان مانده می توانند که علم نافع و دانش دینی واقعی را در کنار بصیرت حقیقی نصیب گردیده باشند و راه علماء واقعی را تعقیب کنند.

بلی علمای واقعی آن چراغان با افتخار جامعه ما اند که در راه الله متعال به هر نوع جهاد و مبارزه آماده هستند و وجود و زندگی و وقت و مال خود خویش را در راه دعوت الهی وقف نموده و به خدمت مردم ارده نموده اند.

در حقیقت علمای حقپرست و حقجو نعمت بزرگی الهی برای ما میباشند، پس بر ما لازم است که چنین علماء را تقدیر و احترام نموده و نباید هیچگاهی هم در راستای سخت و طولانی راه حق آنها را در مقابل دشمنان تنها بگذاریم.



زمانیکه به تاریخ جهانی توجه میکنیم و صفحات تاریخی کشورها را برمیگردانیم سپس در اخیر آن بسیاری چنین اشخاص را در می‌یابیم که از راه حق منحرف گردیده اند اینها شکار چیزهای فریبنده گردیده و در گودال‌های کثیف افتاده اند بعضی اشخاص در لحظات حساس و خطرناک زندگی چنان لغزیده اند که نتوانستند دوباره به راه حق ایستاد شوند و هم در گرداب فساد و انحرافات عقیدوی و اخلاقی گیرمانده اند.

خوانندگان عزیز و گرانقدر! در اینجا باید مسأله مهم را یادآوری کنیم که در این شرایط دشوار و لحظات سرنوشت ساز فعلی که امت اسلامی با آن مواجه است و در هر جای علمای راستین و واقعی و حقپرست از دشمنان دین مورد ظلم و ستم قرار میگیرند برادران و خواهران دعوتگر ما به بهانه‌های بی‌مورد کشته میشوند بر ما لازم است که خاموش و بی‌تفاوت نباشیم ما هم راه علمای حقجو و متقی و صادق را تعقیب کنیم تا اینکه به یاری الله متعال نه تنها اینکه هر نوع خیر و کامیابی نصیب ما گردد بلکه می‌توانیم مسلمانان را از طوفان تاریک انحرافات نجات دهیم خود را و برادران و خواهران مسلمان خود را چنین تربیت کنیم که قله‌های غروردشمنان اسلام را شکستانده خود و نسل آینده را از جنگ فکری و رسانه‌های غربی به ساحل نجات برسانیم.

اگر واقعیت‌ها و گذشته زندگی علما را جستجو کنیم و به بحث گیریم و کارنامه‌های این قهرمانان میدان علم و دانش و دعوت را به تصور بکشیم و در مورد زندگی اینها اندکی تأمل کنیم و بعد از اندکی فکر و غور و بررسی از خود بپرسیم که چرا نام اینها و کارنامه‌های شان بعد از مرگ هم زنده است، نام‌های اینها چرا در تاریخ با خط زرین می‌درخشد اینها چگونه توانستند که بعد از مرگ هم نام نیک را بدست بیاورند.

بعد از اندکی فکر در مورد تمام این پرسش‌ها آشکار خواهد گردید که اینها کسانی بودند که به واقعیت از الله متعال می‌ترسیدند تقوی را شکار زندگی خویش گشتانده بودند و برای هر نوع فداکاری فکری و مالی و جانی در راه اسلام آماده بودند.

از نگاه دیگر اگر در مورد زندگی منحرفین و اشخاص گمراه اندکی فکر کنیم که چرا اینها امروز از راه حق منحرف گردیدند؟ پس بعد از اندکی تأمل این حقیقت هم برای ما آشکار خواهد گردید که در ادوار گذشته و فعلی چنین اشخاص به دام شیطان کشیده شده‌اند زیرا از علمای راستین دوری نموده و پیروی خواهشات نفسانی چشم‌های اینها را کور نموده و به وسوسه‌های شیطان و ابلیس از راه حق و مستقیم لغزیده‌اند و بیشتر شان نادانان و بی‌خردان کسانی هستند که امروز در اسارت شیطان گرفتار شده‌اند

شیطانها معلم و رهنمای اینها می باشد و در نتیجه اینها به هزاران فقر اخلاقی ظلم و فساد غرق شده اند.

در اخیر می خواهیم همین قدر بگویم که امت اسلامی امروز نسبت به هر زمان دیگر با چالش ها وودسایس گوناگون دشمنان داخلی که عبارت از مناقین هستند و دشمنان خارجی که به همه معلوم است مواجه می باشد، پس در این لحظات حساس وظیفه و مسئولیت ما انسانهای رسالتمند و دلسوز به اسلام عزیز و ملت متدین مان این است که با علمای راستین و واقعی رابطه مستحکم داشته باشیم و با ایشان از عمق قلب محبت و دوستی نماییم، و بخاطر ثبات و پایداری علمای خود در راه حق دعا کنیم، تا اینکه در نتیجه تلاش های اصلاحی این چراغان با افتخار جامعه امت ما از ظلم و ستم و ذلت و خواری نجات یابند.

الله متعال علمای راستین و واقعی را چنین تعریف نموده و در وصف شان فرموده است: "إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ"<sup>۱</sup>.

یقیناً در زمره بندگان علماء از الله متعال می ترسند یعنی الله متعال را به وحدانیت عبادت میکنند حلال و حرام را میشناسند، حق را از باطل فرق و تمیز می نمایند و خود را

<sup>۱</sup> - سورة فاطر، آیت: ۲۸.

کشتی نجات جامعه خود می سازند تا اینکه مردم در بحر شرک و انحرافات و عقبماندگی های بی دینی غرق نشوند.. بدرستی او تعالی ذات بخشاینده و مهربان است.



### په اسلام کې د نصیحت کولو ارزښت

په اسلام کې د نصیحت موضوع یو له حیاتي او خورا مهمو موضوعاتو څخه گڼل کېږي او په قرآن کریم او په نبوي مبارکو احادیثو کې ددې موضوع ارزښت په خورا ښه ډول سره څرگند شوی دی .

که چیرې مونږ په خپل تیر تاریخ کې د پیغمبرانو (علیهم السلام) او د صالحو او انسان دوسته خلکو د ژوند په اړه لږ فکر وکړو؛ نو جوته به شي چې د دوي د مهمو ځانگړتیاو او صفتونو څخه یو صفت هم په پټه او ښکاره توگه سره نورو ته نصیحت کول ؤ او د همدې خیر خواهی او خواخوږی په مرسته به دوي د خلکو زړونو ته لارې ویستلی، ځکه چې په نصیحت کولو سره د ولسونو او ملتونو پر مخ د خیر، ښېگڼو، مواساتو او همدردیو ډېری دروازي پرانستل کېږي، خو له بده مرغه نن دا موضوع

زمونږ په ټولنه کې تر ډېره حده پورې ورکه شوی بنکاري.

کله چې قرآن کریم ته راوگرځو او په تلاوت کې پیل وکړو؛ نو جوته به شي چې په قرآن کریم کې هم د گڼ شمېر داسې پیغمبرانو یادونه شوې ده چې دوي به خپل قوم ته د نیکو په لوري بلنه ورکوله او د خپلې سیمې خلک به یې خبر نښېدلې ته رابلل، لکه چې لوی څښتن تعالی فرمائي:

"أَبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ"¹.

ترجمه: یعنی نوح (عليه السلام) خپل قوم ته وویل: ((زه تاسې ته د خپل رب پیغامونه در رسوم او نیکه موعظه (پند) تاسې ته در کوم او د الله تعالی (له لوري پر هغې وحي) باندې چې تاسې پری نه پوهیږئ زه پوهیږم)).

کله چې د پیغمبرانو (عليهم السلام) تاریخ لولو؛ نو جوتیري چې د هغوي له مهمو خصلتونو څخه په پوره امانت داری، خواخوږی او نرمی سره خپل قوم ته نصیحت کول و او په خورا اغېزمنه ژبه به یې د الله تعالی (جلت عظمته) په

¹ - سورة الأعراف، آیت: ٦٢ .

لوري د خلکو زړونه را نرمول او په دې توگه سره به ېې وېده او ېې پروا ملتونه رابيدارول.

د دوي بله مهمه ځانگړنه داوه چې دوي د الله تعالى (جلت عظمته) په دين باندې له نورو خلکو څخه به تر بل هر چا زيات پوهيدل. همداراز د پيغمبرانو (عليهم السلام) له ډلې څخه بيا کله چې د حضرت صالح (عليهم السلام) تاريخ ته کتنه وکړو؛ نو دا راڅرگنديږي چې هغه به هم د خپل قوم ېې لارو ډلو او د طاغوت پلويانو ته د حق په لوري بلنه ورکوله او دوي ته به ېې د الله تعالى سپېڅلې وينا او پيغام ورساوه، خو ستونزه داوه چې دې قوم به له خير غوښتونکو او نصيحت کوونکو سره مينه نه ساتله، لکه چې قرآن همدي خبرې ته په اشارې سره مونږ ته داسې وايي:

"فَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِن لَّا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ"<sup>١</sup>.

ترجمه: نو صالح (عليه السلام) له دوي څخه ولاړ (او د تأسف او (د خواشینی په حالت کې) ېې وويل: ای زما قومه! قسم دې چې خامخا ماتاسې ته د لوی پروردگار پيغام ورساوه او تاسې ته مې پند

<sup>١</sup> - سورة الأعراف، آيت: ٧٩.

در کر، خو تاسې نصیحت کوونکي نه خوښوی. بیا کله چې د حضرت شعیب (علیهم السلام) ژوند ته کتنه وکړو؛ نو څرگندیږي چې هغه به هم د خلکو د خیر خواهي لپاره خورا هلی ځلی کولی، لکه چې قرآن مو ورڅخه داسې خبروي او فرمایي: **{فَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ فَكَيْفَ آسَىٰ عَلَىٰ قَوْمٍ كَافِرِينَ}** ۱.

ترجمه: نو (حضرت شعیب (علیهم السلام)) له دوي څخه خپل مخ وگرځاوه، او وې ویل ای زما قومه! په یقیني توګه سره ما د خپل رب پیغامونه تاسې ته در رسولي دي او تاسې ته مې (رنگارنگ او اغېزمن) پند در کړی دی (خو تاسې هیڅ ایمان رانه وړ)؛ نو څرنگه به زه د کافرانو د قوم (په هلاکولو باندی) زه خفه شم. د پورتنی مبارک آیت معنی او مفهوم همدا دی چې: یعنی زما دنده او وظیفه همدا ده چې تاسې د حق لاره روښانه کړم، د الله تعالی له وحدانیت او اوامرو څخه مو خبر کړم، او د نصیحت په نرمه او زړه راښکونکي لهجه تاسې ته هغه څه چې الله تعالی منع کړي دي تاسې ته بیان کړم.

د پیغمبرانو دندې او مسؤلیتونه:

۱ - سورة الأعراف، آیت: ۹۳.

د پیغمبرانو (علیهم السلام) د مهمو خانگرتیاو  
 خڅه یوه داوه چې: دوي به خپل قوم ته د مواعظې  
 او د نصیحت نه ډکې او گټورې خبرې کولې، له  
 همدې کبله علماء د پیغمبرانو رښتینې وارثان گڼل  
 کېږي او پیغمبرانو (علیهم السلام) تر خپل خان  
 وروسته دینار او درهم نورو ملتونو ته تر شا  
 ندي پرې ایښې، بلکه تر خان وروسته ېې علم  
 پرې ایښی دی؛ نو چا چې علم زده کړ، په حقیقت  
 کې په زیاته پیمانه یو څه (خیر) تر لاسه کړیدی.  
 (أخرجه الترمذي / حدیثو شمېره ٢٦٨٢ جلد ٥ ٤٨٥  
 مخ).

د دعوت او نصیحت لاره د پیغمبرانو سپېڅلې  
 لاره ده چې خلک ورته رابولي، لوی څښتن تعالی  
 ېې په اړه داسې فرمایي: **قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى  
 اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي...**<sup>١</sup>.

ترجمه: ووايه (دوي ته ای محمده!) چې دغه  
 (ایمان او توحید) زما لاره ده چې (تینگ پری ولاړ  
 یم) او هم زه او هم ټول هغه خلک چې زما پیروي  
 کوي ورته په څرگنده دلیل سره رابولم.

امام الشوکاني (رحمه الله) ددې آیت په تفسیر  
 کې فرمایي: په دې مبارک آیت کې ددې خبرې

<sup>١</sup> - سورة يوسف، آیت: ١٠٨.



خرگنده دليل دى چې هر مسلمان ته بنايي تر خود  
الله تعالى څخه هغه ډول دعاء و غواړي په كوم ډول  
چې به پيغمبرانو (عليهم السلام) له خپل لورونكي  
څښتن تعالى څخه دعاء غوښتله، لكه چې لوى  
څښتن تعالى ارشاد فرمايي: [لَيْسَ عَلَى الضُّعَفَاءِ وَلَا  
عَلَى الْمَرْضَىٰ وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يَنْفِقُونَ  
حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ ۚ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ  
مِنْ سَبِيلٍ]¹. ترجمه: نه پر بې وزلانو (چې د زيات  
زړښت له كبله) او نه هم په (هغو) رنځورانو باندې  
(چې د ناجور تيا په حالت كې وي) او نه هم پر هغو  
كسانو باندې (چې له جهاد څخه وروسته پاتې شوي  
وي او رښتيني عذر لرونكي خلك وي) هيڅ گناه  
نشته چې دوي (د زيات فقر او افلاس له كبله  
دومره مال هم) نه پيدا كوي چې تر څو بې (په  
غزا كې) ولگوي. هر كله چې دوي له الله  
تعالى (جلت عظمته) او د هغه له رسول سره بې  
سارى اخلاص څخه كار اخلي (او زړونه او نيتونه  
بې روغ وي او د الله تعالى او د هغه له رسول سم  
چلند كوي) په نيكي كوونكو باندې د عذاب هيڅ  
لاره نشته، (بلكه اميد دى چې دوي به وښل شي).

¹ - سورة التوبة، آيت: ٩١.

په پورتنی مبارک آیت کې مونږ ته د همدې  
 ښودنه کېږي چې که چیرې یو تن د یو لږ  
 ځانگړو عذرونو او لاملونو له کبله جهاد ته شا  
 کړي او گډون پکې ونشي کولای، بیا هم ددې هیله  
 مندي شته چې لوی څښتن تعالی به ورته په خپلې  
 بې ساري لورینې سره ښښه وکړي، خو لوی  
 څښتن تعالی خپل هغه بنده ته چې د الله تعالی په اړه  
 سالمه او روغه عقیده ونلري او هغه ته په عبادت  
 ترسره کولو کې له اخلاص څخه کار وانخلي او له  
 دین سره سم چلند نه کوي، هیڅکله به ورته ښښه  
 ونکړي.

راځئ چې پدې اړه د ابن رجب (رحمه الله) دا  
 وینا هم ولولو چې فرمایي: که چیرې یو څوک د  
 یو رښتیني عذر له کبله له جهاد څخه وروسته پاتې  
 شي؛ نو پر ده باندې هیڅ گناه نشته، خو پدې شرط  
 چې له خپل پروردگار سره به هیڅ شریک نه  
 پالي، (یعنې دخپل نه فناء کېدونکي پروردگار په  
 اړه به هیڅ ډول نیمگړی تصور نلري، له گناهونو  
 څخه به ځان پاک ساتي او له خلکو سره به تر کومه  
 بې چې له وسه پوره وي؛ نو له تَلَطُّفٍ (نرمۍ) څخه  
 به کار اخلي)، خو د رسول الله (صلی الله علیه  
 وسلم) په وخت کې به منافقینو خپلې بهانې او  
 بېځایه عذرونه وړاندې کول او د جهاد له درندې

وظیفې څخه به پې خپل ځانونه پټول او نه به پې هم نیک عملونه تر سره کول او نه به پې د شرک او معاصیو څخه ځانونه ژغورل. (جامع العلوم والحکم د ابن رجب لیکنه / ١٤٠ مخ).

کله کله داسې هم کېدلی شي چې د یو انسان ټول گناهونه رټول کېږي (ورته بېنل کېږي) خو هغه انسان چې خپل خالق او پروردگار (جلت عظمته) د الله تعالی په اړه پې ناسم تصور او ناروغه عقیده درلوده، دا ورته نه بېنل کېږي. که چیرې نصیحت په اسلام کې کوم ارزښت نه درلودلای؛ نو نصیحت به هیڅکله هم په اسلام کې په دین سره به نه نومول کېدلی.

تاسې به هم شاید دا مشهور حدیث لوستلی وي چې د حضرت تمیم الداري (رضي الله عنه) څخه روایت دی چې مهربان پیغمبر اکرم (صلى الله عليه وسلم) فرمایي: (الدِّينُ النَّصِيحَةُ) قُلْنَا لِمَنْ؟ قَالَ: (لِلَّهِ وَلِكِتَابِهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَعَامَّتِهِمْ)<sup>١</sup>.

دین نصیحت (خیر خواهي) ده، مونږ وویل: د چا لپاره؟ وې ویل: د الله تعالی او د هغه رسول او د هغه د کتاب او د مسلمانانو د مشرانو د عامو

<sup>١</sup> - صحیح مسلم، کتاب الإیمان، باب بیان أن الدین النصیحة، رقم الحدیث: (٥٥)،

(ج ١، ص ٧٤).

مسلمانانو لپاره. همداراز په يو بل حديث شريف كې چې د حضرت ابوهريرة (رضي الله عنه) څخه روايت شويدي، په هغې كې نبي(عليه السلام) درې ځلې فرمايي: دين نصيحت دى (يو بل ته د خير غوښتل او خواخوږي كول دي). كه پورتنې دواړو حديثونو ته ځير شو؛ نو جوته به شي چې دا دواړه حديثونه د نصيحت پر ارزښت باندې دلالت كوي او مونږ ته ددې ښودنه كوي چې نصيحت په اصل كې د اسلام د بنيادي ستونو څخه شمېرل كيږي او مسلمان ته ښايي چې د خپلو نورو مسلمانانو وروڼو او خوښو لپاره په پټه او ښكاره سره خير و غواړي، نه به د نورو د مال او نه هم د عزت سپكاوى كوي، د ټولنې د فكر د تخريبولو او د نورو د وژلو او د بې وزلو خلكو د ويني د تويولو څخه به په كلکه توگه سره ځان ساتي.

د نصيحت په اړه مو چې د كوم حديث شريف يادونه وكړه په حقيقت كې خورا يو ستر حديث دى چې خواره واره مفاهيم او مطالب پكې په ډېرو لنډو ټكو كې راټول شويدي، دا تر دې پورې چې امام ابن بطال (رحمه الله) وايي چې: نصيحت ته دين او اسلام هم ويل شويدي (چې دا پخپله په اسلام كې د نصيحت پر ارزښت باندې دلالت كوي).

امام ابن حجر العسقلاني په دې اړه په خپل هغه کتاب کې چې (فتح الباري بشرح صحيح البخاري) يعنې د امام بخاري (رحمه الله) پر کتاب بې چې کومه شرح ليکلي داسې وايي: کله چې تاسې دا حديث لولې چې دين نصيحت دی؛ نو ددې يوه معنا خو دا کيدلی شي چې په دې جمله کې مبالغه ده، يعنې دا پدې معنا سره چې ددين زياتره برخه داده چې مسلمانان به پخپلو منخونو کې يو د بل خیر غواړي، د مثال په توگه: د حج په اړه به تاسې هم لوستلي وي چې "الحجُ عرفة" حج عرفه ده. دلته به هم کيدلی شي چې ظاهري معنا مقصود او مراد وي، البته دا هم د يادولو وړ ده چې هر هغه کار چې اخلاص پکې نه وي؛ نو له دين څخه نه شمېرل کيږي. (د امام ابن حجر العسقلاني ليکنه / اجلد ١٦٧/ص).

او په پای کې به دا مقاله د حضرت جرير بن عبدالله په دې لنډې کيسې سره چې امام بخاري (رحمه الله) را نقل کړيده پای ته ورسوو چې وايي: يو ځل زه نبي (عليه الصلاة و السلام) ته ورغلم او ما ورته وويل: اى د الله تعالى رسوله! زه له تاسې سره بيعت کوم (ژمنه کوم) چې زه به

<sup>١</sup> - سنن ابن ماجه، كتاب المناسك، باب من أتى عرفة، قبل الفجر، ليلة جمع، رقم

الحديث: (٣٠١٥)، (ج ٢، ص ١٠٠٣).

مسلماننيرم، نو پر ما پي يو لړ شرطونه كېښودل او يو له دغو شرطونو څخه دا و چي: زه به هر مسلمان ته نصيحت كوم. (أخرجه البخاري / ج١ / ص٢٠).

امام ابن حجر (رحمه الله) ددې حديث شريف په اړه وايي: دلته دا ويل شويدي چي نصيحت به هر مسلمان ته كوي، ددې معنا دا نده چي مسلمان به كافر ته دخپل رښتيني او سپېڅلي دين دعوت او نصيحت نه كوي، بلكه هدف او مقصود دادى چي په اغلب ډول به يو مسلمان بل مسلمان ته نصيحت او د خير غوښتنه كوي او كله كله به كافر ته هم نصيحت كوي او مسلمان به هڅه كوي تر څو پي د اسلام يوازيني نجات بڼونكي دين ته را دعوت كړي او كله چي ور څخه مشوره غواړي؛ نو د خير مشوره به هم ورته وركوي. (فتح الباري جلد ١٦٩ صفحه).



آيا مكلفيت انسان در همين جا ختم ميشود كه خودش نيكو كار  
باشد؟

يکى از خواهران از قريه چهارده غوربند سوال نموده:

من صنف ده مکتب استم حجاب شرعی را مراعات  
 میکنم از کارهای بد دوری می نمایم اکثرا دختران مرا  
 الگوی خود می پندارند لیکن بخاطر حجابم و کارهای خوبم  
 آزار واذیت هم می شوم عمه ام میگوید که به کسی کار  
 نداشته باش تنها خودت مسئول خود استی شما رهنمایی  
 کنید که من چی کنم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

نه مکلفیت انسان در همین جا ختم نمی شود که  
 خودش نیکو کار و صالح باشد، بلکه به اصلاح مردم کوشان  
 باشد، الله متعال در قرآن کریم می فرماید: "ولتكن منكم أمة  
 يدعون إلى الخير ويأمرون بالمعروف وينهون عن المنكر وأولئك  
 هم المفلحون"<sup>١</sup>.

باید از شما مسلمانان برخی که دانشمند و با تقوی تر  
 اند مردم را به نیکو کاری امر واز بدکاری منع کنند.

<sup>١</sup> - سورة آل عمران، آیت: ١٠٤.

رسول الله صلى الله عليه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "من رأى منكرا فليغيره بيده ، فإن لم يستطع فبلسانه ، فإن لم يستطع فبقلبه ، وذلك أضعف الإيمان"<sup>١</sup>.

کسیکه از شما کار زشت و منکری را دید پس آنرا با دستش تغییر دهد، و اگر نتوانست با دست تغییر دهد آنرا با زبانش تغییر دهد، و اگر نتوانست با زبانش تغییر دهد پس آن زشتی و منکر را به دلش انکار کند و ناپسند بداند، و مرحله سوم که انکار بدل باشد ضعیف ترین ایمان در قلب او است.

از خصائص و ویژگی های اهل ایمان دعوت بسوی الله جل جلاله و امر به معروف و نهی از منکر و سعی برای احیاء و زنده ساختن سنت و تلاش بخاطر تجدید دین و اقامه شریعت الهی و نفاذ حکم او تعالی در هر کار خورد و ببرزگ است.

نیز خیر خواهی و نصیحت کردن مردم خاص بخاطر هدایت ایشان و خوشنودی الله متعال از وظائف مسلمان صالح و نیکوکار میباشد.

---

<sup>١</sup> - صحیح مسلم، کتاب الإیمان، باب بیان کون النهی عن المنکر من الإیمان، وأن الإیمان یزید وینقص، وأن الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر واجب، رقم الحدیث: (٤٩)، (ج ١، ص ٦٩).



فراموش نکنیم که امر به معروف ونهی از منکر از برزگترین شعائر دین مبین اسلام است، که مسلمان چی زن باشد ویا مرد در حد توان خود این وظیفه ایمانی را اجراء کند.

مواردی را که شما متذکر شدین از مکلفیت شما خواهران است که در محیط صنف ومکتب وقربه وخانه به خواهران وطبقه اناث دعوت دهید وآنها را در کارهای خیر همکاری واز کارهای بد وزشت منع نمایید زیرا مردان نمی توانند در بخشهای خصوصی خواهران مداخله نمایند.



### تجلیل از روز معلم بخاطر بیان جایگاه معلم عادت مشروع است

از اینکه جایگاه ومقام ومنزلت معلم روشن شود ومردم صفات معلم خوب ومثالی را بدانند ، نیز از اهمیت تلاشهای معلمین آگاهی پیدا کنند در شریعت مانع وحرج شرعی از تجلیل روز معلم نیست زیرا که این امر بخاطر تعبد وعبادت نبوده بلکه در دائره عادات واز باب آگاهی دهی انجام میشود.

روز معلم نیز قیاس به روز های جهانی میشود که بخاطر آگاهی، تثقیف وجلب توجه راه اندازی میشد مثل:

روز آب و مبارزه بر علیه خشک سالی، روز دهقان، روز مهاجرین، روز یتیم، محو بی سوادى، مبارزه بر ضد مرض ایدز، روز مبارزه بر ضد مرض سرطان، روز مبارزه بر علیه مخدرات، مبارزه بر علیه فقر، و روز مبارزه بر علیه تعصبات لسانی و زبانی و غیره.

معلمی و استادی در حقیقت صدقه جاریه شمرده میشود از صحابی جلیل القدر ابو هریره رضی الله عنه در حدیث صحیح روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده: "إذا مات الإنسان انقطع عمله إلا من ثلاث صدقة جاریة، و علم یتنفع به، و ولد صالح یدعو له"<sup>۱</sup>.

هنگامیکه انسان بمیرد همه اعمال و کارهای او قطع میشود و در دنیا از آن اثری باقی نمی ماند مگر اجر پاداش و ثواب سه چیز بعد از وفات ادامه میداشته باشد و تابه روز قیامت برای انسان میرسد که عبارت است از صدقه جاریه که همانا وقف کردن در برنامه های عام المنعه، علم نافع که سبب هدایت مردم گردد، و فرزند نیکو و صالح که برایش دعاء کند، و معلم در این سه مورد شریک میباشد زیرا که درس و تعلیم دادنش و تربیه نمودن شاگردان صالح صدقه جاریه پنداشته میشود، شاگردانش برایش دعاء می نمایند.

<sup>۱</sup> - سنن الترمذی، أبواب الأحكام عن رسول الله صلی الله علیه وسلم، باب فی الوقف، رقم الحدیث: (۱۳۷۶)، (ج ۳، ص ۶۵۲).

می توان گفت که مهمترین صفات معلم مسلمان قرار  
ذیل است:

۱- اخلاص داشتن به الله متعال و اینکه معلمی عبادت  
شمرده میشود.

۲- تقوا و پرهیزگاری.

۳- الگو و قدوه بودن معلم که منجیث انسان نمونه ای  
ومثالی وارد مکتب و مدرسه و دانشگاه شود.

۴- تواضع و کبر و غرور نداشتن.

۵- صداقت و راستی.

۶- امانتداری، و وفا به عهد و وعده.

۷- اخلاق نیکو.

۸- عدالت و تعامل مساویانه با شاگردان.

۹- شجاعت و مردانگی در مواردی که تقاضای آنرا دارد.

۱۰- صبر و تحمل.

۱۱- متعاون و همکار بودن.

۱۲- تشویق نمودن شاگردان در کارهای خیر.

١٣- مشوره نمودن وصفت شورائيت را با خود داشتن.

١٤- مظهر زيبا داشتن.



### نړۍ نوره د مسلمانانور هبرۍ ته سترگې په لاره ده!

دا يو منلې حقيقت دى چې په اوسني عصر کې د نړۍ اکثره اختراعات، نوې لاس ته راوړنې او اکتشافات په کفري ملتونو کې ترسره کېږي، ددې کار بنسټيز او اساسي لامل دا دى چې د مسلمانانو په نسبت کفري ملتونو کې علمي څېړنو، اختراعاتو او نوښتونو ته زياته پاملرنه کېږي او د وخت د غوښتنو سره سم يې ساينس پوهان په زړه پورې وسائل بازار ته عرضه کوي.

دا يو تر څو واقعييت دى چې دوي زياتې هلې ځلې کوي او پرته له ستړيا او سستۍ څخه د ټولو علمي معيارونه په پام کې نيولو سره شپه او ورځ لاس په کار دي. ددې کار بل لامل دا هم کېدلى شي چې د دوي حکومتونه د ساينس پوهانو، څېړونکو او مخترعينو تر شا کلک ولاړ دي، د خپلو دې پوهنيزو او علمي شخصيتونو ساتنه کوي او نه يواځې دا چې د دوي هر راز مالي او مادي ملاتړ کوي، بلکه د دوي لپاره بې علمي چاپېريال او راز

راز آسانتياوې هم په پام کې نيولي دي چې دوي پخپله دې کار ته هڅول کيږي، له همدې کبله د اوسني عصر د ماډرنو وسائلو پر استعمال تر بل هر چا دوي ښه پوهيږي؛ نو ځکه نوي اکتشافات او په زړه پورې اختراعات د دوي په خاورو کې رامنځ ته کيږي.

د دې پراخه هلو ځلو په نتيجه کې نن د نړۍ زعامت (مشرقي) دوي په برخه شوېده او په ډېرې خواشيني سره بايد ووايو چې: د علمي لاس ته راوړنو په قطار کې له هغو مسلمانانو څخه چې نن په اختلافاتو، اورونو او وېرونو کې راگير دي، دوي تر نورو ډېر مخکې تللي دي، پداسې حال کې چې مسلمانان د نړۍ په علمي، اقتصادي او سياسي ډگر کې ډېر شاته پاتې دي.

له بل لوري د الله تعالی سنت او ابدي تگلاره داده چې: په نړۍ کې هر ملت او قوم چې زحمتونه گالي؛ نو برياليتوبونه به هم د هغوي په برخه کيږي. په عربي ژبه کې پدې اړه يوه مشهوره قاعده ده چې وايي: "وَلِكُلِّ مُجْتَهِدٍ نَصِيبٌ".

ترجمه: يعنې د هر زيار ويستونکي انسان لپاره برخه (دخپل زحمت ميوه) وي.

د الله تعالى په سپېڅلو صفتونو کې يو هم عدل دی او د عدل غوښتنه همدا ده چې لټونکي او زيارکښ انسانان به تل له غافله او بې پروا انسانانو څخه مخکې وي. تاسې د لوی څښتن تعالى د دې پراخه عدل ننداره وکړئ چې دغو ملحدو او بې دينه وگړو ته (که څه هم دوي د الله تعالى په سپېڅلي ذات باندې باور هم نلري)، خو بيا هم د دوي د زحمتونو او پرله پسې هلو ځلو په نتيجه کې د اکتشافاتو او نبوغ لورينه پر دوي شوېده او د نړۍ د اختراعاتو دروازي د دوي پر مخ پرانستل شويدي.

اوس به راشو خپلې اساسي خبرې ته، او هغه داده چې که چيرې مونږ مسلمانان هم وغواړو چې د عصري پرمختللي نړۍ د علومو په کاروان او قافله کې پرمختگ وکړو او د نړۍ د اُستادۍ، مشرتوب او رهبريت (leadership) واگې په لاس کې واخلو، په هماغه ډول لکه څرنگه چې زمونږ مخکنيو مشرانو په لاس کې اخستلي وي؛ نو ددې ستر او سپېڅلي هدف لپاره زمونږ لومړی مسؤليت دادی چې د خپلو مشرانو په څېر لوړ خصلتونه او غوره ځانگړتياوې په خپل ځان کې راپيدا کړو او تر هر څه دمخه د خپل وروسته والی لاملونه تشخيص کړو، د خپل اسلامي اُمت

نېمگړتياوې او رنځونه بڼه وپېژنو، ځکه پوهان وايي چې: د مرض تشخيص د درملنې لومړی گام دی.

### قدرمنو لوستونکو!

تاسې ته به هم بڼه معلومه وي چې د يو ډاکټر دارو تر هغې پورې گټور نه تماميږي، تر څو پورې چې لومړی د رنځ بڼه تشخيص نه وي شوي او د هغه سببونه او لاملونه په دقيقه توگه سره نه وي څرگند شوي. له همدې کبله هغه څېړنې چې د بيمارۍ د اصلي لاملونو په اړه تر سره شويدي، په غوڅ اکثریت سره مونږ ته د همدې بڼودنه کوي چې د اسلامي امت د پرمختگ لپاره لومړی بايد خلک وروزل شي، متخصص او فني کدرونه رامنځ ته شي، د نوابغو او بااستعداده عقلمونو قدردانی وشي او دوي د نور کار او زيار لپاره وهڅول شي او دا ځکه چې همدا ځيرکه او پوه خلک به بيا پخپله د اسلامي امت د رابېدارولو او پرمختگ لپاره کار کوي، نوې طرحې به رامنځ ته کوي او اسلامي امت ته به ددې بحرانې حالاتو څخه د خلاصون لپاره مناسب حلول (د حل لاری) راوباسي.

په حقيقت کې همدا پياوړي او حقيقالونکي علماء دي چې خپل وېده ملتونه راوښوي او د بدبختيو، وروسته پاتې والي او د غفلت او کسالت پر ځای بې د پرمختگ په مهمو رازونو باندې پوهوي، تر څو يو ځل بيا دا وروسته پاتې اسلامي امت د خپل تېر مجد او عزت هغو لوړو څلو ته ورسېږي کوم چې نن هر مسلمان دداسې ورځې لپاره، تېرې، هيله من او سترگې په لار دی.

که چيرې مونږ مسلمانان په رښتيا سره د نړيوالو د زعامت، رهبريت (leadership)، مشرۍ او استازيتوب هيله من واوسو؛ نو بڼايي چې مونږ ټول يو ځل بيا په بې ساري اخلاص سره د الله تعالی په ټاکلي لاره باندې روان شو، په ځانگړې توگه په اوسني عصر کې چې د نړيوالو په لاس د جوړو شوو قوانينو له کبله وينو چې د بې لارټيا، انحرافاتو او هر راز اخلاقي مفسدو دروازي پرانستل شويدي.

دا يو واقعيت دی چې نن غرب په مادي لحاظ ډېر پرمختللی دی او د پرمختگ لوړ قصرونه او هسکې کلاگانې يې جوړې کړيدي، خو په اخلاقي او انساني لحاظ د بدخلاقو، رزالتونو دغه لوړی کلاوی او هسک برجونه يې ډېر بې خونده ښکاري. له ټولو شتو امکاناتو سره بيا هم سکون،



ډاډينه او نيکمرغي له دغو قصرونو څخه الوتلی  
بنکاري او که سپينه خبره وکړو؛ نو ویلی شو چې:  
نن غربي نړۍ خپلو اوسېدونکو ته د قناعت،  
سعادت او نېکمرغتيا په راوستلو کې ناکامه راغلی  
ده.

په اخلاقي ډگر کې د غرب د ناکامېدو اساسي  
همدادي چې دوي د الله تعالی له لوري ټاکل شوو  
قوانینو ته شا کړیده؛ نو اوس دا د مسلمانانو دنده  
او مسؤليت دی چې دغه لالهانده غربي نړۍ د  
اخلاقي رنځونو او بشري رزالتونو څخه پاکه  
کړي او دوي ته د انسانیت درس ورکړي.

د مسلمانانو په لاس د نړۍ د قیادت او زعامت  
خبره څه خیالي خبره نده، بلکه دا  
misconception (غلط تصور) باید لومړی له  
مینځه یو وړل شي چې ویل کېږي: مسلمانان د  
نړۍ د قیادت قدرت نلري. مونږ په ځغرده سرو  
ویلی شو چې: ډېر ژر به نړیوال وگوري چې همدا  
مسلمانان به د مهربانه او بښونکي خدای تعالی په  
مرسته یو ځل بیا د نړۍ مشري ترلاسه او اسلامي  
تمدن به بیا را ژوندی شي، (ځکه چې اسلامي تمدن  
هغه یواځینې شامل او هراخیزه تمدن دی چې هم

فکر ته، هم روح ته، هم اقتصاد ته او هم سیاست او انسانیت ته، هم پوهې او هم اخلاقو ته پاملرنه کوي، لنډه دا چې اسلامي تمدن د بشري ژوند ټولې اړتیاوې په پام کې نیسي، دا د مسلمانانو هماغه د خیر نه ډک تمدن دی چې نړۍ ورته نوره سترگې په لاره ده).

هغه وخت لری ندى چې د نړۍ د قیادت او سیادت واگې به یو ځل بیا د رښتینو مسلمانانو په لاس کې شي او نه یواځې دا چې مسلمانان به په علمي ډگر کې خورا زیات افتخارات ترلاسه کړي، بلکه هغه ورځ هم لری نده چې پر نړیوالو باندی د واکمنۍ او د ولسونو په بنسټرازولو او بریالیتوب کې به یوه ورځ همدا مسلمانان تر بل هر چا زیاته ونډه ولري، ډېر ژر به ان شاء الله د نړۍ څخه د ظلم او استبداد تغر ټول شي او د سولی او امنیت پراخې ورېځې به پر آسمان را خوری شي.

دلته د یو ستر خطر یادونه هم باید وکړو او هغه دا چې: نن په نړۍ کې سیاسي او علمي لاس ته راوړنی داسې خلک تر لاسه کوي چې په هیڅ دین باندی معتقد او باورمن نه دي، دوي اکثره سیکولر او داسې بې دینه خلک دي چې د اخلاقو معیارونه، حلال او حرام او انساني حدود هیڅ نه پیژنې او نه ددوي سره ددې خبری په اړه کومه انگېزه او فکر

شته چې د نړيوالو د سوکالی او د ټول بشر د  
 بڼبرازتيا او رفاهيت لپاره مونږ بايد کار وکړو،  
 بلکې له بده مرغه دا حقيقت بايد ووايو چې نن  
 ددې ډول بدبخته وگړو په لاس ساينس او  
 ټکنالوژي د انسانانو د خوشحالتيا پر ځای، ددوي  
 د بدبختۍ، هلاکت او ويجاړتيا لپاره کارول کيږي،  
 نن په ډېری خواشینی سره د همدې ټکنالوژۍ په  
 مرسته د ډېرو بې وزلو انسانانو وينې تويول  
 کيږي، د همدې بې پيلوټه جنگي الوتکو په زور د  
 دوي کورونه او بناونه ويجاړول کيږي، د  
 عسکري ټانکونو، ميزايلو او بې شمېره راکټونو  
 د استعمال له کبله زمونږ جوماتونه شهيدیږي، نن  
 همدا سيکولر ساينس پوهان دي چې زمونږ په  
 انارشيزم (گډوډيو)، او هر راز سردرديو په را  
 منځ ته کولو کې مستقيم او يا غير مستقيم همدوي  
 لاس لري.

دوي غواړي مېرمنو ته په نر باندې برتري  
 او غوره والی ورکړي، يو تمدن له بل تمدن سره  
 په جنگ واچوي او د خپلې سياسي واکمنۍ لپاره په  
 نړۍ کې هر ډول فساد او کساد ته لاری هوارې  
 کړي. پر اقتصادي لحاظ د نړۍ پر مستضعفو او  
 بې وزلو ملتونو باندې دوي غواړي خپله  
 بدمعاشي وچلوي، د هغوی خاورې تر خپلې ولکې

لاندی راوی او دنورو ملتونو فرهنگ او کلتور ته سپکاوی وکړي، دا ټول هغه ترخه حقیقتونه دي چې نن پي مونږ په خپلو سترگو سره وینو .

څه فکر کوئ! که چیری د پرمختللی نړی د ټیکنالوژی، علومو او اختراعاتو واک او اختیار له صالحه مسلمانانو سره وای؛ نو نن به څومره نړیوالو په امن کې شپې سبا کولی؟ که چیری د عصري ماډرنو وسائلو د اختراع قدرت د هغو مسلمانانو په لاس کې وای، څوک چې د خپل خدای تعالی څخه په زړه کې وېره پالي او د آخرت ورځ په پام کې لري او د علومو زده کړه ددې لپاره ترسره کوي چې تر څو لالهانده بشریت ته سوکالي رامنځ ته کړي، نه بربادي او ویجاړتیا؛ نو نن به زمونږ څه ډول حالت وای؟ د اسلام سپېڅلي او انسانسازه دین چې د پوهې او پرمختګ دین دی، د علم د ترلاسه کولو لپاره یو لړ ټاکلي اصول او مبادئ (بنیادي شرطونه) لري او یو له دغه بنسټیزو شرطونو څخه دادی چې:

مسلمان باید هڅه وکړي تر څو ګټور علوم او فنون زده کړي، داسې پوهه ترلاسه کړي چې د هغې په مرسته د یو انسان رابطه له خپل خالق تعالی (جلت عظمته) سره نوره هم ټینګه شي، (نه دا چې له یو انسان د بې حیايی او ګناه لوري ته

سوق کړي) مسلمان ځوانان باید هڅه وکړي تر څو داسې گټور علم تر لاسه کړي چې د هغې په زده کړې سره په انسان کې تقوی راپیدا شي او د الهي طاعت او عبادت ولوله (جذبې او انګېزه) په پکې را ژوندۍ شي، حلال وپېژني او ورسره مینه ولري او حرام هم وپېژني او ورسره ورځ تر بلې کرکه زیاته کړي. له همدې کبله ویلای شو چې یو مسلمان کولی شي هر نوع گټور علوم زده کړي او یا هم د زده کړې لپاره یې لري منطوقو ته سفر هم وکړي تر څو وکولی شي د بشریت د نېکمرغۍ لپاره کار وکړي او د خپل ژوند اړتیاوې او ضروریتونه پرې حل کړای شي او مسلمان باید داسې یو ژوند تېر کړي چې هم یې دنیا او هم آخرت کې نېکمرغي، سرلوري او افتخارات دده په برخه شي.

ګرانو لوستونکو!

دا خبره هم ټولو ته باید څرګنده وي چې هر علم گټور نشي کیدلی، بلکه په نړۍ کې مضر او زیانمن علوم هم شتون لري، د اسلام مبارک دین هر هغه علم نه خوښوي په کوم کې چې د خلکو لپاره ضرر وي، د مثال په ډول: داسې علم او فن چې په ټولنه کې پرې فساد رامنځ ته کیږي او همداراز حیواناتو، نباتاتو او په چاپېریال کې

موجوده څېزونو ته پکې زیان رسيزي دا گټور نشي شمېرل کیدلی. همداراز هر هغه علم چې په هغې سره د جنگونو، وژنو او بدبختیو لمن ته اور وهل کيږي، ظلم او استبداد ته پکې خلک هڅول کيږي، په اسلام کې حرام کرځولی شويدي. له دې پرته تاسی ووايئ چې:

هغه پوهه به کله گټوره وي چې د هغې په زده کولو سره په انسان کې د تواضع پر ځای غرور رامنځ ته شي؟ د انسانیت او شرافت پر ځای انسان رزالت او هلاکت ته رابلي.

که چېرته مونږ د خپلو پخوانیو بارزو علماؤ تاریخ ته یوه لنډه کتنه وکړو؛ نو جوته به شي چې هغوي د زیات علم او پراخې پوهې تر څنګ لور انساني اخلاق او حمیده سلوکيات هم درلودل، هیشکله پې هم دا نه غوښتل تر څو د خپل علم په مرسته پر خلکو واکمني وکړي.

مونږ که چیرې خپل تېر تاریخ ته یوه لنډه کتنه وکړو؛ نو جوته به شي چې د اسلامي امت پخوانیو علماو نه یواځې داچې په ساینسي، طبي او تجربوي علومو کې ډېره پوهه تر لاسه کړې وه او د خپل عصر تر ټولو لوی پوهان او د علمي او تطبيقي وؤ، بلکه ددې تر څنګ یې د علمي

خراغونو او د غوره څېړونکو لقب ترلاسه کړی و، لکه: په جغرافيو علمو کې د مسلمانانو له ډلې څخه د: المقدسي، وياقوت الحموي، والطبري، وابن الأثير، والبیروني، أبي الفداء، وابن جبير، ابن خلکان، ابن عساکر، إدريسي او داسې نورو یادونو کولی شو) بلکه دا د همدوي د علومو او هلو ځلو برکت و چې اسلامي تمدن رامنځ ته شو، د ژوند په مختلفو اړخونو کې علمي څېړنې ترسره شولې، دا هغه منل شوی حقائق دي چې حتی د غربي ټولني عدل پالونکي ليکوالان او پوهان هم د مسلمانانو پر دې حقيقتونو باندې گواهي ورکوي.

که چيری واقعيتونه همداسې وي، لکه څرنگه چې مو په تېرو څو کړنو کې د هغې یادونه وکړه او په اسلامي نړۍ کې په رښتيا سره (په تېر او هم اوسني تاريخ کې) د ډېرې مهمې اقتصادي زېرمې او پانگې د مسلمانانو په برخه وي؛ نو بيا دا هم بايدومنو چې اسلامي نړۍ يو ځل بيا هم کولی شي چې نړيوالو ته علمي او پوهنيز عقلونه او متخصص کدرونه وړاندې کړي، د همدې ستر مقصد لپاره ددې امت پر علماو، سياسي څېرو او نورو بارسوڅه شخصيتونو باندې دا لازمي دي چې يو ځل بيا په نړۍ کې يو علمي او اخلاقي

انقلاب رامنخ ته کړي او د يو نمونه يي تمدن د رامنخ ته کولو لپاره ، سختی وگالي او دا اسلامي زوربدلي امت د پرمختگ لپاره په خپل مخ کې ټول پراته خنډونه له منځه يوسي .

اوس پوښتنه داده چې: ولی د اسلامي امت زياتره پوهان او مشران نن د ساينس او ټکنالوژي په برخه عاجز پاتی دي؟

ولی دوي د تطبيقي علومو، څېړنو او نويو ابتکاراتو او نوښتونو لپاره ستر ستر مرکزونه نشي رامنخ ته کولی؟

کله به هغه وخت راشي چې زمونږ زوربدلي او کړېدلي اسلامي امت نور د خواری، ذلت او په پرله پسې توگه د وروسته پاتې والي له دې موجونو څخه نجات ومومي او د بدبختيو، وژنو او نفرتونو له خړ ډنډ څخه امان تر لاسه کړي؟

له بل لوري د اسلامي نړۍ پر واکمنانو او لوړ پوړو چارواکو باندې هم دا لازم دي چې د خپلو بااستعداده شخصیتونو، نابغه څېرو او پوهنيزه شخصیتونو پالنه او څارنه وکړي، په خپله خاوره کې دغسې علمي عقلونو ته رشد او وده ورکړي او د امنيت او سولې په غېږ کې ددوي لپاره ټول لازمي وسائل او سهولیتونه برابرې کړي، د



جنگونو، ټولوژنو او بدبينيو پر ځاى د دوي لپاره د پخلاينې، محبت او صميميت يو داسې سولئيز چاپيريال رامنځ ته کړي چې تر څو مو د ټولني هر فرد او ټول عام خلک علم ته وهڅول شي، نور مو له اسلامي خاورو څخه د بې سوادۍ او بدبختۍ تېر ټول شي، بيا به زمونږ ځوانان او پوهان هيڅکله هم دېته نه مجبورېږي چې د غرب په لوري ولاړ شي، زمونږ پوهان د هغوي په لومو کې راگير شي او د خپلې ټولني پر ځاى هغوي ته خدمت وکړي، بلکه دوي به بيا په خپلو هيوادونو کې ژوند کول غوره وگڼي، مونږ دا په يقيني توگه سره ويلي شو چې که چيرې حکومتونه د دوي مادي او معنوي کلک ملا تر وکړي؛ نو دوي به هم بيا هيڅکله هم په نورو هيوادونو کې ژوند کول غوره نکړي او نه به هم پردېو ټولنو ته د خدمت لپاره زړه ښه کړي.

په پای کې بايد دومره ووايو چې: پر نړيوالو باندې د رهبريت او د مشرۍ کولو لپاره صحيح تگلاره همدا ده د کومو چې مو مخکې يادونه وکړه. ددې کار په نتيجه کې بيا وکولى شو چې د ناتوانيو او بيکاريو له پړاو څخه نجات ومومو او د او په دې توگه سره به د قوت او پرمختگ يوه نوی زرین تاريخ پيل شي. پدې اړه زمونږ

پروردگار مونږ ته زيرى راكوي او فرمايي چې:  
 [وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ  
 لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ  
 وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن  
 بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن  
 كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ].<sup>١</sup>

ترجمه: الله تعالى (جلت عظمته) له تاسې څخه  
 هغو مؤمنانو سره چې نېک عملونه يې ترسره  
 کړيدي وعده کړيده (او هغه وعده داده چې) خامخا  
 به (الله تعالى) له دوي څخه د ځمکې  
 رهبران (مشران او خليفه گان) جوړ کړي، لکه  
 څرنگه چې له دوي څخه پخوانيو کسانو ته يې  
 خلافت او واکمني ور په برخه کړې وه (د مثال په  
 ډول: لکه څرنگه چې څلورو راشده خليفه گانو او  
 له هغوي څخه وروسته نورو ډېرو عادلانه واکمنانو  
 په اسلامي نړۍ کې رهبري وکړای شوه) او خامخا  
 به د دوي لپاره د دوي دين (اسلام) ثابت (قوي)  
 وگرځول شي کوم چې (لوی پروردگار) د دوي  
 لپاره خوښ او غوره کړيدی او خامخا به دوي ته  
 له وېرې وروسته د امن (او اطمینان فضا)  
 راوستل شي (ځکه چې دوي) زما بنديگي کوي او  
 زما سره شريک او سيال نه نيسي او له دې (لويو

<sup>١</sup> - سورة النور، آيت: ٥٥.

پېرزوینو او سترو نعمتونو څخه) وروسته چې  
 څوک کفر غوره کړي؛ نو همدوي غټ فاسقان  
 دي.

د مسلمانانو د سرلوړی او سرتاسري بریاو په  
 هیله!



### اهمیت مضمون ثقافت اسلامي در زندگي محصلین و جوانان

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

ثقافت اسلامی اساسش از منابع گرفته شده که وحی  
 آسمانی میباشد و اشتغال داشتن به این مضمون در ذکر الله  
 متعال حساب می گردد که قلب مسلمان را مطمئن میسازد:  
 "ألا بذكر الله تطمئن القلوب"<sup>۱</sup> و همین مضمون است که حقائق  
 دین مبین اسلام را بمعرفی میگیرد و بیانگر رحمت،  
 مهربانی، عدالت، تسامح و نرمی این دین است.

نبودن این مضمون در نصاب تدریسی همه تخصصات  
 معنایش جدا ساختن محصلین و جوانان از آداب و احکام  
 و اخلاقیات دین مبین اسلام است که آنها در سایه همین  
 دین به دنیا آمدند و این مضمون ثقافت اسلامی است که

<sup>۱</sup> - سورة الرعد، آیت: ۲۸.

ارتباط مستقیم و مباشر با زندگی محصلان جوانان دارد زیرا که پل و کشتی ارتباطی میان آنها و دین و ایمان شان میباشد و از لابلای این مضمون روابطه شان با الله متعال، قرآن کریم، پیامبر اسلام و همه مفاهیم دینی مستحکمتر می شود، زیرا عقیده، فکرواندیشه و تصور خود را از این مضمون می آموزند و از تاریکهای شرک و شک تردید و انحراف و بدعتها نجات میابند، و نیز از شر شیطان و تسلط آن در امان می مانند زیرا وقت که عقیده و اندیشه و فکر و تصور اسلامی درست داشته باشند هرگز شکار شیطان های انسی و جنی شده نمی توانند.

و نیز از ینرو ثقافت اسلامی برای محصل و جوان اهمیت بیشتر دارد که از خلال این مضمون عبادات خود را میدانند و می فهمند که الله متعال چی عبادات را برایش مشروع گردانید و پیامبرش صلی الله علیه و سلم بر کدام عبادات تأکید زیاد نموده که در عملکرد خود ثمره و نتایج درست و صحیح مطابق سنت آنحضرت صلی الله علیه و سلم بدست بیاورد تا اینکه ایمانش قوی بماند و رابطه اش با آسمان مستحکمتر شود و نفس خود را مورد تزکیه و پاکی قرار دهد.

همین مضمون ثقافت اسلامی است که افکار، نظریات و تصورات محصلین را از گمراهی، تعصب دیوانه وار، و تقلید کور کورانه غیر مسلمانان حراست و حفاظت میکند، و در

عوض هجوم فکری غرب غذای روحی ایمانی را در اذهان شان با دلائل و براهین آسمانی و نبوی غرس میکند.

در حقیقت مضمون ثقافت اسلامی انحرافات فکری و هجوم فرهنگی غرب را بیان میدارد و یکی از وسائل مهم دفاع از دین مبین اسلام در این جنگ بشمار می رود و مفهوم ولاء و براء یعنی دوستی و دشمنی را در روشنی قرآن و سنت بشرح میگیرد تا اینکه محصل و جوان مسلمان حد و حدود دین خود را بداند و از خطوط سرخ رسم شده تجاوز نکند تا اینکه شکار هوا و هوس همکاران و همراهان بد و زشت نگردد زیرا به همه معلوم است که کشور عزیز ما نظر به اهمیت استراتژیک که دارد ساحه و میدان جنگ فکری بوده و از هر طرف مورد یورش فکری قرار دارد و هر کس در سعی و تلاش است که در این زمین بی دهقان - از نظر خود شان - کشت و زراعت مورد نظر خود را کند و وهمین مضمون است سرنوشت فکری محصلین را تعیین میکند زیرا انتماء، محبت و دوستی شان را با دین و وطن و سرزمین شان ازدیاد می بخشد و اخلاق اسلامی شانرا آب یاری میکند.

در حال که دنیا به قریه مبدل شده و وسائل ارتباط جمعی و رسانه ها فساد اخلاقی و فحشاء را بشدت نشر میکنند و مردم ما را در داخل خانه های شان مورد هجوم قرار میدهند همه اصول و مبادئ اسلام را مورد انتقاد قرار میدهند و اعتراضات گسترده ای بر اسلام و احکام آن را به

نشر می رسانند البته بخاطر تشکیک. . همین مضمون ثقافت اسلامی و استادانش هستند که در خط اول جبهه جنگ فکری قرار دارند و همه اعتراضات و شک و شبهات وارده را بر دین مقدس اسلام دفع می کنند.. و در شرائط کنونی همین استادان ثقافت اسلامی ستاره های دعوت اسلامی در کشور ماهستند که به یاری و همکاری شاگردان هدفمند و صالح شان از اسلام عزیز دفاع میکنند و ساحه جنگ فکری را بر مخالفین تنگ کرده اند مردانه و ثابت قدم در چندین جبهه مصروف مبارزه هستند و الحمد لله که دست بالا هم دارند. در جبهه داخلی مردم را به صلح و ثبات دعوت می دهند و مشغول زدودن تعصبات قومی، زبانی، سمتی و منطوقوی هستند و نیز افکار و نظریات سکولریستی و غربی مشربها را نشاندهی می کنند.. و همچنان نظریات و افکار تکفیری که در ساحه فکری رخنه کرده، این دعوتگران سعی و تلاش دارند که اصحاب این نظریات را قناعت دهند که اسلام دین وسطیت و اعتدال است.

در ساحه مبارزه فکری داخلی همین استادان و شاگردان ثقافت اسلامی هستند جلو کسانی را بگیرند که خرافات و انحرافات و عقبماندگیهای دینی را به دین مبین اسلام نسبت میدهند و در مواردی اعمال زشت و ناروا را مرتکب می شوند مثلا جادوگری، فالبینی، کفشناسی، غیبگویی، طلب شفای یابی از مرده ها، سود خوری در معاملات، عادات

ورسم ورواجهای در عروسی وازوداج ها وغیره را که در مخالفت با شریعت وسنت قرار دارد به دین مبین اسلام نسبت میدهند، که این ساحه را نیز دعوتگران فراموش ننموده وبه رهنمائی شرعی وآگاهی دهی در روشنی قرآن وسنت به مردم وهموطنان عزیز ادامه میدهند.

وبرای اینکه از مضامین ثقافت اسلامی استفاده درست وصحیح وبوجه احسن صورت گیرد ووظیفه خود را در جهت امنیت فکری بخوبی ادا کند وبا چلنجهای داخلی وخارجی مقابله کرده بتواند باید بیشتر از اهمیت آن حرف بزنیم و برای جوانان عزیز آگاهی دهیم و نیز مفردات ومواد آنرا وقتا فوقتا مراجعه کنیم با در نظر داشت نیازمندیهای مردم وجامعه ما زیرا وسائل دعوت اسلامی نظر به وقت وزمان قابل تطویر وترقی میباشد، ونیز استادان این مضمون هنگام که کمی وکاستی را در خود احساس میکنند لطف نموده از تجارب برزگان استفاده نموده وبخاطر ازدیاد بینش ودانش شرعی ودنیائی شان از هیچ نوع سعی وتلاش دریغ ننمایند ومعلومات شانرا روزانه تجدید نمایند ومتوجه انتقادهای که متوجه خود شان ویا مضمون شان است شوند ودر جهت اصلاح آن بشتابند زیرا کارهای بشری از سهو وخطأ واشتباه خالی نیست..واگر ملاحظه می شود که بعض بخشهای این مضمون شامل نظریه متوازن نیست وبه عصر فعلی جوانان مطابقت ندارد وجوابگوی مشکلات فکری فعلی نمی باشد در

این بخشها اعاده نظر صورت گیرد تا اینکه مؤثریت بیشتر داشته باشد. و تأکید بر آن شود که در مفردات این مضمون حکمت و تدرج و اعتدال و وسطیت گنجانیده شود، زیرا باید اعتراف کنیم که شاید کسانی باشند که تا به حال دین مبین اسلام را طبق برداشت های زشت و سختگیرانه به مردم تقدیم کنند و به عوض جذب مردم آنها را متنفر میسازند این یک مرض است که باید علاج و معالجه شود، و این مضمون منعکس کننده تسامح و هم‌دیگر پذیری و رحمت و عدالت در جامعه باشد و نیز استادانش من حیث قده و الگو و دعوتگران نمونه ای تبارز کنند، البته باید بدانیم حل مشکلات گوناگون و فراوان که دامنگیر جامعه ما است تنها در یک مضمون نه نهفته است بلکه به تلاشها مختلف ضرورت دارد در هر میدان و هر مجال.

الله متعال به ما توفیق نصیب کند که به اخلاص کامل به دین و وطن و جوانان عزیز خود را در این راستها خدمات لازم تقدیم کرده بتوانیم و همیشه در دوراهی راه خیر را انتخاب کنیم.

وصلی الله تعالی علی خیر خلقه محمد و علی آله  
و أصحابه أجمعین.





## علم نافع علم سودمند را گویند که آثار آن در سلوک و رویه عالم ظاهر شود

یکی از دوستان در مورد علم نافع و علم غیر نافع سوال نموده و خواهان توضیح در این مورد شده:

مولانا صاحب شما در دعای که نشر کردین نوشتین که  
( اللهم إنا نعوذ بك من علم لا ينفع ) اگر کمی توضیح  
دهید خوب می شود.

الحمد لله، والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

علم نافع علم و دانش سودمند و فایده مند است که نفع  
و فایده اش به دیگران هم برسد نیز بالای خود عالم تاثیر  
مثبت داشته باشد و آثار آن در سلوک، رویه و رفتارش ظاهر  
گردد.

مثلا در حرفهایش و نوشته هایش از نصوص قرآن کریم  
واحادث نبوی و اقوال صحابه استدلال کند و مسائل حلال  
و حرام را به مردم بیان کند، و کوشش کند که مسائل درست  
و صحیح را از مسائل نادرست تمیز کند و جدا سازد و به مردم  
آگاهی دهد که شکار پیروی مسائلی نشوند که در نصوص  
صحیح ثابت نیست و مبنایش بر احادیث ضعیف و موضوع  
است.

و علم غیر نافع علم است که فایده و سودش به دیگران نرسد و هیچ اثری بر سلوک صاحبش هم نداشته باشد رسول الله صلی الله علیه و سلم از علم غیر نافع به خداوند پناه می خواست و می فرمود: "اللهم إني أعوذ بك من علم لا ينفع"<sup>۱</sup>.

واز علم غیر نافع و غیر مفید همانا جادوگری، فالبینی، استفاده کردن از قلم و علم و دانش بر ضد اسلام و عنعنات افغانی است به این معنی که علمی را که مسلمان حاصل می کند از آن در روز قیامت سوال و پرسان می شود که به آن عمل کرده و به دیگران وسیله رسانیدن شده یا نه؟ و این علم یا به مسلمان شفاعت می کند و برایش حجت و سپر میگردد و یا اینکه بالایش حجت میگردد و دشمنش می شود و او را به طرف آتش دوزخ سوق می دهد و هر کسی که علم شرعی را فرا میگیرد در ابتلاء و امتحان بزرگ قرار می داشته باشد، "اللهم إنا نعوذ بك من علم لا ينفع"<sup>۲</sup>.



<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، کتاب الذکر والدعاء والتوبة والاستغفار، باب التعوذ من شر ما عمل ومن شر ما لم يعمل، رقم الحدیث: (۲۷۲۲)، (ج ۴، ص ۲۰۸۸).

<sup>۲</sup> - صحیح مسلم، کتاب الذکر والدعاء والتوبة والاستغفار، باب التعوذ من شر ما عمل ومن شر ما لم يعمل، رقم الحدیث: (۲۷۲۲)، (ج ۴، ص ۲۰۸۸).

## اشتراک نمودن در مسابقات فرهنگی که سبب نشر علم شرعی می شود کار خیر است

یکی از دوستان محترم سوال نموده :

سلام جناب استاد. بعضی از علماء میگویند که روند مسابقات که جایزه دارد و در بدل پول ثبت نام میشود افراد این کار شباهت بقمار دارد و مطلق حرام هست، حکمش چیست ؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

جواب سوال این برادر ما دو بخش دارد:

اولا: مسابقات دینی و فرهنگی که سبب نشر علم شرعی، و ارزشهای والای اسلامی می شود و مردم را با عقیده اسلامی و سیرت رسول الله صلی الله علیه وسلم آشنا میسازد، و سبب هدایت مردم می گردد و یا سبب ترقی و آبادی کشور عزیز ما می شود و در فهمیدن امور دنیائی مردم ما را یاری میکند، در چنین مسابقات پول دادن بخاطر ثبت نام و اشتراک کردن کار خوب است زیرا همکاری در کار خیر و نیکی است، الله متعال فرموده است: "وتعاونوا على البر والتقوى ولا تعاونوا على الإثم والعدوان"<sup>۱</sup> در کار خیر و تقوا

<sup>۱</sup> - سورة المائدة، آیت: ۲.

و پرهیزگاری همکار باشید و در کار که گناه و ظلم و بی بندوباری و نافرمانی الله متعال باشد و پامال کردن احکام الهی باشد همکاری نکنید.

ثانیا: اما اگر هدف از برگزاری این مسابقات استفاده مادی باشد و بخاطر ترویج فسق و فجور و فساد کار کنند و برای گمراهی مردم راه اندازی شود در این شکی نیست که پول دادن و همکاری کردن و اشتراک نمودن حرام است، در اشتراک و ثبت نام و پول دادن آنها تقویت می شوند که جواز ندارد، و عین قمار نیز است.



### چگونه غیبت را از مجالس خانمها منع کنیم و یا کاهش دهیم؟

یکی از خواهرانی که علاقمندی در امورات دعوتی دارد چنین سوال نموده:

استاد خدواند برایتان اجر فروان دهد و سایه همچون شما علماء را از ما نگیرد و کم نکند من همیشه صفحه شما را تعقیب میکنم و یک سوال دارم:

بارها که من در مجالس خواهران و خانمان حضور میداشته باشم در حرج واقع میشوم ازاینکه اکثر وقت

مجلس در غیبت میگذرد شما رهنمائی کنید که چگونه غیبت را از مجالس خانمها منع کنیم و یا کاهش دهیم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اولاً: از این خواهر محترمه متشکرم که سوالی بسیار با اهمیت را مطرح نموده و احساس مسئولیت کرده زیرا که غیبت کردن گناه کبیره و حرام است و از آفات لسان و زبان میباشد، و از لابلاى این جواب خواهران تشویق می شوند که از غیبت کردن دستبردار شوند، الله متعال بصراحت از این فعل قبیح و زشت منع نموده و فرموده است: "وَلَا يَغْتَاب بَعْضُكُم بَعْضًا"<sup>۱</sup> همدیگر غیبت نکنید یعنی به شیوه و الفاظ و کلمات یاد نکنید که سبب ناخوشنودی جانب مقابل که در مجلس حضور ندارد شود، شریعت غیبت را بزبان رسول الله صلی الله علیه وسلم چنین تعریف نموده: "ذَكَرَكَ أَخَاكَ بِمَا يَكْرَهُ"<sup>۲</sup> یاد کردن و نامبردن از برادر مسلمانان بشیوه و طریقه و اسلوب و الفاظ که سبب ناخوشنودی و ناخوشنودی او گردد.

ثانیاً: کسانی که در مجالس غیبت اشتراک می کنند و غیبت کننده را منع نمی کنند و از غیبت کردن اظهار

<sup>۱</sup> - سورة الحجرات، آیت: ۱۲.

<sup>۲</sup> - صحیح مسلم، کتاب البر والصلة والآداب، باب تحريم الغيبة، رقم الحدیث: (۲۵۸۹)، (ج ۴، ص ۲۰۱).

نفرت نمی نمایند آنها نیز در گناه غیبت کننده مساویانه شریک بنداشته می شوند.

ثالثاً: همه میدانیم که انسان چپى مرد باشد و یا زن موجودى اجتماعى است، سرنوشت هر فرد با سرنوشت دیگران گره خورده است، به گونه اى که هر فردى در جامعه، هم از رفتار دیگران متاثر مى شود و هم بر دیگران تأثیر مى گذارد؛ ازینرو و بر علاوه از اصلاح نفس خود انسان، باید در اصلاح دیگران نیز سعی و تلاش نماید، چرا که بی توجهی به رفتار بد و زشت دیگران، نوعی بی اعتنائی به سرنوشت خویش است؛ اگر فساد و آلودگی فراگیر شود و جامعه را به ورطه ی تباهى سوق دهد، او نیز از این خطر مصئون نمانده و آتش فساد، دامن او را خواهد گرفت، لهذا از مهمترین واجبات مسلمان فریضه امر به معروف و نهی از منکر یعنی مردم را به نیکیها دعوت نمودن و از بدیها و زشتیها منع کردن است که این خواهر محترمه در این بخش رهنمائی خواسته.

رابعاً: شیوه های منع کردن و کاهش دادن غیبت :

۱- متوجه ساختن غیبت کننده ، باید او را به به اسلوب زیبا و خوب از غیبت کردن منع کنیم و تحذیر نماییم و حرام بودن غیبت را برایش بیان کنیم که بر علاوه از مرتکب شدن گناه اعمال نیکو و صالح انسان در نتیجه غیبت کردن

محو می‌گردد و شخص که غیبتش شده این عمال نیکو را به آسانی تصاحب می‌کند.

۲- گردانیدن سخن مجلس بطرف مسائل دیگری که به غیبت ارتباط نداشته باشد.



### زنان مسلمان و متعهد هموطن ما که باید به آنان فخر کرد وبالید

یکی از ممیزات و دست آوردهای خیزش فراگیر اسلامی همانا شرکت و ورزیدن زنان در ساحات مختلف چون تعلیم و تربیه، تألیف و نویسندگی، دعوت و ارشاد، صحت و طبابت میباشد.

به فضل و مهربانی الله متعال در بین زنان مسلمان خواهرانی را مشاهده می‌کنیم که مثال های زنده خدمات گرانقدر و فعالیت‌های چشم گیری برای جامعه تقدیم نموده اند و این امریست که باید به آن فخر نماییم.. واز جانب دیگر تأکید بر آن دارد که امت ما همیشه در میدانهای فعالیت‌های زنانه مثل: عقیده، ثقافت، فرهنگ، ترقی و پیشرفت عقب نمانده است، واین از یکطرف دلالت بران دارد که زنان مسلمان در کارهای اجتماعی و پیشرفت جامعه اسلامی سهمیم اند.

واز جانب دیگر افتراءات دشمنان اسلام را خصوصاً غربی ها وهمچنان کسانی را که از تبلیغات آنها متأثر شده اند، که گویا زنان مسلمان نظر به احکام و تعالیم دین اسلام در وضعیت بدی قرار دارند و دین اسلام زنان را از حق کار و فعالیت در جامعه محروم نموده و باز داشته و این حق را از ایشان سلب نموده، که در پیشرفت علمی، فرهنگی و اجتماعی سهم و نقش فعالانه داشته باشند به شدت رد می نماید.

شکی نیست که این گمانهای نادرست و دروغ پراگنی های استعمار گران فکری و فرهنگی بوده و آنرا توسط افراد تربیه شده شان و رسانه های خویش مطرح نموده و وسیله ای بخاطر وارد نمودن ضربه و هجوم علیه دین مبین اسلام گردانیدند و همزمان با این دسایس و تبلیغات رسانه ای زهراگین آنها علماء، دانشمندان و دعوتگران متعهد ما جهت رد نمودن شکوک و شبهات آنان با منطق حجت و برهان و با استفاده از منابر مساجد، رسانه های اسلامی، نوشته ها و سخنرانی های شان وارد عمل شدند و بر همه انحرافات دشمنان خط بطلان کشیدند.

آری تعداد بزرگی از زنان مسلمان که کامیابی ها و دست آوردهای چشمگیری را در زمینه های تخصص شان به جامعه تقدیم می نمایند، و با التزام جدی به عقاید، احکام و منهج و روش و سلوک اسلامی و ملتزم بودن به حجاب



اسلامی خدمات شان را انجام میدهند، ایشان با این طرزح العمل و روش مثالی و نمونه ای خود ضربه کوبنده بر دهن کسانی که دعوای آزادی زنان را طبق روش، سیستم و منهج بی دینی غریبهها دارند وهم از وضعیت زنان در سایه تطبیق شریعت اسلامی شکایات و هیاهوی را براه انداخته اند وارد می نماید.

واین امر گواهی بر آن دارد که کسانی که این نوع افتراءات را دامن میزنند و راه اندازی میکنند در دروغ محض و تهمت ناروا واقع اند، و شعارهای را که سر میدهند جز سراب بیش نیست و آنان می خواهند تحت پوشش این تبلیغات و دشمنی زنان و دختران مسلمان را به بیراهه سوق دهند و در گودال بدبختی و فحشاء غرق نمایند قسمی که ما و شما در رسانه های شان مشاهده میکنیم.

در این شکی نیست که خواهران متدین و دانشمند هموطن ما کارنامه های بارزی در میدانهای تعلیم و تربیه ، ثقافت و فرهنگ و نشر دعوت اسلامی با داشتن منهج و روش واضح و پختگی فکری و پلانگذاری مؤثر دارند و در شرائط کنونی کشور ما با وجود مشکلات و چالش های گوناگون در راستای فعالیتهای دینی و فکری و دعوتی زنانه و در بخشهای که به آنها تعلق دارد پیشتاز هستند.

بلی هستند زنانیکه که در برخی او مناطق کشور ما مورد ظلم وحق تلفی در سایه حاکمیت عادات و عنعنات اجتماعی ای که به اسلام ربطی ندارد قرار گرفته اند و قربانی این نوع روشهای مخالف اسلام که از جاهلیت قبل از اسلام سرچشمه گرفته است شده اند، واگر شرایط وزمینة های مناسب برای خواهران مسلمان و متعهد ما میسر گردد وموانع که در سر راه شان وجود دارد برداشته شود کارنامه ها ودست وآردهای را انجام خواهند داد که با خط زرین نوشته شده وتاریخ همواره به آن ببالد.



### حکم عضویت داشتن در احزاب وجریانهای سکولر وقومگرا؟

یکی از دوستان می پرسد که آیا برای یک مسلمان جواز دارد که عضویت حزب سکولر و بی دین ویا عضویت احزاب وگروههای نشنلست وقومگرا را داشته باشد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اولا: جا دارد که از یک مسلمان هدفمند تقدیر شود که در زندگی خود متحرک بوده واهدافی خاصی را دنبال می کند وبرای سربلندی اسلام کار می کند واز تعامل با احزاب وگروههای سکولریستی واحزاب سمتی وقومی درحذر بوده وبه احتیاط به پیش می رود که حتی متوجه شده که باید

حکم شرعی این مسأله را بفهمد که مبادا در حرام و محذور شرعی واقع شود و وسیله بر ضد اسلام و مسلمانان هموطن خود قرار گیرد، زیرا فعالیت‌های احزاب سکولریستی منحصر بر ضدیت بودن دین اسلام است، همچنان اکثر احزاب نشنلست و قومگرا مردم را به تعصب قومی و زبانی و سمتی دعوت می‌دهند و بعوض سربلندی اسلام برای سربلندی یک قوم و یک قبیله و یک زبان کار می‌کنند و احکام اسلام را به مسخره می‌گیرند.. الله متعال می‌فرماید: "إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ"<sup>۱</sup>.

بهترین شما و معززترین شما و مکرم‌ترین شما و نزدیک‌ترین شما نزد خداوند با تقوی‌تر و دیندارترتان است و معیار و لاء و براء و دوستی و دشمنی در اسلام همانا تقوی و پرهیزگاری و خدا ترسی است نه قوم‌گرایی و زبان و سمت.

از همین لحاظ به نتیجه می‌رسیدیم که عضویت داشتن در احزاب سکولر و نشنلیزم حرام بوده و هیچ نوع جواز ندارد، البته احزاب غیر اسلامی بدتر است از احزاب که به نشنلیزم کار میکنند، و هرگاه مسلمانی که بلاغت و فصاحت لسان و علمیت و ثقافت شرعی داشته باشد باید در مجالس گروه‌های نشنلیستی حاضر شود و آنها را نصیحت نماید و انحرافات شان را بیان دارد و قضیه تعصب زبان

<sup>۱</sup> - سورة الحجرات، آیت: ۱۳.

وسمت را بی‌بحث گیرد تا اینکه بتوفیق خداوند متعال سبب هدایت بعض آنها شود، اما اگر انسان نسبتاً دارای ثقافت اسلامی کم باشد باید از آنها دوری جوید.

من به یاد دارم که یک جوان نسبتاً خوب و دوست ما که ما را در کارهای خیر همراهی میکرد متأسفانه بعد از همراهی با یکی از شاخه‌های گروه نشنلیست به آنان تسلیم شده بلکه سخنگوی آنها قرار گرفته و همه حرف و سخن مجلسش کفر گویی و دشنام دادن به اقوام دیگر بوده و حتی جریان‌های اسلامی و اصلاحی را مورد هجوم قرار میدهد و بی‌شرمانه صفحه فیس بوک خود را وسیله کفر گویی قرار داده و همیشه بی‌قرار بوده حتی ولو که خود را تمجید کند، و از امکانات و وظیفه دولتی خود هم سوء استفاده نموده بر ضد اسلام و مسلمانان تبلیغات می‌کند.

پس بهتر است که مسلمان از جریانهای سیاسی و اجتماعی بی‌دین و سیکولر و نشنلیزم دوری جوید تا اینکه از افکار و نظریات قومگرایانه و متعصب آنها متأثر نشود و بعوض آن اهداف اسلامی خود را از طریق جریانها و نهاد های اسلامی و اصلاحی دنبال کند و سبب آزار و اذیت مسلمانان نگردد.

شاعری چه خوب فرموده:

صحبت صالح ترا صالح کند .. صحبت طالع ترا طالع  
کند

پهلوی ماه نشینی ماه شوی .. پهلوی دیگ نشینی سیاه  
شوی



### پیامدهای ترک کردن قرآن کریم و به فراموشی سپردن آن

یکی از دوستان در پیام صوتی این سوال را نموده که  
هجر قرآن کریم چگونه است و اگر کسی قرآن کریم را به  
فراموشی بسپارد گنهگار می شود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

الله متعال در قرآن کریم بزبان پیامبرش محمد صلی  
الله علیه وسلم می فرماید: " وقال الرسول يارب إن قومي  
اتخذوا هذا القرآن مهجوراً<sup>۱</sup> " پیامر گفت که قوم من این قرآن  
را ترک کرده، و مفسرین ترک کردن و هجر و فراموش کردن  
قرآن کریم را چنین بیان نمودند:

<sup>۱</sup> - سورة الفرقان، آیت: ۳۰.

۱- گوش ندادن واهتمام نکردن به قرآن کریم هنگام که تلاوت می شود و بی پروایی نمودن و مشغول شدن به امور بیهوده و بی فایده.

۲- ایمان و باور نداشتن به قرآن کریم .

۳- تدبر نکردن واهتمام نکردن به تفسیر و فهمیدن معانی آیات قرآن کریم.

۴- عمل نکردن به اوامر و نواهی قرآن کریم.

۵- فیصله های خود را مطابق رهنمودهای قرآن نکردن.

۶- قرآن کریم شفاء است و نخواندن آیات که برای شفا یابی از مرض تلاوت می شود.

۷- بعوض تلاوت قرآن کریم و شنیدن آیات قرآنی شنیدن موسیقی و لهو و ساز و سرود.

و مسلمان باید اقلاده آیت قرآن کریم را روزانه تلاوت کند تا اینکه از جمله کسانی حساب نشود که قرآن کریم را هجر کرده و به فراموشی سپرده، زیرا به فراموشی سپردن قرآن آثار بد و ناکوار دارد از جمله:

۱- انسان را قاسی القلب میسازد و قلبش را میمیراند، و تلاوت قرآن کریم ذکر است که سبب اطمینان قلبی می

شود، "ألا بذكر الله تطمئن القلوب" <sup>۱</sup> آگاه باشید که به ذکر الله متعال قلبها مطمئن می شود و تلاوت قرآن سبب آرامش خاطر میگردد.

۲- شیطان بر انسان تسلط پیدا می کند البته شیطان های انسی و جنی بر آن شخص که تلاوت نمی کند، و تلاوت قرآن کریم که بهترین ذکر است سبب وقایه مسلمان از تسلط شیطان می شود و در حفاظت خود میداشته باشد.. و در حدیث صحیح ثابت در خانه که سوره بقره تلاوت می شود شیطان های جنی در آن داخل نمی شود، "لا تجعلوا بیوتکم مقابر، إن الشیطان ینفر من البیت الذی تقرأ فیہ سورة البقرة" <sup>۲</sup>.

۳- محروم شدن مسلمان از فضیلت و ثواب تلاوت قرآن کریم زیرا در فراموشی و ترک کردن قرآن انسان از این فضیلت بی بهره می ماند.

۴- کسی که تلاوت و تدبر قرآن را ترک میکند از شفاعت محروم می شود در روز قیامت، در حدیث صحیح ثابت که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: "اقرؤوا

<sup>۱</sup> - سورة الرعد، آیت: ۲۸.

<sup>۲</sup> - السنن الكبرى للنسائي كتاب عمل اليوم والليلة، ذکر ما یجیر من الجن والشیاطین، و ذکر اختلاف الناقلین لخبر أبي فيه، رقم الحديث: (۱۰۷۳۵)، (ج ۹، ص ۳۵۴).

القرآن فإنه يأتي يوم القيامة شفيعاً لأصحابه"<sup>۱</sup> قرآن کریم را بخوانید که در روز قیامت شفاعت می کند برای تلاوت کننده.

الله متعال ما وشما همه ما را توفیق دهد که قرآن را تلاوت نموده و تدبر کنیم و به تفسیر و ترجمه معانی آن خود را بفهمانیم و به آن عمل هم کنیم.



### حضور یافتن در مجالس فسق و فجور و سکوت کردن در برابر آن گناه بزرگ است

یکی از هموطنان عزیز ما از ولایت پروان سوال نموده:

استاد محترم از بگرام سوال من اینست که یک شب در مجلسی اشتراک کرده بودم که در آن ده نفر بودیم و ده بوتل شراب هم آورده شد همه مصروف نوشیدن بودند ولی من نه نوشیدم چون از گناهِش خبر بودم آیا با اشخاص شراب خور نشستن گناه دارد؟

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، کتاب صلاة المسافرين وقصرها، باب فضل قراءة القرآن، وسورة البقرة، رقم الحديث: (۸۰۴)، (ج ۱، ص ۵۵۳).



الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

برای مسلمان جواز ندارد که در مجالس ومحافل لهو وفساد شرکت کند ودر مجلس شراب نوشی حضور یابد وبا اهل فسق وفجور هم‌نوائی نماید ودر برابر معصیت ونافرمانی آنها سکوت کند، الله متعال مسلمان را از حضور مجالس لهو وبیهوده ومجالس که در آن نافرمانی او تعالی می شود منع کرده وفرموده است: "وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا"<sup>۱</sup>.

از صفات مؤمنان راستین این است که اگر به مجالس لهو وبیهوده ونافرمانی او تعالی ورسولش روبرو شود از آنجا با عزت وسربلند عبور میکند واین نوع مجالس نامشروع که مجالس فسق وفجور وباطل است آنرا تحریم کند وکسانی که در این معصیت و گناه کبیره ملوث هستند آنها را منع نماید ونصیحت کند وحرام بودن شراب نوشی را برای شان بیان کند.

فراموش نکنیم که یکی از عوامل برزگ انحراف مسلمان همنشینی با نا اهلان ورفقای بدکار میباشد زیرا انسان بخش زیادی ازافکار وصفات اخلاقی خود را از طریق

<sup>۱</sup> - سورة الفرقان، آیت: ۷۲.

دوستانش میگیرد و این از نظر علم و تجربه و مشاهدات حسی به ثبوت رسیده است.

نقش دوست و همنشین در خوشبختی و بدبختی یک انسان از هر عاملی مهتر است زیرا در اثر همنشینی با نا اهلان منحرف گردیده و به انحطاط اخلاقی میگرداید، قرآن کریم در مورد شخصیکه در این دنیا گرفتار دوست گمراهش گردیده و او را به گمراهی و بیراهه کشانیده است چنین میفرماید: "وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا ، يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فَلَانًا خَلِيلًا"<sup>۱</sup>.

روزیکه آدم ستمگار دست خود را میگذرد و میگوید: ای کاش من با رسول خدا راهی را بر می گزیدم، وایلا، ای کاش من هرگز فلانی را دوست نمی گرفتم .

پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم در زمینه نقش دوست در تعیین سرنوشت انسان چنین می فرماید: "إِنَّمَا مَثَلُ الْجَلِيسِ الصَّالِحِ وَالْجَلِيسِ السَّوِّءِ كَمَثَلِ الْمَسْكَ وَنَافِخِ الْكَبِيرِ، فَحَامِلُ الْمَسْكَ إِمَّا أَنْ يُحْذِيكَ وَإِمَّا أَنْ تَبْتَاعَ مِنْهُ وَإِمَّا أَنْ

<sup>۱</sup> - سورة الفرقان، آیت: ۲۷ - ۲۸.

تَجِدَ مِنْهُ رِيحًا طَيِّبَةً، وَنَافِخُ الْكَبِيرِ إِمَّا أَنْ يُحْرِقَ ثِيَابَكَ وَإِمَّا أَنْ تَجِدَ رِيحًا خَبِيثَةً<sup>١</sup>.

مثال همنشین صالح و خوب و همنشین بد مانند دارنده مش و دمنده دمه آهنگر است، که دارنده مشک یا برایت مشک و خوشبویی میدهد، یا از وی خریداری میکنی و یا از او خوشبویی را میابی، و دمنده دمه آهنگر یا لباست را میسوزاند یا از وی بوی بد به مشامت میرسد.

با استدلال از این تعالیم آسمانی به اثر گذاری دوست و رفیق و همنشین پی میبریم، و واقعا همنشینی با نا اهلان آنقدر اثر ونتیجه بد در زندگی انسان دارد که حتی اگر جوانی در محیط درست هم تربیه شده باشد و دارای اخلاق و سجایای عالی هم باشد باز هم دوستی با نا اهلان در او اثر خواهد کرد و زمینه های انحراف اخلاقی را در او بوجود خواهد آورد.

شاعر میگوید:

صحبت صالح تو را صالح کند : صحبت طالح تو را طالح

کند

<sup>١</sup> - صحیح البخاری، کتاب البیوع، باب فی العطار و بیع المسک، رقم الحدیث:

(٢١٠١)، (ج ٣، ٦٣).

چون این نوع حضور یافتن در مجلس شراب نوشی در حقیقت همکاری در کار ناروا و ناجایز است که الله متعال از آن منع نموده و امر کرده که مسلمان در کار خیر و تقوا و پرهیزگاری همکار باشد و در کار بد، زشت و ناروا همکاری نکنند.. "وتعاونوا على البر والتقوى ولا تعاونوا على الإثم والعدوان"<sup>۱</sup>.

رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "لعن الله الخمر، وشاربها، وساقیها، وبائعها، ومبتاعها، وعاصرها، ومعتصرها، وحاملها، والمحمولة إليه، وأكل ثمنها"<sup>۲</sup>.

خود شراب جنس نجس است لعن شده و نیز اشخاص ذیل وهمکاران در بخش شراب نوشی خرید و فروش و نقل و انتقال آن لعنت گردیده اند:

\* کسیکه شراب را میسازد و تولید میکند بشکل مباشر و مستقیم .

<sup>۱</sup> - سورة المائدة، آیت: ۲ .

<sup>۲</sup> - السنن الكبرى للبيهقي، كتاب البيوع، باب تحريم التجارة في الخمر، رقم الحديث: (۱۱۰۴۵)، (ج ۶، ص ۲۰).

\* کسیکه برایش شراب تولید میشود یعنی شراب نوشی میکند .

\* فروشنده شراب دکاندار و مغازه دار شراب و رستوران شراب فروش .

\* کسیکه برایش شراب خریداری شده است تا اینکه از آن استفاده کند .

\* کسیکه شراب را حمل میکند و نقل و انتقال میدهد مثل راننده و درایور .

\* کسیکه برایش شراب حمل میشود و نگهداری آن را بدوش دارد .

\* نوشنده ای شراب .

\* ساقی شراب یعنی گارسون های رستورانها و هوتلها.

\* استفاده کننده از پول شراب در تمام این بخشها و غیره.

\* همچنان کسانی که مواد شراب سازی و ماشین آلات آنرا برای شرکت های شراب نوشی میفروشند و آماده می سازند همه در گناه شریک هستند و از رحمت الهی طرد شده اند و آتش دوزخ در انتظار شان است.

## کله چې مسلمان په سختیو کې اخته کېږي/وي کومې دعاوې وکړي؟

له کابل څخه د دیني مسائلو یوه علاقمندې خور پوښتنه کړې ده:

قدرمن استاد په دې ورځو کې مې ستونزې ډېرې شوي دي، آیا کومه مستجاب دعا شته چې د ستونزو د حل لپاره یې ولولم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

په اسلامي شریعت کې کومه ځانگړې دعا چې مستجاب ونومول شي نشته، لیکن په صحیح بخاري او صحیح مسلم کې ثابته ده چې ځینې مستجاب دعاگانې هر پیغمبر ته ځانگړې وي، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمایلي دي: "لكل نبي دعوة مستجابة يدعو بها فيستجاب له فيؤتها، وإنني اختبأت دعوتي شفاعة لأمتي يوم القيامة".<sup>١</sup>

هر پیغمبر خاص مستجاب دعا درلوده او هر وخت چې به یې دعا کوله، دعا به یې قبلېده، او ما

<sup>١</sup> - صحیح البخاري، کتاب الدعوات، باب: لكل نبي دعوة مستجابة، رقم الحديث:

(٦٣٠٤)، (ج ٨/ص ٦٧).

خپله مستجاب دعا پټه وساتله چې د خپل امت لپاره  
د قيامت په ورځ شفاعت وکړم.

ليکن دعاء د قبېلېدو لپاره ځانگړي وختونه  
لري، دا هم غوره ده چې د انبياء عليه السلام  
دعاوې ولوستل شي کله چې به هغوی چې سختيو  
کې را گېرېدل دعاوې به يې کولې مثلاً ايوب عليه  
السلام دعا دا ده: "رب إني مسني الضر وأنت أرحم  
الراحمين"<sup>١</sup>.

ربه زه په سختي او تنگۍ کې يم چې ضرر را  
رسېدلی ما په خپل رحمت کې داخل کړه او پرته له  
شکه ته له ټولو رحم کوونکو زيات رحيم يې.

او د يونس عليه السلام دعا دې ولولي چې دا  
ده: "لا إله إلا أنت، سبحانك، إني كنت من  
الظالمين"<sup>٢</sup>.

نشته حق معبود مگر ته زمونږ معبود او  
پرورگار يې پاكي ده تالره ، او زه له ظالمانو څخه  
وم ما عفو کړه.

١ - سورة النبياء، آيت: ٨٣.

٢ - سورة النبياء، آيت: ٨٧.

دارنگه الله تعالى په اسم اعظم سره چې عبارت دی له " الحى القيوم " څخه او په صحيح احاديثو سره ثابت دي چې څوک د دعا کولو پر وخت " يا حى يا قيوم " ووايي دعا يې قبلېږي .

دارنگه دستونزو د حلېدو د دعا د قبلېدو له اسبابو څخه زيات استغفار ويل، د خپلوانو سره صله رحمي، له گناهونو ځان ساتنه او لېري والى په هره اندازه چې ممکن وي، هم دي .

بهرينې دعاگانې د شپې په وروستۍ دريمه برخه کې دعا کول دي يعنى مخکې له سبا څخه ، او د آذان او اقامت تر منځ، او د جمعې ورځې وروستي ساعتونه، د باران او واورى ورېدو پر وخت، د سفر پر وخت، د مور او پلار دعا د اولاد لپاره، په غياب کې د مسلمان دعا د بل مسلمان ورور يا خور لپاره .





## اگر دعای مسلمان به شکل عاجل قبول نمی شود آیا در آن کدام حکمت الهی نهفته است؟

یکی از خواهران از شرق افغانستان سوال نموده :

من آرزو و آرمانی دارم وبخاطر تحقق آن زیاد دعاء کردم  
لیکن تا بحال نتیجه ملموس ظاهر نشد شما لطف نموده مرا  
رهنمائی کنید که بعد از این چه کنم ؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

- دعاء سلاح مؤمن ومسلمان است.

- دعاء در ذات خود عبادت مستقل است ، الله متعال  
فرموده است: "ادعوني استجب لكم"<sup>۱</sup>، شما دعاء کنید ومن  
قبول می کنم دعای شما را.

ورسول الله صلى الله عليه وسلم در حدیث صحیح  
فرموده است که :

" الدعاء هو العبادة"<sup>۲</sup> دعاء عبادت است.

<sup>۱</sup> - سورة غافر، آیت: ۶۰.

<sup>۲</sup> - سنن أبي داود، كتاب الصلاة، باب الدعاء، رقم الحديث: (۱۴۷۹)، (ج ۲، ص ۷۶).

- مسلمان هرگز از دعاء کردن مأیوس و نا امید نشود،  
و مسلمانی که بخاطر اهداف مشروع دعاء و مسألت می نماید  
و در آن قطع صلہ رحم و غیره اهداف نامشروع نباشد، در هر  
صورت این دعاء برایش نفع می رساند و او در حقیقت یک  
عبادت مهم را انجام داده :

۱- یا اینکه دعایش عاجلاً قبول میشود.

۲- و اگر بشکل عاجل قبول نشود ثوابش در آخرت  
برایش ذخیره میگردد.

۳- یا اینکه اگر قبول هم نشود الله متعال توسط همین  
دعاء از کدام بلاء و مصیبت برزگ او را نجات میدهد..رسول  
الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "ما  
من مسلم يدعو الله بدعوة ليس فيها مآثم، ولا قطيعة رحم إلا  
أعطاه إحدى ثلاث: إما أن يستجيب له دعوته، أو يصرف عنه من  
السوء مثلها، أو يدخر له من الأجر مثلها، قالوا: يا رسول الله، إذا  
نكث، قال: الله أكثر".<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - المستدرک علی الصحیحین للحاکم، کتاب الدعاء، والتکبیر، والتهلل، والتسبیح  
والذکر، رقم الحدیث: (۱۸۱۶)، (ج ۱، ص ۶۷۰).

- شروط قبولی دعاء این است که :

۱- اخلاص داشته باشد.

۲- به الله متعال کمان نیک و خوب داشته باشد.

۳- بدن ولباشس پاک باشد.

۴- غذایش پاک و حلال باشد.

۵- کدام هدف نامشروع مخالف شریعت نداشته باشد.

۶- به تواضع و نرمی و صدای پخش دعاء کند.

۷- بی صبر و مأیوس و نا امید نشود.

۸- در وقت دعاء اوقات استجابت دعاء را اختیار کند که عبارت است از : بعد از نمازهای فرض، در سوم حصه اخیر شب، در بین آذان و اقامت، در وقت افطاری روزه، در سفر، در ساعت اخیر روز جمعه، در بین هر دو خطبه جمعه.



## دوستی رسول الله صلی الله علیه وسلم عمل کردن به سنت او است

- با مخالفت کردن سنتش و عمل نکردن به رهنمودهایش در همه ابعاد زندگی دعوی دوستی کردن با رسول الله صلی الله نادرست. بی مفهوم و خود را بازی دادن است.

- هر که مخالفت سنت او را میکند از دوستی و شفاعت و همراهی اش در روز قیامت محروم میماند.

مسلمان بدون پیروی رسول الله صلی الله علیه وسلم والتزام به سنتش و رهنمودهای صحابه کرام مؤمن درست گفته نمی شود. مسلمان باید رسول الله صلی الله علیه وسلم را از پیدر، مادر، فرزند و همه مردم کرده دوست داشته باشد " لا یؤمن أحدکم حتی أکون أحبَّ إلیه من ولده ووالده والناس أجمعین"<sup>۱</sup>، و تقاضای دوستی این است که مطابق سنتش عمل کند و در هر کار خود اول به فکر این باشد که رسول الله صلی الله علیه وسلم چی روش را اختیار کرده، اگر مسلمان دعوی دوستی رسول الله صلی الله علیه وسلم را

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، کتاب الإیمان، باب وجوب محبة رسول الله صلی الله علیه وسلم أكثر من الأهل والولد، والوالد والناس أجمعین، وإطلاق عدم الإیمان علی من لم یحبه هذه المحبة، رقم الحدیث: (۴۴)، (ج ۱، ص ۶۷).

کند و مخالف سنتش عمل نماید، دوست او شمرده نمی شود، واز همراهی و شفاعت او در روز قیامت محروم میماند.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ . اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ .



**دوستی، ومحبت رسول الله صلى الله عليه وسلم در عمل به سنت تحقق می یابد نه در پختن شیربرنج**

یکی از دوستان از ولایت بلخ نوشته:

السلام علیکم استاد بزگوار درمورد نقد میلاد پیامبر اگر کدام مقاله نوشته دارید روان کنید.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، اما بعد:

الله متعال در قرآن کریم به رسول الله صلى الله عليه وسلم امر نموده که به امت خود اعلان کن که اگر الله متعال را دوست دارید پیروی من را بکنید در همه جوانب زندگی تان و دین مبین اسلام را به شکل جزئی شناسید بلکه در همه ابعاد به آن عمل کنید الله متعال شما را دوست میدارد و دین و دنیای تان را روشن میسازد و گناهان شما را مغفرت

می کند و می بخشد: " قل إن كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله ويغفر لكم ذنوبكم"<sup>۱</sup>.

مسلمان باید سیرت رسول الله صلی الله علیه وسلم علیه وسلم را در همه ایام سال مطالعه کند و به سنتهای او عمل نماید و در زندگی خود تطبیق کند، و آنحضرت صلی الله علیه وسلم را در عبادات، معاملات و خرید و فروش و تجارت، در زندگی اجتماعی خود، در مسائل سیاسی، در ولاء و براء یعنی دوستی و دشمنی و در سائر اعمال خود قدوه خود بداند، تنها دوستی آنحضرت صلی الله علیه وسلم به شیوه های خرافاتی و پختن شیر برنج و توزیع کردن آن و یا محافل مولود نبوی تحقق نمی یابد، بلکه این نوع اعمال که از منحرفین مروج شده بدعت و نور آوری شمرده می شود، در صورت که جائز و مشروع میبود آنحضرت صلی الله علیه وسلم امر میکرد و صحابه کرام و تابعین و ائمه فقهاء به آن عمل می نمودند، رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "من أحدث في أمرنا ما ليس منه فهو رد"<sup>۲</sup> کسی که در دین ما آوردی کند چیزی را که اصلا اساس و دلیل شرعی ندارد مردود و غیر قابل قبول است.

<sup>۱</sup> - سورة آل عمران، آیت: ۳۱.

<sup>۲</sup> - صحیح مسلم، کتاب الأقضية، باب نقض الأحكام الباطلة، ورد محدثات الأمور، رقم الحدیث: (۱۷۱۸)، (ج ۳، ص ۱۳۴۳).

اما اگر دانشمند و علماء به مجالس مولود نبوی و کنفرانسها دعوت می شوند مسؤولیت دارند که از شمولیت دین مبین اسلام حرف بزنند و دوستی و محبت رسول الله صلی الله علیه و سلم را به شکل درست شرح کنند که عبارت است عمل کردن به نست نه مخالفت سنت و تنها دوستی رسول الله علیه و سلم در یک روز تحقق نمی یابد که یک رسم و رواج گردیده، و نیز مولوی صاحبان و ملاهای مساجد باید بدانند که دوستی آنحضرت صلی الله علیه و سلم در قطع جنگ در بین مسلمانان و در آوردن صلح و ثبات است در کشور عزیز ما.. مسلمان که دعوی دوستی پیامبر اسلام را میکند و در عین حال مردم را به کشتن مسلمانان تشویق می کند در حقیقت در مخالفت با سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم قرار دارد.



**مقوله مانعین و منکرین دعوت که: " عیسی بدینش و موسی بدینش " مخالف شریعت است**

یکی از هموطنان عزیز ما از شهر چاریکار مرکز ولایت پروان سوال نموده:

یک نفر اینطور برایم نوشته که : عیسی را دینش و موسی را دینش ما اینقدر درد سر داریم ماچه کنیم دلش

نماز می خواند و دلش نمی خواند قبر او جدا است  
قبر ماجدا؟

دعوت اسلامی و منع کردن منکرات و نشر دین مبین  
اسلام و رسانیدن حرف حق بر هر مسلمان چپی مرد باشد و یا  
زن فرض است، و مسلمان مأمور است که اولاً خود را صلاح  
نماید و در قدم دوم به اصلاح خانواده و ماحول خود بکوشد  
و در قدم سوم به اصلاح جامعه خود بپردازد.

اما ترک کردن دعوت، و مانع شدن از نشر آن گناه  
کبیره و بزرگ شمرده میشود و این مقوله مانعین و منکرین  
دعوت که: "عیسی بدینش و موسی بدینش" بمعنای الغاء  
نمودن امر بالمعروف و نهی عن المنکر است که یکی از  
عبادات اساسی دین مبین اسلام است.. بلکه دعوت اسلامی  
بهترین کارها و وظایف در روی زمین شمرده میشود، الله  
متعال فرموده است: "وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ  
صَالِحًا وَقَالَ إِنَّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ"<sup>۱</sup>.

بهترین بندگان الله متعال کسی است که سخن نیک  
بگوید و بسوی الله متعال دعوت دهد و اعمال صالح انجام  
دهد و خود را از جمله مسلمانان بداند. و کسانی که در راه  
دعوت و اصلاح و هدایت مردم بسوی نیکیهای تلاش دارند به

<sup>۱</sup> - سورة فصلت، آیت: ۳۳.



این آیه مبارکه عمل میکنند: "وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ"<sup>۱</sup>.

از جمله شما کسانی باشد که بسوی خیر دعوت دهد و امر بالمعروف و نهی عن المنکر نماید و آنها رستگاران هستند.

نیز شعار مسلمان این حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم است: "بلغوا عني ولو آية"<sup>۲</sup>.

برای ادای رسالت و رسانیدن هدایت و نیکی به مردم به اندازه توان و استطاعت تان تلاش کنید حتی ولو که یک آیت را هم به مردم برسانید.

مسلمانی که در تلاش هدایت عامه مردم میباشد بر علاوه از اینکه فریضه دینی خود را ادا کرده رابطه اش با الله متعال محکمتر شود و از جانب دیگر سبب هدایت دیگران میگردد و در جاهای که منکرات وجود دارد همین دعوتگران

<sup>۱</sup> - سورة آل عمران، آیت: ۱۰۴.

<sup>۲</sup> - صحیح البخاری، کتاب أحادیث الأنبياء، باب ما ذکر عن بني إسرائيل، رقم الحدیث: (۳۴۶۱)، (ج ۴، ص ۱۷۰).

ماهستند که مردم را قناعت می‌دهند که منکرات سبب  
بربادی جامعه و مجتمع می‌شود.

قابل یاد آور است که امر بالمعروف ونهی عن المنکر سه  
مرحله :

۱ - کسی که توانایی داشته باشد منکر و اعمال ناروا را  
بدست خود منع کند و اقدام نماید.

۲- در صورتیکه توانایی ازاله و محو منکر را بدسته  
نداشته باشد زبان خود علیه آن تبلیغ نماید و مردم را  
تحریک کند .

۳- اگر بزبان هم نتواند وجود منکر و اهل آنرا به قلب  
خود ناپسند بداند و در فکر پلان گذاری بخاطر ازاله آن  
باشد.

این مطلب را رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث  
صحیح تأکید نموده که این نص آن است: "من رأى منكم  
منكراً، فليغيره بيده، فإن لم يستطع فبلسانه، فإن لم يستطع  
فبقلبه، وذلك أضعف الإيمان"<sup>۱</sup>.

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، کتاب الإیمان، باب بیان کون النهی عن المنکر من الإیمان، وأن الإیمان  
یزید وینقص، وأن الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر واجب، رقم الحدیث: (۴۹)، (ج ۱،  
ص ۶۹).

## د عربي ژبې زده کول فرض کفایي دي

له کابل ښار څخه مو یوې خور پوښتنه کړې

ده:

د عربي ژبې زده کول د مسلمان لپاره څه حکم

لري؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

د عربي ژبې زده کول فرض کفایي دي، ځکه د شرعي علومو اساس او اصلي منابع په عربي ژبه دي او که مسلمان عربي ژبې ته لاسرسی ولري او پرې پوهه شي په آسانی کولای شي د خپلو عباداتو او اذکارو په احکامو پوهه شي.

ددې له مخې عربي ژبه مسلمانانو ته ځانگړی اهمیت لري چې د اسلام د مبین دین او مسلمانانو د عباداتو سره محکمې اړیکې لري.

او مسلمان که عربي ژبه د عبادت په نیت زده کړي، دا کړنه یې اجر، ثواب او فضیلت ته شاملېږي، ځکه چې عربي ژبې ته اهتمام کول یعنې د قرآن کریم په تفسیر، نبوي احادیثو او اسلامي فقه پوهېدل.

او هغه اندازه عربي ژبه چې د عباداتو، اذکارو او لمانځه د ادا کولو لپاره ده؛ زده کړه یې واجب شمېرل شوې ده.. او په شریعت کې فقهي قاعده ده چې: " ما لا یتیم الواجب إلا به فهو واجب " هر هغه څه چې چې واجبات له هغو پرته نه ادا

کېږي؛ هغه خپله هم واجب دي.



### برای مسلمان دعوتگر جایز نیست که قرآن کریم را برای غیر مسلمان بدهد

یکی از محصلین افغانی مقیم در کشور هندوستان  
سوال نموده:

آیا برای مسلمان جایز است که بخاطر دعوت نمودن  
وقناعت دادن غیر مسلمان قرآن کریم را برایش بدهد چند  
صنفي وهم اطاقی من بودایی و عیسوی است و هندو هم  
است بعض اوقات در مورد دین مبین اسلام وقرآن کریم  
پرسان میکنند گفتم سوال کنم اگر جایز باشد که برایشان  
یک ترجمه قرآن کریم را بدهم، شما لطفا همکاری  
ورهنمایی کنید؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اولا: از احساس دینی واهتمام این جوان عزیز هموطن ما قدر دانی میکنیم که بر علاوه از حفظ هویت و ارزشهای اسلامی خود برای هدایت دیگران و مشرف آنها به دین مبین اسلام کوشان است و از فرصت استفاده نموده برای سربلندی دین خود کار میکند جزاه الله خیرا و از همه محصلین و جوانان هموطن ما که در کشورهای غیر اسلامی مصروف درس و ادامه تحصیل هستید و یا بسر می برند همین توقع را داریم که من حیث فرزندان سرزمین سلطان محمود غزنوی و سید جمال الدین افغانی افتخار نشر دین مبین اسلام را نیز کسب نمایند.

ثانیا: در شرائط کنونی و وسائل و تکنالوجی جدید برای نشر دین مبین اسلام زمینه و فرصتهای خوبی را برای مسلمان فراهم نموده که از بدائل تقلیدی مؤثریت بیشتر دارد که باید از این وسائل و تکنالوجی استفاده نمود.

ثالثا: برای دعوتگر مسلمان جایز نیست که قرآن کریم برای غیر مسلمان بدهد زیرا:

۱- بیم آن میرود که قرآن کریم مورد اهانت قرار گیرد زیرا غیر مسلمان به این کتاب آسمانی احترام ندارد و حقیقت را اداء نمی کند.

۲- غیر مسلمان نجس و ناپاک است و باید کتاب الله متعال را لمس نکند حتی برای مسلمان بی وضوء جایز نیست که مصحف را لمس کند پس از باب اولی غیر مسلمان باید به مصحف دست نبرد.

۳- در صورتیکه قرآن کریم به غیر مسلمان داده شود بر آن تسلط پیدا میکند از اینکه با دین اسلام دشمنی دارد ممکن دست به بی حرمتی و پاره کردن وزیر پاکردن آن بزند.

در حدیث صحیح متفق علیه ثابت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم منع نمود مسافر مسلمان را که قرآن کریم را با خود به سرزمین دشمن ببرد: "عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - نَهَى أَنْ يُسَافَرَ بِالْقُرْآنِ إِلَى أَرْضِ الْعَدُوِّ"<sup>۱</sup>.

لیکن دعوت نمودن غیر مسلمان از خود طریقه و شیوه خاص دارد که این برادر ما باید آنرا مطالعه نموده و مطابق آن عمل نماید و از شیوه های شیخ احمد دیدات و ذاکر نایک در این راستا استفاده کند، و شیوه های دعوتی زیبا وجود دارد که مسلمان غیر مسلمان را به دین مبین اسلام دعوت

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب الجهاد والسير، باب السفر بالمصاحف إلى أرض العدو، رقم

الحدیث: (۲۹۹۰)، (ج ۴، ص ۵۶).

دهد و قبل از تحفه دادن قرآن کریم زمینه مسلمان شدنش را نماید از جمله آن:

۱- فضائل توحید و یکتا پرستی الله متعال را برایش شرح کند.

۲- دلائل عقلی کونی را برایش بیان کند که مدبر و خالق این زمین و آسمان به این برزگی الله متعال است و اداره این از توانایی مخلوق خارج است.

۳- در مورد فضائل و نعمتهای بهشت و جنت روشنی بیندازد.

۲- مسائل زیبا و خوب را انتخاب نموده برایش بیان کند.

۳- از عدالت و رحمت در دین مبین اسلام صحبت نماید.

۴- دین مبین اسلام را دین دوستی، محبت و صلح و همزیستی معرفی نماید.

۵- او را با خود به کتابخانه خاص خود و یا به کتابخانه عمومی ببرد بعض آیات قرآن کریم را برایش تلاوت نماید، و ترجمه معانی قرآن کریم را برایش هدیه و تحفه دهد.

۶- کسیتھای تلاوت قرآن کریم را بصدای قراء و حافظان مشهور جهان اسلام را برایش بدهد.

۷- با تلاوت قرآن کریم از سایتهای انترنیتی و موبایل او را آشنا بسازد زیرا قرآن کریم خودش معجزه است و سبب هدایت غیر مسلمانان میشود.

۸- سایتهای انترنیتی اسلامی را بزبانهای که غیر مسلمان به آن تسلط و آشنایی دارد باز نماید.

۹- این بسیار با اهمیت است که خود مسلمان دعوتگر با رویه خوب، اخلاق نیکو، امانتداری و صداقت الگو و قدوه باشد تا اینکه از اخلاق و کردار خود غیر مسلمان را متأثر سازد.

۱۰- عهد و پیمانیکه که با غیر مسلمان دارد به آن وفا نماید اعتدال، تسامح، شعارش باشد .



### شرعی علومو ته د اولادو د هخولو ارزښت !

دا یو خرگند حقیقت دی چې د قرآن کریم پیل پر یو داسې مبارک آیت سره پیل شویدی چې لوستنې او زده کړې ته خپل پیروان هڅوي او د قرآن کریم دا غوښتنه اختیاري نه، بلکه د امر په



کليمې سره شوېده، لکه لوی څښتن تعالی همدا حقیقت مونږ ته په قرآن کریم کې داسې څرگندوي: (اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ) ۱ .

ترجمه: (ای محمد! علیه الصلاة و السلام) د خپل پروردگار د نامه په برکت سره (قرآن) ولوله. هغه پروردگار چې (ټول مخلوقات) پې پیدا کړي دي. په دې مبارک آیت کې دا امر لومړی نبي علیه الصلاة و السلام ته او بیا د هغه د امت هر فرد ته متوجه دی تر څو لوستنه وکړي او داسې علم زده کړي چې ده او نورو ته په دنیا او آخرت کې پکې خورا خیر نغښتلی وي.

دا به هم له هیچ چا څخه پته نه وي چې نبي علیه الصلاة و السلام به د سترو او جلیل القدره صحابه کرامو د روزنې تر څنګ، حتی د ماشومانو زده کړې او روزنې ته هم ځانګړې توجه کوله او لکه څرنګه چې د زده کړې پروسه د لوستنې او لیکنې له پړاوونو څخه پیل کېږي؛ نو له همدې کبله مهربان او خواخوږي پیغمبر (علیه الصلاة و السلام) به یو لړ پوه او تعلیم یافته خلک پر دې باندې ګمارل تر څو د مدېنې کوچنیانو ته د لیکنې او لوستنې تعلیم ورکړي.

۱ - سورة العلق، آیت: ۱.

ابن سعد (رحمه الله) [د عراق د بصري په ښار کې زيږېدلى هغه علمي شخصيت ؤ چې د خپل وخت له سترو محدثينو څخه به گڼل کېده او مشهور کتاب يې الطبقات الكبرى نومېږي] (۱) په خپل کتاب الطبقات کې يو حديث روايت کړيدى او په دغه کتاب يې ليکلي دي چې: (أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَبْلَ مَنْ أَسَارَى بَدْرَ أَنْ يُعْلَمَ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ عَشْرَةَ صَبْيَانٍ مِنَ الصَّحَابَةِ الْقِرَاءَةَ وَالْكِتَابَةَ)¹.

نبي کریم (صلی الله علیه وسلم) د بدر له بندي شوو کسانو څخه [پر دوي کې شتمن او په اقتصادي لحاظ بې وسې خلک هم ول، د ځينو روايتونو پر اساس په دې مشرکينو کې تقريبا ۷۰ تنه داسې ول چې ډېر زيات فقير او خورا بې وسه کسان ول، تر دې پورې چې د خپل ځان د خلاصون لپاره يې مال هم نه درلود؛ خو هغه مهال اسلامي امت تر بل هر څه علم ته اړتيا درلوده تر څو يو څوک دوي ته ليکل او لوستل ورزده کړي او ډېر کم له دوي څخه په علم سمبال ؤل؛ نو نبي عليه السلام له همدې زرین فرصت نه په استفادې سره د دې جنگي بنديانو د آزادۍ لپاره له دوي سره [ ۲) (دا ومنله چې تر څو هر يو له دوي څخه

¹ - (طبقات ابن سعد، ج: ۱۴، قسم: ۲/۱).

لسو نورو ماشومانو ته لوستل او ليكل ورزده كړي .

د نن ورځې د ټولني كمكي ماشومان د سبا ورځې مخكښان او رهبران دي، له همدې كبله د اسلامي تاريخ په زرینو پاڼو كې لولو چې حضرت حسن بن علي ( رضي الله عنه ) به نور خلك د ماشومانو زده كړې ته هڅول، لكه چې په دې اړه خطيب بغدادی ( رحمه الله ) داسې ويلي دي:

حضرت حسن بن علي ( رضي الله عنه ) به ويل: ( تَعَلَّمُوا تَعَلَّمُوا صِغَارَ الْقَوْمِ الْيَوْمَ، تَكُونُ كِبَارَهُمْ غَدًا، فَمَنْ لَمْ يَحْفَظْ مِنْكُمْ فَلْيَكْتَبْ )<sup>١</sup>.

ترجمه: تاسې د خپل قوم ماشومان نن په علم سره سمبال كړئ، ځكه چې دوي به سبا ورځ د خپل قوم مخكښان وي او هر هغه څوك چې علم يادولی نشي؛ نو ( له ځان سره دې ) وليكي .

دا يواځې حضرت حسن ( رضي الله عنه ) نه ؤ چې د نوي نسل ( new generation ) سالمې روزنې او پالنې ته به بې ځانگړې توجه كوله، بلكه د اسلامي تاريخ وياړلو شخصيتونو څخه يو

<sup>١</sup> - (الكفاية في علم الرواية للخطيب البغدادي، ص: ٢١٩).

هم حضرت عطاء بن أبي رباح (رحمه الله) و خپلو  
شاگردانو ته به پې ويل: (يا غلمان اکتبوا، فَمَنْ كَانَ  
مِنْكُمْ لَا يُحْسِنُ كَتَبْنَا لَهُ، وَمَنْ لَمْ يَكُنْ مَعَهُ قِرْطَاسٌ  
أَعْطَيْنَاهُ مِنْ عِنْدِنَا)¹.

ترجمه: اى زده کوونکو! بڼه ليکل وکړئ؛ نو  
هر هغه څوک چې له تاسو څخه بڼه ليکل نشي کولى  
مونږ به پې ورته وليکو او له هر هغه چا سره چې  
د ليکلو وسائل (لکه کتابچه او پاڼې) نه وي —  
مونږ به پې له خپل ځان څخه دوي ته ورکړو.

ابن نَفَطويه به له خپل ځان سره دا شعر ډېر  
زمزمه کاوه او ويل به پې:

أَرَانِي نَسِيتُ فِي الْكِبَرِ وَكُنْتُ بِنَاسٍ مَا تَعَلَّمْتُ  
فِي الصَّغَرِ

وَمَا الْعِلْمُ إِلَّا بِالتَّعْلَمِ فِي الصَّبَا \*\*\* وَمَا الْحِلْمُ  
إِلَّا بِالتَّحْلُمِ فِي الْكِبَرِ

وَلَوْ فُلِقَ الصُّبْحُ فِي الصَّبَا \*\*\* لِأَبْصَرَ فِيهِ  
الْعِلْمُ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ

¹ - (المحدث الفاضل بين الراوي والواعي لرامهرمزي، ص: ٣).

خان را ته داسې بنکاري چې په لويوالي کې مې هر څه هېر کړی وي، خو هغه څه مې لانه دې هير کړي چې په کوچنيوالي کې مې زده کړی ؤ. غوره علم د (صبا) کوچنيوالي او غوره حليم (صبر) د لويوالي دی. که لمر په ماشوموب کې راڅرگند شي؛ نو علم به پکې داسې رابنکاره شي لکه په تيرره باندې چې د ليکلو تاثير له ورايه ثابت بنکاري. (حاشية ابن عابدين ۱/ ۱۵۷).

په همدې ډول سره مومو چې داسلام پوهنيز دين د ماشوم زده کړې ته خورا توجه کړيده او د هغه د ژوند په ټولو پړاوونو کې بې د بڼې روزنې او سالمې پالنې سپارښتنه کړېده. انسان بل څه نه دې خو د خټو څخه جوړ شوی يو محرک مخلوق دی چې له نطفې څخه بې جوړښت رامنځ ته شويدي، لکه چې لوی څښتن تعالی په دې اړه داسې ارشاد فرمايي: (وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّن طِينٍ {۱۲} ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ {۱۳} ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ ۱).

ترجمه: او قسم دې چې مونږ بېشکه انسان ( آدم عليه الصلاة و السلام ) له سوچه (غوره کړای شوی) خټې څخه پیدا کړی دی بیا مونږ دغه ( د آدم عليه الصلاة و السلام اولاده ) نطفه ( د مني تېرلي څاڅکې ) په مکین ( د مور په رحم کې چې له هغه ځایه خوځېدلی نشي ) وگرځوله. بیا مو دا نطفه علقه ( د وینو یوه کلکه او سرېښاکه ټوټه ) وگرځوله، بیا مو دا علقه مُضْغَة ( د غوښو یوه بوټۍ ) وگرځوله، بیا مونږ دې هډوکو ته غوښه ورواغوستله، بیا مو په بل پیدایښت سره ( ژوندی پیدا کړ )؛ نو د الله تعالی شان ډېر لوړ دی چې ډېر ښه پیدا کوونکی دی.



## فهرست موضوعات

صفحه

عناوین

### کتاب اخلاق و آداب عمومی

- چگونه غیبت را از مجالس خانمها منع کنیم و یا کاهش دهیم؟..... ۱
- صله رحم..... ۳
- حدود تعامل خواهران با مردان نا محرم در وسائل ارتباط جمعی. ۵
- حکم گذاشتن کتابهای زبان انگلیسی بالای کتابهای دینی..... ۷
- خانه پری کردن فورمه برای دیگران ثواب دارد..... ۸
- فضیلت عیادت مریض..... ۹
- مصافحه شرعی مطابق سنت با یک دست انجام میشود..... ۱۲
- استعمال رنگ سیاه برای موی خانمها..... ۱۵
- آداب شرعی قیچی کردن موهای خانمها..... ۱۷
- ضوابط شرعی آرایش کردن خانمها..... ۱۸
- تبریکی دادن سال نو هجری مباح ومشروع است..... ۲۱
- چکچک کردن و ایستادن در وقت سرودن سرود ملی..... ۲۲
- شطرنج بازی کردن حرام است..... ۲۳

- آداب تعامل با اورا قی که مشتمل بر آیات قرآنی و احادیث نبوی  
 است..... ۲۵
- در حجاب خانمها رنگ سیاه شرط نیست..... ۲۶
- حجاب لباس تقوا و پاکیزگی خواهران است..... ۲۸
- حتی در تلاوت قرآن کریم باید مسلمان به مسلمان اذیت نرساند  
 ..... ۳۳
- کار کردن بانوان بوظیفه میزبانی هواپیما حرام است و معاش و در  
 آمد آن نیز حرام شمرده میشود..... ۶۱
- حکم رفتن خانمها به حمامهای گرم بخاطر غسل نمودن..... ۶۴
- گفتنی در مورد حلقه های قرآن خوانی انترنیتی و فیس بوکی .... ۶۸
- شروط قبولی دعای مسلمان..... ۷۰
- به پاکی یاد کردن الله متعال توسط تسبیح های مروجه..... ۷۳
- آیا براستی بیشتر اهل دوزخ را زنان تشکیل میدهد؟..... ۷۵
- برای زن و شوهر جواز دارد که دستان همدیگر را ببوسند..... ۷۹
- در جواب تلفون هلو یا الو گفتن بهتر است یا السلام علیکم؟ ..... ۸۰
- ذکر نمودن در داخل تشنابها و حمامها مکروه است..... ۸۱
- فضایل شجر کاری و نهال شانی..... ۸۱



- ۸۳.....حکم دشنام دادن رهبران سیاسی.....
- ۸۵.....نوشتن آیات قرآن کریم در ظرف آشپزخانه.....
- حکم ثبت معلولین عمومی بخاطر بدست آوردن پول در دفتر
- ۸۶.....معلولین جنگ.....
- وظیفه اجراء کردن وهمکاری نمودن با رسانه های که در نشر
- ۸۸.....فحشاء ومنکرات نقش دارد.....
- ۹۳.....دعای دسته جمعی بعد از نماز فرض.....
- ۹۶.....در بیت الخلا هنگام قضای حاجت صحبت کردن مکروه است....
- ۹۶.....حکم فروش کبوترها.....
- ۹۸.....دایره زدن خانمها.....
- ۹۹.....تلاوت کردن سوره کهف روز جمعه ثواب وفضیلت دارد.....
- ۹۹.....آداب واحکام استخاره نمودن.....
- ۱۰۱.....ختنه کردن دختران.....
- سالگره تولد اشخاص در اسلام اساس ندارد وبهتر است که نشود
- ۱۰۳.....
- ۱۰۴.....اتن ملی ورقص مردان باشمشیر وتفنگ در روشنی شریعت.....

- استفاده از سامان وقفی مسجد در ضرورت‌های شخصی جایز نیست  
 ۱۰۶.....
- از بین بردن حشرات مضر.....  
 ۱۰۷.....
- تراشیدن بعضی جاهای موی سر و ترک کردن بعضی آنها مکروه است  
 ۱۰۸.....
- روش تعامل با مال یافتگی در راه.....  
 ۱۰۹.....
- حکم نگهداشتن پرندگان.....  
 ۱۱۰.....
- تشله بازی مباح است و تشله برد حرام است.....  
 ۱۱۲.....
- استخدام آیات قرآنی بعوض زنگ موبایل و تلفون جواز ندارد.....  
 ۱۱۳.....
- تکس نپرداختن مسلمان در اروپا.....  
 ۱۱۴.....
- آیا معلمه تحفه شاگردان را قبول کند؟.....  
 ۱۱۵.....
- رهنمودهای شرعی در مورد تعبیر خواب.....  
 ۱۱۶.....
- خواب نا پسند و زشت دیده چی کند؟.....  
 ۱۲۱.....
- شروط قبول شدن دعای مسلمان.....  
 ۱۲۲.....
- از اخبار و روز نامه ها بحیث دسترخوان استفاده کردن جواز ندارد  
 ۱۲۴.....
- امتحان دادن بخاطر کاریابی به عوض رفیق.....  
 ۱۲۵.....

- دست بالا کردن در دعاء اصل است.....۱۲۷
- کبوتر بازی کردن.....۱۲۸
- سیر و سیاحت در دین مبین اسلام مباح است.....۱۲۹
- هنگامیکه مسلمان در تنگنا قرار میگیرد کدام دعاها را بخواند؟
- .....۱۳۰
- آیا دعاء کردن احتیاج به واسطه بین انسان و خداوند دارد؟.....۱۳۳
- در جواب عطسه غیر مسلمان " یهدیکم الله " گفته شود.....۱۳۴
- بعد از مرگ آواز خوان گناه آهنگهایش باقی است.....۱۳۵
- خینه کردن دستان و پاها.....۱۴۲
- نسبت دادن خانمها به شوهرانشان جائز نیست.....۱۴۳
- نقل کردن و نقل دادن در امتحان.....۱۵۱
- گذاشتن آذان در موبایل دارای سه حالت میباشد.....۱۵۲
- ذکر الله متعال توسط تسبیح های مروج جائز و مشروع است....۱۵۳
- آیا برای مسلمان جائز است که کامند پولیس در کانادا شود؟..۱۵۴
- خواب کردن بعد از نماز صبح و عصر مباح است و مکروه نیست ۱۵۸
- آیا ماندن موهای دراز برای مردان سنت عادت است یا مستحب؟
- .....۱۵۹

- از حقوق همسایه ها این است که سامان مورد نیاز منع نشود ۱۶۰  
 خانم خود را از صله رحم اقرارش منع میکند آیا گنهگار میشود؟  
 ۱۶۲.....
- نمونه از اموری که همسایه ها از آن آزار واذیت می بینند..... ۱۶۷  
 چاپلوسی یکی از امراض اجتماعی و آفات زبانی است..... ۱۷۰  
 شنیدن آواز پرندگان مباح است وبه موسیقی قیاس نمی شود. ۱۷۲  
 گذاشتن پول در بین قرآن کریم از ترس دزد..... ۱۷۳  
 دراز ماندن ناخنها مخالف فطرت است..... ۱۸۰  
 دخل مالی شوهرش از کار حرام است..... ۱۸۲  
 تبریکی دادن سال نو در شریعت مباح ومشروع است..... ۱۸۴  
 بهتر است که بعد از نماز عید تبریکی داده شود نه قبل از آن. ۱۸۵  
 کسی که آرزوی کار خیر را دارد باید بخاطر تحقق آن دست بکار  
 شود..... ۱۸۶  
 قرعه اندازی بخاطر تعیین نمودن حق مشروع ومباح است..... ۱۸۸  
 آیا اذکار مسنون صبح وشام برای اجر خوانده می شود ویا بخاطر  
 حفاظت نفس انسان؟..... ۱۸۹  
 اهمیت انتخاب و گزینش نام نیک برای نوزادان..... ۱۹۰

- آیا تلاوت قرآن کریم از موبایل در مقایسه تلاوت از مصحف ثواب کمتر دارد..... ۱۹۷
- حکم آغاز کنفرانسها و مجالس با تلاوت چند آیه از قرآن کریم ۱۹۹
- کار و وظیفه خانمها اگر به قیمت دین تمام شود حرام است.... ۲۰۰
- شروط شرعی نگهداری و فارم داری زنبور عسل..... ۲۰۷
- شکجه نمودن اطفال و افراد خانواده بخش از تربیه اسلامی نیست  
..... ۲۰۹
- حقوق والدین و فرزندان..... ۲۰۹
- برگزاری محافل موسیقی بخش از ثقافت ملت ما نیست..... ۲۱۱
- تلف کردن حق خانمها بخاطر والدین و توجه نکردن به والدین  
بخاطر زن نیز گناه است..... ۲۱۶
- محافظت، استفاده مثبت، حسن اداره و تنظیم آبهای کشور فریضه  
ملی همه افغانها است..... ۲۱۷
- خوابیدن بر روی شکم مکروه است..... ۲۲۲
- دیدگاههای فقهای معاصر در مورد نشر عکسهل..... ۲۲۳
- در شریعت ختمهای قرآنی شریکی وجود ندارد..... ۲۲۷
- خال کوبی یا تاتو ( Tatto ) در شریعت حرام است..... ۲۲۸

- نگهداری پرنده ها در قفس مباح و مشروع است..... ۲۳۰
- عجله کردن در کارهای خیر..... ۲۳۲
- اهمیت استقامت و پایداری در زندگی مسلمان..... ۲۳۴
- خواب بعد از فجر وعصر مباح است..... ۲۴۸
- زعفران گیاه حلال و مفید است..... ۲۵۰
- تعامل با اوراق غیر قابل استفاده قرآن کریم..... ۲۵۱
- وقت تلاوت سوره کهف بعد از فجر روز جمعه تا غروب آفتاب است  
..... ۲۵۴
- حکم طلا پوش کردن دندان در شریعت..... ۲۵۵
- دراز کردن پا طرف قبله باکی ندارد و مباح است..... ۲۵۶
- تجلیل از روز زن از مسائل عقائدی نیست..... ۲۵۶
- دعاء سلاح مؤمن است..... ۲۵۸
- حکم تلاوت قرآن کریم چیست؟..... ۲۶۵
- استفاده نامشروع از برق دولت..... ۲۶۸
- استفاده از تابلیتهای جلوگیری از حامله شدن..... ۲۶۹
- کشت کردن موی سر در حالت ضرورت جواز دارد..... ۲۷۰
- مسلمانی که ریش مسلمان را می تراشد گنهگار است..... ۲۷۱

- ۲۷۳..... تلاوت کردن قرآن کریم بدون فهم معانی آن
- ۲۷۵... در محافل عروسی بخش زنانه فیلمبرداری کردن جواز ندارد
- ۲۷۶..... مسأله انتخابات یک امر اجتهادی است
- ۲۷۷..... بهتر است که اطفال قبل از هفت سالگی ختنه شوند
- ۲۷۸..... تعلیم قرآن در مقابل پول جواز دارد
- ۲۸۰..... بالا کردن دستان از اسباب قبولی واستجابت دعاء است
- ۲۸۲..... آیا بوسیدن دست علماء وپدر ومادر وماما وكاكا جواز دارد
- ۲۸۲..... سفر کردن بخاطر تجلیل نوروزی به شهر مزار
- اعمار مساجد از پول پروگرام همبستگی ملی وزارت انشکاف دهات
- ۲۸۴.....
- ۲۸۷..... قرآن خواندن با چشمان فقط بدون حرکت زبان
- رهنمایی شرعی برای هموطنان عزیز ما هنگام واقع شدن زلزله
- ۲۸۸.....
- ۲۹۷..... شفاعت کردن وواسطه شدن در کارهای خیر، مشروع است
- ۳۰۰..... برای زن وشوهر جواز دارد که دستان همدیگر را بیوسند
- ۳۰۱..... شیر دادن اطفال در حالت جنابت مانع شرعی ندارد

- بالا کردن دستها در دعای بعد از خوردن غذا در سنت ثابت نیست  
 ۳۰۲.....
- منع استفاده عطر برای خانمها در بیرون از خانه..... ۳۰۳  
 بهتر است که شاگردان هنگام داخل شدن معلم در صنف ایستاد  
 نشوند..... ۳۰۸
- رهنمودهای شرعی در مورد تعبیر خواب..... ۳۱۱
- فضیلت صلح بین مردم..... ۳۲۲
- فضیلت توبه گنهگار..... ۳۲۴
- بردن تحفه برای نامزادان در اول سال نو..... ۳۲۷
- برتری دادن پسران بر دختران..... ۳۲۸
- فلسفه رضی الله عنه گفتن..... ۳۳۱

### کتاب فکر و دعوت

- تأثیرات رفتار نیکو در کار دعوت اسلامی..... ۳۳۵
- سخت ترین مردم از روی ابتلا و آزمون دعوتگران میباشند..... ۳۴۴  
 دعوت و صبر دو کلمه لازم و ملزوم است، بدون صبر کردن دعوت  
 نتیجه بخش نمی باشد..... ۳۵۹



- در تربیه اطفال عادت دادن آنان بر مکارم اخلاقی و صفات شایسته  
 مهم است..... ۳۶۲
- معنی و مفهوم سنت حسنه و نیک..... ۳۶۳
- مهربانی و نرمخوی از مهمترین صفات دعوتگر بشمار میرود..... ۳۶۵
- ترانه های اسلامی یکی از مهمترین وسائل دعوت اسلامی بشمار  
 میرود..... ۳۶۸
- مسلمان بخاطر مستحبات باید فرائض و واجبات را ترک نکند.. ۳۷۰
- ژورنالستان مسلمان باید صداقت و راستی و عدم مبالغه را شعار خود  
 قرار دهند..... ۳۷۳
- اولاد امانت اند و باید در تربیه شان جدی باشیم..... ۳۷۳
- نقش دیدارهای عام خانوادگی در صله رحم..... ۳۷۸
- دشمنی با علماء و دعوتگران راستین دشمنی با اسلام است..... ۳۸۷
- وسطیت یگانه منهجی است که از آسمان تأیید شده..... ۳۹۱
- نقش عبادات در تثبیت اخوت و برادری اسلامی..... ۳۹۴
- احکام و آداب زندگی مسلمان در کشور های غیر اسلامی..... ۴۰۱
- گفتنی در مورد بحث و مباحثه با ملحدین فیسبوکی..... ۴۱۲
- جزای اشخاصیکه سبب گمراهی خانواده شان می شوند..... ۴۱۴

- داخل شدن داماد با عروس در سالون عروسی زنانه از رواجهای مخالف شریعت است..... ۴۱۶
- فوائد استقامت وثابت قدمی در زندگی مسلمان..... ۴۳۸
- راجح این است که حاضر شدن در ولیمه عروسی واجب است بشرطیکه منکرات وجود نداشته باشد..... ۴۴۲
- تصحیح برداشت غلط ونادرست از ناقص العقل بودن زنان وخوهران..... ۴۴۴
- مسلمان دعوتگر در هر جا که باشد باید مبارک وبا برکت واقع شود..... ۴۴۷
- اجر عبادت مسلمان کشورهای غیر اسلامی..... ۴۴۹
- آثار وفوائد نشر علم شرعی از طریق رسانه ها وشبکات اجتماعی..... ۴۵۲
- نشر احکام دین مبین اسلام ودعوت اسلامی تنها در مساجد منحصر نیست..... ۴۵۶
- کارهای ناجائز ونامشروع را که تعداد زیادی از مردم میدهند دلالت بر مشروعیت آن نمی کند..... ۴۵۸
- بندگی و فرمانبرداری از الله متعال (جل جلاله)..... ۴۵۸
- چگونه یک جوان میتواند در راه دعوت مؤثر واقع شود؟..... ۴۹۰

- ۴۹۳.....حکم نشر اعمال خیر در صفحات اجتماعی
- ۴۹۳.....دعوت فردی در زندگی دعوتگران مؤثریت زیاد دارد
- ۴۹۴.....حکم حمل و نقل گوشت خوک
- .....حکم همکاری نمودن و به کرایه دادن املاک به رسانه های فاسد
- ۵۰۷.....
- ۵۲۱.....فوائد ونتائج دعوت در راه الله متعال
- ۵۲۹.....برگزاری محافل دعوتی ودینی در مساجد جائز ومشروع است
- .....سوره یس را به نیت تلاوت بخوانیم، نه به نیت عمل به احادیث
- ۵۳۰.....ضعیف وموضوع
- ۵۳۲.....حکمت، اخلاق نیکو، شیوه زیبا را باید دعوتگر مراعات کند
- ۵۳۴.....اظهار خوشی و یا غمشریکی وهمدردی با مسلمانان جهان
- .....فتوای شرعی: وظیفه اجراء کردن وهمکاری نمودن با رسانه های
- ۵۳۶.....مفسد گناه متعدی است
- ۵۵۰.....صبر وشکیبائی برادران تبلیغی ما قابل تقدیر است
- .....در جماعت تبلیغ توازن عقیده وی وفکری وجود ندارد، اکثرا
- ۵۵۴.....مستحبات را بر فرائض ترجیح میدهند
- .....فضیلت، ثواب ومشروعیت وقف کردن وتجارت با الله سبحانه
- ۵۵۸.....وتعالی

- گفتنی در مورد دست بوسی علماء و بزرگان دعوت اسلامی ..... ۵۶۰
- خواهران در صدقه دادن از مردان پیشتاز شدند..... ۵۶۱
- ارسال نمودن پیامهای دینی تشویقی به دوستان فیسبوکی عمل نیکو است..... ۵۶۳
- اهمیت عبادات قلبی در زندگی مسلمان..... ۵۶۵
- چگونه می توانیم رهبری تمدن علمی را دوباره به مسلمانان برگردانیم؟..... ۵۸۲
- حلقه های درسی و تربیتی جوانان و نوجوانان درجه و ثواب مجلس ذکر را دارد..... ۵۸۷
- ترانه های حماسه آفرین اسلامی بهترین بدیل موسیقی مبتذل..... ۵۸۹
- در خانه اش دختر تولد شده، خانم خود مورد آزار و اذیت قرار داده..... ۵۹۱
- عالم و دعوتگر باید بعض قیود و حدود اخلاقی را در انتخاب کار و وظیفه خود مراعات کند..... ۵۹۳
- ورزش در صورتی جایز است که از واجبات و فرائض دور نسازد..... ۵۹۵
- هر که زمینه سازی بنیانگذاری کار خیر یا ناروا کند..... ۵۹۸

- چگونه می توانیم از وسائل جدید در نشر دعوت اسلامی استفاده کنیم؟.....۵۹۹
- از رفتن در یک عروسی که آداب اسلامی در آن مراعات نمی شد معذرت کردم.....۶۰۳
- حکم رفتن به بورسیه های تحصیلی که خطر گمراهی محصلین باشد.....۶۰۵
- دشنام دادن علمای راستین بزرگترین گناه در روی زمین است.....۶۰۶
- آموختن و تعلم علم تجوید بر علماء وائمه مساجد و معلمین قرآن کریم فرض عین است.....۶۰۷
- الله متعال فرموده است که: ( لیبلوکم أیکم أحسن عملا ) و نگفته که ایکم اکثر عملا.....۶۰۸
- فرصتها دعوتی وچالشها وموانع سر راه آن.....۶۰۹
- فرق بین حلقه های قرآن خوانی و ختم های مروجه کرایبی.....۶۲۳
- علمای راستین چراغان با افتخار جامعه ما اند.....۶۲۵
- آیا مکلفیت انسان در همین جا ختم میشود که خودش نیکو کار باشد؟.....۶۴۱

- تجلیل از روز معلم بخاطر بیان جایگاه معلم عادت مشروع است  
 ۶۴۴.....
- اهمیت مضمون ثقافت اسلامی در زندگی محصلین وجوانان .... ۶۶۲  
 علم نافع علم سودمند را گویند که آثار آن در سلوک و رویه عالم  
 ظاهر شود..... ۶۶۸
- اشتراک نمودن در مسابقات فرهنگی که سبب نشر علم شرعی می  
 شود کار خیر است..... ۶۷۰
- چگونه غیبت را از مجالس خانمها منع کنیم و یا کاهش دهیم؟  
 ۶۷۱.....
- زنان مسلمان و متعهد هموطن ما که باید به آنان فخر کرد و بالید  
 ۶۷۴.....
- حکم عضویت داشتن در احزاب و جریانهای سکولر و قومگرا؟..... ۶۷۷  
 پیامدهای ترک کردن قرآن کریم و به فراموشی سپردن آن..... ۶۸۰  
 حضور یافتن در مجالس فسق و فجور و سکوت کردن در برابر آن  
 گناه بزرگ است..... ۶۸۳
- اگر دعای مسلمان به شکل عاجل قبول نمی شود آیا در آن کدام  
 حکمت الهی نهفته است؟..... ۶۹۲

دوستی رسول الله صلی الله علیه وسلم عمل کردن به سنت او  
است..... ۶۹۵

دوستی، ومحبت رسول الله صلی الله علیه وسلم در عمل به سنت  
تحقق می یابد نه در پختن شیربرنج..... ۶۹۶

مقوله مانعین ومنکرین دعوت که: " عیسی بدینش وموسی بدینش  
" مخالف شریعت است..... ۶۹۸

برای مسلمان دعوتگر جایز نیست که قرآن کریم را برای غیر  
مسلمان بدهد..... ۷۰۳